
بسم الله الرحمن الرحيم


فمنهم من قضی نحبه و منهم من ینتظر و ما بدلوا تبدیلا
بنیاد
شهید
و امور ایثارگران
۱۳۵۸
معاونت فرهنگی و آموزشی

بنیاد شهید و امور ایثارگران
معاونت فرهنگی و آموزشی

دوفصلنامه شاهد اندیشه

دوره سوم، شماره ۲، (پیاپی ٦)، پاییز و زمستان ۱٤۰۱



دوفصلنامه شاهد اندیشه

دوره سوم، شماره ۲، (پیاپی ٦)، پاییز و زمستان ۱۴۰۱

صاحب‌امتیاز: بنیاد شهید و امور ایثارگران

مدیرمسئول: رحیم نریمانی

سردبیر: احمدعلی قانع

مدیر اجرایی: سیده فاطمه رضایی

ناظر فنی: پرستو سلیمانی

صفحه‌آرا: علی کرمی

ویراستار: شهناز شفیع‌خانی

طراح جلد: سیدمحمدامین موسوی

چاپخانه: کوثر

فصلنامه شاهد اندیشه بر اساس مجوز انتشار به شماره ثبت ۸۵٤٦۵ معاونت امور مطبوعات و اطلاع‌رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از بهار ۱۴۰۰ به دو فصلنامه تغییر وضعیت شد.
نشانی: خیابان طالقانی، جنب وزارت جهاد کشاورزی، کوچه غفارزاده، معاونت فرهنگی و آموزشی، طبقه ششم، اداره کل اسناد و انتشارات، دفتر فصلنامه.

تلفن: ۸۳۲۳۲٦۴۹-۰۲۱
سامانه ارسال مقالات:
http://www.shahedeandisheh.ir
بهای تک‌شماره: ۸۰۰۰۰۰ ریال

سخن مدیرمسئول

در تاریخ کشور عزیزمان ایران اسلامی وقایع زیادی به ثبت رسیده است که همه بیانگر فرهنگ غنی و ارزشمند مردم این مرزوبوم است؛ اما در ارزش‌های فرهنگی، بارزترین و مؤثرترین پارامتر روحیه مقاومت، ایستادگی، ایثار و شهادت‌طلبی است که همیشه تاریخ به‌عنوان قدرت بازدارندگی برای استعمارگران در تنظیم معادلات جهانی، طمع‌ورزی و تهاجم موردتوجه بوده است؛ بنابراین، شناخت علمی مؤلفه‌ها، تقویت، ترویج و تعمیق این ارزش‌های والای فرهنگی به‌صورت اصولی و به‌طور مستقیم در اقتدار، عزتمندی و استقلال کشور تأثیر دارد و این نشریه علمی درصدد است با تبیین مفاهیم علمی به‌عنوان درگاهی برای جمع‌آوری و انتشار اندیشه‌ها و پژوهش‌های علمی در این راستا ایفای نقش نماید و فرهنگ غنی ایثار و شهادت را به یاد شهیدان و امام شهیدان بسط و گسترش دهد. ان‌شاءالله

دربارهٔ مجله

شاهد اندیشه مجله‌ای است که تحقیقات نظری و تجربی در حوزهٔ ایثار اجتماعی در جامعه با استفاده از یافته‌های علمی و تخصصی را منتشر و می‌کوشد آخرین یافته‌های پژوهشگران در این رشته را معرفی کرده و تحقیقات تجربی در حوزه‌های مربوط را منتشر کند. این مجله علاقه‌مند است دیدگاه نقادانه در این قلمرو را بسط و گسترش دهد و هدف مجله بسترسازی علمی برای استفاده حداکثری از مقوله ایثار و شهادت در توسعه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی کشور.

محورهای موضوعی دوفصلنامه «شاهد اندیشه» بدین قرار است:

♣ بررسی نظریه‌های روان‌شناختی و جامعه‌شناختی در زمینۀ ایثار اجتماعی؛

♣ کاربرد نظریه‌های جامعه‌شناسی دین در تحلیل روحیه شهادت‌طلبی و ایثارگری؛

♣ بررسی بین نسلی نگرش به ایثار، شهادت و دفاع مقدس؛

♣ بررسی میزان اثربخشی قوانین حمایتی برای ایثارگران و خانواده‌هایشان؛

♣ بررسی آسیب‌های روان‌شناختی مرتبط با جانبازان، ایثارگران و خانواده‌هایشان؛

♣ نقش روحیه ایثارگری در توسعه کشور؛

♣ شناسایی عوامل آسیب‌زا در جهت ترویج روحیۀ ایثار و شهادت در جامعه؛

♣ بررسی برنامه‌های توانبخشی ایثارگران در مقابله با آسیب‌های اجتماعی؛

♣ بررسی تأثیر اردوهای راهیان نور در ترویج فرهنگ ایثار و شهادت در جامعه؛

♣ نقش ورزش در سلامت روحی و روانی ایثارگران و جانبازان؛

♣ نقش دانشگاه شاهد ـ ایثارگران ـ فرزندان شهدا و ایثارگران در توسعه کسب‌وکارهای دانش‌بنیان؛

♣ نقش ایثارگران در توسعۀ کارآفرینی؛

♣ نقش روحیه ایثارگری در محرومیت‌زدایی (در قالب اقداماتی چون اردوهای جهادی)؛

♣ واکاوی انگیزه‌های ایثار و شهادت‌طلبی در شهدا و رزمندگان مدافع حرم؛

*** منظور از دفاع مقدس: (دفاع هشت سال مقدس، دفاع از حرم، دفاع از امنیت، دفاع عالمان دینی از دین و اعتقادات و ...).**

نکات ضروری در تهیه و ارسال مقاله

مقاله ارسال‌شده نباید پیش‌ازاین، در هیچ‌یک از نشریه‌های داخلی یا خارجی چاپ شده باشد.

مسئولیت حفظ حقوق دیگر مؤلفان، برعهده نویسنده مسئول است و تنها با او تماس گرفته یا مکاتبه خواهد شد. مجله، مسئولیتی در قبال دعاوی بین نویسندگان و نیز نویسندگان و سایر مراجع ندارد.

در مقاله‌های برگرفته از پایان‌نامه‌ها یا طرح‌های پژوهشی دانشگاه‌ها و سازمان‌ها، ذکر تاریخ انجام پژوهش، نام استادان راهنما و مشاور، دانشگاه یا سازمان مربوط و منابع مالی و اعتباری طرح پژوهشی ضروری است.

مقاله‌های دریافت شده پس از پذیرش اولیه در هیأت تحریریه، برای ارزیابی، دست‌کم به دو نفر از داوران صاحب‌نظر و کارشناس در زمینه موضوع مقاله، بدون نام نویسنده، ارسال خواهند شد. پذیرش نهایی بر اساس نظر داوران و منوط به موافقت هیأت تحریریه است.

نویسنده موظف است تمام موارد پیشنهادشده از سوی کارشناسان را اصلاح کند. اعمال اصلاحات پیشنهادی از سوی نویسنده، به‌منزله پذیرش مقاله نیست و پس از آن، مقاله، بار دیگر مورد بررسی و ارزیابی قرار خواهد گرفت.

مقاله‌های پذیرش‌شده بر اساس نوبت و با توجّه به موضوع مجله، به چاپ خواهند رسید اما آن دسته از مقاله‌های پژوهشی که دارای جنبه‌هایی از ابتکار، نوآوری و به‌روز بودن منابع هستند، بر سایر مقالات مقدم شمرده می‌شوند.

مسئولیت علمی مقاله بر عهده نویسنده یا نویسندگان آن است و دیدگاه‌های نویسندگان مقالات، لزوماً دیدگاه مجله نیست.

مقاله، باید در قالب Word، با قلم Blotus و شماره ۱۲ از طریق سامانه اینترنتی فصلنامه به آدرس WWW.Shahedeandisheh.ir ارسال شود.

دوفصلنامه شاهد اندیشه در پذیرش، رد، تلخیص و ویرایش مقالات آزاد است.

فهرست

دوفصلنامه شاهد اندیشه / دوره سوم/ شماره ۲ / پیاپی ٦/ پاییز و زمستان ۱٤۰۱/ ۲٤-۹
Two Journal Of Shahede Andisheh Autumn & Winter 2022: 9-24

اشاعۀ فرهنگ ایثار و نقش آن در تحقق توسعۀ فرهنگی

فاطمه رادان[۱]

چکیده

با نگاهی به مقولۀ توسعه، می‌توان فرهنگ را محیط مهمی برای توسعۀ اقتصادی، سیاسی و اجتماعی دانست که ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی با تحت تأثیر قرار دادن دیگر ابعاد توسعه، خود نیز مسیر توسعه را بهتر می‌پیمایند و با ارتباط شایسته با بخش‌های مختلف جامعه، امکان تحقق توسعۀ پایدار را فراهم می‌سازند. توسعۀ همه‌جانبه، برآیند رشد متوازن تمام عناصر جامعه است که این عناصر با کارکرد متناسب و ارتباط مؤثر با یکدیگر در جهت اهداف مادی و غیرمادی توسعه موجب رشد و تعالی جامعه می‌شوند. توسعۀ فرهنگی به دنبال تغییر در حوزه‌های ادراکی، شناختی، ارزشی و گرایش انسان‌ها در شئون فردی و اجتماعی شکل می‌گیرد. ایثار در مال و جان، ارزشی قابل‌توجه در فرهنگ‌ها محسوب می‌شود. امروزه با توجه به نقش بنیادین فرهنگ در زندگی اجتماعی انسان در حوزۀ توسعه، اشاعه فرهنگ ایثار در توسعۀ فرهنگی قابل‌تأمل به نظر می‌رسد. این پژوهش کیفی با استناد به منابع موجود، درصدد توصیف فرهنگ ایثار و نقش آن در تحقق توسعۀ فرهنگی صورت گرفته و نتیجه مبین آن است که فرهنگ و عناصر آن به‌شدت بر فرایند توسعه تأثیرگذارند و تحقق توسعۀ فرهنگی نیازمند رشد و گسترش فرهنگ ایثار به معنی ازخودگذشتگی در مال و جان اعضای جامعه است. ازاین‌رو تقویت و اشاعه فرهنگ ایثار نقش مهمی در تحقق توسعۀ فرهنگی جامعه دارد. تأکید بر رشد ارزش‌های انسانی به‌موازات رشد مؤلفه‌های مدیریتی، مالی، علمی و فنّاوری در جامعه، مسیر تحقق توسعه فرهنگی را هموارتر می‌سازد.

واژگان کلیدی

ایثار، توسعه فرهنگی، فرهنگ.

تاریخ دریافت: ۱٤۰۱/۰۷/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱٤۰۱/۰۸/۱۸

۱. استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. f.radan@pnu.ac.ir

❖ مقدمه

مباحث توسعه در بسیاری از علوم به‌ویژه علوم انسانی و اجتماعی همواره موردتوجه قرارگرفته‌اند. بخشی از توسعه به رشد مادی و عینی محدود می‌شود که نظر صاحب‌نظران و فعالان اقتصادی را به خود جلب کرده است. در کنار توسعه اقتصادی، توسعه سیاسی، توسعه اجتماعی، توسعه انسانی و توسعه فرهنگی نقش مهمی در توسعه پایدار ایفا می‌کنند. پیش‌تر و بیش‌تر رشد و توسعه اقتصادی عامل پیشرفت جوامع به نظر می‌رسید و این عقیده به‌مرور متحول شد به شکلی که امروزه صاحب‌نظران توسعه معتقدند به‌موازات توسعه اقتصادی، رشد و توسعه در سایر ابعاد زندگی انسان نیز ضروری است. مفهوم توسعهٔ فرهنگی توسط سازمان یونسکو در دههٔ ۶۰ میلادی در جهان رواج یافت. این سازمان در جلسات گوناگونی شرایط توسعه موزون و آگاهانه را به‌صورت برنامه‌ریزی آموزشی، سیاست فرهنگی و سیاست اطلاعاتی در دستور کار خود قرار داد. توسعهٔ فرهنگی از نظر سازمان جهانی یونسکو به معنی توسعه و پیشرفت زندگی فرهنگی یک جامعه با هدف تحقق ارزش‌های فرهنگی است، به شکلی که با وضعیت کلی توسعه انسانی، اقتصادی و اجتماعی جامعه هماهنگ باشد. توسعهٔ فرهنگی را می‌توان فرایند ارتقاء شئون گوناگون فرهنگ جامعه یعنی نگرش‌ها، ارزش‌ها، هنجارها، قوانین و آداب‌ورسوم در راستای اهداف مطلوب دانست که زمینه‌ساز رشد و تعالی انسان‌ها خواهد بود. فرهنگ در بُعد عمومی نشأت گرفته از همان اندیشه تایلر است که «فرهنگ را مجموعه‌ای از توانایی‌ها، شناخت، باورها، اشیا، فنون، هنرها و قوانین می‌دانند که هر انسانی از جامعه‌ای که در آن عضو است، دریافت می‌کند» (فکوهی، ۱۳۷۹: ۲۴۵). در بُعد تاریخی فرهنگ به‌عنوان یک میراث انسانی - اجتماعی و سنتی موردتوجه قرارگرفته است؛ که نسل به نسل آن را توسعه داده‌اند و به سایر نسل‌ها اشاعه و انتقال داده شده است. در بُعد رفتاری فرهنگ را باید یکسری از رفتارهای مشترک نشاءت گرفته از هنجارها و ارزش‌های جامعه دانست که افراد جامعه از همان کودکی به آموزش و یادگیری آن پرداخته‌اند؛ و در قالب فرایند اجتماعی شدن می‌توان آن را موردبررسی و مطالعه قرار داد. فرهنگ در قالب ارزشی اشاره به مجموعه‌ای از ارزش‌های جامعه و ضوابط اجتماعی می‌کند؛ که باید دریک جامعه برای رسیدن به سعادت و توسعه افراد، آن را به کار برد. ایثار به معنی مقدم دانستن دیگران بر

خود، از ارزش‌های فرهنگی است که در طول تاریخ زندگی بشر جلوه‌های گوناگونی داشته و همواره موجب رشد و تعالی انسان‌ها شده است. با توجه به اهمیت فرهنگ در توسعه فرهنگی و نقش آن در توسعه پایدار از یک‌سو و جایگاه ایثار در عناصر فرهنگی از سوی دیگر، این سؤال مطرح است که اشاعه فرهنگ ایثار چه نقشی در تحقق توسعه فرهنگی جامعه دارد؟

این پژوهش با هدف توصیف فرهنگ ایثار و نقش آن در توسعۀ فرهنگی جامعه صورت گرفته است.

پیشینه پژوهش

در بین پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه فرهنگ ایثار در طول سالیان اخیر، می‌توان بـه تحقیـق قدمی کارمزدی (۱٤۰۰) با عنوان «جایگاه ترویج فرهنگ ایثار و شهادت از منظر قران و روایات» اشاره کرد که به روش تحلیلی و توصیفی صورت گرفته که با بیان معنی و مفهوم ایثار و شهادت در قران و روایت، به توصیف اقسام ایثار، فواید ایثار و عوامل و موانع مؤثر بر ترویج فرهنگ ایثار و شهادت پرداخته و ایثار و شهادت را رفتار هوشمندانه و هدفمند ذکر کرده است.

قاسم‌پور و همکاران (۱۳۹۸) پژوهشی با عنوان «اثرات فرهنگ ایثار و شهادت بر رفتار شهروند با تأکیـد بر نقش میانجی سرمایه اجتماعی» انجام داده‌اند. این تحقیق کاربردی و از نوع توصیفی پیمایشـی و ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه‌های استاندارد است. جامعه آمـاری آن شـامل کارکنـان دانشگاه ایلام به تعداد ٤۸٥ نفر است که ۲۱٥ نفر از آن‌ها بـه روش تصـادفی سـاده به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که فرهنگ ایثار و شهادت و مؤلفه‌هـای آن (عمل صالح و پرهیزکاری، مردم‌داری، عدم تعلق به دنیا و خدامحوری) هم به‌طور مسـتقیم و هم از راه تقویت سرمایه اجتماعی بر رفتار شهروند سـازمانی تـأثیری معنـادار و مثبـت دارد.

ملکی، هاشمیان و آقا محمدی (۱۳۹٤) در پژوهشی با عنوان «راهبردهای توسعه فرهنگی از دیدگاه امام علی (ع): ابعاد و مؤلفه‌ها» به بررسی شاخص‌های فرهنگیِ پیشنهادی از سوی دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی شامل اخلاق، عقلانیت، عدالت، هویت، سرمایه و نظم اجتماعی، وحدت و انسجام، استقلال فکری و ملّی، کالا و خدمات فرهنگی، بهداشت جسمی

و روانی، تعاملات بین‌المللی، کرامت و آزادی انسانی و خانواده، در پرتو سخنان امام علی (ع) پرداختند و آشکار شد که توسعه و رشد فرهنگ اسلامی و عناصر تشکیل‌دهنده آن، زمینه‌ساز توسعه و تعالی حقیقی و همه‌جانبه جامعه اسلامی در تمامی عرصه‌ها می‌گردد؛ بنابراین، آموزه‌های اسلام نه‌تنها با مؤلفه‌های توسعه فرهنگی به‌عنوان پیش‌شرط اصلی هرگونه ترقی و پیشرفت، مشکلی ندارد بلکه مشوق نیز است. آنان معتقدند اگر همین آموزه‌ها به شکل اولیه و ناب خود در فرهنگ مسلمانان جریان یابد، یقیناً کالبد امت اسلامی رمق تازه‌ای می‌گیرد؛ عزت و شکوه واقعی خویش را بازمی‌یابد و از این طریق به مراحل عالی‌تری از پیشرفت و ترقی در ابعاد مادی و معنوی دست پیدا می‌کند.

محمدحسین پناهی (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «توسعه فرهنگی ضرورت توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی» با اشاره به چرخش فرهنگی در دهه‌های اخیر به تبیین فرهنگ، توسعه فرهنگ و توسعه فرهنگی و اهمیت آن‌ها برای توسعه یا پیشرفت اسلامی ـ ایرانی همه‌جانبه، متوازن و پایدار در جمهوری اسلامی ایران، پیشنهادهای نظری و عملیاتی نیز ارائه داده است.

سعادت (۱۳۹۲) در پژوهشی باعنوان «نقش اسلام در توسعه فرهنگی» مهم‌ترین دلایل شکل‌گیری و اهمیت توسعه فرهنگی را دعوت به تعقل، تأکید بر علم و اندیشه، پیوستگی میان دنیا و آخرت، تأکید بر نقش و اهمیت کار، حرمت اسراف و تبذیر، مذمت فقر، مبارزه با خرافات، باور به برخورداری از قدرت و عزت، اهمیت آزادی بیان و باور به تعامل فرهنگی و تأکید بر آن ذکر کرده است.

با توجّه به تحقیقات انجام‌شده، تاکنون پژوهش‌های محدودی در زمینه توسعه، به‌ویژه توسعهٔ فرهنگی با نگرش اسلامی صورت پذیرفته است. ازاین‌رو، انجام پژوهشی که بتواند به مؤلفه‌های اصلی توسعه فرهنگی بپردازد، امری ضروری است و این امکان را به وجود می‌آورد که در پرتو منابع فرهنگی و دینی، شاخص‌های توسعهٔ فرهنگی شناسایی و تبیین شوند.

روش پژوهش

روش‌های پژوهش در علوم اجتماعی مبتنی بر دو بینش اثباتی ـ تجربی و تفهمی ـ تفسیری است و در چارچوب این دو بینش، روش‌های کمی و کیفی و یا ترکیبی از آن‌ها برحسب موضوع و مسئله تحقیق بکار می‌رود. «پژوهش کیفی عمدتاً به‌صورت توصیفی است و پژوهشگر به فرایند معنی و درک حاصل از واژگان و تصاویر تمایل دارد؛ درواقع پژوهش کیفی یک پژوهش تفسیری و مبتنی بر روش‌شناسی تفسیری است و علت اصلی شکل‌گیری آن، اعتقاد طرفداران این نوع پژوهش به ضعف روش‌های اثباتی در بررسی پدیده‌های اجتماعی است. پژوهش کیفی می‌تواند همانند پژوهش کمی در همه زمینه‌های زندگی اجتماعی از قبیل مطالعه زندگی افراد، تجارب زنده، رفتارها، هیجانات و احساسات آنان و همچنین عملکردهای سازمانی، تحرکات اجتماعی، پدیده‌های فرهنگی و تعاملات میان ملل بکار رود» (ساعی ارسی، ۱۳۸۹: ٦۲-٦۱). «پژوهش کیفی به‌طورکلی در مورد کنش‌های اجتماعی، ادراکی انسان‌گرایانه و پدیدار شناختی دارد و ازاین‌رو هدف خود را تلاش برای دیدن از دیدگاه بازیگران انسانی قرار داده و در گردآوری، تحلیل و تفسیر داده‌ها از روش‌های انعطاف‌پذیری‌تری استفاده می‌کند. پژوهش کیفی مستقیماً و به‌طور مستمر، فرایندهای زمینه‌ای و بنیادی سلسله وقایع و موقعیت‌های مختلف را در توالی زمانی آن‌ها در نظر می‌گیرد و نشان می‌دهد که این وقایع و موقعیت‌ها چگونه به نتایج ویژه‌ای منجر می‌شوند» (حریری، ۱۳۸۵: ۱۰-۵). در این مقاله برای پاسخ به سؤال اصلی تحقیق حول محور فرهنگ ایثار و توسعهٔ فرهنگی از منابع و اسناد موجود کتابخانه‌ای، بهره گرفته‌شده است.

یافته‌های پژوهش

توسعه

رشد اقتصادی به معنی افزایش شاخص‌های اقتصادی، نظیر تولید ناخالص ملی یا درآمد سرانه در یک دوره زمانی مشخص که بر کاهش فقر، نابرابری و بیکاری تأکید می‌کند. «توسعهٔ اقتصادی فرایندی است که طی آن شالوده‌های اقتصادی و اجتماعی جامعه دگرگون می‌شوند، به‌طوری‌که حاصل چنین دگرگونی و تحولی در درجه اول کاهش نابرابری‌های اقتصادی و

تغییراتی در زمینه تولیدی، توزیع و الگوهای مصرف جامعه خواهد بود» (ازکیا و غفاری، ۱۳۸٤: ٤٥–٤٢). مفهوم توسعهٔ سیاسی ازجمله مفاهیمی است که در حوزه توسعه اهمیت دارد. «لوسین‌پای[1] از توسعهٔ سیاسی به‌عنوان تقویت‌کننده ارزش‌های دموکراسی نظام سرمایه‌داری غرب یاد می‌کند و مشارکت توده‌ای، وجود نظام‌های چندحزبی، رقابت‌های انتخاباتی، ثبات سیاسی و پرهیز از تنش در ساختار سیاسی را به‌عنوان شرایط لازم برای تحقق توسعهٔ سیاسی می‌شناسد. توسعهٔ سیاسی فرایندی است که زمینهٔ لازم را برای نهادی کردن تشکل و مشارکت سیاسی فراهم می‌کند که حاصل آن افزایش توانمندی یک نظام سیاسی است» (ازکیا و غفاری، ۱۳۸٤: ٥۱). توسعهٔ اجتماعی با توزیع مجدد منابع بر ارتقا سطح زندگی عمومی اعضای جامعه متمرکز است و با بهینه‌سازی تغذیه، بهداشت، مسکن، اوقات فراغت و آموزش موجب افزایش کیفیت زندگی می‌شود. «فرایند توسعهٔ فرهنگی محصول سازوکارهای تاریخی، سیاسی، اجتماعی و خانوادگی است که به‌تدریج شکل می‌گیرد و به‌تدریج هم تغییر می‌کند و یا از بین می‌رود، در این نوع توسعه، فرهنگ از سطحی ساده و ابتدایی در یک سلسله مراحل متوالی به اشکال پیشرفته و تکامل‌یافته‌تری تبدیل می‌گردد» (تصدیقی و همکاران، ۱۳۸۵: ۵۸). در مطالعات جدید، توسعهٔ انسانی بخش مهمی از توسعه محسوب می‌شود که بر پایه تربیت انسان‌ها شکل می‌گیرد. جیمز هکمن[2]، معتقد است بسیاری از مشکلات جوامع به سطح پایین مهارت‌ها، توانایی‌ها و نابرابری در حال رشد در جامعه برمی‌گردد و حل این مشکل را یادگیری باکیفیت در کودکی و تقویت مهارت‌های مفید می‌داند. «مهارت‌ها، افراد را توانمند می‌کنند. آن‌ها ظرفیت‌هایی برای عمل هستند و این امکان را به مردم می‌دهند که بتوانند زندگی خود را شکل دهند، مهارت‌های جدید ایجاد کنند و شکوفا شوند. مهارت‌ها به‌طور ذاتی متعدد هستند و انواع وظایف، به مهارت‌های مختلف در سطوح و نسبت‌های مختلف نیاز دارند. مهارت‌های شناختی شامل توانایی‌های ذهنی مورداستفاده در فعالیت‌های فکری مانند خواندن، نوشتن و حساب است. اصطلاح مهارت‌های غیر شناختی شامل ویژگی‌های شخصیتی، نگرش‌ها و انگیزه‌ها هستند. مهارت‌های شناختی و غیر شناختی به‌شدت تحت تأثیر محیط‌های

1. Pye, Lucian
2. Heckman, James

خانوادگی هستند. مهارت‌های شناختی برای موفقیت در زندگی لازم هستند، اما برای بسیاری از جنبه‌های عملکرد در زندگی اجتماعی، کافی نیستند و بخش قابل‌توجهی از شواهد نشان می‌دهد که مهارت‌های غیر شناختی در مقایسه با مهارت‌های شناختی دستاوردهای بیشتری در زندگی دارند» (منتظری و رنانی، ۱۴۰۱: ۶۲-۴۱). توسعه فرهنگی شکلی از توسعه مبتنی بر فرهنگ است در این رویکرد همه ابعاد جامعه ماهیت فرهنگی دارند. «همه ابعاد جامعه ماهیتی معنایی و نمادین داشته و انسان و همه فعالیت‌های او حاوی ماهیتی معنایی و نمادین خواهد بود، در این رویکرد همان اندازه که بخش فرهنگ حاوی ابعاد اقتصادی مهمی است، بخش مهمی از فعالیت‌های اقتصادی و تولید و توزیع را به خود اختصاص می‌دهد، بخش اقتصادی هم حاوی ابعاد مهم فرهنگی است و در ساختن هویت، سبک زندگی، طرز تفکر و نگرش انسان‌ها اثرگذار است. سیاست اساساً ماهیت فرهنگی دارد چه سیاست داخلی و چه سیاست خارجی. فرهنگ با همه نهادها و رفتارها و هویت‌های اجتماعی درآمیخته است به‌عبارت‌دیگر هر چیزی فرهنگی است» (پناهی، ۱۳۹۳: ۲۳-۱). «بنیان همه فرهنگ‌ها، تصورات و اندیشه‌هایی است که مشخص می‌کنند چه چیزی مهم، ارزشمند، مطلوب و پسندیده است. این تصورات انتزاعی، یا ارزش‌ها، به آدمیان در تعامل با دنیای اجتماعی معنا می‌دهند و آن‌ها را هدایت می‌کنند. هنجارها قواعدی برای رفتارند که ارزش‌های یک فرهنگ را منعکس می‌کنند یا تجسم می‌بخشند. ارزش‌ها و هنجارها در کنار یکدیگر به چگونگی رفتار اعضای یک فرهنگ در محیط اجتماعی‌شان شکل می‌دهند. ارزش‌ها و هنجارها ریشه‌های عمیقی دارند، اما می‌توانند در طول زمان تغییر کنند» (گیدنز و همکار، ۱۳۹۷: ۳۵). در فرایند جهانی شدن، تحقق توسعهٔ پایدار که هدف اصلی همه جوامع است، تحت تأثیر دو مقوله تأثیرات جهانی و ویژگی‌های خاص هر کشوری قرارگرفته است. ذخایر فرهنگی جامعه با تأثیرپذیری و تأثیرگذاری دیگر بخش‌های جامعه، توان تغییر و دگرگونی پیدا می‌کنند. ذخایر فرهنگی انباشتی از ارزش‌ها و هنجارهایی است که ریشه در تاریخ جامعه دارد. ایثار یا ازخودگذشتگی از ذخایر فرهنگی کشور ایران است که در برهه‌های گوناگون تاریخی تجلی‌یافته است.

❖ توسعهٔ فرهنگی

«توسعهٔ فرهنگی با دو معنای کاملاً متفاوت بکار برده می‌شود: در یک معنا ترکیب «توسعهٔ فرهنگی» ترکیبی اضافی است، واژه «فرهنگی» مضاف‌الیه برای توسعه است. در این صورت منظور توسعهٔ کمی و کیفی فرهنگ و سیاست‌های مرتبط است. هدف توسعهٔ فرهنگی فراهم آوردن اسباب دسترسی توده‌های مردم به فرهنگ و مشارکت آنان در زندگی فرهنگی است. بدین ترتیب دو عامل دسترسی و مشارکت اهمیت می‌یابد. با توجه به دو جنبه دسترسی و مشارکت در حوزه فرهنگ، درواقع توسعهٔ فرهنگی یک فرایندی خواهد بود که در آن رشد و توسعهٔ فرهنگی و رشد و تعالی انسانی هم‌زمان و دست‌به‌دست هم قابل تحقق است. بدین‌سان انسان در تلاش برای توسعهٔ فرهنگی سبب رشد و تعالی و خودشکوفایی خودش می‌گردد؛ اما در ترکیب دیگرِ «توسعهٔ فرهنگی» مفهوم «فرهنگی» صفت برای توسعه است و نه مضاف‌الیه. درنتیجه «توسعهٔ فرهنگی» به این معنی است که «توسعه» باید «فرهنگی» باشد و ماهیت فرهنگی داشته باشد، یا توسعه باید مبتنی بر فرهنگ باشد. به‌عبارت‌دیگر، همه انواع توسعهٔ اقتصادی، اجتماعی و سیاسی باید مبتنی بر فرهنگ باشد و ماهیت فرهنگی داشته باشد. با این رویکرد، در ابتدای امر در دهه هفتاد توجه به بُعد فرهنگی توسعه معطوف گردید، به این معنی که استفاده از داده‌های فرهنگی یکی از شرایط و عوامل اصلی موفقیت برنامه‌های توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی متوازن است. با این نگرش پیشنهاد شد در برنامه‌های توسعهٔ اقتصادی به بُعد فرهنگی آن‌ها توجه داشته باشیم؛ یعنی باید به پیامدهای فرهنگی برنامه‌های توسعهٔ اقتصادی توجه داشته باشیم که از الگوهای توسعهٔ اقتصادی نامناسب، وارداتی و تخریب‌کننده فرهنگ و هویت مردم استفاده نشود؛ و هم به این معنی که فرهنگ سهم بسزایی در رشد اقتصادی دارد، به‌طوری‌که بدون هماهنگی برنامه‌های توسعهٔ اقتصادی با وضعیت و شرایط فرهنگی موجود جامعه، توسعهٔ اقتصادی نمی‌تواند در بلندمدت موفق باشد. توسعهٔ اقتصادی پایدار مستلزم در نظر گرفتن فرهنگ جامعهٔ موردنظر ویژگی‌های آن است. موضوع بُعد فرهنگی توسعه در دهه هشتاد میلادی به عوامل، متغیرها و آثار فرهنگی توسعه می‌پرداخت. فرهنگ را دیگر به‌عنوان بُعد کمک و یاری‌دهنده یا زینت‌بخش توسعه در نظر نمی‌گرفتند، بلکه به فرهنگ به‌مثابه بافت جامعه در ارتباط با توسعه و به‌عنوان نیروی درونی جامعه توجه

می‌کردند در این صورت باید عوامل فرهنگی به‌عنوان جزء لاینفک برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در نظر گرفته شوند و به بسترهای تاریخی و اجتماعی و فرهنگی جامعه موردنظر توجه کامل بشود تا توسعۀ متوازن و پایداری امکان‌پذیر گردد. با این رویکرد بود که دهه ۱۹۸۸ تا ۱۹۹۷ توسط سازمان یونسکو به‌عنوان دهه توسعۀ فرهنگی جهانی پیشنهاد شد تا این نگاه فرهنگی به توسعه، در سراسر جهان موردتوجه قرار گیرد و نگاه حاشیه‌ای به حوزه فرهنگ کنار گذاشته شود. در نگاه حاشیه‌ای به فرهنگ، هر زمان منابع موردنیاز برای توسعۀ اقتصادی دچار مضیقه می‌شد از بودجۀ بخش فرهنگ کاسته می‌شد، چون این بخش اهمیت کمتری نسبت به سایر بخش‌های توسعۀ اجتماعی داشت؛ اما این تنها رویکرد به بحث توسعۀ فرهنگی نیست. رویکرد دیگر از بُعد فرهنگی توسعه فراتر رفته و اساساً توسعۀ مناسب را توسعه‌ای ماهیتاً فرهنگی می‌داند. به‌عبارت‌دیگر، برای اینکه توسعۀ واقعی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در جامعه‌ای تحقق بپذیرد باید اساس آن فرهنگی باشد، نه اینکه مثلاً توسعۀ اقتصادی با بُعد فرهنگی باشد. این رویکرد با پذیرش پیش‌فرض‌های چرخش فرهنگی امکان‌پذیر است. در این رویکرد همه ابعاد جامعه، فرهنگی دیده می‌شود و هیچ نقطه‌ای از جامعه، اعم از اقتصادی و اجتماعی خارج از مقوله فرهنگ قرار نمی‌گیرد. جامعۀ انسانی جامعه‌ای فرهنگی دیده می‌شود که حاوی ابعاد فرهنگ اقتصادی، فرهنگ اجتماعی و فرهنگ سیاسی است؛ یا اینکه جامعه دارای اقتصاد فرهنگی و سیاست فرهنگی است. با این نگاه، همۀ ابعاد جامعه ماهیتی معنایی و نمادین داشته و انسان و همه فعالیت‌های او حاوی ماهیتی معنایی و نمادین خواهد بود» (پناهی، ۱۳۹٤: ۲۳-۱). «مقصود از توسعۀ فرهنگی، ایجاد شرایط و امکانات مادی و معنوی مناسب برای افراد جامعه به‌منظور شناخت جایگاه آنان و رشد و افزایش علم و دانش و معرفت انسان‌ها و همچنین آمادگی برای تحول و پیشرفت و پذیرش اصول کلی توسعه، نظیر قانون پذیری، نظم و انضباط، بهبود روابط اجتماعی و انسانی و افزایش توانایی‌های علمی و اخلاقی و معنوی برای همه افراد جامعه است» (ملکی و همکاران، ۱۳۹٤: ۳٤-۹).

❖ فرهنگ

لاپیر[1] در تعریف و تبیین فرهنگ، آن را در سه‌نظام مستقل تقسیم‌بندی و تشریح کرده است:

نظام ایدئولوژیک: متشکل از تصورات، عقاید، ارزش‌ها و شیوه‌های استدلالی که انسان‌ها برای تعریف این‌که چه چیز نامطلوب است را می‌آموزند. این بخش یا نظام را او جزء روانی فرهنگ دانسته و تصور راجع به مابعدالطبیعه، دموکراسی، آزادی، صداقت، وفاداری، زیبایی و ارزش، آموزش‌وپرورش یا علم را قسمتی از نظام ایدئولوژیک فرهنگ می‌داند که آن را درونی می‌سازیم.

نظام فناوریک: متشکل از مهارت‌ها، حرفه‌ها و هنرهایی که انسان را قادر می‌سازند که کالاهایی را از مواد موجود تولید نمایند.

نظام سازمانی: این نظام متشکل از تمام آموخته‌هایی است که انسان را قادر می‌سازد تا به‌طور مؤثر رفتار خود را با کنش‌های دیگران هماهنگ نماید.

فرهنگ از نظر شاین[2] هم در سه سطح مطرح است:

باورها و مفروضات: که عمیق‌ترین سطح و هسته فرهنگ است. او مفروضات را حقایق قطعی و غیرقابل بحثی می‌داند که به ادراکات، نحوه تفکر و احساسات نفوذ می‌کند.

ارزش‌ها و هنجارها: که اصول، اهداف و استانداردهای اجتماعی را نشان داده، دارای ارزش ذاتی بوده، ضوابط اخلاقی و معنوی را رسانده و با عواطف، احساسات و هیجانات موردحمایت قرار می‌گیرند. او ارزش‌ها و هنجارها را مبنای قضاوت در مورد آنچه درست یا نادرست است می‌داند.

مصنوعات: که سطح ظاهری فرهنگ بوده، قابل‌رؤیت، لمس و شنیدن و مبتنی بر مفروضات، باورها، ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی هستند. شاین مصنوعات را دارای نمودهای زیر می‌داند:

نمودهای فیزیکی: آرم‌ها، آثار و طراحی‌های هنری، ساختمان‌ها، محوطه‌ها، لباس‌ها و اشیای مادی.

1. Lapier, Jean William
2. Edgar Schein

نمودهای رفتاری: مراسم و تشریفات، الگوهای ارتباطی، سنت‌ها، آداب‌ورسوم، پاداش‌ها و تنبیه‌ها.

نمودهای شفاهی: حکایت‌ها و لطیفه‌ها، زبان فنی، اسامی و القاب، داستان‌ها، اسطوره‌ها، تاریخ، قهرمانان، جنایتکاران، استعاره‌ها.

به‌طورکلی هر فرهنگ شامل عواملی است که جنبه‌های مادی، ارزش‌های اجتماعی، مقررات، هنجارها و سرانجام باورها و مفاهیم ارزشی را در برمی‌گیرد. این عناصر و عوامل سازنده فرهنگ را می‌توان به عناصر و عوامل مادی و معنوی تقسیم‌بندی کرد. جداسازی عناصر فرهنگ اگرچه از نظر بررسی تحلیلی ضروری به نظر می‌رسد، ولی درنهایت معنای واقعی هر یک از عوامل در ارتباط با جنبه‌های دیگر مشخص می‌شود. با نگاه دقیق و ژرف‌اندیشانه می‌توان دریافت که نوعی ترتیب منطقی میان برخی از این عناصر وجود دارد؛ مانند آن‌که عقاید، پایه و مبنای ارزش و ارزش‌ها خود پایه و مبنای هنجارها به شمار می‌آید. از سویی نمادها، صنایع و دستاوردهای صنعتی یک ملت نیز متأثر از عقاید، ارزش‌ها و هنجارهای آن ملت هستند (نائینی، ۱۳۹۷: ٤٤-٣٤).

فرهنگ ایثار

ایثار به معنی «بخشیدن، دیگری را بر خود برتری دادن و از خود گذشتن» (معین، ۱۳۸٦: ٤٥). «ایثار خوی نیکوکاران و شیوه نیکان است» (تمیمی، ۱۳۹٥: ۱٦٤). «میل به‌فایده رسانی و خدمت به دیگران، جلوه‌ای از میل به‌حق است. رفتاری که از این محرک برمی‌خیزد، به‌قصد تقرب و در جهت کمک و خدمت به دیگران، همراه با از دست دادن نعمت، فرصت، عمر و امثال آن است» (سالاریان و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۷٥-۱۳۹). ایثار در مفهوم کلی اعم از ایثار در مال، جان و آبرو به‌عنوان اصلی ارزشمند در همه جوامع و همه دوران، کارکردهایی دارد ازجمله عزت بخشی، استقامت، مشارکت و امیدآفرینی در انسان‌ها که موجب رشد و اعتلای جامعه آنان می‌شود. ایثار در مقابل خودخواهی با هدف مدد به دیگران اعم از کمک مالی و ازجان‌گذشتگی از ارزش‌های متعالی فرهنگ‌ها، به‌حساب می‌آید. ایثار نقطه مقابل انحصارطلبی است. ایثار مراتب و درجات گسترده‌ای دارد. در فرهنگ و بینش شیعه، ایثار و بالاترین مرحله آن یعنی شهادت، تلاش و کوشش برای احیاء گسترش دین خدا و ارزش‌های انسانی به شمار

می‌رود و کسی که عمر خود را در این راه صرف و جان خود را در این راه تقدیم پروردگار کند اگرچه مرگ او درصحنه جنگ نیست اما بازهم شهادت است و چنین فردی شهید نامیده می‌شود. «مهم‌ترین سرچشمه تجلی و تداوم فرهنگ ایثار و شهادت در شیعه، عاشورا و شهادت امام حسین (ع) است. عاشورا تجلی تمام نمای حقیقت و واقعیت شهادت است و ادعیه زیارات، بهترین محمل بازگویی این حادثه عظیم تاریخ بوده‌اند. زیارت‌های مربوط به امام حسین (ع) و به‌خصوص زیارت عاشورا و زیارت وارث در طول تاریخ، همواره مسئله شهادت امام حسین (ع) را زنده نگه‌داشته است و آن را به‌عنوان یک فرهنگ از نسلی به نسل دیگر منتقل کرده‌اند» (طباطبایی، ۱۳۹۳: ۱۵).

ایثار به معنی ترجیح دیگران بر خود ازجمله ارزش‌های اکتسابی فرهنگ است که در فرایند اجتماعی شدن و با نهادینه شدن آن در اعضای جامعه، زمینه بروز رفتارها و هنجارهای مطلوب را فراهم می‌کند. ایثار در مال و جان از مفاهیم ارزشمند دینی نیز است. «در روایات اسلامی، ایثار به‌عنوان بالاترین مکارم اخلاقی، بالاترین مراتب نیکوکاری، بالاترین درجه ایمان و بهترین عبادت ارزش‌گذاری شده است. ایثار و ازخودگذشتگی از مکارم اخلاق اجتماعی در زندگی و از مهم‌ترین فضایل اخلاقی است» (سالاریان و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۷۵-۱۳۹). ایثار در جامعه بخشی از سرمایه فرهنگی محسوب می‌شود که به اعضای جامعه هویت می‌بخشد و هویت موجب تحکیم و انسجام فرهنگ ملی می‌شود. هویت و منش ملی با تأثیر بر ساختار و کارکردهای گوناگون جامعه، چگونگی ایفا نقش اعضای جامعه را معین می‌کند. با پذیرش این نکته که فرهنگ‌ها همواره در حال تغییرند و برآیند این تغییرات مسیر رشد و توسعهٔ دیگر بخش‌های جامعه را فراهم می‌کند می‌توان به ارتباط مؤثر عناصر فرهنگی بر توسعهٔ فرهنگی پی برد. ایثار در اشکال مختلف از ارزش‌های جامعه نشاءت می‌گیرد و در قالب الگوهای رفتاری متنوع، نمود عینی پیدا می‌کند. اشاعه فرهنگ ایثار موجب رشد و تقویت ارزش‌ها و هنجارهای مقبول اعضای جامعه می‌شود.

فرهنگ ایثار با تقویت عزت‌نفس اعضای جامعه موجب هویت بخشی به آنان و افزایش همبستگی و بقاء جامعه می‌شود. نهادینه شدن ارزش ایثار در فرایند اجتماعی شدن و به دنبال آن گسترش فرهنگ ایثار در جامعه، تغییراتی در بُعد فردی و اجتماعی اعضای جامعه ایجاد

می‌کند. فرهنگ ایثار بخشی از سرمایه مادی و معنوی جامعه است که همه جوامع برای بقا و حفظ هویت و فرهنگ ملی خود با تأکید بر ارزشمند بودن فرهنگ ایثار درصدد انتقال آن به نسل‌های بعدی هستند. گسترش فرهنگ ایثار در مقابل تفکر خودمحوری و خودخواهی موجب ارتقا سطح ارزش‌ها و باورهای فرهنگی و پایداری جامعه می‌شود. فرهنگ ایثار حاصل دستاوردهای نظری و فکری اکتسابی اعضای جامعه است که با تقویت و اشاعه ارزش‌ها و هنجارها، علاوه بر رشد و تعالی جامعه موجب تمایز و برتری بر دیگر جوامع می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

فرایند ارتقا و اعتلای شئون گوناگون فرهنگ جامعه در راستای اهداف و مقاصد مطلوب را توسعۀ فرهنگی می‌نامند که بستر و زمینه مناسب را برای رشد و تعالی انسان‌ها فراهم می‌سازد. شئون گوناگون فرهنگ همان نگرش‌ها، ارزش‌ها، آداب‌ورسوم، قوانین و ایدئولوژی است. توسعۀ فرهنگی یک جریان دائمی و یکی از ابعاد اصلی فرایند توسعه محسوب می‌شود که هم علت و هم معلول توسعه است و محوری‌ترین هدف در توسعۀ فرهنگی، کمال انسانی است. انسان مهم‌ترین و مؤثرترین عامل توسعه در ابعاد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی از جایگاه خاصی برخوردار است و انسان توسعه‌یافته در پرتو رشد و تعالی ارزش‌های فرهنگی با به‌کارگیری منابع مالی، طبیعی، علمی و فناوری پیشگام توسعۀ پایدار به شمار می‌آید. مقصود از توسعۀ فرهنگی، ایجاد شرایط و امکانات مادی و معنوی مناسب برای افراد جامعه به‌منظور شناخت جایگاه آنان و رشد و افزایش علم و دانش و معرفت انسان‌ها و همچنین آمادگی برای تحول و پیشرفت و پذیرش اصول کلی توسعه، نظیر قانون پذیری، نظم و انضباط، بهبود روابط اجتماعی و انسانی و افزایش توانایی‌های علمی و اخلاقی و معنوی برای همه افراد جامعه است. توسعۀ فرهنگی ارتقای خلاقیت و نوآوری، افزایش حجم مبادلات فرهنگی، تعمیق نگرش‌ها و تقویت هویت فرهنگی است و رابطه فرهنگ و توسعه، تعامل زا و متقابل در نظر گرفته می‌شود؛ به عبارتی، فرهنگ مؤثر بر توسعه است. تأکید بر توسعۀ فرهنگی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز در چندین بند بیان‌شده است؛ ازجمله طبق بند اول از اصل سوم، دولت موظّف است محیط مساعد را برای رشد فضایل اخلاقی نظیر ایثار، فداکاری، برادری، اخوت، تعاون، راستی، درستی و شجاعت، بر اساس ایمان و تقوا و مبارزه با همه

مظاهر فساد و تباهی ایجاد کند. در ارتباط با جایگاه فرهنگ در فرایند توسعه می‌توان دو وضعیت را در نظر گرفت: اگر توسعه را در مفهوم جامع و فرهنگ را در بُعد معنوی در نظر بگیریم، در این صورت توسعۀ فرهنگی یک بُعد از فرایند توسعه است که رابطه تعاملی با بُعد دیگر توسعه، یعنی توسعۀ مادی دارد، اگر توسعه در مفهوم جامع و فرهنگ در مفهوم عام، یعنی مجموعه‌ای از دستاوردهای مادی و دستاوردهای معنوی موردنظر باشد، در این صورت توسعه و فرهنگ مفاهیم نسبتاً مشترکی پیدا می‌کنند که تمام شئون زندگی انسان را در برمی‌گیرند و از این منظر توسعۀ مترادف با توسعۀ فرهنگی است. توسعۀ فرهنگی با تغییر در نگرش‌ها و ارزش‌ها شرایط مناسبی برای توسعۀ اقتصادی و اجتماعی را فراهم می‌سازد. هنجارها یا رفتارهای تثبیت‌شده در جامعه از نگرش‌ها و ارزش‌های فرهنگی نشاءت گرفته و مبین میزان توسعه‌یافتگی جامعه است. پس می‌توان نتیجه گرفت که در فرایند توسعه، تغییر نگرش و ارزش‌ها در اولویت برنامه‌های توسعه قرار دارند. با رویکرد توسعۀ درون‌زا، حفظ هویت فرهنگی، تقویت و ترویج عناصر فرهنگی مثبت و تضعیف و طرد عناصر منفی فرهنگ جامعه، مانع اختلال فرهنگی و موجب رشد فرهنگی می‌شوند. کمال انسانی که مهم‌ترین هدف توسعۀ فرهنگی محسوب می‌شود دربردارنده ارزش‌هایی همچون ایثارگری است که بهترین فضایل انسانی و اسلامی به شمار می‌آید. ایثار در داشته‌های انسان که از پیامدهای مهم و ارزشمند توسعۀ فرهنگی است زمینه مساعدی برای تحقق توسعۀ فرهنگی فراهم می‌کند. با توجه به رابطه تعاملی توسعۀ فرهنگی جامعه با انسان توسعه‌یافته در جامعه به نظر می‌رسد که انسان، هم پرورده جامعه توسعه‌یافته و هم موجب توسعۀ جامعه می‌شود و عناصر و ارزش‌های فرهنگی نقش بنیادی در این فرایند دارند و عنصر فرهنگی ایثار از جنبه ارزشی و هنجاری نقشی مؤثر در این تعاملات دارد. نکته قابل‌تأمل این است که الگو ایثار در مفهوم وسیع در بُعد ارزشی و هنجاری در فرایند اجتماعی شدن اعضای جامعه، قابلیت کسب و ارتقا دارد. شناخت بیشتر دیگر فرهنگ‌ها با تأکید بر خصایص ارزشمند انسانی و تبیین عناصر و الگوهای فرهنگی ماندگار و سازگار با فطرت پاک انسانی در تاریخ بشر ازجمله عنصر فرهنگی ایثار در مال و جان با هدف رشد و تقویت ارزش‌های انسانی در جامعه در تحقق توسعۀ پایدار ضروری و مفید به نظر می‌رسد. ازاین‌رو اهمیت نقش ایثار و اشاعه آن در زندگی انسان‌ها در همه سطوح

جامعه و آشنایی بیشتر با مصادیق عینی و عملی ایثار در زندگی با تأسی از بزرگان دینی، تاریخی و ملی و فراهم‌سازی امکان همکاری با نهادها و سازمان‌های حوزه فرهنگ و رسانه‌ها در راستای تقویت و اشاعه الگوهای ذهنی و رفتاری ایثار برای همه گروه‌های جامعه در قالب آموزش‌های رسمی و غیررسمی و بهره‌گیری از توان مؤثر و گسترده رسانه‌های اجتماعی پیشنهاد می‌شود.

منابع و مأخذ

ازکیا، مصطفی و غلامرضا غفاری (۱۳۸٤). **جامعه‌شناسی توسعه**. چاپ اول. تهران: انتشارات کیهان.

پناهی، محمدحسین (۱۳۹۳). «توسعه فرهنگی ضرورت توسعهٔ اقتصادی، اجتماعی و سیاسی». **فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعهٔ اجتماعی**. شماره ۲۲: ۲۳-۱.

تصدیقی، محمدعلی و فروغ تصدیقی (۱۳۸۵). «توسعهٔ فرهنگی در ایران چالش‌ها و راهکارها»، **مهندسی فرهنگی**. شماره ٦ و ۷: ۵۸.

تمیمی آمدی، عبدالواحدبن‌محمد (۱۳۹۵). **غررالحکم و دررالکلم**. چاپ هشتم، قم: موسسه فرهنگی دارالحدیث.

حریری، نجلا (۱۳۸۵). **اصول و روش‌های پژوهش کیفی**. چاپ اول. تهران: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.

ساعی ارسی، ایرج (۱۳۹۰). **مهارت‌های نوشتاری پژوهش در علوم اجتماعی**. چاپ دوم. تهران: انتشارات بهمن برنا.

سالاریان، شاهرخ، سیدعبدالله اصفهانی و محمد شفیق اسکی (۱۳۹۸). «بایسته‌های مهندسی فرهنگ در جامعه از منظر قرآن با تأکید بر نقش فرهنگ ایثار». **شاهد اندیشه**. شماره ۱: ۱۷۵-۱۳۹.

سعادت، عوض‌علی (۱۳۹۲). **نقش اسلام در توسعهٔ فرهنگی**. چاپ اول. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.

طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۹۳). **آموزش دین**. چاپ ششم. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

فرهنگی، علی‌اکبر؛ حسین صفرزاده، مهدی خادمی (۱۳۹۳). **روش‌های تحقیق در علوم انسانی با نگرشی بر پایان‌نامه نویسی**. چاپ پنجم. تهران: نشر برآیند پویش.

فکوهی، ناصر (۱۳۷۹). **درآمدی بر انسان‌شناسی**. چاپ اول. تهران: نشر نی.

قاسم‌پور، حامد؛ کرم خلیلی و مجتبی یاسینی‌فرد (۱۳۹۸). «اثرات فرهنگ ایثار و شهادت بر رفتار شهروند سازمانی: تبیین نقش میانجی سرمایه اجتماعی». **فصلنامه مطالعات منابع انسانی**. شماره ۳: ۱۲٤-۱۰۱.

گیدنز، آنتونی و کارن بردسال (۱۳۹۷). **جامعه‌شناسی**. ترجمهٔ حسن چاوشیان. چاپ سیزدهم. تهران: نشر نی.

معین، محمد (۱۳۸٦). **فرهنگ معین**. چاپ سوم. تهران: نشر زرین.

ملکی، حسن؛ فخرالسادات هاشمیان و جواد آقامحمدی (۱۳۹٤). «راهبردهای توسعهٔ فرهنگی از دیدگاه امام علی(ع): ابعاد و مؤلفه‌ها». **فصلنامه مطالعات توسعهٔ اجتماعی ـ فرهنگی**. شماره ۲: ۳٤-۹.

منتظری، زهرا و محسن رنانی (۱٤۰۱). «توسعهٔ انسانی و شکوفایی انسانی: تأکیدی بر اهمیت مهارت‌های غیرشناختی». **پژوهش‌های اقتصادی ایران**. شماره ۹۰: ٦۲-٤۱.

نائینی، علی‌محمد (۱۳۹۷). **درآمدی بر مدیریت فرهنگی**. چاپ سوم. تهران: نشر ساقی.

دو فصلنامه شاهد اندیشه / دوره سوم/ شماره ۲ / پیاپی ٦/ پاییز و زمستان ١٤٠١/ ٥٤-۲۵
Two Journal Of Shahede Andisheh Autumn & Winter 2022: 25-54

تأثیر شبکهٔ ماهوارهای فارسی‌زبان «من و تو» بر فرهنگ ایثار و مقاومت، سبک زندگی و هویت ایرانی، اسلامی نسل جوان

حسین حسینی جیردهی[۱]، جلال ریاحی[۲]

چکیده

هدف اساسی پژوهش حاضر، بررسی چگونگی اثرگذاری شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان به‌ویژه شبکهٔ «من و تو» در تضعیف روحیه ایثار و مقاومت جوانان کشور ایران است، روش مورداستفاده در این تحقیق روش ترکیبی (کمی ـ کیفی) است که بامطالعه اسنادی، منابع کتابخانه‌ای، تحلیل محتوا و پیمایش با استفاده از پرسشنامه صورت گرفته است، پرسشنامه‌ها در میان ٤٥ نفر (بر اساس مدل تمام شمار و در حد کفایت) از کارشناسان و اساتید حوزه رسانه و کارشناسان فرهنگی، اجتماعی و خبرگان توزیع شد، درنهایت داده‌های جمع‌آوری‌شده در نرم‌افزار Spss قرار داده شد و با کمک یکی از آزمون‌های مقدار سنجی بنام آزمون t مستقل نتیجه‌گیری به عمل آمد. تعداد ۳ مؤلفه (سبک زندگی، هویت اسلامی و هویت ملی) و هر مؤلفه با ١٨ شاخص، چگونگی ارتباط شبکهٔ ماهواره‌ای «من و تو» بافرهنگ ایثار و مقاومت را اثبات کرده‌اند. در این بین تأثیرگذارترین شاخص‌ها عبارت بودند از مصرف‌گرائی و تجمل‌گرائی، ترویج سکولاریسم، ترویج فرهنگ غربی و تغییر ارزش‌های ملی.

واژگان کلیدی

فرهنگ، رسانه، شبکه «من و تو»، ایثار و مقاومت.

تاریخ دریافت: ١٤٠١/٠٨/٠٨ تاریخ پذیرش: ١٤٠١/٠٨/٢٩

۱. دانشیار دانشکده پیامبر اعظم (ص)، دانشگاه جامع امام حسین (ع) تهران، ایران. hoseinhoseini35@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری مدیریت و برنامه‌ریزی فرهنگی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
riahi.jalal@yahoo.com

مقدمه

رسانه‌های گروهی یکی از عوامل و ابزارهای مهم جامعه‌پذیر کردن افراد و رشد فرهنگ آن‌ها است که نقش بسزایی در تحول و ارتقای کیفیت جنبه‌های گوناگون زندگی ایفا می‌کند. بر کسی پوشیده نیست که رسانه‌ها یکی از عوامل مهم فرهنگ‌سازی و البته تجلی فرهنگ در جامعه است و اصلاً فعالیت رسانه‌ای، خود یک کنش فرهنگی محسوب می‌شود. امروزه انسان‌ها در معرض نهادهای رسانه‌ای متولد می‌شوند، می‌اندیشند، دنیا را از این منظر می‌بینند و رفتارهای خود را بر اساس الگوهای برگرفته از کتاب، مجله، روزنامه، فیلم، ماهواره، تلویزیون، رادیو و اینترنت سامان می‌دهند؛ بنابراین می‌توان گفت شکل‌گیری فرهنگ در جوامع انسانی تحت تأثیر مستقیم رسانه‌های گروهی قرار دارد و این ابزارها، الگوهای رفتاری و فرهنگ زندگی آنان را شکل می‌دهد (ساروخانی، ۱۳۸۵). یکی از مقولاتی که رسانه‌ها به آن می‌پردازند، نوعی نفوذ و تأثیرگذاری در میان اعضای جامعه و مخاطبان خود است. بدین‌ترتیب، رسانه‌ها با ترغیب، تشویق، تبلیغ و حتی ارعاب، مخاطبان را وامی‌دارند به قواعد دلخواه صاحبان رسانه اعتقاد پیدا کنند. رسانه‌ها از طریق معرفی هنجارهای خاص اجتماعی و الگوها می‌توانند باعث هم‌نوایی و هم‌سویی و به‌نوعی فرهنگ‌سازی در بین افراد جامعه شوند. در جهان امروز که به عصر رسانه‌ها و شبکه‌ای شدن ساختار اجتماعی مشهور است نمی‌توان تردیدی در نقش رسانه‌ها به‌ویژه تلویزیون در فرهنگ‌سازی، فرهنگ‌پذیری و فرهنگ‌نمایی داشت؛ اساساً یکی از کارکردهای مهم رسانه‌ها طبق نظریه‌های معتبر علوم ارتباطات، انتقال میراث فرهنگی است و رسانه در این فرایند به‌واسطه تجهیزات ارتباطی و جذابیت‌های صوتی ـ تصویری از قابلیت و ظرفیت بیشتری در فرهنگ‌سازی برخوردار است. رسانه‌های جمعی به‌عنوان نیرویی تأثیرگذار می‌توانند ضمن تثبیت افکار، اعتقادات، اصول معانی، ارزش‌ها، هنجارها و اخلاقیات، موجبات اصلاح در نگرش‌های عمومی نسبت به سنت‌ها، آداب‌ورسوم اجتماعی، روندها و رویه‌ها، تفریح و کار، رفتارها، ابداعات، دانش‌ها، ابزارها، فنّاوری‌ها، مهارت‌ها، سبک‌های زندگی، زبان، هنر، قوانین، نمادها و نهادهای اجتماعی را فراهم آورند؛ درواقع رسانه‌های جمعی از طریق الگوهای رفتاری، اصلاح تفاسیر شناختی، جامعه‌پذیری

ارزش‌ها، جهت‌دهی به افکار عمومی، شکل‌دهی به باورها، تصاویر و ذهنیات اجتماعی، از توان مهندسی فرهنگی برخوردارند. از آنجائی که فرهنگ در تمامی جوامع دارای لایه‌های متعدد و از تنوع زیستی برخوردار است و نیز فرهنگ در ایران از یک‌سو به فرهنگ ملی و مذهبی و از سوی دیگر به فرهنگ‌های بومی و اقوام مختلف تقسیم‌بندی شده لذا می‌توان به روحیه ایثار، ازخودگذشتگی و مقاومت مردم ایران نیز به‌عنوان لایه‌ای از فرهنگ ملی و مذهبی این کشور اشاره کرد. اکنون با توجه به موارد فوق و نیز با توجه به اینکه یکی از انواع رسانه‌ها، شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان هستند و روحیه ایثار و مقاومت هم بخشی از فرهنگ مردم ایران است. لذا این مقاله به‌صورت موردی به بررسی نقش شبکه ماهواره‌ای «من و تو» در هویت ملی، هویت اسلامی، سبک زندگی و درنهایت فرهنگ ایثار و مقاومت نسل جوان کشور ایران پرداخته است و فرضیه اصلی نویسنده بر این است که تماشای شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان، خاصه شبکه من وتو باعث تضعیف و استحاله هویت ایرانی، اسلامی و از بین رفتن روحیه ایثار و مقاومت در بین نسل جوان کشور ایران می‌گردد.

در این رهگذر به بررسی متغیرهای وابسته (روحیه ایثار و مقاومت)، مستقل (شبکه «من و تو») و میانجی (سبک زندگی، هویت ملی و هویت اسلامی) پرداخته خواهد شد.

سؤال اصلی پژوهش

شبکهٔ ماهواره‌ای «من و تو» چگونه باعث تضعیف روحیه ایثار و مقاومت در بین جوانان ایران می‌شود؟

سؤالات فرعی پژوهش

۱. شبکهٔ ماهواره‌ای فارسی‌زبان «من و تو» چگونه باعث تغییر سبک زندگی در ایران می‌شود؟

۲. شبکهٔ ماهواره‌ای فارسی‌زبان «من و تو» و چگونه باعث تغییر هویت اسلامی در ایران می‌شود؟

۳. شبکهٔ ماهواره‌ای فارسی‌زبان «من و تو» و چگونه باعث تغییر هویت ملی در ایران می‌شود؟

٤. تغییر هویت ملی بر فرهنگ ایثار و مقاومت چه تأثیری دارد؟

٥. تغییر هویت اسلامی بر فرهنگ ایثار و مقاومت چه تأثیری دارد؟

٦. تغییر سبک زندگی بر فرهنگ ایثار و مقاومت چه تأثیری دارد؟

❖ پیشینه پژوهش

اندیشمندان و صاحب‌نظران زیادی به بررسی ارتباط بین شبکه‌های ماهواره‌ای با هویت اسلامی، ایرانی و سبک زندگی جوانان پرداخته‌اند که از آن جمله می‌توان به مقاله خانم آرام عباسی در خبرگزاری بین‌المللی قرآن با عنوان بررسی آثار و مضرات ماهواره بر فرهنگ دینی، مقاله آقای محمدرضا حقیقی با عنوان بررسی تأثیر ماهواره بر هویت فرهنگی جوانان در نشریه مطالعات رسانه‌ای، مقاله بررسی جامعه‌شناختی تأثیر ماهواره بر هویت دینی جوانان شهر تهران به نویسندگی مسعود دارابی، مهناز امیرپور و ابوالقاسم حیدرآبادی، چاپ شده در نشریه جامعه‌شناسی مطالعات جوانان، مقاله شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان و هویت ملی و اسلامی جوانان، چاپ‌شده در نشریه مطالعات ملی به نویسندگی محمد نیک ملکی و حسن مجیدی، مقاله نقش ماهواره و برنامه‌های ماهواره‌ای در فرسایش هویت فردی، اجتماعی، ملی و دینی شهروندان شهر کاشان در سال ۱۳۸۹، نوشته محسن نیازی، چاپ‌شده در نشریه مطالعات فرهنگی و ارتباطات و بسیاری مقالات دیگر اشاره کرد که نتیجه تمامی پژوهش‌ها بر اثرپذیری هویت ملی، اسلامی و سبک زندگی جوانان از شبکه‌های ماهواره‌ای ختم می‌شود.

مبانی نظری پژوهش

فرهنگ

فرهنگ «شیوه ویژه‌ای از زندگی» قلمداد می‌شود که ارزش‌ها، سنت‌ها، باورها، اهداف مادی و سرزمینی، آن را شکل می‌دهند و نظام بوم‌شناختی پیچیده و پویایی از مردم، اشیا، جهان‌بینی‌ها، کنش‌ها و شرایطی به شمار می‌آید که در ارتباطات روزمره و اندرکنش اجتماعی دگرگونی می‌یابد. فرهنگ، «متنی» است که در آن شیوهٔ گویش و پوشش مردم، شیوهٔ تهیه و مصرف، شیوهٔ تقسیم زمان و فضا، شیوهٔ دست‌افشانی و اجتماعی کردن ارزش‌ها و شیوهٔ زندگی روزمره شکل می‌گیرد (Lull, 2000). در خصوص لایه‌های مختلف فرهنگ، دیدگاه‌های متفاوتی مطرح شده است. دوار برنت تایلور فرهنگ را مجموعه‌ای پیچیده مشتمل بر آگاهی و معلومات، باورها، اعتقادات، هنر، حقوق و قانون، اخلاقیات، آیین‌ها، سنت‌ها و تمامی استعدادها و عاداتی می‌داند که انسان به‌عنوان عصری از جامعه به کسب و فراگیری آن‌ها می‌پردازد (Tylor، 1871)

ریموند ویلیامز فرهنگ را تمامی شیوه زنـدگی مـی‌دانـد کـه دربرگیرنـدهٔ هنجارهـا، ارزش‌هـا رفتارهــای اجتمــاعی اســت (Williams, 1958) آنتــونی د. اســمیت نیــز فرهنــگ رســانه و فرهنگ‌سازی را شیوهٔ همگانی زندگی یـا گنجینـه‌ای از باورهـا، سـبک‌هـا، ارزش‌هـا و نمادهـا قلمداد می‌کند (Smith، 1991).

باستید فرهنگ را برخوردار از بُعد اعتقادی، اسطوره‌ای، اخلاقی، آیینی، تجربی، اجتماعی و مادی می‌داند (Bastide، 1987). ویلیام درسلر، فرهنـگ را مجموعـه‌ای از فعالیـت‌هـای تحـت حاکمیت قانون نمادین، موردتوافق همگانی، قابل اکتساب، یادگیری و انتقال مـی‌دانـد (2002، Dressler). یونسکو فرهنگ را در معنای عام کلمه، مجموعه وجوه تمایزبخش معنـوی، مـادی، فکری و احساسی قلمداد می‌کند که ویژگی یک جامعه یا گروه اجتماعی بـه شـمار مـی‌آیـد و هنر، شیوه‌های زندگی، حقوق اساسی بشر، نظام‌های ارزشی، سنت‌ها و باورها را شامل می‌شود (Unesco، 2003).

با عنایت به نکات فوق می‌توان دریافت که فرهنگ از شش لایهٔ مجزا و درعین‌حال مـرتبط با یکدیگر تشکیل شده است. سه لایهٔ نخسـت، هسـتهٔ فرهنـگ و سـه لایـهٔ بعـد پوسـته آن را تشکیل می‌دهند. لایهٔ نخست (باورها) به معنای نظام جهان‌بینی و اعتقادات و نـوع نگـرش بـه خدا، انسان و جهان است. لایـهٔ دوم (ارزش‌هـا) بـه معنـای بایـدها و نبایدهاسـت. لایـهٔ سـوم (هنجارها) به معنای الگوهای رفتاری برآمده از ارزش‌هاست. لایهٔ چهارم (نمادها و اسطوره‌هـا) شامل سرود، پرچم، مشاهیر و شخصیت‌های علمی و فرهنگی یـک کشـور اسـت. لایـهٔ پـنجم (آیین‌ها و آداب‌ورسوم) رفتارهای اجتماعی را شکل می‌دهد و منجر به جامعه‌پذیری و درونـی کردن عادات و علائق اجتماعی می‌شود. لایهٔ ششم را فناوری‌ها، مهارت‌ها و نوآوری‌ها تشکیل می‌دهند و ناظر بر محیط و فضای نوینی هستند که فرهنگ عمومی در بستر آن شکل مـی‌گیـرد و مظهر تعامل و تبادل کنش‌های اجتماعی و الگوهای ارتبـاطی بـه شـمار مـی‌آیـد (دهشـیری، ۱۳۸۸). رسانه نمی‌تواند در سه لایه نخست تحول و تغییر ایجاد کند بلکه بیشتر تـلاش دارد از رهگذر اندیشه پردازی، ارزش‌گذاری و هنجارسازی، بـه تعمیـق و تثبیـت باورهـا، ارزش‌هـا و هنجارها در فرایند تعلیم و تربیت اجتماعی مبادرت ورزد. باوجوداین، رسانه از قابلیـت ایجـاد تحول در پوسته فرهنگ شامل نمادها و اسطوره‌ها، آیین‌هـا و رسـوم و فنـاوری‌هـا از رهگـذر

نمادسازی، جامعه‌پذیری و الگوسازی رفتاری برخوردار است. بدین‌ترتیب، تلاش رسانه برای نهادینه‌سازی سه لایه نخست در راستای فرهنگ‌پذیری قلمداد می‌شود و اهتمام رسانه برای ایجاد تحول در سه لایه بیرونی، فرهنگ گرایی محسوب می‌شود.

رسانه

یکی از مؤثرترین عوامل اجتماعی، در شکل‌دهی رفتارها در جامعه امروزی، رسانه‌های همگانی (ارتباط‌جمعی) است. جامعه‌شناسان بر این باورند که رفتار آدمی از طریق متغیّرهای زیادی شکل می‌گیرد. خانواده، آموزش‌وپرورش، گروه همسالان و... از متغیرهای مهم و تأثیرگذار بر رفتارند، اما رسانه به جهت گستردگی و تنوع از نقش بسیار بالایی برخوردار است. در تعریف رسانه باید گفت که رسانه یک واسطهٔ عینی و عملی در فرایند برقراری ارتباط است.

ایثار

ایثار در لغت در فرهنگ فارسی عمید به معنای بذل کردن، دیگری را بر خود ترجیح دادن و سود او را بر سود خود مقدم داشتن و نیز قوت لازم و مایحتاج خود را به دیگری بخشیدن است.

ایثار در معنای لغوی در فرهنگ فارسی معین شامل:

بذل کردن، عطا کردن، نثار هر چیزی اعم از مادی و معنوی به دو شرط:

۱. در عین نیاز؛

۲. نیت عمل.

در اسلام ایثار فی النفسه دارای ارزش نیست، آنچه به آن ارزش می دهد هدف و جهت ایثار است که کدام جهت و برای چه هدفی باشد. در همه فرهنگ‌ها، ایثار وجود دارد مهم ماهیت و محتوای عمل است نه صورت عمل. آنچه در سال‌های پیروزی انقلاب اسلامی و پس‌ازآن دفاع مردانه و غرورآفرین جوانان مؤمن و ملت انقلابی ایران دیده می‌شود، بسی بالاتر و والاتر از مرتبه وجدان و حتی تعقل بشری بود و تنها با تعابیری مانند تعهد، فداکاری، نوآوری، اخلاص، پرکاری، وظیفه‌شناسی و ازاین‌دست قابل‌شرح و بیان نبود؛ بلکه چیزی فراتر از این‌ها لازم بود تا این‌همه مجاهدت‌ها و فداکاری اخلاص را به بهترین وجه تفسیر کند، چیزی از مقوله «عشقی مقدس و الهی» در سایه این فرهنگ الهی پدیدار شده بود تا بتوان در

سایه آن به مجاهدت‌ها و فداکاری‌ها معنا بخشید و امروز شبکه‌های ماهواره‌ای خاصه شبکهٔ «من و تو» جرأت برپا کردن جنگی که با سلاح توان رویارویی با جوانان ایران را داشته باشد، ندارد و جنگ نرم را ایجاد کرده که فرهنگ اسلامی را نشانه گرفته با رواج مدپرستی، ترویج فیلم‌های غیراخلاقی و اشاعه‌ی بی‌حجابی در جامعه و با تبلیغات ضدانقلاب از طریق رسانه‌ها و ماهواره ها و ... همه و همه اسلام را هدف گرفته تا جوانان را بافرهنگ شهادت و ایثار بیگانه کند (پورشمس‌الدین مطلق، ۱۳۹٦).

تهاجم فرهنگی

تهاجم فرهنگی این است که یک مجموعه ـ سیاسی یا اقتصادی ـ برای مقاصد سیاسی خود و برای اسیر کردن یک ملت، به بنیان‌های فرهنگی آن ملّت هجوم می‌برد. چنین مجموعه‌ای هم چیزهای تازه‌ای را وارد آن کشور و آن ملت می‌کند؛ اما به‌زور؛ امّا به‌قصد جایگزین کردن آن‌ها بافرهنگ و باورهای ملی. این، اسمش تهاجم است. «تهاجم فرهنگی، مثل خودِ کار فرهنگی، اقدامِ آرام و بی‌سروصدایی است. یکی از راه‌های تهاجم فرهنگی، این بوده است که سعی کنند جوانان مؤمن را از پایبندی‌های متعصّبانه به ایمان که همان عواملی است که یک تمدّن را نگه می‌دارد، منصرف کنند. همان کاری را که در اندلس، در قرن‌های گذشته کردند؛ یعنی جوانان را در عالم، به فساد و شهوت‌رانی و میگساری و این چیزها مشغول کردند. این کار، حالا هم انجام می‌گیرد» (بیانات رهبری در دیدار جمعی از کارگزاران فرهنگی،۱۳۷۱/۵/۲۱). در طول تاریخ اولین حربه‌ای که کشورهای قدرتمند دنیا برای نفوذ با سایر کشورها به کاربردند جنگ و خونریزی بود اما کم‌کم متوجه شدند که راه‌های دیگری هم وجود دارد که بدون خون و خونریزی بر کشورهای ضعیف‌تر مسلط شوند. یکی از این راه‌ها جنگ فرهنگی بود؛ آن‌ها بانفوذ به فرهنگ ملت‌ها باورهای مردم آن کشور را تغییر می‌دادند و بر آن‌ها چیره می‌شدند. این‌چنین بود که تهاجم فرهنگی روزبه‌روز بیشتر مورد استقبال کشورهای استعمارگر قرار گرفت (ابوالفضل ناظمی، ۱۳۹٦).

❖ در تهاجم فرهنگی سه عنصر اصلی موردحمله قرار می‌گیرد:

- فرهنگ (شناخت‌ها و باورها)؛
- ارزش‌ها و گرایش‌ها؛
- رفتارها و کردارها.

کشورهای استعمارگر برای تهاجم فرهنگی از ابزارهای مختلفی بهره می‌برند که مهم‌ترین آن‌ها به شرح زیر است:

- خبرگزاری‌های بین‌المللی؛
- رسانه‌های جمعی؛
- مواد مخدر؛
- کالاهای صادراتی؛
- بنیادهای بین‌المللی و منطقه‌ای؛
- میدان‌های ورزشی؛
- ابزارهای ادبی؛
- استفاده ابزاری از زنان.

مهم‌ترین کار دشمن در تهاجم فرهنگی گرفتن روحیّه خودباوری و ایمان از یک ملتی می‌باشد، در این زمینه بد نیست سخن یکی از معاونان سابق سیا را از نظر بگذرانیم ایشان می‌گوید: بعد از مدت‌ها تحقیقی به این نتیجه رسیدیم که قدرت رهبر مذهبی ایران و استفاده از فرهنگ شهادت در انقلاب ایران تأثیرگذار بوده، ما همچنین به این نتیجه رسیدیم که شیعیان بیشتر از دیگر مذاهب اسلامی فعال و پویا هستند... به همین منظور چهل میلیون بودجه برای آن اختصاص دادیم... و تا سال ۱۳۸۹ مرجعیت را که سد اصلی اهداف ما می‌باشند تضعیف کرده و آنان را به دست خود شیعیان و دیگر مذاهب نابود کنیم و درنهایت تیر خلاص را بر این فرهنگ و مذهب بزنیم (لیلا آبرودی، ۱۳۹۱).

شبکه‌های ماهواره‌ای، ابزار جنگ نرم

فناوری‌های نوین ارتباطی همواره زمینه‌ساز ابعاد جدیدی از تحـولات و دگرگـونی در جوامـع بشری بوده‌اند. نقش این فناوری‌ها در تحولات فرهنگی، اجتماعی و سیاسـی اجتنـاب‌ناپـذیر و قابل توجه است و یکی از مهم‌ترین نمودهای آن، رسانه و شبکه‌هـای مـاهواره‌ای اسـت کـه از مهم‌ترین ابزارهای جنگ نرم محسوب می‌گردد و در طول زمان در تمام جوامع بشری گسـترده شده و همه انسان‌ها به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم با آن مواجه‌اند.

در کشور ما الگوهای ماهواره‌ای - که با دین، مذهب و ارزش‌های جامعه ما تطبیق نـدارد- فراوان است، لذا ریشه‌یابی این مسئله را می‌توان با بررسی بایدونبایدهای استفاده از این فنّاوری به دست آورد تا با بصیرت و آگاهی با آن برخورد نمود. بیشترین سرمایه‌گذاری جهت سـاخت سخت‌افزار ماهواره‌ها در انحصار افراد یا دولت‌هایی است که عمـدتاً یهـودی یـا مسـیحی‌انـد، لیکن سهم یهودیان بیش از سایرین بوده و با صرف هزینه‌های کلان، برنامه‌های نـرم‌افـزاری را نیز برای آن طراحی می‌نمایند.

نکته جالب توجه این است که این برنامه‌ها را تنها برای اتبـاع خـود تولیـد مـی‌کننـد زیـرا می‌توانند مردمان خود را با رسانه‌های داخلی تغذیه نمایند چراکـه در ایـن کشـورها رسـانه‌هـا خصوصی و بی‌قیدوشرط هستند. از میان کشورهای غیرعربـی، کشـورهای اسـلامی ـ بـه‌ویـژه شیعیان ـ با بیشترین هجمه رسانه‌ای این برنامه‌ها و برنامه‌ریزان آن‌ها مواجه می‌باشند (حسـینی، ۱۳۹۲).

از نگاه عوامل پشت پرده تولیدات ماهواره‌ای، مسلمانان تنها زمانی قابل‌احتـرام هسـتند کـه سرسپرده و تابع فرهنگ و اهداف آن‌ها باشند و در صورت عدم قبول، عقایدشـان تخریـب یـا مورد هجوم نظامی قرار گرفته و به فقر و فلاکت و بدبختی گرفتار می‌گردند. درواقع مـی‌تـوان یکی از دلایل وقوع جنگ‌های امروزخاصّه در منطقه خاورمیانه را از همین زاویـه تفسـیر کـرد چراکه اگر تمامی دنیای اسلام همانند آل سعود و وهابی‌ها عمل نموده و غلام حلقه بـه گـوش غرب بودند دامن زدن به برخی جنگ‌ها و درگیری‌ها توجیه منطقی نداشت. در بین کشـورهای مسلمان و شیعه نیز بیشترین هجمه رسانه‌ای از سوی دشمنان، علیه ما و به زبان فارسی صورت گرفته است درحالی‌که تنها سه کشور ایران، افغانستان و تاجیکستان به این زبان تکلم مـی‌کننـد

که مجموع جمعیت آن‌ها کمتر از ۱۵۰ میلیون نفر است و گستره عظیم این برنامه‌ها هر بیننده‌ای را به تأمل وامی‌دارد که آیا منطقی است که بانیان آن‌ها با نیّت خیرخواهی و بدون چشم‌داشتی به تولید این برنامه‌ها مبادرت نموده باشند!؟

گرایش اصلی شبکه‌های فارسی‌زبان متمرکز بر ابعاد فراغتی ـ تفریحیِ غیرقابل ارائه از سوی رسانه‌های کشور هدف است اما کم‌کم پیکان آن از حوزه‌های «صرفاً سیاسی» به حوزه «سبک زندگی» هدایت شده است و این ورود تدریجی، آرام و بی‌صدا و چراغ خاموش با هدف انتقال پیام‌ها، الگوها و چارچوب‌های مورد نظر کشورهای محور است و گویی سیبلی که نشانه رفته‌اند هویت و فرهنگ کشورهای هدف و برمدار «از بین بردن نهاد خانواده» است.

گزارش اخیر مدیرکل اطلاعات، آمار و مهاجرت سازمان ثبت‌احوال؛ از بروز تغییر و پدیده‌های نوظهور در خانواده‌های معاصر ایرانی حکایت دارد و بی‌شک برخی از دلایل آن را باید در همین شبکه‌های ماهواره‌ای جستجو کرد. به‌عنوان‌مثال تنها در سال ۱۳۹۳ شاهد آغاز فعالیت بیش از ۲۰ شبکه جدید فارسی‌زبان بودیم که نکته مهم آن ضد فرهنگی بودن گرایش ۱۳ شبکه از میان آن‌ها است. گفتنی است گروه شبکه‌های GEM تاکنون بالغ بر ۱۰۰ عنوان سریال در قالب بیش از ۲ هزار قسمت پخش کرده‌اند (قرنی، ۱۳۷۷).

فصل مشترک سریال‌های پخش شده در گروه شبکه‌های GEM مؤلفه‌هایی همچون حفظ و پذیرش موالید حرام، آسانی طلاق و امکان خوشبختی پس از آن، مسئولیت گریزی و تجرد گزینی، تقبیح ازدواج، ترویج روابط جنسی خارج از ازدواج و روابط عاشقانه خلاف شرع، ترویج همجنس‌گرایی، تلاش برای تولید فرزند در روابط نامشروع و کاهش سن روابط نامشروع به دوران کودکی و نوجوانی به‌عنوان اصل مترقی در رشد روابط اجتماعی آن‌ها است (شهاب، ۱۳۹۲). ناگفته پیداست که پشتوانه مالی تأمین این حجم از برنامه در کنار هزینه سخت‌افزاری آن‌ها نشان از سرمایه‌گذاری سنگین در این زمینه و وجود بنیه مالی قوی و پایدار در مدیریت و اداره آن‌ها است و پذیرش ادعای تأمین وجوه آن از مسیر کمک‌های مردمی و تحت پوشش وجوهات شرعی ساده‌اندیشانه است. ازآنجاکه قرآن کریم، یهودیان را مهم‌ترین دشمن ما معرفی می‌نماید و بسیاری از برنامه‌های ماهواره‌ای با پشتوانه مالی یهود و صهیونیسم تولید می‌گردد، بنابراین باید جانب احتیاط را رعایت نمود و شبکه‌های ماهواره‌ای را یکی از

پیش قراولان جنگ نرم دشمن قلمداد نمود نه یک فنّاوری نوظهورِ قابل‌اعتماد. رهبر انقلاب در دیدار با مسئولان و مدیران رسانه ملی هدف اصلی جنگ نرم را انحلال درونی و استحاله داخلی جمهوری اسلامی از طریق تغییر باورها و سست کردن ایمان مردم به‌ویژه جوانان خواندند. همچنین آقای همفر جاسوس انگلیسی در ممالک اسلامی، در خاطرات خود که توسط وزارت مستعمرات انگلیس تهیه‌شده، راه‌های نابودسازی عوامل نیرومند مسلمان را در ۲۳ بند خلاصه و تأکید می‌کند که مطابق پیش‌بینی این رساله پس از یک قرن، نام اسلام از عرصه جهان برچیده خواهد شد و تنها اسمی از آن برجای می‌ماند. چکیده بندهای تدوین‌شده آن عبارت‌اند از:

ترویج شراب‌خواری، قمار، فساد، شهوت‌رانی، ترغیب به زیر پانهادن دستورات اسلام و سرکشی از اوامر و نواهی آن، نفوذ در خانواده‌ها و تیره نمودن روابط بین فرزندان و والدین، به‌طوری‌که زیر بار تربیت و نصیحت والدین خود نروند و به سمت فرهنگ استعماری هدایت شوند و درنهایت جوانان را از حوزه نفوذ عقاید دینی خارج و ارتباطات آنان را با علما قطع نماید، ایجاد شک در وجوب عبادت و موارد دیگر (قرنی، ۱۳۷۷).

انواع مبارزه‌های شبکه‌های ماهواره‌ای

۱. مبارزه اعتقادی که در آن کل اسلام را زیر سؤال برده و اسلام امریکایی و انگلیسی را تبلیغ می‌نمایند.

۲. مبارزه سیاسی که در آن ضمن تحقیر مسلمانان این‌گونه القاء می‌نمایند که تنها راه پیشرفت پیروی از الگوهای غربی و بیگانه است.

۳. مبارزه شهوانی که در آن برنامه‌هایی تولید می‌کنند که مخاطب را درگیر شهوات نمایند.

می‌توان با بالابردن سطح اعتقادی خود و بصیرت افزایی با دو مورد اول مبارزه کرد لیکن تنها راه مقابله با مبارزه شهوانی تولیدات ماهواره‌ای دوری جستن از آن‌ها است.

❖ **شبکه «من و تو»**

شبکه من وتو از ۲۵ اکتبر ۲۰۱۰، هم‌زمان با ششم آبان،۱۳۸۹ در لندن فعالیت رسانه‌ای خـود را بر روی ماهواره هـاتبرد آغـاز کـرد. ایـن شـبکه بـا ارائـه برنامـه‌هـای تفریحـی و سـرگرمی و جهت‌گیری خلاف شئونات اخلاقی و بومی مردم ایران، عملاً مکمل شبکه‌هایی ماننـد «فارسـی وان» شد. این شبکه متعلق به شرکت تلویزیونی مرجان است و از بریتانیا پخش می‌شود. امتیـاز شبکه «من و تـو» از شرکت گلوبال آی تی وی[1] انگلستان خریداری شده است. عمده برنامه‌های این شبکه به تهیه‌کنندگی «مرجان عباسی» و «کیوان عباسی» تولید و پخش می‌شود.)
https://rasekhoon.net/news/show/285033

توجه به نام این شبکه تلویزیونی و نیز آنچه در فلسفه راه‌انـدازی آن آمـد، نشـان مـی‌دهـد دست‌اندرکاران آن با انتخاب اسم «من و تو» عملاً خواستار تعامل و ارتباط با مردم ایـران بـوده و سیاست خود را کمک به تغییر سبک زندگی آن‌ها برای حضـور در پروسـه جهـانی‌سـازی از طریق پخش برنامه‌هایی چون فیلم، سریال، اخبار و گزارش‌های متنـوع بـرای مخاطبـان هـدف یعنی خانواده‌های طبقه متوسط (ازلحاظ فرهنگـی) جامعـه ایرانـی و بـه‌ویـژه دو قشـر زنـان و جوانان در گام‌هایی برای از بین بردن قبح برخی رفتارهای غیراخلاقی و پس از آن و به‌تـدریج، جایگزینی و رواج آن‌ها در میان این مخاطبان قرار داده‌اند. بیشتر رسانه‌های فارسی‌زبان وابسـته به غرب با کمبود بودجه دست‌وپنجه نرم می‌کنند به عنوان نمونـه، همـین صـدای آمریکـا کـه وابسته به مراکز اطلاعاتی این کشور است به دلیل بروز این مشـکلات مجبـور شـد تـا برخـی کارکنان خود را اخراج کند اما این مشکلات برای «من و تو» بی‌معناست و این شـبکه بـه منبـع عظیم منابع مالی متصل است!

به گزارش سرویس فرهنگی جام نیوز؛ مشکلات مالی برای شبکهٔ «مـن و تـو» بـی‌معناسـت چون اهداف بسـیار اسـتراتژیکی را دنبـال مـی‌کنـد. جـدای از دسـتمزد کارکنـان، برنامـه‌هـای خریداری‌شده، دوبله، دکور، مصاحبه‌ها و تهیه برنامه‌های تلویزیـونی، ایـن شـبکه انگلیسـی بـا پرداخت بیش از ٦٠٠ میلیون در ماه، فقط و فقط برای اجاره کانـال خـود روی چهـار مـاهواره

1. Global Itv

می‌پردازد، هزینه‌های هنگفتی که من و تو بدون هیچ اسپانسری خرج می‌کند تا دلسوزانه برای ایرانیان برنامه تلویزیونی پخش نماید!

اما این همه هزینه برای چیست؟ درواقع شبکه «من و تو»، برنامه‌هایی را دنبال می‌کند که هدف اصلی انگلیسی‌ها از زمان رضاخان تاکنون است و آن تغییر در سبک زندگی ایرانیان به شیوه دلخواه آن‌هاست چراکه آنان به‌خوبی دریافته‌اند که اکنون براندازی یک حکومت با تغییر سبک زندگی و به فساد کشیدن مردم آن بسیار آسان‌تر است.

اما در این میان دو حربه خرافه گرایی و گسترش فساد اخلاقی مؤثرتر و جایگاه خاصی دارند چراکه اولی اصولاً با عقل و عقل‌گرایی کاری ندارد و دومی صرفاً به نابودی عقلانیت می‌انجامد. البته این دو مصادیق فراوانی دارند که در ادامه به یکی دو نمونه اشاره می‌شود.

سلاح اول شبکه «من و تو»، **خرافه گرایی**

گاهی دیده‌ایم که برخی مقابل درب ورودی خانه یا مغازه خود نعل اسبی را به زمین می‌چسبانند. جریان این نعل هم‌داستان غریبی است. شاید برخی ندانند که چه حکایت تلخی با این نعل اسب همراه است اما گردانندگان «من و تو» خوب از ماجرا آگاه‌اند. نعل اسب علاوه بر آنکه برای ایرانیان یادآور یک خرافه است اما ارتباط تنگاتنگی هم با کربلا و شهادت دارد. آن هنگام که کوفیان نابکار امام حسین علیه‌السلام و یارانش را به شهادت رساندند سپس با اسب‌ها بر پیکرهای پاک و بی‌جان تاختند. بنی امیه (لعنه الله علیهم اجمعین) در نهان و آشکار، برای آنکه این به ظاهر پیروزی را از یاد نبرند، دستور دادند تا نعل آن اسب‌ها و بعدازآن به‌طور کلی نعل اسب را به‌عنوان تبرک و دفع نحسی و بدی بر سر در خانه‌ها آویزان کنند تا بدین گونه تبلیغات منفی خود علیه اهل‌بیت را شدت بخشیده و آن بزرگواران را اسباب شر و نحوست معرفی کنند.

سلاح دوم شبکهٔ «من و تو»، **فساد و تباهی اخلاقی جامعه**

شبکهٔ «من و تو» که با دنبال کردن پروژه «تغییر حکومت با سلاح فرهنگ» برنامه‌های متنوعی را پخش می‌کند و سعی دارد تا آندلسی دیگر را در سرزمین ایران بر پا کند. این شبکه انگلیسی به

خوبی می‌داند مهم‌ترین آسیبی که گریبان‌گیر حکومت مسلمانان می‌شود و فرجام ناخوشی را برای آنان رقم خواهد زد، تفرقه‌افکنی و ترویج فساد اخلاقی در بین آنان است. دقیقاً همان بلایی که گریبان‌گیر حکومت مسلمین در اندلس شد.

ترویج روابط آزاد میان دختر و پسر، عادی‌سازی خیانت زن و شوهر به یکدیگر، هم‌جنس‌بازی، شراب‌خواری و برخی دیگر از مواردی که باعث می‌شود تا اخلاق یک جامعه از درون پوسیده شود به وفور در برنامه‌های شبکهٔ «من و تو» دیده می‌شود.

زمانی که جوان‌ها و مردم یک سرزمین با وارد شدن فرهنگی غریب و بی‌اصل و ریشه از درون بپوسند و نسبت به ایدئال‌های سرزمین مادری خود بی‌تفاوت شوند، تغییر ذائقه سیاسی آن مردم نیز امکان‌پذیر می‌شود؛ بلایی که بر سر حکومت مسلمانان در اندلس آمد.

تحلیل محتوای اکثر برنامه‌های پخش‌شده از طریق شبکه‌های ماهواره‌ای نشان می‌دهد؛ یکی از اهداف مهم طیف گسترده‌ای از شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان تأثیر بر سبک زندگی (اعتقادات، باورها، ارزش‌ها، احساسات و عواطف) جامعه مخاطب (ایران) است. کارشناسان معتقدند؛ مطابق با ویژگی‌های «سبک زندگی» که بر گزینش گری و انتخاب تأکید دارد متون رسانه‌ای سبک زندگی و برنامه‌های تلویزیونی این ژانر با کمک به دیده شدن و اعتباربخشی به سبک‌های زندگی خاص، مخاطبان را به انتخاب آن سبک‌ها تشویق می‌نمایند.

شبکه من وتو در حال حاضر به ارائه برنامه‌های تفریحی و سرگرمی و جهت‌گیری خلاف شئونات اخلاقی و بومی مردم ایران، می‌پردازد، این شبکه درصدد است با تزریق «سبک زندگی غربی» که در محتوای همه برنامه‌های آن دیده می‌شود بر افکار و عقاید و «سبک زندگی» مخاطبان ایرانی اثر بگذارد و تغییر رفتار و سبک زندگی و الگوی رفتاری جوانان جامعه ایرانی را هدف قرار داده است. این رویکرد به‌خوبی در برنامه‌هایی مانند «بفرمایید شام»، «من و تو پلاس» و «آکادمی‌موسیقی»، «چرا که نه؟»، «سالی‌تاک» و حتی برنامه‌های سیاسی آن مانند «اتاق خبر» یا طنز سیاسی با مخاطبان کودک موسوم به «دکتر کپی» دیده می‌شود.

در این برنامه‌ها نوعی دیگر از «سبک زندگی» که در تعارضی کامل با آنچه در رسانه‌های رسمی ما عرضه می‌شود تبلیغ می‌شود. بهره‌گیری هوشمندانه از موسیقی پاپ، سینمای روز، مجری‌های جوان و خوش لباس در کنار نمایش جاذبه‌های زندگی مدرن و غربی و به‌خصوص

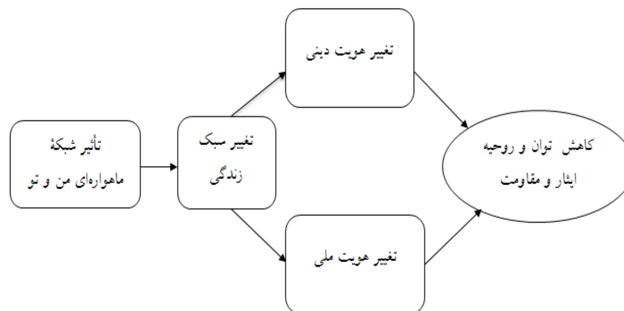
نمایش هدفدار از نوستالژی‌های دهه ۵۰ باعث جذب مخاطب و اثرگذاری فراوان برنامه‌های این شبکه شده است به‌طوری که برای نمونه این شبکه به عقیده برخی منتقدین اجتماعی از مهم‌ترین عوامل گسترش ناگهانی پدیده «ساپورت پوشی» در کشور طی تابستان ۹۲ بود!

بر اساس تحلیل محتوای برنامه‌ها و تحلیل پرسشنامه‌ها به این نتیجه می‌رسیم که یکی از اهداف شبکهٔ «من و تو» این است که باورهای صحیح را از مردم بگیرد و در مقابل باورهای دروغین و ارزش‌های غلط را به آن‌ها تلقین دهند؛ یعنی ارزش‌ها تبدیل به ضد ارزش و برعکس خواهد شد، یعنی دیگر روحیه ایثار و ترجیح دادن منافع دیگران بر خود آن هم با نیت الهی وجود نخواهد داشت، یعنی نرم نرمک سبک زندگی تغییر خواهد کرد و هویت ایرانی، اسلامی از بین خواهد رفت.

درمجموع می‌توان گفت: شبکهٔ «من و تو» از طریق جهت‌دهی به اخبار، انتشار و اغراق در پخش اخبار منفی شامل (ایجاد یاس ناامیدی در توده مردم، ایجاد حس بی‌اعتمادی مردم نسبت به دولت، حقیر و ضعیف جلوه دادن حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ایران و بزرگ‌نمایی و سیاه نمایی مشکلات موجود کشور)، تولید محتوای ضد فرهنگی و تحقیر فرهنگی ایرانیان، انتشار تولیدات سکس و انحرافی اروپا و آمریکا و تبلیغ برنامه‌های محتوای سکس در قالب موسیقی و فیلم و همچنین عادی نمایاندن خیانت و رفتارهای ناهمگن جنسی و نیز سعی دارد در قالب برنامه بفرمایید شام، با حقیر جلوه دادن زندگی روزمره مردم ایران آن‌ها را تشویق به زندگی به سبک اروپایی کند و هویت دینی و ملی ایرانیان را دچار استحاله نماید.

با توجه به کلیه مفاهیم، تعاریف و ارتباطات عنوان‌شده درزمینهٔ فرهنگ، رسانه، تهاجم فرهنگی و ابزار آن (شبکه‌های ماهواره‌ای و ...) و همچنین مفاهیم مربوط به فرهنگ ایثار (به‌عنوان یک ارزش و پشتوانه فکری در فرهنگ ایرانیان) و نیز ازآنجاکه اولین قدم در تهاجم فرهنگی تغییر اساس و پشتوانه فکری و ارزش یک ملت است چون هر ملتی بر اساس نوع فکر و اندیشه‌اش، اقدام به کاری می‌کند چون اگر در ملتی روحیه صرفه‌جوئی هست، الگو در ملتی روحیه تولیدی است، اگر در ملتی غیرت، تعصبات صحیح، جوانمردی، احترام به بزرگان، حقوق دیگران و ایثار مطرح است به این دلیل است که پشتوانه فکری آن‌ها است بر این اساس

برای اینکه برای چنین ملتی تسلط یابند باید این باورها و مایه های فکری عملی آن ها را بگیرند به‌جای روحیه صرفه‌جوئی، روحیه چشم‌وهم‌چشمی و مد را بدهند، به‌جای غیرت و تعصب در ملتی روحیه بی بندوباری و فحشا را تزریق کنند و چنین تبلیغ کنند که اینها مظاهر فرهنگی است و هر کس خودش را مطابق این کارها نکند یا علیه آن ها قدم بردارد افرادی متحجر و بی عقل می‌باشند و... که اگر دشمن به چنین کاری پیروز شد، آغازگر بدبختی این ملت خواهد گردید (ابوالفضل ناظمی، ۱۳۹٦). می توان این فرض را تصور کرد که تماشای شبکهٔ ماهواره‌ای «من و تو» بر سبک زندگی ایرانیان و به‌تبع آن بر هویت دینی و ملی آنان تأثیرگذار بوده که در این معبر فرهنگ ایثار و مقاومت در بین جوانان ایرانی نیز دستخوش تأثیرات و تغییرات خواهد شد و زنگ خطر موقعی به صدا درمی‌آید که نمونه‌های تاریخی ازجمله سرنوشت مسلمانان اندلس را از منظر عبرت پژوهی نگریسته و با شرایط کنونی کشور انطباق دهیم!



شکل ۱. مدل نظری پژوهش (مدل خلاصه‌شده)

فرضیات پژوهش

تماشای شبکهٔ ماهواره‌ای فارسی‌زبان «من و تو» باعث تغییر سبک زندگی جوانان ایرانی می‌شود.

تماشای شبکهٔ ماهواره‌ای فارسی‌زبان «من و تو» باعث تغییر هویت اسلامی جوانان ایرانی می‌شود.

تماشای شبکهٔ ماهواره‌ای فارسی‌زبان «من و تو» باعث تغییر هویت ملی جوانان ایرانی می‌شود.

تغییر هویت ملی باعث تضعیف فرهنگ ایثار و مقاومت می‌شود.

تغییر هویت اسلامی باعث تضعیف فرهنگ ایثار و مقاومت می‌شود.

تغییر سبک زندگی باعث تضعیف فرهنگ ایثار و مقاومت می‌شود.

روش پژوهش

ما در این پژوهش با روش ترکیبی (کمی-کیفی) مطالعه اسنادی، منابع کتابخانه‌ای و مطالعه موردی بر روی یکی از مهم‌ترین و پرمخاطب‌ترین شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان یعنی شبکه (من و تو) ضمن تأکید بر میزان تأثیر این برنامه‌ها بر طیف وسیعی از جامعه، به دنبال پاسخ به این پرسش اساسی هستیم که «تأثیر برنامه‌های شبکه‌های ماهواره‌ای بر سبک زندگی و هویت ملی و اسلامی جوانان ایران چگونه به تضعیف روحیه ایثار و مقاومت جوانان تبدیل می‌شود؟» با توجه به بررسی انجام‌شده به نظر می‌رسد برنامه‌های تولیدشده توسط شبکه‌هایی ازاین‌دست با هدف قرار دادن خانواده‌ها بیش از هر چیز باعث تغییر ارزش‌های ایرانی ـ اسلامی حاکم بر خانواده و گسترش فرهنگ مصرف‌گرایی و بی‌بندوباری اخلاقی در جامعه شده و درنهایت عاملی برای تضعیف روحیه ایثار و مقاومت محسوب می‌شود.

با توجه به مطالب فوق، در این تحقیق پژوهشگر درصدد بررسی نقش شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان بر روحیه ایثار و مقاومت جوانان ایران است؛ بنابراین روش پژوهش، توصیفی ـ تحلیلی و از نوع پیمایشی است؛ که درنهایت به روش آماری (کمی) از یکی از آزمون‌های مقدار سنجی بنام آزمون t مستقل بکارگیری می‌شود.

جامعه آماری؛ در این تحقیق تعداد ۴۵ نفر از میان کارشناسان و اساتید حوزه رسانه و کارشناسان فرهنگی، اجتماعی و خبرگان انتخاب شدند که در حوزه مطالعات فرهنگی، اجتماعی و کارکردها و اثرات ماهواره و برنامه‌های آن‌ها صاحب‌نظر بودند.

نمونه آماری؛ در پژوهش‌های انسانی و اجتماعی برای سنجش ذهنیت مردم و افراد دو راهکار کلی وجود دارد. راهبرد تمام شماری و راهبرد نمونه‌گیری (حافظ‌نیا، ۱۳۸۹: ۱۴۳).

در این پژوهش راهبرد تمام شمار بکار گرفته شده است.

❖ ابزارهای پژوهش

برای گردآوری اطلاعات این پـژوهش از روش‌هـای جمع‌آوری کتابخانـه‌ای (شـامل کتـب و اینترنت) و جمع‌آوری میدانی (شامل گرداوری داده‌ها از طریق پرسشنامه) استفاده شـده اسـت. پرسشنامه به‌عنوان یکی از متداول‌ترین ابزارهای جمع‌آوری اطلاعـات در تحقیقـات پیمایشـی، عبارت است از مجموعه‌ای از پرسش‌های هدف‌دار که با بهره‌گیری از مقیـاس‌هـای گونـاگون، نظر، دیدگاه و بینش فرد پاسخگو را موردسنجش قرار می‌دهد (خاکی، ۱۳۸۲: ۲۴۲).

ابزار گردآوری اطلاعات شامل پرسشنامه، بانک‌هـای اطلاعـاتی (کتابخانـه‌هـای عمـومی و دانشگاهی)، شبکه‌های اینترنتی است. پرسشنامه این مقاله محقق سـاخته اسـت کـه بـر اسـاس تحلیل محتوای صورت گرفته از کارشناسان ارزیابی می‌کند.

شیوه جمع‌آوری اطلاعات

برای گردآوری داده‌ها ابتدا با روش تحلیل محتوا، معیارهای اصلی سنجش حاصل‌شده سـپس، با تأیید پرسشنامه توسط اساتید و همچنین روایـی و پایـایی پرسشـنامه، ایـن پرسشـنامه میـان کارشناسان و خبرگان مذکور در بالا توزیع شده و اطلاعات آن گردآوری شد.

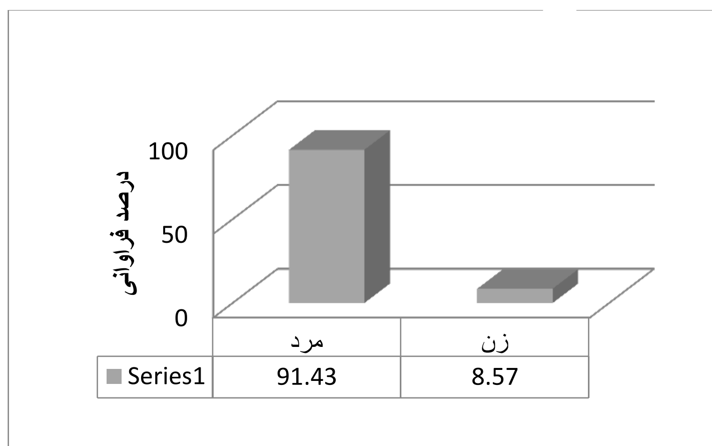
جدول ۱. وضعیت شغل، تخصص و تحصیلات جامعه آماری

ردیف	عنوان شغل	حیطه تخصص	تحصیلات	تعداد
۱	استاد دانشگاه	فرهنگ	دکتری	٦
		رسانه	دکتری	۳
۲	مدیر کل	فرهنگ و رسانه	کارشناسی	۰
			کارشناسی ارشد	۷
			دکتری	۲
۳	معاون مدیر کل	فرهنگ و رسانه	کارشناسی	۳
			کارشناسی ارشد	٤
			دکتری	۱
٤	روسای ادارات شهرستان	فرهنگ و رسانه	کارشناسی	۵
			کارشناسی ارشد	٤
			دکتری	۰
۵	جمع کل			۳۵

تحلیل توصیفی متغیرهای جمعیت شناختی تصادف پژوهش

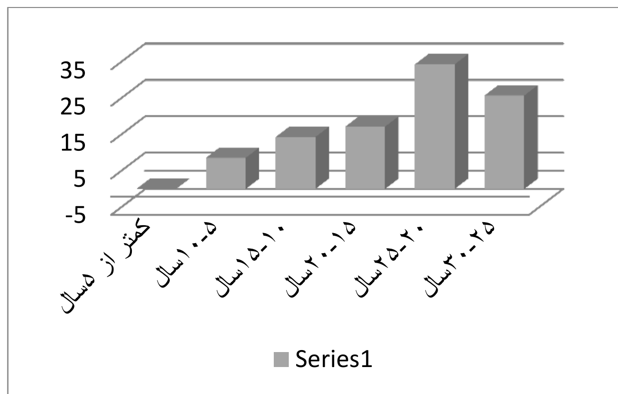
نتایج حاصل از بررسی ویژگی‌های جمعیت شناختی گروه نمونه کارشناسان در جداول زیر ارائه شده است:

فراوانی به‌دست‌آمده از وضعیت جنسیتی کارشناسانی که در میان آنان پرسشنامه توزیع‌شده است در نمودار ۱ نشان داده شده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، بیشتر جامعه کارشناسان را کارشناسان مردان با ۹۱٫٤۳ درصد فراوانی تشکیل داده‌اند.



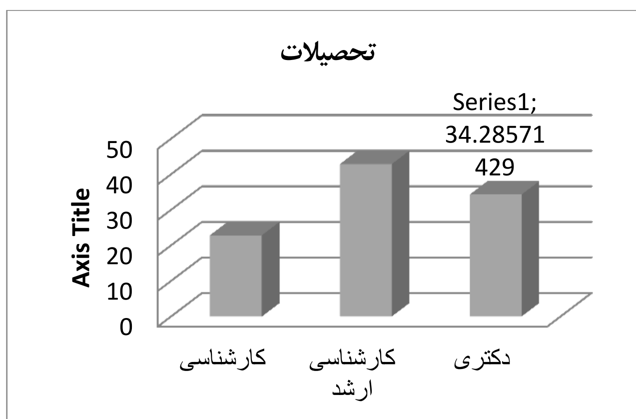
نمودار ۱. درصد جنسیتی در نمونه کارشناسان

فراوانی به‌دست‌آمده از وضعیت میزان سابقه در مشاغل فرهنگی و رسانه‌ای در نمونه آماری در نمودار ۲ نشان داده شده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، بیشتر جامعه موردبررسی را افراد باسابقه بین ۲۰ تا ۲۵ سال تشکیل داده‌اند.



نمودار ۲. وضعیت درصد سابقه فعالیت در مشاغل فرهنگی و رسانه‌ای در نمونه کارشناسان

فراوانی به‌دست‌آمده از وضعیت تحصیلات پاسخگویان در نمودار ۳ نشان داده شده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، بیشتر جامعه موردبررسی را افراد با تحصیلات کارشناسی ارشد با ٤۲ درصد فراوانی تشکیل داده‌اند.



نمودار ۳. وضعیت درصد تحصیلات پاسخگویان

روش‌های تجزیه‌وتحلیل داده‌ها

ابتدا برای استخراج شاخصه‌ای تحقیق از روش تحلیل محتوا بهره‌گیری شد. تحلیل محتوا از روش‌های اسنادی است که به بررسی نظام‌مند، عینی، کمّی و تعمیم‌پذیر پیام‌های ارتباطی می‌پردازد. این روش در دسته‌بندی روش‌ها، پهنانگر محسوب می‌شود و از آن برای بررسی محتوای آشکار پیام‌های موجود در یک متن می‌پردازد و درنتیجه وارد تأویل و نشانه‌شناسی محتوای پیام نمی‌شود. تحلیل محتوا روشی مناسب برای پاسخ دادن به سؤال‌هایی دربارهٔ محتوای یک پیام است. هرچند در رویکردهای اولیه، ادعا می‌شد که تحلیل محتوا می‌تواند علاوه بر محتوای پیام، به ویژگی‌های مؤلف و تأثیر بر مخاطب بپردازد، اما امروزه دو کارکرد اخیر را تنها در روش‌های تلفیقی میدانی و اسنادی امکان‌پذیر می‌دانند

در ادامه، از شاخص‌های آمار توصیفی فراوانی، درصد، میانگین و انحراف معیار به‌منظور تبیین وضعیت معیارها استفاده شد. به‌منظور تحلیل استنباطی داده‌های به‌دست‌آمده از ابزارهای اندازه‌گیری از روش آماری آلفای کرونباخ جهت برآوردن آزمون پایایی و آزمون t مستقل جهت ارزیابی معیارهای حاصل از تحلیل محتوا استفاده شد؛ که بدین منظور از نرم‌افزار Spss استفاده گردید.

بیان یافته‌ها و تحلیل علمی آن‌ها:

طی تحقیق و پژوهش به‌عمل‌آمده توسط نگارنده، سه مؤلفه سبک زندگی، هویت اسلامی و هویت ملی دستخوش اثرگذاری شبکهٔ «من و تو» هستند که بر اساس تحقیقات میدانی و تجزیه‌وتحلیل آماری توسط نرم‌افزار، نتیجه نهائی به شرح ذیل است:

فرضیه اول: شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان باعث تضعیف روحیه ایثار و مقاومت در ایران می‌شوند.

اثرات شبکه‌های ماهواره‌ای بر سبک زندگی، هویت ملی و هویت اسلامی جوانان ایرانی، منجر به تضعیف روحیه ایثار و مقاومت در بین جوانان ایرانی می‌شود. نتایج به‌دست‌آمده از پرسشنامه‌ها از طریق مقایسه با نمره معیار، آزمون t و سطح معناداری تحلیل شده است. نتایج این جدول نشان می‌دهد که در سطح معناداری $p \leq 0.05$ تحلیل تمامی شاخص‌ها معنادار شده

است. بر این اساس، از میان شاخص‌ها، تغییر سبک زندگی تأثیر بیشتری بر تضعیف روحیه ایثار و مقاومت جوانان ایرانی دارد و تمسخر طنزآلود مقامات کمترین تأثیر را بر تضعیف روحیه ایثار و مقاومت جوانان ایرانی دارد.

جدول ۲. نتایج آزمون t فرضیه اول

شاخص‌های فرضیه چهارم	میانگین	نمره معیار	T	Sig
ترویج مصرف‌گرائی و تجمل‌گرائی باعث تضعیف روحیه ایثار و مقاومت می‌گردد	۳/۷	۳	۱۲/۷۷	۰/۰۰۲
ترویج شراب‌خواری باعث تضعیف روحیه ایثار و مقاومت می‌گردد	٤/٦۱	۳	۹/۸۱	۰/۰۲۷
ترویج سکولاریسم باعث تضعیف روحیه ایثار و مقاومت می‌گردد	٤/۳۳	۳	۹/۱	۰/۰۰۹
القای ناکارآمدی سیاسی باعث تضعیف روحیه ایثار و مقاومت می‌گردد	٤/۵۹	۳	۷/۷٤	۰/۰۱٦
القای ناکارآمدی اقتصادی باعث تضعیف روحیه ایثار و مقاومت می‌گردد	٤/٤۷	۳	۱٤/۷۹	۰/۰۳۸
گسترش جو بی‌اعتمادی به مسئولان و نظام باعث تضعیف روحیه ایثار و مقاومت می‌گردد	٤/٦۱	۳	۸/۲	۰/۰۲۹
تسخیر ذهن و قلب کودکان باعث تضعیف روحیه ایثار و مقاومت می‌گردد	۳/۳۳	۳	۱۲/۷٦	۰/۰۰۲
تمسخر طنزآلود مقامات باعث تضعیف روحیه ایثار و مقاومت می‌گردد	۳/۲۷	۳	۱٤/۵٤	۰/۰۱۲
تغییر سبک زندگی باعث تضعیف روحیه ایثار و مقاومت می‌گردد	٤/۷	۳	۱٤/۵۳	۰/۰۱٤
تغییر ذائقه فرهنگی و عقاید سیاسی باعث تضعیف روحیه ایثار و مقاومت می‌گردد	۳/٤۵	۳	۷/۱۷	۰/۰۲۳
شهرت گرایی و رفاه‌طلبی باعث تضعیف روحیه ایثار و مقاومت می‌گردد	۳/٦۸	۳	٦/۱٦	۰/۰۳
کم‌رنگ کردن فرهنگ ملی (جهان‌وطنی) باعث تضعیف روحیه ایثار و مقاومت می‌گردد	٤/۱	۳	۷/۰٤	۰/۰۰۲
ارائه تصویر مدینه فاضله از غرب باعث تضعیف روحیه ایثار و مقاومت می‌گردد	٤/۱٦	۳	٦/۵۳	۰/۰۰۳
القای ناامیدی باعث تضعیف روحیه ایثار و مقاومت می‌گردد	٤/۵۵	۳	۷/۲۳	۰/۰۱٤
ترویج فرهنگ غرب باعث تضعیف روحیه ایثار و مقاومت می‌گردد	٤/۵	۳	۱۰/۱۷	۰/۰۱٦
خیانت زوجین باعث تضعیف روحیه ایثار و مقاومت می‌گردد	٤/٦	۳	۱۰/۹	۰/۰۱
ترویج بی‌بندوباری باعث تضعیف روحیه ایثار و مقاومت می‌گردد	٤/۵۸	۳	۷/۰٦	۰/۰۰۷
قبح شکنی روابط نامشروع باعث تضعیف روحیه ایثار و مقاومت می‌گردد	٤/۲۵	۳	۱۱/۵۳	۰/۰۲٦
تغییر ارزش‌های ملی باعث تضعیف روحیه ایثار و مقاومت می‌گردد	٤/۵۷	۳	۱۰/۷۵	۰/۰۱۱
تغییر هویت اسلامی و ایرانی باعث تضعیف روحیه ایثار و مقاومت می‌گردد	٤/۵۲	۳	۹/۲	۰/۰۱۷

فرضیه دوم: شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان باعث تغییر سبک زندگی در ایران می‌شوند. اثرات شبکه‌های ماهواره‌ای بر ترویج مصرف‌گرائی و تجمل‌گرائی، ترویج شراب‌خواری، ترویج سکولاریسم، القای ناکارآمدی سیاسی، القای ناکارآمدی اقتصادی، گسترش جو بی‌اعتمادی به مسئولان و نظام، تسخیر ذهن و قلب کودکان، تمسخر طنزآلود مقامات، تغییر ارزش‌های ملی، تغییر ذائقه فرهنگی و عقاید سیاسی، شهرت گرایی و رفاه‌طلبی، کم‌رنگ شدن فرهنگ ملی (جهان وطنی)، ارائه تصویر مدینه فاضله از غرب، القای ناامیدی، ترویج فرهنگ غرب، خیانت زوجین، ترویج بی بندوباری و قبح شکنی روابط نامشروع، منجر به تغییر سبک زندگی در ایران می‌شود. نتایج به‌دست‌آمده از پرسشنامه‌ها از طریق مقایسه با نمره معیار، آزمون t و سطح معناداری تحلیل شده است. نتایج این جدول نشان می‌دهد که در سطح معناداری $p\leq0.05$ تحلیل تمامی شاخص‌ها معنادار شده است. بر این اساس، از میان شاخص‌ها، ترویج مصرف‌گرائی و تجمل‌گرائی تأثیر بیشتری بر تغییر سبک زندگی در ایران می‌گذارد و گسترش جو بی‌اعتمادی به مسئولان و نظام، کمترین تأثیر را بر تغییر سبک زندگی در ایران دارد.

جدول ۳. نتایج آزمون t فرضیه دوم

شاخص‌های فرضیه اول	میانگین	نمره معیار	T	Sig
ترویج مصرف‌گرائی و تجمل‌گرائی باعث تغییر سبک زندگی می‌گردد	٤/٧٠	٣	١٤/٦١	٠/٠٢١
ترویج شراب‌خواری باعث تغییر سبک زندگی می‌گردد	٤/٦٥	٣	١٢/٤٤	٠/٠٠١
ترویج سکولاریسم باعث تغییر سبک زندگی می‌گردد	٣/٢٢	٣	١٢/٧٧	٠/٠٣
القای ناکارآمدی سیاسی باعث تغییر سبک زندگی می‌گردد	٣/٥٢	٣	١٣/٣٩	٠/٠٠٢
القای ناکارآمدی اقتصادی باعث تغییر سبک زندگی می‌گردد	٤/٣٨	٣	٦/٦٥	٠/٠٣٤
گسترش جو بی‌اعتمادی به مسئولان و نظام باعث تغییر سبک زندگی می‌گردد	٣	٣	١٣/١٣	٠/٠٢٧
تسخیر ذهن و قلب کودکان باعث تغییر سبک زندگی می‌گردد	٤/١٣	٣	١١/٥٣	٠/٠١٥
تمسخر طنزآلود مقامات باعث تغییر سبک زندگی می‌گردد	٤/٥٦	٣	١٠/٣٥	٠/٠٠٨
تغییر ارزش‌های ملی باعث تغییر سبک زندگی می‌گردد	٤/٣٦	٣	٨/٢١	٠/٠٣٤
تغییر ذائقه فرهنگی و عقاید سیاسی باعث تغییر سبک زندگی می‌گردد	٤/٥٢	٣	٩/٨١	٠/٠٠٧
شهرت گرایی و رفاه‌طلبی باعث تغییر سبک زندگی می‌گردد	٤/٦٣	٣	١٣/٩٤	٠/٠٠٣
کم‌رنگ شدن فرهنگ ملی (جهان‌وطنی) باعث تغییر سبک زندگی می‌گردد	٣/٨٣	٣	٦/١٣	٠/٠٠٥
ارائه تصویر مدینه فاضله از غرب باعث تغییر سبک زندگی می‌گردد	٣/٨٥	٣	٦/٤٩	٠/٠٣٥
القای ناامیدی باعث تغییر سبک زندگی می‌گردد	٣/٩٩	٣	١١/٦٥	٠/٠٢٦
ترویج فرهنگ غرب باعث تغییر سبک زندگی می‌گردد	٤/٥٩	٣	١٣/٥١	٠/٠١٩
خیانت زوجین باعث تغییر سبک زندگی می‌گردد	٣	٣	١١/٢٤	٠/٠٣
ترویج بی‌بندوباری باعث تغییر سبک زندگی می‌گردد	٤/٤٨	٣	١٤/٤٧	٠/٠٠٦
قبح شکنی روابط نامشروع باعث تغییر سبک زندگی می‌گردد	٤/٥٧	٣	١٢/٠٢	٠/٠٤

فرضیه سوم: شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان باعث تغییر هویت اسلامی در ایران می‌شوند.

اثرات شبکه‌های ماهواره‌ای بر ترویج مصرف‌گرائی و تجمل‌گرائی، ترویج شراب‌خواری، ترویج سکولاریسم، القای ناکارآمدی سیاسی، القای ناکارآمدی اقتصادی، گسترش جو بی‌اعتمادی به مسئولان و نظام، تسخیر ذهن و قلب کودکان، تمسخر طنزآلود مقامات، تغییر ارزش‌های ملی، تغییر ذائقه فرهنگی و عقاید سیاسی، شهرت گرایی و رفاه‌طلبی، کم‌رنگ شدن فرهنگ ملی (جهان وطنی)، ارائه تصویر مدینه فاضله از غرب، القای ناامیدی، ترویج فرهنگ غرب، خیانت زوجین، ترویج بی بندوباری و قبح شکنی روابط نامشروع، منجر به تغییر هویت اسلامی در ایران می‌شود. نتایج به‌دست‌آمده از پرسشنامه‌ها از طریق مقایسه با نمره معیار،

آزمون t و سطح معناداری تحلیل شده است. نتایج ایـن جـدول نشـان مـی‌دهـد کـه در سـطح معناداری $p \leq 0.05$ تحلیـل تمـامی شـاخص‌هـا معنـادار شـده اسـت. بـر ایـن اسـاس، از میـان شاخص ها، ترویج سکولاریسم، تأثیر بیشتری بر تغییر هویـت اسـلامی در ایـران دارد و القـای ناکارآمدی اقتصادی کمترین تأثیر را بر تغییر هویت اسلامی در ایران دارد.

جدول ٤. نتایج آزمون t فرضیه سوم

شاخص‌های فرضیه دوم	میانگین	نمره معیار	T	Sig
ترویج مصرف‌گرائی و تجمل‌گرائی باعث تغییر هویت اسلامی می‌گردد	۳/۹۹	۳	۱۲/۸۸	۰/۰۲۷
ترویج شراب‌خواری باعث تغییر هویت اسلامی می‌گردد	٤/۱۹	۳	۷/۱٦	۰/۰۲۱
ترویج سکولاریسم باعث تغییر هویت اسلامی می‌گردد	٤/٦٦	۳	۱٥	۰/۰۳٦
القای ناکارآمدی سیاسی باعث تغییر هویت اسلامی می‌گردد	۳/۹٦	۳	٦/۷۷	۰/۰۰۲
القای ناکارآمدی اقتصادی باعث تغییر هویت اسلامی می‌گردد	۳/۲٤	۳	٦/۹۲	۰/۰۱٤
گسترش جو بی‌اعتمادی به مسئولان و نظام باعث تغییر هویت اسلامی می‌گردد	۳/۹۳	۳	۱۰/٤۱	۰/۰۳
تسخیر ذهن و قلب کودکان باعث تغییر هویت اسلامی می‌گردد	٤/٦٥	۳	۱۰/۸۹	۰/۰۲٥
تمسخر طنزآلود مقامات باعث تغییر هویت اسلامی می‌گردد	۳/٦۲	۳	۱۰/۹٤	۰/۰۳٥
تغییر ارزش‌های ملی باعث تغییر هویت اسلامی می‌گردد	۳/۹۲	۳	٦/۸۸	۰/۰۲٦
تغییر ذائقه فرهنگی و عقاید سیاسی باعث تغییر هویت اسلامی می‌گردد	٤/٦۳	۳	۷/۲٤	۰/۰۲٤
شهرت گرایی و رفاه‌طلبی باعث تغییر هویت اسلامی می‌گردد	۳/٥۳	۳	۷/٤۱	۰/۰۱
کم‌رنگ کردن فرهنگ ملی (جهان‌وطنی) باعث تغییر هویت اسلامی می‌گردد	۳/٤٤	۳	٦/۳٤	۰/۰۲٤
ارائه تصویر مدینه فاضله از غرب باعث تغییر هویت اسلامی می‌گردد	۳/٥۷	۳	۱۲/۷	۰/۰۱۷
القای ناامیدی باعث تغییر هویت اسلامی می‌گردد	٤/٥۸	۳	۸/۱٦	۰/۰۳
ترویج فرهنگ غرب باعث تغییر هویت اسلامی می‌گردد	٤/٦۱	۳	۸/۸	۰/۰۳۱
ترویج خیانت زوجین باعث تغییر هویت اسلامی می‌گردد	۳/۹۳	۳	۱۲/۰۹	۰/۰۲٥
ترویج بی‌بندوباری باعث تغییر هویت اسلامی می‌گردد	٤/٥۰	۳	۱۲/۲۱	۰/۰۳۱
قبح شکنی روابط نامشروع باعث تغییر هویت اسلامی می‌گردد	۳/٤۲	۳	۱٤/۲۲	۰/۰۲۳

فرضیه چهارم: شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان باعث تغییر هویت ملی در ایران می‌شوند.

اثرات شبکه‌های ماهواره‌ای بر ترویج مصرف‌گرائـی و تجمـل‌گرائـی، تـرویج شـراب‌خـواری، ترویج سکولاریسـم، القـای ناکارآمـدی سیاسـی، القـای ناکارآمـدی اقتصـادی، گسـترش جـو بی‌اعتمادی به مسئولان و نظام، تسخیر ذهن و قلب کودکان، تمسـخر طنزآلـود مقامـات، تغییـر ارزش‌های ملی، تغییر ذائقه فرهنگی و عقاید سیاسی، شهرت گرایی و رفاه‌طلبی، کم‌رنگ شـدن فرهنگ ملی (جهان وطنی)، ارائه تصویر مدینه فاضله از غرب، القای ناامیـدی، تـرویج فرهنـگ

غرب، خیانت زوجین، ترویج بی بندوباری و قبح شکنی روابط نامشروع منجر به تغییر هویت ملی در ایران می‌شود. نتایج به‌دست‌آمده از پرسشنامه‌ها از طریق مقایسه با نمره معیار، آزمون t و سطح معناداری تحلیل شده است. نتایج این جدول نشان می‌دهد که در سطح معناداری $p\leq0.05$ تحلیل تمامی شاخص ها معنادار شده است. بر این اساس، از میان شاخص ها، ترویج فرهنگ غرب تأثیر بیشتری بر تغییر هویت ملی در ایران دارد و ترویج بی بندوباری کمترین تأثیر را بر تغییر هویت ملی در ایران دارد.

جدول ۵. نتایج آزمون t فرضیه چهارم

شاخص‌های فرضیه سوم	میانگین	نمره معیار	T	Sig
ترویج مصرف‌گرائی و تجمل‌گرائی باعث تغییر هویت ملی می‌گردد	٤/۲۱	۳	۱۰/۸۳	۰/۰۲
ترویج شراب‌خواری باعث تغییر هویت ملی می‌گردد	۳/۱۵	۳	۸/۲۲	۰/۰۳۹
ترویج سکولاریسم باعث تغییر هویت ملی می‌گردد	۳/۱۳	۳	۱۰/۰۹	۰/۰۳۵
القای ناکارآمدی سیاسی باعث تغییر هویت ملی می‌گردد	۳/۰۷	۳	٦/٤۱	۰/۰۲۷
القای ناکارآمدی اقتصادی باعث تغییر هویت ملی می‌گردد	۳/۵۳	۳	۱۱/۰٦	۰/۰۱۳
گسترش جو بی‌اعتمادی به مسئولان و نظام باعث تغییر هویت ملی می‌گردد	۳/۵۸	۳	۱٤/۵	۰/۰۳۷
تسخیر ذهن و قلب کودکان باعث تغییر هویت ملی می‌گردد	٤/٦٦	۳	۱۰/۱۵	۰/۰۲۲
تمسخر طنزآلود مقامات باعث تغییر هویت ملی می‌گردد	٤/۵۹	۳	۱۰/٤۷	۰/۰۱۵
تغییر ارزش‌های ملی باعث تغییر هویت ملی می‌گردد	٤/٦۲	۳	۱۱/۹۸	۰/۰۰۵
تغییر ذائقه فرهنگی و عقاید سیاسی باعث تغییر هویت ملی می‌گردد	٤/۲۵	۳	۱۱/۸۷	۰/۰۳۷
شهرت گرایی و رفاه‌طلبی باعث تغییر هویت ملی می‌گردد	٤/۳٦	۳	۹/٤۳	۰/۰۱۱
کم‌رنگ کردن فرهنگ ملی (جهان‌وطنی) باعث تغییر هویت ملی می‌گردد	٤/۵۹	۳	۹/۷۷	۰/۰۲۲
ارائه تصویر مدینه فاضله از غرب باعث تغییر هویت ملی می‌گردد	٤/٦٦	۳	۹/۳٤	۰/۰۲
القای ناامیدی باعث تغییر هویت ملی می‌گردد	۳/٤٦	۳	۱۱/۲۹	۰/۰۳٤
ترویج فرهنگ غرب باعث تغییر هویت ملی می‌گردد	٤/٦۸	۳	٦/۹٦	۰/۰۱۷
خیانت زوجین باعث تغییر هویت ملی می‌گردد	٤/۳	۳	۱۰/۹۸	۰/۰۳۹
ترویج بی‌بندوباری باعث تغییر هویت ملی می‌گردد	۳/۰۳	۳	۱۲/٦٤	۰/۰۲٦
قبح شکنی روابط نامشروع باعث تغییر هویت ملی می‌گردد	۳/۸	۳	۹/۳۸	۰/۰۱۳

بحث و نتیجه‌گیری

در بیان نتیجه کلی برگرفته از این پژوهش می‌توان گفت شبکه‌های ماهواره‌ای به‌ویژه شبکه فارسی‌زبان «من و تو» با اثرگذاری بر اعتقادات، باورها، ارزش‌ها، احساسات و عواطف مردم باعث تغییر سبک زندگی، هویت ملی و هویت اسلامی خواهد شد و این تغییرات منجر به کاهش و حتی از بین رفتن روحیه ایثار و مقاومت در بین جوانان می‌گردد؛ بنابراین و با توجه به تأیید فرضیات تحقیق، مدل ارائه‌شده تحقیق که در نمودار پائین نمایش داده شده است، مورد تأیید قرار می‌گیرد. بر این اساس می‌توان ادعا کرد که شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان با تغییر سبک زندگی، هویت اسلامی و هویت ملی ایرانیان، موجب کاهش ذخایر ارزشی و درنهایت کاهش روحیه مقاومت و ایثار می‌گردند که باید برای برون‌رفت از این مشکل ملی، در سطح کلان، اقدامات جدی و درخوری صورت پذیرد.

❖ **پیشنهادها:**

- بـررسی علل اصلی رضامندی و استفاده از ماهواره نزد مـخاطبان این رسـانه؛
- آگـاه‌سازی جوانان نسبت به اهداف و مقاصد دشمنان انقلاب اسلامی از توسعهٔ روزافزون شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان؛
- برنامه‌ریزی مـسئولان صداوسیمای جمهوری اسلامی برای تهیه و تولید برنامه‌های جذاب، عمیق و موردنیاز جـوانان برای جانشین‌سازی آن‌ها بـا بـرنامه‌های تلویزیونی شبکه‌های ماهواره‌ای؛
- برنامه‌ریزی مسئولان امور جوانان برای افزایش مبانی معرفت دینی در جوانان و توسعهٔ خدامحوری و تعمیق بـاورهای دیـنی آنان به‌عنوان اصلی‌ترین راه برای جلوگیری از تأثیرات سوء ماهواره بر هویت دیـنی جـوانان؛
- ایجاد شبکه‌های ماهواره‌ای متنوع که توان مقابله با برنامه‌های شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان بـیگانه را داشـته باشد و به‌صورت جامع و حرفه‌ای برنامه‌هایی برای خنثی‌سازی اهداف شبکه‌های خارجی تهیه کنند؛
- برخورد عالمانه با جمعیت جوان و نیازهای آنان (ازدواج، شغل، مسکن و...)؛
- حفظ روحیه شهادت‌طلبی، فداکاری و ایثارگری به‌عنوان بخشی از هویت اسلامی شیعی؛
- توجه به نقش رهبری و رهنمودهای داهیانه ایشان در نظام جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان لنگرگاه ثبات و عامل وحدت تمام جریان‌ها.

منابع و مأخذ

آبرودی، لیلا (۱۳۹۱). **تهاجم فرهنگی و جوان، حوزه علمیه خراسان**. بیانات مقام معظم رهبری ۷۱/۵/۲۱.

پورشمس‌الدین مطلق، محمدعلی (۱۳۹٦). «مفهوم ایثار و شهادت و نقش عشایر در دفاع مقدس». پایگاه اطلاع‌رسانی خانه فرهنگ ایثار و مقاومت.

حسینی، سیده صدیقه (۱۳۹۲). **اهداف فرهنگی در جنگ نرم رسانه‌ای**، مرکز پژوهش‌های اسلامی صداوسیما.

خاکی، غلامرضا (۱۳۸۲). **روش تحقیق با رویکردی به پایان‌نامه‌نویسی**. تهران: انتشارات بازتاب.

دهشیری، محمدرضا (۱۳۸۸). «رسانه و فرهنگ‌سازی». **فصلنامه تحقیقات فرهنگی**. شماره ۸: ۲۰۸-۱۷۹.

ساروخانی، باقر (۱۳٦۸). **جامعه‌شناسی ارتباطات جمعی**. چاپ‌دوم، تهران: انتشارات اطلاعات.

ساروخانی، باقر (۱۳۸۵). **جامعه‌شناسی ارتباطات**. تهران: انتشارات اطلاعات.

شهاب، فوزیه (۱۳۹۲). «تحلیل محتوای برنامه اتاق خبر شبکه من و تو». فصلنامه مطالعات ماهواره و رسانه‌های جدید. شماره ۵: ۹٦-۷۱.

عمید، حسن (۱۳٦۹). **فرهنگ فارسی عمید**. جلد اول. تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر.

قرنی، احسان (۱۳۷۷). **دست‌های ناپیدا: خاطرات مستر همفر جاسوس انگلیس در کشورهای اسلامی**. تهران: انتشارات گلستان کوثر.

معین، محمد (۱۳۵۱). **فرهنگ فارسی معین**، جلد اول. تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر.

ناظمی، ابوالفضل (۱۳۹٦). **تهاجم فرهنگی چیست؟ انواع تهاجم فرهنگی و راه‌های مقابله با آن**. گروه مذهبی ستاره.

نیازی، محسن (۱۳۹۰). «نقش ماهواره و برنامه‌های ماهواره‌ای در فرسایش هویت فردی، اجتماعی، ملی و دینی شهروندان شهر کاشان در سال ۱۳۸۹». **فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات**. شماره ۲۲: ۲۱۹-۱۸۹.

❖ نیک ملکی، محمد و حسن مجیدی (۱۳۹۲). «شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان و هویت ملی و اسلامی جوانان مطالعه موردی شهرستان اراک – ۱۳۹۰». **فصلنامه مطالعات ملی**. شماره ٥٤: ١٦٨–١٤٥.

Bastide, D. (1987) Religious Education, Lewes: Falmer press.

Dressler, W. (2002) A Working Definition of Culture, Department of Anthropology and School of Social Work, University of Alabama.

Lull, J. (2000)Media, Communication,Culture:A Global Approach,Second Edition,Cambridge, UK: Polity Press.

Smith, Anthony D. (1991) National Identity, London: Penguin Books.

Thompson, J. B. (1995) The Media and Modernity: A Social Theory of the Media, Cambridge: Polity Press.

Tylor, E. (1871) Primitive Culture: Researches into the Development of Mythology, Philosophy, Religion, Art, and Custom. New York: Gordon press

UNESCO, (2003) “Convention of Intangible Cultural Heritage”, www.unesco.org.

Williams, R. (1958) Cultureand Societ y:1780-1950, New York: Columbia University Press.

http://www.aei.org/events/eventID.1254,filter.all/event-detail.asp.

http://www.aei.org/publications/pubID.26987,filter.all/pub-detail.asp.

http://www.basirat.ir/fa/news/98460/

http://www.brookings.edu/opinions/2007/09middleeast-telhami.aspx.

http://www.brookings.edu/testimony/2007/1023iran.aspx.

https://www.fardanews.com/fa/news/253430/

https://www.hawzah.net/fa/News/View/37947

https://www.rasekhoon.net/news/show/285033

http://www.saten.ir/143549/

https://www.setare.com/fa/news/18838

https://www.seratnews.com/fa/news/157649

http://www.tabnakhamadan.ir/fa/news/116348

https://www.tasnimnews.com/fa/news/1394/04/14/790464

http://www.tebyan.net/Archive/Society-Politics/2007/8/2/44061.html

https://www.valiasr-aj.com/persian/shownews.php?idnews=6050

دو فصلنامه شاهد اندیشه / دوره سوم/ شماره ۲ / پیاپی ٦/ پاییز و زمستان ۱٤۰۱/ ۸٤–۵۵
Two Journal Of Shahede Andisheh Autumn & Winter 2022: 55-84

بررسی مدیریت منابع انسانی با روحیه جهادی و ایثارگری در فرایند رشد و توسعهٔ کشور

محمدحسن مهری[۱]

چکیده

رشد و توسعه بر اساس سند چشم‌انداز حاکمیتی، شامل تدوین راهبردها، سیاست‌ها، خط‌مشی گذاری و برنامه‌های اجرایی بلندمدت شکل می‌گیرد. رشد به مفهوم تحول کمی و توسعه به مفهوم تحول کیفی و پایدار، با ایجاد تغییر محتوایی همه‌جانبه در ابعاد اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و جمعیت (انسان‌ها) است. در سند چشم‌انداز توسعهٔ کشور رسیدن به توسعهٔافتگی، متناسب با مقتضیات فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی خود و متکی بر اصول اخلاقی، ارزش‌های اسلامی، ملی و انقلابی تأکید گردیده است. برای تحقق چنین چشم‌اندازی باید به مدیریت منابع انسانی به‌عنوان مولد رشد و توسعه، توجه ویژه داشت که سرمایه ملی بوده و مهم‌ترین نقش و تأثیرگذاری را در دستیابی جامعه به اهداف راهبردی‌اش دارند. فرایند رشد و توسعه بایستی بر اساس ارزش‌های دینی، اجتماعی، تاریخی، ملی، ارزش‌افزوده ایجادشده با روحیه جهادی و ایثارگری و فرهنگ متأثر از آن در سطح نیازهای ملی کشور تبیین و الگوسازی کرد. در این پژوهش از روش‌شناسی کیفی تئوری زمینه‌ای استفاده‌شده که مبتنی بر متن، مصاحبه و استفاده از تجارب گروه‌های نخبگان و مرجع در روش تحقیق هست. در این تحقیق بیش از هفتاد مؤلفه تأثیرگذار در فرایند مدیریت منابع انسانی با روحیه جهادی و ایثارگری احصاء و بر اساس معانی، مفاهیم، مؤلفه‌ها و فرایندهای ساختاری رشد و توسعه به هفت سطح دسته‌بندی و عوامل اصلی تأثیرگذار تبیین گردید و با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ پایایی یا قابل‌اعتماد بودن آن‌ها ارزیابی و مورد تأیید واقع شد که عبارت‌اند از؛ سیاست‌گذاری، اصلاح ساختار، دانش‌افزایی، تغییر نگرش، اصلاح رفتار، اصلاح فرهنگ، سبک مدیریت نوین. با استفاده از مفاهیم مدیریتی و فرایند توسعه‌یافتگی و بهره‌مندی از دیدگاه نخبگان الگو و فرایند چرخه ساختاری عوامل اصلی تأثیرگذار بر رشد و توسعه متأثر از روحیه جهادی و ایثارگری پیشنهاد گردید.

واژگان کلیدی

منابع انسانی، مدیریت جهادی، تغییر نگرش، سیاست‌گذاری، رفتار، رشد و توسعه، روحیه ایثارگری.

تاریخ دریافت: ۱٤۰۱/۰۷/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱٤۰۱/۰۸/۲۹

۱. دکتری مدیریت بازرگانی، تهران، ایران. mh.mehri40@gmail.com

مقدمه

ازجمله ویژگی‌های جامعۀ ایرانی در افق سند راهبردی توسعه کشور و گام دوم انقلاب اسلامی عبارت است از توسعه‌یافته، متناسب با مقتضیات فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی خود و متکی بر اصول اخلاقی و ارزش‌های اسلامی، ملی و انقلابی و نیز دست‌یابی به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه با تأکید بر جنبش نرم‌افزاری و تولید علم، رشد پرشتاب و مستمر اقتصادی، ارتقاء نسبی سطح درآمد سرانه و رسیدن به اشتغال کامل است. در این میان در حالی بر توسعه‌یافتگی همه‌جانبه و استقرار در جایگاه نخست اقتصادی، علمی و فناوری منطقه به‌عنوان یک هدف ملی در سند چشم‌انداز بیست‌ساله کشور تأکید شده است که به‌رغم طراحی و اجرای برنامه‌های متعدد توسعه در کشور و تدوین و ابلاغ سند چشم‌انداز بیست‌ساله جمهوری اسلامی ایران، هنوز یک الگوی بومی متناسب با مقتضیات تاریخی، جغرافیایی و فرهنگی کشور برای توسعه طراحی نشده است، الگوی مطلوب توسعه در نظام جمهوری اسلامی ایران باید از چه ویژگی‌هایی برخوردار باشد و اساساً توسعه موردنظر دارای چه اصول، ابعاد و اهدافی باید باشد. مولد رشد و توسعه در هر کشور و جامعه‌ای مدیریت منابع انسانی است و بر اساس ارزش‌های اجتماعی و فرهنگ حاکم بر آن کشورها می‌توانند گامی مثبت در مسیر رشد و توسعه بردارند. ارزش‌های اجتماعی و فرهنگ هر جامعه هویت و موجودیت آن جامعه را تشکیل می‌دهد و همه پیشرفت‌های جامعه در تمامی عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و جمعیتی ارتباط ناگسستنی، متقابل و استوار با مقوله فرهنگ دارد. فرهنگ مجموعه‌ای از رفتارهای فردی، اجتماعی، اعتقادی، دینی و ارزش‌های آن‌ها در جامعه را بیان می‌نماید. در رشد و توسعۀ بخش‌های مختلف ازجمله فناوری نیز بایستی فرهنگ اسلامی و دینی ما محور اصلی قرار گیرد و صرفاً الگوبرداری و قرارگرفته در مسیر توسعۀ دیگر کشورها بدون در نظر گرفتن مؤلفه‌ها و شاخص‌های بومی بر اساس ارزش‌افزوده فرهنگی جامعه، نمی‌تواند هدف توسعۀ مطلوب، همه‌جانبه و متوازن را برآورده سازد. برنامه‌های مختلف توسعه‌ای در سطوح مختلف در کشور تدوین گردیده است ولی مدیریت و اجرا و تحقق اهداف راهبردی نیازمند

نیروی انسانی متعهد، وفادار، باانگیزه‌های ملی، ایثار و ازخودگذشتگی و روحیه جهادی بر اساس مقتضیات کشور و اعتقاد به آرمان‌های ارزشی و سند راهبردی و چشم‌انداز کشور در گام دوم انقلاب اسلامی ایران دارد.

روحیه جهادی و ایثارگری لازمه توسعه همه‌جانبه امور در کشوری دارای مبانی دینی و اسلامی است؛ کما اینکه در هر برهه از تاریخ چهل‌ساله انقلاب اسلامی اموری که با رویکرد جهادی و ایثارگری مدیریت شده‌اند موفقیت چشمگیری داشته‌اند که در این حوزه می‌توان به اقدامات جهادی در محرومیت‌زدایی از روستاها و مناطق محروم در ابتدای انقلاب با طرح جهاد سازندگی، مدیریت هشت‌ساله دفاع مقدس و جنگ تحمیلی، تولید جنگ‌افزارهای نظامی دفاعی، موفقیت در علوم نوین ازجمله فناوری هسته‌ای، نانوتکنولوژی و سلول‌های بنیادی اشاره کرد .اگر در نظام اسلامی، مدیران حکومتی، اعتقاد و رویکرد جهادی نداشته باشند، مانعی بر سر راه پیشرفت و رشد انسانی و کمال جامعه خواهند بود (شماعی و همکاران، ۱۳۹۳: ۲). متأسفانه در مقاطعی از انقلاب، افرادی مدیریت بخش‌های مختلف کشور را برعهده گرفتند که به رویکرد جهادی و ایثارگری اهتمام لازم را نداشته و نگاه تکنوکراتی به مدیریت منابع انسانی و رشد و توسعه داشتند و به‌تبع آن این سبک مدیریتی جهادی در شرایط جنگ نرم با کشورهای توسعه‌یافته و غربی‌ها و استکبار جهانی که مؤثر، کارآمد و راهگشا بود، بعضاً کمرنگ شده و یا به فراموشی سپرده شد. بدیهی است که روحیه جهادی و ایثارگری در حوزه مدیریت منابع انسانی باید در همه سطوح مدیریتی کشور تحقق یابد تا شاهد پیشرفت‌های روزافزون در همه زمینه‌ها باشیم .آگاهی از عناصر و رویکردهای تفکر جهادی و ایثارگری به‌مثابه مولد تأثیرگذار برای تحقق مدیریت جهادی عمل می‌کند. نتیجتاً بازتعریف روحیه جهادی و تفکر و تدبر در فهم آن، یکی از ضرورت‌ها برای مدیریت موفق امور کشور بوده و بی‌توجهی به آن، آسیب‌های جدی در پی خواهد داشت. بسیاری از مشکلاتی که در حال حاضر در کشور وجود دارد، ناشی از ضعف مدیریتی، وجود مدیریت‌های ناکارآمد و به بیان بهتر، جهادی نبودن مدیریت‌های فعلی بوده که به‌رغم موفقیت‌های خیلی خوب در بعضی از حوزه‌ها حسب تحریم‌های گوناگون فردی، شرکتی و سازمانی گاه‌های ارزشمندی در مسیر رشد و توسعه برداشته شده است. همان‌گونه که مقام

معظم رهبری در این خصوص فرموده‌اند: عامل همه این مشکلات تحریم‌ها نیست بلکه ناشی از مسائل درونی و نحوه مدیریت و **سیاست‌گذاری** اجرایی است. پس لازم است تا روحیه جهادی و ایثارگری هرچه بیشتر در نظام مدیریت منابع انسانی کشور تحقق پیدا کند و نیاز به این امر امروز در کشور به‌خوبی احساس می‌شود. لازم است که ابتدا ماهیت، عناصر، مؤلفه‌ها، شاخص‌ها و ابعاد آن شناخته‌شده و مدل فرایند رشد و توسعه کشور بر اساس مدیریت منابع انسانی با روحیه جهادی و ایثارگری به‌خوبی تدوین و تبیین شود؛ بنابراین مفهوم شناسی و گفتمان سازی برای مدیریت منابع انسانی با روحیه جهادی و تبدیل سبک مدیریت و جهادی به دانش رسمی و آکادمیک برای استفاده عملی از آن به بهترین وجه، الزامی است.

سؤال اصلی پژوهش

عوامل اصلی تأثیرگذار در مدیریت منابع انسانی با روحیه جهادی و ایثارگری بر رشد و توسعه کشور چیست؟

سؤالات فرعی:

۱. مؤلفه‌های مولد عوامل اصلی تأثیرگذار در فرایند مدیریت منابع انسانی با روحیه جهادی و ایثارگری کدام‌ها هستند؟

۲. الگو و فرایند چرخه ساختاری عوامل اصلی تأثیرگذار در مدیریت منابع انسانی برای رشد و توسعه کشور چگونه هست؟

پیشینه پژوهش

موحد (۱۳۸۶)، مدیریت جهادی را در سه بعد و ۱۰ مؤلفه تعریف کرده است که عبارت‌اند از: بُعد ساختاری (مدیریت برای خدا، مدیریت ولایتی، انعطاف‌پذیری ساختار و تشکیلات متناسب با شرایط)؛ بُعد رفتاری (مدیریت داوطلبانه، تحول‌آفرین، پویا و انعطاف‌پذیر در مأموریت‌ها، خودباوری، توجه به نیروی انسانی به‌عنوان منابع مهم کاری، پرکاری، سخت‌کوشی، خستگی‌ناپذیری و سرعت عمل در کارها) و بُعد زمینه‌ای (مدیریت مشارکت

پذیر، نهادینه کردن اخلاق و ارزش‌های دینی در محیط کار، مدیریت قناعتی بااهمیت دادن به بیت‌المال).

رضوان خواه و دهکردی (۱۳۹۰)، در تبیین کار جهادی (با تأکید بر جهاد اقتصادی)، اصول و ارزش‌های مختلفی را برمی‌شمرند که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: اصل احساس مسئولیت، اصل حفظ عزتمندی، تخصص، مداومت ورزی بر یک کار مشخص، تجربه‌اندوزی، رعایت اخلاق حرفه‌ای، تعهد و وجدان کاری، کار مضاعف و پرهیز از تنبلی، پرهیز از دغل‌کاری، استقلال، جلب رضای پروردگار، کسب روزی حلال، شکرگزاری و استفاده صحیح از نعمات و اصالت کار (علی شیری و همکاران ۱۳۹۵).

ایروانی (۱۳۷۸)، مؤلفه‌های زیر را به‌عنوان مؤلفه‌های اصلی مدیریت جهادی برشمرده است: ارزش‌مداری، مردم‌گرایی، پویایی، خودباوری، نوآوری، استمرار، انعطاف‌پذیری، ولایت محوری، دین‌محوری و فرهنگ خاص سازمانی (علی شیری و همکاران ۱۳۹۵).

مرتضوی و زارع پورنصرآبادی (۱۳۹۱)، مؤلفه‌هایی از قبیل هویت جهادی، ابتکار فردی، هدایت و سرپرستی، سیستم تشویقی، انسجام، الگوی ارتباطی، تحمل اختلاف‌سلیقه، خطرپذیری، کنترل، حمایت مدیریتی و پایبندی به‌نظام ارزشی سالم را به‌عنوان عناصر اصلی تشکیل‌دهنده فرهنگ جهادی برشمرده‌اند.

میر (۱۳۸۶)، اصول حاکم بر مدیریت جهادی را این‌گونه برشمرده است؛ ایثارگری، مردمی بودن، انعطاف‌پذیری، دین‌مداری و ولایت محوری، اعتماد متقابل در تمامی سطوح.

پورصادق و ذاکری (۱۳۹۴)، در مقاله‌ای با عنوان بررسی تأثیر مدیریت جهادی بر اثربخشی سازمان در سه بُعد رهبر، پیرو و زمینه، به این نتیجه رسیده‌اند که از میان سه بُعد رهبر، پیرو و زمینه در مدیریت جهادی، ابعاد پیرو و زمینه بر اثربخشی سازمان تأثیر معناداری دارد درحالی‌که بُعد رهبر مدیریت جهادی بر اثربخشی سازمان آموزش‌وپرورش تأثیر مثبت و معناداری ندارد (خلیلی، بهرامی، ۱۳۹۹).

فرهی و همکاران (۱۳۸۵) در پژوهشی با عنوان طراحی الگوی فرهنگ جهادی یکی نهادهای انقلاب اسلامی، به این نتیجه می‌رسند، الگوی فرهنگ جهادی در قالب چهار مؤلفه معنویت محوری، ورزیدگی، مجاهدت محوری و انطباق محوری است؛ مؤلفه‌های معنوی

محوری و انطباق محوری دارای بالاترین درجه اهمیت بین مؤلفه‌های فرهنگ جهادی است (خلیلی، بهرامی، ۱۳۹۹).

کیانی‌زاده و گلشنی (۱۳۸۵) در مقاله‌ای با عنوان شناسایی ویژگی‌های شخصیتی سیاست‌گذاران عمومی مبتنی بر مدیریت جهادی، به این نتیجه رسیدند که مؤلفه شایسته‌سالاری مهم‌ترین مؤلفه در مدیریت جهادی است و بعدازآن مؤلفه‌های مسئولیت‌پذیری، وجدان کاری و حُسن خُلق در رتبه‌های بعدی اهمیت قرار دارند.

در این پژوهش، موضوع مؤلفه‌های تأثیرگذار در مدیریت منابع انسانی و مالی و سازمانی ازجمله برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، جذب منابع انسانی و مالی، هدایت، هماهنگی، کنترل و نظارت و همچنین در فرایند رشد و توسعه ازجمله سیاست‌گذاری، تدوین استراتژی، خط مشی‌گذاری، ساختارهای رسمی و غیررسمی، رفتارهای فردی و گروهی سازمانی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اثرات محیط‌های بیرونی و بین‌المللی بر سازمان‌ها و جامعه با روحیهٔ جهادی و ایثارگری احصاء و با روش‌های علمی مورد بررسی و تجزیه‌وتحلیل قرار گفته و بر اساس سؤالات و اهداف تحقیق الگوی مطلوب بر اساس مؤلفه‌های فرعی و اصلی در فرایند رشد و توسعهٔ ملی نتیجه‌گیری شده است و در پیشینه پژوهش موضوع رشد و توسعه کمتر مورد بحث یا سؤالات و فرضیات تحقیق بوده و در ابعاد تأثیر روحیه جهادی و ایثارگری بر حوزهٔ منابع انسانی و تأثیرات منعطف بوده است.

مبانی نظری پژوهش

ابعاد نظری توسعه از نگاه اندیشمندان؛ نخستین تلاش و کوشش هر پژوهشگر در بررسی مسئله توسعه، تبیین پدیده توسعه‌یافتگی یا توسعه‌نیافتگی بوده است و این به‌صورت یک اصل در این حوزه است، زیرا برای بحث پیرامون هر پدیده‌ای ابتدا باید آن را شناخت و بعد به مسأله‌های آن پرداخت. در مورد مباحث مربوط به توسعه به سه نکته باید توجه داشت:

۱. توسعه ابعاد و جنبه‌های مختلفی دارد که ازجمله آن؛ توسعه سیاسی، توسعه اقتصادی، توسعه اجتماعی، توسعه فرهنگی و توسعه جمعیت (نیروی انسانی) را می‌توان نام برد.

۲. در بررسی‌های مربوط به توسعه، چون توسعه‌یافتگی و توسعه‌نیافتگی درواقع دو روی یک سکه هستند طبیعتاً تبیین یکی از آن دو، دیگری را مشخص می‌نماید.

۳. برای تبیین پدیده توسعه‌یافتگی یا توسعه‌نیافتگی هر پژوهشگری با توجه به ذهنیات خود معیار و ملاکی را انتخاب و ارائه می‌نماید که ممکن است این معیار از دیدگاه دیگران موردقبول و پذیرش نباشد و باید توجه داشت که برای تبیین توسعه‌یافتگی یا توسعه‌نیافتگی نمی‌توان معیار واحدی را ارائه داد، به‌گونه‌ای که این معیار در مورد تمامی ممالک بافرهنگ و زبان و مسئله دینی و مذهبی مختلف و در تمامی زمان‌ها صادق باشد (جیروند، ١٣٦٦: ١٤).

مبانی نظری رشد و توسعه؛ رشد به تغییر کمی هر متغیر اعم از سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و جمعیت (نیروی انسانی) طی یک دوره معین زمانی گفته می‌شود. برای اقتصاد به‌عنوان یک کل و مجموعه، رشد اقتصادی به تغییر تولید ناخالص ملی (GNP[1]) در یک دوره مالی اطلاق می‌گردد. توسعه اعم از سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و جمعیت (نیروی انسانی) در یک تعریف کلی عبارت است از رشد همراه با تغییر و تحولات کیفی. به‌عبارت‌دیگر توسعه ابعاد کمی و کیفی تغییر در متغیرهای موردنظر را نه به‌صورت مکانیکی بلکه به‌صورت ارگانیک و زیستی در برمی‌گیرد. در تعریف دیگری، توسعه را ارتقای فراگیر و همه‌جانبه سطح زندگی و رفاه جامعه دانسته‌اند. توسعه در اسناد فرادستی با شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی، بهداشتی و اجتماعی، اقتصادی، علمی و فناوری،حقوق انسانی و آزادی‌های مدنی، پایداری محیط، فرهنگی، دینی، دفاعی و امنیتی قابل ارزیابی خواهد بود، ازاین‌رو توسعه موردنظر در کشور به‌مراتب از توسعه انسانی به‌عنوان آخرین نظریه توسعه و اهداف هزاره سوم جامع‌تر و کامل‌تر است. واژه «توسعه» از اصطلاحات کلیدی حوزه اقتصاد سیاسی و سیاست اجتماعی قرن بیستم است که در یک معنای وسیع و گسترده به فرایند تغییر اجتماعی یا سطح و وضعیت برنامه‌ها در جهت تحول اقتصاد ملی، به‌ویژه در جغرافیای کشورهای جهان سوم یا استعماری سابق اشاره دارد (Derek, et al. 2009: 155). یکی از

1. Gross National Product

مشکلات اساسی در برنامه‌های توسعه، مشخص نبودن ابعاد توسعه در بخش‌های مختلف و منقطع بودن آن است. در توسعه پایدار، همه بخش‌های کشور اعم از روستایی، شهری و کلان‌شهرها و بخش‌های خصوصی و دولتی، بایستی از سندی منسجم بنام چشم‌انداز که آن‌هم قابلیت سنجش داشته باشد پیروی نمایند. توسعه پایدار عبارت است از توسعه‌ای که نیازهای کنونی جهان را بدون آنکه توانایی نسل‌های آتی را در برآوردن نیازهای خود به مخاطره بیفکند تأمین می‌کند. برخی برای توسعه پایدار سه رکن اساسی متصور شده‌اند: پایداری زیست‌محیطی (اکولوژیکی)، پایداری اقتصادی و پایداری اجتماعی (Derek, et al. 2009: 86). کارآمدی هر دستگاهی به لحاظ کردن هر سه بعد پایداری (اکولوژیکی، اقتصاد و اجتماعی) است. توسعه ابعاد مختلفی دارد و عوامل متنوعی زمینه‌ساز آن است. بنابراین، در توسعه پایدار که نوعی فرایند تغییر رخ می‌دهد که لازمه نهادی شدن اصول، اهداف، سیاست و رویه‌های اجرایی در تمامی بخش‌های دولتی و خصوصی و به عبارتی عام کشور است. از طرفی دیگر ظرفیت‌سازی نهادی، توجه به توسعه منابع انسانی، تقویت و توسعه ساختارهای سازمانی، بهبود و افزایش بسترها و ابزارهای سیاستی برای بالا بردن ظرفیت نهادها و سازمان‌ها در فرایند توسعه پایدار است. لذا ظرفیت‌سازی نهادی، عنصری کلیدی در بسیج کردن منابع در مسیر توسعه است (گودرزوند چگینی، ۱۳۹٤).

مدیریت منابع انسانی؛ نیروی انسانی را باید مهم‌ترین سرمایه سازمان دانست که در دستیابی سازمان به اهدافش نقش کلیدی و مهمی دارد. امروزه سازمان‌ها هزینه‌های زیادی برای جذب و نگهداری منابع انسانی صرف می‌کنند تا در عرصه رقابت از سایر رقیبان عقب نمانند. اگر سازمان‌ها دارای بهترین فناوری و از بهترین امکانات بهره‌مند باشند و نیروی انسانی متخصص و کارآمد نداشته باشند و از توانایی آنان بهره لازم را نگیرند، نمی‌توانند بر محیط اثرگذارند و در عرصه رقابت، موفّق عمل کنند (خسروی، ۱۳۸۸). باید انسان را رکن و اساس تحول تلقی کرد. در اهمیت نیروی انسانی نیز باید گفت نقش هیچ عاملی را در توسعه کشور نمی‌توان با عامل انسانی برابر دانست و بی‌گمان نقش عامل انسانی با رشد دانش و فناوری ارتقا می‌یابد (خواجه شاه کوهی و صحنه، ۱۳۸۷). یکی از چالش‌های



اساسی مدیریت منابع انسانی بی‌توجهی به این سرمایهٔ استراتژیک و نامشهود است که عمدتاً در سازمان‌ها به آن نگاه ابزاری می‌شود. توسعهٔ سازمانی درگرو انسان توسعه یافته است. تحول و تعالی سازمانی مرهون مدیران و کارکنان متعالی و تربیت یافته است. رمز و راز پویایی و بالندگی سازمان‌ها در سایه رشد و وارستگی انسان‌ها است. از این دیدگاه شاید بتوان ادعا کرد که حیاتی‌ترین و مهم‌ترین چالش‌های فرا روی مدیریت‌ها، چالش رفتاری منابع انسانی است که بدون شناسایی، مدیریت و پیدا کردن راه‌حل‌های مناسب و تأثیرگذار، دستیابی به مدیریت منابع انسانی بر اساس منویات مسئولان عالی کشور سرابی بیش نیست. بایستی حوزه مدیریت منابع انسانی را بر اساس ارزش‌های دینی، اجتماعی، تاریخی، ملی، ارزش‌افزوده ایجادشده متأثر از انقلاب اسلامی (روحیه جهادی و ایثارگری) و فرهنگ آن در طراز انقلاب اسلامی تبیین و الگوسازی کرد.

دانش‌افزایی؛ در مدیریت‌های راهبردی امروزی سرمایه و نیروی انسانی متخصص نمی‌تواند به تنهایی متضمن بقا و موفقیت یک سازمان باشد و دانش به‌عنوان منبع کلیدی در بقاء و رشد و توسعه سازمان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، آنچه حائز اهمیت است این است که بدون دانش و اطلاعات کافی از محیط داخلی و خارجی سازمان، ادامه حیات یک سازمان با مشکلات فراوانی روبه‌رو می‌شود. ازاین‌رو دانش‌افزایی سازمانی به یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های مدیران تبدیل شده است. امروزه مدیران راهبردی سازمان‌ها دریافته‌اند که یکی از نیروی‌های حرکت اصلی رشد و توسعه، دانش است و دانش به‌عنوان مهم‌ترین عامل موردنیاز سازمان‌ها جهت تعالی وبرتری در محیط رقابتی در نظر گرفته می‌شود. یکی از مهم‌ترین مفروضات در بحث دانش‌آفرینی سازمانی این است که تولید دانش، نیازمند فعالیت‌های مشارکتی است. بر مبانی این تصور، مشارکت افقی اعضای سازمان لازمه ایجاد دانش سازمانی است (Teo, & et al, 2017). دانش‌افزایی منبع کلیدی نوآوری در هر سازمان است و عامل حیاتی در بحث، دانش‌افزایی تولید و انتشار اطلاعات و تفسیر اطلاعات پردازش شده و تبدیل آن‌ها به دانش است. تولید دانش به توانایی سازمان‌ها در ایجاد ایده‌ها و راه‌حل‌های نوین و مفید اشاره دارد. سازمان‌ها با توسعه و تجدید ساختار دانش قبلی و کنونی با روش‌های

مختلف به خلق واقعیت و مفاهیم جدید می‌پردازند. در حقیقت دانش‌افزایی سازمانی فرایند مهمی است که در آن انگیزه، تلقین، تجربه و شانس، نقش مهمی ایفا می‌کنند. در سازمان‌های دانش‌محور، با افزایش دانش، نگرش کارکنان، مدیران میانی و مدیران عالی تغییر می‌یابد و تفکرات دستگاهی با رفتارهای جدید فردی و گروهی شکل می‌گیرد. سازمان‌ها برای اینکه بتوانند به بقای خود ادامه دهند سرعت یادگیری‌شان و اصلاح نگرش و رفتارشان باید بیشتر از درجه تغییرات محیطی باشد و این امر اهمیت یادگیری سازمانی را بیشتر نمایان می‌سازد. باید دانست که سازمان‌ها به‌عنوان مجموعه‌ای از افراد و گروه‌های انسانی در معرض تحولات سریع و پرشتاب محیطی قرار دارند و به مرور زمان درزمینهٔ اقدامات و فعالیت‌های خودآموخته‌هایی را کسب می‌کنند؛ یادگیری را به‌عنوان فرایند خلق و اکتساب دانش، تفسیر اطلاعات، انتقال و توزیع و نگهداری دانش در حافظه سازمانی تعریف می‌کند. اخیراً، صاحب‌نظران دریافته‌اند که چنین قابلیت‌های یادگیری سازمان‌ها را قادر می‌سازد تا دانش استراتژیک از کارآفرینی‌های گذشته و اعمال استراتژیک به اشتراک گذاشته و منجر به مزایای رقابتی و عملکردی در مسیر رشد، توسعه و تعالی سازمانی می‌شود.

مدیریت جهادی؛ مدیریت جهادی را می‌توان عمل، فراگرد، پیامد یا حالتی دانست که برای تعالی انسان‌ها پدید می‌آید و این به معنی رشد، متحول کردن، استفاده از فرصت‌ها، برتری بخشیدن یا بالا بردن امور انسانی است. مدیریت جهادی در حکم الگوی مطلوب مدیریتی برای نظام اسلامی است؛ الگویی که توان لازم تحقق اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی را دارد و واجد آن توانایی‌ها و ارزش‌هایی است که از هر نظام مدیریتی کارآمد اسلامی انتظار می‌رود (سلطانی، ۱۳۹۳). اصطلاح مدیریت جهادی اولین بار توسط مقام معظم رهبری مطرح شد. ایشان درباره اهمیت مدیریت جهادی می‌فرمایند: اگر مدیریت جهادی یا همان کار و تلاش با نیت الهی و مبتنی بر علم و درایت حاکم باشد، مشکلات کشور در شرایط کنونی فشارهای خباثت آمیز قدرت‌های جهانی، قابل‌حل است و کشور حرکت روبه‌جلو را ادامه خواهد داد. مقام معظم رهبری در تبیین مدیریت جهادی می‌فرمایند: مدیریت جهادی یعنی کار، تلاش، باخدا حساب کردن، به علم تکیه کردن، به درایت و تدبیر تکیه کردن.

ایشان سه ویژگی مهم مدیریت جهادی را خدمت به مردم، نیت خدایی (خلوص) و تکیه‌بر علم برمی‌شمارند. مدیریت جهادی رهبری و کنترل فعالیت‌های دسته‌جمعی، مبتنی بر مبارزه در تمامی عرصه‌ها جهت نیل به اهداف راهبردی یک سامانه و رفع موانع است (کوشکی، ۱۳۹۳: ۳). مدیریت جهادی مجموع تفکر مدیریت پسامدرن و روحیه و انگیزه الهی در کار و تلاش است (صدرالسادات، ۱۳۹۳: ۱۱). مدیریت جهادی انجام کار به شیوه مناسب با هدف کسب رضای خدا و خدمت به بندگان او می‌داند (پالوچ و همکاران، ١٣٨٦: ۹). مدیریت جهادی درواقع همان مدیریت علمی است که بر اساس فرمول‌ها و قوانین دانش مدیریت پایه‌ریزی شده است. فرق این نوع مدیریت که از ترکیب اضافی جهاد تشکیل شده و تفاوتش با مدیریت عمومی در این است که مبنای مدیریت جهادی، اسلامی و ارزشی است و می‌توان گفت مدیر مسلمان با در نظر گرفتن ابعاد دینی و ایمانی، به مدیریت تعریف تازه‌ای می‌بخشد و مفهوم مدیریت جهادی را به وجود می‌آورد. به‌این‌ترتیب مدیریت جهادی نوعی مدیریت ارزشی و با اصالت فرهنگی است که با مدیریت علمی هماهنگ است و می‌توان گفت با استفاده از تعاریف علمی مدیریت و به‌کارگیری پنج وظیفه اصلی هر مدیر و ادغام آن با مفاهیم اسلامی و دینی به سبک جدیدی از مدیریت تبدیل شده است .مدیر جهادی کسی است که با اتکا به ارزش‌های الهی ـ اسلامی نسبت به کارها مبادرت می‌ورزد؛ به‌عبارتی‌دیگر مدیر جهادی، جهادی اقدام می‌کند. «اقدام جهادی به معنای خسته نشدن در مقابل سختی‌ها و موانع، ایمان به مسیر و حرکت بر اساس فکر و منطق است» (مقام معظم رهبری، بیانات در دیدار نخبگان و دانشجویان بسیجی مدال‌آور دانشگاه شریف، ۱۳۹۵). وجه تمایز میان مدیریت جهادی با مفاهیم مشابهی نظیر مدیریت اسلامی، مدیریت اخلاقی و مدیریت خوب، در مبانی نظری که این مفاهیم از آن‌ها استخراج می‌گردد، است. درواقع ما برای تبیین یک مفهوم، به یک سری منابع رجوع کرده و با استفاده از روش‌هایی مفهوم موردنیاز را در قالب مدل، تئوری و... استخراج می‌کنیم. تعریف عملیاتی مدیریت جهادی مبتنی بر تفکر بسیجی، عبارت است از مدیریت جهادی مبتنی بر تفکر بسیجی، سازه‌ای شامل پنج بعد اصلی ارزش‌های جهادی، رفتار جهادی، راهبردهای جهادی، زمینه جهادی و ساختار جهادی است. (اویسی، همکاران، ١٤٠٠).

❖ **ایثار و ایثارگری؛** ارزش «ایثار» و داشتن «روحیه ایثارگری» از برجسته‌ترین ارزش‌های بشری به شمار می‌آید که از دیرباز موردتوجه مردم جهان و ادیان مختلف الهی قرار گرفته است. «ایثار» نماد و سنبل دیگرخواهی انسان‌ها است و روح هم نوع دوستی او را به نمایش می‌گذارد و گاه تا آنجا پیش می‌رود که فردی یا جمع کثیری جان خود را در راه دیگری و یا دیگران از دست می‌دهند تا ایثار و ازخودگذشتگی را در عمل تفسیر کنند. ازاین‌رو، چنین افرادی در نگاه ملت‌ها و مردمان هر جامعه‌ای به سمبل‌های فراموش ناشدنی تبدیل می‌گردند (محمدی، ۱۳۸۵: ۳). ایثار، گاه در قالب هزینه کردن مادی، زمانی هزینه نمودن منزلت اجتماعی و گاهی نیز با فدا کردن جان معنا می‌یابد. فرد ایثارگر آزادانه و آگاهانه از خویش می‌گذرد و منافع غیر را بر منافع خود ترجیح می‌دهد. «ایثار یک هیجان زودگذر و بروز آنی یک احساس نیست، بلکه استکمال شعوری است که در یک انتخاب تجلی می‌یابد» (مرادی، ۱۳۸۹). کنش فرد در زمین صورت می‌پذیرد؛ اما نگاه کنشگر به آسمان است. این ارزش و روحیه وابسته به آن، به فقط جامعه‌ای ایرانی و دین اسلام اختصاص ندارد؛ زیرا روحیه ایثارگری در همه جوامع و فرهنگ‌ها ستوده می‌شود. آنچه روحیه ایثارگری جامعهٔ ما را از برخی جوامع و ادیان متمایز می‌سازد، رنگ خدایی داشتن آن است که سبب شده ایثار توأم با اخلاص، «ارزش» محسوب شود. هدف، محتوا و ماهیت ایثار، آن را به یک ارزش تبدیل کرده است؛ بنابراین، ایثار به معنای منفعت دیگران را بر منفعت خود ترجیح دادن و گذشتن از خود است که در فرهنگ اسلامی این گذشت و دست برداشتن از خود، باید رنگ الهی و به‌قصد و نیت خدایی صورت گیرد.

تفکر بسیجی و ایثارگری؛ امام خمینی (ره) دربارهٔ تفکر بسیجی می‌فرمایند: اگر بر کشوری ندای دل‌نشین تفکر بسیجی طنین‌انداز شود، چشم طمع دشمنان و جهان خواران از آن دور خواهد گردید. همچنین مقام معظم رهبری در تبیین تفکر و فرهنگ بسیجی می‌فرمایند: فرهنگ بسیجی یعنی آن مجموعه معرفت‌ها و روش‌ها و منش‌هایی که می‌تواند مجموعه‌های عظیمی را در ملت به وجود بیاورد که تضمین‌کننده حرکت مستقیم و پایدار اسلامی آن ملت باشند. این یک تفکر است. بسیج سیاسی است اما سیاست زده، سیاسی کار و جناحی نیست.

بسیج مجاهد است اما بی‌انضباط و افراطی نیست، عمیقاً متعبد است اما متحجر و خرافی نیست، با بصیرت است اما از خود راضی نیست، اهل جذب حداکثری است، غیور است و درباره اصول تسامح نمی‌کند، طرفدار علم است اما علم زده نیست، اخلاق اسلامی دارد اما این اخلاقش ریاکاری نیست، در آباد کردن دنیا فعال است اما خود اهل دنیا نیست. جمشیدی، تفکر بسیجی را تفکری عقلانی، حکیمانه و عارفانه می‌داند که عمیق و برخاسته از دانش و آگاهی است. طبق تعریف وی، عناصر مهم این تفکر عبارت‌اند از: واقع‌نگری و آرمان‌گرایی، عقل‌گرایی و ایمان گروی، آزادی و آگاهی، مسئولیت و اراده، حضور و آمادگی مستمر و عشق و سلوک (جمشیدی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۲). تفکر بسیجی همان اندیشه و اعتقاد کامل به اسلام ناب محمدی (ص) است. تفکر بسیجی تفکری است که دشوارترین کارها را در کوتاه‌ترین زمان و با کمترین هزینه به انجام می‌رساند؛ چراکه ابتکار و نوآوری داشته و از تکرار، یکنواختی و تقلید از الگوهای بیگانه به دور است. همچنین این تفکر، هیچ سنخیتی با جناح‌گرایی و کار حزبی ندارد (ادیب و همکاران، ۱۳۹۱: ۷). تفکر بسیجی و ایثارگری با شروع نهضت انقلاب اسلامی و پیروزی‌های آن در دوران دفاع مقدس با رهنمودهای رهبر کبیر انقلاب شکل گرفت و زمینه‌ساز پیروزی ملت ایران در دهه اول انقلاب و دهه‌های بعدی، دوره سازندگی، دوره تعالی و رشد و توسعه با حفظ اهداف و دستاوردهای انقلاب در کشورهای جهان اسلام و شکل‌گیری نهضت‌های اسلامی و جبهه مقاومت تثبیت شد.

رشد، توسعه و فرهنگ؛ رشد و توسعه سریع فناوری‌های نوین ارتباطی و شبکه‌سازی‌های اجتماعی و اطلاعاتی و انتقال فرهنگ را نیز که حرکتی ارزش‌گرا است، شتاب داده است. کشورهای توسعه‌یافته قلمروی استفاده از فنّاوری را که برای توسعه‌شان مفید است، برای خودشان مشخص می‌سازند و مطمئناً بالاترین اولویت را هم بایستی به توسعه انسانی اختصاص می‌دهند. بدون انسان‌های متخصص و دانش‌آموخته و اثر فرهنگی فناوری اطلاعات هیچ ملیتی نمی‌تواند امیدوار باشد که در دنیای جدید به‌طور جدی مشارکت داشته باشد. به‌طورکلی بهره‌برداری کلان فنّاوری‌های جدید تأثیرات کلی فرهنگی، اقتصادی،

سیاسی، اجتماعی و نیروی انسانی را در همه جوامع خواهد داشت. فنّاوری‌ها، هم اثر مفید و هم زیان‌بخش دارد. فنّاوری‌ها مستقل از جامعه‌ای که در آن عمل می‌کند نمی‌تواند پیشرفت کند یا مفید واقع شود و بایستی توسط جامعه انتخاب، رشد و توسعه داده شود. اثر فنّاوری اطلاعات بر کشورهای درحال‌توسعه پیچیده شده است. امروزه دولت‌ها تلاش دارند که به هنگام انجام پروژه‌های توسعه، بیشترین منافع و کمترین هزینه‌ها را متقبل شوند، به‌ویژه آن دسته از هزینه‌ها که بر اجتماع تحمیل می‌شوند. غالباً این هزینه‌های جانبی به‌قدر کفایت در محاسبات تصمیم گیران به‌حساب نمی‌آیند. این امر ناشی از این است که این دسته از هزینه‌ها به‌سادگی قابل‌شناسایی، کمی کردن و اندازه‌گیری نیستند. هرچند «فرهنگ» در نگاه نظریه‌پردازان نسل اول و دوم توسعه مغفول مانده بود، اما در مفهوم توسعه از منظر نظریه‌پردازان نسل سوم «فرهنگ» به‌عنوان یکی از ارکان توسعه، پذیرفته شده است؛ اما فرهنگ از نظرگاه رهبران نظام جمهوری اسلامی ایران دارای مفهومی گسترده‌تر است، به‌طوری که نه‌تنها بعد فرهنگی در کنار سایر ابعاد توسعه و در ساختار توسعه همه‌جانبه و متوازن ظاهر می‌شود، بلکه به‌مثابه زیرساخت توسعه در آفرینش و رشد سایر ابعاد توسعه اثربخش خواهد بود. ازاین‌رو عدم توجه به توسعه فرهنگی در روند سایر ابعاد توسعه، موجودیت توسعه را به چالش می‌کشاند. از منظر بنیان‌گذار نظام جمهوری اسلامی، بزرگ‌ترین تحول جامعه، **تحول فرهنگی** است. به‌طوری که توسعه با تحول فرهنگی پی‌ریزی می‌شود. این رویکرد در سخنان مقام معظم رهبری نیز مشهود است: فرهنگ در حقیقت همه‌چیز یک جامعه است، هیچ بنیاد اجتماعی و اقتصادی، بدون اتکا به یک فرهنگ شکل نمی‌گیرد. در نظر رهبری معظم نظام جمهوری اسلامی ایران، فرهنگ بسترساز زندگی است که آموزش یکی از زیرساخت اصلی آن محسوب می‌شود. رشد و توسعه‌یافتگی هر جامعه‌ای بر اساس سطح علم و دانش‌اندوزی و تأثیرات بنیادی آن در تفکر، نگرش و اصلاح رفتارهای فردی و گروهی مردم و جامعه و فرهنگ حاکم بر آن سنجیده می‌شود.

فرهنگ جهادی: فرهنگ جهادی مفهومی کلی است که ازجمله مصادیق آن، دین‌محوری، ولایت مداری، ایثار و ازخودگذشتگی، مردم‌گرایی، ارزش‌مداری، انعطاف‌پذیری، خودباوری،

پویایی و مأموریت‌پذیری است. فرهنگ جهادی، مجموعه‌ای از ویژگی‌ها و ارزش‌های مثبت مدیریت و مدیران جهادی، برخاسته از رفتار و روابط کارکنان است که به‌نوعی نقش الگویی و مثال‌زدنی برای جامعه، رفتار سازمانی اداری و رویه‌های اجرایی و مدیریتی در دیگر حوزه‌ها و سازمان‌ها داشته است. فرهنگ جهادی هم یک نوع فرهنگ‌سازمانی است که در آن، کار عبادت محسوب می‌شود و فداکاری و خدمتگزاری بی‌مزد و منت به مردم وجهه (نماد) همت است (خلیلی، بهرامی، ۱۳۹۹). عناصر تشکیل دهنده این فرهنگ عبارت‌اند از: ایمان، معنویت، آرمان‌گرایی و داشتن اهداف بلند و مقدس، زیرپانهادن فرهنگ مادی و مادی‌گرایی، خدمت به مردم، تلاش و کوشش و تحرک ذاتی. در این تفکر، فرد جهادی کسی است که در برخورد با مسائل ضمن درنظرگرفتن رضای خدا سعی می‌کند کار را به بهترین نحو ممکن انجام دهد؛ بنابراین، فرهنگ جهادی فرهنگی است توأم باانضباط، دانش‌محوری، آرمان‌گرایی و روحیه خدمت به دیگران. این فرهنگ در نقاط عطف تاریخی، ازجمله دوران دفاع مقدس، سازندگی و تحریم، در قالب بروز خلاقیت‌ها و ابتکارات درخور، شاهکارهای عظیمی را خلق کرد که باعث حیرت دیگر کشورها، به‌خصوص ابرقدرت‌های معاند شد، البته به این تجربه و سرمایه عظیم انقلاب اسلامی، آن‌گونه که باید و شاید، توجه نشده است تا بتوان به ابتکارات و رهیافت‌های آن از دید مدل و الگویی علمی در عرصه‌های مختلف اشاره و ارجاع کرد.

فناوری اطلاعات و ارتباطات، جامعه در حال رشد و توسعه؛ یکی از مهم‌ترین و اثرگذارترین حوزه‌هایی که هم از بُعد تأثیر آن بر حوزه مدیریت منابع انسانی با در نظر داشتن آثار فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و هم در افزایش بهره‌وری جامعه و سازمان در فرایند برنامه‌ریزی رشد و توسعه کشور تغییرات قابل‌توجهی را با خود به همراه داشته است، توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات است. توسعه و دسترسی به فناوری اطلاعات و ارتباطات به چند دلیل برای رشد و توسعه کشور ضروری به نظر می‌رسد ازجمله؛

۱. این فنّاوری سرعت انتقال اطلاعات را افـزایش می‌دهد و به‌این‌ترتیب اطلاعات بین افراد بیشتری انتشار می‌یابد؛

۲. فناوری هزینه تولید را کاهش می‌دهد، دسترس به دانش تولیدشده بـا کمتـرین هزینـه امکان‌پذیر می‌شود. همچنین کاهش هزینه مبادلاتی، درجه ناکارآمدی و عدم اطمینانی را کـاهش می‌دهد؛

۳. فناوری بر محدودیت زمانی و مکانی غلبـه می‌کند، درنتیجه انتقال اطلاعات بین جامعه و حاکمیت افزایش می‌یابد؛

٤. باعث شفافیت بیشتر در عرضه و تقاضـا می‌شود. فناوری قدرت افراد را در دسترسی به اطلاعات تقویت می‌کند؛

۵. زمان و مکان را متغیر کرده و بخشی از وابستگی به مکان و زمان حذف شده است؛

٦. در تولید، مدیریت، پردازش و بهره‌برداری دانش و تأثیرگذاری نقش کلیدی ایفاء می‌کند؛

۷. به اصلاح ساختارهای سازمانی و چابک سازی آن کمک می‌نماید؛

۸. در فرایند مدیریت خصوصاً حوزه نظارت و کنترل توانمندی‌های بالقوه‌ای ایجاد می‌نماید. درنتیجه بهره‌مندی از توانمندی و عملکردهای فناوری اطلاعات و ارتباطات با روحیه جهادی و ایثارگری در حوزه‌های مختلف فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، امنیتی، دفاعی و جمعیت بر اساس راهبردهای رشد و توسعه از الزامات عصر حاضر است.

روش پژوهش

روش تحقیق کیفی بوده، در روش‌های تحقیق کیفی، هدف پژوهش درک و فهم معنای رفتارها یا کنش‌های متقابل معنادار افراد است که در سطوح بالاتر به یک سری ساختارها و واقعیت‌های کلان‌تر تبدیل می‌شود، نتیجتاً تحقیق کیفی با کنار گذاشتن مسئله تعمیم سعی می‌کند معنای یک پدیده را با نگاهی درونی به فرایندها، تعاملات و رفتارهای افراد درک کند. تحقیق کیفی دارای مکاتب یا رویکردهای تحقیقی متفاوتی است و صاحب‌نظران دسته‌بندی‌های متفاوتی از آن‌ها ارائه داده‌اند. رویکرد اصلی این پژوهش نیز «تئوری

زمینه‌ای[1]» است. این رویکرد در زبان فارسی به شکل‌های مختلفی ترجمه شده است که مشهورترین این عبارت‌ها «تئوری زمینه‌ای» یا «نظریه‌پردازی داده محور» یا «نظریه‌پردازی داده بنیاد» هستند. این روش با مجموعه‌ای از روش‌های خاص و تکنیک‌های خود فرصتی برای تحلیل و تفکر نظری در باب داده‌های به‌دست‌آمده از متن را فراهم می‌کند که مبتنی بر متن، مشارکت و استفاده از تجارب مصاحبه، مراودات، مستندات، ادبیات موضوع و مشاهدات گروه‌ها در روش تحقیق هست.

تحلیل محتوایی داده‌ها؛ ابزار و روش جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش شامل مطالعات کتابخانه‌ای و استفاده از کتب و نشریات، گزارش‌های تخصصی، جستجو در پایگاه‌های اینترنتی و فیش‌برداری از مقالات، پایان‌نامه‌ها و منابع مختلف فارسی و لاتین بیش از ۷۰ مورد، انجام مصاحبه‌های اکتشافی اولیه با ٤٨ نفر از نخبگان کشور، صاحب‌نظران و متخصصان حوزه منابع انسانی در مدیریت، مدیران ارشد و کارشناسان اقتصادی دارای سابقه‌های درخشان حضور و مشارکت در دفاع مقدس، جهاد سازندگی، نهادی‌های برخواسته از انقلاب اسلامی و مدیران متعهد و ارزش‌گرا و ملی و توسعه‌گرا، در خصوص رشد و توسعه و موضوع توسعه‌یافتگی و نیز دریافت اطلاعات با پرسشنامه تخصصی انجام‌شده است. فهم فرایند مؤلفه‌های مولد شاخص‌های تأثیرگذار بر مدیریت منابع انسانی از طریق تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده و مصاحبه‌های کیفی و کدگذاری و رسیدن به شاخصه‌های تأثیرگذار که در سؤالات پژوهش طرح شده است انجام‌شده است. نتایج تحلیل داده‌ها که از طریق سه مرحله کدگذاری باز، محوری و گزینشی انجام‌شده است جمع‌بندی و ارائه گردیده است. با توجه به اینکه عوامل دخیل در پدیده موردبررسی در این پژوهش تنوع زیادی دارند، رویکرد کمی به این پژوهش می‌تواند باعث کاهش یا حتی نادیده گرفتن برخی عوامل مؤثر بر روند شود؛ بنابراین رویکرد کیفی برای بررسی عوامل کلیدی مؤثر بر رشد و توسعه انتخاب و چارچوب مفهومی مقدماتی فراهم و این چارچوب مفهومی از طریق روش دلفی، پیمایش و پیاده‌سازی گردید .روش دلفی رویکردی مبتنی بر هوش جمعی و برای

1. Grounded Theory

یافتن بهترین پاسخ‌هاست که به‌عنوان یکی از روش‌های قابل‌اتکا و معتبر آینده‌پژوهی شناخته شده است (Schmidt, 1997). روش دلفی مبتنی بر هوش جمعی و درواقع اجماع صاحب‌نظران روی مسئله‌ای خاص است که از آن می‌توان برای دستیابی به بهترین گزینه محتمل بهره برد در (اسالتر، ۱۳۹۰). در خصوص پایایی یا قابلیت اعتماد عوامل تأثیرگذار ابزار از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شده است. برای سنجش سازگاری درونی (یافته‌های پژوهش) مؤلفه‌های تأثیرگذار و عامل اصلی تأثیرگذار، از آلفای کرونباخ استفاده گردید. به‌این‌ترتیب با افزایش میزان سازگاری درونی مؤلفه‌های تأثیرگذار، ضریب آلفا نیز افزایش می‌یابد به این معنی که اگر گویه‌ها بیشترین ارتباط را با هدف مورد (عامل‌های اصلی و تأثیرگذار) بررسی یا متغیر مربوط به سؤالات تحقیق داشته باشند، این ضریب بزرگ می‌شود. در جدول ۱ ذیل کران‌های آلفای کرونباخ و میزان سازگاری گویه‌ها آورده شده است.

جدول ۱. کران‌های آلفای کرونباخ و میزان سازگاری گویه‌ها

مقدار ضریب آلفای کرونباخ	سازگاری داخلی گویه‌ها
عالی	$\alpha \leq 0.9$
مناسب	$0.9 < \alpha \leq 0.8$
قابل قبول	$0.8 < \alpha \leq 0.7$
مشکوک	$0.7 < \alpha \leq 0.6$
ضعیف	$0.6 < \alpha \leq 0.5$

یافته‌های پژوهش

شاخصه‌ها یا مؤلفه‌های تأثیرگذار در عملکرد فرایند مدیریت منابع انسانی با رویکرد جهادی و ایثارگری و احصاء عوامل اصلی تأثیرگذار در رشد و توسعه کشور متأثر از مدیریت منابع انسانی در جدول ۲ ذیل خلاصه گردیده است.

جدول ۲. مؤلفه‌های تأثیرگذار در عملکرد مدیریت منابع انسانی بر رشد و توسعه کشور (رویکرد جهادی و ایثارگری)

ردیف	مؤلفه‌های تأثیرگذار (بارویکرد جهادی و ایثارگری)	احصاء عوامل اصلی تأثیرگذار بر رشد و توسعه کشور
۱	▪ تدوین چشم‌اندازهای سازمانی مبتنی بر رشد و توسعه کشور ▪ اولویت قراردادن سیاست‌های کلان ابلاغی حاکمیتی در کشور ▪ تدوین اهداف، سیاست‌ها و راهبردها مبتنی بر رشد و توسعه ▪ برنامه‌ریزی امور مبتنی بر اجرا و نهادینه‌سازی توسعه پایدار ▪ پیش‌بینی تهدیدات و فرصت‌های محیط پیرامونی و قوت و ضعف داخلی ▪ ایجاد اجماع و ائتلاف بر ارزش‌های برخاسته از قانون اساس کشور ▪ بهره‌گیری حداکثری از دنیای مجازی و دیجیتالی و فناوری‌های نوین ▪ ایجاد رقابت با کشورهای درحال‌توسعه در حوزه علمی و فناوری دانش‌بنیان	سیاست گذاری (راهبرد تهاجمی)
۲	▪ تأکید بر چابک و چالاک بودن ساختار و فرایندها ▪ بازنگری نسبت به ساختار سنتی در فرایندها و سلسله‌مراتب و اصلاح آن‌ها ▪ شکل‌گیری و تغییر ساختارها و فرایندها بر اساس نیازهای حیاتی جامعه ▪ تأکید بر ساختارهای گروهی، اجتماعی و شبکه‌ای در اهداف ملی ▪ ایفای نقش فعال‌تر به بخش خصوصی در ساختار دولتی و حاکمیتی و تعامل‌ها ▪ ایجاد ساختار مبتنی بر تأثیر فناوری اطلاعات و ارتباطات ▪ تأکید بر سلولی، انعطاف‌پذیری و پویایی ساختارها و نظامات ▪ توجه به مدیریت مشارکتی و اصل مشورت در ساختار و غیر تمرکز در تصمیم‌گیری ▪ اصلاح قوانین و مقررات کشوری در راستای رشد، تحول و توسعه	اصلاح ساختار
۳	▪ تمرکز بر مهارت‌آموزی شغلی و تخصص گرایی در مشاغل در آینده ▪ امیدبخشی، خلق تصویرهای آرمانی و تفکر خلاق بین کارکنان و مدیران ▪ تأکید مستمر بر تسهیم اطلاعات، دانش و قدرت در سطوح مختلف سازمانی ▪ تأکید بر ارتقای مهارت‌های انسانی، ادراکی و ارتباطی در فرایند سازمانی ▪ توجه به هم‌افزایی، تقویت آگاهی‌های سازمانی در سطوح ملی و بین‌المللی ▪ ایجاد فرایند یادگیرنده در مسائل سازمانی و بالندگی و پویایی سازمانی ▪ توسعهٔ خودآگاهی، بصیرت و تأکید بر تربیت و پرورش منابع انسانی ▪ تأکید بر دانش نوآوری و تحول و تشویق و حمایت از جسارت و خطرپذیری ▪ آموزش‌های ضمن خدمت مستمر و بازمهندسی نظامات و فرایندها	دانش‌افزایی

ردیف	مؤلفه‌ها	محور
٤	▪ برنامه‌ریزی بر اصلاح نگرش‌ها بر محور دانش‌افزایی و ارزش‌های ملی ▪ خود شکوفایی فردی و گروهی، تأثیرگذاری در محیطی سازمانی و جامعه ▪ برتری‌جویی در تفکر و تعقل و افزایش علم و تخصص گرایی در فرایند کارها ▪ بصیرت افزایی و شناخت فلسفی مردم، کارمندان و مسئولان به پدیده‌ها ▪ تهدید شناسی و آگاهی نسبت به تهدیدات و فرصت‌های داخلی و خارجی ▪ پذیرش اشتباهات توسط کارکنان و مدیران و تلاش در جهت رفع آن‌ها ▪ الگوسازی و بهینه‌سازی سامانه‌ها برای تکامل نگرش کارکنان و مدیران ▪ ساختارمند سازی بهره‌وری (ترکیبی از کارایی و اثربخشی) با فناوری اطلاعات ▪ اهتمام به تحول در تفکر و اندیشیدن و نگرش سیستمی با پدیدها ▪ انعطاف‌پذیری و سازگار نمودن روش‌های حل مسئله با توجه به مقتضیات زمان	تغییر نگرش
٥	▪ ایجاد ارتباط ساختارمند بین محیط سازمانی و محیط بیرونی ▪ تکیه بر روابط اجتماعی پویا و ارزش‌های فردی و گروهی در سازمان و جامعه ▪ تشویق کارکنان به‌مواجهه با مخاطره‌ها و حمایت از کارکنان جسور و خلاق ▪ استقبال از چالش‌ها و امور هیجان‌انگیز و مدیریت آن‌ها و تبدیل به فرصت ▪ تعریف مسیر پیشرفت شغلی وسیع و گسترده در سازمان با اهداف و مأموریت‌ها ▪ توجه به تغییر و تحول ماهوی مدیریتی مرسوم و سنتی حاکم بر سازمان‌ها ▪ شناسایی و استعدادیابی منابع بالقوه در سازمان و ارزش‌گذاری و توجه به آن‌ها ▪ برخورداری از رفتار انگیزشی، با اعتمادبه‌نفس زیاد، خلاق و آینده‌نگر ▪ تمرکز به متقاضیان و عرضه خدمت حداکثری و جلب رضایت آنان ▪ سرعت عمل لازم در حل‌وفصل مسائل و مشکلات ارباب‌رجوع و ذینفعان ▪ صرفه‌جویی و امانت‌داری، اهتمام به قناعت، ساده زیستی شخصی و سازمانی ▪ برقراری روابط عاطفی و صمیمی با کارکنان در فعالیت‌های رسمی ▪ نوگرایی و استقبال از افکار نو و طرح‌های جدید و کارآفرین ▪ آشنایی مطلوب با نقش فناوری اطلاعات در سازمان و بهره‌برداری تأثیرگذار	اصلاح رفتار
٦	▪ تأکید بر ارزش‌های محوری و پایدار و ترسیم افق‌های مطلوب و پایدار ▪ تمرکز بر جنبه‌های انسانی و اجتماعی مناسبات سازمانی ▪ تأکید بر این نکته که سازمان در خدمت انسان‌ها است و نه برعکس ▪ تمرکز بر فرهنگ نهادی پویا و انعطاف‌پذیر و اثربخش و تأثیرگذار ▪ برخورداری از منشور اخلاقی و هنجاری مبتنی بر آموزه‌های دینی ▪ تأکید بر انگیزش‌های درونی و مشوق‌های بلندمدت در تحقق اهداف سازمانی ▪ نگاه سرمایه‌ای داشتن به منابع انسانی در تمامی مناسبات سازمانی ▪ شایسته یابی و شایستگی پروری و شایسته‌سالاری در حوزه منابع انسانی ▪ آرمان‌گرایی، تعهد گرایی و تخصص گرایی در تمامی سطوح سازمانی ▪ بهبود و بهسازی عملکرد از طریق کار مشارکتی و علمی و تخصصی	اصلاح فرهنگ

۷	▪ تأکید بر تعالی‌جویی و معنویت طلبی کارکنان، مدیران و مسئولان ▪ برنامه‌ریزی برای آینده‌ای مطلوب بین مردم، کارکنان، مدیران و مسئولان ▪ نظام سازی، نظارت سیستمی، نگرش سیستمی در مدیریت منابع انسانی ▪ تأکید بر تحول‌خواهی، پویایی، چالش طلبی و خطرپذیری و ایجاد مطلوبیت ▪ تأکید بر نقش رهبری (مدیران) در سازمان به‌جای مدیریت سلسله‌مراتبی ▪ تأکید بر مدیریت آینده‌نگر و آینده‌ساز نه گذشته و حال نگر ▪ پیوسته به دنبال فرصت‌ها بودن و از تهدیدات فرصت ساختن در اهداف ▪ تصمیم‌گیری اقتضایی با مدیریت معکوس و توجه به شرایط حال و آینده ▪ تأکید بر مدیریت ارزش و مدیریت دانش و بهره‌برداری از تجارب دیگران ▪ اهتمام به مشارکت‌جویی، واگذاری اختیار و مدیریت عدم تمرکز ▪ تأکید بر نظارت کلی و حاکمیت فضای اطمینان و اعتماد در سازمان ▪ استفاده از فناوری‌های نوین اطلاعات و ارتباطات در اهداف سازمانی	سبک مدیریت

نتایج آزمون الفای کرونباخ در خصوص میزان سازگاری یافته‌ها (مؤلفه‌های فرعی) با عامل‌های اصلی و تأثیرگذار در مدیریت منابع انسانی به شرح جدول ذیل است که بر اساس جدول استاندارد و مربوط به ضرایب همه عوامل اصلی با درصد خیلی خوب پذیرفته شده است. (جدول ۳)

جدول ۳. مقادیر ضرایب کرونباخ در مورد پایایی عوامل اصلی نتایج پژوهش

ردیف	عامل اصلی تأثیرگذار	تعداد گویه‌ها	میزان ضرایب
۱	سیاست‌گذاری	۸	۰/۸۵۷
۲	اصلاح ساختار	۹	۰/۹۱۸
۳	دانش‌افزایی	۹	۰/۷۹۵
٤	تغییر نگرش	۱۰	۰/۸٤۳
٥	اصلاح رفتار	۱٤	۰/۷٤۹
٦	اصلاح فرهنگ	۱۰	۰/۸۱۳
۷	سبک مدیریت	۱۲	۰/۹۱٤

❖ بحث و نتیجه‌گیری

تجزیه و تحلیل جامع و همه‌جانبه مؤلفه‌های تأثیرگذار مدیریت منابع انسانی با روحیه جهادی و ایثارگری بر رشد و توسعه کشور و گذر از شرایط درحال‌توسعه و رسیدن به شرایط توسعه‌یافتگی در آینده، حسب شرایط سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و عوامل محدودکننده تأثیرگذار خارجی و تعاملات بین‌المللی از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و استفاده از کتب و نشریات، گزارش‌های تخصصی، جستجو در پایگاه‌های اینترنتی و فیش‌برداری از مقالات، پایان‌نامه‌ها و منابع مختلف فارسی و لاتین، انجام مصاحبه‌های اکتشافی اولیه با تعدادی از نخبگان کشور، صاحب‌نظران و متخصصان حوزه مدیریت منابع انسانی، مدیران ارشد و کارشناسان اقتصادی درخصوص رشد و توسعه و موضوع توسعه‌یافتگی و نیز دریافت اطلاعات با پرسشنامه انجام‌شده است و با احصاء حدوداً صد مؤلفه و دسته‌بندی و ویرایش و ادغام بعضی مؤلفه‌ها، در هفت طبقه یا سطح دسته‌بندی کلان گردید و عوامل اصلی هم بر اساس جمع‌بندی مؤلفه‌ها و نظر نخبگان احصاء و تدوین گردید. در پیشینه‌های پژوهش که اغلب بر احصاء روحیه‌های جهادی و ایثارگری و بسیجی و مدل‌های مختلف مدیریت جهادی مورد تأکید واقع شده بود، در این پژوهش ارتباط منطقی و روحیه جهادی و ایثارگری با فرایند رشد و توسعه کشور که لازمۀ پایداری و افزایش توان راهبردی کشور در مدیریت جامعه و ارتباطات و تعاملات منطقه‌ای و بین‌المللی می‌باشد تبیین گردیده است و چرخه فرایند رشد و توسعه و رسیدن به توسعه پایدار ملی پیشنهاد گردیده است.

الف) عوامل اصلی و تأثیرگذار با رویکرد جهادی و ایثارگری؛

۱. تدوین چشم‌اندازهای سازمانی مبتنی بر رشد و توسعه، تدوین اهداف، سیاست‌ها و راهبردها مبتنی بر رشد و توسعه اولویت قراردادن سیاست‌های کلان ابلاغی حاکمیتی در کشور، پیش‌بینی تهدیدات و فرصت‌های محیط پیرامونی و قوت و ضعف داخلی، برنامه‌ریزی امور مبتنی بر اجرا و نهادینه‌سازی توسعه پایدار، ایجاد اجماع و ائتلاف بر ارزش‌های برخاسته از قانون اساس کشور، بهره‌گیری حداکثری از دنیای مجازی و

دیجیتالی و فناوری‌های نوین، ایجاد رقابت با کشورهای درحال‌توسعه در حوزه علمی و فناوری دانش‌بنیان، ... این مؤلفه‌ها بیانگر تدوین سیاست‌گذاری کلان ملی در کشور با رویکرد جهادی و ایثارگری است و تحت عنوان عامل تأثیرگذار اصلی **سیاست‌گذاری** ارائه گردید.

۲. تأکید بر چابک و چالاک بودن ساختار و فرایندها، بازنگری نسبت به ساختار سنتی در فرایندها و سلسله‌مراتب و اصلاح آن‌ها، شکل‌گیری و تغییر ساختارها و فرایندها بر اساس نیازهای حیاتی جامعه، تأکید بر ساختارهای گروهی، اجتماعی و شبکه‌ای در اهداف ملی، ایفای نقش فعال‌تر به بخش خصوصی در ساختار دولتی و حاکمیتی و تعامل‌ها، ایجاد ساختار مبتنی بر تأثیر فناوری اطلاعات و ارتباطات، تأکید بر سلولی، انعطاف‌پذیری و پویایی ساختارها و نظامات، توجه به مدیریت مشارکتی و اصل مشورت در ساختار و غیر تمرکز در تصمیم‌گیری، اصلاح قوانین و مقررات کشوری در راستای رشد، تحول و توسعه، ... این مؤلفه‌ها بیانگر اصلاح ساختار نظام اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه و دولت با رویکرد جهادی و ایثارگری است و باعنوان عامل تأثیرگذار اصلی **اصلاح ساختار** ارائه گردید.

۳. تمرکز بر مهارت‌آموزی شغلی و تخصص گرایی در مشاغل در آینده، امیدبخشی، خلق تصویرهای آرمانی و تفکر خلاق بین کارکنان و مدیران، تأکید مستمر بر تسهیم اطلاعات، دانش و قدرت در سطوح مختلف سازمانی، تأکید بر ارتقای مهارت‌های انسانی، ادراکی و ارتباطی در فرایند سازمانی، توجه به هم‌افزایی، تقویت آگاهی‌های سازمانی در سطوح ملی و بین‌المللی، ایجاد فرایند یادگیرنده در مسائل سازمانی و بالندگی و پویایی سازمانی، توسعهٔ خودآگاهی، بصیرت و تأکید بر تربیت و پرورش منابع انسانی مبتنی بر آرمان‌ها و ارزش‌های جامعه و سازمان، تأکید بر دانش نوآوری و تحول و تشویق و حمایت از جسارت و خطرپذیری، آموزش‌های ضمن خدمت مستمر و بازمهندسی نظامات و فرایندها و ... این فرایندها بیانگر ضرورت دانش‌افزایی در حوزهٔ منابع نیروی انسانی با رویکرد

جهادی و ایثارگری بود تا مسیر رشد و توسعه در شرایط ملی شکل بگیرد و باعنوان عامل تأثیرگذار اصلی **دانش‌افزایی** نتیجه‌گیری شد.

٤. ایجاد ارتباط ساختارمند بین محیط سازمانی و محیط بیرونی، تکیه بر روابط اجتماعی پویا و ارزش‌های فردی و گروهی در سازمان و جامعه، تشویق کارکنان به‌مواجهه با مخاطره‌ها و حمایت از کارکنان جسور و خلاق، استقبال از چالش‌ها و امور هیجان‌انگیز و مدیریت آن‌ها و تبدیل به فرصت، تعریف مسیر پیشرفت شغلی وسیع و گسترده در سازمان با اهداف و مأموریت‌ها، توجه به تغییر و تحول ماهوی مدیریتی مرسوم و سنتی حاکم بر سازمان‌ها، شناسایی و استعدادیابی منابع بالقوه در سازمان و ارزش‌گذاری و توجه به آن‌ها، برخورداری از رفتار انگیزشی، با اعتمادبه‌نفس زیاد، خلاق و آینده‌نگر، تمرکز به متقاضیان و عرضه خدمت حداکثری و جلب رضایت آنان، سرعت عمل لازم در حل‌وفصل مسائل و مشکلات ارباب‌رجوع و ذینفعان، صرفه‌جویی و امانت‌داری، اهتمام به قناعت، ساده زیستی شخصی و سازمانی، برقراری روابط عاطفی و صمیمی با کارکنان در فعالیت‌های رسمی، نوگرایی و استقبال از افکار نو و طرح‌های جدید و کارآفرین، آشنایی مطلوب با نقش فناوری اطلاعات در سازمان و بهره‌برداری تأثیرگذار، این مؤلفه‌ها نشانگر شکل‌گیری تغییرات و ایجاد تغییر در حوزه نگرش مدیریت منابع انسانی با رویکرد جهادی و ایثارگری است و با عنوان عامل اصلی تأثیرگذار **تغییر نگرش** بیان شد.

۵. ایجاد ارتباط ساختارمند بین محیط سازمانی و محیط بیرونی، تکیه بر روابط اجتماعی پویا و ارزش‌های فردی و گروهی در سازمان و جامعه، تشویق کارکنان به‌مواجهه با مخاطره‌ها و حمایت از کارکنان جسور و خلاق، استقبال از چالش‌ها و امور هیجان‌انگیز و مدیریت آن‌ها و تبدیل به فرصت، تعریف مسیر پیشرفت شغلی وسیع و گسترده در سازمان با اهداف و مأموریت‌ها، توجه به تغییر و تحول ماهوی مدیریتی مرسوم و سنتی حاکم بر سازمان‌ها، شناسایی و استعدادیابی منابع بالقوه در سازمان و ارزش‌گذاری و توجه به آن‌ها، برخورداری از رفتار انگیزشی، با اعتمادبه‌نفس زیاد، خلاق و آینده‌نگر،

تمرکز به متقاضیان و عرضه خدمت حداکثری و جلب رضایت آنان، سرعت عمل لازم در حل‌وفصل مسائل و مشکلات ارباب‌رجوع و ذی‌نفعان، صرفه‌جویی و امانت‌داری، اهتمام به قناعت، ساده زیستی شخصی و سازمانی، برقراری روابط عاطفی و صمیمی با کارکنان در فعالیت‌های رسمی، نوگرایی و استقبال از افکار نو و طرح‌های جدید و کارآفرین، آشنایی مطلوب با نقش فناوری اطلاعات در سازمان و بهره‌برداری تأثیرگذار، این مؤلفه‌ها لزوم تغییرات در رفتارهای فردی و گروهی مدیریت منابع انسانی با رویکردهای جهادی و ایثارگری در جهت رشد و توسعه ملی را تحقق می‌بخشد و **اصلاح رفتار** تحت عنوان مؤلفه اصلی تأثیرگذار در نتایج تحقیق احصاء گردیده است.

۶. تأکید بر ارزش‌های محوری و پایدار و ترسیم افق‌های مطلوب و پایدار، تمرکز بر جنبه‌های انسانی و اجتماعی مناسبات سازمانی، تأکید بر این نکته که سازمان در خدمت انسان‌ها است و نه برعکس، تمرکز بر فرهنگ نهادی پویا و انعطاف‌پذیر و اثربخش و تأثیرگذار، برخورداری از منشور اخلاقی و هنجاری مبتنی بر آموزه‌های دینی، تأکید بر انگیزش‌های درونی و مشوق‌های بلندمدت در تحقق اهداف سازمانی، نگاه سرمایه‌ای داشتن به منابع انسانی در تمامی مناسبات سازمانی، شایسته‌یابی و شایستگی پروری و شایسته‌سالاری در حوزه منابع انسانی، آرمان‌گرایی، تعهد گرایی و تخصص گرایی در تمامی سطوح سازمانی، بهبود و بهسازی عملکرد از طریق کار مشارکتی و علمی و تخصصی؛ این مؤلفه‌ها نشانگر تحولات متأثر از تغییرات فردی و گروهی و ایجاد فرهنگی نوینی در مدیریت منابع انسانی با رویکرد جهادی و ایثار بود و در گذشته تحت عنوان فرهنگ جبهه و جنگ اصطلاح پیدا کرده بود و اصلاح فرهنگ به‌عنوان مؤلفه تأثیرگذاری و اصلی جمع‌بندی و مورد تأیید نخبگان بر اساس آزمون قرار گرفته است.

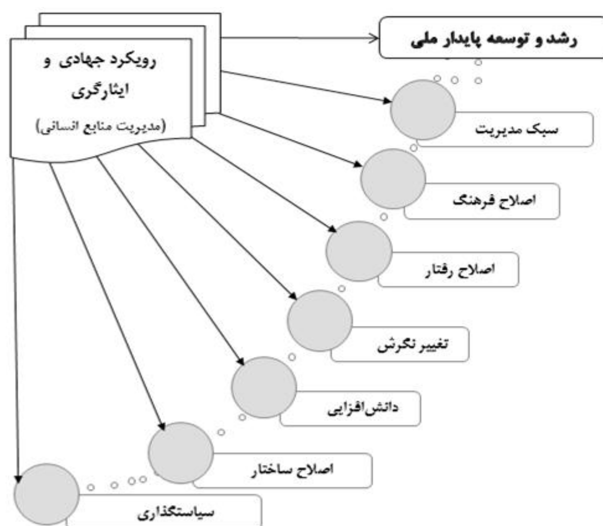
۷. تأکید بر تعالی‌جویی و معنویت طلبی کارکنان، مدیران و مسئولان، برنامه‌ریزی برای آینده‌ای مطلوب بین مردم، کارکنان، مدیران و مسئولان، نظام سازی، نظارت سیستمی، نگرش سیستمی در مدیریت منابع انسانی، تأکید بر تحول‌خواهی، پویایی، چالش طلبی

و خطرپذیری و ایجاد مطلوبیت، تأکید بر نقش رهبری (مدیران) در سازمان به‌جای مدیریت سلسله‌مراتبی، تأکید بر مدیریت آینده‌نگر و آینده‌ساز نه گذشته و حال نگر، پیوسته به دنبال فرصت‌ها بودن و از تهدیدات فرصت ساختن در اهداف، تصمیم‌گیری اقتضایی با مدیریت معکوس و توجه به شرایط حال و آینده، تأکید بر مدیریت ارزش و مدیریت دانش و بهره‌برداری از تجارب دیگران، اهتمام به مشارکت‌جویی، واگذاری اختیار و مدیریت عدم تمرکز، تأکید بر نظارت کلی و حاکمیت فضای اطمینان و اعتماد در سازمان، استفاده از فناوری‌های نوین اطلاعات و ارتباطات در اهداف سازمانی؛ این مؤلفه‌ها که در اغلب سبک‌های مدیریتی مورد وثوق و تأیید دانشمندان علم مدیریت بوده است با رویکرد جهادی و ایثارگری در مدیریت منابع انسانی به‌عنوان مدیریت جهادی مورد تأکید پژوهشگران و نخبگان بود و در دوره‌های مختلف مدیریتی کشور برای تحقق رشد و توسعه بعضی از مدیران ملی، ارزشی و متعهد از آن بهره‌مند بودند و مورد تأکید مسئولان عالی کشور بوده است و **سبک مدیریت با رویکرد جهادی و ایثارگری** به‌عنوان یکی از عامل اصلی تأثیرگذار در این پژوهش جمع‌بندی و مورد تأیید نخبگان واقع گردید.

ب) چرخه رشد و توسعه با رویکرد جهادی و ایثارگری

رشد و توسعه در هر جامعه‌ای فرایند محور بوده و بر اساس شرایط راهبردهای بلندمدت، برنامه‌ریزی، ساختار حکومتی، فرهنگی ملی، ژئوپولیتیک سیاسی کشور، ژئوپولیتیک منطقه‌ای و جهانی و ارتباطات بین‌المللی و ... تبیین می‌گردد و کشورهایی که در مسیر رشد و توسعه هستند و یا کشورهای توسعه‌یافتگی بر اساس فرایندهای تعریف‌شده به نتایج مطلوب و مورد انتظار رسیده‌اند. در این پژوهش، با احصاء عوامل اصلی تأثیرگذار در رشد و توسعه ترتیب و وابستگی عوامل و تأثیرگذاری آن‌ها در فرایند و چرخه توسعه موردبحث و نظر نخبگان قرار گرفت و فرایند و چرخه بر مبنای مدل کلان رشد و توسعه کشورهایی تجربه آن را داشته‌اند و با اصلاحاتی بر اساس شرایط ذکرشده کشور با رویکرد جهادی و ایثارگری

جمع‌بندی گردید. بر این اساس و با توجه به جامعیت هفت وجهی الگوی ذیل به‌منظور مطالعه و تبیین الزامات و سازوکارهای تحقق تصمیمات و اقدامات سازمانی، الزامات مدیریت جهادی در نظام جمهوری اسلامی ایران در هفت بخش (سیاست‌گذاری، اصلاح ساختاری، دانش‌افزایی، تغییر نگرش، اصلاح رفتاری، اصلاح فرهنگ و سبک مدیریت)، شناسایی و مورد دسته‌بندی قرارگرفته است که شکل ذیل این وضعیت را ترسیم می‌کند.



شکل ۱. الگو و فرایند چرخه ساختاری رشد و توسعه با رویکرد جهادی و ایثارگری

ملاحظات پژوهش؛ با قرار دادن نتایج این پژوهش در کنار سایر پژوهش‌های انجام‌شده در این حوزه، نقش‌آفرینی نظری این پژوهش عبارت است از:

۱. تأکید بر جنبه‌های عینی و ملموس مدیریت منابع انسانی با روحیه جهادی و ایثارگری که در پژوهش‌های پیشین هم موردتوجه قرار گرفته است. این امر باعث شده است تا مؤلفه‌های شاخص در تصمیم‌گیری مدیریتی لازم برای مدیریت منابع انسانی استخراج و بر اساس آن‌ها امکان بهره‌گیری از ابزارهای مرتبط فراهم شود.

۲. بهره‌گیری از روش پژوهش کیفی با تکیه بر فهم و باز تعریف تجربه‌های افرادی که سابقه مدیریت منابع انسانی با روحیه جهادی یا تعامل با آن را داشته‌اند در راهبرد رشد و توسعه پایدار کشور که نیازمند کشور در اهداف گام دوم انقلاب بوده و در حال شکل گرفتن به یکی از بازیگران سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جهان اسلام و منطقه خاورمیانه و تعاملات بین‌المللی می‌باشد. درحالی‌که بیشتر پژوهش‌های انجام‌شده بر تحلیل متون دست اول دینی رفتارهای فردی و گروهی دوران دفاع مقدس یا شرح تجربه فردی متکی بوده‌اند.

۳. توسعه حوزه مفهوم و معنایی مدیریت منابع انسانی با روحیه جهادی و ایثارگری به عرصه‌هایی که پیش‌ازاین به‌طور جدی مطالعه نشده است (همانند الگوی رشد و توسعه پایدار کشور در حوزه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، دفاعی، تعاملات منطقه‌ای و بین‌المللی و مواجهه و مقابله با اقدامات ضد توسعه‌یافتگی کشورهای توسعه‌یافته و بلوک غرب علیه کشور، در مدیریت داخل کشور و افزایش توانمندی مطالبات و رضایت‌مندی جامعه در کشور).

٤. با توجه به موارد ذکرشده، پژوهش حاضر می‌تواند مقدمه‌ای برای تبیین الگوی رشد و توسعه پایدار در کشور و مطالعات در زمینه مدیریت منابع انسانی با روحیه جهادی و ایثارگری باشد، مخصوصاً اگر به این نکته توجه شود که رویکرد مدیریتی موجود در نگارش این مقاله، بسترساز بهره‌گیری بهتر از ابزارهای موجود در دانش مدیریت برای پاسخ به سؤالات پژوهش بوده است.

۵. این پژوهش با دارای رویکرد ایجاد ارتباط منطقی روحیات و نگرش بر خواسته از درون انسان‌ها بر اساس ارمان خواهی دینی و اعتقادی و رشد و توسعه جامعه و کشور، قرار گرفتن در ردیف کشورهای توسعه‌یافته و بازیگر جهان اسلام، شرایط منطقه‌ای و جهانی می‌باشد که در پژوهش‌های قبلی توجهی به این موضوع نشده بود.

منابع و مأخذ

ادیب، یوسف؛ آذر تاجور و سیاوش پورطهماسبی (۱۳۹۱). **نقش بسیجیان و پایگاه‌های مقاومت بسیج در اشاعه فرهنگ اقتصاد مقاومتی.** مهندسی فرهنگی.

اویس ترابی، هادی مراد پیری، علی‌خانی (١٤٠٠). «ارائه الگوی ویژگی‌ها مدیریت جهادی در فرماندهان هشت سال دفاع مقدس» **فصلنامه علمی مطالعات دفاع مقدس**. شماره ۳: ۳۱-۹.

پالوچ، مجتبی و ولی‌الله نقی‌پورفر (١٣٨٦). **نقش فرهنگ و مدیریت جهادی در تقویت و توسعه سرمایه‌های اجتماعی و مشارکت مردمی.** مجموعه مقالات اولین همایش فرهنگ و مدیریت جهادی، نشر آموزش کشاورزی.

جیروند، عبدالله (١٣٦٦). **توسعه اقتصادی** (مجموعه عقاید). انتشارات مولوی.

جمشیدی، محمدحسین و محسن اسلامی (١٣٩٦). «تفکر و فرهنگ بسیجی در اندیشه امام خمینی (ره)»، **دو فصلنامه علمی ـ پژوهشی قدرت نرم**، شماره ١٦: ٦٤-٤٢.

چرچمن، چارلز وست (١٣٧٥). **نظریه سیستم‌ها**، ترجمۀ رشید اصلانی. مرکز آموزش مدیریت دولتی.

خواجه شاه کوهی، علیرضا و بهمن صحنه (١٣٨٧). «نقش آموزش عالی در توسعه اقتصادی». **فصلنامه نامه آموزش عالی**. شماره ۳: ١٢٥-١١٩.

خسروی، علی‌اکبر (١٣٨٨). «بررسی رابطۀ رضایت شغلی کارکنان و اهمال‌کاری آنان در بخش آموزش سازمان توسعۀ تجارت ایران». **فصلنامه رهبری و مدیریت آموزشی**. دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار. شماره ۱: ١٤١-١٢٥.

خلیلی، کرم و بهاره بهرامی (١٣٩٩). «تأثیر فرهنگ جهادی بر بهره‌وری منابع انسانی با تبیین نقش میانجی مدیریت اسلامی (موردمطالعه: سازمان تأمین اجتماعی استان ایلام)». **فصلنامه توسعه منابع انسانی و پشتیبانی**، شماره ۱۳۹: ۱۵۹-۱۳۸.

سلطانی، محمدرضا (۱۳۹۳). «مدیریت جهادی، چالش‌ها و الزامات». **دوفصلنامه علمی ـ پژوهشی مدیریت اسلامی**، شماره ۲: ۳۹-۹.

شماعی، میلاد و محمدرضا اسمعیلی (۱۳۹۳). «مدل پارادایمی مدیریت جهادی با استفاده از نظریه داده بنیاد»، **فصلنامه علمی ـ پژوهشی چشم‌انداز مدیریت دولتی.** شماره ۱۹: ۱۵۰-۱۱۹.

صدرالسادات، سیدعلی (۱۳۹۳). **مدیریت جهادی و سیر تحول اندیشه‌های مدیریت**، هشتمین همایش ملی فرهنگ و مدیریت جهادی.

علی شیری، محمدمهدی؛ روح‌الله تولایی و مجتبی بیدی (۱۳۹۵). «اصول حاکم بر مدیریت جهادی: تحلیلی کیفی از تجربه مدیریت جهادی در کشور». **فصلنامه علمی ـ پژوهشی چشم‌انداز مدیریت دولتی،** شماره ۲۸: ۱۰۹-۸۹.

فلیک، اووه (۱۳۸۸). **درآمدی بر تحقیق کیفی**. ترجمهٔ هادی خلیلی. تهران: نشر نی.

کوشکی، امین (۱۳۹۳). **مدیریت جهادی چیست؟ (با تأکید بر منظومه فکری مقام معظم رهبری)**، سایت خبری سالم سربدار. پایگاه خبری تحلیلی شهرستان سبزوار. بخش سیاست، کد مطلب: ۷۰۹۷.

گودرزوند چگینی، مهرداد (۱۳۹٤). «توسعه پایدار؛ شاخص‌ها و سیاست». **فصلنامه سیاست جهانی**. شماره ۲: ۲۳۸ – ۲۱٥.

محمدی، اسعد (۱۳۸٦) «بررسی نگرش خانواده‌های شهدا و ایثارگر نسبت به ارزش‌های ایثارگری در استان لرستان». **فصلنامه ایثار پروژه**. شماره ١٦.

مرادی، ایرج (۱۳۸۹). «فرهنگ ایثار و شهادت و دفاع مقدس». **فرهنگ ایلام**. شماره ۳۸: ۱۷٤-۱٥٤.

موسوی امام خمینی (ره)، روح‌الله (۱۳۸۳). **بسیج در اندیشه امام خمینی (ره)**. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

Schmidt, R. C. (1997) "Managing Delphi Surveys Using Nonparametric Techniques", Decision Sciences, 28 (3).

Derek Gregory. Ron Johnston, Geraldine Pratt, Michael Watts, Sarah Whatmore, (2009), The Dictionary of Human Geography, Edition 5, Publisher, Wiley.

Teo, H. J. Johri, A. & Lohani, V. (2017). Analytics and patterns of nowledge creation: Experts at work in an online engineering community. Computers & Education, Vol.112, pp. 18-36.

دو فصلنامه شاهد اندیشه / دوره سوم/ شماره ۲ / پیاپی ٦/ پاییز و زمستان ۱٤۰۱ /۱۰۸-۸۵
Two Journal Of Shahede Andisheh Autumn & Winter 2022: 85-108

ایثار در خانواده و نقش زنان در گسترش آن
(با تکیه بر دو اثر «باغ بلور» و «گلاب خانم»)

فائزه حاتمی‌نیا[۱]، محمدرضا یوسفی[۲]

چکیده

ایثار یکی از متعالی‌ترین کنش‌های انسانی است که در هشت سال جنگ تحمیلی ایران و عراق، شاهد تبلور آن بودیم. پژوهش پیش‌رو با روش توصیفی ـ تحلیلی و با هدف بررسی چگونگی انعکاس ایثار در دو اثر «باغ بلور» و «گلاب خانم» که با محوریت جنگ و درون‌مایه خانواده‌های شهدا و جانباز، نوشته شده؛ سعی دارد به این نکته حائز اهمیت دست یابد که این آثار به کدام جنبه ایثار توجه کرده و زنان در ترویج این مقوله چه جایگاهی دارند؟ یافته‌ها نشان می‌دهد که «ایثار» و «ایثارگری» محدود به قشر و طبقه‌ای خاص، یا سن و سال و جنسیت نیست؛ شرایط زمانی و مکانی می‌تواند میزان و چگونگی ایثار را تحت‌الشعاع قرار دهد و شکل‌گیری آن در هر جامعه‌ای باعث مقاومت و پیروزی می‌گردد. هر یک از رمان‌های موردنظر در انعکاس مسئله ایثار به‌خوبی عمل کرده‌اند. مخملباف اثر خود را در سال‌های پایانی دهه شصت خلق کرده و با نگاهی واقع‌بینانه به جنگ، بیشتر به ایثار شهدا و خانواده‌هایشان و مشکلاتی که پیش‌رو دارند، پرداخته؛ اما فراست با نگاهی مثبت و ارزش محور، ایثار زنان را در مقابل جانبازی مردان به تصویر کشیده و به نقش آن‌ها در ترویج این فرهنگ اشاره کرده است. دستاورد مطالعه این آثار گسترش روحیه ایثارگری در جامعه است.

واژگان کلیدی

ایثار، زن، رمان دفاع مقدس، باغ بلور، گلاب خانم.

تاریخ دریافت: ۱٤۰۱/۰۸/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱٤۰۱/۰۹/۱٦

۱. دانشجوی دکترای زبان و ادبیات فارسی دانشگاه قم (نویسنده مسئول) f.hataminia59@gmail.com
۲. دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه قم myousefi46@yahoo.com

مقدمه

ایثار و ازخودگذشتگی، یکی از پرشکوه‌ترین مظاهر جمال و جلال انسانیت است که جز از روح‌های بزرگ و پاک سر نمی‌زند. شجاعتی که تبلور و اوج آن در دوران جنگ تحمیلی بود. واقعه عظیمی که فضای میهن را در همه زمینه‌ها تحت تأثیر قرارداد و یک خیزش عمومی برای دفاع از کشور و آرمان‌های انقلاب اسلامی به وجود آورد. روزهایی که شور و شجاعت، ایثار و ازخودگذشتگی، دلاوری و خودباوری ملت به اوج خود رسید و تحولی بزرگ در فرهنگ و جامعه پدید آورد. در همین زمان ادبیات داستانی جدیدی نیز تحت تأثیر این عامل ایجاد شد؛ چراکه همواره ادبیات هر ملت، آیینه تمام‌نمایی از آرمان‌ها و آرزوها و بازتابی مستقیم از خواسته‌های درونی یک ملت و به عبارتی بیان حال یک جامعه بوده است.

نویسندگان ما نیز (با نگرش‌های متفاوت) دست به قلم برده و پیرامون این حادثه عظیم، آثاری ارزشمند خلق کرده‌اند؛ اگرچه موضوع اصلی این آثار جنگ است، اما درون‌مایه‌هایی متفاوت همچون: شهادت، اسارت، ایثار، بمباران شهرها و مناطق مسکونی، مسائل اجتماعی و روانی حاصل از جنگ و... را دربرمی‌گیرند؛ ازاین‌رو پژوهش حاضر با انتخاب دو اثر برجسته، با موضوع جنگ و درون‌مایه شهادت و ایثار، به بررسی و تحلیل انعکاس ایثار به‌ویژه ایثار زنان پرداخته است.

پیشینه پژوهش

با توجه به این نکته که موضوع حاضر، فعالیتی بین‌رشته‌ای است، تاکنون مقالات بسیاری پیرامون آن نوشته‌شده که هر کدام، از زاویه‌ای خاص به بررسی آن پرداخته‌اند؛ از آن جمله می‌توان به مقالات زیر اشاره کرد:

«چالش‌های ترویج فرهنگ ایثار و شهادت در جامعه» (جانعلی‌زاده، ۱۳۸۸) که در قالب فرهنگی و اجتماعی به این موضوع نگریسته است. مقاله «واکاوی مؤلفه‌های رفتاری ایثار با رویکردی به قرآن و حدیث» (عزیزی، ۱۳۹۶) و «مؤلفه‌های اساسی گفتمان ایثار و شهادت در انقلاب اسلامی» (غفاری هشجین، ۱۳۸۹) این موارد و دیگر مقالاتی از این دست به تحلیل ایثار از منظر اجتماعی و تحولات سیاسی و انقلابی پرداخته‌اند. همچنین مقالات دیگری که به

تحلیل و بررسی مسئله‌ای خاص در رمان‌های موردنظر پرداخته‌اند نیز کم نیستند. از آن جمله می‌توان به مقاله «پیوندهای گفتمانی و تصویر زنان در باغ بلور» (صابرپور، ۱۳۹٤) و «بررسی و تحلیل بن‌مایه‌های پایداری و ارتباط آن‌ها با عناصر داستان در رمان گلاب خانم» (صادقی‌نیا، ۱۳۹۷) اشاره کرد. پژوهش حاضر سعی دارد تا انعکاس ایثار و نقش زنان در گسترش آن را در دو رمان فوق بررسی نماید.

پرسش‌های پژوهش

با توجه به این‌که محور اکثر رمان‌های دفاع مقدس موضوع جنگ و دفاع است، این مسأله مطرح است که ایثار به چه نحوی در آثار موردنظر این پژوهش منعکس شده است؟ ایثار در خانواده چه جایگاهی دارد و زنان برای گسترش این مفهوم چه سختی‌هایی را متحمل می‌شوند؟

روش پژوهش

این پژوهش، با روش توصیفی و تحلیلی، حول دو اثر «گلاب خانم» و «باغ بلور» صورت گرفته است. برای این کار ابتدا تعداد قابل‌توجهی از آثار دفاع مقدس را مطالعه کرده تا بتوان آثاری با درون‌مایه ایثار و از خودگذشتگی به دست آورد. سپس با انتخاب این دو اثر، به بررسی جنبه‌های ایثار در جامعه و خانواده و انعکاس آن‌ها پرداخته و فیش‌های مرتبط جمع‌آوری شده و سپس مورد تحلیل و توصیف قرار گرفته است.

مبانی نظری پژوهش

ایثار به معنای «برگزیدن، دیگران را بر خویش مقدم داشتن و مانند آن است». (دهخدا، ذیل واژه ایثار) ایثار در اصطلاح به معنی «بخشش به کسی در مورد چیزی که خود فرد به آن نیاز دارد» است (نراقی، بی‌تا، ج ۲: ۱۲۲).

ایثار متعالی‌ترین کنش انسانی است که بارها مورد ارزیابی و تأکید آیات و روایات قرار گرفته است. در سوره حشر آیه ۹ به فداکاری حضرت علی (ع) و خوابیدن در بستر پیامبر

اشاره شده است[۱]. همچنین در سوره انسان در مورد ایثار آمده است: «غذای خود را با این‌که به آن علاقه دارند به مسکین و یتیم و اسیر می‌دهند.»[۲]

در حدیثی از امام علی (ع) نیز آمده است: «ایثار برترین عبادت‌ها و بزرگ‌ترین راه سیادت و سروری است» (شیخ‌الاسلام، ۱۳۷۹: ۳۳۱).

«ایثارگری» وارستگی از وابستگی‌هاست. جرج ویلیامز معتقد است «ایثارگر کسی است که در مقابل یک ضرورت عمومی با حفظ گمنامی خود حاضر به فدا کردن سرمایه، خون یا سایر منابع زندگی خود می‌شود» (جاوید؛ نیک‌نژاد، ۱۳۹۷: ٤٨).

ایثارگر کسی است که در عین نیاز، دیگری را بر خود مقدم می‌داند و در عین خستگی، کارهای دشوار را بر عهده می‌گیرد و فداکارانه به خاطر خدا، از حق شخصی خود می‌گذرد. هدف این افراد تنها به دست آوردن رضای خداوند و برگزیدن خشنودی پروردگار بر خشنودی غیر از او است و همواره به این می‌اندیشند که چگونه بنده و عبد خالص خداوند باشند. این واژه، مصادیق متفاوت و متنوعی را در برمی‌گیرد؛ چراکه هر کس به‌نوعی این عمل را انجام می‌دهد؛ یکی از مال و سرمایه و ثروتش و دیگری از جسم و جانش می‌گذرد، یکی ازآنچه خود به آن محتاج است بذل و بخشش می‌کند و دیگری از علم و اندیشه‌اش... اما درهرصورت «ایثار» از هر نوع و درجه‌ای که باشد، جایگاهی والا در بین مردم دارد، درواقع ایثار نقطه مقابل خودخواهی است و هرچه خودخواهی برای جامعه زیان‌بار است؛ ایثار سودمند و سازنده است. پس هر زمان که ایثار در جامعه‌ای شکل بگیرد و فراگیر شود؛ همدلی و همیاری در بین آحاد مردم نیز افزایش می‌یابد و این امر سهم عظیمی در استحکام جامعه ایفا می‌نماید. ابراهیم منش معتقد است نمی‌توان بین کمک به یک ناتوان، یا سرپرستی از یتیم و پرستاری از بیمار و ساخت سرپناه و مدرسه و... به‌راحتی تفاوت قائل شد و دیگری را ترجیح

---

۱. وَٱلَّذِينَ تَبَوَّءُو ٱلدَّارَ وَٱلۡإِيمَٰنَ مِن قَبۡلِهِمۡ يُحِبُّونَ مَنۡ هَاجَرَ إِلَيۡهِمۡ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمۡ حَاجَةً مِّمَّآ أُوتُواْ وَيُؤۡثِرُونَ عَلَىٰٓ أَنفُسِهِمۡ وَلَوۡ كَانَ بِهِمۡ خَصَاصَةٌ وَمَن يُوقَ شُحَّ نَفۡسِهِۦ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُفۡلِحُونَ.

۲. وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَ أَسِيرًا.

داد. تمام مصادیق ایثار برای جامعه لازم و ضروری‌اند و وجود آن‌ها هم الزامی است (ابراهیمی‌منش، ۱۳۸٤: ۲۳).

در شرایط خاص مثل: (جنگ، زلزله، سیل و...) این مؤلفه در جوامع گسترده‌تر می‌گردد، همان‌طور که هشت سال دفاع مقدس گستره‌ای برای خلق بالاترین صحنه‌های ایثار و فداکاری در جامعه ما را فراهم نمود. برهه‌ای از زمان که با شنیدن نامش، سیمای جوانانی در ذهن شکل می‌گیرد که برای حفاظت از اسلام و امنیت کشور، جان خود را فدا کردند و به مقام والای شهادت نائل گشتند، یا تا مرز شهادت گام برداشته و با تقدیم بخشی از سلامتی و عضوی از پیکر پاکشان چراغ هدایتی برای دین باوران گشتند. این امر مقدور نمی‌شد اگر مادران و همسرانی فداکار و ایثارگر در جامعه نبودند. البته بدیهی است که منشأ این ایثار ریشه در سبک زندگی و ایمان واقعی آن‌ها داشته و به جنسیت یا طبقه اجتماعی یا سن و سال افراد محدود نمی‌شود.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش حاکی از این امر است که «ایثار» و «ایثارگری» نه تنها محدود به قشر و طبقه‌ای خاص، یا سن و سال و جنسیت نیست بلکه شرایط زمانی و مکانی می‌تواند میزان و چگونگی این امر را تحت‌الشعاع قرار دهد. ایثار حاکم بر جامعه روحیه شجاعت و مقاومت را افزایش می‌دهد و زنان در گسترش این مقوله نقش بسیار اساسی ایفا نموده‌اند؛ دستاورد مطالعه این آثار گسترش روحیه ایثارگری در جامعه است.

معرفی رمان‌ها

باغ بلور، ۱۳٦۸، محسن مخملباف

رمان باغ بلور، رمانی خانوادگی است. داستان حول محور چند خانواده که در قسمت سرایداری یک‌خانه مصادره‌ای زندگی می‌کنند، شکل می‌گیرد. خانواده اول: حمید، جانباز قطع نخاع که با همسرش ملیحه زندگی می‌کند. خانواده دوم: مشهدی که پدر شهید (اکبر) است و با عالیه همسرش و سوری، عروسش به همراه نوه‌ها و پسر دیگرش احمد، زندگی می‌کند.

❖ خانواده سوم: خورشید و شوهر تریاکی‌اش قربانعلی که سابقاً خدمتکار همان خانه بوده‌اند.
خانواده چهارم: لایه (همسر شهید) با دو فرزندش.

داستان با شرح تولد فرزند سوم لایه آغاز می‌شود و با ازدواج مجدد لایه ادامه پیدا می‌کند. کریم، شوهر دوم لایه، پس از این‌که وانت‌باری از بنیاد شهید می‌گیرد، او و فرزندانش را رها می‌کند. سوری نیز به اصرار پدرشوهرش با احمد ازدواج کرده، اما شایعه زنده‌بودن شوهر اول سوری، ناگهان همه‌چیز را به هم می‌ریزد. آن‌ها برای فهمیدن حقیقت مجبور به نبش قبر اکبر می‌شوند. این حادثه روی هر یک از شخصیت‌های داستان تأثیری خاص می‌گذارد.

نویسنده با نگرشی واقع‌بینانه به جنگ، این رمان را با روایتی خطی نوشته است. «زاویه دید داستان، به‌تناوب میان راوی درون داستانی «روایتگر» و راوی برون داستانی «بازتاب‌گر» که شخصیت گوناگون را کانونی می‌سازد، نوسان دارد. ویژگی روایی برجسته رمان، زبان و لحن و استفاده موفق مخملباف از زبان عامیانه و اصطلاحات و مثل‌هاست.» (صابرپور، ۱۳۹٤: ٤۸)

غالب شخصیت‌های داستان، زنان هستند. زنانی که در برابر سختی‌ها، صبر و بردباری پیشه کرده و با گذشتن از خود جنبه‌های جدیدی از ایثار را به نمایش گذاشته‌اند. نویسنده به‌خوبی توانسته واقعیت‌های تلخ جامعه جنگ‌زده و در لابه‌لای آن، جنبه‌هایی از ایثار زنان را به نمایش بگذارد. میرعابدینی معتقد است: «باغ بلور، نمونه و الگویی می‌شود تا نویسندگان وابسته به حوزه هنری، زنان آثارشان را از روی آن بسازند؛ زنی که با ایثارش از خود یک قهرمان می‌سازد و عشق را به آرمانی دینی- اخلاقی تبدیل می‌کند» (میرعابدینی، ۱۳۷۷: ۱۲۸۳).

گلاب خانم، ۱۳۷٤، قاسمعلی فراست

این داستان نیز حول محور خانواده و جنگ شکل گرفته است. روز نیمه شعبان همه منتظرند تا داماد (موسی گل محمدی که در جبهه است) خود را برای مراسم عروسی برساند، اما هر چه منتظر می‌شوند از داماد خبری نمی‌شود. سلیم و مرتضی، دوستان موسی هستند که در مراسم حاضر هستند. عروسی بدون موسی کنسل می‌شود. از فردا پدر و مادر به دنبال موسی می‌گردند. میرزا، پدر موسی به همراه مرتضی راهی خط مقدم می‌شود و می‌فهمد زمانی که موسی برای آخرین بار به شناسایی رفته، دیگر بازنگشته است و احتمال شهادت، اسارت و...

وجود دارد. او در حالی به خانه برمی‌گردد که ازنظر روحی متحول شده است. ازآن‌پس تمام بیمارستان‌ها و سردخانه‌ها را جستجو می‌کند؛ اما به نتیجه نمی‌رسد.

از سوی دیگر موسی که به‌شدت مجروح شده و صورتش ترکش‌خورده، بدون پلاک به بیمارستان اهواز منتقل شده است. موسی با دیدن چهره و موقعیت خود دچار تردید و نگرانی می‌شود و طوری رفتار می‌کند که دیگران فکر کنند او حافظه‌اش را از دست داده است. او از ترس حتی با پدر و مادرش تماس نمی‌گیرد و زمانی که آن‌ها را در بیمارستان تهران می‌بیند، از روبرو شدن با آن‌ها سر باز می‌زند. بعد از انتقال به آسایشگاه و نزدیک شدن به کریم (جانباز نابینا) با کمک او، با خانواده‌اش روبه‌رو می‌شود، اما هنوز از مواجه‌شدن با نامزدش، گلاب واهمه دارد. او مدام سعی می‌کند تا گلاب را از خود براند. گلاب با دیدن موسی دچار تردید می‌شود، اما عشق و علاقه او و کمک گرفتن و صحبت و مشورت با همسران جانبازان دیگر باعث می‌شود تا بر تردیدش غلبه کند و به موسی جواب مثبت بدهد. موسی از حضور در اجتماع نیز می‌ترسد، ولی به کمک و راهنمایی‌های دوستانش، به‌خصوص مرتضی، هدف اصلی خود را پیدا می‌کند و تصمیم می‌گیرد بعد از ازدواج، مجدد به جبهه برود.

این داستان با زاویه دید دانای کل و گفتار سوم شخص نقل شده است. فراست با نگرشی مثبت به جنگ، درون‌مایه اثرش را به جانبازان و دلیرمردان میدان‌های جنگ و مشکلاتشان اختصاص داده است. اثری که در خط به خط آن ایثار موج می‌زند.

بررسی جنبه‌های ایثار

در رمان جنگ، مفهوم ایثار در سطوح مختلفی از گفتار تا کردار شخصیت‌های داستانی ترسیم شده است.

شهادت‌طلبی

بالاترین جنبه ایثار در کردار شهدا دیده می‌شود. انسان‌هایی که برای رسیدن به هدف والایشان، گران‌بهاترین دارایی خود را در طبق اخلاص می‌نهند و آن را پیشکش می‌کنند. اکثر نویسندگان دفاع مقدس در آثار خود شجاعت و شهامت رزمندگان را به تصویر کشیده و بالاترین درجه ایثار را در شهادت به نمایش گذاشته‌اند؛ اما آن‌ها تنها جنبه ایثار جان را به نمایش گذاشته‌اند

❖ درحالی‌که رزمندگان، مردانی هستند که در روزگار عادی نقش پدری، همسری و یا فرزندی را ایفا می‌نمودند. اکنون با شروع جنگ باید از ایفای نقش خود چشم‌پوشی کرده و پا بر آرزوها و علایق خود بگذارند و برای عمل به فریضه‌ای الهی، با آگاهی تمام راهی میدان نبرد شوند. جنبه‌ای از ایثار که کمتر موردتوجه بوده و کمتر منعکس شده است.

اگرچه مخملباف با تقدیم اثرش به زن مظلوم این دیار، درواقع درون‌مایه داستانش را مشخص کرده است؛ اما نگرش خود به جایگاه و مقام شامخ شهدا و ایثار آن‌ها را درصحنه نبش قبر اکبر به نمایش می‌گذارد. ازنظر او شهدا آگاهانه در این راه قدم نهاده و به باغ بلوری که می‌خواستند رسیده‌اند. بوی خوشی که با شکافتن قبر، فضا را پر می‌کند، نشان دهنده جایگاه ابدی شهدا و بهشت موعود است.

«بوی عطر فضا را پر کرد. مرده از گور به زمین کشیده شد. چشم‌ها خیره، بهت، ناباوری...مرده‌ای که گویی زنده است. نصف سر متلاشی‌شده. غرق به خون تازه...» (مخملباف، ۱۳۶۸: ۲۷۷).

مخملباف در این صحنه بالاترین حد ممکن از ایثار را به نمایش گذاشته است. در داستان او با چهار شهید (منصور، اکبر، احمد، مشهدی) روبه‌رو هستیم. در ابتدا مخاطب گمان می‌کند این مردان، تنها به دغدغه‌های روحی خود و رسیدن به هدف والای خود (شهادت) می‌اندیشند و خانواده‌هایشان را بدون عاطفه و یا حمایت و امنیت رها کرده و به دنبال خواسته خود رفته‌اند، اما در ادامه درمی‌یابد که این تصور، به نگرش نویسنده و نگاه واقع‌بینانه او و انتخاب درون‌مایه‌ای تلخ و واقعی برای اثرش بازمی‌گردد. او مشکلات و سختی‌های زندگی شهدا را انتخاب کرده تا مردم بدانند که صدای دهل از دور خوش است و واقعیت زندگی اغلب خانواده‌های شهدا چیست. زنانی که تمام این سختی‌ها را با جان و دل پذیرفته‌اند و حق مسلم خود را ایثار نموده تا مردشان با آسودگی خیال راهی میدان شود و از آرمان‌ها دفاع نماید.

منصور (شوهر سابق لایه) و امثال او، همسر و فرزندانشان را با تمام عشقی که به آن‌ها داشته‌اند، برای تحقق هدفی ارزشمندتر، به خدا سپرده‌اند. آن‌ها علاوه بر ایثار جان، عشق و علاقه خود به زندگی را نیز فدا کرده و از دنیا و آرزوهایشان دست کشیده و آگاهانه برای دفاع از آرمان‌ها و عقایدشان به پا خاسته‌اند. شاید به نظر برسد مشهدی و احمد برای فرار از

مشکلات به جبهه پناه بردند و آنجا را جایی برای رهایی از سختی‌ها می‌دانند، ولی درواقع چنین نیست؛ بلکه آن‌ها با دیدن جایگاه اکبر بعد از نبش قبر، ارزش ایثار جان را بهتر درک کرده و ازنظر روحی متحول شده و برای دست‌یابی به هدفی مقدس، راهی جبهه شدند. هرچند مخملباف در بیان چرایی این اتفاق، قوی عمل نکرده و نتوانسته در مورد هدف و انگیزه حضور شخصیت‌های داستان در جبهه به مخاطب دلیلی منطقی ارائه دهد.

فراست نیز درون‌مایه ایثار را برای داستان «گلاب خانم» برگزیده است، اما او زمانی داستانش را نوشته که جنگ پایان‌یافته و جانبازان نه در آسایشگاه‌ها بلکه در خیابان‌ها و در میان مردم جامعه حضور داشتند، بنابراین موضوع جانبازان در اثر او پررنگ‌تر از شهید و شهادت است. او تنها به شهادت برادر خانم فاطمی اشاره‌کرده که بارها به جبهه رفته و زخمی شده و درنهایت شهید شده بود. «در فاو شیمیایی‌اش زدند و پیکر سوخته و سیاهش را آوردند» (فراست، ۱۳۷٤:۸٤). او از رزمندگانی صحبت می‌کند که از لحظه‌لحظه زندگی خود ایثار نموده و حتی روز عروسی نیز در جبهه مانده‌اند (فراست، ۱۳۷٤:٥٤).

جانبازی

تأکید این آثار بیشتر روی مشکلات جانبازان است. تنها جانباز داستان «باغ بلور» مخملباف، حمید، جانباز قطع نخاعی است که شجاعانه به میدان جنگ رفته و با ایثار عضوی از بدن، برای همیشه از راه رفتن و پدر شدن محروم شده است. مخملباف برای کار بزرگی که حمید انجام داده ارزش قائل است، اما نتوانسته چشم خود را به روی تلخی‌ها و مشکلاتی که حمید دارد، ببندد. او تلاش می‌کند تا مشکلات او را به‌عنوان یک جانباز ترسیم نماید تا مخاطب با حقیقت زندگی جانبازان آشنا گردد. حمید که اکنون قطع نخاع شده، با آغاز زندگی مشترک، نمی‌تواند خود را با شرایط وفق دهد. او از وضعی که دارد ناراضی است و دچار دوگانگی شده است. او عشق ملیحه را ترحم می‌پندارد، ایثار او را تحقیر خود می‌داند، نسبت به او دچار بدگمانی می‌شود و در مورد جانبازی خود در برابر ایثار ملیحه دچار تنش می‌گردد. او بارها در خلوت خود به لطف و محبت بی‌دریغ ملیحه می‌اندیشد و دچار شک و تردید می‌گردد.

«این خورده ایثارهای ملیحه او را بیشتر بدگمان می‌کرد. لابد مرا نمی‌خواهد که هر چه بیشتر می‌کوشد تا آن را اثبات کند. به هر رفتاری، به هر سخنی، به هر کنایه‌ای، مگر این را نمی‌گفت؟» (مخملباف، ۱۳٦۸: ۵۱).

حمید حتی در برابر میل مادری ملیحه و بچه‌دار نشدنش، خودش را مقصر می‌داند و احساس عجز و خشم و تحقیر می‌کند: «بی‌زاد و رودی حمید، کسی که چون کوچه بن‌بستی به خود ختم می‌شود» (مخملباف، ۱۳٦۸: ۵۳).

او در سرتاسر داستان دچار احساسات متناقض است؛ ملیحه را دوست دارد و درعین‌حال نسبت به او و احساساتش دچار شک می‌شود. این دوگانگی‌ها و عدم کنار آمدن با شرایط در مورد خیلی از جانبازان ما صدق می‌کند (مخملباف، ۱۳٦۸: ٦۲-٦۱).

در ادامه او ازنظر روحی متحول شده و بر احساسات متناقض خود غلبه می‌کند و با آوردن فرزندی از پرورشگاه، لحظات شادی را برای خود و همسرش رقم می‌زند. رهگذر معتقد است که مخملباف در ارائه جنبه‌های روان‌شناختی جانبازان پیشگام بوده است (ر.ک.حنیف، ۱۳۷۸).

فراست نیز در رمان «گلاب خانم» جانبازان و مشکلاتشان را بن‌مایه اصلی قرار داده و توانسته ناراحتی‌ها و رنج‌های ایثارگران جنگ و حضور پر از دغدغه روحی آن‌ها در اجتماع را به نمایش بگذارد. این حضور چنانچه دستغیب بیان کرده، در آغاز با واکنش‌های غیرمنتظره همراه است، ولی به‌تدریج و به‌طور طبیعی در دانستگی مردم جا می‌افتد و جامعه به درک اهمیت کار ایشان پی می‌برد و آنان را با آغوش باز می‌پذیرد و به گرمی از ایشان استقبال می‌کند (دستغیب، ۱۳۸٦: ۵۲٦).

قهرمان داستان، موسی، تازه دامادی است که دقیقاً قبل از ازدواج از ناحیه صورت جانباز می‌شود. موسی با علم به اینکه در جنگ هر اتفاقی رخ می‌دهد، باز رفتن را انتخاب کرده است. او هم مانند هر مردی دوست دارد در چنین روزهایی کنار همسرش باشد و با آسودگی خیال لحظات شیرینی را طی کند؛ اما در این شرایط اوامر مهم‌تری را تکلیف می‌داند و با آگاهی کامل از خطرات راهی خط مقدم شده و حال جراحت شدید صورت و فکش باعث شده تا قیافه ترسناکی پیدا کند. اکنون پذیرش این نقص برایش به یک بحران و یک مشکل اساسی تبدیل شده است. این حال موسی، بازتابی از حال‌وروز بسیاری از جانبازان عزیزی است که هر

یک عضوی را در جبهه جا گذاشته‌اند و حال باید با این شرایط بدنی و نگاه‌های مردم و خانواده و... کنار بیایند. نویسنده به‌خوبی توانسته این شرایط را به تصویر بکشد.

موسی قبل از جراحت، چهره‌ای با طراوت و چشمانی زیبا داشت، اما اکنون مردی است منزوی که خود و نشانی‌هایش را از همه حتی مادرش پنهان می‌کند و مدام به این می‌اندیشد که اطرافیانش با دیدن چهره هراسناک او پا به فرار خواهند گذاشت. او هم از درون و هم از بیرون دچار درگیری‌های ذهنی شده و بارها در ذهنش خانواده‌اش و برخوردشان را با او تصور می‌کند. موسی حتی خودش هم از خودش می‌ترسد:

«دوباره چهره‌اش را در آینه دید، جا خورد. کنج لب و لپ چپش تا گونه در هم مچاله شده و گره خورده بود...» (فراست، ۱۳۷٤: ۹۱).

یکی از مشکلات دیگری که اکثر جانبازان ما با آن روبه‌رو هستند، عدم اعتمادبه‌نفس و ترس از روبه‌رو شدن با مردم و حضور در اجتماع است. موضوعی که باعث شد موسی در همان بیمارستان تصمیم بگیرد با کسی صحبت نکند که شناسایی نشود و طوری رفتار کند که گویی حافظه‌اش را از دست‌داده تا کسی نتواند وضعیت او را به خانواده‌اش اطلاع دهد. این موضوع در قسمت‌های مختلف بیان شده است. زمانی که پرستار سابق او، خانم فاطمی، به بیمارستان می‌آید و سعی دارد نشانی از خانواده‌اش بیابد:

«- خیلی وقته می‌خواستم به ملاقات بیام اما نشد. اسمت چیه؟ ... اسم... اسم...

اسم را بلند و به اشاره و تأکید پرسید. موسی مواظب بود که زبان باز نکند، اما نمی‌دانست چه کند که زن از گذشته‌اش بگوید.» (فراست، ۱۳۷٤: ۱۲۹).

بعد از ترخیص از بیمارستان نیز از مادرش می‌خواهد تا اجازه ملاقات کسی با او را ندهد؛ حتی با وجود دلتنگی برای گلاب، از دیدار با او نیز امتناع می‌ورزد. مادر به‌ناچار برای کسانی که به ملاقات او می‌آیند بهانه می‌تراشد و آن‌ها را رد می‌کند و به‌این‌ترتیب موسی عزلت‌نشین می‌شود.

تحقیقات نشان می‌دهد که قرار گرفتن در محیط‌های مختلف و انطباق با این محیط‌ها نیازمند مهارت‌های اجتماعی، انطباقی و شناختی بیشتری بوده و می‌تواند به‌عنوان یک عامل ایجادکننده و یا افزایش‌دهنده استرس عمل کند. این استرس می‌تواند توانایی انطباق فرد را

دچار مشکل کرده و درنتیجه منجر به کاهش کیفیت زندگی و رضایت از زندگی افراد گردد (ماندنی؛ فخری، ۱۳۹۱: ۲۳).

در داستان گلاب خانم، موسی تا وقتی در خانه است، ترس و نگرانی روبه‌رو شدن با مردم را ندارد، اما به‌محض این‌که سخن از بیرون رفتن یا ملاقات با فردی را می‌شنود به هم می‌ریزد و دنبال راه فرار می‌گردد. او به اصرار دوستانش از خانه بیرون می‌رود، اما هر بار صورتش را با دستمال می‌پوشاند تا کمتر موردتوجه قرار بگیرد، اما روزی که بدون پوشاندن صورتش وارد خیابان می‌شود نگاه‌های مردم و صحبت‌های آن‌ها او را رنج می‌دهد و موجب واکنش او می‌شود:

«خشمگین فریاد زد:

– کثافت‌ها... احمق‌ها... چیه؟! به چی می‌خندین؟! چی را مسخره می‌کنین؟!... من به خاطر شماها رفتم جبهه... نمی‌توانستم نرم؟! نه؟! نمی‌تونستم نرم و حالا مثل شما سینه سپر کنم؟!... شما لیاقت دارین؟!» (فراست، ۱۳۷٤: ۲۱۷).

اما توجه دوستانش به او، صحبت‌هایشان، بردن او به اجتماع و... باعث می‌شود، موسی بتواند با شرایط جدیدش کنار بیاید و خود را همین‌طور که هست بپذیرد. او با شنیدن صحبت‌های جانبازان دیگر ازنظر روحی دچار تحول می‌شود و به جایگاه ارزشی جبهه یقین پیدا می‌کند و درنتیجه می‌تواند بر ترس و عدم اعتمادبه‌نفسش غلبه کند و در پایان با اتکا به نیروی عشق، زندگی در کنار گلاب را با اشتیاق بپذیرد. همان‌طور که قبلاً نیز اشاره شد این داستان ماجرای ادغام جانبازی مرد و ایثار زن در کنار هم است.

البته موسی تنها شخصیت داستان نیست که نتوانسته با شرایط جدیدش کنار بیاید. شخصیت دیگری که در جبهه جانباز شده است و مانند موسی نتوانسته با شرایط جدیدش کنار بیاید و دست از دنیا شسته و گوشه‌گیری و انزوا را انتخاب کرده، رسول (جانباز شیمیایی و نامزد گلی، خواهر گلاب) است. او از دیدار با نامزدش گلی امتناع می‌ورزد و از ازدواج با او سر باز زده، اما ترسش مانع شده تا به اطرافیان بگوید چرا باوجود عشق و علاقه به گلی این کار را انجام می‌دهد؛ حتی مادرش هم دلیل رفتار پسر را نمی‌داند (فراست، ۱۳۷٤: ۱۰۸–۱۰۷).

اما بالاخره این راز سر به مُهر گشوده می‌شود و به یکی از تعلیق‌های داستان پایان می‌دهد:

«من شیمیاییِ‌ام. کدومتون اجازه می‌دید دختر معصوم مردم را بیارم خونه و این زهر واگیردار را بریزم به جونش؟! شما چی خیال می‌کنید؟! خیال می‌کنید زیر سر من بلند شده؟ خیال می‌کنید بوالهوسم؟...» (فراست، ۱۳۷٤: ۱۸۳).

در پایان رسول با حمایت دوستانش و شرکت در جلسات دوستانه و شنیدن صحبت‌ها و عقاید آن‌ها خود را پیدا می‌کند و مجدد به زندگی عادی برگشته و با گلی ازدواج می‌نماید.

اکثر جانبازان برای ارزش‌های ویژه و اعتقادات خاصی که داشته‌اند به جنگ رفته و تبعات آن را پذیرفته‌اند؛ به‌بیان‌دیگر ارزش ایثارگری با بی‌اهمیت بودن امتیازات مادی برای آنان همراه است؛ به‌این‌ترتیب جانبازان تأکید دارند علت رفتن به جنگ، اعتقاد به ارزش‌ها بوده است و نه کسب امتیازاتی که بنیاد برای آن‌ها در نظر می‌گیرد. بی‌اعتنایی به امتیازات جانبازی مفهومی است که تحت تأثیر ارزش‌های ایثارگری نزد جانبازان و ایثارگران شکل گرفته است. اغلب جانبازان اظهار می‌کردند که امتیازات برای آن‌ها ارزشی ندارد (شریعتی مزینانی؛ فروغ‌زاده، ۱۳۹۸: ۱۲۰).

همیشه در هر گفتمانی، ضدیت اصلی مهم است برای بهتر مشخص شدن آن. فراست با خلق کاراکتر خسرو، یک شخصیت ضدایثار خلق کرده است؛ فردی که تنها به فکر استفاده از شرایط به نفع خودش است. وجود چنین شخصیتی در اثر باعث می‌شود تا مخاطب به ایثار بقیه افراد پی ببرد و ارزش کار آن‌ها را بهتر درک نماید (فراست، ۱۳۷٤: ۱۹٦).

فراست با خلق شخصیت‌هایی چون مرتضی و آقای وصالی، کریم، سلیم، جمشید، درواقع چهره جانبازانی را به تصویر کشیده که با داشتن ایمانی قوی توانسته‌اند با شرایط کنونی خود کنار آیند و به زندگی خود ادامه دهند و با خلق شخصیت موسی سعی داشته تا مخاطب را با مشکلاتی که جانبازان و خانواده‌هایشان درگیر هستند آشنا نماید. مخاطب هم به ارزش کار این ایثارگران پی می‌برد.

دوره سوم، شماره ۲، (پیاپی ۶)، پاییز و زمستان ۱۴۰۱

❖ ایثار در خانواده

ایثار همچون موجی بزرگ بود که در روزگار جنگ، دامن‌گیر همه مردم شد. هر کس به‌نوعی، در این خیزش عظیم شرکت می‌نمود. هر یک از اعضا خانواده در این ایثار و فداکاری سهمی داشتند. ازجمله:

اول) زنان شهدا

زنان شهدا، درواقع پایه‌گذار مفهوم ایثار هستند. آن‌ها با علم به خطرات جنگ مرد خود را راهی میدان کرده و در نبود آن‌ها یک‌تنه بار زندگی را به دوش کشیدند و اکنون که بی‌پشتوانه شده و مرد زندگی خود را از دست داده‌اند مابقی عمرشان را نیز ایثار می‌کنند و تنها و بی‌یاور، سختی بزرگ کردن فرزندان، شنیدن حرف‌وحدیث مردم را به دوش می‌کشند؛ حتی اگر برای بهترشدن شرایط تن به ازدواج مجدد بدهند؛ با فراموش کردن خاطرات همسر شهیدشان، ایثاری مجدد نموده‌اند. زنانی که درواقع جوانی و عمر خود را ایثار می‌کنند تا این فرهنگ را گسترش دهند.

در سال‌های پایانی جنگ تقریباً تعداد قابل‌توجهی از مردم، عزیزی را در جنگ از دست داده بودند و تعداد خانواده‌های شهدا افزایش یافته بود. مخملباف، نویسنده‌ای برخاسته از دل جامعه، از نزدیک مشکلات این خانواده‌ها را دیده و درون‌مایه باغ بلور را به همین قشر، اختصاص داد. زنانی که خود به‌نوعی ایثارگر محسوب می‌شوند؛ چراکه عملکرد این زنان در مقابل ایثار همسرانشان، مفهومی جدید از ایثار را به وجود آورد. این زنان با از دست دادن همسرشان درواقع پشتوانه خود را از دست دادند و اکنون دو راه در پیش رو دارند. اول اینکه با پذیرش تمامی بار زندگی تا پایان عمر تنها بمانند و با یاد و خاطره همسرشان زندگی کنند که در این صورت جوانی و عمر خود را ایثار می‌کردند، یا اینکه مجبور می‌شدند به هر دلیل زندگی جدیدی را با مردی دیگر آغاز نمایند که در این صورت باید احساسات و علایق خود و خاطراتشان را ایثار می‌نمودند.

مخملباف چنین زنانی را در قالب لایه و سوری به مخاطب معرفی می‌کند. لایه دختری دهاتی و ساده است که بعد از شهادت منصور، به پیشنهاد خورشید و به خاطر بچه‌هایش و

دغدغه‌هایی چون تنها ماندن، مخارج زندگی، سختی و پیچیدگی بزرگ کردن فرزندان بدون پدر و برخورد و نگاه افراد جامعه، به‌خصوص حرف‌وحدیثی که پشت سر زنان بیوه مطرح می‌شد، تن به ازدواج مجدد دهد. او مجبور است به خاطر شرایط، احساسات خود را کنار بگذارد و به امید آینده‌ای بهتر به همسری آقا کریم درآید. او به اصرار خورشید که مدام به او می‌گوید: «به خاطر بچه‌هایت. بابا می‌خواهند لایه. تو یک زن دست تنها، چگونه فرزند را بزرگ می‌کنی؟ همیشه زمان به یک‌جور نیست» (مخملباف، ۱۳٦۸: ۸٦). راضی به ازدواج می‌شود. لایه بارها با خودش می‌اندیشد و با تمامی نگرانی‌هایی که دارد، به خاطر بچه‌هایش راضی به ازدواج با کریم می‌شود.

«ترسی ناشناخته از مردی که با همه رازهایش می‌آید. با همه غریبگی‌اش. آشنا خواهد شد. مگر مرد اول از ابتدا آشنا بود؟ اما لایه دل را چگونه بین دو آشنا تقسیم کند؟» (مخملباف، ۱۳٦۸: ۱۱۹).

«گور پدر خودش. بچه‌ها چه؟ آن‌ها هم بابا نمی‌خواهند؟ کسی که دستی بر سرشان بکشد. بچه پدر می‌خواهد.» (مخملباف، ۱۳٦۸: ۱۱۹).

بعد از ازدواج هم مجبور است تمامی عکس‌ها و خاطرات منصور را به فراموشی بسپارد؛ چراکه مرد جدید از دیدن آن‌ها عصبانی می‌شد. «غیرت آقاکریم به جوش آمده بود و در تمام صورتش سرخی عصبانیت و تلخی غیظ نشسته بود. این بود که ازآن‌پس لایه آلبوم را ته صندوق گذاشت و هر چه پارچه دم قیچی و دست بقچه و سوزنی و خرده ریز داشت، رویش چید و عکس‌ها را دفن کرد. خاطرات را بگوئید بمیرند. کسی هست که آن‌ها را تحمل نمی‌تواند کرد» (مخملباف، ۱۳٦۸: ۱۲۸).

سوری هم به همین دلایل و به اصرار پدرشوهر و مادر شوهرش حاضر به ازدواج با برادرشوهرش می‌شود. او نیز به خاطر بچه‌ها و اصرار خانواده باید از احساساتش نسبت به اکبر (شوهر شهیدش) بگذرد و زندگی با احمد را آغاز کند. در ابتدا برایش بسیار سخت است؛ حتی برداشتن عکس همسرش از روی دیوار آن‌قدر سخت است که عالیه این کار را دور از چشم عروسش انجام می‌دهد (مخملباف، ۱۳٦۸: ۲۲٦).

❖ دوم) همسران جانباز

نمونه‌ای دیگر از ایثارگران واقعی، همسران جانبازان هستند که با تمام وجود به این عزیزان خدمت می‌نمایند. ایثار این قشر را می‌توان در دو قالب بررسی کرد:

الف) زنانی که بعد از ازدواج، همسرشان به جانبازی رسیده است.

این دسته از بانوان با ایثار و فداکاری همچنان در کنار همسرانشان می‌مانند و عاشقانه‌تر از قبل و دلسوزانه‌تر از همیشه به همسر جانباز خود محبت می‌ورزند. آن‌ها ایثارگرانه با شرایط جدید زندگی، کنار می‌آیند، هرچند بیشترین بار مسئولیت و مشکلات زندگی بر دوششان است.

فراست شخصیت فرخنده خانم را نمادی از این قشر معرفی نموده که با جانبازی و نابینا شدن شوهرش نه‌تنها مشکلی ندارد؛ بلکه عاشقانه خود را وقف او و زندگی‌اش کرده است؛ البته نگاه آرمانی و ارزش محور نویسنده باعث شده تا سخنی از سختی‌های زندگی این عزیزان به میان نیاید. (رک. سعیدی، ۱۳۹۵) امثال فرخنده در جامعه ما زیاد است. زنانی که رفتار و کردار خود را به خط‌مشی برای دیگران بدل کرده و الگویی برای گسترش فرهنگ ایثار در جامعه بوده‌اند. همان‌طور که در داستان گلاب با دیدن او و شنیدن صحبت‌هایش توانست راهش را انتخاب کند.

«فرخنده گفت: چند وقت یک‌بار، بی‌اینکه اصغر بفهمد با آن‌ها خلوت می‌کنم. با آن‌ها قسم خورده‌ام که به جاشون چشم اصغر باشم. آن‌ها را هم قسم داده‌ام که فردا شفیعم باشن.» (فراست، ۱۳۷٤: ۲۲۸).

ب) دخترانی که آگاهانه همسری جانباز را پذیرفته‌اند.

از میان همسران جانبازان کم نیستند دخترانی که با آگاهی تمام از مشکلاتی که در زندگی با یک جانباز خواهند داشت، با گذشتن از حق مسلم خود (داشتن همسری سالم و نیرومند)، به همسری مردانی خدایی درآمده‌اند. اکنون آنان نیز برای رضای خدا، آگاهانه و به انتخاب خود و نه به‌اجبار، شریک زندگی یک جانباز شده و برای خشنودی خدا تمام سختی‌ها را به جان می‌خرند. استفاده از چنین کاراکتری در داستان، اولین بار توسط مخملباف ارائه‌شده، ملیحه دختری که به میل خود و باوجود آگاهی از اینکه فراموش‌کردن عشق مادری دشوار است، مرد

زندگی‌اش را انتخاب می‌نماید؛ درواقع «ملیحه با انتخاب اعتقادی خویش برای جلب رضایت خدا و مسئولیتی که او در برابر حوادث جامعه احساس می‌کند، ازدواج با جانباز را برمی‌گزیند. سلامتی و جوانی‌اش را نثار جانباز قطع نخاعی می‌کند و تحلیل او در انتخاب، احترام گذاشتن به روحیه و شیوه تفکر حمید است» (زواریان، ۱۳۷۰: ۵۳).

ملیحه باور دارد که «بهترین مرد کسی است که در راه مردانگی‌اش، نیمی از خود را داده است» (مخملباف، ۱۳٦۸: ۵۱).

او در قبال ایثارش علاوه بر سختی‌های زندگی مشترک باید نگاه‌های زهردار مردم و نیش و کنایه‌های آن‌ها را نیز به جان بخرد؛ مثل عکس‌العمل دوستش زمانی که از ازدواج او با یک جانباز با خبر می‌شود:

– جانبازه

– وا؟... چرا... ا... خب، خوشبخت باشید... (مخملباف، ۱۳٦۸: ۷۲).

فراست با توجه به نگاه ارزش محورش به جنگ و دفاع مقدس، همچنین به دلیل فاصله‌ای که رمانش از جنگ گرفته و حضور گسترده جانبازان در جامعه، با به‌کارگیری این بن‌مایه به‌نوعی سعی کرده از دریچه‌ای تازه به بن‌مایه زن نگاه کند. او زن را یک شخصیت فعال آرمانی و مبارز توصیف کرده است. زنانی مثل گلاب، گلی، آسیه، همسر کریم و... که در نبرد با مشکلات حاصل از جنگ لحظه‌ای از پا نمی‌نشینند و ایثار و فداکاری‌شان ستودنی است (صادقی‌نیا، ۱۳۹۷: ۱۱۸–۱۱۷).

گلاب (نامزد موسی) با این‌که در روز عقدکنان تنها مانده و حرف‌وحدیث زندگی او نقل محافل شده است، اما باز هم دست از موسی نمی‌کشد و سخت در انتظار بازگشت اوست. به اعتقاد بلقیس سلیمانی، گلاب در این رمان، شخصیتی عادی و معمولی است، اما بیش از دیگر همسران جانبازهای ادبیات جنگ، از گوشت و خون ساخته شده است؛ به عبارتی او زنی است که می‌توان گفت جسم دارد و اندکی خصلت‌های زنانه در وجود او تجسم می‌یابد، برخلاف بسیاری دیگر از داستان‌های جنگ که زنان جانبازان چهره‌ای اسطوره‌ای و اثیری دارند (سلیمانی، ۱۳۸۰: ۹۵–۹٤).

❖ گلاب پس از آمدن موسی، بارها برای دیدار با او قدم پیش می‌گذارد، اما پس از این‌که موسی از او می‌خواهد به دنبال سرنوشت دیگری برود، دچار دودلی و سرگردانی می‌شود و همین جاست که شخصیت گلاب را از آن نگاه آرمانی و ماورایی زنان جانبازان جدا می‌کند. او بدون بزرگ‌نمایی‌های معمول داستان‌های دفاع مقدس، می‌خواهد عاقلانه تصمیم بگیرد و در این راه از خواهرش گلی مشورت می‌گیرد. او دیدن زندگی جانبازان از نزدیک را چاره راه معرفی می‌کند.

گلی (خواهر گلاب) دومین شخصیتی است که با وجود آگاه بودن از وضع نامزدش رسول و شیمیایی شدنش با او ازدواج می‌کند؛ هر چند رسول ابتدا سعی دارد او را طرد کند، اما گلی دل در گرو عشق رسول دارد:

«رسول جوانمرد است. همین جوون مردیش هم دل منو کند و برد و به جای این‌که اون به خواستگاری من بیاد، من به خواستگاریش رفتم» (فراست، ۱۳۷٤: ٦۸-٦۷).

همین‌طور همسرکریم با وجود اینکه می‌داند او در جنگ نابینا شده، همچنان بر ازدواج با او پافشاری می‌کند. این را مخاطب از گفتگوی موسی و کریم در می‌یابد:

«- خب بعد از ازدواج بوده حتماً، مجبور بوده، بله را گفته و کار از کار گذشته دیگه.

- اتفاقاً نه! حتی عقد هم نبود. خواستمش و گفتم ظاهراً راه ما از هم جداشده. جوابی داد که روی ما را کم کرد.» (فراست، ۱۳۷٤: ۱۲٦).

حضور این شخصیت‌ها در داستان گلاب خانم اگرچه با نگاه ارزشی نویسنده خلق شده‌اند؛ اما بیانگر این حقیقت هستند که دخترانی ایثارگر در جامعه وجود داشته و دارند که در لحظه‌لحظه زندگی اهدافی الهی را جستجو می‌کنند و به دنبال ارزش‌ها و اعتقادات بالاتری هستند.

سوم) پدر و مادر شهید

اغلب شهدا، با رضایت پدر و مادر راهی جبهه می‌شدند. پدر و مادری که باوجود آرزوهای زیاد برای فرزندانشان، از تمام عشق و علاقه خود تنها برای رضای خداوند دست می‌کشند و جگرگوشه خود را راهی میدان جنگ می‌کنند.

عالیه و مشهدی در باغ بلور نمادی از این قشر هستند. آن‌ها دو پسر خود را به جبهه فرستاده‌اند که هر دو نیز درنهایت به شهادت می‌رسند. عالیه زنی سطحی‌نگر و عامی است. زنی سنتی که ویژگی زنان معمولی را دارد. عاشق پسرانش و نوه‌هایش است. مادری که شهادت فرزندانش غمگین می‌شود و آه و ناله می‌کند. این حالت را در قسمتی که خبر زنده‌بودن اکبر به گوشش می‌رسد، به‌خوبی می‌توان دید (مخملباف، ۱۳٦۸: ۲۷۸، ۲۵٦،۲۵۸). مادری که عشق مادرانه خود را ایثار می‌کند. مشهدی هم نمونه‌ای از پدری دلسوز و نگران فرزند است. او هم از عشق پدرانه خود می‌گذرد و هر دو پسرش را در راه ارزش‌های انقلاب و دفاع از مملکت بدرقه می‌نماید (مخملباف، ۱۳٦۸: ۲٦۷-۲۵۹).

چهارم) پدر و مادر جانباز

این قشر از جامعه با بدرقه فرزندشان عشق و وابستگی خود را ایثار نمودند و اکنون‌که چشم‌وچراغشان با شرایطی خاص به آغوششان بازگشته، ایثارگرانه از او حمایت می‌کنند و عشقی دوچندان به او می‌ورزند.

آسیه و میرزا در «گلاب خانم» پدر و مادری هستند که باوجود عشق به فرزند، او را راهی میدان نبرد کرده و مدتی در نگرانی و اضطراب بی‌خبری از فرزند به سر برده و اکنون‌که فرزندشان را در چنین شرایطی یافته‌اند؛ باید حرف‌وحدیث و نجواهای همسایه و بستگان را تحمل کند و با دیدن درد و رنج فرزند و غصه خوردن او دم برنیاورند، ...همه و همه گوشه‌ای از سختی‌ها و مرارت‌هایی است که آن‌ها به‌عنوان پدر و مادر جانباز متحمل می‌شوند و صبر بر این شرایط خود نوعی ایثار است، ایثاری ارزشمند.

آسیه، نمونه کامل مادری مهربان و احساساتی است؛ مانند تمام مادران، لکن قدرتمند و مقتدر. بزرگ‌ترین دغدغه او حفاظت از خانواده کوچکش در برابر تندبادهاست. او با دیدن موسی:

«آسیه موسی را کشید به بغل. خوب چلاندش و بوییدش و بوسیدش» (فراست، ۱۳۷٤: ۱٤۷).

او نماد مادری است که مشابه آن در جامعه و حتی در این داستان زیاد است. نویسنده در آسایشگاه مجروحان، رفتار پدر و مادر حیدر را توصیف می‌کند که برای ملاقات فرزند آمده‌اند

و آنجا از قطع شدن دست و پای فرزند باخبر می‌شوند. مادر حیدر به‌جای پا پس کشیدن و ماتم گرفتن، محکم و استوار و شکرگزار خداوند به حیدر می‌نگرد:

«مادر آستین تاخورده و خالی‌اش را دید، چنان‌که انگار خبر را می‌داند، بازوی حیدر را آرام به دست گرفت و گرم بوسید و گفت: یا قمر بنی‌هاشم» (فراست، ۱۳۷٤: ۹۹).

مادر مصطفی، در هر شرایطی با فرزندش همراه است: «مصطفی موجی شده را همراه مادرش کنار خیابان انقلاب دید. هر روز علم سبزش را بر شانه می‌گذاشت و بیرون می‌زد. مادرش دل‌نگران مصطفی چادرپیچ می‌شد و همراهش راه می‌افتاد...» (فراست، ۱۳۷٤: ۱٤۳).

این مادران درواقع پرچم‌داران فرهنگ ایثار هستند. فراست با تمام آرمان‌گرایی که دارد در لابه‌لای داستان به حقایق تلخ جامعه نیز اشاره کرده است. او به مادرانی هم اشاره می‌کند که با وجود عشق به فرزند دیگر توان نگه‌داری از آن‌ها را در خود نمی‌بینند و راهی آسایشگاه‌ها می‌شوند و از پرستاران کمک می‌طلبند.

«یه موجی را مادرش آورد دم در ولش کرد و رفت. از بس اذیت کرده بود مادره ذله شده بود...» (فراست، ۱۳۷٤: ۱٤۲).

در این قسمت داستان، مخاطب ایثار زنان را در مقابل فداکاری و جانبازی مردان به‌وضوح می‌بیند و ارزشمندی و سودمند بودن این مؤلفه را برای جامعه درمی‌یابد.

بحث و نتیجه‌گیری

ادبیات داستانی جنگ، بستری مناسب برای بازنمایی مسائل فرهنگی- اجتماعی است. ایثار، مسئله مهمی است که شاهد بازتاب آن به صورت‌های گوناگون در آثار نویسندگان دفاع مقدس هستیم. دو اثر مورد نظر این پژوهش («باغ بلور» و «گلاب خانم») با درون‌مایه‌ای کاملاً مرتبط به موضوع نوشته‌شده و در انعکاس مفهوم ایثار موفق بوده‌اند. بر خلاف رمان‌هایی که در اوایل جنگ (دهه ٦٠) با محوریت میدان‌های جنگ و شب‌های عملیات و تبلیغ ارزش‌ها و آرمان‌های مثبت جنگ نوشته شده‌اند، این دو اثر با توجه به این‌که سال‌ها پس از جنگ به نگارش درآمده‌اند؛ از درون مایه‌ای متفاوت برخوردارند. بعد از اتمام جنگ آسیب‌ها و عواقب ناشی از آن در جامعه بیشتر هویدا شد. مهم‌ترین مسئله جامعه پس از جنگ تعداد زیاد خانواده شهدا و

حضور پررنگ جانبازان در جامعه و برخوردهای متفاوت مردم با آن‌ها بود. مسئله‌ای که از نگاه نویسندگان این دوره پنهان نماند و محوریت آثار آنان را به خود اختصاص داد. نویسندگان این آثار سعی کرده‌اند مشکلات و سختی‌هایی که خانواده شهدا و جانباز با آن دست‌وپنجه نرم کرده‌اند را به تصویر بکشند؛ اما نوع نگاه و نگرش هر نویسنده سمت و سویی متفاوت در چگونگی انعکاس این مقوله داشته است.

فراست با نگاهی ارزش محور و مثبت واقعیت‌های جامعه را بیان کرده، او با زبانی نرم برخی مشکلات جانبازان و خانواده آن‌ها را به تصویر کشیده و به‌خوبی از فداکاری‌های رزمندگان و ایثار زنان در مقابل جانبازی مردان سخن گفته و به عبارتی حق مطلب را ادا کرده است. مخاطب با خواندن داستان افتخار و سرافرازی جانباز را در جامعه و خانواده احساس می‌کند و می‌بیند ناامیدی و سختی هم اگر هست باایمان و کمک و یاری هم‌رزمان و اطرافیان به امید و تلاش بدل می‌گردد؛ درنتیجه روحیه ایثار و احترام به ایثارگران در خواننده تقویت می‌شود؛ درحالی‌که نگرش انتقادی و نگاه واقع‌بینانه مخملباف به جنگ باعث شده تا بیشتر نیمه‌خالی لیوان را ببیند و تنها از زندگی تلخ، همراه با بدبختی خانواده شهدا؛ همچنین سختی‌هایی که جانبازان متحمل می‌شوند، سخن بگوید و مخاطب عادی نتواند حقیقت پشت این بدبختی‌ها را دریابد؛ یعنی همان ایثاری که باعث شد تا مردان برای دست یافتن به هدفی آرمانی (دفاع از مملکت و ناموس) از جان و خانواده خود بگذرند و به میدان بروند و جام شهادت بنوشند و زنانی که از جوانی و عشق و علاقه خود به همسر گذشتند و سختی‌ها را به دنبال هدفی ارزشمند تحمل می‌کنند و ایثار این‌گونه در جامعه تبلور می‌یابد؛ بنابراین به نظر می‌رسد دستاورد حاصل از مطالعه رمان‌های جنگ به‌ویژه این دو رمان برای مخاطب علاوه بر آشنایی با جنبه‌های ایثار در جامعه و همچنین آشنایی با مشکلات جانبازان و خانواده‌های شهدا، رسیدن به این درک است که مقوله ایثار امری حیاتی در خانواده و سپس در جامعه است و زنان نقش مهمی در شکل‌گیری و گسترش این فرهنگ دارند و درواقع پرچم‌داران این مقوله هستند؛ چراکه کانون خانواده را محکم نگه داشته و ایثارگری را کامل کرده‌اند. نکته دیگر اینکه ایثار محدودیت ندارد. به عبارتی به یک قشر یا زمان و مکانی خاص محدود نمی‌شود. هر فرد آزاده‌ای می‌تواند ایثارگر باشد. همان‌طور که در زمان جنگ شاهد ایثارگری رزمندگان با هر

❖ سن و سالی بودیم و ایثار مادران و همسران و دختران و حتی کودکانی که از هر چه داشتند می‌گذشتند؛ بنابراین هر زمان چنین روحیه‌ای (ایثارگری) و چنین مقوله‌ای (ایثار) در جامعه شکل بگیرد، آن جامعه مشکلات را آسان‌تر و سختی‌ها را راحت‌تر مردان جان خود را ایثار نموده و جانباز شده‌اند و زنان در مقابل این جانبازی با صبر و استقامت و روحیه قوی، پشت سر می‌نهد و به پیروزی دست می‌یابد.

دوره سوم، شماره ۲، (پیاپی ۶)، پاییز و زمستان ۱۴۰۱

منابع و مأخذ

*قرآن کریم (۱۳۸۶). ترجمهٔ الهی قمشه‌ای. مهدی. قم: سپهر نوین.

ابراهیمی‌منش، سیدجلیل (۱۳۸٤). **جهت‌گیری استراتژیک به مصادیق ایثار و شهادت.** خبرنامه شورای هماهنگی و نظارت بر امر توزیع فرهنگ ایثار و شهادت.

دستغیب، عبدالعلی (۱۳۸٦). **از دریچه نقد، گفتارها و جستارهای انتقادی ادبی.** به کوشش علیرضا قوجه‌زاده. تهران: خانه کتاب.

دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۹). **لغت‌نامه دهخدا.** تهران: دانشگاه تهران.

زواریان، زهرا (۱۳۷۰). **تصویر زن در ده سال داستان‌نویسی انقلاب اسلامی.** تهران: حوزه هنری.

جاوید، محمدجواد و سامان نیک‌نژاد (۱۳۹۷). **حق خوشبختی در جبران حقوق طبیعی جانبازان و ایثارگران.** فصلنامه مطالعات حقوق عمومی. شماره ۱: ٦٤-٤٥.

جانعلی‌زاده‌چوب‌بستی، حیدر (۱۳۸۸). «چالش‌های ترویج فرهنگ ایثار و شهادت در جامعه». **فصلنامه علمی مطالعات فرهنگی و ارتباطات.** شماره ١٤: ١٢٦-١١١.

حق‌شناس، علی‌محمد و پگاه خدیش (۱۳۸۷). «یافته‌های نو در ریخت‌شناسی افسانه‌های جادویی ایران». **فصلنامه علمی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران.** شماره ۲: ٤٠-٢٧.

حنیف، محمد (۱۳۷۸). «ده سال رمان و داستان بلند جنگ». **ادبیات داستانی.** شماره ٥١: ١١٣-٨٤.

سعیدی، مهدی و مهتاب استادی (۱۳۹۵). **تحلیل توصیفی و انتقادی ادبیات داستانی جنگ در ایران.** تاریخ و ادبیات پارسی. کنفرانس بین‌المللی شرق‌شناسی.

سلیمانی، بلقیس (۱۳۸۰). **تفنگ و ترازو (نقد و تحلیل رمان‌های جنگ).** تهران: نشر روزگار.

سنگری، محمدرضا (۱۳۸۹). **ادبیات دفاع مقدس (مباحث نظری و شناخت اجمالی گونه‌های ادبی).** تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.

شریعتی مزینانی، سعید و سیمین فروغ‌زاده (۱۳۹۸). «چالش‌های اجتماعی و مشکلات زندگی جانبازان (مطالعه موردی: جانبازان زیر ۲۵ درصد در استان خراسان رضوی)». **فصلنامه توسعه اجتماعی.** شماره ۱: ١٢٦-٩٥.

❖ شیخ‌الاسلام، علی (۱۳۷۹). **راه و رسم منزل** (شرح کتاب منازل‌السائرین خواجه عبدالله انصاری). تهران: نشر آیه.

صابرپور، زینب (۱۳۹٤). «پیوندهای گفتمانی و تصویر زنان در باغ بلور»، **مجله ادبیات پارسی معاصر**، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. شماره ۱: ٦۲-٤۳.

صادقی‌نیا، زهرا (۱۳۹۷). «بررسی و تحلیل بن‌مایه‌های پایداری و ارتباط آن‌ها با عناصر داستان در رمان گلاب خانم». **فصلنامه پژوهش‌های ادبی**. شماره ٦۱:۱۳۱-۱۰۷.

فراست، قاسمعلی (۱۳۷٤). **گلاب خانم**. تهران: انتشارات قدیانی.

عزیزی، بیتا؛ ثریا قطبی، حسن نجفی و اکبر رهنما (۱۳۹٦). «واکاوی مؤلفه‌های ایثار با رویکردی به قرآن و حدیث». **پاسداری فرهنگی انقلاب اسلامی**. شماره ۱۵: ۵۳-۲۹.

علی‌پور، پوران (۱۳۹۷). «نقدی ساختارگرایانه در تقابل‌های معنایی گلاب خانم». **نشریه ادبیات پایداری**. شماره ۱۷: ۲۲۷- ۲۵۲.

غفاری هشجین، زاهد؛ عباس کشاورز شکری و موسی افضلیان سلامی (۱۳۸۹). «مؤلفه‌های اساسی گفتمان ایثار و شهادت در انقلاب اسلامی». **مطالعات انقلاب اسلامی**. شماره ۲۳: ۱۹۰-۱٦۵.

ماندنی، بتول و احمد فخری (۱۳۹۱). «بررسی کیفیت زندگی مرتبط با سلامت در جانبازان مبتلا به اختلال استرس پس از سانحه». **مجله علمی پژوهشی طب جانباز**. شماره ۱۸: ۲۵-۱۸.

مخملباف، محسن (۱۳٦۸). **باغ بلور**. تهران: نشر نی.

میرعابدینی، حسن (۱۳۷۷). **صد سال داستان‌نویسی در ایران**. (دوره چهار جلدی). تهران: چشمه.

نراقی، ملامهدی (بی‌تا). **جامع السعادات**. تعلیق و تصحیح سیدمحمد کلانتر. جلد ۲. بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.

دو فصلنامه شاهد اندیشه / دوره سوم/ شماره ۲ / پیاپی ٦/ پاییز و زمستان ۱٤۰۱/ ۱۳۰-۱۰۹
Two Journal Of Shahede Andisheh Autumn & Winter 2022: 109-130

تحلیل حفظ دستاوردهای فرهنگی، معنوی دفاع مقدس و تأثیرات جنگ نرم بر ساختار آن*

قدسیه شهداد[۱]، مصطفی محمودی صاحبی[۲]

چکیده

ارزش‌های حاکم در هر جامعه‌ای متأثر از باورهای دینی، اسطوره‌ای، فرهنگی و ملی آن است، دوران دفاع مقدس متأثر از آموزه‌های دینی به‌ویژه قرآن شکل یافته بود، فرهنگ دینی و شهادت‌طلبی به‌عنوان هدف مشترک عموم مردم و عامل پیروزی در جنگ تحمیلی شد، اعتماد راسخ به باورهای دینی، از مهم‌ترین عوامل مؤثر در سلامت روان و عزت‌نفس افراد بوده است، اساس جنگ نرم و هجمه‌های فرهنگی عامل تضعیف ارزش‌ها و باورهای دینی است به‌علاوه اهداف اصلی این طرح تخلیه فرهنگی و از بین بردن آداب اسلامی و سنن جامعه است و مهم‌ترین هجمه در بُعد فرهنگی و سیاسی رخ می‌دهد، برای دستیابی و تسلط کامل، از طریق مخاطب شناسی، با روش علمی و روانی به انجام می‌رسد و بدون مقاومت و حساسیت این تغییرات محقق می‌گردد، ضرورت حفظ ارزش‌های معنوی و فرهنگی دفاع مقدس و مقابله با تهاجم فرهنگی ایجاب می‌نماید تا برنامه‌های مُدوّن و منظمی طراحی و اجرا گردد. لذا ترویج فضائل اخلاقی و گسترش فرهنگ معنوی دفاع مقدس در راستای اهداف و منافع کشور ضروری است، هویت بخشی و عزت‌نفس از مهم‌ترین این برنامه‌ها بوده تا جوانان جایگاه و موقعیت خود را در جامعه دریابند و در امور جاری کشور مشارکت داشته باشند، نسل جوان سرمایه و نیروی فعال کشور است با پر نمودن خلأهای موجود، بها دادن به قشر جوان و ایجاد انگیزه به آنان مانع هرگونه نفوذ و مداخله بیگانگان در کشور می‌گردد.

واژگان کلیدی

دفاع مقدس، تهاجم فرهنگی، جنگ نرم.

تاریخ دریافت: ۱٤۰۱/۰۸/۰۲ تاریخ پذیرش: ۱٤۰۱/۰۸/۲٦

* این مقاله مستخرج از پایان نامه با عنوان «شاخصه‌های اخلاق مداری در آیات و روایات و مصادیق آن در دفاع مقدس» است که توسط نویسنده اول و با راهنمایی نویسنده دوم در دانشگاه علوم قرآنی زاهدان نگاشته شده است.

۱. کارشناسی ارشد علوم قرآن دانشگاه علوم قرآنی زاهدان (نویسنده مسئول). shahdad46@gmail.com

۲. استادیار دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه سیستان و بلوچستان. Mahmoodi@theo.usb.ac.ir

مقدمه

ارزش‌های حاکم در جامعه متأثر از باورهای دینی است، در طول هشت سال دفاع مقدس، سربازان غیور ایران با روحیه شهادت‌طلبی و عزت‌نفس بر دشمن غلبه نمودند و ثابت کردند که؛ صرفاً با تجهیزات و ابزار جنگی پیروزی حاصل نمی‌گردد، رزمندگان اسلام در جنگ تحمیلی این امر را ثابت نمودند. آمریکا و حامیان دولت بعث که در این جنگ شکست را متحمل شدند و همچنین مهم‌ترین پایگاه در خاورمیانه را ازدست‌داده بودند، طرحی نو و بدون درگیری را تدارک دیدند با استفاده از جامعه‌شناسان و متخصصان مطرح خود، به بررسی و بازنگری اتفاقان جنگ ایران و عراق برآمدند و به این نتیجه رسیدند که کلید موفقیت و پیروزی مردم ایران، روحیه بالای خداباوری و فرهنگ شهادت‌طلبی بوده، بنابراین تمام برنامه‌ها را روی این نقطه مهم و کلیدی متمرکز نمودند تا بدین‌ترتیب در ابتدا انحرافات عقیدتی و فساد اخلاقی را در جامعه ترویج و گسترش دهند، همچنین جوانان فعال و آینده‌ساز را به نیروهای بی‌تفاوت و منفعل تبدیل نمایند تا مقدمات نفوذ و سلطه آنان مهیا گردد، ضرورت و حفظ ارزش‌های فرهنگی و معنوی دفاع مقدس بسیار حائز اهمیت بوده؛ زیرا برخاسته از ارزش‌های متعالی دین اسلام و فرهنگ جامعه است.

۱. نیاز اصلی جامعه امروز به‌ویژه نسل جوان از طریق تشریح و تبیین، ارزش‌های اخلاقی و معنوی دفاع مقدس.
۲. انتقال این ارزش‌ها و سرمایه‌های معنوی به نسل‌های آینده، سبب جلوگیری از نفوذ بیگانگان در باورها و اعتقادات جامعه می‌گردد که جنگ نرم و تهاجم فرهنگی یکی از مهم‌ترین اهداف آنان است.

لذا، عدم توجه به این امر، گرایش جوانان به الگوها و ضد ارزش‌های غربی را در پی خواهد داشت، خلأها و فضاهای خالی سبب می‌گردد تا تخلیه فرهنگی انجام پذیرد.

پیشینه پژوهش

با توجه به اهمیت موضوع ارزش‌های اعتقادی و انتقال آن به نسل‌های آینده، برخی از پژوهشگران از زوایای مختلف به این موضوع پرداختند اما این پژوهش‌ها کافی نیست، تحقیق و بررسی‌های بیشتری را می‌طلبد به‌ویژه در مورد ارگان‌ها و مراکزی که تعلیم و تربیت کودکان و نوجوانان را بر عهده دارند، خصوصاً اولین جایگاه، کانون محبت، اصلی و مهم آن مادران هستند که نقش اساسی در تعلیم و رشد معنوی فرزندان خود ایفا می‌نمایند؛ لذا با بسترسازی و برجسته نمودن، جایگاه و مقام زن، معرفی الگوهای دینی و ملی به این امر پرداخته شود و سپس تقویت باورهای دینی و هویت بخشی جوانان توسط سازمان‌های رسمی که در امر آموزش‌وپرورش دخیل هستند.

پژوهش‌های انجام‌شده، در مورد اعتقادات دینی و دفاع مقدس به شرح ذیل است:

۱. دستاوردهای فرهنگی دفاع مقدس، محمدمهدی بهداروند، با موضوع بررسی فضای فرهنگی ایجادشده در ابعاد مختلف و ترویج فرهنگ شهادت‌طلبی و باورهای دینی و توجه به آفت‌های تهدیدکننده ارزیابی شده است و مؤلفه‌های اساسی که در پیامها وسخنرانی‌های امام خمینی می‌یابیم فرهنگی که به تعبیر ایشان ریشه‌های انقلاب اسلامی. فتح فلسطین در آینده و شکسته شدن ابهت ابرقدرت‌ها دران نهفته بود به همین منظور باید امروز دوباره این پیام‌ها مورد بازنگری قرار گیرد که اهداف انقلاب و اعتقادات دینی بارور گردند و آفت‌ها شناسایی شوند؛

۲. علی تقی‌زاده اکبری، کتاب عوامل فرهنگی دفاع مقدس در دو جلد، با تأکید بر وحدت مردمی، حضور روحانیت، تبلیغات، هنر و ادبیات می‌پردازد، بررسی و تحلیل عوامل معنوی دفاع مقدس در حوزه ارزش‌ها و فضایل موضوع، این نوشتار است در ابتدا ارزش‌های اخلاقی تبیین و در ادامه به معرفی فرهنگ شهادت‌طلبی به‌عنوان ارزش‌های برتر اسلامی در سیره شهیدان و رزمندگان دفاع مقدس می‌پردازد؛

۳. حسین متفکر، کتاب جنگ روانی، به بررسی اهداف، ابزار، شیوه و نقش جنگ روانی در عملیات‌های نظامی و ضرورت مقابله با آن را تأکید نموده و همچنین اهمیت جنگ روانی

که امروزه بخش مهمی از فعالیت‌های سیاسی، نظامی، اقتصادی، اجتماعی و تبلیغاتی کشورهای استعماری و استکباری را تشکیل می‌دهد، که درصدد براندازی و تضعیف نظام جمهوری اسلامی هستند، نویسنده ضرورت و اهمیت مقابله با آن را در رأس امور معرفی می‌نماید؛

٤. اسماعیل منصوری لاریجانی، آشنایی با تاریخ دفاع مقدس، نویسنده در ابن کتاب به پیامدهای دفاع مقدس و نقش فرهنگ ایثار و شهادت‌طلبی در کسب پیروزی‌ها پرداخته است.

٥. خطیبی کوشکک، محمد، راهکارهای حفظ و نشر ارزش‌های دفاع مقدس، با اشاره به موضوع حفظ روحیات معنوی دفاع مقدس، ترویج و تقویت اعتقادات، رشد ایمان و معنویت را اساس تربیت معرفی می‌کند؛

٦. حسین‌علی قلی‌پور، به معرفی ساختارهای، ارزش‌های فرهنگ عاشورایی، رهبری، وحدت به‌عنوان عوامل معنوی و فرهنگی دفاع مقدس و باورهای دینی پرداخته است.

روش پژوهش

گردآوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای با استفاده از فیش‌برداری و نرم‌افزارهای مرتبط با دفاع مقدس صورت گرفته است، نوشتار پیش رو با روش توصیفی ـ تحلیلی به بررسی ارزش‌های فرهنگی و معنوی دفاع مقدس، ضرورت حفظ آن و مقابله با جنگ نرم پرداخته است

یافته‌های پژوهش

جنبه جدید نوآوری پژوهش، با توجه به معرفی چالش‌ها و راهکارها در این پژوهش، موارد مهم و اساسی بررسی گردید:

۱. برقراری ارتباط و تربیت دینی صحیح در ابعاد فرهنگ دینی و ملی؛

۲. هویت بخشی و برجسته‌سازی نقش زنان جامعه برای دستیابی به اهداف موردنظر؛

۳. شخصیت‌پردازی و ایجاد خودباوری و اعتمادبه‌نفس به فرزندان برای حفظ ارزش‌های فرهنگی و معنوی دفاع مقدس و عدم نفوذ بیگانه در روح و ذهن سرمایه‌های ملی کشور.

با توجه به تحقیقات انجام‌شده، در این زمینه به شکل پیوسته و غنی پژوهش ارائه نگردیده است لذا پژوهش حاضر در این بُعد جنبه نوآوری دارد.

دفاع مقدس

دفاع؛ در هشت سوره قرآن کریم، آمده است و مشتقات، دَفَعَ، دَفَعتُم، ادفَع، یُدافع، دافع؛ که دلالت بر مفهوم، انواع، اهمیت، ارزش و مبانی نظری دفاع دارد؛ و در لغت عربی از ریشه «دَفَع» است، این لفظ در ماده اصلی آن، به معنای دور نمودن چیزی است. اگر دفع با کلمه «الی» متعدی شود به معنای رساندن و پرداختن و اگر با کلمه «عن» متعدی شود به معنای حمایت است. (راغب اصفهانی، ۱۳۹۳: ۳۱٦).

دفاع در اصطلاح

در اصطلاح فقه برای جلوگیری از خطر تجاوز و توطئه‌های دشمنان و متجاوزان تشریح شده و در عرصه‌های گوناگون، نظامی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و حتی در امور شخصی با احکام ویژه خود انجام می‌پذیرد (یوسفیان، ۱۳۸۲: ۱۲).

بنابراین نتیجه می‌گیریم که قیام کردن علیه تعدی و تجاوز دشمنان و دفاع از سرزمین، ناموس و اعتقادات هنگامی که مسلمانان موردتهاجم قرار بگیرند و با ظالمان و مستکبرین مقابله کنند، این دفاع مقدس است.

ارزش‌های اخلاقی و معنوی دفاع مقدس

ارزش‌های حاکم در هر جامعه‌ای متأثر از اعتقادات، اسطوره‌ای، فرهنگی و... است، دین اسلام برای مسیر رشد و کمال انسان، ارزش‌های متعالی را معرفی نموده است، ازجمله؛ حفظ فطرت انسانی که در قرآن و آموزه‌های دینی بر آن تأکید گردیده است، دوران هشت سال دفاع مقدس متأثر از این آموزه‌های دینی به‌ویژه قرآن شکل گرفت، در دین اسلام دفاع از اعتقادات، ناموس و سرزمین واجب است، بر همین اساس جوانان، با عزمی راسخ با دشمن مقابله کردند، در طول جنگ رزمندگان و اقشار مختلف جامعه در معنویات به چنان بالندگی دست یافته بودند که سالیان متمادی رسیدن به آن مسیر نبود؛ بطوریکه مردان برای جنگ با اشتیاق عازم جبهه‌ها

می‌شدند و کسانی هم که در پشت جبهه بودند، با حمایت‌های مادی و معنوی رزمندگان در پیشبرد اهداف جنگ مشارکت داشتند، آنچه مسلّم است حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس، عاملی در پیوند نسل گذشته و امروز است. از ویژگی‌های حماسه دفاع مقدس، غلبه بر دشمن وحدت و یکپارچگی مردم بود، همان عاملی که منجر به پیروزی انقلاب اسلامی شد، وحدت طبقات مختلف در هر جامعه، سد محکم و نفوذناپذیری در برابر آسیب‌ها است (تقی‌زاده اکبری و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۸۵-۱۸۳). در جنگ تحمیلی آنچه به‌عنوان فرهنگ عمومی و هدف مشترک قرار داشت، دفاع از کشور، تعقیب و تنبیه دشمن متجاوز بود، زمانی که امام راحل (ره) فرمود؛ «جنگ در رأس امور است» اَقشار جامعه جنگ را در اولویت قرار دادند، منافع مادی و شخصی را رها نمودند، فرهنگ جهاد و مبارزه به اوج خود رسیده بود، دست یافتن به خواسته‌ها و موفقیت با حوادث دفاع مقدس پیوند داشت (بهداروند، ۱۳۹۰: ۲۲۹). یکی از ثمرات دفاع مقدس که بسیار مشهود و قابل‌تأمل بود و دگرگونی در باورهای قشر جوان را همراه داشت، خودسازی معنوی، تهذیب نفس، از بارزترین دستاوردهای دفاع مقدس بود، به‌طوری که حضور جوانان عارف و مُخلص که در میدان شهادت از یکدیگر سبقت می‌گرفتند، دلیل بر این مدعا است (جمالی، ۱۳۹٤: ۱۰۱-٦٤). رشد غیرقابل وصف فضائل اخلاقی، در بین افراد مختلف سنی، قابل‌ستایش بود، اشخاص جزو هر مسلک و عقیده‌ای بودند مسیر و هدفشان واحد بود، جامعه عاری از هر حزب، گروه و فرقه، فقط به یک مسئله می‌اندیشیدند و آن جنگ و بیرون راندن دشمن متجاوز بود و در این راه از جان و اموال خود، دریغ نمی‌کردند.

۱. فرهنگ شهادت‌طلبی

فرهنگ، مجموعه‌ای از باورها، آرمان‌ها، ارزش‌ها، نمادها و... که حاصل دستاوردهای نسل‌ها، از یک ملت یا دولت، کشور و سرزمین است (احمدی، ۱۳۸۳: ٤۷).

ملت ایران در طول هشت سال دفاع مقدس، به دلیل برخورداری از باورهای دینی، فرهنگ مقاومت و ایثار و همچنین اتحاد و هم‌بستگی، توانست حماسه‌ای را ایجاد کند که دشمن و هم‌پیمانان او را در این جنگ مغلوب نماید و همه طرح‌ها و اهداف آنان را نابود سازد.

عامل پیروزی در جنگ تحمیلی، اعتقاد راسخ به باورهای دینی که با روح همه رزمندگان عجین شده بود و همچنین الگو گرفتن از قیام سیدالشهداء، سبب گردید که رزمندگان از روحیه بالایی برخوردار شوند، با شجاعت و فداکاری با دشمن نبرد کنند، این انگیزه علاوه بر ایستادگی و مقاومت رزمندگان سبب تخریب روحیه دشمن نیز می‌گردید (سالاری، ۱۳۹۶: ۱۱۱).

۲. باورهای دینی و رشد فضائل اخلاقی

همچنین مهم‌ترین و اساسی‌ترین عوامل معنوی و فرهنگی، ایمان قوی نیروهای نظامی، در دوران دفاع مقدس بود علاوه بر آن پایبندی به ارزش‌های اخلاقی که ریشه در باورها و اعتقادات آنان داشت، زیرا داوطلبانه عازم جبهه‌ها می‌شدند و این عوامل بر پایداری و صبوری آنان، در مقابل سختی‌های جنگ می‌افزود، بدون هراسی بر دشمن یورش می‌بردند (سالاری، ۱۳۹۶: ۷۰).

۳. فرهنگ عزت‌نفس و خودباوری

از برکات مهم دفاع مقدس، تقویت اعتمادبه‌نفس، خودباوری، به‌ویژه در بین جوانان کشور در تمام ابعاد به مرحله ظهور رسید، در عملیات مختلف ابتکار و نوآوری رزمندگان در ساختن پل‌های شناور، همچنین تغییر کاربری بخش‌هایی از هواپیماهای جنگی توسط سرلشگر بابایی، همه از عزت‌نفس و خودباوری آنان سرچشمه می‌گرفت.

راغب اصفهانی می‌گوید؛ عزت همواره باصلابت و شکست‌ناپذیری متقارن است، حالتی که به انسان استواری و محکمی می‌بخشد تا مغلوب هیچ‌چیز و هیچ‌کس نگردد. (راغب اصفهانی، ۱۳۶۳: ۳۳۳).

از مهم‌ترین عوامل مؤثر سلامت روان، عزت‌نفس است، این امر هموار کننده مسیر زندگی در سختی‌ها و مصائب است، همچنین یکی از پیامدهای عزت‌نفس، آرامش روان و خودکنترلی را در انسان افزایش می‌دهد، بدین‌معنا که؛ هنگام مواجه با دشواری‌ها عاقلانه رفتار نموده،

❖ نه‌تنها تسلیم شرایط سخت و ناگوار نمی‌شود، بلکه از شرایط موجود نهایت بهره‌برداری را می‌نماید. (میرشاه جعفری و همکاران، ۱۳۸۷: ۲۱۱).

این از الطاف و عنایات خداوند سبحان بود که؛ جوانان غیور، با عزت‌نفس و خودباوری به میدان جنگ می‌شتافتند؛ و هیچ هراسی از دشمن به دل راه نمی‌دادند و چون سرچشمه عزت خداوند است بنابراین به هرمس که بخواهد عزت می‌بخشد و غیر آن همه ذلت محض است. «...وَلِلّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ...»(منافقون/۸).

٤. خداباوری و پایبندی به اصول و فروع دین

آنچه رزمندگان دفاع مقدس را از سربازان دشمن متمایز می‌نمود؛ خداباوردی و پایبند بودن به اصول و فروع دین بوده است، آنان خود را در جبههٔ حق می‌دیدند و مبارزه یا دشمن متجاوز را جهاد، در راه خدا می‌دانستند و با این تفکر با دشمن نبرد می‌کردند (مظفری، ۱۳۸۸: ٦۷). همان باوری که مسلمانان در صدر اسلام با فقدان امکانات نظامی و کمترین ابزار جنگی، با دشمن می‌جنگیدند و به خداوند اعتماد داشتند که آن‌ها را یاری می‌نماید، از این وجهۀ مشترک جوانان ما نیز برخوردار بودند لذا این عامل، بالا رفتن عزت‌نفس و خودباوری رزمندگان، سبب غلبه بر دشمن گردید.

در جنگ تحمیلی رزمندگان اسلام این جوانان برومند با تمام قوا، در مقابل دشمن ایستادند، به‌ویژه جوانان داوطلب بسیجی عاشقانه در کنار نیروهای مسلح، حضور یافتند و تمام اهداف و برنامه‌های پیش‌بینی‌شدهٔ آنان را به هم‌ریخت، به‌علاوه این فضیلت اخلاقی عامل شکوفایی استعدادهای جوانان، درزمینهٔ جنگ، اقتصاد، فرهنگ و...گردید (امیری خراسانی، ۱۳۸۷: ۱۸۱). فرهنگ و ارزش‌های دفاع مقدس در شرایطی کاملاً ویژه و استثنایی باتوجه به رهنمودهای امام خمینی (ره) در جامعه شکل گرفت که ترویج و رشد فضائل اخلاقی در بین نوجوانان و جوانان را در پی داشت، فضای معنوی و الهی بر مناطق عملیاتی حاکم بود، به‌طوری‌که این مکان‌ها به دانشگاه‌های بزرگ فرهنگی و اخلاقی تبدیل گردید، جوانان مجذوب فضای حاکم در جبهه‌ها می‌شدند و این اَوامر سبب گردید که؛ شخصیت بسیاری از آن‌ها در این مکان شکل بگیرد (عسکری، ۱۳۹۰: ۲). سرانجام پس از هشت سال جنگ و

مقابله با دشمن و به همت رزمندگان در جبهه و حمایت‌های بی‌دریغ تمامی اقشار جامعه، در این جنگِ، نابرابر پیروز شدیم، فرهنگ ایثار و شهادت‌طلبی که برگرفته از فضائل اخلاقی در قرآن و آموزه‌های دینی بود، سبب شد مردم ما با کمترین امکانات ولی با ایمان راسخ، خودباوری و اعتمادبه‌نفس به جنگ قیام و دشمن شکست سختی را متحمل گردید و این برای حامیان دولت بعثی و ابرقدرت‌ها غیرقابل درک و هضم بود زیرا در طی این مدت شهرها و اماکن عمومی بمباران نمودند، همچنین در جبهه‌ها نیز از هیچ‌چیز دریغ نکردند، انواع بمب‌های شیمیایی، میکروبی و... استفاده نمودند، ولی یا این همه تهدید و فشار نتوانستند بر نیروی ایمان مردم خدشه وارد و آنان را از صحنه خارج نمایند، اکنون سال‌ها از این ماجرا می‌گذرد، دولت آمریکا با توجه به اینکه کلیه منافع و منابع خود را در ایران ازدست‌داده است و از طریق جنگ تحمیلی هم نتوانست به اهداف خود دست یابد، طرح‌ها و برنامه‌های جدیدی را برای این منظور تدارک دیدند:

۱. طی تحقیقات و بررسی‌های گسترده به این نتیجه رسیدند که؛ محکم‌ترین و مؤثرترین عامل که باعث پیروزی مردم ایران گردید که بر تمام ادوات جنگی و نیروهای فیزیکی غلبه می‌نماید، باورهای دینی و فرهنگ شهادت‌طلبی و... است، ۲؛ بنابراین جنگ نرم را برگزیدند تا بدون هیاهو، آرام، مستمر و بدون تحریک و سیاست، اهداف خود را به اجرا بگذارند و این فرهنگ را تخریب نمایند.

جنگ نرم و تضعیف ارزش‌ها و باورها

جنگ نرم هرگونه اقدام نرم روانی، تبلیغات رسانه‌ای که جامعه هدف را نشانه گرفت و بدون درگیری و استفاده از زور و اجبار است (قربانی، ۱۳۸۷).

امروز سرمایه اجتماعی، نقش بسیار مهم‌تر از نوع فیزیکی و انسانی در زمینه حکومتی، سیاسی و افزایش قدرت نرم ایفا می‌کند، بدون این سرمایه، پیمودن مسیر توسعه و تکامل فرهنگی و... دشوار است، به همین دلیل طراحان جنگ نرم می‌کوشند، این سرمایه‌های اجتماعی جامعه هدف را، به طرق مختلف کاهش دهند، به عبارتی؛ پیوند اجتماعی، بین فردی، تعاملات اشخاص با نهادها و سازمان‌ها و گروه‌های اجتماعی را هدف قرار دادند (عبدالله

❖ خانی، موسوی، ۱۳۸٦: ۲۱۲). جنگ نرم اقدامات روانی و تبلیغاتی رسانه‌ای که بدون درگیری نظامی، برای کنترل افکار مردم و تغییر اندیشه و تفکر، جامعه هدف را متزلزل و بی‌ثبات می‌کند، تهدیدات فرهنگی، خطرناک‌ترین نوع جنگ نرم است، برای دستیابی به منافع خود و تأثیرگذاری بر ایمان و اعتقادات مخاطبان است (ماه‌پیشانیان، ۱۳۹۰: ٤۷). عدم دستیابی به اهداف موردنظر از طریق جنگ سخت و حضور مستقیم؛ جنگ نرم بهترین گزینه و امن‌ترین گزینه است:

۱. با حضور نامحسوس در جامعه هدف؛

۲. از روش علمی مخاطب شناسی و روانشناسی وارد عمل می‌شود؛

۳. بدون سروصدا و عدم متحمل شدن خسارات جانی و مالی؛

٤. به‌وسیله خود، افراد جامعه هدف، آن‌ها را تضعیف می‌نماید و همچنین گروه مخاطب را علیه جامعه هدف تحریک می‌کند؛

۵. ضد ارزش‌ها را زیبا و مشروع جلوه می‌دهد؛

٦. فرهنگ و اهداف موردنظر خود را به جامعه هدف القا می‌کند.

شایان‌ذکر است؛ جنگ نرم و روانی از همان صدر اسلام وجود داشته و از عوامل اصلی برخورد با مسلمانان بوده است.

مصادیق و شیوه‌های جنگ نرم

جنگ‌های روانی که در قرآن مطرح گردیده است، به دودسته تقسیم می‌شود، دشمنان صدر اسلام چون توانایی استدلال در مقابل پیامبر (ص) را نداشتند، با ایجاد هیاهو، ناسزاگویی و تمسخر به مقابله و رویارویی با آن حضرت برمی‌خواستند و استفاده از داستان‌ها و اساطیر، بهره‌برداری از اختلافات مسلمانان، ترور شخصیت پیامبر و مؤمنان، همچنین ایجاد رعب، وحشت و تزلزل در اراده مسلمانان، جزو اهداف اصلی دشمن بود (متفکر، ۱۳۸۱: ۵۷ ـ ۵۲).

روش دوم جنگ روانی در صدر اسلام

تحریم اقتصادی مسلمانان و پیامبر (ص) به‌عنوان یکی از شیوه‌های جنگ روانی و اَهرم فشار علیه پیامبر (ص) و بهره‌برداری از حوادث در چارچوب منافع خود، همچنین دعایه، به‌اصطلاح

امروزی نوعی تبلیغات به شیوه تحریک احساسات و جهت دادن روحیات، القاء از طریق الفاظ یا ابزار دیگر و به‌کارگیری کلمات راست و دروغ و شایعات، حتی از شیوه‌ها و ابزارهای خلاف واقع است، همچنین ارتباط تنگاتنگ بین دعایه و جنگ روانی وجود دارد. (متفکر، ۱۳۸۱: ۷۲-٦۵).

۱. نکته قابل‌تأمل در جنگ نرم، از صدر اسلام تاکنون وجه اشتراک آن‌ها است، تفاوت در نوع انتقال آن است که؛ در عصر حاضر با توجه به پیشرفت صنعت و فنّاوری، این امور با ابزار جدید و سریع‌تر به مرحله ظهور می‌رسد.

۲. فشارها و تهدیدات سیاسی و اقتصادی دشمن برای دستیابی به اهداف موردنظر هر روز افزایش می‌یابد.

هدف قرار دادن هویت

در جنگ نرم، نوعی ازخودبیگانگی را برای افراد، به‌ویژه جوانان و زنان جامعه هدف به وجود می‌آورند، تهی نمودن فرد از خودِ واقعی‌اش، ایجاد احساس ناتوانی، به عبارتی کاهش توان بصیرت و بینش است، همچنین به اِنزوا کشیدن روشنفکران جامعه هدف، تحت تأثیر القائات غربی برای تضعیف دین، به‌طور کلی تمام اَقشار جامعه را نشانه می‌گیرند و در چنین حالتی فرد با شرایط آرمانی یک جامعه سالم بیگانه شده و به مُدگرایی، ستیزه گرایی، بی‌اخلاقی، مصرف‌گرایی و بی‌مسئولیتی سوق پیدا می‌کند. (ماه پیشانیان و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۱ ـ ۳۰).

بنابراین بر اساس این برنامه اقدامات لازم را به مرحله اجرا می‌گذارند:

۱. دشمن به‌طور مستقیم وارد جنگ سخت نمی‌شود، بلکه با جنگ نرم به جامعه هدف یورش می‌برد؛

۲. با کمترین هزینه و بدون تلفات جانی، اهداف خود را اجرا می‌نماید؛

۳. با استفاده از گرایش و علائق مخاطب خود، اهداف خود را عملی می‌سازد؛

٤. ضعف‌ها و خلأهای موجود را، با طرح و برنامه دقیق فضاسازی و پر می‌نماید؛

۵. ارزش‌ها و الگوهای موردنظر خود را به جامعه هدف القاء می‌کند.

❖ ابعاد جنگ نرم

تهاجم فرهنگی؛ نفوذ، تحمیل و یا تأخیر رفتارها و الگوها، به عبارتی ارزش‌های فرهنگی مضر بر فرهنگ دیگر است، با هدف جایگزین نمودن، تغییر و تضعیف فرهنگ ملی جامعه موردنظر است، هدف قرار دادن، آداب، سنن و باورهای جامعه موردنظر برای دستیابی به اهداف و منافع تعیین‌شده باشد.

جنگ نرم در عرصه سیاست

جنگ نرم در حوزه سیاسی، ایجاد بی‌ثباتی و القاء به عدم برنامه‌ریزی دولت برلی رفع مشکلات جامعه و به چالش کشیدن حاکمیت است.

مهم‌ترین اهداف سیاسی در جنگ نرم، عدم کارآیی حکومت دینی، ولایت‌فقیه، ایجاد بدبینی و گسترش جدایی دین از سیاست است همچنین پررنگ جلوه دادن ضعف‌ها و بی‌ارزش بودن خدمات دولت از اصول جنگ نرم در بُعد سیاسی است، از سوی دیگر تشدید اختلافات داخلی به‌ویژه اقوام مختلف را در برنامه‌های اجرایی خود به نمایش می‌گذارند و نخبه سازی مصنوعی به‌منظور پیش برد اهداف سیاسی شکل می‌گیرد (اسکندری، ۱۳۹۰: ۱۱۱۰). جذب دانشجویان و متخصصین ایرانی، در آمریکا و اروپای غربی یکی از مهم‌ترین اهداف جنگ نرم در بُعد سیاسی است، همچنین حمایت و اعطای بورس علمی فرهنگی به ایرانیان می‌تواند به‌عنوان تقویت‌کننده برنامه‌ها و فشار برون‌مرزی آمریکا به ایران قرار گیرد، در حال حاضر پیشرفت فناوری‌های برتر یکی از موفقیت‌های جنگ نرم بوده، سرعت رشد و گسترش این تاکتیک‌ها از طریق شبکه‌های ماهواره‌ای، فضای مجازی، شبکه‌های اجتماعی و تولید نرم‌افزارها مورد بهره‌برداری دشمن است. (سراج، اخوان، ۱۳۹۲: ۱۸).

جنگ نرم، تخریب باورهای دینی و هویت ملی

در جنگ نرم هدف عادی‌سازی مفاهیم غیردینی و ترویج فساد و ایجاد بی‌اعتنایی بین مردم و هدف اصلی عدم قبول ولایت‌فقیه از اهداف اصلی آنان است و متأسفانه در این شبکه‌ها، ترویج سبک زندگی غربی، مدگرایی، همه اینها در تعاملات و ارتباطات فردی، خانوادگی، اجتماعی و اعتقادات نقش بسزایی ایفا می‌کند و نسلی بیگانه با ملیت، فرهنگ و دین پرورش

می‌یابد (سراج، اخوان، ۱۳۹۲: ۲۷)؛ بنابراین تلاش در جلب اعتماد مردم از طریق نفوذ فکری، روحی و معنوی در جامعه هدف است، درنتیجه تضعیف قدرت نظام و عدم ثبات در جامعه مدنی است، همچنین تأثیرات برنامه‌های ماهواره‌ای بر روی جوانان عامل روی‌گردانی از احکام الهی و ترک واجبات، تغییرات بارز در نوع پوشش، افزایش و استفاده از مشروبات الکلی و درنهایت، تخریب فرهنگ ملی و بومی را در پی دارد (گودرزی و همکاران، ۱۳۹۲: ۳۷). به‌طورکلی اهداف جنگ نرم در بعد سیاسی عبارت‌اند از؛

۱. جلب اعتماد مردم و مشروع جلوه دادن ضد ارزش‌ها؛

۲. شناسایی مخاطب، تحریک احساسات و علائق آن‌ها در جهت اهداف تعیین‌شده؛

۳. مهم‌ترین و اساسی‌ترین هدف، از بین بردن انگیزه، منفعل نمودن قشر جوان و آینده‌سازان؛

٤. القاء ضد ارزش‌ها و فرهنگ غربی به‌عنوان، فرهنگ و ارزش‌های مُدرن و موجه؛

۵. جذب نخبگان و جوانان بااستعداد و حمایت از آنان به‌عنوان ابزار جنگ نرم و استفاده در جهت منافع خویش علیه کشور هدف.

تخریب فرهنگ شهادت‌طلبی

هویت مردم ایران برگرفته از فرهنگ اسلامی ایرانی می‌باشد و نقش مهمی در حیات و بقای جامعه ایفا می‌نماید، دشمنان اسلام برای جلوگیری از قدرت نرم ایران و عدم انتقال آن به جوامع بین‌المللی، تهاجم فرهنگی و جنگ نرم را آغاز نموده‌اند تا ارزش‌های هویتی و فرهنگی خود را به جوانان و نیروهای فعال در ایران انتقال دهند و با القاء نامناسب بودن دین اسلام، به‌عنوان اینکه اسلام مخالف با پیشرفت و فناوری است، همچنین ترویج سبک زندگی غربی و جایگزین کردن آن بافرهنگ بومی، یکی از مهم‌ترین اهداف آنان در جنگ نرم است (غلامرضایی، ۱۳۹٤: ۹۲). لذا اولین و مهم‌ترین اقدام آمریکا و دشمنان اسلام، به وجود آوردن گروه‌های تروریستی است، به‌این‌ترتیب اهداف موردنظر آنان حاصل گردد:

۱. تشکیل گروه‌های تروریستی، داعش، طالبان و...؛

۲. ایجاد قتل، غارت، وحشی‌گری، تجاوز و اعمال غیرانسانی، از طریق گروه‌های شکل‌گرفته؛

۳. ایجاد رعب و وحشت در جوامع بین‌المللی از مسلمانان، به‌منظور عدم گرایش به اسلام؛

٤. جلوگیری از گسترش دین اسلام و عدم الگو گرفتن از مردم ایران؛

٥. مهم‌ترین هدف و برنامه اصلی، از بین بردن باورها و اعتقادات در بین جوانان، برای ایجاد بی‌تفاوتی، گریز از دین و عدم پایبندی به احکام و سنت‌های رایج در کشور.

درنتیجه

۱. در جوامع بین‌المللی چهره اسلام را زشت و غیر متمدن جلوه دادن؛

۲. جلوگیری از اقدامات مبارزه‌طلبانه کشورهای دیگر و الگو گرفتن از ایران جهت سلب تسلط بیگانگان؛

۳. گرایش جوانان و سرمایه‌های ملی به سمت ضد ارزش‌ها و فرهنگ غربی جهت تسلط و دست یافتن به منافع و منابع کشور.

دوره سوم، شماره ۲، (پیاپی ٦)، پاییز و زمستان ۱٤۰۱

ترویج ضد ارزش‌ها

دین اسلام در عصر حاضر، توسط دشمنان موردتهاجم قرار گرفته است، همه کفر هماهنگ و متحد، تلاش می‌کنند تا ضد ارزش‌ها را جایگزین ارزش‌های ناب اسلامی نمایند و ترویج مفاسد اخلاقی، سرمایه‌های ملی و آینده‌سازان انقلاب اسلامی را به سمت گریز از دین وبی اعتنایی به ارزش‌های اسلامی سوق دهند (مرادی، افلاکی‌فرد، ۱۳۹۳: ۱۸). دشمن برای دستیابی و تسلط کامل، الگوهای رفتاری صحیح و ارزش‌های جامعه هدف را به شکلی نامحسوس، بدون درگیری و خسارت نظامی تغییر داده، بر اساس منافع خویش آن‌ها را هدایت می‌نماید، از طریق رسانه‌های تبلیغاتی، مثل، ماهواره، اینترنت و... اقدام نموده، با کمترین هزینه و بهترین روش اهداف خود را عملی می‌نماید. (غلامرضایی، ۱۳۹٤: ۹۵).

تخلیه فرهنگی

ایجاد حالت بحرانی، عدم تعادل، اغتشاش، اختلال در آداب‌ورسوم، اخلاقیات، عرف، سبک زندگی، زبان، ارزش‌ها و هنجارها (فیاض، ۱۳۷۲: ٥۱).

در طبیعت، هنگامی‌که در فضایی خلأ ایجاد می‌شود، بلافاصله پدیده جدید در آن خلأ حضور می‌یابد، در جنگ نرم نیز، تخلیه فرهنگی نخستین گام برای حضور فرهنگ بیگانه است و

هدف اصلی تخریب بنیان‌های اعتقادی، با ایجاد تردید در آن‌ها، همچنین از بین بردن، قداست دین و شعائر آن، در اولویت قرار دارد و انزوای روحانیت و مبلغان اصلی دین و درنهایت با ترویج فساد و رذایل اخلاقی، جوانان و جامعه را بافرهنگ خود بیگانه می‌کنند (ولی‌زاده اسماعیلی، ۱۳۸۸: ٦). همان‌طور که مطرح گردید، جنگ نرم برای دستیابی به اهداف سیاسی و تسلط بر جامعه هدف شکل می‌گیرد و مهم‌ترین ابعاد آن در بُعد فرهنگی و سیاسی است، بدون هیاهو و مستمر این اتفاق شکل می‌گیرد، مؤثرترین حرکت در این بُعد، گرفتن هویت و تخلیه فرهنگی است؛ نکته مهم و قابل‌توجه این است که؛ مردم ایران در طول هشت سال دفاع مقدس، مقاومت و ایستادگی در مقابل دشمن بعثی و حامیان او ثابت کردند، بافرهنگ دینی و ملی و روحیه شهادت‌طلبی هیچ ابرقدرتی، نمی‌تواند بر آن‌ها تسلط یابد، آمریکا و دشمنان در این دوران دریافتند، باید با طرح و برنامه‌ریزی جدیدی، امیال و اهداف خود را اجرا نمایند، لذا، درصدد راه نفوذ جدید، برآمدند تا به مقصد و مطلبوب خود دست یابند:

۱. نفوذ بر فرهنگ و اعتقادات مردم ایران؛

۲. تغییر افکار و عقاید جوانان؛

۳. فروپاشی خانواده‌ها از طریق برنامه‌ها و فیلم‌های ماهواره‌ای؛

٤. تبلیغ فرهنگ غربی و جایگزینی آن در جامعه هدف؛

۵. تخلیه فرهنگی و دینی محور و اساس خانواده، زنان و مادران جامعه هدف؛

٦. مشروع جلوه دادن ضد ارزش‌ها در ارتباطات و تعاملات خانوادگی؛

۷. ترویج مدگرایی و القاء ارزش‌های غربی و از بین بردن فرهنگ و آداب اسلامی.

ضرورت حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس و مقابله با تهاجم فرهنگی

اکنون که، سال‌ها از دوران دفاع مقدس می‌گذرد، متأسفانه شاهد کم‌رنگ شدن اعتقادات، انگیزه‌ها و بصیرت در جامعه به‌ویژه گروه جوانان هستیم، لذا برای حفظ ارزش‌های دفاع مقدس، باید اقدامات لازم انجام پذیرد، همچنین برای بازیابی، هویت اسلامی ایرانی، اعتقادات دینی نیز باید طرح و برنامه‌های طولانی و مُدوّن در مورد این عناصر تأثیرگذار تهیه و اجرا گردد، به‌ویژه مراکز و نهادهایی که در ترویج فرهنگ ملی و دینی دخیل هستند و در تربیت،

هویت‌بخشی، عزت‌نفس و اعتقادات دینی، ملی نقش برجسته‌ای دارند. مثل؛ خانواده، آموزش‌وپرورش، آموزش عالی، رسانه‌ها، مسئولان و الگوها در ترویج و گسترش باورها و اعتقادات حاکم بر جامعه بسیار تأثیرگذار می‌باشند، فرزندان ما بر اساس آموزه‌های، تربیتی که از ارگان‌ها و نهادهای یادشده دریافت می‌کنند، در ابعاد فرهنگی و معنوی رشد و تکامل می‌یابند.

۱. نقش خانواده در تقویت فرهنگ دینی و ملی دفاع مقدس

یکی از نهادهایی که ساختار اصلی جامعه اسلامی در آن پی‌ریزی می‌گردد و در راستای اهداف الهی رشد و تکامل، سیر طبیعی و سالم خود را می‌تواند طی نماید، خانواده است، به‌طوری‌که در قرآن و آموزه‌های دینی تأکید بسیار گردیده که والدین فقط مسئول تأمین نیازهای روحی و جسمی فرزندان خود نیستند بلکه رشد و تکامل در بُعد معنوی آنان را نیز شامل می‌شود، زیرا تغذیه روح و جان و مهیّا نمودن فضا برای رشد معنوی، مهم‌ترین وظیفه و رکن اصلی خانواده است، بنابراین والدین برای تربیت، شخصیت‌پردازی و هویت بخشیدن به فرزندان خود در راستای موازین دینی مسئول هستند، کانون خانواده اولین و مهم‌ترین جایگاهی است که؛ فرزندان عادات و اعتقادات را در این محیط کسب می‌نمایند و قابلیت انعطاف و تربیت‌پذیری در این مقطع بسیار قابل توجه است. خانواده در ایجاد و استمرار دین‌باوری، فرهنگ ایثار و شهادت‌طلبی نقش مهمی را ایفا می‌نماید و جایگاه غیررسمی در تربیت و آموزش است، آنچه مسلم است، رشد و تکامل صحیح در ارتقاء سطح آگاهی و هویت خانواده بسیار مؤثر است، عاملی که سبب کمال و یا توقف جامعه و کشور می‌گردد. اعتقادات، الگوها، فضائل و یا رذایلی هستند که کودکان از محیط زندگی کسب می‌نمایند، همان‌طور که در هشت سال دفاع مقدس خانواده‌ها در جنگ و دفاع از سرزمین خود این اَمر را ثابت نمودند، باتربیت، تشویق و ترغیب اعضای خانواده برای حضور در جبهه‌ها نقش مهمی در پیروزی بر دشمن داشتند، حضور و اشتیاق والدین عامل و انگیزه را در فرزندان آن‌ها به وجود می‌آورد و همه اعضا این اَمر را جزو وظایف اصلی خود می‌دانستند و عاشقانه در هر طرح و برنامه‌ای برای غلبه بر دشمن و کمک به رزمندگان می‌کوشیدند و ثمره این عملکرد، حضور بیش از حد جوانان در

جبهه‌های حق علیه باطل بود، حضور مادران خانواده در زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، تهیه و تدارک لوازم موردنیاز رزمندگان در جبهه‌ها و... اینها ثمره رشد و تکامل معنوی است که؛ به دیگر اعضای خانواده به‌ویژه جوانان انتقال یافته و با روحیه ایثار و شهادت‌طلبی بر ادوات پیشرفتهٔ جنگی دشمن غلبه نمودند بنابراین توجه به تربیت دینی و فرهنگی بسیار لازم و ضروری است هنگامی که خانواده با این دو عنصر بیگانه شود، تسلط و اِستعمار بر این جامعه بسیار سهل و آسان است. بنابراین بها دادن به شخصیت و جایگاه زنان در جامعه باید در اولویت قرار گرفته تا با گسترش و نشر خودباوری به هویت دینی و اسلامی دست یافته، حافظ اصول و اعتقادات خویش در جامعه باشند. همچنین با استفاده از شیوهای مطرح شده در قرآن که زنان الگو و اسوه را معرفی می‌نماید، این بانوان برای دفاع از هویت و اعتقادات خود محکم و استوار قیام نمودند، این‌گونه زنان جامعه را به‌وسیله قیاس نهفته در قرآن، استدلال‌های تاریخی و معرفی بانوان نمونه زمینه رشد و کمال را برای آنان فراهم نماییم. زیرا این مباحث اثبات‌کننده ارزش‌های انسانی پویا همراه بااهمیت تاریخی به‌عنوان پشتیبان و اصول مطرح‌شده است. ابزارهای رسانه‌ای پیشرفته و فراگیر در اختیار کانون‌های ضد اخلاق قرارگرفته که مرکز رشد و تربیت را هدف و محور اصلی برنامه‌های خویش معرفی نمودند، غفلت از این امر خسارات جبران‌ناپذیری را در پی خواهد داشت.

۲. نقش آموزش‌وپرورش در تقویت فرهنگ دینی و ملی دفاع مقدس

اهمیت و نقش آموزش‌وپرورش در تربیت جوانان و هویت بخشیدن به آن‌ها بعد از خانواده قابل‌ملاحظه است، برای دستیابی به اهداف موردنظر در راستای هویت و ایجاد اعتمادبه‌نفس باید طبق موازین دینی اقدام نمود، در درجه اول باید برنامه و طرح‌های تربیتی بر اساس فرهنگ حاکم در جامعه طراحی گردد و باید این طرح‌ها استمرار داشته باشد و با تغییر دولت نیز اجرای این برنامه‌ها ادامه یابد، از سوی دیگر مدارس و معلمان مانند چراغ فروزان و راهنما در این مرحله، می‌توانند باشخصیت پردازی کودکان، تکریم و ایجاد اعتمادبه‌نفس، آنان را تربیت نمایند، زیرا تعلیم همراه با تعلّم و هویت بخشی بسیار ماندگار و سازنده است، به همان میزان که کسب علم و رشد در این زمینه نیاز جامعه است فضائل اخلاقی نیز در اولویت است

زیرا جوانان بااستعداد و نخبه درصورتی‌که مقید به آموزه‌های دینی و اعتقادات باشند، با عزمی راسخ در راستای منافع و آرمان‌های کشور تلاش می‌نمایند، بعلاوه این اَوامر زمینه‌ساز بینش و آگاهی است و جوان مهیّا می‌شود که با بصیرت مسائل و اتفاقات را موردبررسی قرار دهد.

این عوامل باید توأم با عمل ارائه گردد، در دین اسلام ایمان و عمل باهم میزان سنجش است، به‌عبارتی‌دیگر در مرحله نخست باید این عناصر در مکان‌های آموزشی اجرا گردد، زیرا موعظه و سخنرانی در این جایگاه و برای این گروه سنی، به‌اندازه عمل و اجرای فضائل اخلاقی توسط مجریان آموزش‌وپرورش در مدارس کارساز نیست، زیرا زمینه رشد فضائل اخلاقی و ابعاد معنوی همراه با آموزش‌وپرورش مهیّا می‌گردد، همچنین دانش آموزان با فرهنگ دینی و ملی خود آشنایی کامل پیدا می‌نمایند.

۳. نقش آموزش عالی در تقویت فرهنگ دینی و ملی دفاع مقدس

جوانان پس از گذراندن مقطع متوسطه که با باورها، اعتقادات دینی و ملی آشنا می‌شوند، با ورود به دانشگاه، آشنا شدن با گروه‌ها، فرهنگ‌های مختلف بومی و سنتی کشور، احساس تعلق می‌کنند، همچنین فطرت انسان به‌ویژه جوانان ایجاب می‌نماید که خود را مطرح کنند، دانشگاه‌ها می‌توانند با برنامه‌ها و طرح‌های هدفمند جوانان را در راستای منافع ملی و دینی هدایت و ایجاد انگیزه نمایند با محول کردن تشکل‌های دانشگاهی همراه با نظارت مفید می‌توانند اهداف آنان را جهت دهند همچنین با تقویت عزت‌نفس و باورهای دینی جوانان به نقش و جایگاه خود پی برده و مسائل را با عقل استدلال می‌نمایند، آموزش عالی باید با مشارکت سازمان‌های ذی‌صلاح در مورد اشتغال و آینده دانشجویان برنامه‌های مدوّنی را اجرا نمایند و این سرمایه‌های ملی و فعال را برای اهداف ملی و دینی تربیت کنند، آموزش عالی باید کارخانه انسان‌ساز باشد و از هدر رفتن این سرمایه‌های ملی جلوگیری نماید، زیرا انقلاب اسلامی به‌وسیله جوانان شکل گرفت و سپس در جنگ با حضور فعال خود و با عزت‌نفس از اعتقادات و سرزمین خود دفاع نمودند بنابراین برای حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس و فرهنگ دینی، در ابتدای اَمر باید مسائل و مشکلات جوانان مرتفع گردد، زیرا دشمن از خلأهای موجود نهایت استفاده را می‌نماید. حفظ ارزش‌ها، نیاز به سرمایه‌گذاری در این زمینه

دارد تا نسل جدید، دوباره به فرهنگ، ایثار، شهادت‌طلبی و هویت ملی خود بازگردند، شایسته است در این مورد به شکل جدی و اساسی بازنگری و برنامه‌ریزی گردد تا کشور از نیروی انسانی جوان و فعال تهی نگردد.

لذا توجه به نکات ذیل ضروری است:

۱. نیاز جامعه، اجرای طرح‌های مدوّن در ابعاد فرهنگی و معنوی بسیار ضروری و قابل‌تأمل است؛

۲. پر کردن خلأهای موجود و از بین بردن زمینه رشد و گرایش دانشجویان به فرهنگ بیگانه

۳. نظارت و ارزیابی، برنامه‌های فرهنگی برای ارتقاء و متناسب با رشد فرهنگی و معنوی قشر جوان؛

٤. جذب دانشجویان، به‌ویژه نخبگان در سازمان‌ها و مراکز مطرح، به حفظ دستاوردهای دفاع مقدس کمک می‌کند؛

۵. هدایت و جذب این سرمایه‌های ملی و آینده‌ساز، در راستای تربیت و فرهنگ دینی و اسلامی.

بحث و نتیجه‌گیری

برای حفظ ارزش‌های دفاع مقدس و ارزش‌های فرهنگی حاکم بر جامعه اسلامی و مقابله با تهاجم فرهنگی نکات زیر قابل‌تأمل و پیگیری است:

۱. والدین در ترویج و گسترش باورهای دینی و ملی تلاش نموده و کودکان را با فضائل اخلاقی و فرهنگ دینی آشنا نمایند. کودکان در این مرحله سنی صرفاً این رفتارها را تقلید می‌کنند و زمینهٔ پذیرش در آن‌ها ایجاد می‌شود.

۲. آموزش‌وپرورش با استفاده از نیروهای باتجربه و متخصص در تربیت دینی و فرهنگ رایج جامعه اقدام نماید، همچنین با شخصیت‌دهی و هویت‌بخشی کودکان، زمینهٔ رشد و تکامل معنوی را در وجودشان ایجاد نماید.

❖ ۳. آموزش عالی، یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین ارگان‌های آموزشی برای ارتقاء سطح فرهنگی، خودباوری و عزت‌نفس است، لذا آنچه در خانواده و آموزش‌وپرورش برای رشد معنوی ایجاد شده است، با ورود به دانشگاه این فضائل باید تقویت گردد.

بنابراین برای تربیت جوانان سالم و شایسته، برنامه‌های مدوّن و منظم طراحی گردد، همچنین ایجاد امکانات فرهنگی، ورزشی، هنری، باید افزایش یابد تا جوانان از تفریحات سالم برخوردار گردند و معرفی الگوها و مفاخر فرهنگی موردتوجه قرار گیرد تا زمینه رشد و تقویت باورها و ارزش‌های دینی افزایش یابد و از همه مهم‌تر، سطح آگاهی دینی و سیاسی جامعه باید ارتقاء پیدا کند و خلأهای موجود، در ابعاد فرهنگی پر شود تا فرهنگ بیگانه جایی برای جایگزینی و رشد نیابد و ضد ارزش‌ها در جامعه گسترش پیدا نکند.

منابع و مأخذ

امیری خراسانی، احمد (۱۳۸۷). **نامه پایدار**، مقالات اولین کنگره ادبیات پایداری. تهران: بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس.

اسکندری، حمید (۱۳۹۰). **تهدید نرم جنگ نرم**. چاپ اول. تهران: انتشارات بوستان حمید.

احمدی، علی‌رضا و همکاران (۱۳۸۳). **شناخت فرهنگ، فرهنگ سازمان و مدیریت آن**. انتشارات تولید دانش.

بهداروند، محمدمهدی (۱۳۹۰). **دستاوردهای فرهنگی دفاع مقدس آفت‌های تهدیدکننده آن**. چاپ دوم. تهران: انتشارات کتاب فردا.

تقی‌زاده اکبری، علی و همکاران (۱۳۸۷). **عوامل معنوی و فرهنگی دفاع مقدس**. جلد ۲. چاپ اول. قم: زمزمه هدایت.

جمالی، علی (۱۳۹٤). «تأثیر دستاوردهای فرهنگی دفاع مقدس بر حفظ و استمرار انقلاب اسلامی». **نشریه پاسداری فرهنگی انقلاب اسلامی**. شماره ۱۱: ۱۰۰–٦۳.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۹۳). **مفردات الفاظ قرآن کریم**. چاپ اول. تهران: نشر کتاب.

سالاری، کبری (۱۳۹٦). **بررسی تأثیرات مؤلفه‌های هویت ایرانی و اسلامی بر رزمندگان در طول جنگ تحمیلی**. پایان‌نامه دانشگاه پیام نور.

سراج، رضا و محمدجواد بهابادی (۱۳۹۲). «بررسی اهداف رهیافت و عرصه‌های کارکردی جنگ نرم علیه جمهوری اسلامی». **نشریه آفاق امنیت**. شماره ۱۸: ۳٤–۵.

عسکری، شاداب (۱۳۹۰). **دومین دفاع مقدس انقلاب ایران. مقابله با جنگ نرم**. تهران.

عبدالله خانی، موسوی (۱۳۸٦). **رویکردها و طرح‌های آمریکا درباره ایران**. تهران: مدرسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی معاصر.

غلامرضایی، علی‌اصغر (۱۳۹٤). «ویژگی هدفمند جنگ نرم. تهاجم بر ساختار فرهنگی». **نشریه رسانه‌های دیداری و شنیداری**. شماره ۲۷: ۱۰۰–۸۵.

فیاض، محمدسعید (۱۳۷۲). **درآمدی برتهاجم فرهنگی غرب**. تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

❖ گودرزی، طیبه و همکاران **(۱۳۹۲)**. «**بررسی تأثیرات جنگ نرم ماهواره بر هویت اجتماعی** جوانان». **فصلنامه دانش انتظامی کرمانشاه**. شماره ۱۵: ٤٥-۳۳.

میرشاه جعفری، ابراهیم و نجمه تقوی نسب (۱۳۸۷). «اصول بهداشت روانی از منظر صحیفه سجادیه». **نشریه مطالعات اسلام روان‌شناسی**، شماره ۳۰: ۹٦-۷۸.

مظفری، آیت (۱۳۸۸). «باورهای اساسی پاسداران در دفاع مقدس». **نشریه حصون**. شماره ۲۱: ۸۰-٦٤.

متفکر، حسین (۱۳۸۱). فرهنگ روانی. قم: انتشارات زمزم هدایت.

ماه پیشانیان، مهسا و همکاران (۱۳۹۰). **نگاهی جامعه‌شناسی به بستر فرهنگی و زمینه‌های اجتماعی جنگ نرم**. مشهد: انتشارات زلال اندیشه.

مرادی، مریم و حسین افلاکی‌فرد (۱۳۹۳). **تهاجم فرهنگی یا تبادل فرهنگی و عوامل گرایش نوجوانان و نوجوانان به فرهنگ بیگانه**. همایش ملی علوم تربیتی و روان‌شناسی.

ولی‌زاده، اسماعیل (۱۳۸۸). «تهاجم فرهنگی و راه‌های مقابله با آن». **نشریه معارف**. شماره ٦۹.

یوسفیان، نعمت‌الله (۱۳۸۲). **احکام دفاع و امر به معروف و نهی از منکر**. انتشارات یاقوت.

قربانی‌فر، محمد (۱۳۷۲). **درآمدی بر تهاجم فرهنگی غرب**. تهران: انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.

دو فصلنامه شاهد اندیشه / دوره سوم/ شماره ۲ / پیاپی ٦/ پاییز و زمستان ۱٤۰۱/ ۱٥٤-۱۳۱
Two Journal Of Shahede Andisheh Autumn & Winter 2022: 131-154

الگوی ساختاری رابطه فرهنگ ایثاروشهادت با پیوند معنوی و سرمایه روان‌شناختی در کارکنان اداری

خداداد میرزایی[1]، فرامرز سالاری[2]

چکیده

این پژوهش با هدف الگوی ساختاری رابطه فرهنگ ایثاروشهادت با پیوند معنوی و سرمایه روان‌شناختی در کارکنان اداری اجرا شد. روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی و جامعه آماری پژوهش را کلیه کارکنان اداری غرب استان اصفهان در تابستان ۱٤۰۱ به تعداد ۸۰۰ نفر تشکیل دادند که از میان آن‌ها ۲٥۰ نفر به شیوه در دسترس انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش پرسشنامه پیوند معنوی کینجرسکی و اسکرایپ نک (۲۰۰٦)، پرسشنامه سرمایه روان‌شناختی لوتانز (۲۰۰۷) پرسشنامه محقق ساخته فرهنگ ایثار و شهادت میرزایی و سلیمانی (۲۰۲۲) بودند. داده‌ها از طریق ضریب همبستگی پیرسون و مدل یابی معادلات ساختاری و از طریق AMOS نسخه ۲٤ و SPSS نسخه ۲۳ تحلیل گردید. یافته‌ها نشان دادند که بین فرهنگ ایثاروشهادت و پیوند معنوی ($p<۰/۰۱$) و بین پیوند معنوی و سرمایه روان‌شناختی ($p<۰/۰۱$) و همچنین بین فرهنگ ایثاروشهادت و سرمایه روان‌شناختی ($p<۰/۰۱$) رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. نتایج مدل یابی معادله ساختاری و تحلیل واسطه‌ای حاکی از آن است پیوند معنوی متغیر واسطه‌ای پاره‌ای است بدین معنا که فرهنگ ایثار و شهادت هم به‌طور غیرمستقیم (از طریق تقویت پیوند معنوی) وهم به‌طور مستقیم می‌تواند سرمایه روان‌شناختی را تقویت کند. فرهنگ ایثار و شهادت (۷۸ درصد) از واریانس پیوند معنوی و فرهنگ ایثار و شهادت و پیوند معنوی (۹۱ درصد) از واریانس سرمایه روان‌شناختی را تبیین نموده‌اند. لازم است تا مدیران اداری، ترویج فرهنگ معنوی ایثار و شهادت را با تقویت ایثار اجتماعی، سلامت روانی، ازخودگذشتگی، خدامحوری و شهادت‌طلبی و عدالت‌طلبی کارکنان اداری، به‌صورت محسوس‌تری در دستور کار قرار دهند؛ و لازم است آموزش‌های حین یا بدو خدمت کارکنان را در این موضوعات به‌منظور تقویت فرهنگ معنوی ایثار و شهادت به آنان ارائه کنند تا کارکنان با توان معنوی و روانی بالاتری بتوانند مؤلفه‌های خود کارآمدی، امیدواری، تاب‌آوری و خوش‌بینی را در محیط کاری خود (سرمایه روان‌شناختی) به دست آورند.

واژگان کلیدی

فرهنگ ایثار و شهادت، پیوند معنوی، مؤلفه‌های سرمایه روان‌شناختی، کارکنان اداری.

تاریخ دریافت: ۱٤۰۱/۰۸/۰٤ تاریخ پذیرش: ۱٤۰۱/۰۸/۲۲

۱. دانش‌آموخته کارشناس ارشد روان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی اصفهان. اصفهان، ایران (نویسنده مسئول).
m_mirzaee93@yahoo.com

۲. دانشیار گروه روان‌شناسی و آموزش کودکان با نیازهای خاص، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.
salarfaramarzi@yahoo.com

مقدمه

اندیشمندان طی سال‌های اخیر گرایش قابل‌توجهی به سازه‌های معطوف به توانایی‌ها و نقاط قوت انسان که موسوم به متغیرهای مثبت هستند در محیط‌های کار پیدا نموده و شواهد گسترده‌ای را در مورد پیامدهای مثبت بر این سازه‌ها به دست داده‌اند. در این میان سرمایه روان‌شناختی[1] یک سازه مرتبه دوم بوده و ازنظر تعریف شامل نشان دادن انعطاف‌پذیری - درزمانی که برای رسیدن به هدف و موفقیت فرد با دشواری و مشکل مواجه می‌شود، اطمینان داشتن به خود برای انجام تلاش لازم و موفقیت‌آمیز در مواجهه با تکالیف چالش‌انگیز، نشان دادن پشتکار و مقاومت درراه رسیدن به موفقیت و توان بازنگری در مسیرهای دستیابی به اهداف و موفقیت و برخورداری از اسناد خوش‌بینانه درباره موفقیت در حال و آینده است (Luthans,Youssef, & Avolio, 2007). سرمایهٔ روان‌شناختی جنبه مثبت زندگی انسان‌ها است و مبتنی بر درک شـــخصی خود، داشتن هدف برای رســـیدن به موفقیت و پایداری در برابر مشـــکلات تعریف می‌شود (Nguyen, Trang & Nguyen, 2012). تاکنـــون چهار مؤلفه اصلی یعنـــی خودکارآمـــدی[2]، بـــا تأکید بر تعهد و تـــلاش برای موفقیت در کارها و وظایف چالش‌برانگیز، خوش‌بینی[3]، یا مثبت نگری، مبتنی بر اســـناد خوش‌بینانه دربارهٔ موفقیت‌های حـــال و آینده، امیدواری[4]، مقاومت در مســـیر اهداف و در صورت لزوم تغییر مسیر رسیدن به هدف برای دستیابی به موفقیـــت و تاب‌آوری[5]، انعطاف‌پذیری و مقاومت در زمان مواجهه با سختی‌ها و مشکلات برای دستیابی به موفقیت برای این پدیده معرفی شده است (Avey, Avey, Luthans & Youssef, 2010،Luthans & Jensen, 2009). پژوهش‌های گذشته‌نگر نشان داده‌اند که سرمایه روان‌شناختی، با طیف متنوعی از متغیرها، نظیر عملکـــرد در موقعیت‌های کاری و اجتماعی، تعهد و رضایت، اضطراب، فشـــار ادراک‌شده، توانایی مقابله با فشارها و مشکلات، رفتارهای جستجوگرانه، شادکامی و بهزیستی دارای رابطه است (eterson

1. Psychological Capital
2. Efficacy Self
3. Optimism
4. HOPE
5. Elasticity/Flexibility

؛ Avey, Luthans, Smith & Palmer,2010؛ Luthans, Youssef, 2007؛& Byron,2007 .(Ucol-Ganiron, 2012

پیوند معنوی[1] به‌عنوان یکی از ابعاد بســیار مطرح در حــوزه معنویت، منعکس‌کننده تجربه افرادی اســت که کارشان در رابطه با خداوند متعال و دیگر انسان‌ها ماهیت ارضاء کننده، بامعنا و هدف‌دار پیدا می‌کند (Gilbert, 2010). بررسی‌های به‌عمل‌آمده نشان می‌دهد که می‌توان معنویت را به‌عنوان یک منبع حمایتگر و درعین‌حال عاملی به‌منظور ارزیابی و مقابله با مسائلی که انسان‌ها با آن مواجه می‌شوند تلقی کرد (Bell, Rajendran, Theiler, 2012). شــواهد پژوهشی نشان می‌دهد که تجربه پیوند معنوی باعث می‌شود تا افراد در درون خود احساس آرامش کنند، نسبت به خداوند متعال و دیگر انسان‌ها احساس علاقه و عشــق کنند و در هماهنگی کامل با محیط اطرافشــان به زندگی خود ادامه دهند (Kinjerski, Skrypnek, 2006،Sessanna, Finnell, Jezewski, 2007)؛ یعنی آنگاه‌که انسان در توسل به معنویات برخاسته از دینی توحیدی، تلاش در هم‌نوا ساختن جنبه‌های مختلف زندگی خود با یکدیگر می‌کند، آرامش همراه با رضایت از زندگی، تعهد، مسئولیت‌پذیری و پایبندی به اصول انسانی و اخلاقی را تجربه می‌نماید (Fisher, 2011). احساس آرامش، خوش‌بینی و توانایی رویارویی با مشکلات که از ثمرات دین است، می‌تواند با یکی از جنبه‌های نوین روانشناسی که روانشناسی مثبت نگر است، هم‌راستا باشد .روانشناسی مثبت نگر به مطالعه شرایط و فرآیندهایی که به موفقیت افراد و گروه‌ها کمک می‌کنند، می‌پردازد (Feig, Healy, Celano, 2019). این ادعا همســو با یافته‌هایی است که نشان می‌دهد معنویت‌گرایی در محیط کار پرستاران با سلامتی و بهزیستی، مراقبت مطلوب‌تر از بیماران، همکاری مؤثرتر با همکاران، اجتناب از رفتارهای منفی و گرایش به رفتارهای مثبت و سازنده در ارتباط است (Koren, Papadimitriou, 2013،Baldacchino, 2011). در مقابل عدم پیوند معنوی در میان پرستاران می‌تواند موجبات خســتگی، عدم رضایت و افســردگی در کار را فراهم کند و اغلب به‌عنوان احســاس گم‌گشتگی در زندگی فردی تجربه شود (Wolpert, 2010). گل پرور و همکاران

1. Connection Spiritua

(۱۳۹۳) در پژوهشی نشان دادند که از بین مؤلفه‌های سرمایه معنوی، مؤلفه‌های ارزش‌گرایی معنوی، تأثیرگذاری معنوی، حکمت گرایی معنوی، فعالیت خالصانه، تکریم انسانیت و اعتماد معنوی دارای توان پیش‌بینی معنادار برای بهزیستی معنوی شخصی هستند. نتایج حاصل از این پژوهش نشا ن می‌دهد که مؤلفه‌های سرمایه معنوی ظرفیتی بالقوه برای ارتقاء سطح بهزیستی معنوی و بهزیستی روا شناختی افراد در محیط کار را دارند. بر اســاس آنچه بیان شــد در این پژوهش، هدف بر اساس مدل ارائه‌شده در شکل (۱) بررسی رابطه ساختاری بین فرهنگ ایثاروشهادت با پیوند معنوی و سرمایه روان‌شناختی[1] در میان کارکنان اداری در نظر گرفته شده است.

فرهنگ ایثار و شهادت نماد استقامت و رشادت چه قبل از اسلام و چه بعد از اسلام به‌عنوان ارزش رایج میان مردمان بوده است؛ اما وقتی که حماسه قهرمانی و جانبازی و ایثار در فرهنگ ناب اسلامی مطرح می‌شود رنگ و بوی متفاوت و مغایر با دیگر اندیشه‌ها و نگرش‌های دیگران پیدا می‌کند. در این فرهنگ، هدف مقصود و انگیزه ایثارگران و شهیدان در قالبی الهی ریخته می‌شود. تا ارزشمندی یک حماسه و ایثار مشروط به فی سبیل الله بودن، برای خدا قیام کردن و خدایی شدن صورت پذیرد. دین اسلام به شکل قابل‌توجهی بر بکار بستن این ارزش معنوی اخلاقی و اجتماعی تأکید می‌کند به‌گونه‌ای که مصادیق برجسته‌ای از ایثار را در زندگانی پیامبر (ص) و سایر معصومین می‌توان مشاهده کرد. یکی از اسوه‌های پایدار تاریخ، امام حسین (ع) بود که با نثار جان و مال خویش بنای عزت و اقتدار را در جهان پایدار ساخت و نام خود را با سربلندی و افتخار بر لوح ماندگار عالم ثبت کرد. عاشورا مکتب جان نثاری و فداکاری در راه خدا بود چنانکه جلوه‌های ایثار درصحنه‌های آن پدیدار بود رزمگاهش میدان مسابقه ایثارگران بود تا به فوز عظیم شهادت نائل آیند. دوران انقلاب و پــس از آن دوران هشت ساله دفاع مقــدس و بررســی وقــایع آن دوران، وجــود ارزش‌های برآمــده از ایــن فرهنگ را در سطح فردی و اجتماعی تأیید می‌کند در تمام جوامع بشری ارزش‌هایی وجود دارد که بنیان اصلی فرهنگ آن جامعه را شکل می‌دهد. اهمیت و جایگاه این ارزش‌ها

1. Capital Psychological

به‌گونه‌ای است که هر ملتی، هویت و حیات اجتماعی و سیاسی خود را در پایبندی و احترام به آن‌ها و انتقال کامل آن به نسل‌های آینده می‌داند (Kanas, Scheepers & Sterkens, 2015). سرزمین پاک ایران نیز بیش از هر جای دیگری مفتخر به داشتن ارزش‌های والا و اصیلی است که نمونه آن را در کمتر جایی می‌توان یافت. فرهنگ ایثار و شهادت نیز یکی از ارزش‌هایی است که بافرهنگ عاشورایی و قیام امام حسین (ع) برای مبارزه با ظلم و ستم، عجین شده و از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است (موسی‌پور، ۱۳۹۱: ۱۱۲). فرهنگ، مجموعه‌ای است از عقاید، آداب‌ورسوم و سایر جنبه‌هایی که بیشتر بر ابعاد و جنبه‌های معنوی و معرفتی وجود انسان توجه دارد. ازآنجاکه مفهوم فرهنگ را شامل آداب‌ورسوم محلی دانسته‌اند، اما محور اصلی فرهنگ را باورها و عقاید مربوط به خدا، انسان، ارتباط انسان با خدا و جهان و طبیعت، یعنی اصول دین، توحید و معاد می‌دانند که با ترویج ارزش‌هایی نظیر مشارکت، صداقت، اعتماد و ایثار موجب می‌شود که سرمایه روان‌شناختی بالایی بین افراد ایجاد شود. علامه طباطبایی بیان می‌دارد که در فرهنگ قرآنی آنچه فرد را وامی‌دارد که از مال حاصل از کسب حلال خود در راه خدا بگذرد و در جهاد با باطل شرکت نموده و ایثار و فداکاری نماید و خود را در معرض خطر بیندازد و سرانجام تا در آغوش گرفتن شهادت و نثار جان و هستی خویش پیش برود، این است که او همه‌چیز را در عالم از آن خدا می‌داند و برای هیچ موجودی، قدرت و عزتی مستقل از او قائل نیست. در این فرهنگ متعالی است که گذشتن از مال و جان و ایثار و فداکاری در راه خدا به اوج خود می‌رسد و انگیزه‌های دیگر نظیر درنظرگرفتن منافع دنیوی ایثار و فداکاری و معروف شدن و یکنامی نزد مردم و حتی منافع و پاداش اخروی رنگ می‌بازد (شوفازی و کرمی، ۱۳۹۸: ۹٤). با توجه به آنچه بیان شد، سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که آیا فرهنگ ایثار و شهادت و پیوند معنوی با سرمایه روان‌شناختی کارکنان اداری دارای رابطه هستند؟ و این‌که آیا الگوی ســـاختاری فرهنگ ایثار و شهادت با پیوند معنوی و سرمایه روان‌شناختی در میان کارکنان اداری غرب استان اصفهان از شاخصه‌ای برازش مطلوبی برخوردار است یا خیر؟

پیشینه پژوهش

در پژوهش سیاوش شیخ‌علی‌زاده و همکاران (۱۳۹۹) که با هدف تبیین رابطه بین سرمایه‌های روان‌شناختی و رشد اعتقادی دانشجویان با نقش واسطه‌ای سبک زندگی اسلامی انجام گرفت. یافته‌های این پژوهش نشان داد که اولاً رابطه مثبت معنی‌داری بین مؤلفه‌های سرمایه‌های روان‌شناختی (خودکارآمدی، امیدواری، تاب‌آوری و خوش‌بینی) و سبک زندگی اسلامی با رشد اعتقادی دانشجویان وجود دارد. دومین و مهم‌ترین یافته پژوهش نیز نشان داد که سبک زندگی اسلامی نقش واسطه‌ای در رابطه بین سرمایه‌های روان‌شناختی (خودکارآمدی، امیدواری، تاب‌آوری) و رشد اعتقادی دارد.

پژوهشی در مورد تأثیر سرمایه اجتماعی در ترویج فرهنگ ایثار و شهادت توسط کهن‌سال و محمدی (۱۳۹۸) انجام گرفت. نتایج پژوهش نشان داد که سرمایه اجتماعی با مؤلفه‌هایی چون اعتماد اجتماعی، مشارکت مدنی، مشارکت مذهبی، بخشش و روحیه داوطلبی، عدالت اجتماعی و مشارکت سیاسی در ترویج فرهنگ ایثارگری مؤثر است و این سرمایه اجتماعی، سنگ بنای ترویج فرهنگ ایثار و شهادت است.

کردنائیج و خلیلی پالندی[1] (۱۳۹۷) پژوهشی در مورد تأثیر فرهنگ ایثار و شهادت بر سرمایهٔ اجتماعی با میانجیگری باورهای دینی انجام دادند. نتایج نشان داد که: فرهنگ ایثار و شهادت بر باورهای دینی و سرمایه اجتماعی تأثیرگذار بوده و باورهای دینی نیز به‌تبع آن با اثرگذاری بر سرمایه اجتماعی، باعث تحکیم و تقویت روابط اجتماعی بین افراد می‌شود. دینداری می‌تواند شبکه اعتمادی بین افراد ایجاد کند و روابط درون‌گروهی و بین گروهی را منسجم کند همچنین افراد دیندارتر به‌دلیل شبکه روابط گسترده‌تر، موجب بهبود اعتماد و مشارکت گروهی بیشتر می‌شود.

1. Kurdanaij and Khalili Palandi

(اپلی جنیفر[1]،۲۰۱۰) در پژوهشی باعنوان «بررسی رابطه مذهب با جامعه مدنی و سیاست» بیان داشتند که روحیه مذهبی، باعث ایجاد مسئولیت در امور سیاسی و فعالیت در امور اجتماعی می‌شود.

در پژوهش سیدرحمت‌الله موسوی مقدم و همکاران (۱٤۰۰) که با هدف تبیین تأثیر ابعاد سرمایه روان‌شناختی بر بهزیستی روان‌شناختی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی ایلام انجام شد. نتایج تحقیق نشان داد که ابعاد خودکارآمدی، امیدواری، تاب‌آوری و خوش‌بینی که مؤلفه‌های سرمایه روان‌شناختی هستند از طریق معنویت که دارای مؤلفه‌های خودآگاهی، اهمیت اعتقادات معنوی در زندگی، فعالیت‌های معنوی و نیازهای معنوی است بر بهزیستی روان‌شناختی تأثیر مثبت و معناداری می‌گذارد.

در پژوهش مجتبی میرزائی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان بررسی ارتباط بین ابعاد دینداری و سرمایه روان‌شناختی به این نتیجه رسیدند که بین دینداری و سرمایه روان‌شناختی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد .به‌بیان‌دیگر، نتایج بیانگر وجود ارتباط مثبت و معنی‌دار بین ابعاد متغیر دینداری (و مؤلفه‌های آن بنام‌های مناسکی، تجربی و پیامدی) و ابعاد سرمایه روان‌شناختی (عزت‌نفس، خودکارآمدی و کانون کنترل) بود.

در پژوهش گل‌پرور (۱۳۹۳) که با هدف بررسی الگوی ساختاری پیوند معنوی با سرمایه روان‌شناختی و بهزیستی معنوی پرستاران اجرا شد، این پژوهش از نقش تقویت‌کننده پیوند معنوی و سرمایه روان‌شناختی برای بهزیستی معنوی پرســـتاران حمایت نمود.

ارزش‌های مذهبی و مشارکت در یک گروه مذهبی عزت‌نفس و خودکارآمدی را افزایش می‌دهد (هدایتی و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۲٤)؛ و با فراهم ساختن یک دیدگاه اسنادی سازنده به افراد در یافتن معنا و هدف زندگی کمک می‌کند (دباغی، ۱۳۸۸) علاوه بر این، راجرز، مازلو و بندورا بر رابطه دینداری و جنبه‌های گوناگون سلامت روانی تأکید می‌کنند. یونگ نیز معتقد است که افراد به دلیل انحراف از زندگی مذهبی دچار بیماری روانتی می‌شوند (عباس‌زاده و میرزائی، ۱۳۹٤).

1. Epley Jennifer

حبیب‌وند، علی‌مراد (۱۳۸۷) در پژوهشی با عنوان «رابطه جهت‌گیری مذهبی با اختلالات روانتی و پیشرفت تحصیلی» اهمیت معنویت و رشد معنوی انسان در چند دهه گذشته به صورتی روزافزون توجه روانشناسان را به خود جلب کرده است. پیشرفت علمی از یکسو و ماهیت پویا و پیچیدهٔ جوامع نوین از سوی دیگر، باعث شده است که نیازهای معنوی بشر در برابر خواسته‌ها و نیازهای مادی قد علم کنند و اهمیت بیشتری بیابند. مردم جهان امروزه بیش‌ازپیش به معنویت و مسائل معنوی گرایش دارند و روانشناسان هم به‌طور روزافزون درمیابند که در همهٔ موارد برای درمان اختلالات روانتی، استفاده از روش‌های متعارف کافی نیست (حبیب‌وند، ۱۳۸۷). ازاین‌رو در این رابطه به‌منظور شناخت بهتر تأثیرات دین و رشد معنوی بر ابعاد روانی انسان نظریات متفاوتی مطرح‌شده است. در این نظریات اعتقاد بر این است که در ایمان به خدا نیرویی خارق‌العاده وجود دارد که نوعی قدرت معنوی به انسان می‌بخشد و در تحمل سختی‌های زندگی روزمره او را کمک کرده و از نگرانی و اضطرابی که بسیاری از مردم در معرض ابتلای به آن هستند دور می‌سازد.

مبانی نظری پژوهش

فرهنگ، مجموعه‌ای پیچیده از خصوصیات اصلی، فکری و غیرمادی است که به‌عنوان شاخص جامعه و گروه اجتماعی مطرح می‌شود. فرهنگ شهادت که در اصطلاح به آن «مرگ قهرمانانه» گفته می‌شود، به معنای ساختار اجتماعی و فردی آموخته‌شده‌ای است که در ارتباط با یک گروه اجتماعی و بر اساس باورها و اعتقادات مذهبی پیروی می‌شود. به عبارتی، فرهنگ شهادت به معنای آن است که فرد با عنایت به حضور خداوند و با دارا بودن ارزش‌های والای انسانی و معنوی، جان خویش را در راه ارزش‌ها و باورهای خود فدا می‌کند تا از این طریق به بالاترین وظیفه خود در قبال جامعه و اعتقادات خود عمل کرده باشد. ازاین‌رو، فرهنگ شهادت به‌عنوان فلسفه یا نگرشی از زندگی تعبیر می‌شود، گرچه ذاتش مرگ است (Moussalli, 2015)، ایثار در لغت به معنای برگزیدن، غرض دیگران را بر غرض خویش مقدم داشتن و مانند آن است. به عبارتی، به دنبال ازخودگذشتگی و ترجیح برتری دادن به آنچه مطلوب دیگران است. بدین‌معنا که یک انسان با اعتقاد، در راه اعتلای اسلام و پایداری در راه اقامه

شعائر دینی و دفاع از ارزش‌های مقدس و برافراشتن پرچم توحید، با تمام امکانات مادی و معنوی خود تلاش کرده و حتی از بذل جان و مال خویش در راه حفظ و حراست از هدف مقدس، دریغ نورزد و تکامل خود را با مروری بر منابع دینی درمی‌یابد. ایثار، دارای مراتب و درجات گسترده‌ای است، از ایثار در مال به معنای ازخودگذشتگی در اموال گرفته تا عالی‌ترین مرتبه ایثار که همان ایثار جان و جهاد در راه خدا است (موسی‌پور، ۱۳۹۱: ۱۱۲).

ریچاردسون و رامال[1](۲۰۱۷)، در پژوهشی باعنوان «باورهای دینی، مذهبی و مذاکرات بین‌المللی تجاری: تأثیر رفتارهای مذاکره‌کننده» بیان کردند که تعهد به باورهای دینی و مذهبی بر روند اجرای مذاکره، تأثیر مثبتی دارد. در این پژوهش با ٦٩ نفر از مدیران مذهبی با محتوای اسلامی در مالزی مصاحبه‌ای صورت گرفته است. درنهایت، نتایج نشان داد که تعاملات معنوی و توجه به اعتقادات و باورهای مذهبی میان همتایان، بسیار مثمر ثمر و تأثیرگذار است .فرهنگ ایثار و شهادت یکی از گنجینه‌های فرهنگ اسلامی است، جنگ تحمیلی و هشت سال دفاع مقدس و به‌تبع آن، پیروزی انقلاب به مدد شهادت‌طلبی و ایثارگری رزمندگان تحقق یافته است و این مهم، نمونه‌ای از جلوه‌های اعجاب‌انگیز فرهنگ ایثار و شهادت است. فرهنگ ایثار و شهادت برکات فراوانی برای جامعه دارد و با معرفی و تعمیق فرهنگ شهادت، عقاید و آرمان‌های شهدا در سطح وسیع، فراگیر می‌شود (Rolston, 2017). اصطلاح سرمایه روان‌شناختی اولین بار توسط (Luthans, 2002) مطرح‌شده و سازه‌ای ترکیبی و به‌هم‌پیوسته است که شامل چهار مؤلفه امید (دید مثبت به آینده و توانایی ایجاد گذرگاه‌هایی برای رسیدن به اهداف)، خوش‌بینی (داشتن انتظارات مثبت در شرایط مختلف)، خودکارآمدی (احساس اعتماد، کفایت و اثرمندی در انجام کارها) و تاب‌آوری (سازگاری مثبت در واکنش به شرایط ناگوار) است. این چهار سرمایه به زندگی افراد معنا بخشیده و آنان را برای مقابله با موقعیت‌های فشارزا آماده نموده (Erez, & Judge, 2001)، آنان را برای ورود به صحنه‌های عملی زندگی آماده کرده (Judge, & Bono, 2001) و مقاومت و سرسختی را در تحقق اهدافشان تضمین می‌کنند (Parker et al, 2003). مطابق با مدل نظری و مفهومی ارائه‌شده در

1. Richardson, C. and Rammal

شکل (۱)، ازآنجایی‌که فرهنگ ایثاروشهادت زمینه‌ساز رضایت از خود، زندگی و محیط اطراف می‌شود. در این پژوهش چنین فرض شده که در گام اول فرهنگ ایثار و شهادت باعث تقویت پیوند معنوی و سپس پیوند معنوی نیز زمینه‌ساز تقویت سرمایه روان‌شناختی برقراری خود کارآمدی، امیدواری، تاب‌آوری و خوش‌بینی در زندگی کاری کارکنان می‌شود .مدل ارائه‌شده در این پژوهش، مدلی است که بر مبنای نوعی رویکرد مثبت نگری معنوی تدوین شده است. به این معنی که فرهنگ ایثار و شهادت به‌عنوان یک شاخصه معنوی به‌صورت بالقوه عاملی بسیار نیرومند برای تقویت سازه‌های مثبت نگر نظیر پیوند معنوی و سپس سرمایه روان‌شناختی است. این رویکرد در پژوهش‌ها و نظریات مطرح‌شده (گل پرور ۱۳۹۳، سیاوش شیخ علی‌زاده و همکاران ۱۳۹۹) درباره کارکردهای معنویت موردتوجه قرار گرفته است. در جمع‌بندی پایانی باید گفت که چون پیوند معنوی و سرمایه روان‌شناختی، از پدیده‌هایی محسوب می‌شوند که برای کارکنان اداری و ارباب‌رجوع از اهمیت بسزایی برخوردارند، لازم است کماکان پژوهش در عرصه همبسته‌های این دو پدیده ادامه یابد.



شکل ۱. الگوی نظری و مفهومی پژوهش از رابطه فرهنگ ایثاروشهادت با پیوند معنوی و سرمایه روان‌شناختی

روش پژوهش

روش پژوهش پیش‌رو توصیفی- و کاربردی است که در تابستان ۱۴۰۱ اجرا شده است. جامعه آماری کلیه کارکنان اداری زن و مرد ادارات دولتی در غرب اصفهان (۸۰۰ نفر) بودند. از جامعه آماری ۲۴۸ نفر بر اساس جدول تناسب حجم نمونه با حجم جامعه آماری (حسن‌زاده ۱۳۸۲) به‌عنوان نمونه برای شرکت در این پژوهش از طریق نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها، ۲ پرسشنامه (معادل ۰/۸ درصد) به دلیل نقص در پاسخگویی از پژوهش کنار گذاشته شدند، لذا گروه نمونه پژوهش به ۲۴۸

نفر تقلیل یافت. از ابزارهای زیر برای گردآوری داده‌ها استفاده شد .مطالعه حاضر ازنظر روش یک پژوهش همبستگی محسوب می‌شود. ازآنجایی‌که هدف اصلی این پژوهش تعیین رابطه بین فرهنگ ایثار و شهادت با پیوند معنوی و سرمایه روان‌شناختی در کارکنان اداری است، روش تجزیه‌وتحلیل داده‌ها همبستگی و مدل‌سازی معادلات ساختاری انتخاب شد با توجه به اینکه در مورد حجم بهینه نمونه در تحقیقاتی که ارزش مدل‌سازی معادلات ساختاری استفاده می‌کنند، توافق کلی وجود ندارد، اما به‌زعم بسیاری از پژوهشگران حداقل حجم لازم ۲۰۰ نفر است (Sivo, Fan, Witta, &Willse, 2006). داده‌های حاصل از پرسشنامه‌های پژوهش در دو سطح آمار توصیفی و استنباطی مورد تحلیل قرار گرفتند. در سطح توصیفی از شاخص‌های گرایش مرکزی و پراکندگی برای ارائه وضعیت متغیرهای جمعیت‌شناختی و متغیرهای پیش‌بین و ملاک پژوهش استفاده شده است. در سطح استنباطی از ضریب همبستگی پیرسون و آزمون معناداری آن و مدل‌سازی معادله ساختاری استفاده شد. کلیه‌ی تحلیل‌های صورت گرفته با نرم‌افزار بسته آماری برای علوم اجتماعی[1] (SPSS) نسخه ۲۳ و نرم‌افزار تحلیل ساختارهای گشتاوری[2] (AMOS) نسخه ۲۴ انجام شده است.

پرسشنامه فرهنگ ایثار و شهادت: برای سنجش فرهنگ ایثار و شهادت از پرسشنامه بیست‌وهشت سؤالی ارائه شده توسط میرزایی و سلیمانی (۱۴۰۱) طراحی‌شده، استفاده شد مقیاس پاسخگویی آن پنج‌درجه‌ای (کاملاً مخالفم= ۱ تا کاملاً موافقم=۵) است. ایثار اجتماعی (۶ گویـــه) مسئولیت‌پذیری و خودکارآمدی (۶ گویـــه) (تقویت سلامت روحی و روانی (۵ گویه) تقویت روحیه شهادت‌طلبی و ازخودگذشتگی (۴ گویــه) خدامحوری وعدم تعلق به دنیا (۴ گویه) عدالت‌خواهی (۳ گویــه). یک نمونه از سؤالات این پرسشنامه به این شرح است (من ازخودگذشتگی، دل کندن و جهاد در راه خدا را یک وظیفه الهی میدانم). در این پژوهش روایی صوری و محتوایی این پرسشنامه توسط تنی چند از متخصصان بهداشتی، فرهنگی و روانشناسان بررسی و تأیید گردید. در پژوهش میرزایی و سلیمانی (۱۴۰۱) با استفاده از تحلیل

1. Statistical Package For Social Science (Version 23)
2. Analysis of Moment Structures

عاملی اکتشافی (مرتبه دوم) با چرخش واریماکس ۲۸ سؤال از ۳۲ سؤال را برای این پرسشنامه انتخاب نمودند و روایی سازه این پرسشنامه را مستند ساخته و آلفای کرونباخ برابر با ۰/۷۹ را به دست داده است. آلفای کرونباخ این پرسشنامه در یک نمونه سی وپنج نفری به‌صورت مقدماتی برابر با ۰/۸۱ به دست آمد و همبستگی سؤالات و نقش سؤالات در آلفای کرونباخ حاکی از مناسب بودن وضعیت این پرسشنامه برای سنجش فرهنگ ایثار و شهادت بود. در این پژوهش با استفاده از نرم‌افزار (SPSS)، آلفای کرونباخ این پرسشنامه در نمونه نهایی برابر با ۰/۹۳ به دست آمد.

پرسشنامه پیوند معنویی: پرسشنامه پیوند معنوی از طریق پرسشنامه سه سؤالی معرفی‌شده توسط کینجرسکی و اسکزیپینگ[1] (۲۰۰۶) سنجش گردید. مقیاس پاسخ‌گویی این پرسشنامه شش‌درجه‌ای (کاملاً غلط است ۱= تا کاملاً درست است =۶) است. یک نمونه از سؤالات این پرسشنامه به این شرح است همیشه در کارم از نیروی لایزال الهی راهنمایی می‌گیرم. کینجرسکی و اسکزیپ نگ با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی (مرتبه دوم) و روش تحلیل سؤال، سه سؤال نهایی را برای این پرسشنامه انتخاب نموده و روایی تمیزی آن را با تفاوت‌های گروهی در پیوند معنوی برحسب سن، جنس، وضعیت تأهل، موقعیت شغلی (مدیریتی، عادی و تخصصی و حرفه‌ای) بررسی نموده‌اند. آن‌ها آلفای کرونباخ این پرسشنامه را برابر با ۰/۸۸ گزارش نموده‌اند. آلفای کرونباخ این پرسشنامه در یک نمونه ۳۰ نفری به‌صورت مقدماتی برابر با ۰/۷۰ به دست آمد و همبستگی سؤالات و نقش سؤالات در آلفای کرونباخ حاکی از مناسب بودن وضعیت این پرسشنامه برای سنجش پیوند معنوی بود. در این پژوهش، برای پایایی پرسشنامه فوق از همسانی درونی با استفاده از آلفای کرونباخ ضریب ۰/۷۰ به دست آمد.

پرسشنامه سرمایه روان‌شناختی: برای سنجش سرمایه روان‌شناختی از پرسشنامه سرمایه روان‌شناختی لوتانز، آولی، آوی و نورمن استفاده شد. این پرسشنامه شامل ۲۴ سؤال و ٤ خرده مقیاس امیدواری، تاب‌آوری، خوش‌بینی و خودکارآمدی است که در آن، هر خرده مقیاس

1. Kinjerski V, Skrypnek BJ

شامل ٦ گویه است و آزمودنی به هر گویه در مقیاس ٦ درجه‌ای (کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم) لیکرت پاسخ می‌دهد. حداکثر نمره در هر مؤلفه ۳٦ و حداقل ٦ است. سؤالات ۱ تا ٦ مربوط به خودکارآمدی، سؤالات ۷ تا ۱۲ مربوط به امیدواری، سؤالات ۱۳ تا ۱۸ مربوط به تاب‌آوری و سؤالات ۱۹ تا ۲٤ مربوط به خوش‌بینی هستند. برای به دست آوردن نمره سرمایه روان‌شناختی، ابتدا نمره هر خرده مقیاس به‌صورت جداگانه به دست می‌آید و سپس مجموع آن‌ها با عنوان نمره کل سرمایه روان‌شناختی محسوب می‌شود. نسبت کای دو این آزمون برابر با ۲٤/٦ است و آماره‌های، شاخص برازش تطبیقی[1] و جذر میانگین مجذورات خطای تقریب[2] در این مدل به ترتیب ۰/۹۳ و ۰/۰٦ هستند روایی صوری و محتوایی این پرسشنامه در پژوهش فروهر، هویدا و جمشیدیان بعد از اجرای آزمایشی و اظهارنظر صاحب‌نظران مورد تائید قرار گرفت و ضریب پایایی کل آن نیز از طریق آلفای کرونباخ ۰/۹۵ گزارش شد در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ این پرسشنامه برابر با ۰/۸۹ به دست آمد. داده‌های پژوهش حاضر با استفاده از نرم‌افزار AMOS نسخه ۲٤ مورد تحلیل قرار گرفت. در اجرای مدل یابی معادله ساختاری از روش برآورد بیشینه درستنمایی[3] استفاده شده است. در اجرای مدل یابی معادله ساختاری، لازم است پیش‌فرض‌هایی نظیر خطی بودن رابطه متغیرها با یکدیگر، تعیین وضعیت داده‌های مفقود، بررسی داده‌های پرت، نرمال بودن توزیع متغیرها، نمونه مکفی و فاصله‌ای بودن سطح اندازه‌گیری داده‌ها در نظر گرفته و بررسی شوند (Hooper, Coughlan, Mullen, 2008).

یافته‌ها

در جدول ۱ فراوانی مطلق و نسبی گروه نمونه پژوهش در متغیرهای جمعیت شناختی ارائه شده است .چنانکه در جدول (۱) مشاهده می‌شود، اکثریت کارکنان حاضر در مطالعه دارای تحصیلات لیسانس (۳۷/۵ درصد) قرار دارند. از کل اعضای نمونه پژوهش حاضر، ۷٦/٦

1. Cfi
2. Rmsea
3. Maximum Likelihood Estimation Method

درصد مرد، ۲۳/٤ درصد زن. میانگین، انحراف معیار و همبستگی بین متغیرهای پژوهش در جدول (۲) ارائه شده است. چنانکه در جدول ۲ مشـــاهده می‌شود، فرهنگ ایثار و شهادت با پیوند معنوی سرمایه روان‌شناختی در کارکنان اداری دارای همبستگی مثبت و معنادار ($p<$ ۰/۰۱) هستند.

جدول ۱. فراوانی و درصد فراوانی گروه نمونه پژوهش در متغیرهای جمعیت شناختی

ردیف	متغیر		فراوانی	درصد فراوانی
۱	**تحصیلات**	دیپلم	۳٦	۱٤/۵
۲		فوق‌دیپلم	٤۹	۱۹/۸
۳		لیسانس	۹۳	۳۷/۵
٤		فوق‌لیسانس	٤۷	۱۹/۰
۵		دکتری	۲۳	۱۹/۳
٦		جمع کل	۲٤۸	۱۰۰
۷	**سن**	تا ۳۰ سال	۱٤٦	۵۸/۹
۸		۳۱ تا ٤۰ سال	٤۵	۱۸/۱
۹		٤۰ به بالا	۲۸	۱۱/۳
۱۰		اعلام‌نشده	۲۹	۱۱/۷
۱۱		جمع کل	۲٤۸	۱۰۰
۱۲	**جنسیت**	مرد	۱۹۰	۷٦/٦
۱۳		زن	۵۸	۲۳/٤
۱٤		جمع کل	۲٤۸	۱۰۰

جدول ۲. میانگین، انحراف معیار و همبستگی درونی بین متغیرهای پژوهش

ردیف	متغیرهای پژوهش	M	SD	۱	۲
۱	فرهنگ ایثار و شهادت	۱۲٤/۳۵	۱۷/۸۷		
۲	پیوند معنوی	۸۷/۳٤	۱٤/۸۰	**۰/٤۰	
۳	سرمایه روان‌شناختی	۱۳/٤۸	۳/۷۳	**۰/۵۰	**۰/٤۵

مدل مفهومی پژوهش (شکل ۱) از طریق مدل یابی معادله ساختاری موردبررسی قرار گرفت. لازم به ذکر است که ترکیبی از شاخصه‌ای برازش مطلق و نســـبی برای بررسی برازش

مدل در این پژوهش در نظر گرفته شده‌اند که در پی راجع بـــه آن توضیحاتی ارائه خواهد شـــد. نتایج حاصل از این مرحله مدل یابی ســـاختاری نشان داد که: بر اساس متون در دسترس، مدل‌های دارای برازش مطلوب، باید دارای نقاط برش مطلوب و از برازش با داده‌ها برخوردار باشد (جدول شماره ۳ شاخص‌های برازش الگو) چنانکه به شاخص‌های برازش مدل اولیه (جدول ۳) توجه شود مشخص است که مدل مفهومی اولیه (شکل ۱) از برازش مطلوبی با داده‌ها برخوردار نیســـت. در چنین مواقعی، بر مبنای پیشـــینه نظری و پژوهشی و بر اساس شاخص‌های اصلاح می‌توان مدل اولیه را بازنگری و اصلاح نمود تا مدل برازش مطلوبی پیدا کند (Hooper, Mullen, 2008) بررسی ضرایب مسیر الگوی اولیه همراه با شاخص‌های اصلاح نشان داد که لازم است برای افزایش سطح شاخص‌های برازش یک مسیر مستقیم از فرهنگ ایثار و شهادت به سرمایه روان‌شناختی افزوده شود. این تغییر در الگوی نهایی و بازنگری شده مبتنی بر پیشینه پژوهش و شاخص‌های اصلاح انجام شد در جدول ٤ نتایج الگوسازی معادله ساختاری برای الگوی نهایی و بازنگری شده پژوهش آمده است. در جدول ۳، bضریب غیراستاندارد برای پیش‌بینی است که معمولاً زمانی که خواســـته شـــود معادله پیش‌بینی ارائه شود از این ضریب استفاده می‌شود. SE خطای استاندارد ضریب غیراستاندارد است که برای تعیین سطح معناداری ضریب غیراستاندارد استفاده می‌شود و β ضریب استاندارد است که برحسب انحراف معیار میزان تغییرپذیری متغیر ملاک (مثال سرمایه روان‌شناختی) را از طریق میزان تغییرات متغیر پیش‌بین (مثال فرهنگ ایثار و شهادت یا پیوند معنوی) مشخص می‌کند؛ و بالاخره R^2 نیز مجذور ضریب همبستگی چندگانه یا همان ضریب تعیین اســـت که واریانس تبیین یا توضیح داده‌شده متغیر مالک را از طریق متغیر یا متغیرهای پیش‌بین مشخص می‌کند. دیگر شاخص‌های ارائه‌شده بعد از R^2 نیز همان شاخص‌های برازش نسبی و مطلق هستند. چنانکه در جدول ۳ مشاهده می‌شود، فرهنگ ایثار و شهادت با ضریب بتای استاندارد برابر با ۷۸،۰/۸۸ درصد از واریانس پیوند معنوی را تبیین نموده اســـت. در سلسله روابط مرحله بعدی فرهنگ ایثار و شهادت و پیوند معنوی به ترتیب با ضرایب بتای استاندارد برابر با ۰/۹۵ و ۰/۳٦، ۹۱ درصد از واریانس سرمایه روان‌شناختی را تبیین نموده‌اند.

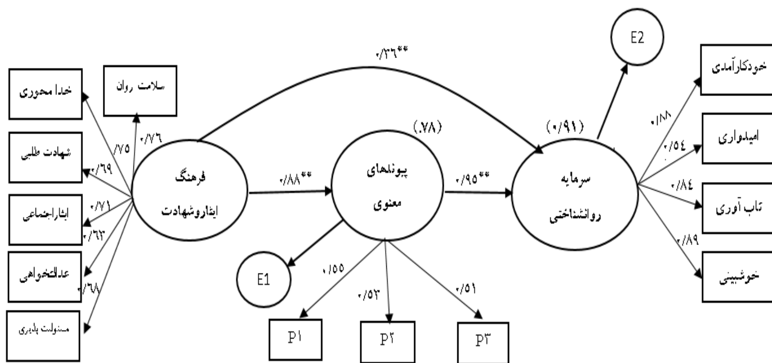
جدول ۳. شاخص‌های برازندگی مدل‌های پیشنهادی و اصلاح‌شده

شاخص‌های برازش	CMIN	DF	CMIN/DF	GFI	AGFI	NFI	CFI	IFI	TLI	RAMSEA
مقادیر مطلوب	۳>			۹۵/	۹۰/	۹۰/	۹۵/	۹۰/	۹۰/	۰۸/۰>
الگو	۲/۰۷	۵۳	۱۱۰/۰۷	۰/۹۳	۰/۹۰	۰/۹۱	۰/۹۵	۰/۹۵	۰/۹۳	۰/۰۶

p<۰/۰۰۱***

جدول ٤. مسیرهای فرهنگ ایثاروشهادت، پیوند معنوی، سرمایه روان‌شناختی

ردیف	مسیرهای مدل	B	SE	β	p	R^2
۱	فرهنگ ایثار و شهادت← پیوند معنوی	**۰/٤٤	۰/۱۹	**۰/۸۸	۰/۰۱	۰/۷۸
۲	پیوند معنوی← سرمایه روان‌شناختی	**۰/۳۹	۰/۱٦	**۰/۹۵	۰/۰۱	
۳	فرهنگ ایثاروشهادت← سرمایه روان‌شناختی	**٤۱/	۰/۰۹	**۰/۳٦	۰/۰۰۸	۰/۹۱



شکل ۲. نمودار ساختاری رابطه زنجیره‌ای فرهنگ ایثاروشهادت با پیوند معنوی و سرمایه روان‌شناختی

در جدول ۵ اثرات غیرمستقیم مطرح در مدل نهایی و بازنگری شده (تصویر ۲) ارائه شده است. ضرایب ارائه‌شده در جدول ۵ اثرات غیرمستقیم بر اساس منابع موجود و همچنین آزمون بوث استراپ در سطح $p< 0/05$ معنادار هستند. بررسی اثرات میانجی نیز حاکی از آن بود که پیوند معنوی متغیر واسطه‌ای پاره‌ای بین فرهنگ ایثار و شهادت و سرمایه روان‌شناختی در کارکنان اداری است.

جدول ۵. نتایج بوت استراپ مربوط به متغیرهای میانجی

ردیف	روابط میانجی‌گر	ضریب غیرمستقیم	حد پایین	حد بالا	معناداری
۱	فرهنگ ایثاروشهادت← سرمایه روان‌شناختی	۰/۰۶	۰/۲۰	۰/۰۶	/۰۰۶

جدول ۶. شاخص‌های برازش کلی مدل تدوین‌شده

ردیف	**شاخص**	**معادل فارسی**	**مدل تدوین‌شده**	**برازش قابل‌قبول**
۱	CMIN/DF	کای اسکوئر بهنجار شده	۲/۰۲	<۳
۲	GFI	شاخص نیکویی برازش	۰/۹۳	>۰/۹۰
۳	AGFI	شاخص نیکویی برازش تعدیل‌یافته	۰/۹۰	>۰/۹۰
٤	RMR	ریشه مربعات باقی‌مانده	۰/۰۳	<۰/۰۵
۵	RMSEA	جذر میانگین مجذورات خطای تقریب	۰/۰٦	<۰/۰۸
٦	TLI	شاخص توکر- لویس	۰/۹۳	>۰/۹۰
۷	NFI	شاخص برازش هنجار شده	۰/۹۰	>۰/۹۰
۸	CFI	شاخص برازش تطبیقی	۰/۹۵	>۰/۹۰
۹	IFI	شاخص برازش افزایشی	۰/۹۵	>۰/۹۰
۱۰	PNFI	شاخص برازش مقصد هنجار شده	۰/٦٦	>۰/۵۰
۱۱	PCFI	شاخص برازش تطبیقی مقصد	۰/٦۹	>۰/۵۰
۱۲	PRATIO	نسبت اقتصادی	۰/۷۳	>۰/۵۰

تقریب ریشه میانگین مجذورات خطا[1] (RMSEA) باید کوچک‌تر از ۰/۰۸ باشد. (شوماخر و لومکس، ۱۳۸۸).

1.Root Mean Square of Error Approximation

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف رابطه بین فرهنگ ایثار و شهادت با پیوند معنوی و سرمایه‌های روان‌شناختی کارکنان اداری انجام گرفت. یافته‌های این پژوهش نشان داد که اولاً رابطه مثبت معنی‌داری بین فرهنگ ایثار و شهادت (ایثار اجتماعی، مسئولیت‌پذیری و خودکارآمدی، تقویت سلامت روحی و روانی، تقویت روحیه شهادت‌طلبی و ازخودگذشتگی، خدامحوری وعدم تعلق به دنیا، عدالت‌خواهی) با پیوند معنوی و.سرمایه روان‌شناختی (خودکارآمدی، امیدواری، تاب‌آوری و خوش‌بینی) کارکنان اداری وجود دارد. دومین و مهم‌ترین یافته پژوهش نیز نشان داد که پیوند معنوی نقش واسطه‌ای پاره‌ای (قسمتی از اثرات فرهنگ ایثار و شهادت از طریق پیوند معنوی بر سرمایه روان‌شناختی و مؤلفه‌های آن انجام می‌شود) در رابطه بین فرهنگ ایثار و شهادت و سرمایه روان‌شناختی (خودکارآمدی، امیدواری، تاب‌آوری) دارد. این یافته‌ها می‌تواند با نتایج پژوهش‌های میرزائی، قاسمی جوبنه و همکاران (۱۳۹۷)، گل پرور (۱۳۹۳)، سه سانا، فینل (۲۰۰۷)، (فیشر ۲۰۱۱) همسو است همچنین به نظر می‌رسد که رابطه بین فرهنگ ایثار و شهادت با پیوند معنوی را بتوان بر اســـاس رویکرد همسویی محتوایی سازه‌ها تبیین نمـــود. فرهنگ ایثار و شهادت ازلحاظ محتوایی با پیوند معنوی دارای همسویی است. اولین همسویی محتوایی این‌که هر دو ماهیت معنوی دارند (هردو کار و ارتباطشان با خدای متعال است). یکی احســـاس پیوند با خالق هستی، انسان‌ها و دنیای اطراف (پیوند معنوی) و دیگری مبتنی بر جهاد در راه خدا و قیام کردن برای رضای خدا و خدایی شدن است به‌طوری‌که فرد حضور خداوند را احساس می‌کند و جان خویش را در راه ارزش‌ها و باورهای خود فدا می‌کند تا از این طریق به بالاترین وظیفه خود در قبال جامعه و اعتقادات خود عمل کرده باشد (فرهنگ ایثار و شهادت). چنین همسویی‌های محتوایی به‌خوبی قادر است تا موجب مستحکم‌تر شدن رابطه بین فرهنگ ایثار و شهادت با پیوند معنوی در کارکنان اداری شود. نکته بســـیار حائز اهمیت اینکه، فراتر از رابطه جداگانه و ساده فرهنگ ایثار و شهادت و پیوند معنوی با ســـرمایه روان‌شناختی که لازم است به آن توجه شـــود، الگوی یکپارچه و زنجیره‌ای (شـــکل ۲) رابطه بین فرهنگ ایثار و شهادت و پیوند معنوی با ســـرمایه

روان‌شناختی کارکنان اداری اســـت. الگوی یکپارچه ارائه‌شده حاکی از آن است که فرهنگ ایثار و شهادت بخشـــی از اثرات خود را بر سرمایه روان‌شناختی به‌طور غیرمستقیم و از طریق پیوند معنوی و بخش دیگر را به‌صورت مستقیم اعمال می‌کند. این یافته در درجه نخست حاکی از وقوع شکلی از رخدادهای واسطه‌ای پیوند معنوی بین (فرهنگ ایثار و شهادت ⟵ سرمایه روان‌شناختی) است. همچنین این بخش از یافته‌های پژوهش، علی‌رغم این‌که اگر در یک مدل خیلی ساده رابطه ساختاری فرهنگ ایثار و شهادت با سرمایه روان‌شناختی را بدون حضور واسطه‌ای پیوند معنوی موردبررسی قرار دهیم به روابط معنادار خواهیم رسید، ولی بدون تردید، رخداد واسطه‌ای پیوند معنوی برای رابطه فرهنگ ایثار و شهادت با سرمایه روان‌شناختی با پیروی از قاعده هم‌افزایی اثرات معنوی-روانی، بیش‌ازپیش و فراتر از توان تقویت‌کنندگی فرهنگ ایثار و شهادت برای سرمایه روان‌شناختی کارکنان اداری، سلامت روان آن‌ها را تقویت خواهد کرد. به زبان ساده‌تر، بدون تردید فرهنگ ایثار و شهادت تااندازه‌ای به‌طور مستقیم قادر به تقویت پیوند معنوی کارکنان اداری هســـت، ولی هم‌زمان و در مســـیری موازی نیز پس از تقویت پیوند معنوی کارکنان اداری، به‌صورت محسوس‌تری زمینه تقویت سرمایه روان‌شناختی را فراهم خواهد نمود. از طرف دیگر نیز یافته‌های این پژوهش این احتمال را مطرح می‌سازد که رابطه فرهنگ ایثار و شهادت و سرمایه روان‌شناختی به دلیل همسویی محتوایی سازه‌های معنوی، روانی از طریق سازه‌های مثبت نگر نظیر پیوند معنوی، با نیرومندی بیشتری به وقوع می‌پیوندد. وقتی فرد ازلحاظ روانی و معنوی در وضعیت خوش‌بینی، خودکارآمدی، تاب‌آوری و امیدواری خوبی قرار داشته باشد، توان معنوی ـ و روانی بالاتری نیز برای برقراری انسجام و سازگاری در معنا، هدف و ارزش‌های والای دنیایی و فرا دنیایی در زندگی خود خواهد داشت. به معنای دیگر فرهنگ ایثار و شهادت با افزایش سطح توانمندی معنوی و روانی افراد، آن‌ها را ازلحاظ معنوی در موقعیت مطلوب‌تری قرار خواهد داد. همین امر موجب پیوند بین فرهنگ ایثار و شهادت با رشد معنوی می‌شود. این نتیجه تأکیدی بر این مطلب است که پیوند روانشناسی، خصوصاً روانشناسی مثبت نگر پیوندی نزدیک و ناگسسته بافرهنگ معنوی جهاد و ایثار، معنویت و دین است و رشد اعتقادی و

معنوی افراد همراه با پیامدهای مثبتی همچون خودکارآمدی، امید، تاب‌آوری و خوش‌بینی است.

با توجه به یافته‌های این پژوهش که طی آن نشان داده شد فرهنگ ایثار و شهادت و پیوند معنوی دارای توان تقویت‌کنندگی برای سرمایه روان‌شناختی کارکنان هستند، لازم است برنامه‌های آموزشی فرهنگ ایثار و شهادت و پیوند معنوی در دستگاه‌های اجرایی برای کارکنان به وجود آید تا از آن طریق زمینه ارتقاء سرمایه روان‌شناختی و مؤلفه‌های آن برای کارکنان فراهم شود. پیشنهادها کاربردی معطوف به یافته‌های این پژوهش به نقش مدیریت فرهنگ ایثار و شهادت کارکنان از طریق تقویت فرهنگ ایثار و شهادت و پیوند معنوی مربوط می‌شود. به صورتی عملیاتی در حوزه مدیریت کارکنان به مدیران ادارات می‌توان توصیه نمود که با اتکاء بر نقش فرهنگ ایثار و شهادت برای پیوند معنوی و سرمایه روان‌شناختی کارکنان تحت نظر خود، لازم است تا نقش فرهنگ و روابط معنوی با دیگر همکاران، افراد و خداوند متعال را با برگزاری نشست‌های گروهی و دوستانه و انتقال تجارب مثبت کارکنان در مورد نقش معنویت فرهنگ ایثار و شهادت و پیوند معنوی برجسته ساخته و در کارکنان تحت امر خود آمادگی لازم را برای تشکیل گروه‌های دوستی و همیاری معنوی که گروه‌هایی داوطلبانه با هدف تقویت پیوند معنوی با انسان‌ها و خداوند متعال است را فراهم آورند. در پایان نیز لازم است به محدودیت‌های پژوهش ازجمله این‌که روش پژوهش حاضر توصیفی- مقطعی بوده و اینکه گروه نمونه پژوهش حاضر کارکنان دستگاه‌های اجرایی بوده‌اند، لذا در تعمیم نتایج به کارکنان بخشه‌ای دیگر باید احتیاط صورت گیرد. همچنین با در دسترس بودن نمونه پژوهش که می‌تواند تعمیم نتایج را با محدودیت مواجه کند باید توجه لازم و کافی بشود.

منابع و مأخذ

حبیب‌وند، علیمراد (۱۳۸۷). «رابطه جهت‌گیری مذهبی با اختلالات روانی و پیشرفت تحصیلی». فصلنامه **روان‌شناسی دین**. شماره ۳: ۱۰۷-۷۹.

حسن‌زاده رمضان (۱۳۸۲). **روش تحقیق علوم رفتاری. چاپ اول**؛ تهران، انتشارات ساوالان.

دباغی، پرویز (۱۳۸۸). «بررسی نقش معنویت و دین در سمت»، **مجله پژوهشگاه علوم پزشکی جمهوری ایران، ۵**(۱):۵-۱.

شریفی، فاطمه، زینب امین و سیاوش شیخ علی‌زاده (۱۳۹۹). «تبیین رابطه بین سرمایه‌های روان‌شناختی و رشد اعتقادی دانشجویان با نقش واسطه‌ای سبک زندگی اسلامی». مجله **سبک زندگی اسلامی با محوریت سلامت**. شماره ۱: ۲۵-۱۸.

شوفازی، محمدتقی و فرشاد کرمی (۱۳۹٤). «دین و سرمایه اجتماعی: مطالعه رابطه اجتماعی در اجتماعات دینی و سرمایه اجتماعی». **فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی ـ فرهنگی**. شماره ۱: ۱۲۱-۹۷.

عباس‌زاده، محمد و مجتبی میرزایی (۱۳۹٤) «بررسی نقش مداخله جویانه سرمایه اجتماعی و سرمایه روان‌شناختی در تأثیر فرآیند جامعه‌پذیری بر دینداری»، **دو فصلنامه علمی ـ پژوهشی دین و ارتباطات**، شماره ۷۷:۱- ۱۲۲.

کردنائیج، اسداله و فرشته خلیلی پالندی (۱۳۹۷) «تأثیر فرهنگ ایثار و شهادت بر سرمایه اجتماعی با میانجی‌گری باورهای دینی» **فصلنامه مدیریت اسلامی**، شماره ۳: ۵۸-۳۷.

کهنسال، مهدی و فاطمه محمدی (۱۳۹۸). «تأثیر سرمایه اجتماعی در ترویج فرهنگ ایثار و شهادت»، **چهارمین کنفرانس ملی رویکردهای نوین در آموزش و پژوهش.**

گل‌پرور محسن، اکرم احمدی و جوادیان زهرا (۱۳۹٤). «رابطه سرمایه فکری با بهزیستی روان‌شناختی و بهزیستی معنوی». **مجله پژوهشی روانشناسی**. شماره ۲: ۵۲-۳۰.

گل‌پرور مسن (۱۳۹۲). «مدل‌سازی رابطه بین پیوند معنوی و سرمایه روان‌شناختی با بهزیستی معنوی». **فصلنامه مدیریت پرستاری**، شماره ۲: ٤۰-۳۰.

موسوی مقدم، سید رحمت اله، مهناز فرضی و زهرا کوچکی (۱٤۰۰). «بررسی الگوی رابطه‌ای سرمایه روان‌شناختی، معنویت و بهزیستی روان‌شناختی در دانشجویان». **مجله مطالعات اسلامی در سلامت**، شماره ٤: ٥٨–٤٩.

موسی‌پور، نعمت‌اله (۱۳۹۱). ترویج فرهنگ ایثار و شهادت به کمک برنامه درسی در دوره ابتدایی. **فصلنامه تحقیقات فرهنگی** ۳: ۱۲٦–۱۰۳.

میرزایی، حسین؛ مجتبی میرزایی و لاله فتحی (۱۳۹۷). «بررسی رابطه بین ابعاد دینداری و سرمایه روان‌شناختی (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه تبریز)». فصلنامه علمی – پژوهشی پژوهش‌های جامعه‌شناختی معاصر. شماره ۱۲: ۲۱–۱.

میرزایی، خداداد و نادر سلیمانی (۱٤۰۱). «تحلیل عامل اکتشافی، تائِیدی و همسانی درونی پرسشنامه محقق ساخته فرهنگ ایثار و شهادت در پرستاران بیمارستان‌های اصفهان». **دو فصلنامه شاهد اندیشه.** شماره ۱: ۱۸۱–۱۵۳.

هدایتی، بنت‌الهادی و مریم‌السادات فاتحی‌زاده و احمد آکوچکیان (۱۳۸۷) «بررسی تأثیر آموزش والدین محور بر عزت نفس نوجوانان». **دو فصلنامه تربیت و روانشناسی. شماره** ۲: ۱۳۱–۱۱٤.

Avey, J. B. Luthans, F. & Youssef, C. M. 2010. The additive value of psychological capital i predicting workplace attitudes and behaviors. Journal of Management, 38(2), 430-452.

Avey, J.B. Luthans, F. Smith, R.M. Palmer, N.F. 2010. Impact of positive psychological capital on employee well-being over time. Journal of Occupational Health Psychology 15(1), 17–28.

Avey, J.M. Luthans, F. & Jensen, S.M. 2009. Psychological capital: A positive resource for combating employee stress and turnover. Human Resource Management, 48(5), 677–693.

Bahadri Khosrow Shahi, Jafar et al.(2019) The relationship between psychological capital and social capital of Tabriz University students- **Health Research Journal** 2(1):153-145.

Baldacchino D. Teaching on spiritual care: the perceived impact on qualified nurses. Nurse Education in Practice. 2011; 11(1): 47-53.

Bell A, Rajendran D, Theiler S. Spirituality at work: An employee stress intervention for Academics? International **Journal of Business & Social Science** 2012; 3 (11): 68-82.

Epley Jennifer (2010). Religion and Politics in Contemporary Indonesia. A dissertation submitted in partial fulfillment of the requirements for the degree of Doctor of Philosophy (Political Science) in The University of Michiga

Erez, A. & Judge, T. (2001). Relationship of core self-evaluation to goal setting, motivation, and performance. **Journal of applied psychology**, 86(6), 1270-1279.

Feig E, Healy B, Celano C, et al. Positive psychology interventions in patients with medical illness: What predicts improvement in psychological state? Int J Wellbeing. 2019;9(2):27–40.

Fisher J. The four domains model: Connecting spirituality, health and well-being. Religion. 2011; 2(1): 17-28.

Gilbert P. Seeking inspiration: The rediscovery of the spiritual dimension in health & social care in England. Mental Health, Religious & Culture. 2010; 13(6): 533-46.

Hoe, S. L. (2008). Issues and procedures in adopting structural equation modeling technique. **Journal of applied quantitative methods**, 3(1), 76-83.

Hooper D, Coughlan, J, Mullen MR. Structural equation modeling: Guidelines for determining model fit. Electronic Journal of Business Research Methods. 2008; 6 (1): 53-60.

Hooper D, Coughlan, J, Mullen MR. Structural equation modeling: Guidelines for determining model fit. **Electronic Journal of Business Research Methods**. 2008; 6 (1): 53-60.

Judge, T. & Bono, J. (2001). Relationship of core self-evaluation traits- self-esteem, generalized self-efficacy, Locos of control and emotional stability- with job satisfaction and job performance: A metaanalysis. **Journal of applied psychology**, 86, 80-92.

Kanas, A. Scheepers, P. and Sterkens, C. (2015). **Interreligious contact and out-group trust: Findings from conflict and non-conflict regions in Indonesia and the Philippines.** Sterkens, CJA; Vermeer, PADM (ed.), Religion, migration and conflict, 121- 146.

Kinjerski V, Skrypnek BJ. Measuring the intangible: Development of the spirit at work scale. Paper Presented at the Sixtyfifth Annual Meeting of the Academy of Management, Atlanta, GA. 2006.

Koren ME, Papadimitriou C. Spirituality of staff nurses: application of modeling and role modeling theory. Holistic Nursing Practice. 2013; 27(1): 37–44.

Koren ME, Papadimitriou C. Spirituality of staff nurses: application of modeling and role modeling theory. Holistic Nursing Practice. 2013; 27(1): 37–44.

Luthans, F. (2002). The need for and meaning of positive organizational behavior. **Journal of organizational behavior**, 23,695-706.

Luthans, F. Youssef, C. M. & Avolio, B. J. 2007. Psychological capital. New York: Oxford University Press.

Moussalli, S. (2015). A Blood Wedding: Hezbollah's shuhada and its Culture of Martyrdom. (PH. d Thesses), American University of Beirut, Faculty of Arts and Science Department of Political Studies.

Nguyen, T. D. Trang, T. & Nguyen, M. 2012. Psychological capital, quality of

work life and quality of life of marketers: Evidence from Vietnam. **Journal of Macro-marketing**, 32(1), 87-95.

Parker, C. Baltes, B. Yong, S. Huff, J. Altman, R. locust, & H. Robert, J. (2003). Relationship between psychological climate perception and work outcomes: a Meta analytic review. **Journal of organizational behavior**, 24, 389-416.

Peterson SJ, Byron K. Exploring the role of hope in job performance: Results from four studies. Journal of Organizational Behavior. 2007; 29(6): 785–803.

Richardson, C. and Rammal, H. G. (2017). Religious Belief and International Business Negotiations: Does Faith Influence Negotiator Behaviour? International Business Review. 3: 1-10.

Rolston, B. (2017). When Everywhere is Karbala: Murals, Martyrdom and Propaganda in Iran. Memory Studies, 1750698017730870.

Schumacher, J. Lomax, Richard A. (2008). An introduction to structural equation modeling. Translated by Vahid Ghasemi. First edition, Tehran: Sociologists Publications. (The year of publication of the work in the original language, 2004).

Sessanna, L, Finnell, D, Jezewski, M. Spirituality in nursing and health related literature. **Journal of Holistic Nursing**. 2007; 25(4): 252-62.

Sivo, S. A. Fan, X. Witta, E. L. &Willse, J. T. (2006). The search for "optimal" cutoff properties: Fit index criteria in structural equation modeling. **The Journal of experimental education**, 74(3). 267- 288.

Ucol-Ganiron, T. 2012. The additive value of psychological capital in predicting structural project success and life satisfaction of structural engineers. International **Journal of Social Science and Humanity**, 4(2), 291-295.

Wolpert N. Blessing of the hands. Nursing Management. 2010; 41(5): 28-30.

Youssef CM, Luthans F. Positive organizational behavior in the workplace: The impact of hope, optimism, and resiliency**. Journal of Management**. 2007; 33(5): 774–800.

دو فصلنامه شاهد اندیشه / دوره سوم/ شماره ۲ / پیاپی ٦/ پاییز و زمستان ۱٤۰۱/ ۱۷۹-۱۵۵
Two Journal Of Shahede Andisheh Autumn & Winter 2022: 155-179

تأثیر فرهنگ ایثار و شهادت بر توسعه اخلاق حرفه‌ای در آموزش‌وپرورش شهر تهران

رقیه مهری[۱]، احمدعلی قانع[۲]

چکیده

هدف مقاله پیش‌رو، شناخت میزان تأثیر فرهنگ ایثار و شهادت بر توسعه اخلاق حرفه‌ای در آموزش‌وپرورش شهر تهران است که با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده و فرمول کوکران تعداد ۱۹٦ نفر از افراد این جامعه انتخاب شدند. روش پژوهش بر اساس هدف؛ کاربردی و ازلحاظ ماهیت؛ توصیفی ـ پیمایشی است. روش جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای و میدانی و ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه ایثار و شهادت به تعداد ۱۳ سؤال (با ابعاد؛ خدامحوری، مردم‌داری، عمل صالح، عدم تعلق به دنیا) و پرسشنامه اخلاق حرفه‌ای کادیورز (۲۰۱۷) به تعداد ۲۲ سؤال است. یافته‌های پژوهش با استفاده از آزمون همبستگی و رگرسیون نشان داد که فرهنگ ایثار اجتماعی و ابعاد آن بر توسعه اخلاق حرفه‌ای در کارکنان آموزش‌وپرورش شهر تهران تأثیر معنادار دارد. به عبارتی با تقویت فرهنگ ایثار و شهادت و ابعادی مثل خدامحوری، مردم‌داری، عمل صالح و عدم تعلق به دنیا و آخرت‌گرایی می‌توان شاهد توسعه اخلاق حرفه‌ای در کارکنان آموزش‌وپرورش شهر تهران بود.

واژگان کلیدی

فرهنگ ایثار و شهادت، خدامحوری، مردم‌داری، عمل صالح، عدم تعلق به دنیا، توسعه اخلاق حرفه‌ای.

تاریخ دریافت: ۱٤۰۱/۰٦/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱٤۰۱/۰۸/۱۱

۱. کارشناس ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی (نویسنده مسئول) rmehri110@gmail.com
۲. دانشیار دانشکده الهیات، معارف اسلامی و ارشاد دانشگاه امام صادق (ع) 4ghane@gmail.com

مقدمه

اندیشیدن و تصمیم‌گیری جامعه بر اساس فرهنگی است که بر ذهن آن‌ها حاکم است. فرهنگ شکل‌دهنده به ذهن و رفتار عمومی جامعه است (ابراهیمیان، ۱۳۹۰: ۱۲۱). فرهنگ ایثار و شهادت مجموعه‌ای از اعتقادات و آموزه‌هایی است که باعث شکل‌گیری روحیه شجاعت، مبارزه و جهاد در راه خداوند متعال و نهایتاً کشته شدن در راه عقیده و ایمان می‌شود. به عبارتی ترویج ارزش‌ها و هنجارهای بذل و بخشش تا مرتبه جان، آداب‌ورسوم، ازخودگذشتگی، جان‌فشانی شهدا و ایثارگران برای توسعه ارزش اجتماعی انسان‌ها به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم با ایجاد تغییر ملموس در جامعه را ترویج فرهنگ ایثار و شهادت گویند (مسعودی و همکاران، ۱۳۹۵: ۸۹).

برای شکل‌گیری فرهنگ ایثار و شهادت به مؤلفه‌ها و شاخص‌هایی نیاز است که از مکاتب و آیین هر ملت و قومی نشأت می‌گیرد (رسالت، ۱٤۰۰: ٤۳). فرهنگی که بیانگر معیارها، ارزش‌ها و ضابطه‌ها و نمایشگر مبانی است که بدون فهم، درک و تفسیر مکاتب آن ملل میسر نیست. هویت و حیات انسان به فرهنگ گره خورده است. انسان‌ها در طول حیات خود بافرهنگ زندگی می‌کنند.

فرهنگ ایثار و شهادت؛ مجموعه‌ای پیچیده از خصوصیات اصلی، فکری و غیرمادی است که به‌عنوان شاخص جامعه و گروه اجتماعی مطرح می‌شود. فرهنگ شهادت که در اصطلاح به آن مرگ قهرمانانه گفته می‌شود، به معنای ساختار اجتماعی و فردی آموخته شده‌ای است که در ارتباط با یک گروه اجتماعی و بر اساس باورها و اعتقادات مذهبی پیروی می‌شود. به عبارتی، فرهنگ ایثار و شهادت به معنای آن است که فرد با عنایت به حضور خداوند و با دارا بودن ارزش‌های والای انسانی و معنوی، جان خویش را در راه ارزش‌ها و باورهای خود فدا می‌کند تا از این طریق به بالاترین وظیفه خود در قبال جامعه و اعتقادات خود عمل کرده باشد. ازاین‌رو، فرهنگ ایثار و شهادت به‌عنوان فلسفه یا نگرشی از زندگی تعبیر می‌شود، گرچه ذاتش مرگ است (خوش‌قدم خو، ۱۳۹۱: ۱۱٦).

اخلاق حرفه‌ای یکی از متغیرهایی است که می‌توان آن را با فرهنگ ایثار و شهادت مرتبط دانست. اخلاق به معنای شناخت صحیح از ناصحیح است که اندیشمندان و مربیان و مدیران به دلیل نتایج فردی، سازمانی و اجتماعی مثبت اخلاق به آن توجه زیادی کرده‌اند. رویکرد دنیای امروز بازگشت به اخلاق و عقلانیت است و بیشتر به حرفه‌هایی مربوط می‌شود که به نحوی در ارائه خدمت به انسان‌ها پیشتاز هستند. سازمان‌های مختلف به دنبال تربیت انسان‌هایی هستند که بتوانند در جامعه جهانی به دور از تعصب و کوته نگری‌ها زندگی کنند، معتقد به اخلاقیات و ارزش‌های متعالی باشند و به حقوق و آزادی دیگران احترام بگذارند (نیازآذری، ۱۳۹۳: ٣٤). اخلاق حرفه‌ای مجموعه‌ای از اصول و استانداردهای سلوک بشری است که رفتار افراد و گروه‌ها را تعیین می‌کند. در حقیقت اخلاق حرفه‌ای فرایند تفکر عقلانی است که هدف آن تعیین ارزش‌های سازمان است.

در حقیقت بر مبنای تعاریف مطرح‌شده می‌توان این‌گونه استنباط نمود که فرهنگ ایثار که به‌نوعی به مفاهیمی مثل خدامحوری و نوع دوستی ثمر دارد و اخلاق حرفه‌ای که به معیارهای برای تفکر عقلایی در برخورد با مردم اشاره دارد می‌تواند با یکدیگر مرتبط باشد؛ یعنی با توسعه فرهنگ ایثار که در جوامع امروزی کمرنگ است به توسعه ویژگی‌های اخلاقی در جامعه و به‌خصوص در حرفه و شغل به‌منظور خدمت‌رسانی به هم نوع اقدام نمود.

نهاد آموزش‌وپرورش به‌عنوان یک مجموعه آموزشی نقش برجسته‌ای در توسعه فرهنگ مطلوب در جامعه دارد. هدف کلی آموزش‌وپرورش در هر جامعه‌ای این است که هر فرد را طبق الگوی اعتقادات و ارزش‌های فرهنگی، دینی، اجتماعی و سیاسی، خود تربیت کند و انسانی متناسب و شایسته آن جامعه تحویل دهند. بر همین اساس هر جامعه‌ای از انسان مطلوب خود تصوری دارد و غایت معینی برای آموزش‌وپرورش قائل است. ازاین‌رو برای تعیین اهداف، مستلزم ملاحظات فلسفی، دینی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است و نظام آموزشی مهم‌ترین عنصر در انتقال ارزش‌های دینی در جامعه محسوب می‌شوند (خوش‌قدم خو، ۱۳۹۱: ۱۷۱). به عبارتی تربیت نسل آینده درگرو پایبندی منابع انسانی نهاد آموزش‌وپرورش به ارزش‌ها و اصول انسانی و اسلامی است. با توجه به رسالت و مأموریت وزارتخانه آموزش‌وپرورش در خصوص تربیت و پرورش انسان‌ها، در کنار اهداف گسترده‌ای

که بر عهده دارد، یکی از اهداف مهم آن ایجاد و تقویت روحیه اخوت اسلامی و تعاون عمومی و انفاق و ایثارمی باشد. شاید بتوان بیان نمود یکی از مسائل مهم در این مجموعه توجه به فرهنگ ایثار و شهادت است که باید در ایجاد و تقویت آن فرهنگ‌سازی لازم را در بین کارکنان خود ایجاد نماید تا از این طریق به رشد و توسعه رفتارهای اخلاقی و انسانی در این سازمان کمک کند. در بین دسته‌بندی‌هایی که در مورد رفتار اخلاقی (اخلاق شغلی، سازمانی، حرفه‌ای و اجتماعی و غیره) مطرح است، اهمیت اخلاق حرفه‌ای در این مقاله مدنظر می‌باشد، زیرا توسعه فرهنگ ایثار و شهادت می‌تواند رفتار اخلاقی افراد را در حوزه شغلی آن‌ها بهبود بخشد؛ بنابراین محقق در این مقاله به دنبال این است که تأثیر فرهنگ ایثار و شهادت را بر توسعه اخلاق حرفه‌ای در بین کارکنان وزارت آموزش‌وپرورش تبیین نماید.

پیشینه پژوهش

قاسم‌پور، خلیلی، یاسینی‌فرد (۱۳۹۸) پژوهشی با عنوان «اثرات فرهنگ ایثار و شهادت بر رفتار شهروندی با نقش میانجی سرمایه اجتماعی در بین کارکنان دانشگاه ایلام» انجام دادند. روش تحقیق کاربردی از نوع توصیفی ـ پیمایشی بود. یافته‌های این تحقیق نشان داد که فرهنگ ایثار و شهادت همراه با ابعاد آن (مردم‌داری، خدامحوری، عمل صالح و عدم تعلق به دنیا) هم به‌طور مستقیم و هم از راه تقویت سرمایه اجتماعی بر رفتار شهروندی تأثیر دارد.

کردناییج و خلیلی (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان تأثیر فرهنگ ایثار و شهادت بر سرمایهٔ اجتماعی با نقش میانجی باورهای دینی در بین دانشجویان دانشگاه تهران با روش پژوهش کاربردی به این نتیجه رسیدند که فرهنگ ایثار و شهادت بر باورهای دینی تأثیر دارد و باورهای دینی بر تقویت سرمایهٔ اجتماعی می‌تواند تأثیرگذار باشد. علاوه بر این فرهنگ ایثار و شهادت به‌طور مستقیم بر سرمایهٔ اجتماعی نیز اثرگذار است. به‌علاوه باورهای دینی با سرمایهٔ اجتماعی به‌عنوان نوعی ثروت و دارایی اجتماعی نهفته تلقی می‌شود که به آمادگی روحی ـ روانی افراد یک جامعه برای صرف نظرکردن از منافع شخصی و درگیرشدن در عمل جمعی منجر خواهد شد.

شاه نوروزی، اسماعیلی، امام‌جمعه (۱۳۹٦) در پژوهشی با عنوان عوامل مؤثر بر ارتقاء اثربخشی شیوه‌های ترویج فرهنگ ایثار و شهادت با استفاده از روش پژوهش کیفی به این نتیجه رسیدند که کیفیت‌بخشی به آثار ترویجی فرهنگ ایثار و شهادت با ۸۹/۳ درصد بالاترین میانگین و را در بین مؤلفه‌های مؤثر داراست و واقع‌گرایی در تولیدات و توجه به آثار تولیدی برای کودکان و نوجوانان، بهره‌گیری از هنر و تحول و خلاقیت در شیوه‌ها در رده‌های بعدی قرار دارد.

کاظمی، غفاری و کشاورزشکری (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان بررسی مؤلفه‌های جمعی فرهنگ ایثار و شهادت در خاطرات آزادگان دفاع مقدس به‌مثابه سرمایهٔ اجتماعی با روش پژوهش کیفی تحلیل اسنادی به این نتیجه رسیدند که فرهنگ ایثار و شهادت به‌عنوان فرهنگ غنی مبتنی بر تعالیم تشیع به‌عنوان سرمایهٔ اجتماعی مشتمل بر مؤلفه‌های رفتار جمعی مثبتی است که موجب انسجام، تقویت روحیه مشارکت و همکاری و ایجاد و رشد شبکه‌های انسانی می‌شود که مصادیق و شواهد زیادی از آن را درباره آزادگان می‌توان در سخت‌ترین شرایط در اردوگاه‌های دشمن بیان کرد. از بین این مؤلفه‌ها که ایجادکننده سرمایهٔ اجتماعی هستند می‌توان به: ارشاد، حسن سلوک و اخوت ایمانی از طریق رشد شاخص‌های سرمایهٔ اجتماعی اشاره کرد.

میرطاووسی (۱۳۹٤) پژوهشی با عنوان «نقش معنویت سازمانی در بهبود اخلاق حرفه‌ای در سازمان بنیاد شهید و امور ایثارگران چهارمحال بختیاری» انجام دادند. روش تحقیق توصیفی پیمایشی و از نظر هدف کاربردی بود. یافته‌های پژوهش نشان داد که مؤلفه‌های ایمان به خدا، سلامت اداری، تعهد و مسئولیت‌پذیری، انضباط کاری، ادب و احترام رعایت عدالت، انتقاد پذیری و رسیدن به اهداف سازمانی به‌طور معنی‌داری در بهبود اخلاق حرفه‌ای در سازمان نقش دارند.

مبانی نظری پژوهش

در فرهنگ دهخدا ایثار به معنای بذل و بخشش، برتری داشتن دیگری بر خود، گذشت از حق خود برای دیگران، تقدم نفع رساندن به دیگران نسبت به منفعت خود است (دهخدا، ۱۳۹۷).

ایثار در لغت به معنای برگزیدن، غرض دیگران را بر غرض خویش مقدم داشتن و مانند آن است. به عبارتی، ایثار به معنای ازخودگذشتگی و ترجیح برتری دادن به آنچه مطلوب دیگران است. بدین معنا که یک انسان با اعتقاد، در راه اعتلای اسلام و پایداری در راه اقامه شعائر دینی و دفاع از ارزش‌های مقدس و برافراشتن پرچم توحید، با تمام امکانات مادی و معنوی خود تلاش کرده و حتی از بذل جان و مال خویش در راه حفظ و حراست از هدف مقدس، دریغ نورزد و تکامل خود را با مروری بر منابع دینی درمی‌یابد. ایثار، دارای مراتب و درجات گسترده‌ای است، از ایثار در مال به معنای ازخودگذشتگی در اموال گرفته تا عالی‌ترین مرتبه ایثار که همان ایثار جان و جهاد در راه خدا است (موسی‌پور، ۱۳۹۱: ۱۱۲). ایثار به معنای تفصیل، محبت و گرامی داشتن دیگری، فضل، بزرگی و ازخودگذشتگی است (عباسیان، ۱۳۹٤: ۱۲۱).

ایثار مانند مسئولیت اجتماعی از معیارهای درونی نشأت می‌گیرد و از همدلی ناشی می‌شود (نوئین و همکاران، ۱۳۹۳). ایثار به‌عنوان سرمایهٔ ارتباطی ابتدا در خانواده رشد و تکوین می‌یابد و سپس در اجتماع تقویت می‌گردد. بنابراین ایثار در بطن یک رابطه ناب و اصیل انسانی شکل می‌گیرد که با شکل‌گیری و غلبه این نوع تمایل دامنه و تداوم روابط دگرخواهی و نوع دوستی در ورای اجتماعات طبیعی (خانواده، دوستان و نزدیکان) بیشتر می‌شود و توسعه این روابط به ارتباطات بین فردی و زندگی اجتماعی قوام می‌بخشد. حیات اجتماعی محصول تعامل کنشگرانی است که زندگی و وجود انسانی آنان در بستر زندگی اجتماعی تبلور می‌یابد و تمام وجودشان معطوف به دیگران می‌گردد. رواج ایثار در سطح جامعه باعث خروج انسان‌ها از انزوا و خلوت محض می‌شود و با افزایش دامنه جذب و رواج ارزش‌های عام، نوعی وحدت و مدارا به همراه می‌آورد که در درون آن موجودیت انسان‌ها و گروه‌های متفاوت حفظ می‌گردد. رفتارهای ایثارگرایانه در زمره رفتارهای دگردوستانه و اخلاقی قرار می‌گیرند که در هر جامعه یکپارچگی بین اجزاء مختلف جامعه را فراهم می‌نمایند و مهم‌ترین عامل در پیوند اجتماعی، روابط بین شخصی و تقویت‌کننده حیات اجتماعی هستند.

بشر از دیرباز تاکنون برای زندگی مرفه‌تر و پیش بردن اهداف خود بر اساس مقتضیات زمانی و مکانی شاخص‌ها و مؤلفه‌هایی را برای خود پیش‌بینی کرده است که یکی از نتایج آن

هموارتر شدن مسیر زندگی بشر در ابعاد مختلف است. انسان‌ها با روی آوردن به زندگی اجتماعی برای مقابله صحیح با حوادث و خطرات قوانینی را وضع کرده‌اند که بر اساس آن نیازهای حال و آینده خود را تأمین نمایند؛ اما به‌غیراز قوانین، عرف جامعه نیز به‌عنوان یک عامل مؤثر در این امر نقش بسزایی را ایفا می‌کند.

فرهنگ ایثار و شهادت جزء برترین مفاهیم الهی و از والاترین ارزش‌هایی است که یک فرد متعهد و پای بند به ملاک‌های انسانی و اخلاقی می‌تواند به آن مقام دست یابد (غلامی علوی، ۱۳۹۳: ۹). به عبارتی مجموعه‌ای از اعتقادات و باورهایی که موجب وصل انسان به والاترین درجه کمال یعنی مرگ آگاهانه می‌شود را فرهنگ ایثار و شهادت تعریف می‌کنند (غفاری هشجین و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۷).

رواج ایثار در سطح جامعه باعث خروج انسان‌ها از انزوا و خلوت محض می‌شود و با افزایش دامنه جذب و رواج ارزش‌های عام، نوعی وحدت و مدارا به همراه می‌آورد که در درون آن موجودیت انسان‌ها و گروه‌های متفاوت حفظ می‌گردد. رفتارهای ایثارگرایانه در زمره رفتارهای دگر دوستانه و اخلاقی قرار می‌گیرند که در هر جامعه یکپارچگی بین اجزاء مختلف جامعه را فراهم می‌نمایند و مهم‌ترین عامل در پیوند اجتماعی، روابط بین شخصی و تقویت‌کننده حیات اجتماعی هستند.

برای شکل‌گیری فرهنگ ایثار و شهادت به مؤلفه‌ها و شاخص‌هایی نیاز است که از ارزش‌های اسلامی نشأت گرفته باشد و این ارزش‌ها از سه مبنای توحید، معاد و عدل حاصل می‌شوند. تأکید بر این سه اصل به خاطر این است که دو اصل نبوت و امامت در توسعه فرهنگ ایثار و شهادت نقش دارد. اصل توحید در شکل‌گیری مؤلفه خدامحوری نقش دارد. در اصل معاد؛ توجه به آخرت‌گرایی و زندگی بعد از مرگ مفهوم ایثار و شهادت را معنا می‌کند. مؤلفه‌هایی چون عدم تعلق به دنیا، عمل صالح و پرهیزگاری از اصل معاد حاصل می‌شود. اصل عدل نیز بر محوریت حکومت شیعه معنا می‌شود؛ بنابراین مجموع این سه اصل باعث شکل‌گیری مؤلفه‌های فرهنگ ایثار و شهادت می‌شود (قاسم‌پور، ۱۳۹۸: ۱۰۱).

اخلاق حرفه‌ای

علم اخلاق دانشی است که از صفات و افعال اختیاری انسان و ملکات نیک و بد که در رسیدن انسان به کمال انسانی‌اش نقش دارد و نیز روش به دست آوردن صفات نیک و دفع و رفع صفات بد هر دو بحث می‌کند (محمدتقی مصباح یزدی، ۱۳۷٤: ۱۱). اخلاق یعنی مسئولیت‌پذیری در قبال حقوق افراد و ذی‌نفعان؛ بنابراین سخن اخلاقی شدن یک‌نهاد یا سازمان به معنای حاکم شدن اخلاق حرفه‌ای بر آن نهاد یا سازمان که هم پیامد انسانی و هم نفع اقتصادی بلندمدت به همراه دارد.

کارکنان سازمان‌ها ترجیح می‌دهند که در سازمان‌هایی اشتغال داشته باشند که از محیط اخلاقی برخوردار باشند. درصورتی‌که سازمان‌ها به اخلاق سازمانی و حرفهٔ توجه نکنند با مشکلات زیادی مثل فساد اداری، رشوه، اهمال‌کاری در کار و... مواجه می‌شوند.

اخلاق حرفه‌ای شاخه‌ای از اخلاق کاربردی است که به مباحث اخلاقی در حرفه می‌پردازد صاحبان حرفه از دانش اخلاق دو توقع دارند .بیان نظام‌مند مسئولیت‌های اخلاقی در حرفه و تشخیص دقیق و حل اثربخش مسائل اخلاقی حرفه. در اخلاق حرفه‌ای دو رهیافت سنتی و جدید وجود دارد (هدایتی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۳۷).

رهیافت سنتی، روی آورد مدیریت منابع انسانی به اخلاق حرفه‌ای است که بر مسئولیت اخلاقی افراد در مشاغل و حرف حصر توجه می‌کند و رهیافت جدید که در دهه‌های اخیر رواج یافته است رویکرد مدیریت استراتژیک به اخلاق حرفه‌ای است .در این رهیافت، به مسؤولیت پذیری سازمان با نگرش دستگاهی توجه می‌شود .اخلاق حرفه‌ای از رشته علمی فراتر رفته و گستره معرفتی وسیعی را به میان آورده است. اخلاق حرفه‌ای برحسب تنوع حرف، دامنه بسیار وسیعی دارد :مانند اخلاق پزشکی، اخلاق آموزش‌وپرورش، اخلاق پژوهش و (قراملکی، ۱۳۸٦).

درحقیت اخلاق حرفه‌ای فرایند تفکر عقلایی است که هدف آن محقق کردن این امر است که در سازمان‌ها چه ارزش‌هایی باید حفظ و اشاعه یابد. اخلاق حرفه‌ای تأثیر چشم‌گیری بر

فعالیت‌ها و نتایج سازمان دارد؛ و بهره‌وری را افزایش مسی دهد، ارتباطات را بهبود می‌بخشد و جریان اطلاعات به‌راحتی گردش می‌یابد (معصومی، ۱۳۸٦: ٤٥).
یکی از صاحب‌نظران به نام زیونتس مؤلفه‌های اخلاقِ حرفه‌ای را به استقلال حرفه‌ای اخلاق علمی، خودفهمی حرفه‌ای، بی‌طرفی و عدالت محوری، فراتر از مفهوم معیشی بودن دسته‌بندی کرده است.

اخلاق حرفه‌ای به‌طور ذاتی از مسئولیت فرد در قبال رفتار خود به‌عنوان یک فرد انسانی و حتی مسئولیت فرد در قبال رفتار شغلی بحث نمی‌کند. بلکه از مسئولیت سازمان به‌عنوان یک واحد حقوقی در قبال همه عناصر محیط داخلی و خارجی سازمان بحث می‌کند (نصیری ولیکبنی و نویدی، ۱۳۹٤). کارکنان ترجیح می‌دهند در سازمان‌های حرفه‌ای فعالیت کنند زیرا یک محیط اخلاقی ناشی از حرفه بودن باعث کاهش عوامل ناخوشایند در کار گروهی و افزایش رضایت شغلی و روابط مناسب بین مدیران و کارکنان می‌شود (نیازآذری، ۱۳۹۳). درواقع نقش اخلاق به‌عنوان یک دانش ویژه برای کاهش ناراحتی‌های اجتماعی، مسئولیت قانونی افراد جهت رعایت اصول اخلاقی در نظر گرفته شده است که بر این اساس ابعاد اخلاق حرفه‌ای در سطح سازمان بر مبنای نظر کادیورز عبارت از: مسئولیت‌پذیری، برتری‌جویی و رقابت‌طلبی، صادق بودن، احترام به دیگران، احترام به ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی، رعایت عدالت و انصاف، همدردی با دیگران، وفاداری، تعهد است (رادمرد، ۱۳۹٦: ۱٤۲). بر مبنای مبانی نظری و پیشینه تحقیق می‌توان چارچوب نظری مقاله پیش‌رو را درزمینهٔ متغیر فرهنگ و ایثار بر مبنای پژوهش قاسم پور و همکاران (۱۳۹۸) و اخلاق حرفه‌ای را بر مبنای نظر کادیورز (۲۰۱۷) قرار داد و فرضیه‌های تحقیق را به‌صورت زیر بیان نمود:

فرضیه اصلی: فرهنگ ایثار و شهادت بر توسعه اخلاق حرفه‌ای در کارکنان آموزش‌وپرورش شهر تهران تأثیر معناداری دارد.

فرضیه فرعی ۱. عمل صالح و پرهیزگاری بر توسعه اخلاق حرفه‌ای در کارکنان آموزش‌وپرورش شهر تهران تأثیر معناداری دارد.

فرضیه فرعی ۲. مردم‌داری بر توسعه اخلاق حرفه‌ای در کارکنان آموزش‌وپرورش شهر تهران تأثیر معناداری دارد.

فرضیه فرعی ۳. عدم تعلق به دنیا بر توسعه اخلاق حرفه‌ای در کارکنان آموزش‌وپرورش شهر تهران تأثیر معناداری دارد.

فرضیه فرعی ٤. خدامحوری بر توسعه اخلاق حرفه‌ای در کارکنان آموزش‌وپرورش شهر تهران تأثیر معناداری دارد.

روش پژوهش

روش پژوهش مقاله پیش‌رو بر اساس هدف؛ کاربردی و بر مبنای ماهیت؛ توصیفی- پیمایشی است. جامعهٔ آماری تحقیق کارکنان مدارس متوسطه آموزش‌وپرورش (مسئولان اداری) در منطقه غرب در شهر تهران به تعداد ۳۲۰ نفر است. با توجه به تعداد کارکنان، بر مبنای جدول مورگان تعداد ۱۷۵ نفر و با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. روش گردآوری اطلاعات به‌صورت کتابخانه‌ای و میدانی است. در روش کتابخانه‌ای با مراجعه به کتاب‌ها و مقاله‌ها مبانی نظری تحقیق تکمیل شد. در روش میدانی پرسشنامه فرهنگ ایثار اجتماعی از غفاری هشجین و همکاران (۱۳۹٦) به تعداد ۱۳ سؤال و پرسشنامه اخلاق حرفه‌ای از کادیورز به تعداد ۲۲ سؤال طراحی گردیده است. روایی ابزار اندازه‌گیری؛ روایی سازه و پایایی آن بر اساس آزمون آلفای کرونباخ ۰/۹۵۷ مشخص شد که نشان‌دهنده قابلیت اعتماد ابزار اندازه‌گیری است. در تجزیه‌وتحلیل داده‌ها در دو سطح آمار توصیفی (توزیع فراوانی متغیرها، جداول و...) و آمار استنباطی از آزمون نرمال بودن داده‌ها و آزمون رگرسیون استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

در تجزیه‌وتحلیل داده‌ها از آمار توصیفی و آمار استنباطی استفاده شد. در بخش آمار توصیفی نتایج نشان داد که ازنظر جنسیت ٦۵ درصد پاسخگویان مرد و ۳۵ درصد زن هستند. ازنظر سابقه کاری ٦۷/۷ بیش از ۱۱ سال سابقه فعالیت دارند. ازنظر سن بیشتر افراد در بازه سنی ٤۰-۳۰ هستند. در بخش آمار استنباطی ابتدا از آزمون نرمال بودن داده‌ها استفاده شد که نشان

از نرمال بودن متغیرهای پژوهش داشت. در گام دوم برای بررسی پاسخ‌ها از آزمون همبستگی و رگرسیون استفاده شد که در ادامه مطرح می‌گردد.

فرضیه اول: عمل صالح و پرهیزگاری بر توسعه اخلاق حرفه‌ای در کارکنان آموزش‌وپرورش شهر تهران تأثیر معناداری دارد.

آزمون همبستگی پیرسون نشان داد که در سطح ۹۹ درصد اطمینان بین دو متغیر ارتباط مثبت وجود دارد. برای آزمودن این فرضیه از آزمون رگرسیون استفاده می‌شود.

جدول ۱. جدول ANOVA برای فرضیه فرعی اول

	Sum of Squares	df	Mean Square	F	Sig.
Regression	٥/٧٢٤	١	٥/٧٢٤	٩/٨٤٢	.٠٠٢
Residual	٤٤/٧٨١	١٧٤	.٥٨٢		
Total	٥٠/٥٠٤	١٧٥			
متغیر مستقل: عمل صالح و پرهیزگاری					

نتایج آزمون ANOVA در رگرسیون خطی ساده در سطح تشخیص ٥ درصد خطا و اطمینان ۹٥ درصد با مقدار sig

۰,۰۰۲ حاکی از رابطه خطی بین این دو متغیر است؛ بنابراین باید از آزمون رگرسیون خطی ساده برای بررسی این فرضیه استفاده شد.

جدول ۲. اطلاعات مدل رگرسیون خطی ساده در فرضیه فرعی اول

Model Summary			
R	R Square	Adjusted R Square	Std. Error of the Estimate
.٣٣٧	.١١٣	.١٠٤	.٧٦٤
متغیر مستقل: عمل صالح و پرهیزگاری			

اطلاعات مدل رگرسیون خطی ساده در سطح تشخیص ٥ درصد خطا و اطمینان ۹٥ درصد با ضریب همبستگی بین دو متغیر عمل صالح و پرهیزگاری و توسعه اخلاق حرفه‌ای ۰,۱۱۳

است که حاکی از رابطه مستقیم بین این دو متغیر می‌باشد. ضریب تعیین تعدیل‌شده این مدل، ۰٫۱۰٤ می‌باشد که بیانگر آن است که متغیر عمل صالح و پرهیزگاری توانسته است حدود ۱۰٫٤ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسعه اخلاق حرفه‌ای را تبیین کند و مابقی تغییرات تحت تأثیر متغیرهای خارج از مدل هستند.

جدول ۳. نتایج آزمون رگرسیون خطی ساده برای فرضیه فرعی اول

	Unstandardized Coefficients		Standardized Coefficients	t	Sig.
	B	Std. Error	Beta		
عمل صالح و پرهیزگاری	۳٦	.۱۱٦	.۳۳۷	۳/۱۳۷	.۰۰۲
(Constant)	۰۰	.٤۲۹		٤/٦۷۳	۰

نتایج آزمون رگرسیون خطی ساده در سطح تشخیص ۵ درصد خطا و اطمینان ۹۵ درصد با مقدار sig ۰٫۰۰۲ حاکی از رابطه خطی بین این دو متغیر می‌باشد. جدول (۳) نتایج مربوط به ضرایب رگرسیونی را نشان می‌دهد. ضریب استاندارد بتا، نشان‌دهنده سهم نسبی متغیر مستقل در تبیین متغیر وابسته است. ضریب استاندارد بتا برای متغیر مستقل عمل صالح و پرهیزگاری ۰٫۳٦۵ بیانگر تأثیر مستقیم و مثبت این متغیر بر توسعه اخلاق حرفه‌ای می‌باشد؛ به عبارت دیگر یک واحد تغییر در متغیر عمل صالح و پرهیزگاری، باعث ۰٫۳٦۵ واحد تغییر در متغیر وابسته اخلاق حرفه‌ای خواهد شد. درمجموع می‌توان گفت که معادله خط رگرسیونی برآورد شده بر اساس ضرایب استاندارد به شرح زیر است:

۲٫۰۰۵ + [(۰٫۳٦۵)×(عمل صالح و پرهیزگاری)] = توسعه اخلاق حرفه‌ای

بنابراین فرضیه فرعی اول پذیرفته‌شده و می‌توان گفت: «عمل صالح و پرهیزگاری بر توسعه اخلاق حرفه‌ای تأثیر معناداری دارد.»

فرضیه دوم: مردم‌داری بر توسعه اخلاق حرفه‌ای در کارکنان آموزش‌وپرورش شهر تهران تأثیر معناداری دارد.

آزمون همبستگی پیرسون نشان داد که در سطح ۹۹ درصد اطمینان بین دو متغیر ارتباط مثبت وجود دارد. برای آزمودن این فرضیه از آزمون رگرسیون استفاده می‌شود.

جدول ٤. جدول ANOVA برای فرضیه فرعی دوم

	Sum of Squares	df	Mean Square	F	Sig.
Regression	۲۹/۲۱۸	۱	۲۹/۲۱۸	/٦۹۱	۰۰۰
Residual	۲۱/۲۸٦	۱۷٤	.۲۷٦		
Total	٥۰/٥۰٤	۱۷٥			
متغیر مستقل: مردم‌داری					

نتایج آزمون ANOVA در سطح تشخیص ٥ درصد خطا و اطمینان ۹٥ درصد در جدول (٤) با مقدار sig ۰,۰۰۰ حاکی از رابطه خطی بین این دو متغیر است؛ بنابراین باید از آزمون رگرسیون خطی ساده برای بررسی این آزمون استفاده شد.

جدول ٥. اطلاعات مدل رگرسیون خطی ساده در فرضیه فرعی دوم

Model Summary			
R	**R Square**	**Adjusted R Square**	**Std. Error of the Estimate**
.۷٦۱	.٥۷۹	.٥۷۳	.٥۲٦
متغیر مستقل: مردم‌داری			

اطلاعات مدل رگرسیون خطی ساده در سطح تشخیص ٥ درصد خطا و اطمینان ۹٥ درصد در جدول (٥) با ضریب همبستگی دو متغیر مردم‌داری و توسعه اخلاق حرفه‌ای ۰,٥۷۹ است که حاکی از رابطه مستقیم بین این دو متغیر می‌باشد. ضریب تعیین تعدیل‌شده این مدل ۰,٥۷۳ می‌باشد که بیانگر آن است که متغیر مردم‌داری توانسته است حدود ٥۷,۳ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسعه اخلاق حرفه‌ای را تبیین کند و مابقی تغییرات تحت تأثیر متغیرهای خارج از مدل هستند.

جدول ٦. نتایج آزمون رگرسیون خطی ساده برای فرضیه فرعی دوم

	Unstandardized Coefficients		Standardized Coefficients	t	Sig.
	B	Std. Error	Beta		
مردم‌داری	.۹۳۲	.۰۹۱	.۷٦۱	۱۰/۲۸۱	.۰۰۰
(Constant)	-.۱۷٤	.۳٤٥		-.۵۰٤	.٦۱٦

نتایج آزمون رگرسیون خطی ساده در سطح تشخیص ۵ درصد خطا و اطمینان ۹۵ درصد در جدول (٦) با مقدار sig ۰,۰۰۳ حاکی از رابطه خطی بین این دو متغیر می‌باشد. این جدول نتایج مربوط به ضرایب رگرسیونی را نشان می‌دهد. ضریب استاندارد بتا، نشان‌دهنده سهم نسبی متغیر مستقل در تبیین متغیر وابسته می‌باشد. ضریب استاندارد بتا برای متغیر مستقل مردم‌داری ۰,۹۳۲ است که بیانگر تأثیر مستقیم و مثبت متغیر مردم‌داری بر توسعه اخلاق حرفه‌ای می‌باشد؛ به عبارت دیگر یک واحد تغییر در متغیر مردم‌داری باعث ۰,۹۳۲ واحد تغییر در متغیر وابسته اخلاق حرفه‌ای خواهد شد.

درمجموع می‌توان گفت که معادله خط رگرسیونی برآورد شده بر اساس ضرایب استاندارد به شرح زیر می‌باشد:

۰,۱۷٤ – [(۰,۹۳۲)×(مردم‌داری)] = توسعه اخلاق حرفه‌ای

بنابراین فرضیه فرعی دوم پذیرفته‌شده و می‌توان گفت: «مردم‌داری بر توسعه اخلاق حرفه‌ای تأثیر معناداری دارد.»

فرضیه سوم: عدم تعلق به دنیا بر توسعه اخلاق حرفه‌ای در کارکنان آموزش‌و پرورش شهر تهران تأثیر معناداری دارد.

آزمون همبستگی پیرسون نشان داد که در سطح ۹۹ درصد اطمینان بین دو متغیر ارتباط مثبت وجود دارد. برای آزمودن این فرضیه از آزمون رگرسیون استفاده می‌شود.

جدول ۷. جدول ANOVA برای فرضیه فرعی سوم

	Sum of Squares	df	Mean Square	F	Sig.
Regression	۱۸/۵۱۹	۱	۱۸/۵۱۹	٤٤/٥٨١	.۰۰۰
Residual	۳۱/۹۸٦	۱۷٤	.٤١٥		
Total	٥۰/٥۰٤	۱۷٥			
متغیر مستقل: عدم تعلق به دنیا					

نتایج آزمون ANOVA در رگرسیون خطی ساده در سطح تشخیص ۵ درصد خطا و اطمینان ۹۵ درصد با مقدار sig ۰,۰۰۰ حاکی از رابطه خطی بین این دو متغیر می‌باشد؛ بنابراین باید از آزمون رگرسیون خطی ساده برای بررسی این فرضیه استفاده شد.

جدول ۸. اطلاعات مدل رگرسیون خطی ساده در فرضیه فرعی سوم

Model Summary			
R	R Square	Adjusted R Square	Std. Error of the Estimate
.٦۰٦	.۳٦۷	.۳٥۸	.٦٤٥
متغیر مستقل: عدم تعلق به دنیا			

اطلاعات مدل رگرسیون خطی ساده در سطح تشخیص ۵ درصد خطا و اطمینان ۹۵ درصد در جدول (۸) با ضریب همبستگی بین دو متغیر عدم تعلق به دنیا و توسعه اخلاق حرفه‌ای، ۰,۳٦۷ است که حاکی از رابطه مستقیم بین این دو متغیر می‌باشد. ضریب تعیین تعدیل‌شده این مدل، ۰,۳٥۸ می‌باشد که بیانگر آن است که متغیر عدم تعلق به دنیا توانسته است حدود ۳٥,۸ درصد از تغییرات متغیر وابسته اخلاق حرفه‌ای را تبیین کند و مابقی تغییرات تحت تأثیر متغیرهای خارج از مدل هستند.

جدول ۹. نتایج آزمون رگرسیون خطی ساده برای فرضیه فرعی سوم

	Unstandardized Coefficients		Standardized Coefficients	t	Sig.
	B	Std. Error	Beta		
عدم تعلق به دنیا	.۶۳۶	.۰۹۵	.۶۰۶	۶/۶۷۷	.۰۰۰
(Constant)	۱/۱۴۴	.۳۳۴		۳/۴۲۱	.۰۰۱

نتایج آزمون رگرسیون خطی ساده در سطح تشخیص ۵ درصد خطا و اطمینان ۹۵ درصد در جدول (۹) با مقدار sig ۰,۰۰۰ حاکی از رابطه خطی بین این دو متغیر می‌باشد. این جدول نتایج مربوط به ضرایب رگرسیونی را نشان می‌دهد. ضریب استاندارد بتا، نشان‌دهنده سهم نسبی متغیر مستقل در تبیین متغیر وابسته می‌باشد. ضریب استاندارد بتا برای متغیر مستقل عدم تعلق به دنیا ۰,۶۳۶ است که بیانگر تأثیر مستقیم و مثبت متغیر عدم تعلق به دنیا بر اخلاق حرفه‌ای می‌باشد؛ به عبارت دیگر یک واحد تغییر در متغیر عدم تعلق به دنیا باعث ۰,۶۳۶ واحد تغییر در متغیر وابسته توسعه اخلاق حرفه‌ای خواهد شد.

درمجموع می‌توان گفت که معادله خط رگرسیونی برآورد شده بر اساس ضرایب استاندارد به شرح زیر می‌باشد:

۱,۱۴۴ + [(۰,۶۳۶)×(عدم تعلق به دنیا)] = توسعه اخلاق حرفه‌ای

بنابراین فرضیه فرعی سوم پذیرفته‌شده و می‌توان گفت: «عدم تعلق به دنیا بر توسعه اخلاق حرفه‌ای تأثیر معناداری دارد.»

فرضیه چهارم: خدامحوری بر توسعه اخلاق حرفه‌ای در کارکنان آموزش‌وپرورش شهر تهران تأثیر معناداری دارد.

آزمون همبستگی پیرسون نشان داد که در سطح ۹۹ درصد اطمینان بین دو متغیر ارتباط مثبت وجود دارد. برای آزمودن این فرضیه از آزمون رگرسیون استفاده می‌شود.

جدول ۱۰. جدول ANOVA برای فرضیه فرعی چهارم

	Sum of Squares	df	Mean Square	F	Sig.
Regression	۹/۰۱۴	۱	۹/۰۱۴	۷۲۸ ۱۶/	۰۰۰.
Residual	۴۱/۴۹۰	۱۷۴	.۵۳۹		
Total	۵۰/۵۰۴	۱۷۵			
متغیر مستقل: خدامحوری					

نتایج آزمون ANOVA در رگرسیون خطی ساده در سطح تشخیص ۵ درصد خطا و اطمینان ۹۵ درصد با مقدار sig ۰,۰۰۰ حاکی از رابطه خطی بین این دو متغیر می‌باشد؛ بنابراین باید از آزمون رگرسیون خطی ساده برای بررسی این فرضیه استفاده شود.

جدول ۱۱. اطلاعات مدل رگرسیون خطی ساده در فرضیه فرعی چهارم

Model Summary			
R	R Square	Adjusted R Square	Std. Error of the Estimate
.۴۲۲	.۱۷۸	.۱۶۸	.۷۳۴
متغیر مستقل: خدامحوری			

اطلاعات مدل رگرسیون خطی ساده در سطح تشخیص ۵ درصد خطا و اطمینان ۹۵ درصد در جدول (۱۱) با ضریب همبستگی بین دو متغیر خدامحوری و توسعه اخلاق حرفه‌ای، ۰,۱۷۸ است که حاکی از رابطه مستقیم بین این دو متغیر می‌باشد. ضریب تعیین تعدیل‌شده این مدل، ۰,۱۶۸ می‌باشد که بیانگر آن است که متغیر خدامحوری توانسته است حدود ۱۶,۸ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسعه اخلاق حرفه‌ای را تبیین کند و مابقی تغییرات تحت تأثیر متغیرهای خارج از مدل هستند.

جدول ۱۲. نتایج آزمون رگرسیون خطی ساده برای فرضیه فرعی چهارم

	Unstandardized Coefficients		Standardized Coefficients	t	Sig.
	B	Std. Error	Beta		
خدامحوری	.٥٤٤	.١٣٣	.٤٢٢	٤/٠٩٠	.٠٠٠
(Constant)	/٦٧٧	.٤١١		٤/٠٧٨	.٠٠٠

نتایج آزمون رگرسیون خطی ساده در سطح تشخیص ۵ درصد خطا و اطمینان ۹۵ درصد در جدول (۱۲) با مقدار sig ۰,۰۰۰ حاکی از رابطه خطی بین این دو متغیر می‌باشد. این جدول نتایج مربوط به ضرایب رگرسیونی را نشان می‌دهد. ضریب استاندارد بتا، نشان‌دهنده سهم نسبی متغیر مستقل در تبیین متغیر وابسته می‌باشد. ضریب استاندارد بتا برای متغیر مستقل خدامحوری ۰,٥٤٤ می‌باشد که بیانگر تأثیر مستقیم و مثبت متغیر خدامحوری بر توسعه اخلاق حرفه‌ای می‌باشد؛ به عبارت دیگر یک واحد تغییر در متغیر خدامحوری، باعث ۰,٥٤٤ واحد تغییر در متغیر وابسته توسعه اخلاق حرفه‌ای خواهد شد.

درمجموع می‌توان گفت که معادله خط رگرسیونی برآورد شده بر اساس ضرایب استاندارد به شرح زیر است:

۱,٦٧٧ + [(۰,٥٤٤)×(خدامحوری)] = توسعه اخلاق حرفه‌ای

بنابراین فرضیه فرعی چهارم پذیرفته‌شده و می‌توان گفت: «خدامحوری بر توسعه اخلاق حرفه‌ای تأثیر معناداری دارد.»

فرضیه اصلی: فرهنگ ایثار و شهادت بر توسعه اخلاق حرفه‌ای در کارکنان آموزش‌وپرورش شهر تهران تأثیر معناداری دارد.

آزمون همبستگی پیرسون نشان داد که در سطح ۹۹ درصد اطمینان بین دو متغیر ارتباط مثبت وجود دارد. برای آزمودن این فرضیه از آزمون رگرسیون استفاده می‌شود.

جدول ۱۳. جدول ANOVA برای فرضیه اصلی

	Sum of Squares	df	Mean Square	F	Sig.
Regression	۱۱/۸٦٤	۱	۱۱/۸٦٤	/٦٤۱ ۲۳	.۰۰۰
Residual	۳۸/٦٤۱	۱۷٤	.۵۰۲		
Total	۵۰/۵۰٤	۱۷۵			
متغیر مستقل: فرهنگ ایثار و شهادت					

نتایج آزمون ANOVA در رگرسیون خطی ساده در سطح تشخیص ۵ درصد خطا و اطمینان ۹۵ درصد با مقدار sig ۰,۰۰۰ حاکی از رابطه خطی بین این دو متغیر است؛ بنابراین باید از آزمون رگرسیون خطی ساده برای بررسی این فرضیه استفاده کنیم.

جدول ۱٤. اطلاعات مدل رگرسیون خطی ساده در فرضیه اصلی

Model Summary			
R	R Square	Adjusted R Square	Std. Error of the Estimate
.٤۸۵	.۲۳۵	.۲۲۵	.۷۰۸
متغیر مستقل: فرهنگ ایثار و شهادت			

آزمون رگرسیون خطی ساده در سطح تشخیص ۵ درصد خطا و اطمینان ۹۵ درصد در جدول (۱٤) با ضریب همبستگی بین دو متغیر فرهنگ ایثار و شهادت و توسعه اخلاق حرفه‌ای، ۰,۲۳۵ است که حاکی از رابطه مستقیم بین این دو متغیر می‌باشد. ضریب تعیین تعدیل‌شده این مدل، ۰,۲۲۵ می‌باشد که بیانگر آن است که متغیر فرهنگ ایثار و شهادت توانسته است حدود ۲۲,۵ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسعه اخلاق حرفه‌ای را تبیین کند و مابقی تغییرات تحت تأثیر متغیرهای خارج از مدل هستند.

جدول ۱۵. نتایج آزمون رگرسیون خطی ساده برای فرضیه فرعی پنجم

Coefficients					
	Unstandardized Coefficients		Standardized Coefficients	t	Sig.
	B	Std. Error	Beta		
فرهنگ ایثار و شهادت	.٦٣٨	.١٣١	.٤٨٥	٤/٨٦٢	.٠٠٠
(Constant)	١/١٠٦	.٤٦٣		٢/٣٨٨	.٠١٩

نتایج آزمون رگرسیون خطی ساده در سطح تشخیص ۵ درصد خطا و اطمینان ۹۵ درصد در جدول (۱۵) با مقدار sig ۰,۰۰۰ حاکی از رابطه خطی بین این دو متغیر می‌باشد. این جدول نتایج مربوط به ضرایب رگرسیونی را نشان می‌دهد. ضریب استاندارد بتا، نشان‌دهنده سهم نسبی متغیر مستقل در تبیین متغیر وابسته می‌باشد. ضریب استاندارد بتا برای متغیر مستقل فرهنگ ایثار و شهادت ۰,۶۳۸ می‌باشد که بیانگر تأثیر مستقیم و مثبت متغیر فرهنگ ایثار و شهادت بر توسعه اخلاق حرفه‌ای می‌باشد؛ به عبارت دیگر یک واحد تغییر در متغیر فرهنگ ایثار و شهادت، باعث ۰,۶۳۸ واحد تغییر در متغیر وابسته توسعه اخلاق حرفه‌ای خواهد شد.

درمجموع می‌توان گفت که معادله خط رگرسیونی برآورد شده بر اساس ضرایب استاندارد به شرح زیر است:

توسعه اخلاق حرفه‌ای = [(۰,۶۳۸)×(فرهنگ ایثار و شهادت)] + ۱,۱۰۶

بنابراین فرضیه اصلی نیز پذیرفته شده و می‌توان گفت: «فرهنگ ایثار و شهادت توسعه اخلاق حرفه‌ای تأثیر معناداری دارد.»

بحث و نتیجه‌گیری

در دنیای امروزی که مجازی شدن امور منجر به این شده است که افراد از یکدیگر دور و منفعت‌طلبی هدف اصلی انسان‌های امروزی باشد، اهمیت و توسعه فرهنگ ایثار و شهادت می‌تواند کمکی برای برقراری ارتباط بهتر بین افراد باشد. با در نظر گرفتن این موضوع که

جایگاه نهادهای آموزشی ازلحاظ فرهنگ‌سازی در جامعه از اهمیت زیادی برخوردار است و منجر به بهبود عملکرد افراد در سازمان‌ها می‌شود، هدف این مقاله بررسی تأثیر فرهنگ ایثار و شهادت بر توسعه اخلاق حرفه‌ای در کارکنان مدارس آموزش‌وپرورش منطقه ۵ شهر تهران است. در این مقاله با استفاده از روش تحقیق توصیفی بین کارکنان این مجموعه پرسشنامه‌ای توزیع گردید تا نظر افراد در مورد متغیرهای مطروحه بررسی شود. ابعاد فرهنگ ایثار و شهادت شامل خدامحوری، مردم‌داری، عدم تعلق به دنیا و عمل صالح و پرهیزگاری در نظر گرفته شد تا اثر آن‌ها بر متغیر توسعه اخلاق حرفه‌ای در این مجموعه‌ها موردبررسی قرار گیرد. یافته‌های پژوهشی نشان‌دهنده تأثیر مثبت و مستقیم فرهنگ ایثار و شهادت بر توسعه اخلاق حرفه‌ای بود.

با توجه به اینکه آموزش‌وپرورش و مدارس به‌عنوان دستگاه‌های آموزشی و تربیتی می‌تواند نقش مهمی را در توسعه فرهنگی یا فنّاورانه و... جامعه ایفا نماید، ضرورت توجه به مفهوم ایثار در این دستگاه‌ها و همچنین توسعه این ارزش از طریق مدارس به جامعه اهمیت می‌یابد.

یافته‌های پژوهش نشان داد در بعد خدامحوری، تمرکز افراد بر موضوعاتی مثل؛ تقوا، صیانت نفس و تفکر مثبت، حس نوع دوستی و خدمتگزاری در تقویت فرهنگ ایثار اجتماعی و همچنین توسعه اخلاق حرفه‌ای نقش مهمی را ایفا می‌کند. به عبارتی داشتن روحیه خدامحوری باعث می‌شود که فرد به سمت رفتارهای انسان دوستانه و اخلاق‌مداری در حرفه و شغل جهت یابد که این امر بر بهره‌وری سازمان تأثیر می‌گذارد.

علاوه بر این موضوع، تعهد به اخلاقیات و رفتار اخلاقی در ارتباطات اجتماعی از اهمیت بالایی برخوردار است. به علت اینکه مسئولان مدارس در جذب دانش‌آموز به مدرسه و یادگیری نقش زیادی دارند و همچنین با رفتار خود در شکل‌گیری شخصیت و رفتار نسل آینده تأثیر زیادی دارند در صورت توجه به موضوع ایثار و فرهنگ‌سازی ایثار در مدارس و توسعه این فرهنگ در مدارس می‌توان به توسعه اخلاقیات در این مجموعه‌ها اقدام نمود؛ و زمینه تربیت نسل ایثارگر و بااخلاق را فراهم نمود. یافته‌های مربوط به اثر بعد خدامحوری بر اخلاق حرفه‌ای با یافته‌های غفاری (۱۳۹۳)، رادمرد (۱۳۹٦) همخوانی دارد.

عمل صالح و پرهیزگاری به‌عنوان بعد دیگری از فرهنگ ایثار و شهادت نیز بر مبنای آزمون رگرسیون مورد تائید قرار گرفت. در حقیقت گرایش افراد به انجام عمل صالح برگرفته از روحیه خدامحوری و خدادوستی است و این روحیه می‌تواند تواضع و فروتنی را در فرد توسعه دهد و منجر به بروز رفتارهای اخلاقی در فرد گردد. زمانی که فرد در انجام وظایف شغلی خود فعالیت می‌کند با داشتن این رفتارها می‌توان استنباط نمود که اخلاق‌مداری در حرفه و شغل موردتوجه قرا می‌دهد؛ بنابراین با معرفی این افراد به‌عنوان الگوی رفتار اخلاقی می‌توان این نوع رفتارها که نشأت گرفته از فرهنگ ایثار است را گسترش داد. به عبارتی انجام عمل صالح و داشتن روحیه پرهیزگاری نمادهای از رفتار اخلاقی را در سازمان بسط می‌دهد. در سیستم آموزشی در صورت توجه کارکنان به خدمتگزاری با نگاه خدامحوری و رفتار همراه با مهرورزی و محبت در پاسخگویی به ارباب‌رجوع می‌توان به بهبود عملکرد فردی و سازمانی کمک کرد. یافته‌های این بعد از فرهنگ ایثار و شهادت با تحقیق هدایتی (۱۳۹۰)، میرطاوسی (۱۳۹٤) همخوانی دارد.

با ارتباط عدم تعلق به دنیا و داشتن روحیه آخرت‌گرایی می‌توان ارتباط بین عناصر فرهنگ ایثار را هم موردتوجه قرارداد زیرا خدامحوری و بروز رفتار صالح و شایسته فرد را به سمت مردم‌داری و آخرت‌گرایی رهنمون می‌کند. به عبارتی افرادی که از فرهنگ ایثار برخوردار هستند و باورها ارزش‌های مربوط به این فرهنگ را در درون خود رشد می‌دهند به توجه به هم نوع و ارجح بودن منافع آن‌ها بر منفعت خود اهمیت بیشتری قائل هستند و ازاین‌رو تمام هم‌وغم خود را برای خدمت به همنوعان قرار می‌دهند؛ بنابراین این افراد از روحیه متعهدانه و مسئولیت‌پذیری برخوردارند. درصورتی‌که در مدارس این روحیه در بین مسئولان وجود داشته باشد و این فرهنگ به رفتار اخلاق مدارانه در آن‌ها کمک کند می‌توان وضعیت مداری را ازلحاظ خدمت‌گزاری مطلوب‌تر نمود. یافته‌های این بخش از تحقیق با نتایج غفاری و همکاران و قاسم پور و همکاران (۱۳۹۸) همخوانی دارد.

داشتن روحیه ایثار اجتماعی و مرتبط دانستن آن با نهادهای مختلف اجتماعی مثل نهاد خانواده و یا نهاد آموزشی که در جامعه وجود دارد و همچنین ارتباط بین مدارس با خانواده، مدرسه، مراکز مذهبی و سایر نهادها می‌تواند عامل مهمی در توسعه این فرهنگ به شمار آید

که ریشه در روحیه مردم‌داری دارد. ضمن اینکه این فرهنگ می‌تواند روحیه معادگرایی و عدم تعلق به دنیا را به‌عنوان بعد سوم فرهنگ ایثار و تأثیری که بر اخلاق حرفه‌ای کارکنان در این سیستم آموزشی دارد را بهبود بخشد. به عبارتی داشتن روحیه مردم‌داری نمادی از خدمتگزاری کارکنان نسبت به مردم است؛ بنابراین بر مبنای یافته‌های این مقاله می‌توان استنباط نمود که درصورتی‌که بر مبنای شاخص‌هایی مثل؛ صیانت نفس، توجه به روحیه خدامحوری، انسان دوستی، نوع دوستی و انجام اعمال شایسته و مبتنی بر قانون و ارزش‌های سازمان و جامعه می‌توان به توسعه اخلاق حرفه‌ای در بین کارکنان نهاد آموزش‌وپرورش کمک نمود که این امر ضرورت برگزاری دوره‌های آموزشی برای کارکنان این سیستم را به‌منظور توسعه اخلاق حرفه‌ای الزامی می‌کند.

منابع و مأخذ

ابراهیمیان، سیدحسین (۱۳۹۰). «بازخوانی مفهوم مهندسی فرهنگی و آسیب‌شناسی فرهنگی در نظام آموزش عالی». **مجله مطالعات قدرت نرم**. شماره ۵: ۱۵۰-۱۲۲.

خوش‌قدم خو، صدرا (۱۳۹۱). «تبیین پیامدهای جهانی‌شدن اقتصادی بر اهداف علمی و آموزشی مقطع متوسطه آموزش‌وپرورش ایران». **فصلنامه اندیشه‌های نوین تربیتی**. شماره ۲: ۱۳۲.

دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۹۷). **لغتنامه دهخدا**، تهران.

رادمرد، سعید (۱۳۹۶). «پایش نقش اخلاق حرفه‌ای در صیانت از حقوق انسانی». **فصلنامه علمی ـ پژوهشی مدیریت سازمان‌های دولتی**. شماره ۲: ۱۴۲-۱۲۹.

رسالت، سهیلا (۱۴۰۰). «بررسی نقش و جایگاه فعالان زن حوزه رسانه در ترویج فرهنگ ایثار». **دوفصلنامه شاهد اندیشه**.دوره جدید. شماره ۱: ۶۱-۴۳.

شاه نوروزی، مهدی، رضا اسماعیلی، سهیلا پرستگاری و سیدجواد امام جمعه‌زاده (۱۳۹۶). «عوامل مؤثر بر ارتقاء اثربخشی شیوه‌های ترویج فرهنگ ایثار و شهادت». **مجله مدیریت فرهنگی**، شماره ۳۵ و ۳۶: ۷۰-۵۳.

غفاری هشجین، زاهد؛ مریم دژگیرموسی افضلیان سلامی (۱۳۹۰). **گفتمان ایثار و شهادت انقلاب اسلامی**. تهران: دانشگاه شاهد.

غلامی علوی، منصوره (۱۳۹۳). **مطالعه ابعاد اجتماعی ایثار و شهادت به مثابه سرمایه اجتماعی**. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشکده علوم انسانی دانشگاه شاهد.

قاسم‌پور، حامد، کرم خلیلی و مجتبی یاسینی‌فرد (۱۳۹۸). «اثرات فرهنگ ایثار و شهادت بر رفتار شهروند سازمانی: تبیین نقش میانجی سرمایهٔ اجتماعی». **فصلنامه مطالعات منابع انسانی**. شماره ۳: ۱۳۴-۱۰۱.

عباسیان، روح‌اله (۱۳۹۴). **بررسی مبانی و موانع گسترش فرهنگ ایثار و شهادت در قرآن و حدیث**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه ایلام.

قراملکی، محمد (۱۳۸۶). **اخلاق حرفه‌ای**، چاپ دوم. تهران: انتشارات مجنون.

کاظمی، افسانه، زاهد غفاری هشجین و عباس شکری کشاورز (۱۳۹۵). «بررسی مؤلفه‌های جمعی فرهنگ ایثار و شهادت در خاطرات آزادگان دفاع مقدس به‌مثابه سرمایهٔ اجتماعی». **دو فصلنامه علمی- پژوهشی پاسداری فرهنگی انقلاب اسلامی**. شماره ۱٤: ۱٤۷-۱۳۹.

کردنائیج، اسدا...، فرشته خلیلی پالندی (۱۳۹۷). «تأثیر فرهنگ ایثار و شهادت بر سرمایهٔ اجتماعی با نقش میانجی باورهای دینی». **فصلنامه علمی ـ پژوهشی مدیریت اسلامی**. شماره ۳: ۵۸-۳۷.

مسعودی، حمید؛ مریم اسیکافی و غلامرضا صدیق اورعی (۱۳۹۵). «سیاست پژوهی ترویج فرهنگ ایثار و شهادت در سازمان‌های دولتی استان خراسان رضوی». **فصلنامه مطالعات ملی**. شماره ۸۹-۱۲۰.

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷٤). دروس فلسفه اخلاق. تهران: اطلاعات.

موسی‌پور، نعمت ا... (۱۳۹۱). «ترویج فرهنگ ایثار و شهادت به کمک برنامه درسی در دوره ابتدایی». **فصلنامه تحقیقات فرهنگی**. شماره ۳: ۱۲٦-۱۰۳.

نصیری ولیکبنی، فخرالسادات و پرویز نویدی (۱۳۹۵). «رابطه بین اخلاق حرفه‌ای و چابکی سازمانی: نقش میانجی توانمندسازی شناختی». **فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری**. شماره ۲: ۷۰-٦۱.

نوئین، آرمیتا؛ محمدباقر کج باف و مهرنوش فرودستان (۱۳۹۲). «رفتارهای مطلوب اجتماعی و ایثارگری در شهروندان اصفهانی». **جامعه‌شناسی کاربردی**. شماره ۲: ۲۲۱-۲۱۱.

نیاز آذری، کیومرث و ترانه عنایتی و رضا بهنام فر و زهرا کهرودی (۱۳۹۳). «رابطه اخلاق حرفه‌ای و تعهد سازمانی». **نشریه پرستاری ایران**. شماره ۸۷: ٤۲-۳٤.

هدایتی، علی‌اصغر؛ راضیه برجعلی‌زاده و ندا اله بداشتی (۱۳۹۲). «اخلاق حرفه‌ای در آموزه‌های دینی». **مجله تاریخ پزشکی**. شماره ۸: ٦۳-۳۷.

دو فصلنامه شاهد اندیشه / دوره سوم/ شماره ۲ / پیاپی ٦/ پاییز و زمستان ۱٤۰۱/ ۲۰۸-۱۸۱
Two Journal Of Shahede Andisheh Autumn & Winter 2022: 181-208

دفاع مشروع یا نقض قواعد بین‌المللی در ترور سردار سلیمانی

سیدجعفرحسینی[۱]، بهزاد میکائیلی[۲]

چکیده

تا اوایل قرن بیستم جنگ و توسل به‌زور، مهم‌ترین اصل حاکم بر روابط میان کشورها محسوب می‌شد اما وقوع دو جنگ جهانی با فاصلهٔ اندک باعث شد تا واضعان منشور ملل متحد کاربرد زور را عامل ویرانگر روابط بین‌الملل شناخته و برای دوران پساجنگ، ممنوعیت توسل به‌زور را یکی از اصول بنیادین حقوق بین‌الملل قرار دهند. البته منشور ملل متحد، استثنائا در مواردی اقدام به اعمال حق ذاتی دفاع مشروع و نظام امنیت جمعی را جایز می‌داند. هدف این مقاله پاسخگویی به این سؤالات است که اولاً: جایگاه توسل به‌زور و دفاع مشروع در حقوق بین‌الملل کجاست؟ ثانیاً: اقدام آمریکا در ترور سردار سلیمانی مشروع بوده یا رفتاری است برای موجه سازی توسل به‌زور در روابط بین‌الملل؟ روش پژوهش توصیفی ـ تحلیلی و برای گردآوری اطلاعات از ابزار فیش‌برداری با تحقیق کتابخانه‌ای بهره گرفته شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد توسل به‌زور در حقوق بین‌الملل ممنوع بوده و حق دفاع مشروع دولت‌ها فقط زمانی که مورد حملات مسلحانه قرار می‌گیرند؛ به رسمیت شناخته‌شده است؛ بنابراین اقدام امریکا مخالف صریح ماده ۵۱ منشور بوده و هیچ تجانسی با دیگر اصول بین‌المللی ندارد.

واژگان کلیدی

دفاع مشروع، ترور سردار سلیمانی، اصل عدم توسل به‌زور، ماده ۵۱ منشور سازمان ملل متحد

تاریخ دریافت: ۱٤۰۱/۰۸/۰۸ تاریخ پذیرش: ۱٤۰۱/۰۸/۲۹

۱. دکتری فقه و حقوق، مدرس گروه حقوق، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران. (نویسنده مسئول)
sjhosseini48@gmail.com
۲. مدرس گروه حقوق و معاون دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تبریز، ایران.
behzadmikaili@gmail.com

مقدمه

بامداد روز جمعه، سوم ژانویه سال ۲۰۲۰ میلادی، مصادف با سیزدهم دی ماه سال ۱۳۹۸ شمسی، دولت ایالات‌متحده آمریکا با نقض بسیاری از اصول و قواعد شناخته شدۀ بین‌المللی، طی یک عملیات تروریستی، سردار قاسم سلیمانی فرمانده سپاه قدس ایران را به همراه ابومهدی المهندس معاون تشکیلات حشدالشعبی عراق و عده‌ای دیگر از همراهانشان در حومه فرودگاه غیرنظامی بغداد با استفاده از هواپیمای بدون سرنشین مورد اصابت چند فروند موشک هدایت لیزری نقطه‌زن قرارداده و به شهادت رساند. این ترور ناجوانمردانه در حالی صورت گرفت که سردار سلیمانی بنا به دعوت رسمی عادل عبدالمهدی نخست‌وزیر وقت عراق به آن کشور مسافرت کرده بود. در پی این ترور هدفمند، رئیس‌جمهور آمریکا و برخی دیگر از مقامات آن کشور با طرح اتهامات واهی درصدد توجیه این جنایت بشری برآمدند. دونالد ترامپ با ادعای اینکه با این ترور جلوی حملۀ قریب‌الوقوع به منافع آمریکا را گرفته است اظهار داشت: دستور کشتن ژنرال ایرانی را دادم تا مانع جنگ شوم! ژنرال قاسم سلیمانی هزاران آمریکایی را در برهه‌ای از زمان کشته یا به‌شدت مجروح کرده بود و در حال برنامه‌ریزی برای کشتن تعداد بیشتری بود! اگرچه دولت آمریکا برای توجیه عمل ددمنشانۀ خود، دلایلی را مطرح کرده است، اما بسیاری از حقوقدانان و اندیشمندان بر این باورند که هیچ‌یک از این دلایل، نمی‌تواند دلیل قانع‌کننده‌ای برای این جنایت بزدلانه در حوزه حقوق بین‌الملل باشد. چراکه ترور یکی از مسئولان رسمی و عالی‌رتبه کشوری آن هم در قلمرو حاکمیتی کشور دیگر، نقض آشکار اصول شناخته‌شده بین‌المللی محسوب شده و به‌هیچ‌وجه از نظر قواعد و مقررات حقوق بین‌الملل مشروع و قابل‌قبول نیست. وقاحت این ترور هدفمند به‌قدری زیاد بود که حتی مقامات داخلی آمریکا هم نسبت به این امر موضع‌گیری کردند. این نمونۀ آشکار تروریسم دولتی که با ادعای تدارک حملات قریب‌الوقوع علیه اهداف آمریکا انجام گرفت؛ فارغ از نکته نظرات اخلاقی، انسانی و سیاسی، در حوزه اصول و قواعد حقوق بین‌المللی نیز سؤالات مهمی را مطرح می‌سازد: اولاً جایگاه کاربرد زور، دفاع مشروع و عملیات پیشگیرانه در حقوق بین‌الملل کجاست؟ ثانیاً آیا اقدام دولت آمریکا در ترور سردار سلیمانی مبتنی بر قواعد بین‌المللی است یا رفتاری است برای موجه سازی و قابل قبول وانمود کردن توسل به‌زور در روابط بین‌الملل؟ پاسخ به این پرسش‌ها به بررسی دقیق‌تر موضوع و تحلیل جامع آن در پرتو اصول و قواعد شناخته‌شدۀ بین‌المللی می‌انجامد. روش پژوهش توصیفی ـ تحلیلی و برای گردآوری اطلاعات از ابزار فیش‌برداری بامطالعه کتابخانه‌ای بهره گرفته شده است. این نوشتار سعی دارد ضمن استناد به اصول و قواعد بین‌المللی در آغاز کلیاتی در مورد مفهوم توسل به‌زور و دفاع

مشروع در حقوق بین‌الملل مطرح کرده سپس دکترین «دفاع مشروع پیشگیرانه» آمریکا را مورد تتبع قرار دهد و بعد به ابعاد مختلف حقوقی و قانونی ترور سردار سلیمانی و اصول و قواعد نقض شده در این واقعه پرداخته و در پایان نتایج پژوهش را عرضه نماید.

پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهش‌های مختلفی در خصوص ابعاد مختلف حقوقی و بین‌المللی ترور سردار سلیمانی توسط ایالات‌متحده آمریکا انجام شده است که در ادامه مطالب، به اهم موارد اشاره شده است.

رشیدی و مشهدی (۱۳۹۹) در راستای بررسی مهم‌ترین راهکارهای حقوقی ایران در واکنش به ترور سردار سلیمانی، بدین نتیجه دست یافته‌اند که با توجه به اقدام آمریکا در به قتل رساندن سردار سلیمانی و ابو مهدی المهندس، نقض فاحش قواعد پایه‌ای حقوق بین‌الملل و مصداق بارز تروریسم دولتی بوده، نظام حقوق بین‌الملل و نیز نظام‌های داخلی کشورها بستر لازم را برای طرح مسئولیت دولت آمریکا و نیز مقامات دولتی و فرماندهان این کشور را که در این واقعه مشارکت داشته‌اند را فراهم نموده است.

هدف مطالعه فضایلی (۱۳۹۹) بررسی ترور سردار سلیمانی از منظر حقوق بین‌الملل توسل به‌زور بوده است. یافته‌ها نشان داد یکی از چالش‌های مهم حقوق بین‌الملل حاکم بر توسل به‌زور مربوط به چگونگی تفسیر و اجرای موارد استثنایی است که در کنار اصل منع استفاده یا تهدید به استفاده از زور پذیرفته شده است. این چالش به‌ویژه در خصوص دفاع مشروع که ابتکار و صلاحدید آن به دولت‌ها سپرده شده است بیشتر بروز و ظهور داشته است. در این میان برخی قدرت‌های بزرگ، خصوصاً امریکا سعی داشته است با تفسیر موسع از مفهوم دفاع مشروع دامنه این استثنا را تعمیم دهد. توجیهات ارائه شده از سوی امریکا در ترور سردار سلیمانی یکی از مصادیق این رویکرد افراطی امریکا در تعمیم دامنه استثنای توسل به‌زور در مقام دفاع از خود یا به‌اصطلاح دفاع مشروع بوده است.

دهنوی، تقی‌زاده و رحیمی (۱۳۹۹) در راستای بررسی مسئولیت بین‌المللی امریکا در قبال ترور سردار قاسم سلیمانی به این نتیجه دست‌یافته‌اند که با توجه به نص صریح ماده ٤ پیش‌نویس مسئولیت بین‌المللی دولت، ترور سردار سلیمانی توسط امریکا عمل متخلفانهٔ بین‌المللی بوده که منتسب به دولت امریکا است و نقض تعهدات بین‌المللی از سوی امریکا ازجمله نقض اصل منع توسل به‌زور، نقض اصل احترام به حاکمیت ملی دولت‌ها و منع مداخله، حمله به‌مثابه تجاوز، تروریسم دولتی و نقض حقوق بشر انجام پذیرفته است؛ بنابراین شکی در محرز بودن مسئولیت بین‌المللی دولت امریکا وجود ندارد.

❖ نتایج پژوهش ستایش پور و ملکی راد (۱٤۰۱) با عنوان «شهادت سردار سلیمانی در پرتو حقوق بین‌الملل کیفری: واکاوی تطبیقی سازوکارهای موجود در مقابله با بی‌کیفرمانی» بیانگر آن بود که در قضیه ترور سردار سلیمانی، قواعد مختلفی ازجمله قاعده منع توسل به‌زور به‌عنوان یک قاعدهٔ آمره بین‌المللی، حق حیات به‌عنوان یک حق بشری و حقوق دیپلماتیک، توسط امریکا نقض شده است؛ بنابراین رسیدگی به چنین جنایتی به دلیل ابعاد گسترده حقوقی آن و مغایرت آن با قواعد بین‌المللی از اهمیت بسزایی برخوردار است.

روش پژوهش

روش این تحقیق توصیفی- تحلیلی است و برای گردآوری اطلاعات از ابزار فیش‌برداری با تحقیق کتابخانه‌ای بهره گرفته شده است.

مبانی نظری پژوهش

با توجه به هدف این تحقیق که بررسی موارد نقض اصول و قواعد شناخته‌شده بین‌المللی در قضیه ترور سردار سلیمانی و ابومهدی المهندس توسط ایالات‌متحده امریکاست، نخست پیرامون مفهوم اصل عدم توسل به‌زور، دفاع مشروع، اصل برابری حاکمیت دولت‌ها و منع مداخله، دفاع مشروع پیشگیرانه، حقوق بشر، حق حیات و همچنین تروریسم بحث خواهد شد و در ادامه، پژوهش‌های مشابه این تحقیق مورد تتبع قرار خواهد گرفت.

۱. اصل عدم توسل به‌زور و دفاع مشروع در حقوق بین‌الملل

۱-۱. اصل عدم توسل به‌زور[1]

تا اوایل قرن بیستم در روابط میان کشورها، اصل جنگ و توسل به‌زور حاکم بود اما وقوع دو جنگ جهانی با فاصلهٔ اندک موجب گردید تا تنظیم‌کنندگان منشور ملل متحد کاربرد این اصل را عامل ویرانگر روابط بین‌الملل شناخته و برای دوران پس از جنگ، اصل عدم توسل به‌زور را جایگزین آن نمایند. واضعان منشور ملل متحد معتقد بودند که استفاده از نیروهای نظامی به‌عنوان ابزار تغییر وضع موجود سیاسی یا منطقه‌ای جامعهٔ بین‌المللی مخاطره‌آمیز است. درنتیجه، منشور سازمان ملل در بند ٤ ماده ۲ به بیان موضوع توسل به‌زور پرداخته است. (جوینر، ۱۳۸۷: ۲۳٦) البته منشور، استثنائا در مواردی اقدام به اعمال حق ذاتی دفاع مشروع و نظام امنیت جمعی را جایز و قانونی می‌داند؛ بنابراین

1. Principle of Prohibition of The Use of Force

اصل ممنوعیت توسل به‌زور، به‌عنوان یک قاعدهٔ آمره پس از جنگ دوم جهانی، در حقوق بین‌الملل پذیرفته شده است. بند ٤ ماده ۲ منشور سازمان ملل متحد، دولت‌ها را در روابط بین‌المللی از تهدید یا توسل به‌زور منع کرده است: «اعضای سازمان ملل متحد در روابط بین‌المللی خود از تهدید یا توسل به‌زور علیه تمامیت ارضی، استقلال سیاسی هر کشور یا هرگونه رفتاری که با اهداف ملل متحد مطابقت ندارد، خودداری خواهند نمود.» (دولتشاه، ۱۳۸۸: ۱۹). تنها استثنائات وارده بر این قاعدهٔ قراردادی موجود در منشور نیز در خود معاهده پیش‌بینی شده: «تحت مواد ٤۲ و ۵۳ منشور، شورای امنیت اجازه دارد در موارد خاص و با شرایط مشخص، استفاده از نیروی نظامی علیه یک دولت را به‌عنوان ابزاری در جهت استقرار صلح و امنیت بین‌المللی موردتوجه قرار دهد.» مورد استثناء دیگر نیز، ماده ۵۱ منشور است. دیوان بین‌المللی دادگستری نیز در رأی خود در قضیهٔ کنگو علیه اوگاندا (۲۰۰۵) بر استثناء بودن ماده ۵۱ بر اصل عدم توسل به‌زور صحه گذاشته است: «ممنوعیت توسل به‌زور، بنیاد منشور سازمان ملل است» (حسینی و دیگران، ۱۳۹۸: ۳۱۰-۲۹۱).

۱-۲. دفاع مشروع[1]

دفاع مشروع یکی از قواعد مهم حقوق بین‌الملل است که با اتمام جنگ جهانی دوم مورد توجه ویژه قرار گرفت. در ادوار گذشته دولت‌ها حق داشتند اختلافاتشان را با توسل به‌زور حل نمایند، اما وقوع دو جنگ جهانی با فاصلهٔ اندک و خسارات بی‌شمار باعث شد تا واضعان منشور ملل متحد برای دوران پساجنگ، ممنوعیت توسل به‌زور را اصل بنیادی امنیت بین‌الملل قرار دهند. منشور در بند ٤ ماده ۲، ممنوعیت عام و فراگیری برای توسل به‌زور مقرر داشت و تنها استثنائات آن را اقدامات قهری شورای امنیت و اقدام در جهت اعمال حق دفاع مشروع برشمرد. (محمدعلی‌پور، ۱۳۸۳: ۹) دفاع مشروع، مهم‌ترین استثناء بر اصل عدم توسل به‌زور (عظیمی، ۱۳۹۲: ۱۳٦) و جزء لاینفک هر نظام حقوقی است. (ضیائی بیگدلی، ۱۳۸۸: ۵٤۳) ماده ۵۱ منشور می‌گوید: «در صورت وقوع حملهٔ مسلحانه علیه یک عضو ملل متحد تا زمانی که شورای امنیت اقدامات لازم برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را به عمل آورد، هیچ یک از مقررات این منشور به حق ذاتی دفاع از خود، خواه فردی یا دسته‌جمعی، لطمه‌ای وارد نخواهد کرد. اعضاء باید اقداماتی را که در اعمال این حق دفاع از خود به عمل می‌آورند، فوراً به شورای امنیت گزارش نمایند. این اقدامات به‌هیچ‌وجه در اختیار و مسئولیتی که شورای امنیت بر طبق این منشور دارد و به‌موجب آن برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی در هر موقع که ضروری

1. Legitimate -Defense

تشخیص دهد، اقدام لازم به عمل آورد، تأثیری نخواهد داشت.» (ثقفی،۱۳۷۰: ۱۵۱) با استناد به بند ٤ مادهٔ ۲ و ماده ۵۱ منشور، می‌توان گفت که دفاع مشروع وسیلهٔ قانونی برای دفاع از حاکمیت، تمامیت ارضی و استقلال سیاسی، کشوری است که مورد تجاوز واقع شده است (مبینی و دیگران، ۱۳۹۹: ۳۳۲-۳۱۱) پس دفاع مشروع وقتی قابل استناد است که بعد از یک حملهٔ نظامی صورت گرفته باشد. (کاسسه، ۱۳۷۰: ۲٦٦) هانس کلسن می‌گوید: «حق دفاع مشروع، نمی‌تواند مفهوم دیگری غیر از آنچه از مادهٔ ۵۱ منشور ملل متحد استنباط می‌شود، داشته باشد؛ بنابراین، به نظر کلسن، دفاع مشروع تنها در صورت حملهٔ مسلحانه مطرح است. (ابراهیمی، ۱۳۷۷: ۲۹) از شرایط اصلی و اساسی استفاده از حق دفاع مشروع، وقوع تجاوز است به این معنا که باید تجاوزی صورت گیرد تا برای مقابله با آن استفاده از دفاع مشروع مجاز باشد. (خسروی، ۱۳۸۵: ۱۸۷) حقوق بین‌الملل معاصر نیز حق دفاع مشروع را برای دولت‌ها به رسمیت شناخته؛ اما محدودهٔ حق تعریف نشده است. فقط لزوم اعمال محدودیت‌ها در به‌کارگیری زور از سوی دولت‌ها بود که ضرورت تعریف دفاع مشروع را در نظام حقوق بین‌الملل شدت بخشید. به‌اجمال می‌توان گفت: «دفاع مشروع حقی است که به‌عنوان استثنایی مهم بر اصل ممنوعیت کلی توسل به‌زور در روابط بین‌المللی، در ماده ۵۱ منشور، پیش‌بینی شده است و بر اساس آن، کشورها می‌توانند برای دفاع از خود و کشورهایی که با آن‌ها همبستگی سیاسی و امنیتی دارند، در مقابل حملهٔ مسلحانه، به اقدام نظامی فوری مبادرت ورزند» (حسینی، ۱۳۹۱: ۷۳-۷۲).

۱-۳. اقدام آمریکا و اصل عدم توسل به‌زور

بر اساس آنچه که بیان گردید؛ مشخص است که بانیان منشور سازمان ملل متحد، فقط دو قاعدهٔ «اقدامات قهری شورای امنیت» و «دفاع مشروع» را به‌عنوان استثناء بر اصل ممنوعیت توسل به‌زور در روابط بین‌المللی برشمرده و به غیر آن دو، هرگونه کاربرد زور را در روابط بین‌الملل نامشروع و غیرقانونی اعلام نموده‌اند؛ بنابراین اقدام آمریکا در ترور سردار سلیمانی و ابومهدی المهندس، درواقع نقض آشکار اصل بنیادی عدم توسل به‌زور در روابط بین‌المللی است. بدان جهت که ازیک‌طرف ایران، حملهٔ مسلحانه‌ای را که توجیه‌گر توسل به اصل ۵۱ منشور سازمان ملل بوده باشد، علیه آمریکا انجام نداده است. از طرفی دیگر بین ایران و آمریکا، حالت جنگ مسلحانه‌ای وجود نداشته است تا قوانین جنگی که در زمان هدف‌گیری نظامیان دشمن، موجه و قانونی است، حاکم گردد. به‌موجب این دلائل، حملهٔ صورت گرفته به سردار سیلمانی از این شرایط قانونی و مشروع برخوردار نبوده است و اتهامات وارده به وی و برشمردن سابقه‌اش، به‌هیچ‌وجه نمی‌تواند توجیه‌گر مشروعیت ترور او و اقدام به دفاع

مشروع توسط آمریکا باشد؛ بنابراین، اقدام به ترور این سردار ایرانی به‌هیچ‌عنوان دفاع مشروع نبوده و در حقیقت مصداق بارز نقض قوانین و مقررات شناخته‌شدهٔ بین‌المللی است.

۲. اصل برابری حاکمیت دولت‌ها و منع مداخله در حقوق بین‌الملل

۲-۱. اصل برابری حاکمیت دولت‌ها[1]

اصل برابری حاکمیت‌ها یکی از مبانی حقوق بین‌الملل و لازمهٔ حیات جامعهٔ بین‌المللی معاصر است. منشور ملل متحد در مقدمهٔ خود بالصراحه به‌تساوی بین ملت‌ها اشاره نموده و در پی آن، در بند ۱ ماده ۲ هم به اصل تساوی بین حاکمیت‌ها اشاره کرده است: «سازمان بر مبنای اصل تساوی حاکمیت کلیهٔ اعضاء آن قرار دارد.» (دولتشاه، ۱۳۸۸: ۱۹) البته اصل تساوی حاکمیت دولت‌ها منحصر در این ماده نبوده بلکه اصول دیگری از منشور نیز مبنای خود را بر این اصل قائم کرده‌اند، اصل منع توسل به‌زور و اصل عدم‌مداخله ازجملهٔ این اصول هستند. اصل برابری حاکمیت دولت‌ها یعنی اینکه کلیه دولت‌ها دارای حق حاکمیت مساوی هستند و این شایستگی باید از سوی دولت‌های دیگر محترم شمرده شود. «اعلامیهٔ اصول حقوق بین‌الملل راجع به روابط و همکاری‌های دوستانه بین دولت‌ها»[2] مصوب ۲۴ اکتبر ۱۹۷۰ تصریح می‌دارد: «همهٔ دولت‌ها از برابری مبتنی بر حاکمیت برخوردارند. دولت‌ها حقوق و تکالیف برابر دارند و به‌رغم تفاوت‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، جمعیتی و ...، اعضای برابر جامعهٔ بین‌المللی شناخته می‌شوند.» برابری حقوقی دولت‌ها ایجاب می‌کند که هرگونه مداخله در امور داخلی دولت دیگر که باعث سلب حاکمیت و استقلال آن دولت می‌شود، انجام نپذیرد.

۲-۲. اصل عدم‌مداخله[3]

اصل عدم‌مداخله در امور داخلی کشورها یکی از اصول اساسی حقوق بین‌الملل و ازجمله حقوق و تکالیف بنیادین کشورهاست که به‌موجب این اصل عام کشورها از مداخله در امور داخلی یکدیگر منع شده‌اند. اصل عدم‌مداخله ریشه در اصل تساوی حاکمیت دولت‌ها دارد. واضعان منشور ملل متحد تلاش کردند با اتکاء به اصل منع توسل به‌زور، دولت‌ها را از مداخله در امور داخلی یکدیگر منع نمایند.

---

1. The Principle of Equality of States
2. Declaraton on Principlic of International Law Canceming Friendly Relations And Coopertion Among States.
3. Non- Intervention

اصل احترام به حق حاکمیت، آزادی و استقلال یک ملت بی‌شک اجتناب از مداخله در امور داخلی آن ملت را ایجاب می‌کند. (عمید زنجانی، ۱۳۸۳: ۳۵۷) مناسبات میان دو اصل حاکمیت و استقلال با اصل عدم‌مداخله بسیار تنگاتنگ است. تا آنجا که به نظر کاسسه «اصل عدم‌مداخله» ریشه خود را از حاکمیت می‌گیرد و هدف آن نیز تضمین احترام به حق حاکمیت کشورهاست. (کاسسه، ۱۳۷۰: ۸۰) همچنین عدم‌مداخله در حقوق بین‌الملل اصل مکمل حاکمیت است (میرمحمدی، ۱۳۹۱: ۲۲٦). بر پایهٔ اصل احترام به حاکمیت ملی دولت‌ها و منع مداخله، کشورها متعهد شده‌اند از دخالت و کاربرد زور در امور داخلی یکدیگر احتراز کرده و حاکمیت ملی همدیگر را محترم شمارند.

دایره‌المعارف حقوق بین‌الملل مداخله را چنین تعریف می‌کند: «مداخله عبارت است از نفوذ همراه با فشار یک کشور در امور داخلی و خارجی کشوری دیگر به‌گونه‌ای که ارادهٔ حاکم کشور مورد مداخله نقض شده و آن کشور را به اتخاذ رفتاری خاص وارد نماید.»[1] در تعریف فوق عمل مداخله با زور توأم است بدین معنا که کشوری با توسل به نیروی نظامی یا ابزارهای سیاسی و اقتصادی کشور دیگر را تحت‌فشار و کنترل خود قرار دهد. دیوان دادگستری بین‌المللی از این عنصر به «اجبار» تعبیر کرده و آن را عنصر اصلی مداخله به شمار آورده است. (صفایی، ۱۳٦۷: ۱۱) بند ۷ ماده ۲ منشور ملل متحد می‌گوید: «هیچ یک از مقررات مندرج در این منشور، ملل متحد را مجاز نمی‌دارد، در اموری که ذاتاً جزء صلاحیت داخلی هر کشور است، دخالت نمایند و اعضا را نیز ملزم نمی‌کند که چنین موضوعاتی را تابع مقررات این منشور قرار دهند لیکن این اصل به اعمال اقدامات قهری پیش‌بینی‌شده در فصل ۷ لطمه وارد نخواهد آورد» (دولتشاه، ۱۳۸۸: ۲۰). به‌طورکلی مبنای اصل عدم‌مداخله را باید در اصول حاکمیت و استقلال دولت‌ها جستجو نمود. به‌عبارت‌دیگر، اصل عدم‌مداخله دولت‌ها در امور مربوط به دولت‌های دیگر، نتیجه منطقی استقلال و حاکمیت دولت‌هاست (عمید زنجانی، ۱۳٦۷: ٤٥۱) و اعلامیهٔ ناروایی مداخله در امور داخلی دولت‌ها و حمایت از استقلال و حاکمیت آن‌ها، مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد[2] نیز با نفی هرگونه مداخله در امور داخلی دولت‌ها تصریح می‌نماید: «هیچ دولتی به هر دلیلی حق مداخله مستقیم و غیرمستقیم در امور داخلی و خارجی سایر دولت‌ها را ندارد؛ بنابراین مداخله نظامی و سایر اشکال مداخله و تهدید علیه هویت یک دولت یا علیه عناصر

1. Encyclopedia of public international law vol3.(A-M).P.233
2. UN General Assembly,Declaration on the Inadmissibility of Intervention in the Domestic Affairs of States and the Protection of Their Independence and Sovereignty, Resolution ۲۱۳۱ (XX), ۲۱ December۱۹٦٥

سیاسی، اقتصادی و فرهنگی آن دولت محکوم است.» ماده ۳ طرح اعلامیهٔ حقوق و وظایف کشورها مصوب ۱۹٤۹ کمیسیون حقوق بین‌الملل، نیز چنین می‌گوید: «هر کشور موظف است از مداخله در امور داخلی و خارجی کشور دیگر خودداری کند.»[1] با این اوصاف می‌توان گفت اصل عدم‌مداخله یکی از اصول ریشه‌ای حقوق بین‌الملل است و به‌موجب این اصل همهٔ کشورها از مداخله در امور داخلی همدیگر منع شده‌اند؛ و پرواضح است که رعایت اصل منع مداخله توسط اعضای جامعهٔ بین‌المللی موجب حفظ حاکمیت و استقلال کشورها و صلح و امنیت جهانی خواهد بود و عدم رعایت این اصل عام، موجبات بروز اختلاف و درگیری‌های کشورها را فراهم خواهد آورد. باوجود تلاش‌های جامعه جهانی برای بر حذر داشتن دولت‌ها از توسل به‌زور در مناسبات بین‌المللی، مع‌الأسف شاهد بازگشت برخی کشورها به رویهٔ پیش از قرن بیستم و مداخله آن‌ها در امور داخلی دیگر کشورها هستیم. نمونه‌های مداخله، در سال‌های اخیر فراوان است. برای مثال می‌توان از مداخلهٔ شوروی در افغانستان، مداخلهٔ مسلحانهٔ آمریکا در ایران (حملهٔ طبس)، بلوکه کردن دارائی‌های ایران توسط آمریکا، مداخله آمریکا در نیکاراگوئه، مداخله آمریکا و متحدانش در افغانستان، لیبی، عراق و سوریه، مداخلهٔ عربستان و متحدانش در لبنان و یمن نام برد.

۲-۳. نقض اصل احترام به حاکمیت ملی دولت‌ها و اصل منع مداخله

بر اساس قواعد و اصول شناخته‌شده بین‌المللی فوق‌الذکر، اصل برابری حاکمیت دولت‌ها و منع مداخله در امور داخلی کشورها از اصول بنیادین حقوق بین‌الملل بوده و تمامی اعضای جامعهٔ بین‌الملل متعهد و ملزم به رعایت آن می‌باشند. عدم رعایت این اصل از سوی دولت‌ها موجب بروز اختلاف می‌شود و درنتیجه جنگ و ناامنی را در عرصه بین‌المللی فراهم می‌آورد. لذا دولت آمریکا در قضیه ترور ناجوانمردانه سردار سلیمانی و ابومهدی المهندس نه‌تنها ناقض اصل برابری حاکمیت‌ها نسبت به دو دولت ایران و عراق بوده است بلکه اصل ممنوعیت کاربرد زور و منع مداخله را نیز نقض کرده است.

۲-۳-۱. نقض حاکمیت ملی عراق

حقوق بین‌الملل اظهار می‌دارد که دولت‌های مدعو بدون رضایت دولت میزبان نباید از نیروی نظامی در مناطق دیگر استفاده کنند. نقطهٔ آغازین دعوت به مداخله، درخواست مداخله از سوی دولت حاکم است. دولتی که با این اقدام، رضایت خویش را نسبت به مداخلاتی که از سوی ثالث انجام خواهد شد

1. Yearbook of the International Law Commission, 1944, P. 287 s

اعلام می‌نماید؛ بنابراین عنصر اساسی، در خصوص مفهوم دعوت به مداخله، رضایت دولت حاکم است؛ بنابراین اگر دولت‌های خارجی بدون رضایت دولت حاکم بخواهند در امور داخلی این کشور مداخله نمایند، اقدامشان تجاوز سرزمینی محسوب می‌شود. (نصیری، ۱۳۹۳: ۱۳۷-۹۹) بنابراین دولت آمریکا به لحاظ توسل و کاربرد زور، بدون اطلاع و رضایت دولت عراق این عملیات را خارج از قلمرو حاکمیتی خود انجام داده و در حقیقت با این تجاوز و مداخلهٔ نامشروع، اصل احترام به حاکمیت ملی، تمامیت ارضی، استقلال سیاسی و امنیت ملی عراق را نقض کرده است و دولت عراق حق پیگیری و تعقیب حقوقی آن را داراست. متعاقب این جنایت بشری، نخست وزیر عراق اقدام آمریکا را محکوم و آن را نقض حاکمیت ملی عراق دانست. عادل عبدالمهدی اظهار داشت: «ترور یک مقام نظامی عالی‌رتبه عراقی به‌مثابه تجاوز و جنگ علیه نظام، دولت و ملت عراق است و ترور مقامات بلندپایه عراقی و مقامات کشوری دوست نقض آشکار حاکمیت عراق به شمار می‌رود.»[1] محمدحلبوسی رئیس پارلمان عراق نیز اظهار داشت: «عملیات تروریستی آمریکا از این جنبه که ابومهدی المهندس را هدف قرار داد، نقض حاکمیت عراق و قوانین بین‌المللی است، هر نوع عملیات امنیتی و نظامی در خاک عراق باید با موافقت دولت عراق صورت بگیرد.»

۲-۳-۲. نقض حاکمیت ملی ایران

بر اساس مقررات بین‌المللی، سردار سلیمانی در سفر به عراق که به دعوت نخست وزیر آن کشور انجام گرفته بود به‌عنوان مقام رسمی نظامی جمهوری اسلامی ایران از مصونیت بین‌المللی برخوردار بوده و در حقیقت نماد بارزی از هویت و حاکمیت ملی ایران محسوب می‌شد. لذا جنایت ناجوانمردانه دولت آمریکا در ترور چنین شخصیتی، نقض قوانین و مقررات بین‌المللی و تعدی به حاکمیت ملی کشور ایران محسوب می‌شود؛ و مطابق قطعنامهٔ ۳۳۱۴ مورخ ۱۴ دسامبر ۱۹۷۴ مجمع عمومی، ماده ۸ مکرر اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری و بند ۲ ماده ۵ اصلاحی اساسنامهٔ دیوان بین‌المللی کیفری ۲۰۱۰، مرتکب جنایت تجاوز شده است؛ بنابراین ایران می‌تواند با استناد به این نقض‌ها، در دیوان کیفری بین‌المللی نیز اقامه دعوا نماید و دولت آمریکا و شخص رئیس‌جمهور آن کشور را به‌عنوان متجاوز و جنایتکار بین‌المللی، مورد تعقیب کیفری قرار دهد.

1. www.irna.ir/news/۸۳٦۱۸٤۵۲ (Accessed at:1398/10/13)

۳. دکترین جدید

۳-۱. دفاع مشروع پیشگیرانه:[1]

حق دفاع مشروع دولت‌ها، اصلی است مقدس و به معنی حمایت از کشورهای کوچک و ضعیف در برابر تجاوز کشورهای قدرتمند است. باوجوداین، شگفت آنکه پس از سال ۱۹۴۵ عمدتاً قدرت‌های بزرگ و کشورهای به لحاظ نظامی توانمند، مشتری پر و پا قُرص حق دفاع مشروع بوده‌اند و آن را به‌عنوان توجیه توسل به‌زور علیه دیگر کشورها مورد استناد قرار داده‌اند. کشورهای قدرتمند برای استفاده و درواقع، سوءاستفاده از زور، همواره به ماده ۵۱ منشور استناد کرده‌اند (شریفی و بارین چهاربخش، ۱۳۹۲: ۳۶-۱۱). به‌نحوی‌که اگر به حالت قبل از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ نگاه کنیم، مشاهده خواهیم کرد که گرچه دولت‌ها به‌ندرت به دفاع مشروع پیشگیرانه استناد نموده و اتکاء به آن را موجد سابقهٔ خطرناک می‌دانستند، اما برخی نویسندگان از دکترین مذکور حمایت کرده‌اند. برخی حقوقدانان به دنبال تفسیر موسع از ماده ۵۱ منشور در اعطای حق توسل به‌زور هستند. طرفداران دکترین کلی خودیاری[2] استدلال می‌کنند که ماده ۵۱ منشور، ناسخ سایر موارد دفاع نیست بلکه صرفاً یک مورد را نام برده است. چنین تفسیری از ماده ۵۱ درواقع آن را بی‌اثر می‌سازد. در سال ۱۹۴۹ تمامی اعضای کمیسیون حقوق بین‌الملل، دفاع مشروع را رد می‌کنند (برانلی، ۱۳۸۳: ۲۵۲). توجه به مقررات معاهدهٔ بین آمریکایی کمک متقابل، نشان می‌دهد که گرچه ماده ۳، همان خواسته منشور را تکرار کرده است، اما در مواد ۶ و ۸، با استفاده از عبارات کلی و مبهم، این امکان را برای تفسیر خودسرانه اما در چارچوب منشورا! باز نگه داشته است (برانلی، ۱۳۸۳: ۲۴۸) این مسئله در بحران موشکی کوبا، خود را نشان داد. چنین معاهداتی تمایلات بازگشت به حق آزاد دولت‌ها در بکارگیری زور را نشان می‌دهد و زمینه دفاع پیشگیرانه را فراهم می‌سازد اما برای نخستین بار به شکل صریح سال ۱۹۸۱ در شورای امنیت نمایندهٔ اسرائیل از این دکترین دفاع می‌کند. جان کلام او و طرفداران این نظریه ازجمله مک دوگال این است که در عصر تسلیحات اتمی، موشک‌های فوق مدرن و چندکاره و سایر تسلیحات کشتارجمعی، دیگر بسیار خنده‌دار است که خود را در یک حالت «انتظار انفعالی» قرار دهیم؛ درحالی‌که خطر یک حمله قریب‌الوقوع را در کنار خود داریم (کاسسه، ۱۳۷۰: ۲۶۷). اینان برای تأیید حقوقی ادعای خود گفتند که ماده ۵۱، ناسخ سایر حقوق دولت‌ها در حقوق بین‌الملل عرفی گذشته در مواجهه

---
1. Pre-emptive Self-defense
2. Self-help

با خطر نبوده، بلکه تنها یک مورد را احصاء نموده است. در این دیدگاه حقوقدانان دو استدلال زیر را مطرح نموده‌اند:

۱. قاعده عرفی بین‌المللی مورد استناد، دفاع بازدارنده را به مفهوم خاص آن پیش‌بینی نکرده، بلکه دفاع مشروع و حفاظت از خود را مقرر کرده است.

۲. ماده ۵۱، همه حقوق قبلی حاکم قبلی را نسخ نموده و جایی برای چیزی جز دفاع مشروع که صریحاً بدان اشاره شده باقی نگذاشته است (کاسسه، ۱۳۷۰: ۲۶۸).

نکته دیگری هم می‌توان به مطالب ذکر شده افزود و آن بازگشت عملی حقوق بین‌الملل به حقوق بین‌الملل عرفی گذشته است، چراکه در صورت قبول چنین تفسیری، می‌توان با کمک ابزارهای تبلیغاتی و فشارهای اقتصادی یا سیاسی یک خطر یا مسئله کوچک را به یک خطر قریب‌الوقوع جلوه داده و بالعکس یک خطر بزرگ برای صلح و امنیت بین‌المللی را یک حافظ صلح نشان داد. در مورد اول، حداقل تجربه جنگ علیه عراق در سال ۲۰۰۳ همین را می‌گوید. علیرغم آنکه عراق در طول ۱۲ سال، زیر نظر بازرسان تسلیحاتی سازمان ملل، به نابودی بخش اعظم تسلیحات اتمی، شیمیائی و کشتارجمعی دست زد و بارها از سوی بازرسان سازمان ملل این اخبار تأیید شد؛ اما درنهایت آمریکا و انگلیس با حربه تبلیغاتی و فشارهای سیاسی خود، وجود خیالی سلاح‌های مخفی شیمیائی و اتمی صدام حسین را بهانه و دستاویزی برای حمله به عراق قرار دادند و حال اینکه خود نیز چند ماه پس از اشغال، از نبودن آن تسلیحات در عراق خبر دادند. در مورد بعدی هم می‌توان اقدامات غیرقانونی رژیم اشغالگر قدس را مثال زد که علیرغم آنکه در مجمع عمومی سازمان ملل متحد، علیه آن، بیانیه صادر شده است اما هنگام طرح آن در شورای امنیت با وتوی آمریکا روبرو می‌گردد؛ و در سازمان‌ها و کنفرانس‌های مختلف دیگر هم توسط دولت‌های مختلف، مورد تقدیس قرار گرفته و حافظ صلح شناخته می‌شود (بهستانی، ۱۳۸۷: ۱۵۰-۱۴۷). بعد از وقایع ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، ایالات‌متحده آمریکا با اتخاذ دکترین «دفاع پیشگیرانه و پیشدستانه»، اعلام نمود که خود را ملزم به رعایت ضوابط ناظر بر عدم کاربرد زور در منشور ملل ندانسته و در صورت به خطر افتادن منافع آمریکا خود رأساً اقدام می‌نماید. نتیجه رویکرد جدید آمریکا، مداخله نظامی در کشورهایی مثل افغانستان و عراق از اعتبار تنها مرجع حفظ صلح و امنیت بین‌المللی کاست و اصل «عدم‌مداخله» را خدشه‌دار کرد (صادقی، ۱۳۹۰: ۱۲۸-۹۳). بدیهی است که دفاع مشروع پیشگیرانه، به معنای مقابله با خطر قریب‌الوقوع، درواقع تفسیر

ناهنجاری از ماده ۵۱ منشور بوده و عملی کاملاً نامشروع و مخالف با قوانین و روح حاکم بر منشور ملل متحد است.

۳-۲. دفاع مشروع پیشگیرانه اقدامی مغایر با حقوق منشور

بعد از ترور سردار سلیمانی، رئیس‌جمهور آمریکا و برخی دیگر از مقامات آن کشور با ادعای جلوگیری از یک حملهٔ قریب‌الوقوع، جنایت بشری خود را به‌عنوان دفاع مشروع پیشگیرانه قلمداد نمودند! ترامپ در اجتماع هوادارانش در «میلواکی»، مدعی شد که سردار سلیمانی قصد انجام حملاتی علیه نیروهای آمریکایی داشته، اما دولت او آن را متوقف کرده است.[1] و عملیات ترور برای دفع یک «تهدید قریب‌الوقوع» بوده است.[2] پمپئو، وزیر خارجه آمریکا اظهار داشت: عملیات آمریکا علیه قاسم سلیمانی جان بسیاری از آمریکایی‌ها را نجات داد. سلیمانی مسئول کشته شدن بیش از ٦۰۰ آمریکایی و تعداد بی‌شماری از اعراب عراق، سوریه و کشورهای دیگر است و زمانی که او را کشتیم به دنبال کشتن افراد بیشتر بود.[3] برایان هوک، نماینده ویژه آمریکا در امور ایران نیز مدعی شد که اطلاعات موثق حاکی از آن بود که سردار سلیمانی در حال طرح‌ریزی حمله‌هایی به تأسیسات آمریکا در عراق، سوریه و لبنان بود؛ و ترامپ یک اقدام کاملاً قانونی را انجام داد و اقدامی که انجام شد، گامی پیشگیرانه برای توقف هرگونه حمله بوده است.[4] توجیهات مقامات آمریکایی در ترور سردار سلیمانی و استناد به ماده ۵۱ منشور و قرائت جدید از دفاع مشروع تحت عنوان «دفاع مشروع پیشگیرانه» درحالی‌که مطرح می‌شود که در نظام حقوقی بین‌المللی تأسیس حقوقی موردقبول تحت این عنوان وجود ندارد؛ هرچند آمریکا در چند سال گذشته در قالب «دفاع مشروع پیشگیرانه» با اقدامات تجاوزکارانه به برخی کشورها ازجمله افغانستان و عراق حمله کرده و در قضیه ترور سردار سلیمانی نیز به آن استناد می‌کند؛ اما در نظام حقوقی بین‌المللی چنین اقدامی دفاع مشروع نبوده و موردقبول جامعه بین‌المللی نیست. بر اساس بند ٤ ماده ۲ منشور سازمان ملل، هرگونه توسل به‌زور ممنوع است و تنها استثنائات موجود هم بر اساس ماده ۵۱ منشور، دفاع مشروع و امنیت جمعی بین‌المللی می‌باشند. این اصل منشور به‌هیچ‌وجه، به

1. www.khabaronline.ir/news/1341754 (Accessed at:1398/10/25)
2. www.khabaronline.ir/news/1343406 (Accessed at:1398/10/28)
3. www.isna.ir/news/98112719630 (Accessed at:1398/11/27)
4. www.tabnak.ir/fa/news/948815 (Accessed at:1398/10/14)

حق حمله به دولت دیگر به دلیل ترس از اینکه آن دولت در حال طراحی یا توسعه سلاح‌های قابل‌استفاده در حمله احتمالی آتی است، اشاره‌ای ندارد (ظریف،۱۳۹۱: ۸۲-٤۱). همچنین طبق ماده ۲ قطعنامهٔ شماره ۳۳۱٤ مجمع عمومی، پیش‌دستی یک دولت در کاربرد نیروی نظامی به بهانه حمله قریب‌الوقوع یا به‌عنوان حمله پیشگیرانه مغایر با منشور سازمان ملل متّحد توصیف‌شده و به‌منزله یک اقدام تجاوزکارانه به شمار می‌آید. امروزه در این خصوص این اتفاق نظریه وجود دارد که حمله پیشگیرانه، خود نوعی تجاوز محسوب می‌شود و در حقوق بین‌الملل، هیچ جایگاهی ندارد. این یک اصل پذیرفته‌شده حقوق بین‌الملل است که دفاع پیشگیرانه یا حمله پیش‌گیرانه عملی غیرقانونی است (ابراهیمی، ۱۳۸۲: ۱۲۲-۹۲) البته تفسیری که در مسئله دفاع مشروع وجود دارد در چند سال اخیر دچار تغییر و تحولاتی شده و در این راستا تفاسیر متعددی از آن شکل گرفته است. «دفاع مشروع پیشگیرانه» و «دفاع مشروع پیشدستانه» ازجمله آن‌هاست؛ و بر اساس این تفاسیر است که آمریکا با استناد به آن‌ها، پس از حمله به عراق و ساقط کردن رژیم صدام و اقدام به ترور هدفمند افرادی که آن‌ها را رهبر یا اعضای گروه‌های تروریستی می‌خواند، درصدد خلق قاعده‌ای عرفی در حقوق بین‌الملل است که از آن به‌عنوان عرف آنی یاد می‌کنند. در این قالب است که آمریکا عنوان می‌کند چون سردار سلیمانی و ابومهدی المهندس در عراق به دنبال طراحی انجام حملات قریب‌الوقوع نظامی علیه منافع، اهداف و نیروهای ایالات‌متحده بوده‌اند، آمریکا در حمله‌ای پیشگیرانه فرمانده نیروی قدس سپاه و معاون حشد الشعبی را ترور کرد تا منافع و نیروهایش صدمه نبینند! بدیهی است قاعدهٔ مذکور مبنایی بسیار خطرناک در روابط بین‌الملل بنیان گذارده است. مسلماً در صورت عدم برخورد جدی و سازمان‌یافته تابعان حقوق بین‌الملل با این نوع تجاوزات، علاوه بر تأسیس رویه در حقوق بین‌الملل، موجبات نزاع و هرج‌ومرج در روابط بین‌المللی را فراهم آورده و الگویی خواهد شد تا بر اساس آن هر کشوری با هر مستمسکی به کشوری دیگر هجوم برده و اقدامات خود را با اتکاء به قاعدهٔ دفاع پیشگیرانه یا پیشدستانه موجه سازی نماید.

٤. تروریسم و حقوق بین‌الملل:

٤-١. تروریسم:[1]

تروریسم پدیده جدیدی نیست. تاریخ مشحون از اقداماتی تروریستی است که حیات بی‌گناهان بی‌شماری را سلب یا تهدید کرده، افراد بشر را از حقوق و آزادی‌های اساسی خود محروم ساخته، روابط دوستانه میان دولت‌ها را در معرض خطر قرار داده و تمامیت ارضی و امنیت دولت‌ها را به مخاطره افکنده است (پطروس غالی،۱۳۸۰: ١٤٥– ١١٦). بنابراین تروریسم یکی از خطرات عمده‌ای است که امروزه امنیت جهانی را به‌شدت تهدید می‌کند. به همین خاطر ضروری است تمام امکانات جامعه بین‌المللی جهت مقابله و سرکوب آن بسیج شود (زرنشان، ١٣٨٦: ٩٤–٥٧). مبارزه با تروریسم برای صیانت از نظم عمومی از یک‌سو و حقوق بشر و شهروندی از سوی دیگر ضروری است؛ زیرا تروریسم مسلماً باعث نقض حقوق بشر برای «حیات، آزادی و امنیت شخصی» می‌شود. از سوی دیگر، در مبارزه با تروریسم باید استانداردها و قواعد حقوق بشری رعایت شود تا نفس مبارزه با تروریسم خود به ابزار نقض حقوق بشر تبدیل نگردد (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۰: ۱۸۵) و عاملی برای اشغال نظامی، سرنگونی و سرکوب بی‌جهت دولت‌ها و گروه‌ها نشود. آنچه در صحنه روابط بین‌الملل موجود می‌بینیم، شروع فعالیت ضد تروریستی از سوی چند دولت قدرتمند، علیه کسانی هست که در موضع مخالفت با این کشورها قرار دارند. ترس جامعهٔ جهانی از آن است که نوع دیگری از استعمار و استثمار در قالب تعریفی از تروریسم به وجود آید و یا اینکه تروریسم چهره‌ای مبهم برای تاراج دیگران به خود بگیرد. (سلامتی،۱۳۸۷: ۲۸۰) برای مثال: حضور غیرقانونی آمریکا و متحدانش در کشور سوریه به بهانهٔ مبارزه با تروریسم و نابودی داعش، خود دلیل روشنی بر صحت این نگرانی جامعهٔ جهانی است، چراکه اقدامات آمریکا و ناتو در آن کشور، هیچ ارتباطی به مبارزه با پدیدهٔ شوم تروریسم نداشته بلکه هدف واقعی آن‌ها چپاول منابع نفتی کشور سوریه با کمک گروه‌های تروریستی، است. به اذعان دونالد ترامپ رئیس جمهور پیشین آمریکا، واشنگتن از عوامل اصلی پیدایش گروه‌های ترویستی ازجمله داعش بوده است[2] و نفت مهم‌ترین دلیل حضور نظامیان آمریکایی در خاک سوریه است.

1. Terrorism
2. https://www.farsnews.ir/news/14010807000521

❖ **٤-۲. سازمان ملل متحد و تروریسم:**

مجمع عمومی سازمان ملل واژه «تروریسم» را تعریف نکرده است و با رهیافتی غیرمستقیم اعمالی خاص را بدون توجه به انگیزه و شرایط آن‌ها، جنایی تشخیص می‌دهد. نگاه دقیق مجمع عمومی به واژه تروریسم از قطعنامه ٤۹/٦۰ دسامبر ۱۹۹٤ و اعلامیه ضمیمه آن در خصوص روش‌های ریشه‌کنی تروریسم بین‌المللی است که این قطعنامه در سال‌های بعد نیز با اضافاتی همه ساله تکرار شده است. مجمع با توجه به متن پیش‌نویس کنوانسیون منع بمب‌گذاری تروریستی، قطعنامۀ ٥۱/۲۱۰ (۱۹۹٦) را به تصویب رساند. قطعنامه مصرانه از تمام کشورها می‌خواهد تا آن را امضاء، تصویب، قبول یا تأیید نمایند یا به آن ملحق شوند. این سند، جامع‌ترین سند علیه تروریسم بین‌المللی است. (سلامتی، ۱۳۸۷: ۷۸) حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ زنگ خطری در عصر جدید بود که حقوقدانان بین‌المللی دنیا را برای تفکر عمیق‌تر جهت تعریف کامل‌تر و طراحی اقدامات بازدارنده حقوقی به‌ویژه در سطح بین‌المللی وادار ساخت و در اینجا بود که دشواری تعریف و مطالعۀ علل و ماهیت تروریسم بر اهل نظر مشخص گردید. امروزه جدا از تلاش‌های حقوقی برای ارائه تعریف جهان شمول تروریسم، تعریف این پدیده بر مبنای ایجاد رعب و وحشت از طریق انفجار، ترور افراد و یا حملات مسلحانه سازمان یافته، یک تعریف رایج است؛ اما از نظر حقوق بین‌الملل، چنین تعریفی نمی‌تواند تمام قلمروی اقدامات تروریستی را شامل شود و یا یک راهکار مناسب برای محو تروریسم عرضه نماید. (سلامتی، ۱۳۸۷: ۹) تاکنون تعریفی فراگیر از تروریسم که با اجماع بین‌المللی همراه باشد، صورت نگرفته و دلیل آن هم برخورد دوگانه دولت‌ها با توجه به منافعشان در مواجهه با این مسئله است. شورای امنیت، به‌عنوان تنها مرجعی که حق استفاده قانونی از زور در تعاملات بین‌المللی را داراست بالاخره پس از مدت‌ها بحث و گفتگو، در اکتبر ۲۰۰٤ با صدور قطعنامه ۱٥٦٦ از تروریسم یک تعریف عمومی نمود. قطعنامۀ فوق، اقدامات زیر را به هیچ وجه توجیه پذیر نمی‌داند: «اقدامات جنایی علیه شهروندان که به قتل یا وارد آوردن صدمه و آسیب بدنی باشد، گروگان‌گیری به‌منظور تحریک یک دولت، ترور در اماکن عمومی یا ترور گروهی از اشخاص، ارعاب جمعیتی یا فشار بر یک سازمان بین‌المللی برای فعل یا ترک فعلی و... مشکل ارائه تعریف مشترکی از تروریسم همیشه وجود داشته و این امر ناشی از آن بوده است که «آن کس که از نظر یک شخص تروریست محسوب می‌شود از نظر دیگری یک مبارز راه آزادی است. بااین‌حال، در حال حاضر مجمع عمومی درصدد تصویب کنوانسیون جامعی برای مقابله با تروریسم است. هدف از تصویب این کنوانسیون تکمیل کنوانسیون‌های موجود ضد تروریسم است که هر کدام

به جنبه خاصی از تروریسم می‌پردازند. پیش‌نویس ماده ۲ در بردارنده تعریفی از تروریسم به شرح ذیل است. هر گونه عمل، تلاش و تهدید غیرقانونی و عامدانه که منجر به یکی از موارد زیر می‌شود.

الف) مرگ یک انسان یا ایراد آسیب بدنی شدید به وی؛

ب) خسارت جدی به اموال خصوصی یا عمومی ازجمله اماکن عمومی، ساختمان‌های دولتی یا حکومتی، سیستم‌های حمل‌ونقل عمومی، تسهیلات زیر ساختی یا محیط زیست؛

ج) خسارت به مال، اماکن و تسهیلات یا سیستم‌ها یا جاهای دیگری که منجر به آسیب بزرگ اقتصادی شود یا احتمال ایراد این آسیب را امکان‌پذیر سازد. (کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل، گزاره برگ شمارهٔ ۳۲).

٤-۳. استناد به قوانین داخلی در عملکرد بین‌المللی

با وقوع حوادث یازده سپتامبر، آمریکا فرایند نوین از مبارزه جهانی با تروریسم را با یک‌جانبه‌گرایی و محدودیت رهبری خود علیه همهٔ دولت‌ها و گروه‌های رقیب آغاز کرد. (ساعد، ۱۳۸۹: ۹).

استراتژی امنیت ملی آمریکا علیه تروریسم در قالب دکترین جنگ پیشگیرانه و پیشدستانه طراحی و اجرا شده است. این استراتژی درباره نحو و چگونگی ایجاد همکاری‌های چندجانبه بین‌المللی در مبارزه با تروریسم چندان سخنی به میان نمی‌آورد. ایالات‌متحده آمریکا نقش اندکی برای سازمان ملل متحد به‌ویژه شورای امنیت قائل شده است. (خبیری و دربندی،۱۳۹۰: ۱۷۸-۱۵۱) این کشور با تأکید بر لزوم نظم عمومی داخلی، به چهار دلیل زیر با کنوانسیون منع و مجازات تروریسم مخالفت کرده است:

الف) نبودن تعریفی مشخص از جرم تروریستی؛

ب) سیاسی شدن دیوان (بین‌المللی کیفری) در صورت آوردن این جرم تحت صلاحیت آن؛

ج) عدم شدت بعضی اعمال تروریستی طوری که شایسته تعقیب از سوی دیوانی بین‌المللی باشد.

د) اثربخش‌تر بودن تعقیب و کیفر به‌وسیله دادگاه‌های داخلی در مقایسه با رسیدگی در دیوان بین‌المللی در اکثر موارد. (Cassese,۲۰۰۱ :۹۹۳) رویکرد یادشده بر یک نکته اساسی تأکید می‌کند که مبارزه با تروریسم هم‌اکنون سازوکاری ملی دارد و هرچند در سطح بین‌المللی اقداماتی علیه آن تمهید می‌شود، ولی مبنا و مبادی آن قوانین ملی هستند که بعد از حادثه یازده سپتامبر به نحو چشمگیری و البته در تضاد با کرامت انسانی رشد کردند. (غمامی، ۱۳۹۵: ۱۰۳-۸۳) پس از عملیات دولت آمریکا در ترور سردار سلیمانی، ترامپ رئیس جمهور آن کشور گفت: سلیمانی باعث کشتار و آزار فراوانی برای

آمریکایی‌ها بود و سلیمانی دلیل کشتار مردم بی‌گناه زیاد و حملات تروریستی بود...ارتش به دستور من سلیمانی را کشت.[1]

اکنون سؤال این است: آیا دولت آمریکا که نیروی قدس و سپاه پاسداران را در فهرست سازمان‌های تروریستی قرار داده است، محقق به تروریست نامیدن و برخورد نظامی با فرماندهان و نیروهای آن است یا خیر؟

در پاسخ باید گفت اولاً: از نظر قوانین بین‌المللی هیچ دولتی نمی‌تواند با استناد به قوانین داخلی خود، تعهدات بین‌المللی خود را نقض کند. ماده ۳۲ طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در این زمینه مقرر می‌دارد: «دولت مسئول نمی‌تواند برای توجیه قصور در ایفای تعهداتی که طبق این بخش برعهده دارد به مقررات حقوق داخلی خود اتکاء کند.» طبق این ماده، دولتی که مرتکب تخلف بین‌المللی شده نمی‌تواند مقررات داخلی خود را بهانهٔ قصور در رعایت تعهداتی که طبق این بخش بر عهده دارد، قرار دهد. (حلمی،۱۳۸۷: ۲۵۸) بنابراین اقدام آمریکا در تضاد آشکار با قوانین بین‌المللی بوده و این کشور نمی‌تواند به بهانهٔ آن‌که نیروی قدس و سپاه پاسداران را در سیاههٔ گروه‌های تروریستی خود قرار داده است، اقدام به هر عملی برخلاف مقررات بین‌الملل، ازجمله ترور سردار سلیمانی فرمانده نیروی قدس سپاه بنماید.

ثانیاً: به جهت اینکه سپاه پاسداران بر اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تشکیل یافته است جزئی از حاکمیت ملی آن کشور محسوب می‌شود و درواقع دولت آمریکا با قرار دادن نام این نیرو و فرماندهان آن در فهرست گروه‌های تروریستی، اقدام به نقض حاکمیت ملی ایران نموده است.

ثالثاً: با توجه به اینکه علیرغم همه مشکلات میان ایران و آمریکا، این دو کشور به شکل رسمی در حال جنگ باهم نبودند و در این ترور، ایالات‌متحده آمریکا، به فرماندهانی حمله کرد که سالیان سال در صف اول مبارزه با تروریست‌های تکفیری داعش حاضر شده و ضربات بسیاری بر آن‌ها وارد کرده بودند. لذا هدف قرار دادن آگاهانه سردار سلیمانی از مقامات بلندپایه ایرانی، میهمان رسمی نخست وزیر عراق در فرودگاه غیرنظامی بغداد، از مصادیق بارز جنایت تروریسم دولتی است.

1. https://aftabnews.ir/fa/news/629885 (Accessed at: 1398/10/14)

۵. حقوق بشر:[1]

با توجه به جمیع اسناد بین‌المللی حقوق بشر خصوصاً اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹٤۸ و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱٦ دسامبر ۱۹٦٦ می‌توان گفت که حقوق بشر عبارت است از: «مجموعه قواعد، مقررات و اصولی است که به‌منظور شناسایی حیثیت ذاتی و حقوق یکسان و غیرقابل‌انتقال کلیه اعضای حقوق بشر بر مبنای آزادی– عدالت و صلح در جهان به رسمیت شناخته‌شده است.» تفصیل این حقوق در اسناد بین‌المللی فراوانی آمده که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی و ممنوعیت برده‌داری و شکنجه (محقق داماد،۱۳۸۳: ۲۷۰). به‌عبارتی‌دیگر حقوق بشر، مجموع حقوق و آزادی‌هایی است که بشر در حیات فردی و اجتماعی جهت صیانت از کرامت ذاتی از آن‌ها برخوردار است. (خسروی، ۱۳۹۷: ٤) حقوق بشر حقوقی است که هر شخصی صرفاً بدان خاطر که انسان است فارغ از رنگ پوست، نژاد، دین، موقعیت اجتماعی و جنسیت دارای آن است. حقوق بشر ازآن‌جهت که امروزه در اکثر قوانین ملی کشورها و قوانین بین‌المللی به رسمیت شناخته‌شده، از نوع حقوق مبتنی بر قانون محسوب می‌شود؛ بنابراین می‌بایست از طرف اشخاص و دولت‌ها محترم شمرده شود. با بررسی عملکرد قدرت‌های بزرگ در عصر حاضر، می‌توان گفت بیشترین سوءاستفاده از موضوع حقوق بشر توسط ایالات‌متحده آمریکا صورت گرفته و رد پای ظلم و ستم و پایمال کردن حقوق بشر توسط آن کشور در تمامی نقاط کره زمین قابل مشاهده است. به عبارتی می‌توان گفت آمریکا، کشوری که همیشه پرچم‌دار حقوق بشر بوده، خود از مصادیق بارز نقض فاحش آن در سایر کشورهای جهان حتی در خود این کشور است و صرفاً با اهداف سیاسی و اقتصادی از این حقوق مترقی بشر به‌عنوان ابزاری برای برخورد با سایر کشورها استفاده می‌کند. آمریکا در داخل کشور خود بین سفیدپوستان و سیاه‌پوستان تبعیض قائل می‌شود. در این کشور بخشی از مردم از کمترین امکانات محروم‌اند و بخشی دیگر غرق در امکانات هستند. تاریخ کوتاه آمریکا مملو از لشکرکشی، تهاجم، تجاوز و اشغال کشورهای ضعیف و کشتار مردم بی‌دفاع است. این کشور در بمباران اتمی هیروشیما و ناکازاکی، بیش از ۳۰۰ هزار نفر از مردم بی‌گناه ژاپن را به قتل رساند. در تهاجم به ویتنام بیش از ٤ میلیون نفر را کشت. آمریکا و متحدانش در افغانستان ۷۰ هزار نفر را کشتند، در زمان اشغال عراق، بیش از ۲ میلیون نفر را قتل عام کردند؛ و به بهانهٔ مبارزه با تروریسم چه بر سر کشور و مردم سوریه که نیاوردند. آمریکا حامی همه جانبهٔ رژیم جنایت‌کار صهیونیستی است. آمریکا

1. Human Rights

سردستهٔ اعمال تحریم‌های یک‌جانبهٔ ظالمانه، غیرقانونی و مغایر با منشور ملل متحد و حقوق بین‌الملل علیه کشورها به‌ویژه جمهوری اسلامی ایران است. مصادیق ذکرشده تنها بخشی از سیاهه بسیار گستردهٔ نقض حقوق بشر توسط آمریکاست؛ بنابراین با این رفتار متناقض در خصوص حقوق بشر، ایالات‌متحده آمریکا و هم‌پیمانانش، صلاحیت سردمداری دفاع از حقوق بشر را ندارند.

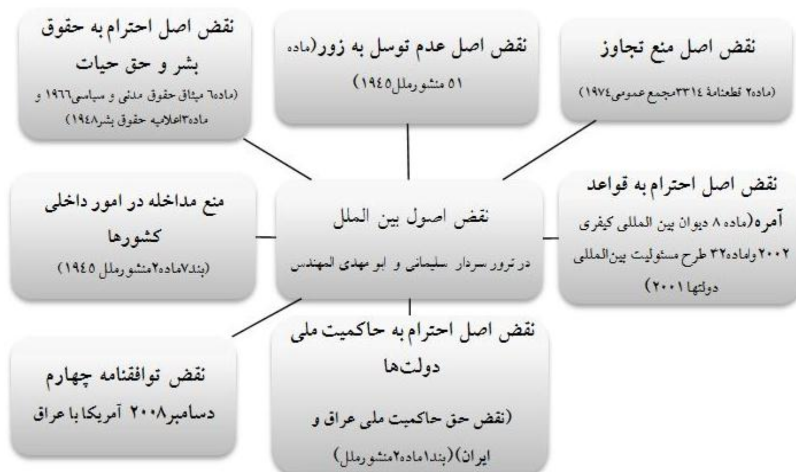
۵-۱. حق حیات:[1]

حیات و زندگی انسانی، نعمتی الهی است که خداوند متعال به انسان عطا فرموده است. حق حیات یکی از بنیادین‌ترین حقوق بشری بوده که در اسناد بین‌المللی متعددی به کرّات بدان تأکید شده است. ماده ٦ میثاق حقوق مدنی و سیاسی حق حیات را از حقوق ذاتی هر انسانی برمی‌شمارد: «حق زندگی از حقوق ذاتی شخص انسان است. این حق باید به‌موجب قانون حمایت بشود. هیچ فردی را نمی‌توان خودسرانه از زندگی محروم کرد.» (مافی،۱۳۹٤: ۱۸٤) و در ماده ۳ اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر نیز به آن اشاره شده است.» هرکس حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی دارد.» (مافی، ۱۳۹٤: ۱٦۷).

۵-۲. نقض آشکار حقوق بشر و حق حیات

با توجه به مطالب فوق‌الذکر که در خصوص حقوق بشر، حق حیات و جایگاه آن در حقوق بین‌الملل بیان گردید، می‌توان این‌چنین دریافت که در عملیات ضد بشری، غیرقانونی و نامشروع سوم ژانویه ۲۰۲۰، ایالات‌متحده آمریکا در ترور سردار سلیمانی و ابومهدی المهندس معاون تشکیلات حشدالشعبی عراق و هشت تن از همراهانشان در فرودگاه بغداد، درحالی‌که هیچ اتهامی متوجه آن‌ها نبوده است و سند موثقی نیز در این مورد وجود ندارد تا طرف آمریکایی بر مبنای آن ادعا کند که ضرورت ایجاب می‌کرده برای حفظ جان خود به‌سرعت برای دفع خطر آن‌ها وارد عمل شوند، لذا محروم کردن سردار سلیمانی و همراهانش از حق حیات، با توسل به راهبرد ترور هدفمند از سوی ایالات‌متحده آمریکا، اقدامی خودسرانه، غیرقانونی و نامشروع است.[2] چراکه به‌موجب قوانین و مقررات آمره حقوق بین‌الملل، دولت‌ها حق ندارند خودسرانه و بدون مجوز حق حیات و زندگی را از انسان‌ها سلب نمایند.

1. Right To Exist
2. Css.Ir/Fa/Content/115001 (Accessed At:1398/11/02)



نمودار موارد نقض اصول بین‌الملل در ترور سردار سلیمانی

بحث و نتیجه‌گیری

بر اساس آنچه به‌اجمال بیان شد، می‌توان دریافت که هرچند آمریکا تلاش دارد اقدام بامداد جمعه، سوم ژانویه ۲۰۲۰ خود را با کاربست واژگان حقوقی ازجمله «دفاع مشروع پیشگیرانه» توجیه کند؛ اما بی‌گمان حمله ارتش ایالات‌متحده آمریکا به سردار سلیمانی، ابومهدی المهندس و همراهانش که با دستور مستقیم دونالد ترامپ انجام گرفت از منظر قوانین و مقررات بین‌المللی، اساساً فاقد وجاهت قانونی و حقوقی بوده و نقض آشکار اصول بنیادین «عدم توسل و کاربرد زور»، «منع تجاوز»، «برابری حاکمیت دولت»، «منع مداخله در امور داخلی کشورها»، «احترام به قواعد آمره و عرف‌های مسلم بین‌الملل»، «احترام به حقوق بشر و حق حیات» و همچنین نقض توافقنامه چهارم دسامبر ۲۰۰۸ آمریکا با عراق است؛ اما بااین‌وجود، واقعیت این است که حقوق بین‌المللی مجموعه‌ای از قوانین و مقررات است که ابعاد و احکامی را وضع می‌کند اما در باطن، حقوق بین‌المللی به‌ویژه حقوق عرفی برآیندی از موازنه قدرت و تلاش ابرقدرت‌ها برای اثرگذاری در روابط بین‌المللی و حفظ نظم جهانی ترتیب داده‌شده از سوی خود آن‌هاست. به همین خاطر مشاهده می‌کنیم اکثریت قدرت‌های بزرگ، در مواقعی که حقوق بین‌الملل به سودشان نیست، آن را نادیده می‌گیرند و کسی هم نمی‌تواند به آن‌ها تعرضی کند

چون صاحب قدرت هستند و این بدعهدی‌ها، نقض قول‌ها و اقدامات خلاف عرف و اصول و قواعد پذیرفته‌شدهٔ بین‌المللی از ماهیت مداخله جویانه و خوی سلطه‌طلبی آن‌ها ناشی می‌شود.

به‌موجب آنچه که در مقاله حاضر مورد تتبع قرار گرفت آشکار است که اقدامات دولت آمریکا در ترور وقیحانه نماد مبارزه با تروریسم جهانی، سردار سلیمانی و یاران همراهش، نقض فاحش و آشکار اصول شناخته‌شدهٔ حقوق بین‌الملل است. اکنون سؤال این است که باوجوداین نقایض واضح، ظرفیت‌های حقوقی پیش روی جمهوری اسلامی ایران برای پیگیری این جنایت غیر بشری کدم‌اند؟ در پاسخ باید گفت:

۱. جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با استناد به مواد ۳۵ و ۳٦ منشور ملل متحد موضوع را به شورای امنیت ارجاع دهد و به جهت نقض اصول و قواعد متعدد منشور و به خطر افتادن صلح و امنیت بین‌المللی، درخواست رسیدگی به موضوع و صدور قطعنامه در محکومیت این اقدام غیرقانونی و نامشروع را بنماید. البته متأسفانه واقعیت این است که با حضور آمریکا به‌عنوان یکی از پنج عضو اصلی شورای امنیت و داشتن حق وتو، نباید انتظار و توقع ورود و اقدام مؤثر این شورا را داشت.

۲. با توجه به اینکه این اقدام ناقض حقوق بشر، مطابق قطعنامه ۳۳۱٤ مورخ ۱۹۷٤ مجمع عمومی، ماده ۸ مکرر اساسنامهٔ دیوان بین‌المللی کیفری[1] و بند ۲ ماده ٥ اصلاحی اساسنامهٔ دیوان بین‌المللی کیفری مصوب ۲۰۱۰، جنایت تجاوز محسوب می‌شود. لذا جمهوری اسلامی ایران می‌تواند دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا که مستقیماً دستور این حملهٔ غیرانسانی را داده است و سایر عوامل این جنایت بین‌المللی را در دیوان کیفری بین‌المللی مورد تعقیب کیفری قرار دهد. البته مطابق مواد ۱۲ و ۱۳ اساسنامهٔ دیوان که در سال ۱۹۹۸ تدوین شد، شورای امنیت می‌تواند موضوع را به دیوان جهت رسیدگی به جنایات ارتکابی توسط اشخاص حقیقی ارجاع دهد که در این صورت دیوان صلاحیت رسیدگی خواهد داشت؛ هرچند دولت‌های مربوط، متعاهد نباشد (سلیمی،۱۳۹۳: ۱۸۳-۱٦٤). جمهوری اسلامی ایران باید این درخواست را از شورای امنیت داشته باشد. مسلماً با حضور آمریکا و هم‌پیمانان اروپایی‌اش در آن و داشتن حق وتو، محال است شورای امنیت آن را

1. International Criminal Court

به دیوان کیفری بین‌الملل بفرستد و حتماً آن را وتو خواهند کرد که در این صورت، این وتو، یک سند رسوایی برای آن شورا و یک نشان دیگر از ناکارآمدی حقوق بین‌الملل خواهد داشت.

۳. چون در این قضیه یک قاعدهٔ آمره با حملهٔ خودسرانه و بدون مجوز دولت آمریکا به یکی از حقوق بنیادین بشری یعنی حق حیات، نقض شده است. پس کشور ایران می‌تواند از ظرفیت حقوقی شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد[1] برای احقاق حقوق خود و آسیب دیدگان در این جنایت، استفاده کرده و در آنجا اقامهٔ دعوی نماید. این شورا به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ارکان بین‌المللی درزمینهٔ دفاع از حقوق بشر محسوب می‌شود که هدف آن ارتقاء و حمایت از حقوق بشر در همهٔ کشورها است.

٤. جمهوری اسلامی ایران می‌تواند این قضیه را به مجمع عمومی سازمان ملل به‌عنوان مسئول حفظ صلح و امنیت جهانی و پاسدار نظام ملل متحد ارجاع دهد؛ و برای انجام تحقیقات بین‌المللی، تشکیل کمیته حقیقت‌یاب را از دبیر کل سازمان ملل خواسته و پیگیر طرح نتایج آن در مجمع عمومی و صدور قطعنامه در محکومیت این اقدام تروریستی دولت آمریکا گردد. البته هرچند تصمیمات این مجمع جنبهٔ توصیه‌ای دارد، امّا بااین‌وجود، می‌تواند به لحاظ سیاسی و افکار بین‌المللی اثرگذار باشد؛ بنابراین باید این قضیه به جهت رفتارهای خطرناک آمریکا در مقابل ایران، حتماً پیگیری شود.

۵. با توجه به وجود ظرفیت‌های خوب در قوانین داخلی ایران در این خصوص، محاکم داخلی این کشور نیز از صلاحیت‌های لازم برای رسیدگی و تعقیب کیفری رئیس جمهور آمریکا و عوامل دیگر این ترور و تجاوز را دارند. ماده ۵ قانون مجازات اسلامی سال ۹۲ در این زمینه می‌گوید: «هر شخص ایرانی یا غیر ایرانی که در خارج از قلمرو حاکمیت ایران مرتکب یکی از جرائم زیر یا جرائم مقرر در قوانین خاص گردد، طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران محاکمه و مجازات می‌شود... الف: اقدام علیه نظام، امنیت داخلی یا خارجی، تمامیت ارضی یا استقلال جمهوری اسلامی ایران، ب: ...» و ماده ۸ همان قانون نیز اذعان می‌دارد: «هرگاه شخص غیر ایرانی در خارج

1. United Nations Human Rights Council

از ایران علیه شخصی ایرانی یا علیه کشور ایران مرتکب جرمی به‌جز جرائم مذکور در مواد قبل شود و در ایران یافت و یا به ایران اعاده گردد، طبق قوانین جزایی جمهوری اسلامی ایران به جرم او رسیدگی می‌شود...» علاوه بر این مواد، قوانین خاص دیگری ازجمله قانون تشدید مقابله با اقدامات تروریستی دولت آمریکا مصوب سال ۱۳٦۸، قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران برای رسیدگی به دعاوی مدنی علیه دولت‌های خارجی مصوب سال ۱۳۹۰، قانون الزام دولت به پیگیری جبران خسارت ناشی از اقدامات و جنایات آمریکا علیه ایران و اتباع ایران مصوب سال ۱۳۹٥، قانون اقدام متقابل در برابر اعلام سپاه به‌عنوان سازمان تروریستی مصوب سال ۱۳۹۸، وجود دارد که با استناد به آن‌ها، قوه قضائیه و دادستان کل کشور به‌عنوان مدعی‌العموم می‌توانند با طرح شکایت، دستور رسیدگی به پرونده ترور شهید سلیمانی و مجازات عاملان آن را صادر نمایند. بدیهی است که استفاده از این ظرفیت‌ها، باعث محکومیت دونالد ترامپ به‌عنوان صادرکننده دستور انجام این جنایت و دیگر عوامل آن گشته و منجر به رسوایی و روسیاهی نظام حاکم بر آمریکا و فضاحت مدعیان دروغین حامیان حقوق بشر و مبارزه با تروریسم، نزد افکار عمومی جهانیان خواهد شد.

٦. با توجه بااینکه این اقدام تروریستی، در خاک کشور عراق اتفاق افتاده است، دادگاه‌های این کشور به اعتبار صلاحیت محلی دادگاه محل وقوع جرم، صالح به رسیدگی و صدور حکم برای متهمان این حملهٔ می‌باشند. به عبارتی جمهوری اسلامی ایران می‌تواند در دادگاه‌های عراق نیز علیه عاملان این جنایت بین‌المللی اقامه دعوی نماید و پیگیری ابعاد حقوقی و کیفری و مجازات آن‌ها را بخواهد و با توجه به اینکه قربانیان این جنایت فقط اتباع ایرانی نبودند و بلکه ابومهدی المهندس فرمانده حشد الشعبی و چند تن دیگر از اتباع کشور عراق بودند. خود سیستم قضائی عراق نیز می‌توانند رأساً به این جنایت رسیدگی نمایند؛ و همچنین با توجه به روابط دوستانه‌ای که بین دو کشور ایران و عراق حاکم است می‌توان با تشکیل هیأت مشترک حقوقی این دو کشور، برای بررسی دقیق و پیگیری‌های حقوقی و کیفری بین‌المللی و مجازات مسببان این ترور ددمنشانه اقدام نمود.

منابع و مأخذ

ابراهیمی، محمد (۱۳۷۷). **اسلام و حقوق بین‌الملل عمومی**. جلد دوم. قم: دفتر همکاری حوزه و دانشگاه.

ابراهیمی، محمد (۱۳۷۹). **اسلام و حقوق بین‌الملل عمومی**. جلد اول. چاپ سوم. قم: دفتر همکاری حوزه و دانشگاه.

ابراهیمی، نصرالله (۱۳۸۲). «تجاوز و دفاع در حقوق بین‌الملل»، **فصلنامه علمی و پژوهشی حکومت اسلامی مجلس خبرگان**، شمارۀ ۲۹: ۱۲۲-۹۲.

برانلی، یان (۱۳۸۳). **حقوق بین‌الملل در اواخر قرن ۲۰**، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

بهستانی، مجید (۱۳۸۷). «دفاع پیشگیرانه در حقوق بین‌الملل جدید»، **فصلنامه گواه دانشگاه امام صادق (ع)**، شمارۀ ۱۲: ۱۵۰-۱۴۷.

پطروس غالی، پطروس (۱۳۸۰). «سازمان ملل متحد و اقدامات حقوقی جامع برای مبارزه با تروریسم»، ترجمۀ سید قاسم زمانی، **آموزه‌های حقوقی دانشگاه رضوی**، شمارۀ ۱: ۱۴۵-۱۱۶.

ثقفی، ناصر (۱۳۷۰). **سازمان ملل متحد: مسئولیت حفظ صلح و امنیت بین‌الملل**. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

جوینر، کریستوفرسی (۱۳۸۷). **حقوق بین‌الملل در قرن ۲۰**، مترجمان: عباس کدخدائی و امیر ساعد وکیل، تهران: نشر میزان.

حسینی، ابراهیم (۱۳۹۱). جهاد و اصل منع توسل به‌زور در اسلام، قم: انتشارات مؤسسۀ پژوهشی امام خمینی.

حسینی، محمد؛ مهرداد محمدی و یاسر مکرمی (۱۳۹۸). «تأملی بر وضعیت حقوقی به‌کارگیری پهپاد علیه تروریسم»، **فصلنامه مطالعات حقوق عمومی دانشگاه تهران**، شمارۀ ۱: ۳۱۰-۲۹۱.

خبیری، کابک و مارال دربندی (۱۳۹۰). «حقوق بین‌المللی و مسئله تروریسم»، **فصلنامه مطالعات روابط بین‌المل**ل، شمارۀ ۱۷: ۱۷۸-۱۵۱.

خسروی، علی اکبر (۱۳۸۵). **دفاع مشروع و محاکم بین‌المللی**. قم: فرا گفت.

دولتشاه، حجت (۱۳۸۸). **منشور سازمان ملل متحد**. چاپ پنجم. تهران: انتشارات مجد.

دهنوی، وحید؛ مصطفی تقی‌زاده انصاری و فتح‌الله رحیمی (۱٤۰۱). «مسئولیت بین‌المللی امریکا در قبال ترور شهید سردار سلیمانی و ظرفیت‌های حقوقی پیگیری قضایی ایران». **نشریه علمی آفاق امنیت**. شمارۀ ٤۸: ۱٦۰–۱۳۹.

رشیدی، مهناز و علی مشهدی (۱۳۹۹). «مهم‌ترین راهکارهای جمهوری اسلامی ایران در واکنش به ترور سردار سلیمانی». **فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب**. شمارۀ ۲: ۹۰–٦۳.

زرنشان، شهرام (۱۳۸٦). «شورای امنیت و تعهدات دولت‌ها برای مقابله با تروریسم». **مجلۀ حقوقی معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری**. شمارۀ ۳٦: ۹٤–۵۷.

ستایش‌پور، محمد و زهرا ملکی‌راد (۱٤۰۱). «شهادت سردار سلیمانی در پرتو حقوق بین‌الملل کیفری». **تمدن حقوقی**. شمارۀ ۱۱: ۳۷۵–۳۵۵.

ساعد، نادر (۱۳۸۹). **منابع حقوق مبارزه با تروریسم در ایران**. تهران: انتشارات خرسندی.

سلامتی، یعقوب (۱۳۸۷). **تروریسم و حقوق بین‌الملل**. هشترود: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی هشترود.

سلیمی، عبدالحکیم (۱۳۸٦). **نقش اسلام در توسعه حقوق بین‌الملل**. چاپ دوم. قم: مؤسسه امام خمینی.

سلیمی، صادق (۱۳۹۳). «ارتباط شورای امنیت و دیوان بین‌المللی کیفری». **فصلنامه حقوق عمومی دانشگاه علامه طباطبائی**. شمارۀ ٤۳: ۱۸٤–۱٦۳.

شریفی، حسین و ویکتوربارین چهار بخش (۱۳۹۲). «دفاع مشروع بازدارنده در قرن ۲۱». **فصلنامۀ پژوهش حقوق عمومی دانشگاه علامه طباطبائی**. شمارۀ ٤۰: ۳٦–۱۰.

صادقی، دیدخت (۱۳۹۰). «تحول در مفهوم اصل عدم‌مداخله در حقوق بین‌الملل». **فصلنامۀ مطالعات حقوق بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی**. شمارۀ ۱٦: ۱۲۸–۹۳.

صفایی، حسین (۱۳٦۷). «مداخله در امور کشورهای دیگر در حقوق بین‌الملل». **مجلۀ حقوقی بین‌المللی ریاست جمهوری**. شمارۀ ۹: ٤۰–۵.

ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۸۸). **حقوق بین‌الملل عمومی**. چاپ ۳۷. تهران: گنج دانش.

ظریف، محمدجواد و محمد آهنی امینه (۱۳۹۱). «دفاع مشروع پیشدستانه مشروعیت کاربرد زور در روابط بین‌الملل یا نقض مکرر منشور ملل متحد». **فصلنامۀ تحقیقات سیاسی بین‌المللی دانشگاه آزاد اسلامی**. شمارۀ ۱۲: ۸۲–٤۱.

عظیمی، عباسعلی (۱۳۹۲). **حقوق بین‌الملل اسلام**. چاپ دوم. تهران: نشر دادگستر.

عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۶۷). **فقه سیاسی**. جلد سوم. تهران: نشر امیرکبیر.

عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۳)، **فقه سیاسی**. جلد پنجم. تهران: نشر امیرکبیر.

عباسی، مجید (۱۳۷۰). «مداخلات بشردوستانه و تجدید حاکمیت ملی». **مجلهٔ سیاسی- اقتصادی موسسهٔ اطلاعات**. شمارهٔ ۱۷۵: ۹۷-۹۰.

غمامی، محمدمهدی (۱۳۹۵). «چالش‌های حقوق بشری و شهروندی در مبارزه با تروریسم». **فصلنامهٔ آفاق امنیت دانشگاه امام حسین (ع)**. شمارهٔ ۳۳: ۱۰۳-۸۳.

فضائلی، مصطفی (۱۳۹۹). «ترور سردار سلیمانی از منظر حقوق بین‌الملل توسل به‌زور». **فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب**. شمارهٔ ۲: ۱۸۸-۱۵۱.

قاسمی، علی و بارین، ویکتور (۱۳۹۱). «تهدید به‌زور و حقوق بین‌الملل». **فصلنامهٔ پژوهش حقوق دانشگاه علامه طباطبائی**. شمارهٔ ۳: ۱۵۶-۱۳۳.

کاسسه، آنتونیو (۱۳۷۰). **حقوق بین‌الملل در جهان نامتحد**. ترجمهٔ مرتضی کلانتریان. تهران: دفتر خدمات حقوق بین‌المللی.

مافی، همایون (۱۳۹٤). **مجموعه قوانین حقوق بین‌الملل**. چاپ سوم. تهران: نشر مجد.

محقق داماد، مصطفی (۱۳۸۳). **حقوق بشردوستانه بین‌المللی رهیافت اسلامی**. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.

مسئولیت بین‌المللی دولت (۱۳۸۷). **طرح تدوین شده کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل**. ترجمهٔ نصرت‌الله حلمی. تهران: نشر میزان.

محمدعلی‌پور، فریده (۱۳۸۳). **دفاع مشروع بر اساس ماده ۵۱ منشو ملل متحد و با تأکید ویژه بر جنگ عراق علیه ایران**. تهران: نشر فرهنگ گستر.

موسوی، فضل‌الله؛ سیدحسین موسوی و سروش سیدیان (۱۳۹٤). **حقوق بشردوستانه در اسلام و حقوق بین‌الملل**. تهران: انتشارات دادگستر.

میرمحمدی، مصطفی (۱۳۹۱). **اصل عدم‌مداخله در اسلام و حقوق بین‌الملل**. قم: انتشارات دانشگاه مفید.

مبینی، احمدرضا؛ جواد مبینی و پوریا عسگری (۱۳۹۹). «قاعدهٔ منع توسل به‌زور و حمله آمریکا و متحدانش به سوریه در خلال سال‌های ۲۰۱۸-۲۰۱٤». **فصلنامهٔ مطالعات حقوق عمومی دانشگاه تهران.** شمارهٔ ۱: ۳۳۲-۳۱۱.

ممتاز، جمشید و بهزاد صابری (۱۳۹۱). «تأثیر رویه بعدی دولت‌ها بر اصل منع تهدید و توسل به‌زور». **فصلنامه راهبرد پژوهشگاه تحقیقات راهبردی.** شمارهٔ ٦۳: ۲۰۲-۱۷٦.

میرمحمد صادقی، حسین (۱۳۸۰). «ملاحظاتی در باب تروریسم». تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، شمارهٔ ۱۲۹: ۲۰۸-۱۸۵.

نصیری، رضا (۱۳۹۳). «تقابل حق دعوت به مداخله دولت حاکم و حق تعیین سرنوشت داخلی مردم در حقوق بین‌الملل». **فصلنامهٔ تحقیقات حقوق تطبیقی ایران و بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی.** شماره ۲۵: ۱۳۵-۹۹.

Brownlie, I. (1963), International Law and the Use of Force by States, Oxford: Clarendon Press.

Encyclopedia of public international law,North Holland Company. Vol3. (A-M)

International Law Commission Yearbook (1950- Vol.1).

International Law Commission Yearbook (1966- Vol.2).

Martin, E.A. & Law.J. (2006), a Dictionary of Law, Oxford: Oxford University Press.

UN Doc. A/RES/2131/20 of 21 December 1965.

Yearbook of the International Law Commission, 1944, P. 287 s.

Case Concerning Military and Paramilitary Activities in and Against Nicaragua, ICJ Reports 1986.

Schachter, O. (1984), "The Right of States to Use Armed Force", Michigan Law Review, No. 82.

Sadurska, R. (1988), "Threats of Force", American Journal of International Law, No.82.

General Assembly,Declaration on the Inadmissibility of Intervention in the Domestic Affairs of States and the Protection of Their Independence and Sovereignty, Resolution ۲۱۳۱ (XX), ۲۱ December۱۹٦٥.

https://aftabnews.ir/fa/news/629885

https://fa.shafaqna.com/news-archives/864871

https://www.khabaronline.ir/news/1341754

https://www.khabaronline.ir/news/1343406

https://www.irna.ir/news/83618452

http://www.isna.ir/news/98112719630

www.mashreghnews.ir/news/1026290

http://css.ir/fa/content/115001

دو فصلنامه شاهد اندیشه / دوره سوم/ شماره ۲ / پیاپی ٦/ پاییز و زمستان ۱٤۰۱/ ۲۳۸-۲۰۹
Two Journal Of Shahede Andisheh Autumn & Winter 2022: 209-238

واکاوی تطبیقی ویژگی‌های الگو بودن سردار سلیمانی و مالک اشتر بر اساس پیام‌های منابع تأثیرگذار جامعه

احمد هدایت‌پناه شالدهی[۱]، سیدجلیل قاسمی[۲]، جواد حاتمی[۳]

چکیده

هدف اصلی این مقاله، واکاوی تطبیقی مجموعه ویژگی‌های سردار سلیمانی، مستخرج از محتوای پیام‌های مکتوب منابع تأثیرگذار جامعه با مجموعه ویژگی‌های مالک اشتر بر اساس مجموعه پیام‌های امام علی (ع) در نهج‌البلاغه است. روش تحقیق از نوع تطبیقی و نمونهٔ آماری مشتمل بر ٤۳۳ نفر از افراد تأثیرگذار جامعه در ٤ گروه، ۱۰۲ نفر از مراجع و طلاب، ٦۱ نفر از نیروهای مسلح، ۱۵۰ نفر از مسئولان و سیاستمداران و ۱۲۰ نفر از هنرمندان در حوزه‌های مختلف بود. روش نمونه‌گیری به‌صورت تصادفی از پیام‌های دریافتی طی یک هفته که از ۱۳ لغایت ۲۰ دی‌ماه ۱۳۹۸ در خبرگزاری‌ها و پایگاه‌های خبری مجوزدار درج شده بودند، اخذ شده است. ابزار تحقیق پرسشنامه معیار تطبیق مستخرج از نهج‌البلاغه با ۱٤ جمله بود (نامه‌های ۱۳، ۳٤، ۳۸ و ۵۳ و حکمت ٤٤۳ و واژه مالک اشتر). از ۱٤٤۳٦ ویژگی ایجابی استخراج‌شده، گروه (۱) با ٤۳۰۸، گروه (۲) با ۳۲۲۹، گروه (۳) با ٤٤۵۵ و گروه (٤) با ٤۲٤٤ واژه بود. تحلیل با آمار توصیفی صورت گرفت. یافته‌ها نشان داد هر ٤ گروه ویژگی «عظمت روح و بلندی فکر» را در رتبه نخست نگاشته‌اند. ولایت‌پذیری در رتبهٔ دوم بود که مراجع و طلاب و نیروهای مسلح نگارش نموده بودند مراجع و طلاب با نیروهای مسلح در ٦٤ درصد، با مسئولان وقت در ۲۱ درصد و با هنرمندان و ورزشکاران در ٤۲ درصد شباهت در نگارش پیام داشتند.

واژگان کلیدی

پیام‌های تسلیت، سردار سلیمانی، مالک اشتر، نهج‌البلاغه، واکاوی تطبیقی.

تاریخ دریافت: ۱٤۰۱/۰۸/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱٤۰۱/۰۹/۱۰

۱. مدرس دانشگاه فنی وحرفه‌ای گیلان، دانشکده دکترمعین رشت نویسنده مسئول).
Ahmad.hedayatpanah@gmail.com

۲. معاون علمی پژوهشی وفناوری سپاه قدس گیلان.
sj.ghasemi1359@gmail.com

۳. مدیر علمی پژوهشی و فناوری سپاه قدس گیلان.
jhatami2014@gmail.com

❖ مقدمه

انسان و شناخت ویژگی‌های انسانی و توجه به انسان آرمانی و نمونه در همهٔ ادیان الهی و مکاتب عمدهٔ بشری موردبحث قرار گرفته است. هر مکتب و هر دینی که از جامعیت برخوردار است، هدف عمدهٔ خود را انسان‌سازی می‌داند و انسانی را با ویژگی‌ها و رگه‌های خاصی به‌مثابه الگو و سرمشق معرفی می‌کند و از آن به‌عنوان انسان ایده‌آل یاد می‌کند و سایر انسان‌ها را به تبعیت و الگوپذیری از این انسان آرمانی فرامی‌خواند تا انسان‌ها بتوانند در جامعهٔ ایده‌آل و نمونه رشد و تکامل پیدا کنند (سهرابی، ۱۳۸۷). تاریخ نشان داده است که در میان مکاتب علمی و ادیان آسمانی، مکاتب و ادیانی به پیشرفت، نفوذ و احیاناً جاودانگی دست یافته‌اند که در کنار مجموعهٔ عقاید و اندیشه‌های خود که معمولاً در کتاب آن‌ها تجلی پیدا می‌کند، نمونه‌های انسانی مطلوب یا کاملی را به جامعه و پیروان خود عرضه کنند. یک نظام فکری و مکتب علمی که از معارف و اندیشه‌ها و تعلیمات ممتاز و ایده‌آل بهره دارد، هنگامی در نیل به آرمان‌های خود پیروز است که کتاب تربیت را در کنار الگو و نمونه تربیت به تاریخ و جامعه انسان عرضه کند. تنها مکتبی که از گذشته دور تاریخ اندیشه و فرهنگ انسان تا به امروز در هماهنگ نمودن کتاب و نمونه موفق آمده، اسلام است (عباسی مقدم، ۱۳۷۹). به عبارتی؛ تاریخ شکوهمند صدر اسلام از همهٔ ابعاد برای ما آموزنده و عبرت‌انگیز است. یکی از ابعاد آن، وجود چهره‌های تابناک، قهرمانان مؤمن و مجاهدان صبور و سرآمدان فرماندهی در کنار پیامبر اعظم (ص) است. دلاورمردانی که در میدان‌های مبارزه و جهاد و کشاکش شمشیرها و چکاچک نیزه‌ها، شاکلهٔ باطنی و گوهر وجودی خود را به نمایش گذاشته‌اند. آشنایی با سیمای نورانی این گروه از یاران پیغمبر صلی‌الله علیه و آله و فرماندهان صدر اسلام برای خدمتگزاران در نیروهای مسلح، به‌ویژه فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بسیار سودمند و الهام‌بخش است (خطیبی، ۱۳۸۹). در تاریخ ۱٤۰۰ ساله دین اسلام، اشخاص شایسته، لایق، تأثیرگذار و مطیع ولایت چه در حیات معصومین (ع) و چه در غیبت صاحب‌الزمان (عج)، چه در دهه‌های اخیر در انقلاب اسلامی ایران، همانند ستاره‌ای درخشان اسلام را در سراسر گیتی منور کرده‌اند. از عصر نبوی تاکنون می‌توان به حباب، عبداللّه بـن جبیر انصاری، حمزه، سلمان

فارسی، مالک اشتر نخعی تا قرن اخیر، امام خمینی، شهید مطهری، شهید بهشتی و سردار شهید سلیمانی اشاره نمود. در مورد ویژگی‌ها و شخصیت چنین چهره‌های ماندگار و جاودان، تحقیقات زیادی به‌صورت کتاب یا مقاله و پژوهش‌های میدانی به‌صورت علمی و غیرعلمی به رشته تحریر در آمده است. روش پژوهش‌ها دربارهٔ ویژگی‌های شخصیت‌های بزرگان و نامداران در سطح دنیا متفاوت است. برای مثال آبراهام مزلو[1] سلسله مراتبی از ۵ نیاز فطری را معرفی کرد که رفتار انسان را بر انگیخته و هدایت می‌کنند (یثربی، ۱۳۹٤: ۳۸۷). این نیازها عبارت‌اند از نیازهای فیزیولوژیکی، ایمنی، تعلق پذیری و محبت، احترام و خود شکوفایی (شولتز،۱۳۹٤: ۳۹۲). مزلو ٤۹ نفر را که ظاهراً الگوی سلامت روان بودند، برگزید و شخصیت‌های آن‌ها را مطالعه کرد. ازجمله افرادی که موردمطالعهٔ او قرار گرفتند شخصیت‌های تاریخی مثل آبراهام لینکلن، آلبرت انیشتین بودند. در ایران نیز سهرابی به بررسی شخصیت امام خمینی (ره) بر اساس رویکرد پدیدارشناختی مزلو با عنوان «مقایسهٔ دیدگاه مزلو در رابطه با انسان سالم (خودشکوفا) با ویژگی‌های شخصیتی امام خمینی (ره)» پرداخته است؛ زیرا حضرت امام خمینی (ره) یکی از چهره‌های انسانی برتر قرن اخیر که توانست با یاری خدا و شایستگی شخصی، همیاری عموم مردم را جلب کرده و در جهت هدف واحدی سوق دهد و حرکت عظیم انقلاب اسلامی را در ایران با سازمان‌دهی به پیروزی برساند (سهرابی، ۱۳۸۷). در همین راستا، یثربی در مقاله‌ای با عنوان «سه ویژگی شهید مطهری که او را ماندگار کرده است» به ویژگی‌هایی مانند «مقید به شرع» «اهل دقت» و سوم اینکه خود را تنها به مباحث تخصصی محدود نمی‌کرد (یثربی، ۱۳۹٦) اشاره نموده است. همچنین کریمی در مقاله‌ای با عنوان «رموز توفیق و ماندگاری» ۲٦ ویژگی از مطهری را برشمرده است (کریمی، ۱۳۸۳) هکذا، شعبانی در مقاله‌ای با عنوان «سیره، اندیشه و شخصیت شهید دکتر بهشتی» اظهار نموده: ویژگی‌های بارز شخصیتی همراه با تسلط بر فرهنگ، اجتماع و سیاست، در کنار تواضع و فروتنی انسان وارسته‌ای چون او، مظلومیت هر چه بیشتر وی را به تصویر می‌کشد و شاید بی‌علت نبود که بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران در نخستین و گویاترین جملاتی که درباره

1. Abraham (Harold) Maslow

ایشان بر زبان جاری ساختند، گفتند: «بهشتی مظلوم زیست و مظلوم رفت، بهشتی به‌تنهایی یک ملت بود» (شعبانی، ۱۳۹۲). سردار سلیمانی یکی دیگر از شخصیت‌های ماندگار تاریخ ایران و اسلام است و بین عوام و خواص در داخل و خارج ایران دارای محبوبیت ویژه‌ای است. اغلب از او به‌عنوان مالک اشتر زمان یاد می‌کنند؛ زیرا «مالک بن حارث عبد یغوث نخعی معروف به مالک اشتر از اصحاب و یاران نزدیک امام علی (ع) است که دارای ویژگی‌ها و شخصیت ممتازی در طول اسلام است که مقام علمی، اجتماعی، سیاسی و مبارزاتی او و اطاعت‌پذیری از ولایت و امامت او زبانزد عام و خاصّ بود» (میری، ۱۳۹٤). ویژگی‌ها شخصیتی فردی و اجتماعی مالک اشتر، باعث سرمشق شدن و الگو بودن برای همهٔ مسلمانان و کفار بود به‌طوری که هم دوستان و هم دشمنان از وی به نیکی یاد می‌کردند. آن چیزی که مالک اشتر نخعی را به‌عنوان شخصیتی ممتاز در تاریخ اسلام تبدیل کرد ولایت‌پذیری و علی مداری، سیاستمداربودن و کاردانی در امور مدیریت سیاسی، فصاحت و بلاغت، اهل جهاد و هجرت، دشمن‌شناس، شجاع و با بصیرت، انقلابی، قاطع، سازش‌ناپذیر در دفاع از ارزش‌های اسلامی، بردبار، خویشتن‌دار و خیرخواه مردم بودن بود که مالک را امین راستین امیرالمومنین (ع) کرد. پیامبر گرامی اسلام (ص) مالک اشتر را مؤمن می‌خواند. در حضور پیامبر (ص) هرزمان از مالک اشتر نام برده شد. پیامبر می‌فرمود: «انه المومن حقا» پیامبر در جای دیگر در جریان دفن کردن ابوذر در ربذه فرمود: افراد صالح و مؤمنی در آن سرزمین می‌آیند که ابوذر را دفن کنند که بعد از سالیان و هنگام وفات ابوذر، دخترش در آن بیابان مالک اشتر و تعدادی از همراهان را می‌بینند که مالک اشتر بر ابوذر نماز خواند و او را دفن کردند. ابن ابی الحدید در شرح نهج‌البلاغه می‌نویسد: زنده باد مادری که همچون مالک اشتر فرزندی بزاد. اگر کسی سوگند یاد کند که در تمامی عرب و عجم، خداوند مردی به دلاوری اشتر جز استادش علی بن ابی‌طالب (ع) نیافریده است، گمان ندارم در سوگندش گناهکار باشد. چه گویم دربارهٔ کسی که زندگی‌اش اهل شام را منهزم ساخت و مرگش اهل عراق را درهم شکست (دانش‌نامه اسلامی، بی‌تا). حضور مالک اشتر نخعی در میدان‌های نبرد و صحنه‌های سیاسی و نظامی همواره باعث خشنودی علی بن ابی‌طالب (ع) و مایهٔ افتخار برای لشکریان سپاه اسلام بود (میری، ۱۳۹٤). بسان چنین جمله‌ای، رهبر معظم انقلاب در پیام شهادت سردار سلیمانی فرمود: «سردار بزرگ

و پرافتخار اسلام آسمانی شد» و در بخشی دیگر از این پیام فرمودند «او نمونهٔ برجسته‌ای از تربیت‌شدگان اسلام و مکتب امام خمینی بود، او همهٔ عمر خود را به جهاد در راه خدا گذرانید» لذا شباهت سردار با مالک در پیام‌ها قابل درک است؛ بنابراین جا دارد درباره ویژگی‌های مالک و سردار سلیمانی پژوهش‌های جدی صورت گیرد. بدین لحاظ در این نوشتار، نگارنده در پی ویژگی‌هایی از سردار سلیمانی بود که تاکنون کسی در این مقوله ورود نکرده است. نگارنده به‌صورت مقایسه تحلیلی و تطبیقی به شخصیت و ویژگی سردار سلیمانی و مالک اشتر پرداخته، هرچند که طی سه سال گذشته صدها مقاله و کتاب دربارهٔ شخصیت سردار سلیمانی به رشته تحریر در آمده است. برای مثال، دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی کشور بیانیه‌ای تفصیلی در خصوص چهلمین روز شهادت سردار سلیمانی مطلبی با عنوان «تبیین مؤلفه‌های مکتب شهید سردار سلیمانی» شامل ۲۵ ویژگی زیر منتشر کرد:

۱. نبوغ نظامی، سردار سلیمانی از نبوغ نظامی خاصی برخوردار بود؛ ۲. روحیه سلحشوری و جنگندگی؛ ۳. روحیه شهادت‌طلبی؛ ٤. اخلاص؛ ٥. ارادت و تمسک به اهل‌بیت (ع)؛ ٦. ولایت‌مداری؛ ۷. تعبد و معنویت؛ ۸. فرامرزی بودن؛ ۹. یک دیپلمات برجسته؛ ۱۰. سختکوشی؛ ۱۱. نظم و انضباط و دقت در امور؛ ۱۲. سرعت عمل و به هنگام بودن؛ ۱۳. بیان تأثیرگذار؛ ١٤. علاقه به فرهنگ و هنر؛ ۱۵. روحیه انقلابی؛ ١٦. اعتدال؛ ۱۷. سنجیدگی و تدبیر در امور؛ ۱۸. سادگی و صفا؛ ۱۹. مردمی بودن؛ ۲۰. ارتباط با جوانان؛ ۲۱. آرامش و طمأنینه؛ ۲۲. خوش‌خویی؛ ۲۳. ارتباط عمیق با خانواده؛ ٢٤. درک عمیق از حقیقت دنیا و آخرت و ۲۵. توجه به اصل کمال طلبی (مشرق، ۱۳۹۸).

ازآنجایی‌که امام علی (ع) در نامه‌های ۱۳،۳٤،۳۸،٥۳ قبل از شهادت مالک و هنگام انتصاب مالک اشتر به‌عنوان فرماندار مصر و در حکمت ٤٤۳ در پی شهادت مالک ویژگی‌هایی را در وصف ایشان بیان نموده است. لذا در این مقاله ویژگی‌های سردار سلیمانی با عنایت به پیام تسلیت رهبر معظم که فرمود: «او نمونهٔ برجسته‌ای از تربیت‌شدگان اسلام و مکتب امام خمینی

بود، او همهٔ عمر خود را به جهاد در راه خدا گذرانید.» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۸)[1] علاوه براین، در پی شهادت سردار، طبقات مختلف جامعه در سطوح مختلف به‌ویژه ملی و بین‌المللی اعم از حقوقی و حقیقی تأثیرگذار، پیام‌های تسلیت منتشر نمودند و هرکدام بنا به شناختی که از سردار سلیمانی داشتند، ویژگی‌هایی از آن شهید عزیز را در پیامشان به رشته تحریر درآوردند. خیلی از ویژگی‌های سردار در متن پیام‌ها، با ویژگی‌های مالک در نهج‌البلاغه شباهت و مطابقت دارد. چون پیام‌های صادره شده کاملاً دلی و با اخلاص از سوی نویسندگان بوده، لذا می‌توان گفت منبع بسیار غنی و بدون تورش و جهت‌گیری است. پژوهشگران به سؤال اصلی ویژگی‌های سردار سلیمانی که از محتوای پیام‌های مکتوب تسلیت منتشره شخصیت‌ها و نهادهای تأثیرگذار طبقات تأثیرگذار جامعه استخراج‌شده، در مقایسه با ویژگی‌های مالک در نهج‌البلاغه چه اندازه شباهت دارد؟ پاسخ داده تا سردار سلیمانی بر اساس ویژگی‌های مالک، مندرج در نهج‌البلاغه در کفه دیگر ترازو قرار گیرد، بنابراین، سردار با پیام‌های چهار گروه از افراد تأثیرگذار جامعه مورد مقایسه قرار گرفته است. پیام‌های مکتوب دست اول و دست دوم گروه‌های چهارگانه که متن آن‌ها با ظرافت و دقت خاصی موردبررسی و تحلیل قرار گرفته است. (نه تحلیل مضمون). این پیام‌ها با پیام‌های حضرت امام علی (ع) که حاوی ۱۳ جمله مستخرج از چهار تا از نامه‌های مندرج در نهج‌البلاغه قبل از شهادت مالک اشتر و پیام‌های مربوط به حکمت ٤٤۳ مربوط به بعد از شهادت است مورد مقایسه قرارگرفته‌اند. نتایج، بیانگر آن است که از متن پیام‌ها برخی از ویژگی‌های سردار سلیمانی که پنهان بود و تاکنون افرادی به آن‌ها اشاره نکرده‌اند شناسایی‌شده است. همچنین این مقاله بیانگر آن است تا چه اندازه سردار دل‌ها الگو و نمونه بوده و به شخصیت مالک شباهت داشته است.

۱. پیام تسلیت رهبر انقلاب در پی شهادت سردار سلیمانی، به نقل از پایگاه خبری https://farsi.khamenei.ir-

هدف کلی

تطبیق مجموعه ویژگی‌های سردار سلیمانی، مستخرج از محتوای پیام‌های مکتوب منابع تأثیرگذار جامعه با مجموعه ویژگی‌های مالک اشتر بر اساس مجموعه پیام‌های امام علی (ع) در نهج‌البلاغه.

اهداف جزئی

۱. تطبیق مجموعه ویژگی‌های سردار سلیمانی مستخرج از محتوای پیام‌های مراجع و روحانیت شاخص با مجموعه ویژگی‌های مالک در نهج‌البلاغه؛

۲. تطبیق مجموعه ویژگی‌های سردار سلیمانی مستخرج از محتوای پیام‌های نیروهای مسلح با مجموعه ویژگی‌های مالک در نهج‌البلاغه؛

۳. تطبیق مجموعه ویژگی‌های سردار سلیمانی مستخرج از محتوای پیام‌های سیاستمداران و مسئولان با مجموعه ویژگی‌های مالک در نهج‌البلاغه؛

٤. تطبیق مجموعه ویژگی‌های سردار سلیمانی مستخرج از محتوای پیام‌های هنرمندان و ورزشکاران با مجموعه ویژگی‌های مالک در نهج‌البلاغه؛

۵. شناسایی ویژگی‌های الگو بودن سردار سلیمانی به استناد پیام‌های گروهای چهارگانه؛

٦. تحلیل توصیفی داده‌های مستخرج از پیام‌های گروهای چهارگانه؛

۷. تعیین اشتراک کمّی پیام‌های شناسایی‌شده گروه‌ها با یکدیگر.

روش پژوهش

روش پژوهش از نوع تطبیقی است پژوهش تطبیقی مانند سایر پژوهش‌های اجتماعی علمی، مبتنی بر دو نوع استدلال. استدلال نظری (قیاسی) و استدلال تجربی (استقرایی) است؛ که ازنظر راه‌حل تئوریک مسأله ارائه می‌شود و داوری در باب صدق یا کذب آن راه‌حل یا استدلال تجربی است. استدلال تجربی نقادانه مسبوق به استدلال نظری است. با این وجود دلالت‌های روش‌شناختی و نظری پژوهش تطبیقی تا حدی متفاوت از پژوهش‌های غیر تطبیقی است (ساعی، ۱۳۹۲: ۲۱). در باب معیار تمایز این روش از سایر روش‌ها برخی به نوع داده‌ها و برخی دیگر به هدف این پژوهش توجه کرده‌اند. با معیار داده‌ها، روش تطبیقی روشی است

که در آن قابل‌مقایسه حداقل در دو جامعه مورداستفاده قرار می‌گیرد. این تعریف تأکید بر آن دارد که داده‌های تطبیقی داده‌های بین جامعه‌ای هستند. با معیار هدف، تحلیل تطبیقی ناظر بر مشخص کردن تمایزات و اشتراکات[1] میان واحدهای اجتماعی کلان است (ریگین، ۱۳۹۷). در مطالعه تطبیقی مطلوب آن است که چند واحد اجتماعی در عرض همدیگر، در طول یک زمان مشخص و در چند مقطع زمانی بررسی و مقایسه شوند. این تحلیل به لحاظ تئوریک و عملی خیلی ارزش دارد. واحدهای تحلیل واحدهای اجتماعی کلان هستند. واحد تحلیل در تحلیل تطبیقی می‌تواند افراد، اجتماعات محلی، گروه‌ها، طبقات اجتماعی، ایل، خانوار شهر، استان، دولت، کشور و در دوره‌های زمانی دریک کشور یا در چند کشور باشد در تحلیل تطبیقی، مطالعه، هم در بین چند واحد اجتماعی و هم با یک واحد اجتماعی در زمان‌های مختلف امکان‌پذیر است... در این معنا از حیث نوع داده، داده‌های تطبیقی داده‌های بین جامعه‌ای یا بین دوره‌ای هستند. صفت برجسته پژوهش تطبیقی آن است که تحلیل در چند سطح انجام می‌گیرد. در این پژوهش واقعه، حداقل در دو واحد اجتماعی به‌صورت تحلیل مطالعه می‌شود. در پژوهش تطبیقی کمّی، سه سطح تحلیل شرایط اطلاق دارند.۱. درون سیستمی؛ ۲. بین سیستمی؛ ۳. کل سیستم (ساعی، ۱۳۹۲: ۲٤).

تحلیل تطبیقی قابل تقسیم به کمّی و کیفی و فازی است. تحلیل تطبیقی کمّی، متغیر محور است، تحلیل تطبیقی کیفی، مسأله محور و فازی مجموعه محور است.

تحلیل تطبیقی از حیث نوع طرح پژوهشی می‌تواند به دو نوع استراتژی استوار باشد. استراتژی شبیه‌ترین نظام‌ها و متفاوت‌ترین نظام‌هاست. نقطه تمرکز استراتژی شبیه‌ترین نظام‌ها، شباهت‌های بین سیستمی است. در طرح شبیه‌ترین نظام‌ها، واحدهای تحلیل دارای حداکثر شباهت با یکدیگرند. در این نوع استراتژی، متغیرهای مستقل (عوامل سیستمی) و متغیر وابسته، صف سیستم محسوب می‌شوند. در این طرح عوامل مشترک سیستمی، به‌مثابه متغیرهای کنترلی و تفاوت‌های بین سیستمی به‌عنوان متغیرهای تبیینی در نظر گرفته می‌شوند. طرح شبیه‌ترین سیستم‌ها شبیه پژوهش شبه آزمایشی است. (پرزوسک، ۱۹۷۰) اسمسلر

1. Differencec & Similarities

شباهت‌ها و تفاوت‌ها را روش تطبیقی خوانده و آن را در برابر روش آماری قرار داده است (پرزوسک، ۱۹۷۰: ۲۸) و استدلال می‌کند که همه روش‌های علوم اجتماعی تطبیقی هستند و روش آماری به‌مثابه روش تطبیقی برتر از روش «آزمون تطبیقی نظام‌مند» است. در این تحقیق به بخش شبیه‌ترین و متفاوت‌ترین پیام‌ها و شباهت‌ها پرداخته شده است.

همه تحقیق‌های تاریخی ـ تطبیقی را می‌توان برحسب سه ویژگی سازمان‌دهی کرد:

۱. واحد مطالعه؛ ۲. بعد زمان؛ ۳. نوع داده‌ها.

به عقیده زارت[1] در تحقیق‌های تطبیقی تاریخی، رهیافت دور کیمی (اثباتی) و وبری (تفسیری) از منطق‌های متفاوتی برخوردارند. محققان اثبات‌گرا این نظر را که روش تطبیقی ـ تاریخی متمایز و مشخصی وجود دارد، رد می‌کنند. آنان متغیرها را اندازه می‌گیرند، داده‌های کمّی را تحلیل می‌کنند. اثبات‌گرایان تمایزی بین تحقیق اجتماعی کمّی و تحقیق تطبیقی تاریخی قائل نیستند و فنون کمّی را با اصلاح‌هایی اندک برای مطالعه گذشته یا فرهنگ‌های دیگر به کار می‌بندند. از سوی دیگر، عدّه‌ای از محققان که به مطالعه موردی و داده‌های کیفی تکیه دارند، از اصول اثبات‌گرایی فاصله گرفته و به تفسیر روی می‌آورند (محمدپور، ۱۳۹۷: ۳۱۲-۳۱۰). بنا بر آنچه بیان شد، پژوهش پیش‌رو به روش تطبیقی تاریخی به رویکرد کمّی تکیه دارد و به بخش شبیه‌ترین و متفاوت‌ترین پیام‌ها و شباهت‌ها پرداخته است.

جامعه آماری: جامعهٔ آماری شامل کلیه اشخاص و نهادهای تأثیرگذار در جامعه بودند که عبارت‌اند از: مراجع، نمایندگان ولی فقیه، روحانیت شاخص، نیروهای مسلح (ارتش، سپاه پاسداران، نیروهای انتظامی، نیروهای هوایی، زمینی، دریایی، بسیجیان)، مسئولان و سیاستمداران، هنرمندان در حوزه‌های مختلف، همانند تهیه‌کنندگان، کارگردان‌ها، نویسندگان، شعرا و... در سینما، تئاتر و... و ورزشکاران رشته‌های مختلف ورزشی و فدراسیون‌ها و کانون‌های فرهنگی هنری‌های گوناگون که در کشور جمهوری اسلامی ایران به فعالیت اشتغال داشتند که از سیزدهم دی‌ماه ۱۳۹۸ لغایت بیستم همان ماه بیانیه یا پیام تسلیت به مناسبت

1. Zaret

شهادت سردار سلیمانی صادر کرده بودند و در پایگاه‌های خبری و خبرگزاری‌های مجوز دار، انتشار یافته بود.

نمونه آماری؛ نمونه مشتمل بر ٤۳۳ نفر[1] از افراد تأثیرگذار جامعه بود که به شرح زیر در ٤ طبقه یا گروه تفکیک شدند:

۱. تعداد ۱۰۲ نفر از مراجع، نمایندگان ولی‌فقیه در استان‌ها و ...و روحانیت شاخص و... که گروه اول این پژوهش را تشکیل می‌دهند.

۲. تعداد ٦۱ نفر از نیروهای مسلح (ارتش، سپاه پاسداران، نیروهای انتظامی، نیروهای هوایی، زمینی، دریایی) بسیجیان که عموماً از سرداران و امرا هستند و در سراسر کشور توزیع‌شده بودند که گروه دوم این پژوهش را تشکیل می‌دهند.

۳. تعداد ۱۵۰ نفر از مسئولان و سیاستمداران شامل سران سه قوه، وزرا، مدیران ارشد، استانداران، نمایندگان مجلس، شورای شهر تهران، سیاستمداران و مسئولان سال‌های گذشته، روسای دانشگاه‌ها و تحلیل گران سیاسی که در سراسر کشور توزیع شده بودند که گروه دوم این پژوهش را تشکیل می‌دهند.

٤. تعداد ۱۲۰ نفر از هنرمندان در حوزه‌های مختلف، تهیه‌کنندگان، کارگردان‌ها، نویسندگان، شعرا و...و سینماگران، تئاتر و تلویزیون و...و ورزشکاران رشته‌های مختلف ورزشی و فدراسیون‌ها و فرهنگی‌های گوناگون.

روش نمونه‌گیری؛ ابتدا کلیه اشخاص تأثیرگذار در چهار طبقه که از ۱۳ لغایت ۲۰ دی‌ماه ۱۳۹۸ در خبرگزاری‌ها و پایگاه‌های خبری مجوز دار بیانیه یا پیام تسلیت داده بودند. دانلود یا دریافت شد؛ که تعداد آن‌ها حدود ۲۰۰۰ مورد بود که پس از مطالعه و ویرایش به ۸۰۰ پیام تقلیل یافت. بعد از ۵ مرتبه بازنگری آن‌هایی که همه شرایط یک پیام را (کد خبر، ساعت ارسال، تاریخ ارسال و روز ارسال و نام ارسال‌کننده) درج شده بود و در بازه ۱۳ الی ۲۰ دی‌ماه ۱۳۹۸ صادر شده بود. انتخاب گردید که در نهایت ٤٤۳ پیام سالم برگزیده شد. دقت زیادی

---

۱. بالای صد هزار نفرنمونه به تعداد ۳۸٤ نفر در خطای ۵درصد کفایت می کند. با رعایت خطای نمونه گیری و خطای آماری این عدد به ٤۲٤ نفر افزایش می یابد .عددنمونه این تحقیق، ٤۳۳نفر نمونه است(ادوارز، ۱۳۸٤: ۹۸-۹۵). این مقاله در حد آمار توصیفی است. آمار استنباطی هم داشت .

شد که پیام‌ها در گستره سراسر ایران باشد؛ و از همه استان‌ها حداقل یک نفر انتخاب شده است. در برخی موارد. از مدیران کل، یا سرهنگ‌های ارتش و سپاه و یا از بسیجیان نیز انتخاب شده‌اند.

ابزار تحقیق؛ بامطالعه‌ای که درباره مالک اشتر و ویژگی آن از منابع مختلف صورت گرفت. در جمع‌بندی، از کتاب نهج‌البلاغه ۱۳ جمله استخراج گردید (نامه ۱۳، دو جمله، نامه ۳٤ دو ویژگی، نامه ۳۸ پنج ویژگی نامه ۵۳ یک ویژگی و از حکمت ٤٤۳ سه ویژگی)[1] که گزیده نامه‌ها و گفتار امیرالمؤمنین (ع) است به‌عنوان ابزار انتخاب شد و شاکله اصلی ابزار تحقیق را به خود اختصاص داد با افزودن واژه «مالک اشتر». پرسشنامه تطبیق تکمیل شد و همه داده‌های گردآوری‌شده با این ١٤ ویژگی سنجیده شدند.

یافته‌های پژوهش

روش تطبیق

ـ ویژگی‌های ١٤ گانه مالک اشتر معیار ثابت برای مقایسه یا تطبیق قرار گرفته است.
ـ پیام‌های تسلیت گروه‌های چهارگانه. موردبررسی قرار گرفت. همه واژه‌های (ایجابی و سلبی) استخراج شد که ٤٣٣ پیام برای ٤ گروه، مجموعاً ١٤٤٣٦ واژه ایجابی (ویژگی) را در برداشت.

که سهم گروه (۱) مراجع و روحانیت شاخص با ٤٣٠٨ واژه ویژگی، گروه (۲) نیروهای مسلح با ۳۲۲۹ واژه ویژگی، گروه (۳) مسئولان با ٤٤٥٥ واژه و گروه (٤) هنرمندان و ورزشکاران ٢٤٤٤ با واژه بود.

این واژگان به لحاظ محتوایی و شکلی موردبررسی قرار گرفت و با جملات ویژگی‌های ١٤ گانه ابزار، تطبیق داده شد. گاه یک واژه به چندین جمله می‌توانست به لحاظ معنایی و مضمون به چندین ویژگی تطبیق داده شود اما فقط به یک ویژگی اختصاص داده شد.

---

۱. از نهج‌البلاغه با ترجمه‌های مستقل انصاریان و دشتی به طور همزمان، برای مقایسه ترجمه و تطبیق شماره نامه ها و حکمت استفاده شد. ار نهج‌البلاغه فیض الاسلام هم برای تطبیق متن عربی و شرح نامه ها و حکمت استفاده شد.

❖ تحلیل توصیفی داده‌های کل پیام‌های استخراج‌شده منابع تأثیرگذار

جدول ۱. فراوانی پیام‌های منابع تأثیرگذار جامعه در تطبیق به تفکیک گروه و محورها

ردیف	شاخص‌ها / گروه‌ها	فراوانی واژه‌های ایجابی		فراوانی پیام‌های گروه‌ها و نسبت واژها	
		واژه‌ها (ویژگی)	درصد	پیام‌ها	نسبت واژه‌ها به پیام‌ها
۱	مراجع و طلاب	٤۳۰۸	۲۹/۸٤	۱۰۲	٤۲/۲
۲	نیروهای مسلح	۳۲۲۹	۲۲/۳٦	٦۱	٥۷/۹
۳	مسئولان	٤٤٥٥	۳۰/۸٦	۱٥۰	۲۹/۷
٤	ورزشکاران و هنرمندان	۲٤٤٤	۱٦/۹۲	۱۲۰	۲۰/۳٦
مجموع		۱٤٤۳٦	۱۰۰	٤۳۳	۳۳/۳۳

جدول (۱) بیانگر آن است که هر پیام حاوی حدود ۳۳ واژه ویژگی (ایجابی) درباره سردار سلیمانی بود. در این میان، نسبت پیام‌های نیروهای مسلح حدود ٥۳ کلمه ویژگی (ایجابی) درباره سردار سلیمانی است که رتبه اول را داراست. بعد از این مراجع با نسبت ٤۲ در رتبه دوم و سیاستمداران و مسئولان و هنرمندان ورزشکاران در رتبه‌های سوم و چهارم قرار دارند. همچنین مسئولان با ۳۰,۸٤ درصد بیشترین فراوانی واژگان ایجابی (ویژگی) و ورزشکاران و هنرمندان با ۱٦,۹۲ درصد کمترین فراوانی واژگان ایجابی (ویژگی) را به خود اختصاص داده‌اند.

جدول ۲. فراوانی پیام‌های منابع تأثیرگذار جامعه در تطبیق به تفکیک گروه و محورها گویاست

کد محورها	گروه‌ها				
	مراجع و طلاب (فراوانی‌ها)	نیروهای مسلح (فراوانی‌ها)	مسئولان (فراوانی‌ها)	ورزشکاران و هنرمندان (فراوانی‌ها)	جمع
۱	۷۵	۸۲	۹٦	٤۸	۲۹۱
۲	۷٤	٤۹	۱۱	۷۹	۳۱۳
۳	۱۱٦	۷٦	۱٤۲	۸۲	٤۱۸
٤	۱۲۲	۹٤	۱۷۰	٥٦	٤٤۲
٥	۸٥۳	٤٤۷	۳٥۲	۳۰۹	۱۹۱٤
٦	٦۷۱	٤۲۲	۷٤۱	٤۰۰	۲۳٥۲
۷	۳۷۳	۳۲۲	٤٤۳	۲۰۳	۱۳۰۱
۸	۷٦۲	۷۰۱	۱۰٦۱	٥۲۹	۳۱۳۰
۹	۲٤۹	۲٥۱	۱۹۷	۱۳۱	۸۲۰
۱۰	۱۱۲	۸۷	۱۱۰	۸٤	۳۹۲
۱۱	۱۰۳	۸۷	۱٤٦	٥۰	۳۸۰
۱۲	۲۳۸	۲۲۸	۲۹۷	۱۰۱	۸٥٤
۱۳	٤٤۲	۳٥۹	٦٦۷	۳۷۷	۱۸٦۳
۱٤	۱٤	۱۸	۲۲	٤	٥٦
جمع	٤۳۰۸	۳۲۲۹	٤٤٥٥	۲٤٤٤	۱٤٤۳٦

جدول (۲) فراوانی استخراج‌شده از پیام‌های مراجع و طلاب، نیروهای مسلح، سیاستمداران و مسئولان و هنرمندان و ورزشکاران بیانگر آن است که در هر ۱٤ محوری که امام علی (ع) در نامه‌های ۱۳، ۳٤، ۳۸ و ٥۳ و حکمت ٤٤۳ در توصیف شخصیت مالک اشتر بیان نموده، سردار سلیمانی بنابر فراوانی پیام‌های اشخاص تأثیرگذار، دارای شخصیتی همانند شخصیت مالک اشتر است. درمجموع ۱٤٤۳٦ ویژگی از چهار گروه دریافت شده که سهم مراجع و روحانیت ٤۳۰۸، نیروهای مسلح ۳۲۲۹، مسئولان و سیاستمداران ٤٤٥٥ و هنرمندان و ورزشکاران ۲٤٤٤ است. گفتنی است که ۲۳۸ واژه ایجابی با مضمون سردار سلیمانی استخراج شد؛ که در جدول (۳) با جزئیات اشاره شده است.

جدول ۳. فراوانی پیام‌های منابع تأثیرگذار جامعه در تطبیق با محورهای فرمایش امام علی (ع)

کد محورها	محورها	فراوانی پیام‌های حاوی ویژگی‌ها استخراج‌شده هر چهار گروه و درصد آنها		رتبه
۱	بیداری و هوشیاری کامل در بحران‌ها و به هنگام احساس خطر	F_i	۲۹۱	۱۳
		%	۲	
۲	عدم ترس و وحشت از قدرت دشمن هر چه باشد و هر قدر باشد	F_i	۳۱۳	۱۲
		%	۲/۱۵	
۳	قاطعیتی همچون شعله‌های سوزان آتش در برابر دشمنان	F_i	٤۱۸	۹
		%	٥/٦۳	
٤	مؤثر بودن و حساب‌شده بودن ضرباتی که بر دشمن وارد می‌کند.	F_i	٤٤۲	۸
		%	۳/۰٤	
٥	پیروی کامل از فرمان امام و رهبر (ولایت‌پذیری) سرباز ولایت	F_i	۱۹۱٤	۳
		%	۱۳/۱۷	
٦	دلسوزی و خیرخواهی نسبت به جامعه اسلامی (نامه: ۳٤)	F_i	۲۳٥۲	۲
		%	۱٦/۱۹	
۷	سختگیری در برابر دشمنان (نامه:۳٤)	F_i	۱۳۰۱	٥
		%	۸/۹٥	
۸	عظمت روح و بلندی فکر (عظمت روح سبب نفوذ انسان در قلب‌ها می‌شود.)	F_i	۳۱۳۰	۱
		%	۲۱/٥٤	
۹	استواری و پایمردی در برابر حوادث سخت (مقاومت)	F_i	۸۲۰	۷
		%	٥/٦٤	
۱۰	کسی که به هنگام فقدانش راستی جای خالی او احساس می‌شود	F_i	۳۹۲	۱۰
		%	۲/٦۹	
۱۱	در کار سستی نمی‌کند و خطا نمی‌کند	F_i	۳۸۰	۱۱
		%	۲۱/٦۱	
۱۲	نه آنجا که باید درنگ کند، شتاب می‌ورزد و نه آنجا که باید شتاب ورزد، درنگ می‌کند.	F_i	۸٥٤	٦
		%	٥/۸۷	
۱۳	پایان عمر «من و تو» را به شهادت و رستگاری ختم فرماید.	F_i	۱۸٦۳	٤
		%	۱۲/۸٦	
۱٤	مالک	F_i	٥٦	۱٤
		%	/۳۸	
جمع			۱٤٤۳٦	–

جدول (۳) بیانگر آن است که در هر ۱٤ محور که امام علی (ع) در نامه‌های ۱۳، ۳٤، ۳۸ و ۵۳ و حکمت ٤٤۳ در توصیف شخصیت مالک اشتر بیان‌شده، هر چهار گروه مراجع و طلاب، نیروهای مسلح، سیاستمداران و مسئولان و هنرمندان و ورزشکاران نیز به این اعتراف دارند؛ که سردار سلیمانی شخصیتی همانند شخصیت مالک اشتر را داراست. محتوای پیام‌ها بیانگر آن است که ویژگی شخصیتی سردار سلیمانی به ترتیب در محور شماره (۸) «به لحاظ عظمت روح و بلندی فکرش محبوب قلب‌هاست»، بعدازآن در محور (٦) «دلسوزی و خیرخواهی نسبت به جامعه اسلامی» بعدازآن در محور (۵) «پیروی کامل از فرمان امام و رهبر (ولایت‌پذیری) سرباز ولایت». قرار دارد سایر رتبه محورها در جدول قابل مشاهده است.

❖ تحلیل توصیفی داده‌های مستخرج پیام‌های مراجع و روحانیت شاخص

جدول ٤. فراوانی پیام‌های مراجع و روحانیت جامعه در تطبیق با محورهای فرمایش امام علی (ع)

کد محورها	محورها	فراوانی و درصد پیام‌های مراجع و روحانیت		رتبه
۱	بیداری و هوشیاری کامل در بحران‌ها و به هنگام احساس خطر	F_i	۷۵	۱۲
		%	۱/۷٤	
۲	عدم ترس و وحشت از قدرت دشمن هر چه باشد و هرقدر باشد	F_i	۷٤	۱۳
		%	۱/۷۱	
۳	قاطعیتی همچون شعله‌های سوزان آتش در برابر دشمنان	F_i	۱۱٦	۹
		%	۲/٦۹	
٤	مؤثر بودن و حساب‌شده بودن ضرباتی که بر دشمن وارد می‌کند	F_i	۱۲۲	۸
		%	۲/۸۳	
٥	پیروی کامل از فرمان امام و رهبر (ولایت‌پذیری) سرباز ولایت	F_i	۸٥۳	۲
		%	۱۹/۸	
٦	دلسوزی و خیرخواهی نسبت به جامعه اسلامی (نامه: ۳٤)	F_i	٦۷۱	۳
		%	۱٥/٥٥	
۷	سختگیری در برابر دشمنان (نامه:۳٤)	F_i	۳۷۳	٥
		%	۸/٦٥	
۸	عظمت روح و بلندی فکر (عظمت روح سبب نفوذ انسان در قلب‌ها می‌شود.)	F_i	۸٦۲	۱
		%	۲۰	
۹	استواری و پایمردی در برابر حوادث سخت (مقاومت)	F_i	۲٤۹	٦
		%	٥/۷۷	
۱۰	کسی که به هنگام فقدانش راستی جای خالی او احساس می‌شود	F_i	۱۱۲	۱۰
		%	۲/٥۹	
۱۱	در کار سستی نمی‌کند و خطا نمی‌کند	F_i	۱۰۳	۱۱
		%	۲/۳۹	
۱۲	نه آنجا که باید درنگ کند، شتاب می‌ورزد و نه آنجا که باید شتاب ورزد، درنگ می‌کند.	F_i	۲۳۸	۷
		%	٥/٥۲	
۱۳	پایان عمر «من و تو» را به شهادت و رستگاری ختم فرماید،	F_i	٤٤۲	٤
		%	۱۰/۲٥	
۱٤	مالک اشتر	F_i	۱۸	۱٤
		%	.٤۱	
جمع			٤۳۰۸	–

جدول (٤) بیانگر آن است که در هر ١٤ محور که امام علی (ع) در نامه‌های ۱۳، ٣٤، ٣٨ و ٥٣ و حکمت ٤٤٣ در توصیف شخصیت مالک اشتر بیان نموده، مراجع و روحانیت نیز به این اعتراف دارند که سردار سلیمانی بنابر پیام‌های مراجع و روحانیت شخصیتی همانند شخصیت مالک اشتر زمان را داراست. محتوای پیام‌ها بیانگر آن است که ویژگی شخصیتی سردار سلیمانی به ترتیب در محورها شماره (٨) «به لحاظ عظمت روح و بلندی فکرش محبوب قلب‌هاست»، بعدازآن در محور (٥) «پیروی کامل از فرمان امام و رهبر (ولایت‌پذیری) سرباز ولایت» سپس محور (٦) «دلسوزی و خیرخواهی نسبت به جامعه اسلامی» قرار دارد. سایر رتبه محورها در جدول قابل مشاهده است.

❖ تحلیل توصیفی داده‌های مستخرج از پیام‌های نیروهای مسلح

جدول ۵. فراوانی پیام‌های نیروهای مسلح جامعه در تطبیق با محورهای فرمایش امام علی (ع)

کد محورها	محورها	فراوانی و درصد پیام‌های نیروهای مسلح	درصد	رتبه
۱	بیداری و هوشیاری کامل در بحران‌ها و به هنگام احساس خطر	F_i	۸۲	۱۱
		%	۲/۵٤	
۲	عدم ترس و وحشت از قدرت دشمن هر چه باشد و هر قدر باشد	F_i	٤۹	۱۳
		%	۱/۵۱	
۳	قاطعیتی همچون شعله‌های سوزان آتش در برابر دشمنان	F_i	۷٦	۱۲
		%	۲/۳۵	
٤	مؤثر بودن و حساب‌شده بودن ضرباتی که بر دشمن وارد می‌کند.	F_i	۹٤	۱۰
		%	۲/۹۱	
۵	پیروی کامل از فرمان امام و رهبر (ولایت‌پذیری) سرباز ولایت	F_i	٤٤۷	۲
		%	۱۳/۸٤	
٦	دلسوزی و خیرخواهی نسبت به جامعه اسلامی (نامه: ۳٤)	F_i	٤۲۲	۳
		%	۱۳/۰۷	
۷	سختگیری در برابر دشمنان (نامه:۳٤)	F_i	۳۲۲	۵
		%	۹/۹۷	
۸	عظمت روح و بلندی فکر عظمت روح سبب نفوذ انسان در قلب‌ها می‌شود	F_i	۷۰۱	۱
		%	۲۱/۷۱	
۹	استواری و پایمردی در برابر حوادث سخت (مقاومت)	F_i	۲۵۱	٦
		%	۷/۷۷	
۱۰	کسی که به هنگام فقدانش راستی جای خالی او احساس می‌شود	F_i	۸۸	۸
		%	۲//۷۲	
۱۱	در کار سستی نمی‌کند و خطا نمی‌کند	F_i	۸۷	۹
		%	۲/٦۹	
۱۲	نه آنجا که باید درنگ کند، شتاب می‌ورزد و نه آنجا که باید شتاب ورزد، درنگ می‌کند.	F_i	۲۲۷	۷
		%	۷/۰۳	
۱۳	پایان عمر «من و تو» را به شهادت و رستگاری ختم فرماید.	F_i	۳۵۹	٤
		%	۱۱/۱۲	
۱٤	مالک	F_i	۱٤	۱٤
		%	.٤۳	
جمع			۳۲۲۸	

جدول (۵) بیانگر آن است که در هر ۱٤ محور که امام علی (ع) در نامه‌های ۱۳، ۳٤، ۳۸ و ۵۳ و حکمت ٤٤۳ در توصیف شخصیت مالک اشتر بیان نموده، نیروهای مسلح، نیز به این اعتراف دارند که سردار سلیمانی بنابر پیام‌های اشخاص تأثیرگذار شخصیتی همانند شخصیت مالک اشتر را داراست. محتوای پیام‌ها بیانگر آن است که ویژگی شخصیتی سردار سلیمانی به ترتیب در محورها شماره (۸) به لحاظ عظمت روح و بلندی فکرش محبوب قلب‌هاست، بعدازآن در محور (۵) «پیروی کامل از فرمان امام و رهبر (ولایت‌پذیری) سرباز ولایت» و بعدازآن در محور (٦) «دلسوزی و خیرخواهی نسبت به جامعه اسلامی» سایر رتبه محورها در جدول قابل مشاهده است.

❖ تحلیل توصیفی داده‌های مستخرج از پیام‌های سیاستمداران و مسئولان

جدول ٦. فراوانی پیام‌های مسئولان جامعه در تطبیق با محورهای فرمایش امام علی (ع)

کد محور	محورها	فراوانی و درصد پیام‌های مسئولان		رتبه
۱	بیداری و هوشیاری کامل در بحران‌ها و به هنگام احساس خطر	F_i	۹٦	۱۳
		%	۲/۱۵	
۲	عدم ترس و وحشت از قدرت دشمن هر چه باشد و هر قدر باشد	F_i	۱۰۱	۱۲
		%	۲/۲٦	
۳	قاطعیتی همچون شعله‌های سوزان آتش در برابر دشمنان	F_i	۱٤۲	۱۰
		%	۳/۱۸	
٤	مؤثر بودن و حساب‌شده بودن ضرباتی که بر دشمن وارد می‌کند.	F_i	۱۷۰	۸
		%	۳/۸۱	
٥	پیروی کامل از فرمان امام و رهبر (ولایت‌پذیری) سرباز ولایت	F_i	۳٥۲	٥
		%	۷/۹۰	
٦	دلسوزی و خیرخواهی نسبت به جامعه اسلامی (نامه: ۳٤)	F_i	۷٤۱	۲
		%	۱٦/٦۳	
۷	سختگیری در برابر دشمنان (نامه: ۳٤)	F_i	٤٤۳	٤
		%	۹/۹٤	
۸	عظمت روح و بلندی فکر (عظمت روح سبب نفوذ انسان در قلب‌ها می‌شود.)	F_i	۱٦۰۱	۱
		%	۳٥/۹۳	
۹	استواری و پایمردی در برابر حوادث سخت (مقاومت)	F_i	۱۹۷	۷
		%	٤/٤۲	
۱۰	کسی که به هنگام فقدانش راستی جای خالی او احساس می‌شود	F_i	۱۱۰	۱۱
		%	۲/٤٦	
۱۱	در کار سستی نمی‌کند و خطا نمی‌کند	F_i	۱٤٦	۹
		%	۳/۲۷	
۱۲	نه آنجا که باید درنگ کند، شتاب می‌ورزد و نه آنجا که باید شتاب ورزد، درنگ می‌کند.	F_i	۲۹۷	٦
		%	٦/٦٦	
۱۳	پایان عمر «من و تو» را به شهادت و رستگاری ختم فرماید	F_i	٦٦۷	۳
		%	۱٤/۹۷	
۱٤	مالک	F_i	۲۲	۱٤
		%	/٤۹	
جمع			٤٤٥٥	

جدول (٦) بیانگر آن است که در هر ١٤ محور که امام علی (ع) در نامه‌های ۱۳، ۳٤، ۳۸ و ۵۳ و حکمت ٤٤۳ در توصیف شخصیت مالک اشتر بیان نموده سیاستمداران و مسئولان نیز به این اعتراف دارند که سردار سلیمانی بنابر پیام‌های اشخاص تأثیرگذار این گروه شخصیتی همانند شخصیت مالک اشتر را داراست. محتوای پیام‌ها بیانگر آن است که ویژگی شخصیتی سردار سلیمانی به ترتیب در محور شماره (۸) به لحاظ عظمت روح و بلندی فکرش محبوب قلب‌هاست، در محور (٦) «دلسوزی و خیرخواهی نسبت به جامعه اسلامی» و در محور (۱۳) «پایان عمر «من و تو» را به شهادت و رستگاری ختم فرماید» سایر رتبه محورها در جدول قابل مشاهده است.

❖ تحلیل توصیفی داده‌های مستخرج از پیام‌های هنرمندان و ورزشکاران

جدول ۷. فراوانی پیام‌های هنرمندان و ورزشکاران جامعه در تطبیق با محورهای فرمایش امام علی (ع)

کد محور	محورها		فراوانی و درصد پیام‌های مسئولان	رتبه
۱	بیداری و هوشیاری کامل در بحران‌ها و به هنگام احساس خطر	F_i	٤٨	۱۳
		%	۱/۹٦	
۲	عدم ترس و وحشت از قدرت دشمن هر چه باشد و هر قدر باشد	F_i	۷۹	۱۰
		%	۳/۲۳	
۳	قاطعیتی همچون شعله‌های سوزان آتش در برابر دشمنان	F_i	۸۲	۹
		%	۳/۳۵	
٤	مؤثر بودن و حساب‌شده بودن ضرباتی که بر دشمن وارد می‌کند.	F_i	٥٦	۱۱
		%	۲/۲۹	
٥	پیروی کامل از فرمان امام و رهبر (ولایت‌پذیری) سرباز ولایت	F_i	۳۰۹	٤
		%	۱۲/٦٤	
٦	دلسوزی و خیرخواهی نسبت به جامعه اسلامی (نامه: ۳٤)	F_i	٤۰۰	۲
		%	۱٦/۳٦	
۷	سختگیری در برابر دشمنان (نامه:۳٤)	F_i	۲۰۳	٥
		%	۸/۳۰	
۸	عظمت روح و بلندی فکر عظمت روح سبب نفوذ انسان در قلب‌ها می‌شود	F_i	٥۲۹	۱
		%	۲۱/٦٤	
۹	استواری و پایمردی در برابر حوادث سخت (مقاومت)	F_i	۱۳۱	٦
		%	٥/۳٦	
۱۰	کسی که به هنگام فقدانش راستی جای خالی او احساس می‌شود	F_i	۸٤	۸
		%	۳/٤۳	
۱۱	در کار سستی نمی‌کند و خطا نمی‌کند	F_i	٥۰	۱۲
		%	۲/۰٤	
۱۲	نه آنجا که باید درنگ کند، شتاب می‌ورزد و نه آنجا که باید شتاب ورزد، درنگ می‌کند.	F_i	۱۰۱	۷
		%	٤/۱۳	
۱۳	پایان عمر «من و تو» را به شهادت و رستگاری ختم فرماید.	F_i	۳۷۷	۳
		%	۱٥/٤۲	
۱٤	مالک	F_i	٤	۱٤
		%	./۱٦	
جمع			۲٤٤٤	

جدول (۷) بیانگر آن است که در هر ۱٤ محور که امام علی (ع) در نامه‌های ۱۳، ۳٤، ۳۸ و ۵۳ و حکمت ٤٤۳ در توصیف شخصیت مالک اشتر بیان نموده، هنرمندان و ورزشکاران ایران نیز به این اعتراف دارند؛ که سردار سلیمانی بنابر سطوح[1] پیام‌های اشخاص تأثیرگذار شخصیتی همانند شخصیت مالک اشتر را داراست. محتوای پیام‌ها بیانگر آن است که ویژگی شخصیتی سردار سلیمانی به ترتیب در محورها شماره (۸) «به لحاظ عظمت روح و بلندی فکرش محبوب قلب‌هاست»، بعدازآن در محور (٦) «دلسوزی و خیرخواهی نسبت به جامعه اسلامی»؛ و بعدازآن در محور (۱۳) «پایان عمر «من و تو» را به شهادت و رستگاری ختم فرماید». سایر رتبه محورها در جدول قابل مشاهده است.

---

[1]. (کریپندورف، ۱۳۸۸ : ۲۲)

❖ بحث و نتیجه‌گیری

ـ تحلیل شباهت‌های ویژگی‌های سردار سلیمانی به مالک اشتر

جدول ۸. شباهت‌های ویژگی‌های سردار سلیمانی به مالک اشتر به تفکیک گروه‌ها
بر اساس فراوانی، جدول گویاست

گروه‌ها / رتبه / شباهت‌ها	مراجع و روحانیت	نیروهای مسلح	سیاستمداران و مسئولان	هنرمندان و ورزشکاران	جمع کل
	کد محورها	کد محورها	کد محورها	کد محورها	کد محور
۱	۸	۸	۸	۸	۸
۲	۵	۵	٦	٦	٦
۳	٦	٦	۱۳	۱۳	۵
٤	۱۳	۱۳	۷	۵	۱۳
۵	۷	۷	۵	۷	۷
٦	۹	۹	۱۲	۹	۱۲
۷	۱۲	۱۲	۹	۱۲	۹
۸	٤	۱۰	٤	۱۰	٤
۹	۳	۱۱	۱۱	۳	۷
۱۰	۱۰	٤	۳	۲	۱۰
۱۱	۱۱	۱	۱۰	٤	۱۱
۱۲	۱	۳	۲	۱۱	۲
۱۳	۲	۲	۱	۱	۱
۱٤	۱٤	۱٤	۱٤	۱٤	۱٤

جدول (۸) بیانگر آن است که هر ٤ گروه اعتقاد دارند ویژگی با کد (۸) «عظمت روح و بلندی فکر»، «عظمت روح سبب نفوذ انسان در قلب‌ها می‌شود» را در صدر ویژگی‌های شخصیت سردار سلیمانی نگاشته‌اند. این همان فرمایش امام علی (ع) در حکمت ٤٤۳ نهج‌البلاغه است؛ و در رتبه دوم، مراجع و روحانیت و نیروهای مسلح به کد ۵ پیروی کامل از فرمان امام و رهبر (ولایت‌پذیری) سرباز ولایت» اشاره نموده‌اند؛ اما سیاستمداران و هنرمندان و

ورزشکاران به کد ٦ «دلسوزی و خیرخواهی نسبت به جامعه اسلامی» اشاره داشته‌اند. محورهای با کد (۱) و (۲) در انتهای ویژگی قرار دارند.

۱. مراجع و طلاب و نیروهای مسلح در ۹ محور از ۱٤ محور معادل ٦٤ درصد با هم همگرایی داشته و به عبارتی پیام‌های شبیه هم داده‌اند که و این معادل ٦٤ درصد است؛ که همگرایی نسبتاً مناسبی درباره توصیف ویژگی‌های شخصیت سردار سلیمانی است. (چارک سوم)؛

۲. مراجع و طلاب و مسئولان وقت در ۳ محور از ۱٤ محور معادل ۲۱ درصد با هم همگرایی داشته، به عبارتی همگرایی بین پیام‌هایشان در چارک اول ویژگی‌های شخصیت سردار سلیمانی است؛

۳. مراجع و روحانیت و هنرمندان و ورزشکاران در ٦ محور از ۱٤ محور معادل ٤۲ درصد با هم همگرایی داشته، به عبارتی همگرایی بین پیام‌هایشان در چارک دوم ویژگی‌های شخصیت سردار سلیمانی است؛

٤. نیروهای مسلح و سیاستمداران و مسئولان وقت در ۳ محور از ۱٤ محور معادل ۲۱ درصد با هم همگرایی داشته، به عبارتی همگرایی بین پیام‌هایشان در چارک دوم ویژگی‌های شخصیت سردار سلیمانی است؛

۵. نیروهای مسلح و ورزشکاران در ٦ محور از ۱٤ محور معادل ٤۲ درصد با هم همگرایی داشته، به عبارتی همگرایی بین پیام‌هایشان در چارک دوم ویژگی‌های شخصیت سردار سلیمانی است؛

٦. سیاستمداران و مسئولان و ورزشکاران در ۵ محور از ۱٤ محور معادل ۳۷,۵ درصد با هم همگرایی داشته، به عبارتی همگرایی بین پیام‌هایشان در چارک دوم ویژگی‌های شخصیت سردار سلیمانی است.

نتیجه مهم: همگرایی مسئولان و سیاستمداران وقت با سه گروه دیگر متفاوت است.

جدول ۹. برخی ویژگی‌های مستخرج از پیام‌های گروه‌ها در شخصیت سردار سلیمانی بر اساس فراوانی به تفکیک

	مراجع و طلاب	نیروهای مسلح	سیاستمداران و مسئولان	هنرمندان ورزشکاران	کل
رتبه	ویژگی	ویژگی	ویژگی	ویژگی	ویژگی
۱	شهادت	شهید	شهادت	شهادت	شهادت
۲	شهید	فرمانده	شهید	شهید	شهید
۳	تسلیت	شهادت	تسلیت	جهان	تسلیت
٤	مجاهد	مجاهد	امریکا	تسلیت	علیه امریکا
۵	جهان	امریکا	رهبر	مجاهد	جهان
٦	رهبر	مقاومت	جهان	امریکا	مجاهد
۷	مقاومت	تسلیت	فرمانده	رهبر	رهبر
۸	امام	جهان	مبارز	حق	فرمانده
۹	امریکا	جبهه	حق	مقاومت	مقاومت
۱۰	عزیز	رهبر	سرافراز	امت	حق
۱۱	فرمانده	امام	عزیز	جبهه	عزیز
۱۲	حق	قدس	جبهه	قدس	جبهه
۱۳	جبهه	مبارز	تبریک	عزیز	امام
۱٤	شریف	حق	قدس	رشید	مبارز
۱۵	قدس	عزیز	دفاع	حرم	قدس
۱٦	دشمن	جنایتکار	مجاهد	آزادی	تبریک
۱۷	تبریک	تبریک	جنایتکار	فرمانده	سرافراز
۱۸	مبارز	دفاع	مقاومت	سرافراز	امت
۱۹	سرافراز	جبهه مقاومت	امام	منطقه	جنایتکار
۲۰	عراق	منطقه	امت	منطقه	دفاع
۲۱	استکبار	امت	شریف	میدان	دشمن
۲۲	امت	مبارزه با تروریسم	رشید	مبارز	شریف
۲۳	جنایتکار	سردار بزرگ	مظلوم	پاک	رشید
۲٤	رشید	سرافراز	دشمن	تبریک	منطقه
۲۵	منطقه	دشمن	مبارزه با تروریسم	دشمن	جبهه مقاومت
۲٦	دفاع	استکبار	عهد	شریف	پاک
۲۷	افتخار	دشمن	فی سبیل الله	جنایتکار	استکبار
۲۸	دین	مقدس	جبهه مقاومت	دفاع	مبارزه با تروریسم
۲۹	پاک	افتخار	سرباز	نقش‌آفرین	مظلوم

جدول ۱۰. برخی ویژگی‌های مستخرج از پیام‌های گروه‌ها در شخصیت سردار سلیمانی بر اساس فراوانی به تفکیک

شاخص‌ها / محورها	فراوانی	درصد	رتبه درزمینه
متدین، اخلاق مدار، مخلص و صادق و عاشق خدمت و شهادت	۶۰۵۳	٤١,٩٢	١
وطن‌پرستی	٧٣٢	٥,٠٧	٥
مدیریت و فرماندهی و تدبیر	١٧٣٩	١٢,٠٤	٣
الگو و اسوه و... بودن	١٣٥٤	٩,٣٧	٤
استکبارستیزی و مقاومت	٤٣٦٧	٣٠,٢٥	٢
سایر	١٩١	١,٣٢	–
جمع کل	١٤٤٣٦	١٠٠	١٠٠

جدول بالا (۱۰) بیانگر آن است که بعد از همسان‌سازی واژگان در ۵ زمینه از مجموع واژگان استخراج‌شده از پیام‌های تسلیت دریافتی از ٤ گروه با ٤٤٣ پیام، ٤١/٩٢ درصد پیام‌دهندگان واژه دین و اخلاق و مردمی بودن، ٥/٠٧ درصد وطن‌پرستی، ١٢/٠٤ درصد مدیریت و فرماندهی، ٩/٣٧ درصد اسوه بودن و ٢٥. ٣٠ درصد به استکبارستیزی و مقاومت را به‌عنوان ویژگی‌های بارز و شاخص درباره سردار سلیمانی بکار برده‌اند؛ و این شمه‌ای از دلایل و مستندات الگو شدن سردار سلیمانی است در ادامه فرازهایی از فرمایشات رهبر معظم انقلاب آمده است و نتایج این پژوهش با فرمایشات رهبر معظم انقلاب دارای همخوانی و مشابهت است.

فرازهایی از بیانات رهبر معظم انقلاب در دومین سالگرد شهید سلیمانی[1] در دیدار خانواده و ستاد سالگرد شهید سپهبد حاج قاسم سلیمانی در تاریخ ۱۴۰۰/۱۰/۱۱.

۱. «ما یک جمله عرض کردیم، گفتیم «مکتب سلیمانی» شهید سلیمانی یک مکتب شد یا یک مکتب بود و در مورد این مکتب، من حالا دیدم بحمدالله کتاب‌های متعدّدی چاپ‌شده که ندیده بودم این کتاب‌ها را. اگر بخواهیم آن چیزی را که اسمش را می‌گذاریم «مکتب سلیمانی»، در یکی دو جملهٔ کوتاه تبیین کنیم، باید بگوییم این

1. https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=49260

مکتب عبارت است از «صدق» و «اخلاص». این دو کلمه درواقع عنوان و نماد و نمایهٔ مکتب سلیمانی است «صدق» یعنی همان چیزی که در آیهٔ شریفهٔ «مِنَ المُؤمِنینَ رِجالٌ صَدَقوا ما عاهَدُوا اللهَ عَلَیه» است که حالا مختصری توضیح عرض می‌کنم. «اخلاص» هم همین است که درآیات متعدّد قرآن ازجمله این آیهٔ شریفه «قُل اِنّی اُمِرتُ اَن اَعبُدَ اللهَ مُخلِصًا لَهُ الدّین» [آمده]؛ این دو عنوانِ قرآنی، تشکیل‌دهندهٔ حرکت شهید سلیمانی بود».

۱. شهید عزیز ما، شهید سلیمانی، ثابت کرد که هم می‌توان ملّی‌ترین چهرهٔ کشور بود، هم می‌توان امّتی‌ترین چهرهٔ کشور بود؛ در آنِ واحد ملّی‌ترین و امّتی‌ترین بود.

۲. شهید سلیمانی الگو شد؛ یکی از حقایق بسیار برجسته این است که شهید سلیمانی تبدیل شد به یک الگو.

٤. من در جمع بعضی از مسئولان سطح بالای کشور که خود شهید هم بود ـ هم در حضور خودش، هم در غیاب خودش ـ چند بار این حرف را زدم که کار را با تدبیر انجام می‌داد. شجاعتش یک‌جور که قضایای کارهای شجاعانهٔ او حالا می‌بینم سر زبان‌ها است؛ کارهایی را که با تدبیر انجام می‌داد، با دقّت [بود]! «صدق» این است؛ «صَدَقوا ما عاهَدُوا الله» یعنی اینها.

۵. آن قدرتی که نشان می‌داد و حرکت قاطع و پُرشدّتی که انجام می‌داد، جوری بود که وقتی به یکجایی وارد می‌شد و می‌فهمیدند که آمده، خودِ ورود او روحیه‌های دشمن را ضایع می‌کرد، زایل می‌کرد. امروز هم مستکبران از نام او وحشت دارند، از یاد او وحشت دارند؛ ببینید در فضای مجازی ـ لابد بیشتر از من اطّلاع دارید دیگر؛ ـ با اسم او چه برخوردی دارند می‌کنند؛ این هم یک تنبیه دیگری است.

در پایان پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های دیگری در مورد شخصیت و ویژگی‌های شهید سردار قاسم سلیمانی صورت گیرد تا زوایای مکتوم و پنهان زندگی، اخلاقی، اجتماعی، رفتاری و... برای امت ایران و مستضعفین و آزادی خواهان دنیا آشکار گردد.

منابع و مأخذ

انصاریان، حسین (۱۳۷۸). **نهج‌البلاغه**. انتشارات پیام آزادی.

جک ئی، ادواردرزو. ماری دی تامس و پل زرند فُلد (۱۳۸٤). **تحقیق پیمایشی**. ترجمهٔ سیدمحمد اعرابی و داود ایزدی. دفتر پژوهش‌های فرهنگی (تاریخ انتشار به زبان اصلی، ۱۹۹٦).

خطیبی کوشکک، محمد (۱۳۸۹). «اسوه‌های فرماندهی». **فصلنامه حصون**، شماره ۲٤:۲۷–۱۸.

ریگین، چارلز (۱۳۹۷). **روش تطبیقی فراسوی راهبردهای کمّی و کیفی**. ترجمهٔ محمد فاضلی. نشر آگه. (تاریخ انتشار به زبان اصلی، ۲۰۰۹).

دشتی، محمد (۱۳۷۹). **نهج‌البلاغه**. انتشارات پارسایان قم.

ساعی، علی (۱۳۹۲). **روش پژوهش تطبیقی**. نشر آگه.

سهرابی، فرامرز (۱۳۸۷). «بررسی شخصیت امام خمینی بر اساس رویکرد پدیدارشناختی مزلو». **حضور**. شماره ٦٤: ۱۸۱–۱٤۸.

شعبانی، امامعلی (۱۳۹۲). **سیره، اندیشه و شخصیت شهید دکتر بهشتی**، چشمه مجموعه فرهنگی شهدای انقلاب اسلامی چهارشنبه ۰۹ مرداد ۱۳۹۲.

شولتز، دوان. وشولتز آلن (۱۳۹٤). **نظریه‌های شخصیت**. ترجمهٔ یحیی سید محمدی. انتشارات ویرایش تهران (تاریخ انتشار به زبان اصلی، ۲۰۱۳).

عباسی مقدم، مصطفی (۱۳۷۹). **اسوه‌های قرآنی و شیوه‌های تبلیغی آنان**، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

کریمی، فیروزه (۱۳۸۳). **رموز توفیق و ماندگاری**. قبسات قبسات ۱۳۸۳ شماره ۳۰ و ۳۱.

فیض‌الاسلام، سیدعلینقی (۱۳۵۱). **ترجمه و شرح نهج‌البلاغه**. ناشر مولف.

کرلینجر، فرد. ان. (۱۳۷٤). **مبانی پژوهش در علوم رفتاری**. جلد (۱) و (۲) ترجمهٔ حسن پاشا شریفی و جعفرنجفی زند. انتشارات آوای نور (تاریخ چاپ جلد ۲، ۱۳۷٦).

کریپندورف، کلوس (۱۳۸۸). **تحلیل محتوا**. ترجمهٔ هوشنگ نایبی. نشر نی. تاریخ انتشار به زبان اصلی، ۱۹۸۰.

محمدپور، احمد (۱۳۸۹). **فراروش**. انتشارات جامعه‌شناسان.

محمدپور، احمد (۱۳۹۷). **ضد روش**. انتشارات لوگوس.

❖ مردیت گال و همکاران (۲۰۰۳). **تحقیق کمّی و کیفی در علوم تربیتی و...**، ترجمهٔ نصر و همکاران، نشر دانشگاه بهشتی و سمت.

مشرق (۱۳۹۸). **حاج قاسم را با این ۲۵ ویژگی بشناسید**. کد خبر ۱۰۳۹۸۳۹.

میری، سیداسماعیل (۱۳۹٤). **شاخصه‌ها و ویژگی‌های ممتاز مالک اشتر نخعی**. منتشرشده در مورخ: ۱۸/۰۸/۱۳۹٤ شناسه خبر: ۵۲٦۹۰۷ کهکیلویه و بویر احمد اطلاع‌رسانی راه دانا.

نیومن، ویلیام لاورنس (۱۳۸۹). **رویکردهای کمّی و کیفی**. جلد (۱) و (۲). ترجمهٔ حسن دانایی‌فرد و حسین کاظمی. ناشر: موسسه کتاب مهربان. (تاریخ چاپ جلد (۲)، ۱۳۹٤). (تاریخ انتشار به زبان اصلی، ۲۰۰٦).

یثربی، یحیی (۱۳۹٦) **۳ ویژگی شهید مطهری که او را ماندگار کرده است**، شفقناد خبر: ۳۷۱۰۲۷

https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=49260
https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=49260
https://wiki.ahlolbait.com(دانش‌نامه اسلامی) .

دو فصلنامه شاهد اندیشه / دوره سوم/ شماره ۲ / پیاپی ٦/ پاییز و زمستان ۱٤۰۱/ ۲٦۸-۲۳۹
Two Journal Of Shahede Andisheh Autumn & Winter 2022: 239-268

تبیین الگوی اخلاق سیاسی مدیران در نظام اسلامی مبتنی بر نهج‌البلاغه

رسول یوسفی رامندی[۱]، سیدمحمد بهشتی‌نژاد[۲]

چکیده

پرسش از اخلاق در ساحت سیاست، یکی از اساسی‌ترین پرسش‌هایی است که با شکل‌گیری انقلاب اسلامی در اندیشه سیاسی معاصر ایران مطرح شده است و مؤلفه‌های حاصل از پاسخ به این پرسش مهم‌ترین شاخصی است که به کمک آن مدیران سیاسی را می‌توان در دوره‌های مختلف مورد قضاوت قرار داد. در چنین شرایطی نیازمند شناخت واقع‌بینانه از دو مقوله اخلاق و سیاست، با در نظر گرفتن عناصر زمان، مکان و اوضاع سیاسی-اجتماعی هستیم به‌طوری‌که مفاهیم اخلاقی کمک کند تا ضرورت وجود ارزش‌ها به دستورهای آمرانه و تکالیف اجباری نینجامند و با توجه به نیازهای موجه از سوی مردم پذیرفته شوند و از سوی دیگر منجر به پایبندی دولت به رعایت مسائل اخلاقی گردد. چراکه دولتی که قواعد اخلاقی را زیر پا می‌گذارد، قوانین حقوقی را نیز رعایت نخواهد کرد. لذا در این پژوهش تلاش شد تا با واکاوی رابطه اخلاق و سیاست در حکمرانی اسلامی و همچنین مرور الزامات آن در سیره ائمه، شاخص‌های اخلاق سیاسی مدیران در سیره امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) مبتنی بر روش تحلیل مضمون از نهج‌البلاغه استخراج گردد. نتایج بیانگر آن بود که این مؤلفه‌ها در قالب دو محور بینشی (۱۱ شاخص) و رفتاری (١٤ شاخص) قابل تدقیق است.

واژگان کلیدی

اخلاق، سیاست، اخلاق سیاسی، مدیریت سیاسی، کارگزار، دولت اسلامی.

تاریخ دریافت: ۱٤۰۱/۰۸/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱٤۰۱/۰۹/۱۳

۱. استادیار گروه مطالعات امنیت ملی دانشگاه جامع امام حسین (ع) (نویسنده مسئول)
dr.yousefi@ihu.ac.ir

۲. پژوهشگر گروه مدیریت بحران دانشگاه امام حسین (ع) s.mohamad.beheshti@gmail.com

مقدمه

پرسش از اخلاق در ساحت سیاست، یکی از اساسی‌ترین پرسش‌هایی است که با شکل‌گیری انقلاب اسلامی در اندیشه سیاسی معاصر ایران مطرح شده است و مؤلفه‌های حاصل از پاسخ به این پرسش مهم‌ترین شاخصی است که به کمک آن کارگزاران سیاسی را می‌توان در دوره‌های مختلف مورد قضاوت قرار داد. در چنین شرایطی نیازمند شناخت و درک عینی و واقع‌بینانه از دو مقوله اخلاق و سیاست، با در نظر گرفتن عناصر زمان، مکان و اوضاع سیاسی و اجتماعی هستیم به‌طوری‌که مفاهیم اخلاقی در این میان کمک کند تا ضرورت وجود ارزش‌ها به دستورهای آمرانه و تکالیف اجباری نینجامند و با توجه به نیازهای موجه و تعریف شدۀ عموم از سوی مردم پذیرفته شوند؛ و دولت‌ها در کنار رعایت حقوق فردی، اجتماعی و مدنی به رعایت مسائل اخلاقی وفادار باشند. چراکه دولتی که قواعد اخلاقی را زیر پا می‌گذارد قوانین حقوقی را نیز رعایت نخواهد کرد.

در تمامی مکاتب نظری از دوران باستان تا امروز، نگاه ویژه‌ای به جایگاه اخلاق و مؤلفه‌های اخلاقی موردنیاز حکمرانان و کارگزاران حکومتی وجود دارد. از قائل شدن نقش «هیچ» برای حوزۀ اخلاق در حکومت‌داری تا نقش «حداکثری و مبنایی» اخلاق جهت حکومت مطلوب در نظام سیاسی، در تمام پارادایم‌ها و مکاتب وجود دارد. در نگاه اول اخلاق مانع اصلی دست‌یابی به قدرت سیاسی است و در جهتی کاملاً مخالف، در نگاه حداکثری، اخلاق لازمۀ حکومت‌داری است و بدون رعایت موازین اخلاقی مشخص، جامعه ناتوان از طی مسیر سعادت خویش است. قطعاً اصلی‌ترین مکتبی که بالاترین جایگاه را برای اخلاق در سیاست قائل می‌باشد، اسلام است. از ابتدای ظهور اسلام پیامبر عظیم الشان با ارائۀ عملی مدل حکومتی اسلامی خود، این مهم را به عینه برای مردم ترسیم نمودند. در ادامه نیز اهل‌بیت اطهار در کلام و سیرۀ خود این خط فکری را وضوح بیشتر بخشیدند؛ اما ازآنجایی‌که پس از

پایان حکومت امام علی (ع) تا عصر حاضر و پیروزی انقلاب اسلامی ایران، حکومتی شیعی و مبتنی بر فقه تشیع به زمامداری فقیه عادل در جهان اسلام ایجاد نشد، مسئلهٔ بررسی ویژگی‌های کارگزاران اسلامی و به‌تبع آن نقش اخلاق در حکمرانی، اهمیت خود را از دست داد و دیگر مدل حکومتی حضرت رسول (ص) و امام علی (ع) به‌عنوان الگوی سلاطین و پادشاهان و بعدها روسای جمهور کشورهای اسلامی موردتوجه قرار نگرفت؛ اما با پیروزی انقلاب اسلامی ایران و با توجه به شعارهای انقلاب مبنی بر ایجاد مدل حکومتی جمهوری اسلامی و همچنین نظر فقهی بنیان‌گذار کبیر انقلاب امام خمینی (ره) بر مدل رهبری ولایت‌فقیه، مسئلهٔ ویژگی‌های کارگزار اسلامی و جایگاه خلاق در حکومت اسلامی و مؤلفه‌های اخلاقی کارگزاران مجدداً به یکی از مهم‌ترین مسائل پر چالش و بااهمیت در میان مسئولان نظام و همچنین اقشار مختلف مردم تبدیل شد. موضوعی که همچنان با گذشت ۴۳ سال از عمر انقلاب اسلامی همچنان از جایگاه ارزنده‌ای برخوردار است. آنچه به‌عنوان مقدمهٔ اصلی بررسی اخلاق کارگزار اسلامی باید مورد توجه قرار گیرد، یافتن شاخص و ملاک اصلی بررسی است. قطعاً زمانی که صحبت از کارگزار اسلامی در نظام جمهوری اسلامی ایران است، بهترین شاخص اسلام است و بهترین وسیله قرآن کریم و کلام و سیرهٔ پیامبر اکرم (ص) و ائمهٔ اطهار (ع) است. لذا ما در این پژوهش بر آنیم تا با واکاوی دقیق رابطهٔ اخلاق و سیاست در حکمرانی اسلامی و مرور الزامات و ضروریات این رابطه در سیرهٔ ائمه و بزرگان دین، مورد بررسی قرار دهد. بر این اساس هدف اصلی این پژوهش شناسایی شاخصه‌های مدیران در نظام اسلامی مبتنی بر نهج‌البلاغه خواهد بود و در امتداد آن می‌توان اهداف فرعی را این‌گونه بیان داشت:

- شناسایی شاخصه‌های مدیران در نظام اسلامی مبتنی بر نهج‌البلاغه در لایه درونی رفتار
- شناسایی شاخصه‌های مدیران در نظام اسلامی مبتنی بر نهج‌البلاغه در لایه بیرونی رفتار

برای رسیدن به اهداف پژوهش در یک فرایند علمی، در گام نخست اقدام به بررسی ابعاد نظری این موضوع شد و در گام بعد شاخص‌های اخلاق سیاسی در سیره امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) مبتنی بر روش تحلیل مضمون از نهج‌البلاغه در قالب شاخص‌های اخلاق سیاسی استخراج شد.

ادبیات و چارچوب نظری

برای بررسی اخلاق سیاسی کارگزار حکومتی در مرحله نخست ضروری است مفهوم اخلاق سیاسی به‌درستی شناخته شود چراکه تحقیق در موضوع اخلاق سیاسی کارگزار حکومتی بر پایه این مفهوم نهاده شده و اصول و شاخصه‌های اخلاق سیاسی کارگزار حکومتی مبتنی بر آن تدوین خواهد شد. در این راستا ابتدا مفاهیم اخلاق و سیاست به‌صورت منفک روشن شده و طی بررسی حوزه‌های مختلف مطالعات این دو حوزه، سعی می‌گردد نسبت این دو مفهوم با هم تبیین گردد. لذا در ادامه به مفهوم شناسی اخلاق، حوزه‌های مختلف مطالعات اخلاقی و بررسی نظریات اخلاق، مفهوم‌شناسی سیاست، بررسی مطالعات سیاسی و نسبت اخلاق و سیاست در ابعاد مختلف پرداخته خواهد شد.

مفهوم شناسی اخلاق

ازلحاظ لغوی، کلمه اخلاق جمع خُلُق، بر وزن افعال و ناظر بر شکل درونی انسان است. خُلُق در معنای خلیفه یعنی طبیعت انسان و به معنای سجیه، خوی، طبع، عادت و مروءه، سیرت و باطن می‌باشد (الطریحی،۱۳۶۲، ج ۵: ۱۹۴). ازجمله کلمات نزدیک به کلمه «خُلُق»، «خَلق» است که از ریشه خ، ل، ق بوده و تنها تفاوت این دو واژه در صورت بیرونی و درونی انسانی آن‌هاست به‌گونه‌ای که «خُلُق را صورت باطن و تصویر درونی و صفات مخصوص» به شمار می‌آورند و خَلق را «شکل ظاهری انسان» می‌خوانند (مهدوی کنی، ۱۳۹۰: ۵۱). علامه طباطبایی

در تعریف ماده اصلی اخلاق، «خُلُق»، بیان می‌کند: از کیفیات نفسانی، آنچه بطئ‌الزوال و ثابت و مستمر بوده، به‌طوری که به‌عنوان طبیعت ثانویه او به حساب آید، ملکه می‌گویند و اصطلاحاً چنین ملکه و هیأت راسخه در نفس را خُلُق نام‌گذاری می‌کنند (طباطبایی، ۱۳۹٤: ۱۰۷).

در فلسفه اسلامی، اخلاق در کنار تدبیر منزل و سیاست ذیل حوزه حکمت عملی قرار گرفته و ویژگی‌های اصلی حکمت عملی را برای آن نیز در نظر می‌گیرند.آن‌چنان که ویژگی‌های حکمت عملی عبارت‌اند از:

اولاً، محدود به انسان بوده و حوزۀ غیرانسان را در برنمی‌گیرد [ما مفاهیم خوب و بد را در مورد اشیا نیز بکار می‌بریم که خارج از اخلاق است.]

ثانیاً، مربوط به افعال اختیاری انسان است و افعال غیراختیاری او را که در قلمرو پزشکی و فیزیولوژی و روان‌شناسی است، در برنمی‌گیرد.

ثالثاً، مربوط به «باید»های افعال اختیاری انسان است در آن به بحث باید چگونه باشد و چگونه نباشد پرداخته می‌شود و از بحث‌های مربوط به مقدمات اعمالی که باید انجام شوند گذر می‌کند؛ ازاین‌رو بحث‌های مربوط به ماهیت اختیار و اینکه آیا انسان مجبوراست یا مختار، از حوزۀ حکمت عملی خارج است.

رابعاً، حکمت علمی دربارۀ همه «باید»ها بحث نمی‌کند؛ بلکه دربارۀ آن عدّه از «باید»ها بحث می‌کند که «باید»های نوعی و کلّی و مطلق و انسانی است و نه «باید»های فردی و نسبی؛ مثلاً این حکم که «باید راست گفت» یا «راستی خوب است» یا «باید با ظلم و ظالم ستیزه کرد»، مربوط به همۀ انسان‌ها است، نه برخی از انسان‌ها (مطهری، ۱۳۷۵: ۱۷۹).

پس به‌طور کلی می‌توان ویژگی‌های ذیل را ازجمله ویژگی‌های اساسی مفهوم اخلاق دانست:

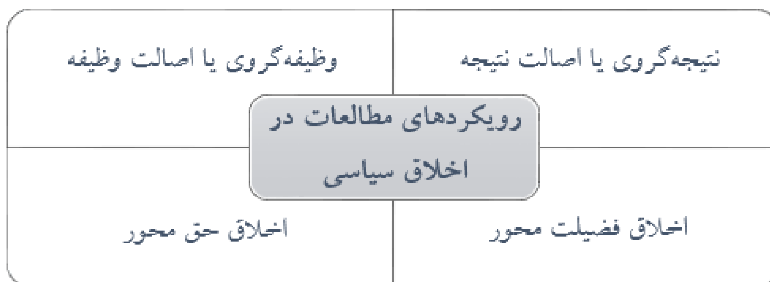
۱. ملکه بودن عمل شایسته و ترک عمل ناشایست؛

۲. تحقق خیر با انجام عمل شایسته یا ترک عمل ناشایست[1]؛

۳. اکتسابی بودن اخلاق: اخلاق مربوط به حوزه عمل و رفتار است و هرچند ریشه در نفس و طبیعت آدمی دارد اما با ممارست و تمرین و هدایت قابل‌تغییر و جهت‌دهی است (احمدی طباطبایی، ۱۳۸۹: ۲٤)؛

٤. داشتن اراده در انجام عمل شایسته و ترک عمل ناشایست (کیخا، ۱۳۸٦: ۲۷– ۲٦).

با توجه به حیطه‌بندی مطالعات اخلاقی، موضوعات سیاسی که به بررسی بایدها و نبایدهای اوضاع‌واحوال اجتماعی می‌پردازند در حوزه مطالعات اخلاقی هنجاری قرار می‌گیرد چراکه پرسش از سیاست در حوزه بایدها و نباید، پرسش از چگونگی تحقق هدف است و سیاست اخلاقی یا اخلاق سیاسی پرسش از چگونگی تحقق اهداف متعالی است و ازآنجاکه اهداف متعالی را اخلاق در حوزه مطالعات هنجاری بحث می‌کند و در این حوزه است که به چیستی امر خوب و بد و از وظایف اخلاقی می‌پردازد لذا می‌توان نتیجه گرفت می‌شود حوزه مطالعات اخلاق سیاسی مرتبط با حوزه مطالعات اخلاق هنجاری است. بر این اساس در ادامه به تبیین بیشتر این حوزه از مطالعات اخلاقی پرداخته شده و چهار مکتب اصلی این حوزه معرفی می‌شود. این چهار مکتب عبارت‌اند از:



شکل ۱. رویکردهای مطالعات در اخلاق سیاسی

۱. به تعبیر ملکیان وجود یکی از مفاهیم هفت‌گانه، خوب و بد، صواب و خطا، باید و نباید و وظیفه در یک فعل. (مصطفی ملکیان، ۱۳۷۹: ۳۷۶).

نتیجه‌گروی یا اصالت نتیجه (غایت‌گرایان)[1]

پیروان این نظریه بر آنند که خوبی و بدی یا درستی یا نادرستی یک عمل، با توجّه به نتیجه آن مشخّص می‌شود و ارزیابی اعمال و حالات انسان مبتنی بر نتایجی که از آن اعمال یا حالات روحی، توقع می‌رود سنجیده می‌شود؛ بنابراین اگر یک حالت روحی در صورتی رذیلت شناخته می‌شود که دستاورد بدی در پی داشته باشد. بر این اساس در این مکتب ابتدا ارزشی غیر مرتبط با اخلاق معرفی شده و سپس بر پایه تحقق آن ارزش اعمال و روحیات روحی ارزیابی می‌شود. در این شرایط در باب ارزش غیر مرتبط یا همان، دیدگاه‌های متفاوتی وجود داشته باشد. آن‌چنان‌که تاکنون اخلاق در این نظریه مبتنی بر دو رویکرد نفع شخصی و یا نفع عمومی مورد بررسی قرار گرفته است و آن‌چنان‌که در اندیشه جرمی بنتام (۱۷۴۸ ـ ۱۸۳۲ م) عمل اخلاقی، عملی است که برای عامل، **سودمند یا لذّت آفرین** می‌باشد و در اندیشه استوارت میل (۱۸۰۶ ـ ۱۸۷۳ م) عمل اخلاقی، عملی است که در جهت منفعت عمومی باشد.[2] (راسل، تهران، ۱۳۶۵: ۱۰۶۰).

در مکتب نتیجه‌گرایی منفعت عمومی، سعادت در نیل به لذت و منفعت جمعی ملاک اخلاق است. درواقع، کاری که بیشترین لذت و منفعت را برای بیشترین افراد جامعه داشته باشد، خوب و در عین حال اخلاقی است (معلمی، ۱۳۸۴: ۱۳۴). به اعتقاد میل، «معیار خوب و بد و عمل اعمال بستگی به میزان شوق و رنجی دارد که در ما ایجاد می‌شود. پس اگر موجب شادی ما شود، خوب و اگر باعث رنج و درد ما شود بد است؛ خوشبختی یعنی شادی و لذت و فقدان رنج؛ و بدبختی یعنی رنج و درد و محرومیت از لذت». او تصریح می‌کند که «از نظر من در همه امور اخلاقی سودمندی مقصد نهایی است» (Stuart mill, 2000: 530). بر همین

1. Teleological Theories

۲. و البته در یک نگاه می‌توان نگاه ارسطو به اخلاق و نیز بسیاری اندیشمندان اسلامی هم مسلک با ارسطو را در این حوزه قرار داد.

اساس، به اعتقاد بنتام «لذت و دوری از رنج غایاتی هستند که ارزش قانونی مصوبات را به قانونگذار می‌فهمانند» و سیاست‌هایی که در ما لذت یا شوق ایجاد می‌کند خوب‌اند و سیاست‌هایی که موجب رنج یا افزایش تمایلات شر و شیطانی می‌شود و ما را از زندگی آرام و خوش محروم می‌کند بدند (Stuart mill and bentham,1987: 88). در عرصه سیاست، نگاه متفکرانی چون توسیدید و ماکیاولی حکایت از دیدگاه واقع‌گرایانه و نتیجه گرایانه دارد. ماکیاولی بر آن باور است که «اخلاق مسیحی برای حوزه خصوصی روا و بجاست اما حوزه سیاست، اخلاقیات ویژه خودش را دارد» (کاشی، ١٣٨٧: ٣٦). او در این راستا در جهت کسب و توسعه قدرت به تبیین ارزش‌های سیاست پرداخته و مبتنی بر این ارزش‌ها، اخلاق سیاسی را شکل می‌دهد.

وظیفه‌گروی یا اصالت وظیفه[1]

نظریات وظیفه‌گرایانه در اخلاق، بر آن است که خوبی و بدی عمل، مبتنی بر نتایج آن نیست؛ بلکه از اعمال و حالات روحی فی نفسه صرف نظر از نتایجی که دارند بر حسب ذات خود خوب یا بد هستند. برای مثال، احکامی نظیر «نجات جان انسان دیگر الزامی است» یا «باید با مردم به عدالت رفتار کنی»، فی‌نفسه مورد بررسی قرار گرفته و در ارزیابی آن‌ها به خود عمل توجّه می‌شود، یعنی نجات انسان و عدالت را برای خود عمل انجام می‌شود و نه برای غایت و نتیجه‌ای که ممکن است در برداشته باشد. در اینکه وظیفۀ اخلاقی را چه منبعی مشخّص می‌کند، اختلاف نظر وجود دارد و می‌توان از دو جریان عمده وظیفه‌گرایی عقلی و الهیاتی در این مکتب اخلاقی نام برد. در وظیفه‌گرایی عقلی که نماینده برجسته آن ایمانوئل کانت است تشخیص وظیفه بر عهده عقل است.

---

1. Deontological Theories

به اعتقاد کانت، کاری دارای ارزش اخلاقی است که از روی وظیفه انجام شده باشد. درواقع، تصدیق مفهوم وظیفه در سیاست به معنای امکان کنش بر پایه وظیفه است. ازاین‌رو، به اعتقاد کانت، ادعای آنان که معتقدند نمی‌توانیم بر مبنای قانون اخلاقی عمل کنیم بی‌معنی است. کانت در مقاله «نظر و عمل» بر این نکته اذعان دارد: «هر آنچه در اخلاقیات [ساحت] نظر درست است، باید در عمل نیز دارای اعتبار باشد» (محمودی، ۱۳۸٦: ۱۷٤). ازاین‌رو، کانت مرزهای اخلاق بر پایه وظیفه‌گرایی را از نتیجه گرایی تفکیک می‌کند. به‌زعم کانت، اخلاق وظیفه‌گرا به کردار نه به پیامدها و نتایج می‌پردازد. بر این مبنا، کانت می‌گوید: «به‌گونه‌ای عمل کن که آرزو می‌کنی قاعده کلی [رفتار] تو – بدون در نظر گرفتن اینکه نتیجه چه باشد – قانون کلی شود». لذا «دولت کانتی، پیروی از قواعد کلی اخلاقی مبتنی بر وظیفه‌گرایی را سرلوحه کار خویش قرار می‌دهد تا منزلت انسان در جامعه مراعات گردد» (سربخشی، ۱۳۹۹).

بر اساس این مکتب، ملاک و معیار فعل اخلاقی و حسن و قبح افعال اختیاری انسان در **هماهنگی یا عدم هماهنگی با وظیفه** است (مصباح‌یزدی، ۱۳۸٤: ۲٦) و در جریان الهیاتی این مکتب، ملاک تشخیص، بیان دین می‌باشد و از میان فلاسفه و متکلمین، یکی از مهم‌ترین معتقدان به این نگرش قائلان به حسن و قبح شرعی می‌باشند.

اخلاق حق محور[1]

در این مکتب حقوق آدمیان محور مباحث اخلاقی قرار می‌گیرد و منظور از حق در این مکتب، حقوقی است که بر اساس قانون طبیعی به افراد داده شده و افراد امکان استنکاف از این حقوق را نداشته و نامشروط و تغییرناپذیر می‌باشند. در این مکتب برای اشخاص بر پایه طبیعت بشری، فارغ از زمان و مکان و بدون توجه به نهادهای سیاسی و قضایی و یا قوانین و سنت‌ها حقوقی را قائل‌اند؛ و در ادامه چنین نتیجه گرفته می‌شود «شکی نیست که وقتی برای من حقی

1. Right-Based Ethics

اثبات شد، در اثر اثبات آن حق برای من، بر شما نسبت به من وظایفی پدید می‌آید». در این مکتب، مهم آن است که محور اخلاق حقوق و نه تکالیف و وظایف است (ملکیان، ۱۳۸۷: ۲۵۷).

اخلاق فضیلت محور[1]

در این مکتب، اخلاق به‌مثابه فضیلت بوده و «فضیلت یک حالت مطلوب درونی بشمار می‌آید که هر کس این حالت درونی را داشته باشد آنگاه هر فعلی از او صادر شود، ازلحاظ اخلاقی خوب است» (صادقی، ۱۳۸۰). اخلاق فضیلت محور می‌کوشد مبتنی بر نگرشی که از انسان دست می‌دهد و بر اساس وظیفه اخلاقی یا آثار و نتایج مترتب بر فعل، «فرد فضیلت‌مند» تربیت نماید. «ازنظر قائلان به اخلاق فضیلت محور، در یک سیاق اخلاقی، آنچه از فرد فضیلت‌مند سر می‌زند لاجرم اخلاقی است» (دباغ، ۱۳۸۸: ۷۳). اخلاق فضیلت محور خاستگاه ارسطویی داشته و به اعتقاد اخلاق، «از یک‌سو فضیلت حد وسط افراط و تفریط بوده و از سوی دیگر، فضایل وسایلی هستند برای رسیدن به هدفی که سعادت باشد» (راسل، ۱۳٦۵، ج ۱: ۲٦٦). ازاین‌رو، فضیلت به‌مثابه قابلیتی برای انتخاب بر مبنای یک قاعده ـ حد وسط ـ بوده که به‌واسطه آن «یک انسان حقیقتاً با فضیلت که دارای بصیرت اخلاقی است انتخاب می‌کند» (کاپلستون، ۱۳٦۲، ج ۱: ٤۵۹).

در قرن بیستم مکتب فضیلت‌محور توسط اندیشمندانی چون اسلات و مک‌اینتایر با تأکید بر نقد مدرنیسم و لیبرالیسم پیگیری می‌شود؛ آن‌چنان‌که مک‌اینتایر اذعان دارد اخلاق مدرن به افعال انسان‌ها توجه دارد درحالی‌که ضروری است در اخلاق اهتمام به احوال قلبی و به بوده‌ها صورت گیرد. در این شرایط دو انسانی که فعلاً ظاهرشان عین هم است ولی احوال و ملکات

---

1. Virtue-Based Ethics

باطنی آن‌ها با هم متفاوت بوده ازلحاظ اخلاقی متفاوت قلمداد می‌شوند. درواقع، یکی صاحب فضیلت و دیگری فاقد فضیلت است (ملکیان، ۱۳۷۹: ٤٤).

سیاست

برای روشن شدن مفهوم اخلاق سیاسی ضروری است علاوه بر بررسی مفهوم اخلاق به مفهوم سیاست نیز پرداخته شود؛ برای واژهٔ «سیاست» معانی بسیار کثیر و متفاوتی ارائه شده است تا آنجا که صاحب‌نظران متناسب با دیدگاه‌ها و رویکردهای نظری خود حدود ۲۰۰ معنا برای آن ارائه نموده‌اند. برخی از مهم‌ترین تعابیر به کار رفته عبارتند از:

- سیاست، فن حکومت بر جوامع انسانی است؛
- سیاست اخذ تصمیم درباره مسائل ناهمگون است؛
- سیاست توزیع اقتدارآمیز ارزش‌هاست؛
- سیاست مجموعه تدابیری است که حکومت به‌منظور اداره امور کشور اتخاذ می‌کند؛
- سیاست مسأله‌ای همه‌جانبه و حکومت مسأله اصلی سیاست است؛
- سیاست «کاربرد قدرت» و یا «پیکار بر سر قدرت» است یعنی رقابت و هم‌چشمی سیاستمداران در مبازره برای به دست آوردن قدرت یا حفظ خویش در موضع قدرت.

اندرو هیوود[1] سیاست را در معنای موسع، فعالیتی می‌داند که به‌واسطه آن مردم قواعد کلی‌ای را که طبق آن‌ها زندگی می‌کنند ایجاد، حفظ و اصلاح می‌کنند و چهار برداشت کاملاً متمایز از منظرهای گوناگون از سیاست را تمیز می‌دهد:

- واژه سیاست (Polis) در یونان؛
- واژه سیاست در تفکر ارسطویی به‌مثابه فعالیت‌های عمومی؛
- واژه سیاست وسیله خاص حل‌وفصل اختلاف؛

1. Andrew Heywood

• سیاست معطوف به قدرت در اندیشه نیچه و فوکو (هیوود، ۱۳۸۷: ۵۰-۴۹).

عمید زنجانی سیاست را به معنای «مدیریت کلان دولت و راهبرد عمومی در جهت مصلحت جمعی و انتخاب روش‌های بهتر در اداره شئون کشور یا علم اداره یک جامعه متشکل و یا هنر تمشیت امور مردم در رابطه با دولت [که] همواره در ارتباط با بخشی از زندگی انسان مطرح است» می‌داند (عمیدزنجانی، ١٣٨٤: ٧٦). می‌توان درمجموع چنین گفت علم سیاست دربرگیرنده همه اندیشه‌ها و نهادهایی است که با قدرت و اقتدار و نفوذ در جامعه سروکار داشته و به بررسی رفتار سیاسی گروه‌ها، سازمان‌ها و نهادهای دولتی و غیردولتی می‌پردازد. همان‌طور که ملاحظه می‌شود در تعاریف مذکور از سیاست «قدرت»، مفهوم اساسی سیاست، هسته و مرکز ثقل آن می‌باشد و طبق نظر لاسول[1] علم سیاست به‌صورت یک نظام تجربی عبارت است از مطالعه چگونگی شکل گرفتن قدرت و سهیم شدن در آن است (دال، ١٣٦٤: ٨-٧).

این نوع نگاه به سیاست، مختص مکاتب مادی بشری است که با استفاده از رهیافت‌های واقع‌گرایی، غایت زندگی سیاسی را تلاش برای به دست آوردن و حفظ قدرت می‌دانند. بر این اساس ویژگی سیاست در نظام‌های سکولار عبارت است از: شیطانی، ناپسند و ضد ارزشی، مبتنی بر زور، غلبه، نیرنگ و خدعه، دیکتاتوری و خودمحوری، نفی ارزش‌های والای انسانی و محور ساختن ارزش‌های جاهلی (زر و زور و تزویر)، بی‌شخصیت بار آوردن و تحقیر و تهی کردن انسان‌ها جهت بقاء قدرت و تحکیم مناسبات سلطه و استثمار، جوسازی و شایعه‌پراکنی و غلوّ واقعیت‌ها، کتمان حقایق و سانسور، دامن زدن به تعصب‌های جاهلی، هراس از بیداری ملت‌ها، استثمار و بهره‌کشی و در فقر و فلاکت نگه‌داشتن مردم و نفاق و دورویی. چنین سیاستی که از آن به «سیاست ماکیاولی» نیز تعبیر می‌شود؛ در «مبانی فکری»،

1. lasvel

«اهداف» و «خط‌مشی‌ها و روند اجرایی» با سیاست الهی و آموزه‌های وحیانی تفاوت‌های اساسی دارد (نوروزی، ۱۳۷۸: ۲۵- ۲۲).

اما در مکاتب متعالی همانند دین اسلام نوع نگرش به سیاست دارای ماهیتی متفاوت از این نوع نگرش‌هاست. چراکه در این مکتب زندگی افراد در جامعه بشری دارای اهداف متعالی است و نیازمند سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های متعالی. سیاست از دیدگاه اسلام، بخشی از منظومه منسجم اندیشه اسلامی تلقی می‌گردد و رویکرد مسلمانان به آن ریشه در وحی، سنت و سیره معصومین (ع) دارد. از دیدگاه علامه محمدتقی جعفری «سیاست از دیدگاه اسلام: عبارت از مدیریت حیات انسان‌ها ـ چه در حالت فردی و چه در حالت اجتماعی ـ برای وصول به عالی‌ترین هدف‌های مادّی و معنوی است.» (جعفری، ۱۳۷۷: ۸) امام خمینی (ره) نیز تعابیر سیاست را در سه دسته تقسیم می‌نمایند:

- سیاست شیطانی: امام در توضیح این نوع سیاست، به نقل از یک مقام دولتی رژیم پهلوی که گفته بود: «سیاست عبارت از بدذاتی، دروغ‌گویی و... خلاصه پدرسوختگی است و این را بگذارید برای ما»! می‌فرماید: راست هم می‌گفت، اگر سیاست عبارت از این‌ها است مخصوص آن‌ها است. اسلام که سیاست دارد، مسلمانان که دارای سیاست می‌باشند، ائمه‌ی هدی علیهم‌السلام که ساسه‌العباد هستند، غیر این معنایی است که او می‌گفت.
- سیاست مادی: ایشان در تبیین آن می‌فرماید: اگر فرض کنیم یک فردی پیدا شود که سیاست صحیح (مادّی) اجرا بکند، نه به آن معنای شیطانی فاسدش... سیاست (او) اگر صحیح هم باشد، امت را در یک بُعد هدایت می‌کند و راه می‌برد و آن بُعد حیوانی است، بُعد اجتماعی مادّی است و این سیاست یک جزء ناقص سیاستی است که در اسلام برای انبیا و اولیا ثابت است.

- سیاست اسلامی: امام خمینی دراین‌باره می‌فرماید: سیاست به معنای اینکه جامعه را راه ببرد و هدایت کند به آنجایی که صلاح جامعه و صلاح افراد است. این در روایات ما برای نبّی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله؛ با لفظ سیاست ثابت شده است. همانی که در قرآن صراط مستقیم گفته می‌شود و ما در نماز می‌گوییم: «اهدنا الصراط المستقیم» و از خدا می‌خواهیم که ملت و اجتماع و اشخاص را راه ببرد به یک صراط مستقیمی که ازاینجا شروع می‌شود و به آخرت ختم می‌شود و الی اللّه است. این سیاست مختص به انبیا و اولیا است... انبیا شغل‌شان سیاست است و دیانت همان سیاستی است که مردم را ازاینجا حرکت می‌دهد و به همه چیزهایی که به صلاح ملت و مردم است، هدایت می‌کند.

براین اساس مبانی سیاست حاکم بر نظام توحیدی عبارت‌اند از: ولایت الهی، اطاعت از رهبران شایسته (پیامبر و جانشینان آن)، مشروط بودن اطاعت از رهبران، سلطه ناپذیری و عزت و کرامت انسانی، تأکید بر ایمان و تقوای الهی به‌عنوان رمز عزت و کرامت، جلب مشارکت مردمی و پرهیز از خودکامگی و دیکتاتوری، عدالت‌جویی و ظلم‌ستیزی، ایمان به اصالت ارزش‌ها در قالب امربه‌معروف و نهی از منکر و ایجاد تحول و دگرگونی در فرد جامعه، ستیز با استکبار و سازش‌ناپذیری در مقابل ستمگران، استقلال‌جویی (فرهنگی، سیاسی، اقتصادی)، حق‌گرایی و انتقادپذیری، هوشیاری در برابر بیگانگان، صلح‌خواهی و امنیت‌جویی، حاکمیت ضابطه، فقرزدایی و تعدیل ثروت، همزیستی مسالمت‌آمیز بر اساس محبت و رحمت (یزدانی تبار، ۱۳۹۳).

نسبت اخلاق و سیاست با یکدیگر

نسبت اخلاق و سیاست را می‌توان از سه منظر مورد بررسی قرار داد؛ این سه منظر عبارت‌اند از: قلمرو هریک از اخلاق و سیاست، درجه تأثیرگذاری اخلاق و سیاست بر یکدیگر و

تعریف و کار ویژه هر کدام از اخلاق و سیاست؛ که در ادامه به بررسی این سه منظر پرداخته خواهد شد:

قلمرو اخلاق و سیاست

سیاست مربوط به جمع و حاکم بر مصلحت عمومی است که البته در حوزه عمومی شکل می‌گیرد. حال آن‌که اخلاق در گام اول، مقدم بر هر حوزه‌ای ناظر بر حوزه خصوصی و شخصی است. در گام دوم، توسیع، تحدید، تعیّن و تفکیک اخلاق «به» و یا «از» قلمرو عمومی مؤلفه تعیین کننده نسبت آن با سیاست که ناظر بر حوزه عمومی است، است؛ و نوع تعریفی که هر اندیشمند از اخلاق و سیاست دارد، نظام معنایی او را در رابطه با نسبت این دو مفهوم شکل می‌دهد (کیخا، ۱۳۸۶: ۵۷)

تأثیرگذاری اخلاق و سیاست

اساس تقسیم اخلاق و سیاست به درجه تأثیر هریک از این دو مفهوم در دیگری باز می‌گردد و بهترین حالت آن را زمانی می‌داند که هر دو به یک میزان تأثیر داشته باشند و هیچ‌یک به نفع دیگری کنار نرود. در چنین حالتی، سیاست، صورت و ساختار عمومی اخلاق است و اخلاق، شاکله و روح سیاست به شمار می‌رود (صدرا، ۱۳۸۳).

تعریف و کار ویژه اخلاق و سیاست

نوع ارتباط اخلاق و سیاست، به تعریف و کار ویژه‌ای که هر اندیشمند از این دو مفهوم ارائه می‌کند بازمی‌گردد. چنان چه اگر اندیشمندی سیاست را افزون بر نقش‌های اجزایی آن، هدایت‌گر نیز بداند. برخی کار ویژه‌های اخلاق را نیز بر عهده سیاست گذارده است. چنین حالتی اخلاق و سیاست انطباق و سازگاری زیادی با هم می‌یابند و شاید بتوان گفت در این صورت، اخلاق در خدمت سیاست قرار می‌گیرد؛ اما اگر سیاست تنها متکفل انجام خدمات

عمومی جامعه و ایجاد امنیت و حفظ نظم باشد. تعیین ارتباط آن بااخلاق لازم است و این مسئله بر نوع این رابطه تأثیر خواهد نهاد (کیخا ١٣٨٦: ٢١)؛ و در حقیقت اخلاق فراتر سیاست بوده و تنها ممکن است در اموری سیاست از اخلاق تبعیت کند. برای نمونه علامه محمدتقی جعفری، سیاست را اصول و قوانین عالی‌ای می‌داند که درعین‌حال که مجموعه افراد اجتماع را رهبری می‌کند، وظیفه روشن افراد را از جنبه‌های اخلاقی و درونی مشخص می‌نماید و در چنین صورتی اخلاق تابعی از سیاست خواهد بود.

اصول حاکم بر اخلاق سیاسی در اسلام

پس از بررسی مفهوم اخلاق سیاسی و مکاتب مختلف حوزه اخلاق سیاسی، ضروری است به بررسی اصول حاکم بر اخلاق سیاسی در اسلام پرداخته شود. این اصول در همه مکاتب اخلاق سیاسی مشترک بوده و بر متفکران اسلامی اخلاق سیاسی است در برداشت‌ها و تولیدات خود به این مبانی ملزم باشند در ادامه به برخی از این اصول اشاره می‌شود:

عجین بودن اخلاق و سیاست

در اسلام سیاست و اخلاق دو مفهوم جدایی‌ناپذیر بوده و هیچ‌یک بدون دیگری قابل‌درک نیست و مظهر اصیل آن را می‌توان در اوصاف و سیره معصومین ملاحظه کرد. آن‌چنان‌که ازجمله شئونی که برای ائمه اطهار علیهم‌السلام ذکر شده است حاکمیت بر خوبان و سیاست‌گذاری برای رشد و هدایت بندگان می‌باشند.

- امام حسن علیه‌السلام می‌فرماید: ندبنا الله السیاسه الامه؛ (مجمع البحرین، ذیل ماده ساس، محدث قمی، سفینه البحار، ذیل ماده حسن).
- امام صادق علیه‌السلام فرمود: ان الله عزوجل ادب نبیه فاحسن ادبه فلما اکمل له الادب قال انک لعلی خلق عظیم ثم فوض الیه امر الدین و الامه لیسوس عباده؛ (حدث قمی، سفینه البحار، ذیل ماده حسن) خداوند پیامبرش را تربیت کرد و خوب تربیت کرد، وقتی که تربیت

او را تکمیل نمود، فرمود: تو دارای اخلاق نیک و عظیمی هستی، سپس امر دین و امت را به پیامبر واگذار کرد تا سیاست امور بندگان را به عهده بگیرد (کلینی، ج ۲: ۵).

در طول خلافت امیرالمؤمنین اطرافیان و یاران حضرت که با سیاست در معنا و گفتمان انحرافی آن الفت پیدا کرده بودند بارها به آن حضرت پیشنهاد کردند برای تحکیم پایه‌های حکومت در مقابل ظلم و فساد معاویه و تحقق اجرای عدالت، برای اشراف و متنفذین اولویت‌های ویژه‌ای را قرار دهند و به برخی از آن‌ها مال و ثروتی و حتی سمتی را واگذار کنند، اما امام علیه‌السلام به هیچ وجه حاضر به پذیرش این‌گونه توصیه‌ها نشدند و حتی سیاست‌ورزی بدین شکل را نهی کردند. ایشان می‌فرمودند:

اتامرونی ان اطلب النصر با الجور فیمن ولیت علیه؟«آیا به من امر می‌کنید که پیروزی را با ستم بر کسی که زمامدار او شده‌ام، به دست آورم؟» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۲۶).

سیاست ابزاری برای تحقق اخلاق اسلامی

ازنظر ائمه علیهم‌السلام سیاست فی‌نفسه جایگاهی ندارد بلکه این اخلاق است که به سیاست جهت و ارزش می‌دهد. این نسبت میان سیاست و اخلاق را می‌توان در اهداف اولیای الهی در تشکیل حکومت به‌عنوان مظهر سیاست‌ورزی به‌وضوح مشاهده کرد. آن‌چنان‌که قرار کریم هدف از تشکیل حکومت را برقراری قسط در سر منزل اخلاق اسلامی می‌داند.

لَقَدْ أَرْسَلْنا رُسُلَنا بِالْبَيِّناتِ وَ أَنْزَلْنا مَعَهُمُ الْكِتابَ وَ الْمِيزانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَ أَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَ مَنافِعُ لِلنَّاسِ وَ لِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَ رُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ (حدید، ۲۵) پیامبرانمان را با بینات فرستادیم و همراه ایشان کتاب و میزان را نازل کردیم تا میان مردم قسط را اقامه کنند و آهن را نازل کردیم که در آن سختی شدیدی است و برای مردم منافع است و خدا هرکس او و رسولش را یاری کند می‌داند همانا خداوند قوی و عزیز است.

این موضوع در بیانات امیرالمؤمنین نیز مکرر بیان شده است؛ در ادبیات سیاسی، حکومت به‌عنوان مظهر سیاست هیچ‌گاه خود هدف نهایی قرار نگرفته است بلکه هدف از تشکیل آن تنها تحقق اخلاق اسلامی در جامعه اسلامی می‌باشد به‌طوری‌که به‌واسطه این حکومت بتوانند حقی را در جامعه بر پا سازند. چنان‌که امیرالمؤمنین اساسی‌ترین هدف خود را، پس از تنظیم امور اقتصادی که عامل ادامه حیات طبیعی است و پس از آماده کردن عرصه اجتماع برای اصل زندگی، «اصلاح مردم» معرفی می‌کند و با این هدف به‌ضرورت تکاپوی امور سیاسی و حقوقی و فرهنگی و اخلاقی در به وجود آوردن زمینه تکامل تأکید می‌کند (جعفری، ۱۳۷۹: ۳٦).

عدم انفکاک اخلاق فردی و اخلاق سیاسی

بی‌تردید در اندیشه اخلاقی حضرت، هرگز تفکیک بین اخلاق فردی و اخلاق سیاسی مشاهده نمی‌شود و بر ضرورت تلازم اخلاق فردی و اخلاق سیاسی، تأکید می‌شود.

ای مردم! سوگند به خدا، من شما را به هیچ طاعتی امر نمی‌کنم، مگر اینکه خودم در آن طاعت به همه شما سبقت می‌گیرم و شما را از هیچ معصیتی نهی نمی‌کنم، مگر اینکه خود پیش از شما از ارتکاب آن گناه امتناع می‌ورزم (نهج‌البلاغه، خطبه ۸۲).

روش پژوهش

روش تحقیق یک فرایند نظام‌مند برای یافتن پاسخ یک پرسش یا راه‌حل یک مسأله است (خاکی،۱۳۷۹: ۲۰۱). دستیابی به هدف‌های علم یا شناخت علمی میسر نخواهد بود، مگر زمانی که با روش‌شناسی درست، صورت پذیرد. به‌عبارت‌دیگر، تحقیق از حیث روش است که اعتبار می‌یابد نه موضوع تحقیق و باید توجه داشت که اعتبار دستاوردهای تحقیق به‌شدت تحت تأثیر اعتبار روشی است که برای تحقیق انتخاب می‌گردد (خاکی،۱۳۷۹: ۱۵۵). اغلب روش تحقیق اختیاری نیست. زیرا ماهیت موضوع تحقیق، سؤالات و اهداف آن و درجات آزادی در مداخله و کنترل عوامل مؤثر بر پدیده، موضوعات مهمی هستند که پارادایم، استراتژی و روش تحقیق

مناسب را مشخص و تعیین می‌کند (دانایی‌فرد، ١٣٨٦). **به‌منظور استخراج این الگو از فرایند تحلیل محتوای مبتنی بر استراتژی تحلیل مضمونی[1] بهره‌گیری شد.**

در تشریح این روش باید بیان داشت که: یکی از قوی‌ترین روش‌هایی که قادر است قطعات گسسته و پراکندهٔ واقعیت اجتماعی را به روشی نظام‌مند در کنار یکدیگر سازمان داده و تصویری جامع از آن ارائه دهد، روش تحلیل مضمونی است. این روش یک راهبرد تقلیل و تحلیل داده‌هاست که توسط آن داده‌های کیفی تقسیم‌بندی، طبقه‌بندی، تلخیص و بازسازی می‌گردند. تحلیل مضمونی اصولاً یک راهبرد توصیفی است که یافتن الگوها و مفاهیم مهم را از درون مجموعه داده‌های کیفی تسهیل می‌نماید (یاوری، ۱۳۹۱: ۱۳۸). درواقع به تحلیل مضمونی باید به‌مثابه یک روش بنیادین برای تحلیل کیفی نگریست؛ زیرا این روش مهارت‌های محوری برای انجام بسیاری از شکل‌های دیگر تحلیل کیفی را فراهم می‌آورد (Braun & Clark, 2006: به نقل از یاوری، ۱۳۹۱: ۱۳۸).

درواقع تحلیل مضمون، روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است. این روش، فرآیندی برای تحلیل داده‌های متنی بوده که داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌های غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند (عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰: ۳). بنابراین تحلیل مضمون، روشی است برای:

الف) مطالعه متن؛

ب) برداشت و درک مناسب از اطلاعات ظاهراً نامرتبط؛

ج) تحلیل اطلاعات کیفی؛

د) مشاهده نظام‌مند شخص، تعامل، گروه، موقعیت، سازمان یا فرهنگ؛

هـ) تبدیل داده‌های کیفی به داده‌های کمی (عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰: ۳).

1. Thematic Analysis

❖ کینگ و هاروکز[۱] در سال ۲۰۱۰ با بررسی و جمع‌بندی تلاش‌های دیگر پژوهشگران تحلیل مضمون، فرآیندی سه مرحله‌ای را برای تحلیل مضمون ارائه داده‌اند که در این تحقیق نیز از این فرآیند استفاده می‌شود. این فرآیند شامل سه مرحلهٔ کدگذاری توصیفی[۲]، کدگذاری تفسیری[۳] و یکپارچه‌سازی از طریق مضامین فراگیر[۴] است.



شکل ۲. فرایند تحلیل مضمونی

1. King & Horrocks
2. Descriptive Coding
3. Interpretive Coding
4. Overarching Themes

❖ دوره سوم، شماره ۲، (پیاپی ۶)، پاییز و زمستان ۱۴۰۱

یافته‌های پژوهش (استخراج شاخص‌های اخلاق سیاسی از نهج‌البلاغه)

برای استخراج این شاخص‌ها مبتنی بر روش فوق الاشاره، اقدام به واکاوی مدقه خطبه‌ها و اندرزهای نهج‌البلاغه گردید که نتایج زیر را به دنبال داشت:

جدول ۱. تجزیه سخنان حضرت علی (ع) در خصوص اخلاق سیاسی مدیران

ردیف	کلیدی گزاره	مفهوم
P1	دیدم، که شکیبایی در آن حالت [تحمل دوری از حق خود در موضوع خلافت] خردمندانه‌تر است و من طریق شکیبایی گزیدم، درحالی‌که همانند کسی بودم که خاشاک به چشمش رفته و استخوان در گلویش مانده باشد. می‌دیدم، که میراث من به غارت می‌رود. (خطبه ۳)	شکیبایی در رخدادهای سیاسی-اجتماعی
P2	خویشاوندان پدریش با او همدست شدند و مال خدا را چنان با شوق و میل فراوان خوردند که اشتران، گیاه بهاری را. تا سرانجام، آنچه را تابیده بود باز شد و کردارش قتلش را در پی داشت؛ و شکمبارگیش به سر درآوردش. (خطبه ۳)	عدم واگذاری مسئولیت به خویشاوندان ناشایست
P3		جلوگیری از غارت بیت‌المال
P4	گویی، سخن خدای سبحان را نشنیده بودند که می‌گوید: (سرای آخرت از آن کسانی است که در زمین نه برتری می‌جویند و نه فساد می‌کنند و سرانجام نیکو از آن پرهیزگاران است). آری، به خدا سوگند که شنیده بودند و دریافته بودند، ولی دنیا در نظرشان آراسته جلوه می‌کرد و زروزیورهای آن فریبشان داده بود. بدانید. (خطبه ۳)	عدم دنیاپرستی و توجه به زر و زور دنیا
P5	سوگند به کسی که دانه را شکافته و جانداران را آفریده، که اگر انبوه آن جماعت نمی‌بود، یا گردآمدن یاران حجت را بر من تمام نمی‌کرد و خدا از عالمان پیمان نگرفته بود که در برابر شکم‌بارگی ستمکاران و گرسنگی ستم‌کشان خاموشی نگزینند، افسارش را بر گردنش می‌افکندم و رهایش می‌کردم و در پایان با آن همان می‌کردم که در آغاز کرده بودم. و می‌دیدید که دنیای شما در نزد من از عطسه ماده بزی هم کم ارج‌تر است. (خطبه ۳)	پذیرش مسئولیت در صورت اقبال عمومی
P6		برخورد با غارتگر بیت‌المال
P7	به خدا سوگند، اگر چیزی را که عثمان بخشیده، نزد کسی بیابم، آن را به صاحبش بازمی‌گردانم، هر چند، آن را کابین زنان کرده باشند یا بهای کنیزکان. که در دادگری گشایش است	قاطعیت و استحکام در صیانت از حقوق مسلمین

	و آنکه از دادگری به تنگ آید از ستمی که بر او می‌رود، بیشتر به تنگ آید. (خطبه ۱۵)	
P8	آنچه می‌گویم بر عهده من است و من خود ضامن آن هستم. (خطبه ١٦)	دقت در بیان مواضع
P9	سوگند به کسی که محمد را به حق فرستاده است، در غربال آزمایش، به هم درآمیخته و غربال می‌شوید تا صالح از فاسد جدا گردد. (خطبه ١٦)	توجه به آزمایش‌های الهی
P10	به من خبر رسیده که بسر بر یمن تسلط یافته سوگند به خدا می‌دانستم این‌ها به‌زودی بر شما مسلط خواهند شد زیرا آنان در یاری از باطلشان متحدند و شما در راه حق متفرقید... اگر من قدحی را به‌عنوان امانت به یکی از شما بسپارم از آن بیم دارم که بند آن را بدزدد. بارالها [از بس نصیحت کردم و اندرز دادم] آن‌ها را خسته و ناراحت ساختم و آن‌ها نیز مرا خسته کردند من آن‌ها را ملول و آن‌ها مرا ملول ساختند به‌جای آنان افرادی بهتر به من مرحمت کن و به‌جای من بدتر از من بر سر آن‌ها مسلط نما. ... آگاه باشید به خدا سوگند دوست داشتم به‌جای شما هزار سوار از بنی فراس بن غنم داشته باشم [تا با کمک آن‌ها دشمنان را بر سر جای خود می‌نشاندم آن‌ها چنان‌اند که شاعر گفته] :چون آن ابر سریع‌السیر کم آب پی دشمن‌کشی بی‌صبر و بی‌تاب سپس از منبر فرود آمد. (خطبه ۲۵)	توجه به نحوه کارکردن مسئولان زیرمجموعه در حکومت اسلامی
P11		انذار به دولتمردان برای جلوی گیری از تفرقه
P12		امانت دانستن امر سپرده‌شده از سوی رهبر
P13	عبدالله بن عباس می‌گوید: در منزل ذی قار بر امیرمؤمنان وارد شدم هنگامی‌که مشغول وصله نمودن کفش خود بود. به من فرمود: قیمت این کفش چقدر است؟ گفتم بهایی ندارد فرمود: به خدا سوگند همین کفش بی‌ارزش برایم از حکومت بر شما محبوب‌تر است مگر اینکه با این حکومت حقی را بپا دارم و یا باطلی را دفع نمایم. (خطبه ۳۳)	بی‌ارزش دانستن دنیا
P14		حفظ حکومت برای احقاق حق و دفع باطل
P15	حضرت علی علیه‌السلام در شورای شش نفره، پس از انتخاب عثمان به‌وسیله عبدالرحمان بن عوف، آمادگی خود را برای همکاری این‌چنین بیان می‌کند: شما، خود می‌دانید که من شایسته‌ترین فرد بین مردم برای خلافت هستم. به خدا قسم! مادامی‌که کار مسلمانان به سامان باشد و رقیبان من تنها به کنار زدن من قناعت کنند و تنها من مورد ستم واقع شوم، مخالفتی نخواهم کرد و تسلیم خواهم بود. (خطبه ۷۳)	اولویت دادن به امورات مسلمین بجای جدال بر سر قدرت

کد	متن	مفهوم
P16	آیا به من دستور می‌دهید برای پیروزی خود، از جور و ستم درباره امت اسلامی که بر آن‌ها ولایت دارم، استفاده کنم؟ به خدا سوگند! تا عمر دارم و شب و روز برقرار است و ستارگان از پی هم طلوع و غروب می‌کنند، هرگز چنین کاری نخواهم کرد!	توجه به محل مصرف بیت‌المال
P17	اگر این اموال از خودم بود به‌گونه‌ای مساوی در میان مردم تقسیم می‌کردم تا چه رسد که جزو اموال خداست، آگاه باشید! بخشیدن مال به آن‌ها که استحقاق ندارند، زیاده‌روی و اسراف است، ممکن است در دنیا ارزش دهنده آن را بالا برد اما در آخرت پست خواهد کرد، در میان مردم ممکن است گرامی‌اش بدارند اما در پیشگاه خدا خوار و ذلیل است. (خطبه ۱۲٦)	توجه به حقوق عوام‌الناس
P18		برخورد سریع و شفاف با مفسدین و غارتگران بیت‌المال
P19	همواره با بزرگ‌ترین جمعیت‌ها باشید که دست خدا با جماعت است، از پراکندگی بپرهیزید، که انسان تنها، بهره شیطان است آن‌گونه که گوسفند تنها طعمه گرگ خواهد بود، آگاه باشید هر کس که مردم را به تفرقه و جدایی دعوت کند او را بکشید هرچند که زیر عمامه من باشد. (خطبه ۱۲۷)	پرهیز از پراکندگی و تفرقه در میان امت اسلامی
P20	خداوند، پیامبران را با عزم و اراده‌ای قوی، گرچه با ظاهری ساده و فقیر، مبعوث کرد، با قناعتی که دل‌ها و چشم‌ها را پر سازد. (خطبه ۱۹۷)	ظاهر ساده
P21		قناعت
P22		عزم و اراده قوی

از مجموع خطابه‌ها و ... نهج‌البلاغه بالغ بر ۱۵۰ مفهوم استخراج شده که مبتنی بر مفاهیم استخراج شده از منویات معظم له، این مفاهیم در قالب مضامین سازمان دهنده به صورت زیر دسته‌بندی شد:

جدول ۱. تحلیل سخنان حضرت علی (ع) در خصوص اخلاق سیاسی مدیران

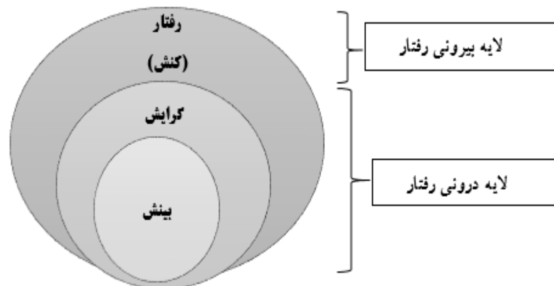
تبیین محورها		
ردیف	**محور اصلی**	**نشانگرها**
۱	خشیت الهی	P۴۵، P۸۰، P۱۱۱، P۱۱۸، P۱۴۴
۲	تخلق به اخلاق قرآنی و انس با قرآن	P۳۲، P۳۳
۳	امانت دانستن حکومت	P۱۴، P۵۶، P۷۶
۴	داشتن اراده قوی و روحیه مبارزه برای اصلاح	P۲۲، P۳۴، P۳۶، P۵۷، P۶۸، P۷۹، P۱۱۳
۵	صبر در امور	P۱، P۹، P۲۷، P۲۸، P۳۵، P۴۳، P۵۳، P۱۱۲
۶	جهاد با نفس	P۴، P۱۳، P۳۱، P۴۲، P۴۵، P۸۲
۷	برقراری عدالت در میان عوام و نسبت میان عوام و خواص	P۶۳، P۶۶، P۱۰۷، P۱۱۵، P۱۱۶، P۱۱۷، P۱۲۴
۸	روحیه خدمتگزاری به مردم و محبوب دانستن رضایت توده	P۲۴، P۴۶، P۷۰، P۸۶، P۱۰۹، P۱۱۰
۹	دوری از ستایش و تملق دیگران	P۳۸، P۱۳۸
۱۰	وظیفه محوری در پذیرش و تداوم مسئولیت	P۵، P۱۲
۱۱	دوری از سوءاستفاده شخصی از موقعیت حاکمیتی در قدرت طلبی، آسیب‌های مالی و زیاده خواهی	P۱۴۲
۱۲	حفظ سنت‌های نیکو و دوری از ایجاد سنت و نادرست	P۱۰۸ ، P۱۲۲
۱۳	دوری از انتساب، فامیل، تبار، رفیق، باند و بی‌توجهی به شایسته‌سالاری	P۲
۱۴	دوری از تفرقه و ایجاد فاصله میان کارگزاران، حکومت و مردم	P۱۱، P۱۵، P۱۹، P۲۵، P۲۶
۱۵	ممانعت از خلط محبت، مدارا و اقتدار	P۱۳۳، P۱۳۴، P۱۳۵، P۱۳۶
۱۶	دوری از استضعاف مردم و آزار رساندن به	P۵۱، P۶۳، P۹۰، P۹۱، P۹۲،

	دیگران و عیب‌جویی	P۱۰٦، P۱۲۰
۱۷	تواضع و دوری از تکبر و خودبینی	P۳۰، P۵۹، P٦۹، P۷۱، P۸٤، P۸۸، P۱۳۹،
۱۸	نرم‌خویی و دوری از تندخویی، ناسزاگویی	P٤۰، P٤۸، P٤۹، P۵۲، P٦۱، P٦۲، P۷۷، P۸۳، P۱٤۳
۱۹	دوری از لجاجت (بی‌پروایی سیاسی)	P۱۳۹
۲۰	قاطعیت و دافعه در قبال دشمنان	P۳، P۲۳، P۱٤۸
۲۱	ساده زیستی و قلیل بودن نیازهای روزمره والی و فرماندار	P۲۰، P۲۱، P۳۷، P٤۲، P۵٤، P٦۰، P٦۵، P٦۷
۲۲	رصد موقعیت‌های اجتماعی سیاسی و تدبیر سیاسی در شرایط مختلف	P۸، P۳۹، P۸۵، P۹۳، P۱٤۵، P۱۵۰
۲۳	میانه‌روی و اعتدال در رفتار فردی	P۹۷، P۹۸، P۹۹
۲٤	رفع بدبینی و برقراری الفت میان مردم	P۵۰، P۱٤۷
۲۵	مسئولیت‌پذیری نسبت به اعمال کارگزاران	P٦ ، P۱۰، P۵۸، P۱۱۹، P۱۲۱
۲٦	صیانت از بیت‌المال	P۱٦ ، P۱۲۹، P۱۳۷
۲۷	صیانت از حقوق مردم	P۷، P۱۷، P۸۷، P۱٤۷
۲۸	صداقت داشتن با مردم	P۲۹، P۵۵، P۷۳، P۷۵، P۱۳۰، P۱۳۱، P۱۳۲
۲۹	شفافیت داشتن در مبارزه با مفسدین بیت-المال	P۱۸
۳۰	حفظ اسرار نظام	P۷۳
۳۱	دقت در انتخاب مشاوران و وزیران	P۹٤، P۹۵، P۹٦، P۱۰۰، P۱۰۱، P۱۰۳، P۱۰٤، P۱۰۵، P۱۱٤
۳۲	پاسخ‌گویی نسبت به مردم	P۱۰۲
۳۳	توجه به مستمندان و فقیران	P۱۲۵، P۱۲٦، p۱۲۷
۳٤	توبیخ کارگزاران متخلف	P۱۲۳، P۱۲۸، p۱٤۱
۳۵	فرمان‌برداری از ولی	P۱٤۹

❖ جمع‌بندی

برای استخراج الگوی مفهومی، تلاش شد که شاخص‌ها به گونه محوربندی شود که قابل ارزیابی باشد. در حقیقت با تمرکز بر مفاهیم و شاخص‌های مستخرج شده از نهج‌البلاغه، مشخص شد که برخی از آن‌ها به‌گونه‌ای هستند که امکان ارزیابی توسط سایر افراد را ندارد و صحبت از آن‌ها خود از دایره اخلاق خارج است نظیر تمرکز بر اخلاق و کار برای خود که به‌کرات در سخنان بیان شده بود و در سوی دیگر شاخص‌های بود که می‌توانیم به راحتی در مورد آن‌ها صحبت کنیم و بر اساس آن‌ها اخلاق سیاسی دکتر روحانی را مورد ارزیابی قرار دهیم، شاخص‌هایی نظیر:

انتساب فامیل، تبار، رفیق و باند و بی‌توجهی به شایسته‌سالاری: سپردن مسؤولیت به فرد نالایق، خیانت به خدا، پیامبر و تمام مسلمانان محسوب می‌شود. امام علی (ع)، بر نصب شایستگان اصرار می‌ورزید و گزینش ناصحیح را بسترساز ناکارآمدی دولت و درنهایت نابودی آن می‌دانست و معتقد بود: «عوامل اصلی فساد حکومت‌ها چهار چیز است: تباه ساختن اصول، فریب‌کاری، مقدم نمودن انسان‌های نالایق و منزوی ساختن انسان‌های فاضل» (محمدی ری‌شهری، ١٤١٦ ق، ج ۲: ٣٦). بر این اساس با مشاوره از صاحب‌نظران از الگوی بینش- گرایش – کنش (رفتار) برای تبیین مضامین فراگیر بهره‌گیری شد:



شکل ۳. مدل تحلیل رفتار

این الگو در پاسخ به این سؤال مطرح شده که فردی چگونه اقدام به کاری می‌کند و آن را به شدّت دنبال می‌کند. انسان به‌عنوان موجود زنده، این دو خاصیت به‌صورت گسترده‌تر و پیچیده‌تر و عمیق‌تر وجود دارد: یکی دستگاه ادراک و دیگری دستگاه اراده. در حوزه ادراک، علم و شناخت دخیل است که به «بینش» تعبیر می‌شود و در اراده، میل، رغبت و انگیزش نقش دارد که به «گرایش» تعریف می‌شود. این دو عامل اساسی، یعنی «بینش» و «گرایش» موجب پیدایش «کنش» یعنی رفتار می‌شود (جلالی، ۱۳۸۹). بنابراین مدل در تجزیه‌وتحلیل رفتار آدمی باید به سه سطح توجه کرد که سطوح اول و دوم یعنی بینش و گرایش در لایه‌های پنهانی افراد است، ولی لایه سوم کنش آدمی است که در عرصه اجتماع تبلور میابد. در حقیقت این الگو، این امکان را به می‌دهد که با تقسیم شاخص‌های اخلاق سیاسی به لایه درونی (بینش و گرایش) و لایه بیرونی (رفتار)، بتوانیم دکتر روحانی را در این عرصه موردنقد و بررسی قرار دهیم. بر این اساس الگوی مفهومی اخلاق سیاسی مبتنی بر سخنان حضرت علی (علیه‌السلام) در نهج‌البلاغه به‌صورت زیر است:

رفتار

اخلاق سیاسی مدیران

بینش و گرایش

عدم انتساب فامیل، تبار، رفیق و باند و بی‌توجهی به شایسته‌سالاری

برقراری الفت و ایجاد میان مردم

قاطعیت و دافعه در قبال دشمنان

عدم وجود رفتارهای ناشایست اجتماعی

جلوگیری از ایجاد فاصله و اختلاف میان کارگزاران دولتی

مسئولیت‌پذیری نسبت اعمال کارگزاران

خشوع در قلب

تدبر در قرآن و عمل به آن

عبرت از گذشتگان

صبر در مصائب و آزمایش‌ها

بی‌ارزش دانستن دنیا

اخلاص در عمل

هراس از ستایش و تملق دیگران

شکل ٤. الگوی مفهومی اخلاق سیاسی مدیران مبتنی بر نهج‌البلاغه

منابع و مأخذ

احمدی طباطبایی، سیدمحمدرضا (۱۳۸۹). **اخلاق و سیاست.** تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).

الطریحی، فخرالدین (۱۳٦۲). **مجمع البحرین.** ترجمهٔ سید احمد الحسینی. جلد ۵. انتشارات مرتضوی.

الکلینی، محمد بن یعقوب (متوفی در سال ۳۲۹ ق) (۱۳۷۹). **اصول کافی.** ترجمهٔ محمدباقر کمره‌ای. تهران: انتشارات دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.

جعفری، محمدتقی (۱۳۷۹). **حکمت اصول سیاسی در اسلام.** چاپ سوم. تهران: بنیاد نهج‌البلاغه.

جعفری، محمدتقی (۱۳۷۷). **سکولاریسم یا حذف دین از زندگی دنیوی.** گردآوری، تنظیم و تلخیص، محمدرضا جوادی. قم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

جلالی، حسین (۱۳۸۹). درآمدی بر بحث «بینش»، «گرایش»، «کنش» و آثار متقابل آن‌ها. فصلنامه معرفت. شماره ۵۰.

خاکی، غلامرضا (۱۳۷۹). **روش تحقیق در مدیریت.** تهران: مرکز انتشارات علمی دانشگاه آزاد اسلامی.

دانایی‌فرد، حسن (۱۳۸٦). «تئوری پردازی با استفاده از رویکرد استقرایی: استراتژی مفهوم‌سازی تئوری بنیادی». **دوماهنامه علمی - پژوهشی دانشور رفتار.** شماره ۱۱: ۷۰-۵۷.

دباغ، سروش (۱۳۸۸). **درس گفتارهایی در فلسفه اخلاق اثر سروش دباغ.** تهران: انتشارات صراط.

رابرت دال (۱۳٦٤). **تجزیه‌وتحلیل جدید سیاست.** ترجمهٔ حسین ظفریان. تهران: نشر مترجم.

راسل، برتراند (۱۳٦۵). **تاریخ فلسفهٔ غرب.** ترجمهٔ نجف دریابندری. تهران: انتشارات پرواز.

سربخشی، محمد (۱۳۹۹). «وظیفه‌گرایی یا غایت‌گرایی و وجه مراعات ارزش‌های اخلاقی توسط خداوند متعالی». **فصلنامه پژوهش‌های نوین دینی.** شماره۱: ۹٦-۷۷.

صدرا، علیرضا (۱۳۸۳). «تعامل اخلاق و سیاست». **فصلنامه علوم سیاسی.** شماره ۲۸: ۲٦-۱۳.

صادقی، زهرا (۱۳۸۰). «بررسی سه دیدگاه: اخلاق مبتنی بر فضیلت، اخلاق مبتنی بر عمل و اخلاق مکمل». **نشریه نامه مفید.** شماره ۲۸: ۲٦-۱۵.

طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹٤). **نهایه الحکمه.** ترجمهٔ علی شیروانی. تهران: چاپ دارالتبلیغ.

عابدی جعفری، حسن؛ محمدسعید تسلیمی، ابوالحسن فقیهی و محمد شیخ‌زاده (۱۳۹۰). «تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی». شماره ۲: ۱۹۸-۱۵۱. ۱۹۸-۱۵۱.

عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸٤). **انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن.** تهران: انتشارات طوبی.

کاپلستون، فردریک (۱۳٦۲). **تاریخ فلسفه.** ترجمهٔ سیدجلال‌الدین مجتبوی. جلد اول. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

کاشی، محمدجواد غلامرضا (۱۳۸۷). «چهار الگوی برقراری نسبت میان اخلاق و سیاست». **ماهنامه آیین**. شماره ۱۳ و ۱٤.

کیخا، نجمه (۱۳۸٦). **مناسبات اخلاق و سیاست در اندیشه اسلامی**. تهران: پژوهشگاه علوم فرهنگ اسلامی.

کوپر جان، ام. یونان (۱۳۸۷). **باستان، تاریخ فلسفه اخلاق در غرب**، ویراسته لارنس سی. بکر، ترجمۀ گروهی از مترجمان. ناشر: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

محمدی ری‌شهری (۱٤۱٦ ق). **دانش‌نامه امیر المومنین علیه‌السلام بر پایه قرآن و حدیث**، مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث. سازمان چاپ و نشر.

ملکیان، مصطفی (۱۳۷۹). **تاریخ فلسفه غرب**. قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.

ملکیان، مصطفی (۱۳۸۷). **حدیث آرزومندی: جستارهایی در عقلانیت و معنویت**. مصطفی ملکیان. تهران: انتشارات نگاه معاصر.

مصباح، محمدتقی (۱۳۸٤). **نقد و بررسی مکاتب اخلاقی**. قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

معلمی، حسن (۱۳۸٤). **فلسفه اخلاق**. قم: مرکز جهانی علوم اسلامی.

مطهری، مرتضی (۱۳۷۵). **حرکت و زمان در فلسفه اسلامی: درس‌های اسفار متفکر شهید استاد مطهری** (جلد ٤). تهران: انتشارات حکمت.

مهدوی کنی، محمدرضا (۱۳۹۰). **نقطه‌های آغاز در اخلاق عملی**. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.

نوروزی، محمدجواد (۱۳۷۸). **فلسفه سیاست**. قم: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

هیوود، اندرو (۱۳۸۷). **کلیدواژه‌ها در سیاست و حقوق عمومی**. ترجمۀ اردشیر امیر ارجمند. تهران: انتشارات امیرکبیر.

یزدانی تبار، علی (۱۳۹۳). **اسلام و سیاست**. http://islamicpolitics.blog.ir

Bentham, Jermy, and John Stuart Mill (1987). Utilitarianism and Other Essays, edited with an introduction to the Principles of Morals and Legislation by Alan Rayan, London: Penguin books.

Mill, John Stuart (2000). 'Utilitarianism', in Classics in Political Philosophy, Jene M. Porter (ed.), Canada: Prentice Hall.

دو فصلنامه شاهد اندیشه / دوره سوم/ شماره ۲ / پیاپی ٦/ پاییز و زمستان ۱٤۰۱/ ۲۹٤-۲٦۹
Two Journal Of Shahede Andisheh Autumn & Winter 2022: 269-294

تحلیل و جستاری ناظر بر چیستی و چگونگی تحقق نظام انقلابی

زهرا کوهساری[۱]، میثم جوکار[۲]

چکیده

ازجمله مسائل موردتوجه عمده نظریه‌پردازان مدرن انقلاب و جنبش‌های اجتماعی، سرنوشت انقلاب‌ها بعد از پیروزی و برانداختن نظم موجود و تبدیل انقلاب به یک نظام سیاسی جدید است. اینکه یک جنبش انقلابی بعد از پیروزی بر نظام سیاسی مطرود، نظام جدیدی را خلق نموده و به حرکت‌های انقلابی خاتمه می‌دهد و درواقع انقلاب مأموریتش پایان‌یافته به نظام تبدیل می‌شود. بر همین اساس نظریه‌های مدرن انقلاب رأی به امتناع همزیستی انقلاب و نظام داده‌اند؛ اما درک متفاوتی که از معنای انقلاب در نگاه رهبران انقلاب اسلامی وجود دارد باعث شده که در اندیشه مبتنی بر انقلاب اسلامی نه‌تنها رأی به پایان مأموریت انقلاب داده نشود، بلکه از نظریه «نظام انقلابی» دفاع بشود. این نوشتار می‌کوشد به روش کیفی و با استفاده از منابع اسنادی، ضمن بررسی انتقادی نظریات مهم انقلاب و جنبش‌های اجتماعی و با تکیه‌بر نظریه جنبش اجتماعی و نگاه بدیع و خلافِ آمد امام خمینی به انقلاب اسلامی، امتناع همزیستی انقلاب و نظام به‌مثابه یک قاعده کلی را رد کرده و چیستی و چگونگی همزیستی انقلاب و نظام در ایران را بررسی کرده و مدلی برای توضیح چگونگی تحقق نظام انقلابی ارائه بدهد.

واژگان کلیدی

انقلاب، جنبش‌های اجتماعی، نظریه‌های انقلاب، انقلاب اسلامی، انقلاب انسانی، نظام انقلابی.

تاریخ دریافت: ۱٤۰۱/۰۹/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱٤۰۱/۰۹/۱۵

۱. دکترای مطالعات زنان دانشگاه تربیت مدرس (نویسنده مسئول). masiha_485@yahoo.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه یاسوج meijok73@gmail.com

مقدمه

بیانیه گام دوم در چهلمین سال پیروزی انقلاب اسلامی، ضمن اعلام ورود انقلاب به دومین دوران جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی به دنبال ارائه دیدگاهی بود که در چارچوب آن مسیر تحقق آرمان تمدن نوین اسلامی تبیین و اجرایی بشود. این بیانیه چارچوب عملی و نظری مواجهه با مسائل اساسی نظام جمهوری اسلامی را ترسیم کرده و طی آن پرده از خرد سیاسی انقلاب یا به تعبیر مقام معظم رهبری «نظریهٔ نظام انقلابی» برمی‌دارد. نظریه‌ای که هم‌زمان انقلابی‌گری و نظم را به عهده گرفته است.

«انقلاب اسلامی پس از نظام‌سازی، به رکود و خموشی دچار نشده و نمی‌شود و میان جوشش انقلابی و نظم سیاسی و اجتماعی تضاد و ناسازگاری نمی‌بیند، بلکه از نظریهٔ نظام انقلابی تا ابد دفاع می‌کند» (رهبر انقلاب، ۱۳۹۷).

پیش‌ازاین نیز رهبر انقلاب در مقام بیان امکان و ضرورت‌های تحقق نظام انقلابی، دوگانه «ساخت حقیقی» و «ساخت حقوقی» نظام را مطرح کرده و از ضرورت انطباق ساخت حقیقی بر ساخت حقوقی نظام گفته بودند. «نظام جمهوری اسلامی یک ساخت حقوقی و رسمی دارد که آن قانون اساسی، مجلس شورای اسلامی، دولت اسلامی، انتخابات - همین چیزهایی که مشاهده می‌کنید - است که البته حفظ اینها لازم و واجب است؛ اما کافی نیست. همیشه در دلِ ساخت حقوقی، یک ساخت حقیقی، یک هویت حقیقی و واقعی وجود دارد؛ او را باید حفظ کرد. این ساخت حقوقی در حکم جسم است؛ در حکم قالب است، آن هویت حقیقی در حکم روح است؛ در حکم معنا و مضمون است. اگر آن معنا و مضمون تغییر پیدا کند، ولو این ساخت ظاهری و حقوقی هم باقی بماند، نه فایده‌ای خواهد داشت، نه دوامی خواهد ساخت حقیقی و واقعی و درونی، مهم است؛ او در حکم روح این جسم است. آن ساخت درونی چیست؟ همان آرمان‌های جمهوری اسلامی است: عدالت، کرامت انسان، حفظ ارزش‌ها، سعی برای ایجاد برادری و برابری، اخلاق، ایستادگی در مقابل نفوذ دشمن؛ اینها آن اجزاء ساخت حقیقی و باطنی و درونی نظام جمهوری اسلامی است.»

این در حالی است که در نظرگاه علوم اجتماعی غربی اساساً امکان همزیستی نهاد و نهضت (نظام انقلابی) منتفی در نظر گرفته شده و از این نظر دفاع می‌شود که «نهضت» نمی‌تواند سازگار با «نهاد» باشد و چون «نهضت» به «نهاد» تبدیل شد، خواه‌ناخواه دوران «نهضت» به سر خواهد آمد. این امر بدان دلیل است که ذات نهضت، «پویایی» است و ذات نهاد، «ایستایی»؛ و این دو امر متناقض، در محل واحد جمع نمی‌شوند.

متناقض دانستن نهضت و نهاد در ایران و در دوران پس از انقلاب نیز سابقه دارد، به‌طوری‌که این رویکرد از سوی برخی جریانات و گروه‌های سیاسی متمایل به گرایش‌های لیبرالی در برهه‌هایی از تاریخ انقلاب تبلیغ و دنبال می‌شده است. بااین‌حال در نگاه رهبران انقلاب، این‌گونه نیست که بعد از به ثمر نشستن انقلاب و آغاز دوران نظام، دیگر نتوان از انقلاب سخن گفت، بلکه آن‌چنان که در بیانیه گام دوم نیز به‌صراحت آمده است، این اعتقاد وجود دارد که در دوران استقرار نظام نیز امکان پیگیری مقاصد و آرمان‌های انقلابی وجود دارد.

بر این اساس مسئلهٔ مقاله حاضر، بررسی چیستی و چگونگی تحقق نظام انقلابی است. بر این پایه در این مقاله ضمن تجزیه‌وتحلیل و نقد نظریات مختلف غربی در مورد مفهوم انقلاب و سرنوشت انقلابات پس از پیروزی، به معنای متفاوتی از مفهوم انقلاب در تحلیل انقلاب اسلامی پرداخته و مدلی برای توضیح چگونگی تحقق نظام انقلابی ارائه خواهد شد.

ازآنجاکه بیانیه گام دوم با طرح نظریه «نظام انقلابی» چارچوب عملی و نظری مواجهه با مسائل اساسی نظام جمهوری اسلامی را ترسیم کرده است، می‌توان این نظریه را مبنای طرح مسائل اساسی جمهوری اسلامی ازجمله چشم‌اندازهای چندساله، برنامه‌های توسعه، راهبردهای اجرایی و ... در نظر گرفت. ازاین‌رو هدف اصلی این مقاله بررسی چگونگی تحقق «نظام انقلابی» است؛ بنابراین در این نوشتار در پی پاسخ به دو پرسش زیر هستیم:

۱. بر مبنای کدام نظریه در مورد انقلاب اسلامی می‌توان امکان تحقق «نظام انقلابی» را بررسی کرد؟

۲. بایسته‌های تحقق «نظام انقلابی» کدام است؟

❖ پیشینه پژوهش

اگرچه تبیین و ارائه *مدلی* که چگونگی تحقق «نظام انقلابی» را توضیح بدهد، به‌طور مستقل کمتر مورد توجه قرار گرفته، امّا با توجه به اهمیّت «بیانیه گام دوم»، مفهوم «نظام انقلابی» در برخی تحقیقات صورت گرفته به‌طور ضمنی مورد توجه بوده است، برای مثال در مقاله «تبیین مفهوم راهبردی نظریه نظام انقلابی در جمهوری اسلامی ایران» نویسنده با بررسی ابعاد معنایی «نظام انقلابی» یک تعریف پیشنهادی از این مفهوم ارائه می‌دهد که بدین شرح است: «نظام انقلابی یک نظام ایدئولوژیکی اسلامی موفقی است که ضمن نفی کامل ساختار ایدئولوژیکی نظام جهانی به دنبال استقرار عدل در دنیا و برپایی حکومت مستضعفین بوده و با بیداری اسلامی توده‌های مردمی تحت یک رهبری شجاع، آگاه به زمان و پایبند به اهداف مدنی اسلام و زنده نگه داشتن آرمان‌های اساسی انقلاب تلاش می‌کند؛ احکام، مقررات، قوانین و برنامه‌های اسلامی را در کلیه شئون زندگی اجرا نماید». نویسنده بر این باور است که انقلاب اسلامی به‌واسطه دینی بودن و بهره‌مندەای آرمان‌های فراتاریخی و مستقل زمان، یک انقلاب تکاملی و نه ترمیدوری است (امینی و مبینی، ۱۳۹۸: ۴۳). مقاله پیش‌رو از جهت التفات به نظریه بدیع امام خمینی از مفهوم انقلاب اسلامی و توضیح چگونگی تحقق «نظام انقلابی» با تأکید بر این نظریه، با تحقیق فوق‌الذکر متفاوت خواهد بود.

در مقاله «جامعه‌پردازی در گام دوم انقلاب اسلامی با نظریه نظام انقلابی» نویسنده با عنایت به مراحل پنج‌گانهٔ تحقق تمدن اسلامی که از سوی رهبر انقلاب مطرح شده است، در پی این است که چهارمین مرحله از این مراحل، پس از انقلاب اسلامی، نظام اسلامی و دولت اسلامی، یعنی جامعه‌سازی را با توجه به نظریه «نظام انقلابی» توضیح دهد. نویسنده بر این باور است که «راهبردی که در مسیر نیل به جامعهٔ اسلامی در منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای برجسته است، تحقق دولت اسلامی با نظام انقلابی است. دولت در اندیشه و کنش رهبری انقلاب، ابزار و نه غایت است و وظیفهٔ دولت اسلامی فعلیت بخشیدن به جامعهٔ اسلامی است.» نویسنده «نظام انقلابی» را واجد مؤلفه‌هایی نظیر ولایت، گرایش به معنویت، دادگری، اخلاقی کردن قدرت و سیاست، ملازمت قدرت و عدالت و ... می‌داند که توان تأسیس‌گری جامعه اسلامی را دارند.

(سرپرست سادات، ۱۳۹۸: ۲۸۱-۳۰۲) این تحقیق اگرچه تعریفی از «نظام انقلابی» ارائه می‌دهد، اما بیش از آنکه به دنبال ارائه مدلی معنایی از این مفهوم باشد، در پی بررسی کارکرد آن از منظر امکان تحقق جامعه اسلامی است.

در مقاله «الگوی پیشرفت سیاسی در بیانیهٔ گام دوم بر اساس نظریهٔ نظام انقلابی» نویسنده چندان به مفهوم‌پردازی «نظام انقلابی» نزدیک نمی‌شود بلکه تلاش کرده است با لحاظ نظریه «نظام انقلابی» و واکاوی مفهوم توسعه سیاسی، شاخصه‌های الگوی مطلوب پیشرفت سیاسی در بیانیه گام دوم را بررسی کند و به این نتیجه رسیده است که «نظام دینی برآمده از انقلاب اسلامی در مقابله با تمدن سکولار غرب و بر پایه الگوی جدیدی از توسعه و پیشرفت و با دورنمای تأسیس تمدن نوین اسلامی ایجاد شده است» (محمودپناهی، ۱٤۰۱: ۱۸۸-۱۷۱).

مبانی نظری پژوهش

در نظریه‌های جامعه‌شناسی مکاتب و تقسیم‌بندی‌های گوناگونی وجود دارد و مهم‌ترین دسته‌بندی آن‌ها، تقسیم نظریات به خرد و کلان یا عامل‌گرا و ساختارگرا است، در نظریه‌های جنبش‌های اجتماعی نیز می‌توان این دسته‌بندی را دنبال کرد (زاهدانی، مسعودی، ۱۳۹٤). در یک سر طیف، فردگراها مانند هانس تاک[1] قرار دارند که در دستهٔ عامل‌گرایی قرار دارند و از منظر انگیختگی فردی به جنبش‌های اجتماعی نگریسته‌اند (Toch, 1966) تاک معتقد است جنبش‌هاش اجتماعی شامل افرادی است که در تلاش‌اند مسئله خود را از طریق اجتماع حل کنند (زاهدانی، مسعودی، ۱۳۹٤).

رابطه‌گراهایی چون بلومر[2] یک گام از فردگرایی و عامل‌گرایی تاک فاصله می‌گیرند و از منظر عواملی به جنبش‌ها می‌نگرند که افراد را در کنار هم نگه می‌دارند عواملی مانند ایدئولوژی. در نگاه بلومر ایدئولوژی شکل‌دهنده هویت مشترک افرادی است که می‌خواهند از طریق فعالیت

1. Toch
2. Blumer

جمعی نظم نوینی را ایجاد کنند (Blumer, 1969: 99). دسته دیگری از رابطه‌گراها نظیر مک کارتی[1] و زالد[2] نیز نظریات خود را بر پایه سازمان جنبش اجتماعی سامان داده‌اند.
(McCarthy & Zald, 1973: 20-22).

در این سر طیف نیز ساختارگرایی مانند اسملسر، آلن اسکات و تورن قرار دارند که از منظر عوامل ساختی نظیر التهاب ساختی (اسملسر[3])، بستگی اجتماعی (اسکات[4]) و ... به جنبش‌های اجتماعی می‌نگرند (زاهدانی، حمیدی‌زاده، ۱۳۹۱).

زاهد زاهدانی دارای کرسی نظریه‌پردازی درجهٔ دو از هیأت کرسی‌های نظریه‌پردازی، نوآوری نقد و مناظره شورای عالی انقلاب فرهنگی در موضوع جنبش‌های اجتماعی با توجه به اصالت فرد–جمع–رابطه است و در نظریه جنبش خود تلاش کرده از رویکرد غالب ساخت‌گرایی در عمده نظریه‌های جنبش اجتماعی عبور کند. بعد از بررسی نظریه‌های جنبش اجتماعی، نظریه ایشان که به نظر می‌رسد توانایی بیشتری برای تبیین تحولات معاصر و به‌خصوص انقلاب اسلامی را دارد، برگزیده شد. زاهد در نظریه خود از رویکردهای سه‌گانه فوق فاصله گرفته و معتقد است هر جنبش اجتماعی سه بعد دارد: زمینه اجتماعی (ساخت)، کنشگران (عامل) و ایدئولوژی (رابطه/جهت). درواقع از منظر زاهد هر جنبش اجتماعی یا نهضت اعتراضی محصول عملکرد کنشگران، زمینه اجتماعی و ایدئولوژی آن است و هر یک از عوامل فوق در کیفیت جنبش تأثیر مستقیم دارد.

زمینهٔ اجتماعی مکان جنبش‌هاست. امکانات و محدودیت‌های آن، تسهیلات و مضیقه‌هایی برای کنشگران جنبش به وجود می‌آورد. ترکیبی از قابلیت‌های افراد و منابع اجتماعی، ایجاد جنبش را ممکن می‌سازد...شرایط اجتماعی، محیط جنبش‌های اجتماعی را تشکیل می‌دهد و این دو از هم جدایی‌ناپذیرند. ایدئولوژی در نظریه زاهد مهم‌ترین بعد نهضت‌های اعتراضی و درواقع جوهره و معنا بخش به همه اجزای جنبش است. خاصیت انسجام‌بخشی داشته، ابعاد

1 Mccarthy & Zald
2. Zald, Mayer
3. Smelser
4.Scott

مختلف جنبش را به هم مرتبط می‌کند و جهت حرکت آن را تعیین می‌کند. لذا در این نظریه «اعتقادات، قوانین و مقررات»، «آنچه به‌عنوان فرصت تلقی می‌شود»، «آنچه چنین به‌حساب نمی‌آید»، «چگونه می‌توان از منابع استفاده کرد؟» و «راه‌های عملی تعقیب اهداف جنبش» همه از طریق ایدئولوژی رقم زده می‌شود. با ایدئولوژی افراد به زمینه اجتماعی متصل می‌شوند. قابلیت‌های افراد از طریق رهنمودهای ایدئولوژیک، به فرصت‌های اجتماعی افزوده می‌شود؛ و این ترکیب جنبش را در راستای جهتی که توسط ایدئولوژی مشخص می‌شود به حرکت درمی‌آورد. کنشگران، بعد سوم جنبش در این نظریه هستند. زاهد در نظریه خود عاملیت را به سه دسته تقسیم می‌کند؛ رهبران در مرکز جنبش قرار دارند و آگاه‌ترین افراد به ایدئولوژی و شرایط اجتماعی جنبش هستند. دومین دسته از کنشگران کسانی هستند که اندیشه‌ها و فرمان رهبران را توزیع و پخش می‌کنند و درواقع ابزار مدیریتی برای رهبری به شمار می‌آیند. (زاهدانی، ۱۳۷۷). سومین دسته نیز پیروان جنبش هستند که عملکرد آنان درواقع اجرا یا به عمل درآوردن جنبش است و وقتی آنان وارد صحنه می‌شوند، جنبش عملاً ظهور می‌کند. (زاهدانی، مسعودی، ۱۳۹٤). همه این کنشگران تحت تأثیر ایدئولوژی بوده و از زمینه اجتماعی تأثیر می‌پذیرند. درواقع با ترکیب خاصی از ایدئولوژی، کنشگران و شرایط اجتماعی است که نهضت ظهور پیدا می‌کند. کنشگران با تأثیرپذیری از ایدئولوژی، در راستای اهداف آن و متأثر از شرایط اجتماعی است که تشکیل یک نهضت یا جنبش اعتراضی را داده و به حرکت درمی‌آیند.

زاهد بعد از توضیح ابعاد سه‌گانه نهضت در نظریه خود، مراحل زمانی شکل‌گیری جنبش را این‌گونه توضیح می‌دهد. جنبش با شناخت رهبران از اهداف کلی جنبش یا جهت جنبش آغاز می‌شود. این مراحل با تبدیل یا انتخاب یک ایدئولوژی بر اساس این اهداف کلی و عرضه آن توسط رهبران و توزیع‌کنندگان به مردم ادامه می‌یابد. فضای اجتماعی این وقایع، قسمت‌های مربوط به جنبش درزمینهٔ اجتماعی هستند که کنشگران با را با تسهیلات خود تأمین و با مضیقه‌های خود محدود می‌کند. ظهور جنبش در مرحله بعد اتفاق می‌افتد؛ تا اهداف آن را که در ایدئولوژی طراحی شده است، تأمین شود. در مرحله آخر کنش پیروان، تحت تأثیر رفتارهای قبلی دیگر، کنشگران جنبش را می‌سازند (زاهدانی، ۱۳۷۷).

رهیافت نظری زاهد باوجود اینکه با محوریت دادن به ایدئولوژی و فاصله گرفتن از ساخت‌گرایی در تحلیل جنبش‌های اعتراضی، امکان تحلیل نسبت انقلاب و نظام برآمده از آن را به دست می‌دهد اما فراتر از تحلیل چگونگی ایجاد جنبش‌ها نمی‌رود و در مورد سرنوشت کنشگران و ایدئولوژی جنبش‌ها در دوران بعد از پیروزی جنبش و ایجاد تغییرات در شرایط اجتماعی حرفی نمی‌زند. در همین راستا می‌توان به نظریه امام خمینی در تحلیل انقلاب تکیه داد.

در نگاه امام خمینی انقلاب اسلامی ریشه در تحولات درونی انسان‌ها در بستر ارائه اسلام ناب (ایدئولوژی) دارد و زمینه اجتماعی در شکل‌گیری نهضت نقشی فرعی را ایفا می‌کند. در این نگاه به نقش تحولات و زمینه‌های اجتماعی به‌عنوان بستر وقوع انقلاب توجه می‌شود، اما پدیده انقلاب اسلامی به‌عنوان محصول این تحولات اجتماعی در نظر گرفته نمی‌شود و انقلاب اسلامی به‌مثابه یک تحول اجتماعی به دیگر تحولات اجتماعی بازگشت داده نمی‌شود بلکه در این نظرگاه، پای نوعی انقلاب باطنی و تحول درونی انسان‌ها در میان است. درواقع امام خمینی ریشه انقلاب اسلامی را در درون انسان‌ها جستجو می‌کنند و علل، چگونگی و پیامدهای انقلاب را از این منظر تحلیل می‌کنند.

از نظر امام خمینی، طرح نوع خاصی از اسلام (اسلام ناب) در تقابل با اسلامی که ازنظر ایشان اسلام ناقص و غیرواقعی بود، زمینه‌ساز این تحول انسانی بوده است. «اسلام دین افراد مجاهدی است که به دنبال حق و عدالت‌اند... دین کسانی است که آزادی و استقلال می‌خواهند. مکتب مبارزان و مردم ضد استعمار است؛ اما اینها اسلام را طور دیگری معرفی کرده‌اند و می‌کنند. تصور نادرستی که از اسلام در اذهان عامه به وجود آورده و شکل ناقصی که در حوزه‌های علمیه عرضه می‌شود برای این منظور است که خاصیت انقلابی و حیاتی اسلام را از آن بگیرند و نگذارند مسلمانان در کوشش و جنبش و نهضت باشند، آزادیخواه باشند، دنبال اجرای احکام اسلام باشند تا حکومتی به وجود بیاورند که سعادتشان را تأمین کند، چنان زندگی داشته باشند که در شأن انسان است» (ولایت‌فقیه، ۱۳۸۱: ۱۰).

امام ریشه به وجود آمدن این وضعیت را نقشه‌های استعمار و اهمال حوزه‌های علمیه معرفی می‌کنند: «دست‌های اجانب برای اینکه مسلمین و روشنفکران مسلمان را که نسل جوان ما باشند

از اسلام منحرف کنند وسوسه کرده‌اند که اسلام چیزی ندارد، اسلام پاره‌ای احکام حیض و نفاس! است، آخوندها باید حیض و نفاس بخوانند. حق هم همین است. آخوندهایی که اصلاً به فکر معرفی نظریات و نظامات و جهان‌بینی اسلام نیستند و عمده وقتشان را صرف کاری می‌کنند که آن‌ها می‌گویند و سایر کتاب‌های (فصول) اسلام را فراموش کرده‌اند، باید مورد چنین اشکالات و حملاتی قرار بگیرند. آن‌ها هم تقصیر دارند، مگر خارجی‌ها تنها مقصرند؟ البته بیگانگان برای مطامع سیاسی و اقتصادی که دارند از چند صد سال پیش اساس را تهیه کرده‌اند و به‌واسطه اهمالی که در حوزه‌های روحانیت شده موفق گشته‌اند. کسانی در بین ما روحانیون بوده‌اند که ندانسته به مقاصد آن‌ها کمک کرده‌اند تا وضع چنین شده است» (ولایت‌فقیه، ۱۳۸۱ ۱۳-۱۲).

در تحلیلی که امام خمینی از انقلاب اسلامی ارائه می‌دهند، پی‌ریزی مبارزات انقلاب اسلامی از مقابله با این اسلام ناقص و طرح اسلامی که علاوه بر ابعاد عبادی و فردی به ابعاد اجتماعی اسلام نیز توجه داشته و دارای خاصیت انقلابی است، آغاز شده و زمینه‌ساز بروز تحولات اساسی و انقلاب باطنی در انسان ایرانی می‌شود. ایشان راه شکل‌گیری انقلاب اجتماعی اسلامی را آگاهی مردم نسبت به اسلام حقیقی دانسته و اعتقاد دارند همین که مردم نسبت به ابعاد واقعی اسلام آگاهی پیدا کردند، انقلاب باطنی و تحول روحی انسانی روی داد و در پی آن، انسانی انقلابی به وجود آمد که انقلاب اسلامی، به‌مثابه کنش جمعی این انسان انقلابی به دست آمده است.

«انقلابی که در ایران واقع شد، قبل از انقلاب مهم که کوبنده بود، یک انقلابی در باطن مردم حاصل شد. آن انقلاب گرایش اقشار ملت به اسلامی که تا این عصر خصوصاً، در این سده‌های آخر به طاق نسیان سپرده شده بود و از اسلام جز یک آداب خشک که هیچ به حال دیگران ضرری نداشت و هیچ در فکر ملت‌ها نبودند، همین باقی مانده بود. این ملت به خواست خدای تبارک‌وتعالی و با عنایات خاصه او، اول منقلب شد در معنویات. جوان‌ها از آن حال سابق برگشتند به یک حال اسلامی و فهمیدند که اسلام چه باید باشد و چه باید بکند، دنبال او آن انقلاب حاصل شد.» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۹: ۴۷۹).

درواقع در نگاه حضرت امام تحولات منتهی به انقلاب اسلامی، در دو سطح تحلیل می‌شود؛ در نگاه ایشان ازیک طرف با یک انقلاب باطنی و تحول روحی که منجر به پدید آمدن انسان انقلابی می‌شود روبر هستیم و از طرف دیگر با یک انقلاب اجتماعی ـ سیاسی که در اثر کنش جمعی انسان انقلابی پدید می‌آید. به‌طوری که در مقام مقایسه از نظر ایشان این انقلاب باطنی در انسان‌ها حتی از انقلاب سیاسی هم مهم‌تر بود.

«من کراراً این مطلب را گفته‌ام که این نهضت یک تحولاتی آورده است که آن تحولات، تحولات روحی و انسانی است که در نظر من بسیار اهمیتش بیشتر از این پیروزی در مقابل شاه سابق و قدرت‌های بزرگ است. در ظرف یک مدت کوتاهی، ملت ما متحول شد، به‌حسب نوع، از یک حالی به یک حالِ مقابل او.» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۹: ٤٠٦).

امام خمینی این تحول باطنی در انسان‌ها را اساس پیروزی دانسته و آن را زمینه‌ساز انقلاب اجتماعی اسلامی می‌داند. «تا این تحول نبود، پیروزی نبود» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۸: ٤٢٧). لذا برخلاف سایر نظریه‌های مدرن انقلاب، در اندیشه امام خمینی زمینه‌های اجتماعی مانند نارضایتی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی از وضع موجود در ایجاد انقلاب اسلامی، فرعی بوده و آنچه اصالت داشته و تعیین کننده است، تحول باطنی به وجود آمده در مردم بوده است. درواقع زمینه‌های اجتماعی در نقش بستر و ایجاد نوعی استعداد و آمادگی در مردم بوده و آنچه عامل اصلی تحقق انقلاب اسلامی است همان تحول روحی و انقلاب انسانی است.

«مردم هم مستعد بودند، از حکومت ناراضی، از زندگی به تنگ آمده بودند؛ و یک تحول روحی هم که خدا به آن‌ها داد و آن این بود که در این آخر یک‌جور تحولی پیدا شده بود که حالا هم باز یک مقداری‌اش هست و آن اینکه مثل همان کسانی که در صدر اسلام بودند. اینها آرزوی شهادت می‌کردند. الآن هم شما وقتی که می‌بینید توی این جمعیت‌ها کفن پوشیدند که ما برای شهادت حاضریم. مادرهایی که بچه‌شان را از دست دادند یکی ـ دوتا را، می‌آیند پیش من می‌گویند که شما دعا کنید، این یکی ـ دوتا هم که داریم اینها هم شهید بشوند. مکرر این جوان‌ها، زن و مرد جوان از من می‌خواهند که من دعا کنم آن‌ها هم شهید بشوند. این یک تحول روحی بود که به دست خدا و به ارادهٔ خدا حاصل شد برای ملت؛ و اجتماعی که در یک امر کردند، برای اینکه ناراضی همه بودند» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۱: ٤٥٨).

درواقع زمینه‌های اجتماعی یک عامل تعیین‌کننده و اصیل در توضیح ماهیت انقلاب اسلامی نبوده، بلکه در زمره علل اعدادی و فرعی به شمار می‌روند. نگارنده معتقد است همین تفاوت اساسی نظریه زاهد و دیدگاه امام خمینی با نظریه‌های مدرن انقلاب، امکان تحلیل دوران بعد از پیروزی انقلاب و چگونگی شکل‌گیری نظام انقلابی را به دست می‌دهد.عمدتاً نظریات و تئوری‌های جدید در علوم سیاسی و اجتماعی متأخر از حوادث و رخدادهاست. موضوعی که در مورد انقلاب‌ها نیز صدق می‌کند به‌طوری‌که خیلی از تئوری‌ها و نظریات در این حوزه بر بستری از تحولات سیاسی-اجتماعی بعد از انقلاب‌های بزرگ دنیا همچون انقلاب فرانسه و روسیه، به وجود آمده است. مفهوم جدید انقلاب از این تصور جداشدنی نیست که سیر تاریخ ناگهان از نو آغاز می‌گردد. داستانی سراسر نو که هیچ‌گاه قبلاً گفته دانسته نشده است به‌زودی شروع خواهد شد. این مفهوم بیش از دو انقلاب بزرگ اواخر سده هجدم ناشناخته بود (فولادوند، ۱۳۸۱:۳٦) بسیاری از نظریه‌ها و تئوری‌ها با مطالعه انقلاب‌های بزرگ دنیا به دنبال دستیابی به قانون‌مندی کلی در تحلیل این پدیده بوده‌اند. ازجملهٔ این مباحث سرنوشت انقلاب‌ها بعد از پیروزی و برانداختن نظم موجود است. اغلب نویسندگان و اندیشمندان جهان به‌ویژه نظریه‌پردازان انقلاب چنین مطرح کرده‌اند که انقلاب پدیده‌ای زودگذر در تاریخ جوامع بشری بوده و در حقیقت برای سرنگونی یک نظام سیاسی و برپا داشتن نظامی دیگر شکل می‌گیرد و زمانی که نظام سیاسی جدید استقرار یافت مأموریت انقلاب پایان‌یافته و درواقع انقلاب خود تبدیل به نظام می‌گردد (محمدی، ۱۳۸۲). بر این اساس در ادامه برخی نظریه‌های انقلاب مورد بررسی قرار خواهد گرفت؛ این نظریات از نظرگاه‌های مختلف با بررسی ماهیت انقلاب‌ها، مأموریتی برای انقلاب تعریف می‌کنند که پس از تحقق آن، انقلاب تعریف به یک نظم جدید سیاسی یا اجتماعی شده و مأموریت انقلاب و درواقع خود انقلاب تمام می‌شود.

ساموئل هانتینگتن[1] که بر مبنای تقسیم‌بندی گلدستون از نظریه‌های انقلاب، نظریه وی را می‌توان کارکردگرا -ساختاری نامید در تحلیلی سیاسی، انقلاب را تحولی سریع، بنیادین و خشونت‌آمیز در ارزش‌ها و اسطوره‌های حاکم بر یک جامعه و در نهادهای سیاسی، ساخت اجتماعی، رهبری

1. Samuel P. Huntington

و فعالیت و سیاست‌های حکومتی می‌داند. (ثلاثی، ١٣٨٦: ٣٨٥). در این نگاه یک انقلاب جامع‌ومانع دربرگیرنده نابودی و تخریب نهادی سیاسی فرسوده و پایه‌های مشروعیت آن‌ها و همچنین بسیج گروه‌های اجتماعی جدید و جلب آن‌ها به فعالیت‌های سیاسی و درواقع تعریفی مجدد و تازه از جامعه سیاسی، ارائه و پذیرش ارزش‌های سیاسی نو و مفاهیم جدید از مشروعیت سیاسی، مبارزه برای کسب قدرت توسط نخبگان فعال سیاسی جدید و در عین خال خلق نهادهای سیاسی قوی‌تر و تازه‌تری است (محمدی، ۱۳۸۲). درواقع هانتینگتن معتقد است که در یک انقلاب نظم سیاسی موجود به‌طور خشونت‌باری با نظم جدید سیاسی جایگزین می‌شود و بعدازاین جایگزینی با برپایی نظام جدید مأموریت انقلاب به پایان می‌رسد. هانتینگتون در تحلیل چگونگی شکل‌گیری انقلاب، توسعه نامتوازن، یعنی توسعه اجتماعی اقتصادی بدون توسعه سیاسی را عامل اصلی انقلاب دانسته است. به نظر وی پس از پیروز شدن نیز، زمانی می‌توان انقلاب را کامل پنداشت که مرحله دوم خود یعنی نهادینه‌سازی یک سامان سیاسی نوین را نیز پشت سر بگذارد (مشیرزاده، ۱۳۷۵).

کرین برینتون[1] که در تقسیم‌بندی گلدستون در سنت نظریه‌های طبیعی قرار می‌گیرد، در نظریه ترمیدور خود معتقد است که انقلاب‌ها پس از طی مراحلی به مرحله ترمیدوری خود می‌رسند، مرحله‌ای که در آن شور و شوق انقلابی فروکش می‌کند و رو به خاموشی می‌نهد و پس از آن، نظام دولتی نوین کارآمدتری به وجود می‌آید که دوران آزمایش‌گری تباه‌کننده‌اش را پست سرگذاشته و به مرحله تثبیت نظام می‌رسد (قانعی، ۱۳۸۳: ۹۹). برینتون معتقد است انقلاب با سقوط رژیم قبلی تکامل یافته و با گذر از یک دوره ماه عسل انقلاب، حاکمیت میانه‌روها، تلاش صد انقلاب، ظهور رادیکال‌ها، دور ترور و پرهیزگاری و در نهادیت ترمیدور (دوره خونریزی و بازگشت) پایان می‌یابد (محمدی، ۱۳۸۲). برینتون در تحلیل ریشه‌های شکل‌گیری انقلاب، موضوعاتی چون کاستی‌های حکومت، گلایه بیش از معمول از مالیات‌گذاری، پشتیبانی آشکار حکومت از یک رشته مصلحت‌های اقتصادی به زیان مصالح اقتصادی دیگر، در تنگنا افتادن مدیریت آشفتگی‌های ناشی از آن، دگرگونی بیعت روشنفکران،

---

2. Crane Brinton

فقدان اعتماد به نفس در میان بسیاری از اعضای طبقه حاکم و روی آوردن آن‌ها به این اعتقاد که امتیازشان غیرعادلانه و به زیان جامعه است، تشدید ناسازگاری‌های اجتماعی و طبقاتی و جدایی قدرت سیاسی از قدرت اقتصادی را پیش می‌کشد (ثلاثی، ۱۳۸۵: ۲۷۵).

چالمرز جانسون[1] نیز انقلاب را در ارتباط با نظام اجتماعی به‌خصوصی که در آن واقع شده مورد بررسی قرار می‌دهد و معتقد است تجزیه‌وتحلیل یک انقلاب بایستی مرتبط با بررسی کارکرد جامعه بوده و نباید این دو را از یکدیگر جدا کرد. (الیاسی، ۱۳۶۳: ۱۸). ازاین‌رو به نظر جانسون انقلاب‌ها عبارت‌اند از تلاش‌های موفق یا ناموفق که به‌منظور ایجاد تغییرات در ساخت جامعه از طریق اعمال خشونت انجام می‌پذیرد (الیاسی، ۱۳۶۳: ۱۷). جانسون که یکی از مهم‌ترین نظریه‌پردازان کارکردگرا –ساختاری در تحلیل انقلابات است، معتقد است انقلاب در اثر پیدایی سه عامل متوالی رخ می‌دهد: ۱. از دست رفتن تعادل میان ارزش‌ها و محیط ۲. انعطاف‌ناپذیری نخبگان حکومتی ۳. عوامل شتاب‌زا؛ یعنی عواملی که باعث تزلزل در نیروهای مسلح می‌شود (ملکوتیان، ۱۳۸۷: ۱۰۳).

جک گلدستون[2] نسل سوم نظریه‌های انقلاب را نظریه‌های ساختاری می‌نامد و معتقد است که این دست از نظریات می‌گویند که انقلاب‌ها با ترکیبی از ضعف دولت، منازعه میان دولت‌ها و نخبگان و قیام‌های مردمی آغاز می‌گردد (دلفروز، ۱۳۸۵: ۲۱). از نگاه گلدستون این نظریه‌پردازان ساختاری هستند که توجه خویش را بر عواملی نظیر ساختار دولت، فشارهای بین‌المللی، جامعه دهقانی، نیروهای مسلح و رفتار نخبگان متمرکز ساخته‌اند (خوزانی، ۱۳۷۵: ۲۲۷). همان‌طور که بالاتر اشاره شد، بررسی عمده نظریات انقلاب نشان می‌دهد که این نظریات در کانون تحولات سیاسی–اجتماعی بعد از انقلابات شکل گرفته و در تحلیل ریشه‌های انقلاب و چگونگی به وجود آمدن انقلابات، بر روی زمینه‌های ساختاری و تحولات سیاسی–اجتماعی متمرکز شده‌اند. لذا می‌توان این پرسش را پیش کشید که در نظریه‌های مدرن انقلاب، ماهیت و

1. Chalmers Johnson
2. Jack Goldstone

جوهره بنیادین انقلابات چیست که نظریه‌پردازان را به این نتیجه می‌رساند که سرانجام مأموریت انقلاب‌ها پایان خواهد یافت و بعد از انقلاب، مرحله برآمدن نظام سیاسی جدید خواهد بود؟ می‌توان پاسخ این پرسش را در میان تلاش‌هایی که لوفان بومر[1] برای ارائه گزارشی از تحولات بزرگ در اندیشه غرب طرح می‌کند، یافت. وی معتقد است؛ عصر علم این کشف سکرآور را به ارمغان آورد که اصلاح امور بستگی به تحول از بیرون (ابزارهای علمی و اجتماعی) دارد نه تحول از درون (بشیریه، ۱۳۸۵: ۳۲٤). عمده نظریات انقلاب و به‌طور مشخص سه نسل از نظریه‌ها بر مبنای دسته‌بندی جک گلدستون که در بالا به‌طور اجمالی به آن‌ها اشاره شد، انقلاب را پدیده‌ای معرفی می‌کنند که بر اساس یک تحول از بیرون‌روی می‌دهد. درواقع ازآنجاکه این نظریات چگونگی شکل‌گیری انقلابات را درزمینه‌های اجتماعی جستجو کرده و تحولات سیاسی-اجتماعی را ریشه آن می‌دانند، مأموریت این انقلابات را نیز صرفا ایجاد تغییر و تحول دفعی در همان زمینه‌های اجتماعی جستجو کرده‌اند.

ازاین‌رو می‌توان گفت در مقام تبیین علّی در روش‌شناسی نظریات مدرن انقلاب، به‌محض اینکه زمینه‌های اجتماعی انقلاب، با پیروزی انقلاب از بین رفته و نظم سیاسی- اجتماعی موجود برانداخته شود، ازآنجاکه با پیروزی انقلاب، زمینه‌های اجتماعی به‌مثابه علت اصلی از بین می‌رود، طبعاً با از بین رفتن علت، معلول که همان پدیده انقلاب بوده نیز مأموریتش پایان‌یافته و برای آن امکان حیات در دوران نظم جدید سیاسی- اجتماعی قابل تصور نیست. لذاست که عمده نظریه‌پردازان و اندیشمندان اجتماعی حوزه نظریات انقلاب بر این باورند که دوران انقلاب پس از رسیدن به نتیجه موردنظر و برانداختن نظم موجود و تبدیل شدن به نظام، به سر خواهد آمد. در این نگاه اساساً همزیستی نهاد و نهضت (نظام انقلابی) منتفی در نظر گرفته شده و از این نظر دفاع می‌شود که «نهضت» یا انقلاب نمی‌تواند سازگار با «نهاد» یا نظام باشد.

در تحلیل انقلاب اسلامی ایران نیز بسیاری از نویسندگان و اندیشمندان همان مسیر تئوری‌پردازان مدرن انقلاب را رفته و ریشه‌های انقلاب اسلامی را ساختار اجتماعی و تحولات

1. Franklin Baumer

سیاسی–اجتماعی جستجو کرده‌اند. به‌عنوان مثال یرواند آبراهامیان ریشه انقلاب اسلامی را در توسعه نامتوازن دانسته و معتقد است؛ انقلاب ایران به این علت رخ داد که شاه در سطح اجتماعی ــ اقتصادی به نوسازی دست زد و به این ترتیب طبقه متوسط جدید و طبقه کارگر صنعتی را گسترش داد، اما نتوانست در سطح سیاسی به توسعه دست زند. بر این اساس سرعت تغییر به‌عنوان نیروی تعادل‌زا عمل کرد که فشار بسیاری را بر نظام اجتماعی وارد آورد. در زمانی که شاه برنامه کار توسعه اقتصادی ــ اجتماعی وسیع خود را عملی می‌کرد، گروه‌های جدیدی شکل گرفتند که لازم بود در نهادهای سیاسی جذب شوند که در این صورت می‌توانستند سازمان‌دهی اقتصادی ــ اجتماعی جدیدی به‌وجود آورند؛ اما شاه نهادهای بادوامی ایجاد نکرد تا بتواند گروه‌های تحرک‌یافته جدید را که در نتیجه فرایند نوسازی به‌وجود آمده بودند جذب کند.(Abrahamian, 1980: 21)

فرد هالیدی[1] نیز ریشه‌های انقلاب ایران را از بیرون و در ساخت سیاسی–اجتماعی دنبال می‌کند؛ عواملی چون ۱. توسعه ناهماهنگ و سریع اقتصادی سرمایه‌داری ایران؛ ۲. ضعف سیاسی رژیم شاهنشاهی؛ ۳. ائتلاف گسترده نیروهای مخالف؛ ٤. سهم اسلام در بسیج نیروها؛ ۵. زمینه متغیر و نامعلوم محیط بین‌المللی را در شکل‌گیری انقلاب اسلامی دخیل می‌داند.(Halidy, 1982)

همان‌طور که بالاتر اشاره شد اعتقاد به امتناع همزیستی انقلاب و نظام، در نظریه‌های انقلاب ریشه در رهیافت ساختارگرایانه در تحلیل و بررسی انقلابات دارد. ازاین‌رو تا زمانی که چگونگی شکل‌گیری انقلاب اسلامی بنا بر سنتِ نظریات مدرن در تحلیل انقلاب موردتوجه باشد، نمی‌توان از امکان تحقق «نظام انقلابی» گفت. اما برخلاف رویکرد غالب در این نظریه‌ها، زاهد در نظریه خود، با نقد فردگراها، جامعه‌گراها و رابطه‌گراها در تحلیل جنبش‌های اعتراضی و با نگرشی سیستمی معتقد است؛ همه عوامل جنبش‌های اجتماعی یعنی زمینه اجتماعی، کنشگران (رهبر، توزیع‌کنندگان ایدئولوژی و مردم) و ایدئولوژی در جای خود مهم هستند و از هیچ یک از آن‌ها نباید غافل شد؛ بلکه بایست هر کدام از آن‌ها را در جایگاه مؤثر خود مورد

1. Fred Halidy

بررسی قرار داد؛ و اساساً ترکیب هماهنگ این عوامل هست که یک جنبش را می‌سازد (زاهدانی، ۱۳۷۷).

زاهد رهبران را که آگاه‌ترین افراد به ایدئولوژی و شرایط اجتماعی هستند، در مرکز جنبش قرار می‌دهد و معتقد است مراحل زمانی جنبش با شناخت رهبران از اندیشه جنبش (شامل اهداف کلی یا جهت جنبش) آغاز می‌شود؛ مانند اندیشه امام خمینی در باب حکومت اسلامی در انقلاب اسلامی. در مرحله بعد رهبر بر مبنای این اندیشه، اقدام به صدور و عرضه ایدئولوژی می‌کند که در انقلاب اسلامی می‌شود؛ ایدئولوژی ولایت‌فقیه این ایدئولوژی توسط توزیع‌کنندگان یعنی شاگردان مستقیم و غیرمستقیم امام خمینی به جامعه عرضه می‌شود. فضای اجتماعی این وقایع مثل مساجد، بازار، خیابان‌ها، کارخانه‌ها، اداره و؛ و قسمت‌های مربوط به جنبش درزمینهٔ اجتماعی آن جامعه ایرانی هستند که کنشگران را با تسهیلات خود تأمین و با مضیقه‌های خویش محدود می‌کنند. ظهور جنبش مانند اعتراضات، راهپیمایی‌ها و ... در مرحله بعد اتفاق می‌افتد تا اهداف جنبش اسلامی یعنی استقرار حکومت اسلامی را که در ایدئولوژی طراحی شده، تأمین کند (زاهدانی، ۱۳۷۷). درواقع زاهد برخلاف تئوری‌های مدرن انقلاب معتقد است، در انقلاب اسلامی، آنچه محوریت دارد، امام خمینی و ایدئولوژی است که ایشان صادر می‌کند و همین توانسته کنشگران (مردم) را در یک زمینه اجتماعی برای رسیدن به اهداف ایدئولوژی جنبش، نزد هم جمع کند. بنابراین بر مبنای نظریه دکتر زاهد در تحلیل جنبش‌های اجتماعی و به‌طور خاص تحلیل انقلاب اسلامی می‌توان این‌طور نتیجه گرفت که ازآنجاکه ایشان در تحلیل چگونگی شکل‌گیری انقلاب اسلامی از ساخت‌گرایی فاصله گرفته و با تأکید بر ایدئولوژی به‌عنوان مهم‌ترین رکن انقلاب و درواقع معنا بخش به همه اجزای آن، ما را به این نکته مهم رهنمون می‌سازد که مأموریت انقلاب لزوماً با پیروزی انقلاب و برانداختن نظم موجود پایان نمی‌پذیرد. چرا که عنصر اصلی و معنا بخش انقلاب یعنی ایدئولوژی، با پیروزی انقلاب همچنان حضور داشته و می‌تواند همان نقشی که در دوران جنبش اعتراضی در نسبت با زمینه‌های اجتماعی سیاسی موجود بر عهده داشت را در دوران بعد از پیروزی و در نسبت با زمینه‌های اجتماعی سیاسی جدید، ایفا کند.

با وجود این ازآنجاکه نظریه زاهد معطوف به تحلیل چگونگی ظهور انقلاب اسلامی است، در مورد سرنوشت انقلاب در دوران بعد از پیروزی و برقراری نظم جدید حرفی نمی‌زند و فقط به ما این امکان را می‌دهد که از بند امتناع همزیستی بین نظام و انقلاب که محصول نظریه‌های مدرن بود، رها گشته و از امکان همزیستی این دو بگوییم.

امام خمینی و انقلاب اسلامی

امام خمینی در سازه نظری که در تحلیل انقلاب اسلامی ارائه می‌دهد و در مقام تبیین علّی انقلاب اسلامی، پدیده «انقلاب باطنی» یا «تحول روحی» یا تحول از درون را به‌مثابه علت برای انقلاب اسلامی معرفی می‌کند و ریشه انقلاب اسلامی را نه درزمینه‌های اجتماعی بلکه در درون انسان‌ها دانسته و علل، چگونگی و پیامدهای انقلاب را از این منظر تحلیل می‌کنند و در این باره می‌فرمایند: «هر صفت کمالی که در دنیا بخواهد باشد، هر شخص باید از خودش شروع کند. شما اگر بخواهید انقلاب اسلامی، انقلاب فرهنگی در ایران پیاده کنید باید این انقلاب اول از باطن خودتان باشد؛ روح شما منقلب بشود؛ و به‌حمدالله تعالی در این نهضت و در این انقلابی که واقع شد، روح ملت ما و خصوصاً جوان‌ها و پاسداران و سربازان، انقلاب پیدا کرد» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۲: ۳٦۷). یا در جایی دیگر با تکیه‌بر معارف قرآنی می‌فرمایند: «إِنَّ اللهَ لَا يُغَيِّرُ ما بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ یک واقعیتی است و دستوری. واقعیت به این معنا که تغییراتی که در یک ملتی، یک قومی، حاصل بشود، این منشأ یک تغییرات تکوینی، تغییرات جهانی، تغییرات موسِمی می‌شود؛ و دستور است به اینکه تغییراتی که شما می‌دهید تغییراتی باشد که آن تغییرات دنبالش یک تغییراتی به نفع شما باشد. شما ملاحظه کردید که این پیشرفتی (انقلاب اسلامی) که ملت ایران کرد مرهون آن تغییری بود، تحولی بود که در نفوس پیدا شد.» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۰: ۱۳۰).

امام خمینی در توضیح چیستی این انقلاب باطنی و تحول روحی و نیز چگونگی ایجاد آن، از یک طرف طرح اسلام ناب را زمینه‌ساز بروز این تحول دانسته و از سوی دیگر درنهایت این انقلاب باطنی را ناشی از عنایت خداوند و امری معجزه‌آسا معرفی می‌کنند. از نظر امام خمینی در دوران قبل از آغاز نهضت، اسلامی ناقص در جامعه و در سطح نخبگان دینی و دانشگاهی

وجود داشت. اسلامی که ابعاد اجتماعی و تحول‌خواهانه آن موردتوجه نبود و به ابعاد فردی و عبادی تقلیل یافته بود. ایشان طرح اسلام ناب در مقابل با اسلام ناقص (اسلام موجود) را زمینه‌ساز تحول انسانی در مردم ایران می‌داند. «آن انقلاب گرایش اقشار ملت به اسلامی که تا این عصر خصوصاً، در این سده‌های آخر به طاق نسیان سپرده شده بود و از اسلام جز یک آداب خشک که هیچ به حال دیگران ضرری نداشت و هیچ در فکر ملت‌ها نبودند، همین باقی مانده بود. این ملت به خواست خدای تبارک و تعالی و با عنایات خاصه او، اول منقلب شد در معنویات. جوان‌ها از آن حال سابق برگشتند به یک حال اسلامی و فهمیدند که اسلام چه باید باشد و چه باید بکند، دنبال او آن انقلاب حاصل شد»

بااین‌حال اما امام خمینی اصل تحول انسانی و انقلاب باطنی را به عنایت خداوند ارجاع می‌دهند؛ «این تحول، تحولی بود که به دست بشر نمی‌شد انجام بگیرد. در ملت یک تحول روحی پیدا شد، یک تحول باطنی پیدا شد؛ این تحول باطنی به دست خدا بود، با عنایت خدا بود.» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۷: ۵۵).

در منظری که امام در مورد انقلاب اسلامی پیش می‌کشد؛ اگرچه زمینه‌های اجتماعی بسترهایی برای ظهور انقلاب فراهم می‌کند اما درنهایت همین تحول باطنی در مردم ایران باعث شد که کنشگری و عمل مردم ایران درزمینهٔ اجتماعی موجود و در مبارزه با رژیم پهلوی جهت خودش را پیدا کند و درواقع مردم متوجه شدند که چه باید بکنند. «جوان‌ها از آن حال سابق برگشتند به یک حال اسلامی و فهمیدند که اسلام چه باید باشد و چه باید بکند» و به دنبال مبارزات و کنش سیاسی اجتماعی مردم تحول‌یافته و انقلابی، پدیده انقلاب اسلامی رخ می‌دهد. «دنبال او آن انقلاب حاصل شد»

انقلاب باطنی و تحول روحی درواقع نقطه تمایز نظریه امام خمینی با نظریه‌های مدرن انقلاب است و ازآنجاکه ایشان انقلاب اسلامی را معلول این تحول روحی می‌دانند، در نظریه ایشان پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مأموریت انقلاب پایان نیافته، بلکه صرفاً شرایط و زمینه سیاسی اجتماعی تغییریافته و شرایط جدیدی به وجود آمده است.

ازاین‌رو امام خمینی در دوران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ضمن سخنرانی‌های فراوانی که در تحلیل چگونگی ظهور انقلاب اسلامی و نسبت آن با انقلاب باطنی و تحول روحی ارائه

می‌دهند، همواره از چگونگی بازتولید مستمر انقلاب گفته و آن را در حفظ همان تحول روحی می‌دانند که منجر به پیروزی انقلاب شد. «این تحول الهی بود، کاری کنید که این تحول از بین نرود، اینکه الان به دست آوردید و ملت ما به دست آوردند، این از بین نرود» (همان) از منظر امام، تداوم انقلاب در دوران استقرار نظام کاملاً امکان‌پذیر بوده و آن را منوط به حفظ همان تحول روحی می‌دانند: «مادامی‌که ما این تحول را حفظ بکنیم و نهضت را به همان‌طور که تا حالا آمده است حفظش بکنیم، این برای ما پیروزی است» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۸: ۱۸۸).

امام خمینی در تشریح چیستی و چگونگی بازتولید انقلاب اسلامی در دوران استقرار نظام اسلامی پا را فراتر از این گذاشته و با طرح ضرورت حفظ و بازتولید مستمر این تحول روحی و انقلاب باطنی در ساختار حکومت نه‌تنها امکان همزیستی انقلاب و نظام در دوران پس از پیروزی را طرح می‌کنند، بلکه در مورد چگونگی و ابعاد این همزیستی نیز در سخنرانی‌های مختلف توضیح می‌دهند.

«امیدوارم در هر پستی که هستید یک تحول روحی پیدا بکنید؛ یعنی یک تحول اسلامی. وقتی که یک تحول روحی–اسلامی پیدا شد آن‌وقت دیگر انسان نسبت به کشور خودش خیانت نمی‌کند؛ و نسبت به برادرهای خودش با محبت است و به کارهایی که به او محول می‌شود علاقه‌مند است» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۷: ۲۷۵). ایشان با اشاره به دورهٔ بعد از برانداختن رژیم پهلوی و روی کار آمدن نظام اسلامی می‌فرمایند: «این دوره‌ای که ما الآن در آن هستیم، دوره انتقال است... باید یک تحول کلی در همه قشرها بشود. الآن این حکومت– یعنی طرز حکومت، نه خود حکومت؛ طرز وزارتخانه‌ها، طرز ادارات– باز تتمه‌ای از همان زمان طاغوت است. اینها تحول لازم دارد» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج۷: ۲۹٦).

امام خمینی راه‌حل ادامه حیات انقلاب در دوران استقرار نظام و حرکت به سمت تحقق نظام انقلابی را تحول هم‌زمان در نظام اجتماعی و سیاسی و نیز بازتولید تحول روحی و باطنی که باعث پیروزی انقلاب شد می‌دانند: «جمهوری اسلامی این است که اداره مالیه‌اش هم اسلامی باشد؛ اداره عدلیه‌اش هم اسلامی باشد. تحول باید پیدا بشود. تحول در نظام و تحول در افراد که این نظام را می‌خواهند پیش ببرند. به‌مجرد اینکه تحول در نظام هم باشد و تحول در افراد نباشد، فایده ندارد. برای اینکه وقتی تحول در افراد نباشد، اگر حالا هم یک کسی یک

تحولی در نظام درست کند، فردا همین افرادند که این نظام را می‌خواهند پیش ببرند؛ همین افراد نظام را مُعْوَج می‌کنند؛ برخلاف می‌کنند. تحول در افراد، در روحیه افراد، میزان است» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۹: ۱۸).

نظریه حکومت عدل

امام خمینی با طرح ایده «حکومت عدل» به‌خوبی نسبت انقلاب و نظام در دوران بعد از پیروزی انقلاب و امکان و ضرورت تحقق و شکل‌گیری «نظام انقلابی» را به‌صورت کاملاً عینی تبیین و تشریح می‌کنند. در نظر امام خمینی مأموریت انقلاب اسلامی محدود به براندازی رژیم فاسد پهلوی نبوده بلکه عهده‌دار برقراری رژیم حق و ایجاد یک نظم انسانی اجتماعی نیز است. «انقلاب اسلامی ما وجهه‌های مختلف دارد: انقلاب برای برانداختن رژیم فاسد و انقلاب برای به پا داشتن رژیم حق و امید است که انقلاب برای ساختن انسان و یک مملکت انسانی [باشد]» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۸: ۳۱۷). ازآنجاکه در نظریه امام خمینی اجرای مأموریت انقلاب اسلامی مبتنی بر وجود انقلاب باطنی و تحول روحی در انسان‌های انقلابی است، به‌تناسب در نظر گرفتن وجهه‌های مختلف برای انقلاب، برای انسان انقلابی نیز وجهه‌های مختلفی در نظر می‌گیرند و معتقدند بعد از براندازی نظم موجود، مأموریت انسان انقلاب نیز پایان نیافته، بلکه انسان انقلاب وارد مرحله دیگری از کنش انقلابی شده است، اگر در دوران مبارزه با رژیم سابق وظیفه‌اش قیام علیه حکومت مستقر بود، حالا و در دوران استقرار نظام برآمده از انقلاب، وظیفه‌اش کمک به برقراری عدالت و تحقق حکومت عدل است؛

«پاسداران هم باید پاسداری‌شان به طرز و شکل انقلاب باشد. تا آن وقتی که انقلاب برای شکستن سد رژیم بود، پاسداران آن انقلاب بودند؛ یعنی آن جهت انقلابی، باید قیام کنند و کردند و فریاد زدند و مقابله کردند با همه جنود ابلیسی؛ و به حمدالله در این جهت انقلاب پیروز شدید. لکن انقلاب یک جهتش پیروز [شد] آن هم نه تمام پیروز. بیشتر این سد از بین رفته است. ریشه‌های مختصری هم مانده است که امید است از بین برود. انقلاب برای تحقق حکومت عدل و جمهوری اسلامی که قدم بعد است، پاسدارها هم باید در این معنا پاسداری کنند؛ و همه باید پاسداری بکنند. همه پاسدار اسلام و حکومت حق باید باشید. در اینجا

پاسداری این است که؛ این حکومت، حکومت «عدل» باشد و «پاسداری از عدالت» باشد» (امام خمینی، ج۸: ۳۱۷).

امام خمینی شرط اصلی تحقق حکومت عدل را حفظ همان روحیه تحول و انقلاب باطنی می‌داند و آن را ذیل مفهوم «متصف به عدالت» بودن طرح می‌کنند و معتقدند اگر این روحیه عدالت‌خواهانه وجود نداشته باشد، نظام فعلی فرقی با نظام سابق نخواهد داشت؛ «پاسداری از عدالت این است که؛ پاسدار خودش موصوف به عدالت باشد تا بتواند پاسداری از عدالت کند. اگر خدای نخواسته یک پاسداری، یک گروهی، در جامعه ما موصوف به عدالت نیستند و همان‌طوری که دستگاه سابق دستگاه تعدی و ظلم و تجاوز به مردم بود، این گروه یا این پاسدار یا این جمعیت، هر کس باشد، این هم تا آن اندازه که دستش می‌رسد همان کارهای رژیم سابق را بکند، این پاسدار نمی‌تواند باشد» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۸: ۳۱۷). البته همان‌طور که پیش‌ازاین هم گفته شد، در نگاه امام خمینی بازتولید انقلاب اسلامی در دوران استقرار نظام برآمده از انقلاب صرفاً معطوف به انسان‌های انقلابی نمی‌شود بلکه علاوه بر آن ساختار نظام نیز باید متحول و در جهت برقراری عدالت بازسازی بشود. طرح دوگانه «حکومت عدل» و «حکومت فاسد» در توضیح وجوه مختلف مأموریت‌های انقلاب نیز به همین مسئله اشاره دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

بررسی نظریه‌های مختلف جنبش‌های اجتماعی و نظریه‌های انقلاب، محور پژوهشی بود که به دنبال یافتن معنایی از انقلاب اسلامی شکل گرفت که با درکی متفاوت از مفهوم انقلاب در نسبت با سایر نظریه‌های موجود، امکان و چگونگی تحقق نظام انقلابی را نشان بدهد.

در بررسی به عمل آمده و در تحقیق حاضر این نتیجه حاصل شد که در لایه اجتماعی بحث، نظریه زاهد زاهدانی که مهم‌ترین رکن در شناسایی جنبش‌های اعتراضی اجتماعی را جهت جنبش می‌داند و این جهت در ایدئولوژی جنبش متبلور است، با عبور از ساخت‌گرایی موجود در عمده نظریات جنبش اجتماعی ما را از بند امتناع همزیستی «نهضت» و «نهاد» یا به تعبیری دیگر «انقلاب» و «نظام» رهانیده و این امکان را فراهم می‌کند که در مورد سرنوشت

انقلاب بعد از پیروزی و براندازی نظم موجود و در نسبت با نظم جدید و نظام برآمده آن، نظریه‌پردازی صورت بگیرد.

نظریه‌های موجود جنبش اجتماعی ازآنجاکه چگونگی شکل‌گیری جنبش‌ها را درزمینه‌های اجتماعی و ساختارهای جامعه دنبال می‌کنند، عمدتاً مأموریت جنبش‌ها را محدود به تغییر در همان زمینه‌ها می‌دانند. سرنوشت این نوع نگاه به چگونگی ایجاد جنبش، پایان مأموریت جنبش بعد از تغییر در زمینه‌های اجتماعی موجود است و جنبش‌ها بعد از تحقق اهداف یا تمام می‌شوند یا تبدیل به سازمان و نهاد می‌گردند؛ اما محوریت دادن به ایدئولوژی در تحلیل جنبش‌ها در نظریه زاهد، ما را به این نکته مهم رهنمون ساخت که یک جنبش، ازآنجاکه ماهیتش وابسته به ایدئولوژی و جهت آن است، لذا پس از ایجاد تغییرات مدنظر در زمینه‌های اجتماعی، لزوماً مأموریتش به اتمام نرسیده است. در این نظریه می‌توان تصور کرد که در دوران برقراری نظم جدید نیز امکان ظهور ترکیبی هماهنگ بین ایدئولوژی، کنشگران و زمینه اجتماعی جدید و لذا ادامه حیات جنبش در جهتی که ایدئولوژی از سوی رهبران برای کنشگران در دوران اجتماعی جدید تعیین می‌کند، وجود دارد.

با وجود اینکه نظریه زاهد بن‌بست ایجاد شده توسط نظریه‌های جنبش و انقلاب در مورد امکان همزیستی نظام و انقلاب را می‌شکند، اما به‌صراحت در مورد چگونگی حیات جنبش در دوران بعد از پیروزی جنبش ایده‌ای مطرح نمی‌کند. لذا برای بررسی دقیق چگونگی ادامه انقلاب در دوران بعد از براندازی نظم موجود و نسبت آن با نظام، به سراغ نظریه بدیع امام خمینی رفتیم.

امام خمینی در تحلیلی که از ماهیت و چگونگی ایجاد انقلاب اسلامی ارائه می‌دهند، افقی متفاوت و خلاف آمد نسبت به نظریات مدرن انقلاب ترسیم می‌کنند. ایشان برخلاف همهٔ نظریات انقلاب، در تبیینی علّی از انقلاب اسلامی، ریشه انقلاب اسلامی را نه درزمینه‌ها و تحولات اجتماعی بلکه در یک انقلاب باطنی و تحول روحی در مردم ایران می‌دانند. اگر نظریات انقلاب و تئوری‌های جنبش اجتماعی، ریشه تحولات را از بیرون و در متن زمینه‌های اجتماعی جستجو می‌کنند، در نگاه امام، انقلاب اسلامی نه در ساختار جامعه و تحولات آن بلکه در انقلاب درونی مردم که از نظر ایشان تحولی فراتر از تحولات سیاسی–اجتماعی است،

ریشه دارد انقلاب درونی که امام خمینی آن را «تحفه الهی» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۱: ۴۰). می‌دانند. نظریه امام با تأکید بر انسان و تحولات درونی انسان در تحلیل انقلاب اسلامی و برتر دانستن آن نسبت به اصل برانداختن رژیم پهلوی، به این نظریه امکان تئوری‌پردازی در مورد توصیف مأموریت انقلاب در دوران پس از پیروزی بر رژیم سابق را می‌دهد. ایشان در تحلیلی که ۷ سال بعد از پیروزی در تحلیل انقلاب اسلامی ارائه می‌دهند، از نقش این انقلاب درونی در ملت ایران از زمان مبارزات و پیدایش انقلاب تا سال‌های بعد از پیروزی انقلاب می‌گویند و موفقیت‌ها را همه مرهون این تحول درونی می‌دانند.

«آن چیزی که در اینجا حاصل شد و باید او را جزء معجزات، ما حساب بکنیم، همان انقلاب درونی این ملت بود. انقلاب درونی این ملت موجب شد که این انقلاب پیدا شد و همان انقلاب درونی آن‌ها و شناخت آن‌ها از اسلام و توجه آن‌ها به خدای تبارک و تعالی موجب شد که در تمام این دوره‌ای که ما در آن هستیم، از اوّلی که قیام شد و بعد به انقلاب مبدل شد و بعد پیروز شد و تا الآن، روز به روز می‌بینید که حضور ملت و تعهد ملت رو به افزایش است. این نه برای انقلاب است، برای انقلاب درونی است» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۹: ۴۷۹). و اساساً از نظر ایشان همین انقلاب درونی عامل مصون ماندن انقلاب اسلامی از آسیب‌هایی است که دیگر انقلابات بعد از پیروزی دچار آن شده‌اند. «اگر آن مسئله حاصل نشده بود، انقلاب اینجا هم مثل یکی از انقلابهای دیگری بود که حالشان را می‌بینید و دیدید» (امام خمینی، ۱۳۷۸ ج ۱۹: ۴۷۹). در نگاه ایشان، این تحول درونی و باطنی در مردم پس از طرح اسلام ناب به‌مثابه ایدئولوژی انقلاب اسلامی در برابر اسلام ناقص و برکنار مانده از تحولات سیاسی-اجتماعی ایران، به وجود آمده است و انقلاب اسلامی و پیروزی‌های بعد از انقلاب نیز ناشی از کنش‌گری‌های همین مردم تحول یافته و انقلابی است. ازاین‌رو ایشان نه‌تنها مأموریت انقلاب پس از براندازی رژیم پهلوی را پایان‌یافته تلقی نمی‌کنند، بلکه ضمن تأکید بر ضرورت ماندگاری انقلاب، رمز این ماندگاری را در حفظ و بازتولید همان انقلاب روحی و باطنی که منجر به پیروزی انقلاب شد، می‌دانند. لذا از نظر امام، نه‌تنها مأموریت انقلاب اسلامی بعد از پیروزی به پایان نرسیده است، بلکه راه تداوم و بازتولید آن نیز مشخص است؛ «حفظ تحول درونی»، «من امید این را دارم که این تحول باقی بماند؛ و شما بانوان و

شما برادران و سایر برادران و خواهران ما جدیت کنید که حفظ کنید این تحول روحی را» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۸: ۳۸٤). بر همین مبنا در پاسخ به سؤال دوم پژوهش حاضر می‌توان به‌طور خلاصه این‌طور گفت که در مدلی که امام خمینی برای همزیستی انقلاب و نظام و تحقق «نظام انقلابی» طرح می‌کنند، اصل و اساس، حفظ انقلاب درونی و باطنی و بازتولید آن در همه شئون نظام جمهوری اسلامی است و بر همین مبنا ایده «حکومت عدل» را طرح می‌کنند. در طرح امام خمینی از حکومت عدل، ما با سه‌گانهٔ «ایدئولوژی»، «انسان انقلابی» و «ساختار حکومتی عادلانه» مواجه هستیم. از نظر امام خمینی اگر ایدئولوژی اسلام ناب در دوران مبارزه با رژیم پهلوی، جهت کنشگری انسان‌های انقلابی را قیام علیه نظم فاسد تعیین می‌کرد، در دوران برقراری نظام اسلامی، جهت کنشگری انسان‌های انقلابی، «عدالت» است. از نظر ایشان، برای تحقق نظام انقلابی بایستی انسان‌های انقلابی از جهت‌گیری‌ها به سمت عدالت صیانت کنند و ساختار حکمرانی کشور نیز بایستی در جهت عدالت، متحول بشود. امام خمینی مبنا و ریشه همه این تحولات را در حفظ و صیانت از آن انقلاب باطنی و تحول روحی که منجر به پیروزی انقلاب شد می‌دانند. لذا درمجموع می‌توان گفت، از نظر ایشان، اولاً حفظ و بازتولید انقلاب باطنی و تحول روحی در مردم، ثانیاً حضور انسان‌های انقلابی در صحنه و صیانت از عدالت و ثالثاً تحول و بازسازی ساختار حکمرانی بر مبنای عدالت و مدیریت انسان‌های انقلابی، بایسته‌های تحقق «نظام انقلابی» است.

منابع و مأخذ

امینی، سیدجواد و محمد مبینی (۱۳۹۸). «تبیین مفهوم راهبردی نظریه نظام انقلابی در جمهوری اسلامی ایران». **فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی**. شماره ۳۰: ٤۸-۲۳.

برینتون، کرین (۱۳۸۵). **کالبد شکافی چهار انقلاب**. ترجمهٔ محسن ثلاثی. چاپ دوم. تهران: نشر نو.

بومر، فرانکلین لوفان (۱۳۸۵). **جریان‌های بزرگ در تاریخ اندیشهٔ غربی**. ترجمهٔ حسین بشیریه. تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.

جانسون، چالمرز (۱۳٦۳). **تحول انقلابی**. ترجمهٔ الیاسی. تهران: امیرکبیر.

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۷، بهمن). **بیانیه «گام دوم انقلاب» خطاب به ملت ایران**، برگرفته از لینک https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673

زاهد زاهدانی سیدسعید و سیداسماعیل مسعودی (۱۳۹٤). «تحلیل جامعه‌شناختی نهضت جنگل با تأکید بر ایدئولوژی آن». فصلنامه **جامعه‌شناسی کاربردی**. شماره ٦۰: ۱۸٤-۱٦٥.

زاهد زاهدانی سیدسعید و احسان حمیدی‌زاده (۱۳۹۱). «جنبش‌های بنیادگرایی دینی». **دو فصلنامه غرب‌شناسی بنیادی**. شماره ۲: ۱۰٥-۷٥.

زاهد زاهدانی، سیدسعید (۱۳۷۷). «نظریه ترکیبی در مورد جنبش‌های اجتماعی». **فصلنامه فرهنگ، اندیشه سیاسی**. شماره ۲۷ و ۲۸: ۲۷۲-۲٤٥.

سرپرست‌سادات، سیدابراهیم (۱۳۹۸). «جامعه‌پردازی در گام دوم انقلاب اسلامی با نظریه نظام انقلابی». **فصلنامه نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان**. شماره ۲: ۳۰۲-۲۸۱.

فوران، جان (۱۳۷٥). «نظریه‌ای در خصوص انقلاب‌های جهان سوم: مقایسه‌ای بین ایران». نیکاراگوئه و السالوادور. ترجمهٔ مینو آقایی خوزانی. **فصلنامه راهبرد**. شماره ۹: ۲٦٥-۲۲٥.

فولادوند، عزت‌الله (۱۳۸۱). **آرنت، هانا، انقلاب**. چاپ سوم. تهران: انتشارات خوارزمی.

کارلوت، پیتر (۳۸۳۱). **انقلاب و ضد انقلاب**، ترجمهٔ حمید قانعی. تهران: آشیان.

گلدستون، جک (۱۳۸٥). **مطالعاتی نظری، تطبیقی و تاریخی در باب انقلاب‌ها**. ترجمهٔ محمدتقی دلفروز. چاپ اول. تهران: نشر کویر.

محمدی، منوچهر (۱۳۸۲). «بررسی نظریات انقلاب، در انقلاب اسلامی و رابطه آن با جمهوری اسلامی». **مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی.** شماره ٦۱: ۲٦۳-۲۳۹.

محمودپناهی، سیدمحمدرضا (۱٤۰۱). «الگوی پیشرفت سیاسی در بیانیهٔ گام دوم بر اساس نظریهٔ نظام انقلابی». **فصلنامه مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی.** شماره ۹۰: ۱۸۸-۱۷۱.

مشیرزاده، حمیرا (۱۳۷۵). «مروری بر نظریه‌های انقلاب در علوم اجتماعی». **فصلنامه راهبرد.** شماره ۹: ۱٥٦-۱۰۷.

موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۸۱). **ولایت فقیه.** جلد ۱۲. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۷۸). **صحیفه امام.** جلد ۲۲. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

ملکوتیان، مصطفی (۱۳۸۷). **بازخوانی علل وقوع انقلاب اسلامی در سپهر نظریه‌پردازی‌ها.** چاپ اول. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

هانتینگتون، ساموئل (۱۳۸٦). **سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی.** ترجمهٔ محسن ثلاثی. چاپ چهارم. تهران: نشر علم.

abrahamian, ervand. (1980) structural causes of the iranian revolution, merip, report, no. 87.

Blumer, H. (1969) Social movements, Lee, A. M. Principles of sociology (Barnes & Noble).

Fred Halidy. (1982 – 83) the Iranian Revolution: Uneven Development and Religious Populism, Journal of Ztrenational Fiffairs, Vol. 26.

McCarthy, John D. & Zald, Mayer N. (1973) The Trend of Social Movements in America: Professionalization and Resource Mobilization (Morristown, N.J. General Press).

Toch, Hans (1966). The Social Psychology of Social Movements, London: Methuen.

فصلنامه شاهد اندیشه / دوره سوم/ شماره ۲ / پیاپی ٦/ پاییز و زمستان ١٤٠١/ ٣١٤-٢٩٥
Two Journal Of Shahede Andisheh Autumn & Winter 2022: 295-314

تحلیل نظری بر شکل‌گیری توافقنامه ابراهیم

حمیدرضا تبشیری[1]، مرتضی رفیعی بصیری[2]

چکیده

تاریخ ٧٤ ساله فلسطین و منطقه پس از تأسیس رژیم جعلی اسرائیل نشان از آن دارد که همواره با خون‌ریزی و اشغال همراه بوده و زمانی نیز که اقدام به صلح کرده است در سیاست پنهان مشق جنگ کرده است. سؤال این مقاله آن است که توجه به نظریات روابط بین‌الملل شکل‌گیری توافقنامه ابراهیم چگونه قابل تحلیل است؟ این توافق گرچه در ابتدا یک توافق سیاسی به دنبال تقویت روابط بحرین و امارات، مراکش و سودان با رژیم معرفی شد اما امروزه منافع امنیتی اسرائیل را پیگیری می‌کند. یافته‌های تحقیق نشان از آن دارد که اسرائیل هیچ‌گاه تفکر (نیل تا فرات) را کنار نمی‌گذارد و از رویکرد رئالیستی در سیاست امنیتی دست برنمی‌دارد. این مقاله با روش توصیفی ـ تحلیلی به دنبال تحلیلی تئوریک به چیستی و چرایی شکل‌گیری این توافقنامه ابراهیم است.

واژگان کلیدی

توافقنامه ابراهیم، رژیم صهیونیستی، سیاست خارجی، امنیت.

تاریخ دریافت: ١٤٠١/٠٨/٢٦ تاریخ پذیرش: ١٤٠١/٠٩/١٦

١. دکتری علوم سیاسی (نویسنده مسئول). drhamidrezatabshiri@gmail.com
٢. دانش‌آموختهٔ دکتری روابط بین‌الملل. rafieibasiri@gmail.com

❖ مقدمه

وقوع انقلاب و ناآرامی‌های سیاسی داخلی در کشورهای عربی در سال ۲۰۱۱ و همچنین درگیری‌های متعدد با جبهه مقاومت، توجه اسرائیل را به‌ویژه از حیث تأثیری که بر امنیت دولت یهودی خواهد داشت، برانگیخته است. در این میان، دو رویکرد عمده در برابر این تهدیدات، در میان سیاستمداران، تحلیلگران و مقامات نظامی و امنیتی اسرائیلی وجود دارد. دسته نخست، این تهدیدات را فرصتی برای اسرائیل می‌دانند تا با روی کار آمدن دولت‌هایی دموکراتیک و باثبات‌تر، اسرائیل شرکای صلحی پایدارتر بیابد. به‌عبارت‌دیگر، اعتبار قراردادهای صلح بسته به شیشه عمر حکومت‌های دیکتاتوری نخواهد بود. از طرف دیگر نیز دولت‌های دموکراتیک عربی که توجه خود را معطوف به مشکلات داخلی خود نموده‌اند و رویکرد خصمان‌های نیز در برابر اسرائیل و ایالات‌متحده در پیش نخواهند گرفت، مطابق با مدلی که بی‌شباهت به انگاره صلح دموکراتیک نیست، به میزان بیشتری در مسیر برقراری یا بهبود مناسبات با اسرائیل حرکت خواهند نمود. به‌علاوه، اسرائیل در این همهمه، می‌تواند روابط خود را با ترکیه که خصومت‌آمیز شده بود، بهبود بخشد. تحکیم و نزدیکی بیشتر با عربستان سعودی نیز قابل‌تصور است که در این وضعیت است که امضاکنندگان قرارداد صلح با دولت یهودی بوده‌اند. در برابر این نظرگاه اقلیت، حرکت غالب در اسرائیل با نگرشی بدبینانه به این تهدیدات می‌نگرند؛ بنابراین مقدمه سؤال اصلی این پژوهش این‌گونه مطرح می‌شود که با توجه به نظریات روابط بین‌الملل شکل‌گیری توافقنامه ابراهیم چگونه قابل تحلیل است؟ بر این اساس به بررسی شکل‌گیری توافق ابراهیم بر امنیت اسرائیل از دو نظریهٔ مادر در روابط بین‌الملل کمک گرفته و به تحلیل موضوع می‌پردازیم. در بعد درون واحدی و فهم از مفهوم امنیت در جریان شکل‌گیری توافقنامه ابراهیم و پس‌ازآن، این موضوع را با استفاده از نظریهٔ سازه‌انگاری به تحلیل خواهیم نشست؛ و در خصوص بررسی واقعیات مادی صحنهٔ خاورمیانه در این زمان از واقع‌گرایی و به‌طور جزئی‌تر از تأثیر این انقلابات بر موازنهٔ تهدید در این منطقه یاری می‌گیریم.

چارچوب نظری

امنیت مفهومی است چندبعدی که دو ریشه دارد، ریشه‌ای در فهم واحد از محیط پیرامون که به‌نوعی با امنیت روانی در رابطهٔ فرد با جامعه قابل‌مقایسه است و ریشهٔ دیگر این مفهوم بررسی مادی توانمندی‌ها در سه سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی است. بدین منظور برای بررسی مباحث تئوریک این پژوهش با طرح نظریه سازه‌انگاری و موازنهٔ قدرت ابتدا به بررسی اصول امنیت از نگاه اسرائیل خواهیم پرداخت، سپس تأثیرات انقلابات عربی بر واحدهای درگیر انقلاب و موازنهٔ تهدید در خاورمیانه با استفاده از اندیشه استفان والت تحلیل خواهیم کرد و در انتها با توجه به نتایج حاصل به شکل‌گیری توافقنامه ابراهیم بر امنیت اسرائیل خواهیم پرداخت.

واقع‌گرایی

واقع‌گرایی، به‌عنوان مکتب تئوریک مسلط در رشته روابط بین‌الملل در دوره پس از جنگ جهانی دوم محسوب می‌شود. به‌رغم مواجهه این نظریه با چالش‌های مختلف در طول دهه‌های اخیر، ولی همچنان به‌عنوان یکی از نظریه‌های اصلی روابط بین‌الملل تداوم یافته است. واقع‌گرایی تلاشی بود برای انتقال اصول تجربی دیپلماسی قرن نوزدهمی اروپا، به نظریه‌ای علمی که به‌طور عمده در آمریکا بکار گرفته شد (Guzzini, 1998: 5). واقع‌گراها، دولت‌ها را بازیگران اصلی سیاست بین‌الملل می‌دانند. آن‌ها بر مقوله امنیت تأکید فراوان دارند. همچنین، نیروی نظامی کارآمد را برای حمایت از دیپلماسی، سیاست خارجی و درنهایت تأمین امنیت ضروری قلمداد می‌کنند. آن‌ها بر استفاده از تهمیداتی چون موازنه قدرت و بازدارندگی تأکید دارند (قوام، ۱۳۹٤: ۲۹۸-۲۹۷).

نوواقع‌گرایی که به آن واقع‌گرایی ساختاری نیز اطلاق می‌شود، برای اولین بار توسط کنت والتز در سال ۱۹۷۹ مطرح شد. وی در کتاب «نظریه سیاست بین‌الملل» به تبیین اصول واقع‌گرایی ساختاری پرداخت. واقع‌گرایی ساختاری اصول پایه‌ای واقع‌گرایی کلاسیک از قبیل دولت محوری، قدرت محوری، آنارشیک بودن نظام بین‌الملل، یکپارچگی و عقلانیت کشورها و توازن قوا را می‌پذیرد اما از جهات مختلف، متفاوت و مستقل از واقع‌گرایی کلاسیک است

(دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۳٤). این نظریه، سرشت انسان را باعث کشمکش میان دولت‌ها و تلاش آن‌ها برای کسب قدرت نمی‌داند بلکه سطح تحلیل را نظام بین‌الملل در نظر گرفته و ساختار آنارشیک سیستم بین‌المللی را عامل وادارشدن دولت‌ها در تعقیب قدرت و تعیین‌کننده نوع و قواعد بازی به حساب می‌آورد. نظریه نوواقع‌گرایی بر این باور است که مقابله با تهدیدات مشترک یا ادراک از تهدیدات مشترک منجر به اتحاد و ائتلاف میان دولت‌ها به‌عنوان کنش گران اصلی نظام بین‌الملل می‌شود. در این نظریه، با الهام از نظریه بازی‌ها و نظریه انتخاب عقلانی، دولت‌ها به‌عنوان کنش گران عقلانی فرض می‌شوند که با محاسبه سود و زیان خود و در صورت وقوع تهدیدات مشترک، بر اساس مصلحت، برای رفع تهدیدات دست به اتحاد و ائتلاف با همتایان خود که آن‌ها نیز در معرض چنین تهدیدات مشابهی هستند، می‌زنند؛ بنابراین، اتحاد و ائتلاف در چنین نظریاتی، عامل دفع تهدید و ایجاد موازنه قدرت در برابر تهدیدگر به شمار می‌رود (رسولی ثانی آبادی، ۱۳۹۷: ۱۷۳).

از دیدگاه والتز، نظام بین‌الملل ساختار مشخصی دارد که در آن باید سه اصل یعنی نظم دهندگی، ویژگی‌های واحدهای موجود در نظام و توزیع توانایی میان واحدها را در نظر گرفت (Waltz, 1979: 81-82). بر اساس اصل نظم دهندگی، نظام بین‌المللی در یک حالت آنارشی قرار دارد که دولت‌ها را بر آن می‌دارد تا بدون توجه به ظرفیتشان به دنبال تأمین امنیت و خودیاری عمل کنند. در مورد ویژگی دوم آن‌ها معتقدند که همه دولت‌های موجود در نظام بین‌الملل به‌واسطه وجود فشارهای ساختاری، ازلحاظ کارکردی در وضعیت مشابهی‌اند و هدف مشترک بقا را دارند (سیف‌زاده، ۱۳۸۸: ۲۵۱–۲۵۰). در ارتباط با مسأله سوم، این ویژگی ساختار به میزان تمرکز و پراکندگی توانمندی‌های داخلی نظام مربوط می‌گردد. درواقع عامل مهم در ظهور و سقوط نظام‌های بین‌المللی، ظهور و سقوط دولت‌های قدرتمندی است که به الگوهای تعامل بین‌المللی شکل می‌دهند.

در نظریه واقع‌گرایی ساختاری، دولت‌ها بشدت به موازنه قوا اهمیت می‌دهند. آن‌ها در تلاش‌اند تا به‌نوعی از رقبای بالقوه خود قوی‌تر باشند، زیرا این برتری، بقا و امنیت آنان را بیشینه می‌سازد. به همین دلیل، کشورها سعی می‌کنند تا قدرت را به قیمت از دست دادن آن از سوی رقبا به دست آورند. جنگ و نیروی نظامی، نه برای تغییر و برهم زدن وضع موجود،

بلکه برای حفظ وضع موجود مفید است (Waltz, 1979: 190-191). راهبرد کشورها برای مقابله با تلاش رقبا برای افزایش قدرتشان موازنه‌سازی است. کشورهایی که احساس تهدید می‌کنند از طریق موازنه سازی درون‌گرا، یعنی تقویت توانایی‌های خود، یا موازنه‌سازی برون‌گرا، در چهارچوب ائتلاف‌های نظامی به مقابله با کشورهای برهم زننده موازنه قوا می‌پردازند (Waltz, 1979: 126-128).

از موازنه قدرت تا موازنه تهدید؛ مفهوم موازنه قدرت بر مبنای این ایده است که کشورها در برابر افزایش قدرت یکدیگر واکنش نشان داده و این واکنش در قالب ائتلاف و اتحاد نمود پیدا کرده تا بتوانند قدرت فزاینده همدیگر را خنثی کنند. هسته مرکزی نظریه موازنه قدرت مفهوم قدرت است. هرگونه افزایش قدرت از سوی کشوری با واکنش کشورهای مختلف روبه‌رو شده و آن‌ها را به ائتلاف‌سازی علیه دولت قدرتمند وادار می‌کند؛ اما نظریه موازنه قدرت با چالش‌هایی مواجه شده است. استفن والت به عنوان نظریه‌پرداز واقع‌گرایی تدافعی سعی در اصلاح و افزایش کارآیی نظریه موازنه قدرت کرد والت بحث خود را از تمایز دو مفهوم قدرت و تهدید آغاز کرد و بر این باور بود که تهدید (ونه قدرت) هسته مرکزی نگرانی‌های امنیتی را تشکیل می‌دهد. والت در مقابل این بر اساس نظر والت کشورها به دنبال توازن دادن به هر قدرتی نیستند، بلکه آن‌ها در پی توازن دادن در مقابل کشوری هستند که افزایش قدرت آن تهدید محسوب می‌شود. والت در این زمینه می‌گوید «دولت‌هایی که تهاجمی تلقی می‌شوند موازنه دیگران علیه خود را برمی‌انگیزند» والت در اصلاح نظریه موازنه قدرت در کنار تمایز مفهوم قدرت و تهدید چهار مؤلفه را به‌عنوان عوامل تهدیدگر توصیف کرد:

۱. قابلیت‌های کلی (جمعیت، قدرت اقتصادی، نظامی و...) این شاخص وجه اشتراک موازنه قوا و موازنه تهدید است؛

۲. مجاورت جغرافیایی (نزدیکی کانون تهدید) میان درک از تهدید و نزدیکی جغرافیایی رابطه مستقیمی وجود دارد؛

۳. قابلیت‌های تهاجمی هرچه میزان توانمندی تهاجمی کشوری بیشتر باشد، دغدغه‌های امنیتی آن کشور به همان میزان افزایش پیدا می‌کند؛

٤. نیات تهاجمی دولت‌های دارای نیات تهاجمی در مقایسه با دولت‌های حافظ وضع موجود متضمن تهدیدهای بیشتری هستند. داشتن عوامل مزبور می‌تواند دال بر تهدیدگری دولت باشد. پس تهدید عبارت است از ترکیبی از قدرت تهاجمی دولت، توانمندی‌های نظامی، نزدیکی جغرافیایی و نیات تجاوزکارانه احتمالی آن‌ها؛ بنابراین آنچه دولت‌ها را به موازنه سازی ترغیب می‌کند، برداشت آن‌ها از یکدیگر به‌عنوان تهدید بوده و نه صرف میزان قدرت هر یک از آن‌ها. از دید والت دولت‌ها به دو دلیل روش موازنه را انتخاب می‌کنند: اولاً تلاش می‌کنند قبل از اینکه بقایشان توسط قدرتی بالقوه به خطر بیفتد دست به موازنه بزنند؛ ثانیاً پیوند با طرف ضعیف‌تر تأثیرگذاری عضو جدید را درون اتحاد. به این خاطر افزایش می‌دهد که طرف ضعیف نیازمند کمک است (Walt, 1986: 110-111).

موازنهٔ تهدید؛ یکی از تفاوت‌های والت با سایر گرایش‌ها در باور وی به اصل توازن‌تهدید است؛ به این معنا کشورها بر اساس میزان تهدید به امنیت و بقای خود دست به سیاست‌گذاری می‌زنند؛ اما سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که کشورها تهدید را چگونه و بر اساس چه شاخص‌هایی درک می‌کنند و اینکه در مقابل آنچه راه‌کارهایی را در پیش می‌گیرند؟

وی طی مطالعه‌های گستردهٔ خود به این نتیجه رسیده است که تهدیدها بر اساس چهار شاخص اصلی زیر مورد ارزیابی قرار می‌گیرند:

- توانایی‌ها شامل جمعیت، قدرت اقتصادی، وسعت کشور و سایر عوامل ژئوپلیتیک قدرت؛
- نزدیکی جغرافیایی؛
- توانایی تهاجمی؛
- نیات تهاجمی (Walt, 1986: 147-151).

در مورد توانایی‌ها باید گفت که هر چه توانایی‌های کشور تهدیدکننده بیشتر باشد، میزان تهدید دریافت شده بیشتر است. متغیرهای مرتبط با توانایی کشورها نیز شامل جمعیت، وسعت، اقتصاد و سایر عوامل ژئوپلیتیکی هستند که همیشه از عوامل مهم در ارزیابی میزان قدرت کشورها محسوب می‌شده‌اند. مسأله بعدی نزدیکی جغرافیایی است؛ از نظر والت، کشورها تهدید را هر اندازه نزدیک‌تر باشد، به شکل بیشتر و بهتری درک می‌کنند. برای مثال در جدال بین اعراب و رژیم صهیونیستی، کشورهای نزدیک به این رژیم مثل مصر و لبنان احساس تهدید بیشتری نسبت به سایر کشورهای عربی داشتند؛ بنابراین تهدیدهایی که نزدیک‌تر هستند زودتر و بیشتر احساس می‌شوند و سریع‌تر به آن‌ها واکنش نشان داده می‌شود.

درزمینهٔ توانایی‌های تهاجمی نیز باید گفته شود که بین نیات تهاجمی و میزان تهدید، ارتباط مستقیمی وجود دارد. به این معنا که هر چه مقدار توانایی نظامی یک کشور بیشتر باشد میزان نگرانی و تهدید به همان میزان افزایش می‌یابد. البته واقعیت آن است که امروزه با توجه به پیچیدگی‌های مسائل نظامی به‌راحتی نمی‌توان بین تسلیحات تدافعی و تهاجمی تفاوت قائل شد (Jervis, 2008: 110-117). برای مثال، خرید موشک‌های زمین به زمین توسط یک کشور می‌تواند برای همسایگان آن با برداشت‌های متفاوتی همراه شود؛ از طرف دیگر سلاح‌های نظامی چون موشک، تانک و... هم می‌تواند جنبه تدافعی و هم جنبه تهاجمی داشته باشد. با این وجود، این پیچیدگی‌ها بیشتر در سطح نظری مطرح می‌باشند و در عرصهٔ علمی و سیاست‌گذاری و نظامی، کارشناسانی که خرید نظامی کشورها را رصد می‌کنند، راحت‌تر می‌توانند در مورد میزان تدافعی و تهاجمی بودن آن نظر دهند؛ برای مثال، خریدهای نظامی عراق در دوران صدام حسین را کمتر کارشناسی در راستای تدافعی مورد ارزیابی قرار می‌داد.

متغیر آخر، نیات تهاجمی یک کشور است. در اینجا نیز ارتباط مستقیمی بین میزان تهدید و نیات تهاجمی وجود دارد؛ به عبارت دیگر هر چه نیات تهاجمی یک کشور بیشتر باشد، میزان تهدید درک شده در میان سایر کشورها به همان میزان افزایش می‌یابد.

مسأله بعدی که در این قسمت مورد ارزیابی قرار می‌گیرد اینکه پس از درک تهدید کشورها در مقابل آنچه کار می‌کنند و آیا دست به توازن می‌زنند یا اینکه خود به کشور تهدیدکننده ملحق می‌شوند؟ از نظر والت، در حالت تهدید، دو راه حل وجود دارد: در حالت

اول کشورهایی که مورد تهدید واقع شده‌اند بر اساس اصل توازن‌تهدید دست به توازن می‌زنند. علت آن‌که دولت‌ها به توازن روی می‌آورند در دو مسأله است. اول این‌که بقای آن‌ها وابسته به توازن دادن آن تهدید است. در صورتی که کشورها در مقابل تهدید توازن را ایجاد نکنند، بقای خود را به خطر انداخته‌اند. برای مثال، سیاست چهارصد ساله انگلستان که تحت عنوان سیاست سنتی انگلیس در اروپا شناخته می‌شود، ایجاد توازن در مقابل طرف قوی‌تر بود. انگلیس توانست با اجرای درست و دقیق این سیاست، برتری خود را برای صدها سال بر اروپا حفظ کند. دوم آن‌که اتحاد با طرف ضعیف‌تر باعث افزایش نفوذ می‌گردد در حالی که اتحاد با طرف تهدیدکننده باعث نفوذ کشور قدرتمندتر می‌گردد.

پاسخ دومی که می‌تواند در مقابل تهدید در پیش گرفته شود، ملحق شدن به آن یا به عبارت دیگر اتحاد با طرف تهدیدکننده است. در این زمینه مثال‌های فراوانی وجود دارد. برای نمونه، تمامی کشورهایی که در جنگ جهانی دوم به آلمان پیوستند، به شکلی به طرف تهدیدکننده ملحق شدند. نمونهٔ دیگر، در تمامی طول جنگ سرد مسابقه گسترده‌ای بین اتحاد جماهیر شوروی و آمریکا وجود داشت تا هر یک خود را از دیگران قوی‌تر نشان دهد؛ علت این مسابقه در این بود که به کشورهای دیگر نشان دهند باقی ماندن در اتحاد با آن‌ها بهتر از خروج و پیوستن به ابر قدرت دیگر است؛ به عبارت دیگر هر چه میزان قدرت و در نتیجه میزان تهدید بیشتر بود، کشورها اعتماد بیشتری به طرف تهدیدکننده می‌کردند و برای رهایی از آن تهدید به کشور قدرتمندتر ملحق می‌شدند (Walt, 1987: 147-151).

نکته مهم و در عین حال متفاوتی که والت اضافه می‌کند این است که کشورها به «میزان قدرت» واکنش نشان نمی‌دهند، بلکه عامل اصلی در این زمینه «میزان تهدید» است؛ به عبارت دیگر، وی ضمن قبول تأثیرگذاری قدرت بر این باورست که آنچه در عمل به واکنش سایر کشورها شکل می‌دهد در نهایت تهدید و نه قدرت است. همان‌گونه که در قسمت‌های قبلی شرح داده شد، میزان تهدید بر اساس چهار شاخص میزان توانایی‌ها، نزدیکی جغرافیایی، قدرت تهاجمی و نیات تهاجمی درک می‌شود.

والت اضافه می‌کند، در جهانی که توازن قوا در اولویت است، امنیت بیشتری وجود دارد. در وجود شرایط توازن امکان شکل‌گیری جنگ در سطح پایینی قرار دارد؛ اما اگر اتحاد با طرف

قوی‌تر در اولویت باشد، شرایط برای خشونت و جنگ مهیا است. در چنین حالتی کشور تهدیدکننده با الحاق سایر کشورها به آن پاداش می‌گیرد و بر میزان قدرت و تهدید آن اضافه می‌شود. در اینجا اشتباه‌های کشورها نیز تأثیرگذار است. برای مثال، اگر شرایط بین‌المللی بر اساس اتحاد با طرف قوی‌تر باشد و یک کشور به اتحاد رو بیاورد، امنیت و بقای خود را به خطر انداخته است، چرا که در چنین شرایطی، امکان توازن وجود ندارد و کشور تهدیدکننده با ملحق شدن سایر کشورها به آن در شرایط مناسبی برای حمله و تجاوز قرار می‌گیرد؛ اما اگر شرایط توازن وجود داشته باشد و کشوری بخواهد اتحاد با طرف تهدیدکننده را در اولویت قرار دهد، به شدت تنبیه و منزوی خواهد شد. برای مثال، ویلهلم در جنگ جهانی اول با تصور آن‌که شرایط اتحاد سایر کشورها با آلمان مهیاست و کشورهای دیگر اروپایی به وی ملحق خواهند شد، جنگ را آغاز نمود و با توجه به این‌که کشورهای اروپایی در مقابل این کشور دست به توازن زدند، شرایط برای شکست آلمان مهیا شد.

نکته محوری دیگری که والت به آن اشاره می‌کند این مسأله است که کشورها با توجه به قدرت خود دست به توازن یا اتحاد با طرف قوی‌تر می‌زنند. کشورهای قدرتمندتر اصل توازن را مورد توجه قرار می‌دهند، در حالی که کشورهای ضعیف‌تر اتحاد با کشور تهدیدکننده را موفقیت‌آمیزتر می‌دانند. علت این امر در این است که کشورهای قدرتمند با توجه به میزان قدرتشان با الحاق به طرف ضعیف‌تر می‌توانند توازن را ایجاد کنند، اما کشورهای ضعیف با توجه به میزان قدرتشان کمتر می‌توانند توازن‌دهنده باشند. در نتیجه، با الحاق با طرف قوی‌تر، حداقل از پیامدهای منفی جنگ که می‌توانست بقای آن‌ها را با خطر مواجه سازد، در امان می‌ماندند؛ افزون بر این، شرایط بین‌المللی نیز از اهمیت وافری در اینکه کشورها کدام راهبرد را در اولویت قرار دهند، برخوردار است. در هنگام صلح یا حتی اوایل جنگ ممکن است کشورها به سوی طرف تهدیدکننده بروند ولی زمانی که تا اندازه‌ای نتیجه جنگ مشخص شد، این امکان وجود دارد که آن‌ها در یک فرصت مناسب خود را از اتحاد خارج نمایند. برای مثال، در جنگ جهانی دوم بسیاری از کشورهای اروپایی با توجه به افزایش تهدید آلمان نازی به اتحاد با این کشور روی آوردند، اما همین که متحدین توانستند در جبهه‌های جنگ موفقیت‌هایی را به دست آورند و تا اندازه‌ای سرنوشت جنگ مشخص شد، هر کدام از جمله

ایتالیا سعی کردند در فرصتی مناسب از اتحاد با آلمان خارج شوند. از طرف دیگر پایان جنگ، پایان اتحاد بین پیروزمندان است. برای مثال، در فردای شکست آلمان، اتحاد بین اتحاد جماهیر شوروی و آمریکا به پایان رسید و هر کدام شروع به رقابت با دیگری نمودند.

در ادامه، والت سلسله مفروض‌های توازن و اتحاد با طرف قوی‌تر را به تفکیک مورد توجه قرار می‌دهد.

مفروض‌های توازن؛ والت معتقد است توازن و اتحاد با طرف قوی‌تر دارای یک سری مفروض‌هایی است که درست در مقابل هم قرار دارند. بر این اساس، مفروض‌های توازن به شرح زیر است:

- کشوری که با تهدید مواجه است با دیگر کشورها علیه آن تهدید متحد می‌شود.
- هر چه میزان تهدید بیشتر باشد، انگیزه شکل‌گیری اتحاد علیه آن بیشتر می‌گردد.
- هر چه که تهدید نزدیک‌تر گردد احتمال موازنه در مقابل آن بیشتر است.
- هر چه قدر توان تهاجمی کشور تهدیدکننده بیشتر باشد به همان میزان احتمال موازنه در مقابل آن بیشتر است.
- هر چه قدر انگیزه تهاجمی کشور تهدیدکننده بیشتر باشد به همان میزان احتمال موازنه افزایش می‌یابد.
- اتحاد در پایان جنگ به اتمام می‌رسد (Walt, 1987: 11)

مفروض‌های اتحاد با طرف قوی‌تر

- کشوری که تهدید می‌شود با کشوری اتحاد می‌کند که بیشتر تهدیدکننده است.
- هر چه میزان تهدید یک کشور بیشتر باشد احتمال اتحاد با آن افزایش می‌یابد.
- هر چه کشور تهدیدکننده از نظر جغرافیایی نزدیک‌تر باشد احتمال پیوستن به آن افزایش می‌یابد.
- هر چه توانایی‌های تهاجمی کشور تهدیدکننده بیشتر باشد، احتمال تمایل سایر کشورها به آن افزایش می‌یابد.

- هر چه میزان انگیزه‌های تهاجمی افزایش یابد، احتمال پیوستن سایر کشورها به کشور تهدیدکننده افزایش می‌یابد.
- اتحادی که مقابل تهدید شکل می‌گیرد زمانی که تهدید از بین می‌رود پایان می‌یابد (Walt, 1986: 116).

سیاست امنیتی رژیم صهیونیستی؛ در اسرائیل یک نوع دوگانگی در سیاست خارجی حاکم است و می‌توان ادعا کرد، همواره دو نوع سیاست خارجی در این کشور اتخاذ شده است. نخست: سیاست خارجی تهاجمی که معتقد است از یک سو باید کشورها در سیاست خارجی فعالانه حضور داشته باشند و از سوی دیگر تعیین کننده سیاست خود باشند تا کشورهای دیگر سیاست‌های خود را به آن کشور تحمیل نکنند. بر این اساس، اسرائیل خود را در شرایطی می‌یابد که ناگزیر از کاربرد قدرت سخت ازجمله اقدامات تروریستی و نظامی برای حصول به مقاصد سیاسی و اتخاذ نوعی سیاست کنشی است که ریشه آن در واقع‌گرایی کلاسیک است.

دوم: سیاست خارجی تدافعی که دارای این فلسفه است که دفاع از بقا، تنها دلیلی است که کاربرد قدرت سخت را به لحاظ حفظ امنیت موجه می‌کند. بر این اساس اسرائیل، باید قدرت سخت را در صورت نیاز اتخاذ کند تا هزینه‌ها و خطرات را برای امنیت این کشور به حداقل برساند و به عبارتی دیگر باید نوعی سیاست واکنشی را که ریشه آن در نگرش‌های آرمان‌گرایانه و لیبرالی است در سیاست خارجی خود به کار برد (Hinnebusch, 2003: 26).

در اسرائیل هم در عرصه داخلی و خارجی خشونت، توسعه‌طلبی و بحران ساختاری و محدودیت دیده می‌شود. در حقیقت دوگانگی‌هایی در سیاست خارجی اسرائیل حاکم است که باید بدان توجه نمود. اسرائیل از یک سو توسعه‌طلب است و همواره در جهت توسعه و گسترش مرزهای سرزمینی، قدرت و امنیت خویش در جنگ‌ها و تنازعات منطقه‌ای وارد شده است. از سوی دیگر، اسرائیل آسیب‌پذیرترین محیط امنیتی را دارد. محیط منازعه آمیز منطقه‌ای که اسرائیل در آن قرار گرفته به همراه وجود روابط استراتژیک با آمریکا و حمایت‌های اقتصادی و سیاسی این کشور از اسرائیل، بحث مهمی در بررسی سیاست خارجی این کشور است.

استراتژی اسرائیل در انطباق خویش با مشکلات منطقه‌ای ازجمله وجود معارضان عرب و توجه به قدرت‌های بین‌المللی منجر به ظهور یک سیاست نظامی محورِ تهاجمی گردیده است و سیاست خارجی اسرائیل را به سیاستی دفاعی امنیتی تبدیل کرده است. این دوگانگی در سیاست خارجی اسرائیل بدان منجر شده است که اسرائیل همواره عوامل امنیتی را محور اصلی چارچوب سیاست خارجی خود بداند.

اسرائیل از زمان تأسیس تاکنون با بحران امنیتی روبرو بوده و دغدغه بقاء داشته است، بر این اساس، برای غلبه بر بحران امنیتی خود استراتژی‌های مختلفی را در پیش گرفته که عبارت‌اند از:

- استراتژی اتحاد با قدرت‌های بزرگ؛
- استراتژی دسترسی به قدرت و توان برتر؛
- استراتژی توسعه سرزمینی و ایجاد مناطق حائل؛
- استراتژی صلح با همسایگان.

گرچه این استراتژی‌ها با موفقیت به اجرا در آمده، ولی هدف اسرائیل را که غلبه بر عوامل ایجادکننده بحران امنیتی و دسترسی به وضعیت عاری از تهدید بوده، تحقق نبخشیده است. علت این امر این است که فرایند دولت‌سازی اسرائیل فرایندی منحصربه‌فرد و متفاوت با فرایند شکل‌گیری دیگر دولت‌هاست. هنگامی که بنیان‌گذاران اسرائیل تصمیم به تأسیس دولت گرفتند هیچ یک از عناصر سازنده دولت (جمعیت، سرزمین، حکومت، حاکمیت) را در اختیار نداشتند. آن‌ها به‌صورت ارادی و بر اساس طرحی از پیش تعیین‌شده و با استفاده از زور کوشیدند این عناصر را فراهم آورند. ازاین‌رو اسرائیل ماهیتی تصنعی و تحمیلی دارد. تصنعی و تحمیلی بودن اسرائیل علت اصلی بحران امنیتی این دولت بوده است. این ویژگی انسجام درونی اسرائیل و امکان انطباق و سازگاری آن با محیط و دولت‌های دیگر را محدود ساخته است. بر این اساس این دولت هم از درون و هم از بیرون با مشکلات و مسائل اساسی روبرو بوده که این دولت را با بحران امنیتی روبرو کرده‌اند. ازاین‌رو استراتژی‌های امنیتی اسرائیل که ویژگی تصنعی و تحمیلی بودن آن را ندید گرفته‌اند در غلبه بر بحران‌های امنیتی ناکام مانده‌اند

(دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹:۵۳). گفتمان سیاست خارجی خاورمیانه‌ای اسرائیل مبتنی بر سیاست‌های امنیتی، خشن، جنگ‌طلبانه و توسعه‌طلبانه است؛ اما یکی از نقاط ضعف عمده اسرائیل، کمی عمق استراتژیک طبیعی و داشتن مرزهای آسیب‌پذیر و طولانی با همسایگان نه‌چندان دوست است؛ بنابراین در همان آغاز اسرائیلی‌ها تصمیم گرفتند که اگر جنگی به وقوع بپیوندد، در قلمرو دشمن باشد. درنتیجه عملیات جنگی اسرائیل بر مبنای تأکید بر اقدامات انتقام جویانه، پیشگیرانه و غافلگیرانه استوار است. از اوایل دههٔ ۱۹۵۰ در گفتمان سیاست خارجی خاورمیانه‌ای اسرائیل سه عنصر تعیین‌کننده همچنان پا برجا بوده است که عبارت‌اند از:

۱. نابرابری در منافع ملی اعراب و اسرائیل به ویژه از لحاظ قلمرو، نیروی انسانی و درآمد ملی، مانع از پایان دادن درگیری از راه نظامی توسط اسرائیل است؛ بنابراین اسرائیل باید کشور حافظ وضع موجود سیاسی و قلمروش باشد و هدف اصلی اسرائیل دفاع در برابر جهان عرب و اسلام باشد.

۲. جدی‌ترین تهدید علیه بقای اسرائیل حمله غافلگیرانه و هماهنگ شده اعراب است، اسرائیل همواره باید توانایی دفاع از خود را با بدترین شرایط و سناریوی ممکن داشته باشد.

۳. سیاست امنیت ملی اسرائیلی بر سه عنصر بازدارندگی، هشدار استراتژیک و قدرت تصمیم استوار است. به‌منظور عملیاتی کردن این گفتمان دو راه در نظر گرفته شده است: اول توانمندسازی و ظرفیت‌سازی لازم برای هشدار استراتژیک و پاسخ سریع به تهدیدهای خارجی؛ و دوم، رسیدن به پیروزی قاطع در کوتاه‌ترین زمان ممکم باید توانایی ابتکار عمل در آغاز جنگ‌ها و نبردها افزایش یابد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۵: ٦٦).

اسرائیل بنا بر پندارهای خود مبنی بر برتری جغرافیایی و جمعیتی رقبایش در منطقه، عناصر اصلی سیاست‌های امنیت ملی خود را بدین گونه تعیین کرده است:

۱. نداشتن تاب تحمل شکست حتی در یک جنگ؛

۲. موضع دفاعی در سطح استراتژیک، فاقد جاه‌طلبی‌های قلمرویی؛

۳. در سطح عملیاتی، استراتژی دفاعی ـ تاکتیک‌های تهاجمی؛

٤. تعیین پیامدهای جنگ با سرعت و قاطعیت؛

۵. مبارزه با تروریسم (لطفیان، ۱۳۷۸: ٤۱).

بر این اساس، گفتمان امنیت ملی اسرائیل که بر اساس فلسفه وجودی خود است، با محوریت دال بازدارندگی قدرت نظامی که حول آن دال‌های دیگری ازجمله، برتری نظامی و تسلیحاتی، پیش‌دستی، نظامی‌گری، غافل‌گیری و تهاجم در چارچوب حملات برق‌آسا و کوتاه‌مدت، زور، منازعه و تهدید همسایه‌ها و دشمنی با دول عرب و دیگر دول غیر یهود منطقه خاورمیانه است در کنار دوستی با دول غربی و اتحاد استراتژیک با ایالات‌متحده مفصل‌بندی شده‌اند (لطفیان، ۱۳۷۸: ٦۸).

یافته‌های پژوهش

تحلیل شکل‌گیری توافقنامه ابراهیم

همان‌طور که مطرح شد به‌صورت کلی می‌توان به دو بعد به بررسی شکل‌گیری توافقنامه ابراهیم بر امنیت اسرائیل پرداخت. از منظر سازه‌انگاری و به‌نوعی برداشت از امنیت در اسرائیل با توجه به اینکه، گفتمان امنیت ملی اسرائیل که بر اساس فلسفه وجودی خود است، با محوریت دال بازدارندگی قدرت نظامی که حول آن دال‌های دیگری ازجمله، برتری نظامی و تسلیحاتی، پیشدستی، نظامی‌گری، غافل‌گیری و تهاجم در چارچوب حملات برق‌آسا و کوتاه‌مدت، زور، منازعه و تهدید همسایه‌ها و دشمنی با دول عرب و دیگر دول غیر یهود منطقه خاورمیانه است. با توجه به از بین رفتن قدرت‌های رقیب و همچنین بروز بحران در میان این کشورها این مسئله موجب افزایش امنیت اسرائیل به‌نوعی می‌گردد و این کشورها با داخل شدن به مسائل حاشیه‌ای و داخلی از مسئلهٔ اسرائیل غافل می‌شوند و این امر در کنار هرج‌ومرج درونی ایجادشده به‌عنوان عاملی برای نفوذ اسرائیل و گروه‌های تروریستی موردحمایت این رژیم ازجمله داعش موجب افزایش برداشت از امنیت در میان تصمیم گیران این کشور می‌گردد؛ اما در بعد موازنهٔ تهدید می‌توان این‌گونه به تحلیل پرداخت که با توجه به ثابت بودن معیار قدرت واحد و همچنین سطح حمایت بین‌المللی در خصوص اسرائیل تنها عامل قدرتی که دستخوش دگرگونی گردیده است عامل موازنهٔ تهدید منطقه ایست.

در تحلیل این موازنه نیز می‌توان این‌گونه مطرح نمود که کشورهایی که به‌نوعی توانمندی مقابله با اسرائیل را داشتند ازجمله مصر و لیبی اکنون خواست این تهدید را ندارند و کشور سوریه نیز که در میان حکام آن خواست برای مقابله اسرائیل وجود دارد درگیر جنگ داخلی و تحلیل توانمندی است و با توجه به جبههٔ اخیر که ایالات‌متحده و کردها و ترکیه در این کشور راه انداخته‌اند چشم‌انداز دوران پس از داعش نیز در آن منسجم به نظر نمی‌رسد و در خصوص دیگر کشورهای عربی نیز به نظر تهدیدی نسبت به اسرائیل وجود ندارد. به‌طورکلی می‌توان این‌گونه ادعا کرد که توافق ابراهیم شاید در نگاه مردمان عرب حرکتی به سمت صلح بود ولی درنهایت به نفع رژیم غاصب صهیونیستی تمام شد و این مولود بحران، با افزایش سطوح بحران در کشورهای دستخوش تغییر ثبات نامیمون خویش را حفظ کرد. همچنین این توافقنامه درواقع تغییر در توازن منطقه‌ای میان کشورهای حول محور مقاومت و کشورهای هم‌پیمان اسرائیل بوده و این رژیم در این ایجاد توازن از هژمونی ایالات‌متحده در راستای امنیت ملی خود بهره‌برداری کرده است. عادی‌سازی روابط کشورهای عربی با اسرائیل درواقع پیوست دیپلماتیک-رسانه ای توافقنامه ابراهیم در میان افکار عمومی جهان به‌منظور بهبود چهره بین‌المللی این رژیم غاصب است. یکی از دلایل عمده تسریع روند عادی‌سازی روابط اسرائیل با کشورهای عربی حمایت گسترده واشنگتن است. از زمان آغاز دوران ریاست جمهوری دونالد ترامپ، ازجمله شرط‌های اصلی ایالات‌متحده آمریکا برای کمک به کشورهای عربی برقراری روابط و مناسبات گسترده با تل‌آویو است. این پیمان ازلحاظ امنیتی به گسترش چتر امنیتی هم‌پیمانان اسرائیل در مقابل هم‌پیمانان جمهوری اسلامی ایران و محور مقاومت است که خواست ایالات‌متحده در منطقه غرب آسیا است. آنچه اکنون مشاهده می‌شود آن است که بسیاری از کشورهای عربی به اسرائیل نه به‌عنوان دشمن بلکه به‌عنوان یک متحد و هم‌پیمان می‌نگرند که به دلیل روابط راهبردی خود با ایالات‌متحده توان چشم‌پوشی از آن ندارند.

نتایج توافق ابراهیم؛ برخلاف توافقنامه‌های صلح قبلی اسرائیل با مصر و اردن، توافقنامه ابراهیم با کشورهای عربی امضا شد که با رژیم مرز مشترک ندارند و هرگز با آن نجنگیده‌اند. اعمال عادی‌سازی روابط امارات متحده عربی و اسرائیل در بحبوحه طرح توافق‌نامه ابراهیم

دولت ترامپ (۱۳ آگوست، ۲۰۲۰) معادلات سیاسی و امنیتی منطقه غرب آسیا را دگرگون ساخت. این توافقنامه در اکتبر و دسامبر ۲۰۲۰ به مراکش و سودان نیز تسری پیدا کرد. آمریکا این توافقنامه را در راستای دگرگونی وضعیت منطقه‌ای غرب آسیا و هدایت آن در مسیر نظم نوین جهانی موردنظر خود تلاش نمود تا نوعی مشارکت جامع منطقه‌ای علیه محور مقاومت و با راهبرد مهار ایران هدایت داد. همسویی طرح توافق ابراهیم و عادی‌سازی روابط کشورهای مذکور، گسترش بحران در کشورهای محور مقاومت ازجمله عراق، سوریه و لبنان و حتی ایران همچنین افزایش فشار حداکثری علیه ایران، به دلیل وقوع تهدیدات همه جانبه است (پیرمحمدی، طاهری، باباتبار، ۱٤۰۱). گسترش ناامنی‌های در داخل ایران در پاییز ۱٤۰۱ با تحرک حزب کردستان ایران که روابط نزدیکی با اسرائیل دارد انجام شده است. امارات متحده عربی به دلیل برخورداری از موقعیت ژئوپلیتی، ژئواستراتژی و ژئواکونومی در جنوب خلیج‌فارس، می‌توانند مدخل استراتژیکی برای ورود اسرائیل به جنوب ایران باشد. این موضوع به تشدید معمای امنیتی در خلیج‌فارس خواهد شد؛ زیرا این مفهوم را برای کشورهای عربی تقویت خواهد کرد که حضور اسرائیل به مهار ایران کمک نماید (Simon, 2021: 5). ایجاد ائتلاف دریایی علیه جمهوری اسلامی ایران می‌تواند به‌عنوان یک گزینه برای افزایش فشار نظامی علیه ایران میان امارات، بحرین و اسرائیل مطرح گردد. ایران همواره بر تأمین امنیت بومی در منطقه خلیج‌فارس تأکید داشته و چنانچه سردار تنگسیری، فرمانده نیروی دریایی سپاه پاسداران اظهار داشته «هرگونه حضور رژیم صهیونیستی در آب‌های خلیج‌فارس غیرقانونی است؛ چراکه است باعث ایجاد جنگ در منطقه شود» (اکبری، ۲۰۲۱).

در راستای پیاده‌سازی این دکترین در سیاست امنیتی اسرائیل رژیم صهیونیستی، در آگوست ۲۰۱۹ این کشور اعلام کرد بخشی از ائتلاف نظامی به رهبری آمریکا در برابر تهدیدهای ایران در تأمین امنیت کشتیرانی در خلیج‌فارس خواهد بود. در پایان سال ۲۰۲۰ و در پی افزایش تنش‌ها میان ایران، آمریکا و اسرائیل، زیردریایی اسرائیل برای اولین بار از مسیر تنگه هرمز وارد خلیج‌فارس شد. برگزاری نخستین رزمایش مشترک دریایی آمریکا، اسرائیل، امارات متحده عربی و بحرین در نوامبر ۲۰۲۱ در دریای سرخ نیز دربردارنده «پیامی برای ایران» است. هدف اسرائیل ائتلاف‌سازی دریایی، عقب راندن ایران و حضور در نوار دریایی

مجاور ایران است (مانیتور خاورمیانه ۲۰۲۱). تحویل سامانه‌های دفاع موشکی به امارات در راستای افزایش راه‌های مقابله با قدرت موشکی ایران و محور مقاومت اهمیت زیادی برای اسرائیل دارد. در اینجا استدلال بر این است که تقویت ارتش امارات به امنیت اسرائیل در همسایگی اصلی‌ترین دشمن ایران کمک می‌کند. امارات برای دست‌یابی به سیستم دفاع موشکی گنبد آهنین ابراز علاقه کرده است. تحویل این سامانه می‌تواند ضامن تشدید مسابقه تسلیحاتی در خلیج‌فارس شود. چیزی که مورد نظر اسرائیل و آمریکاست (Azodi, 2020). بدون تردید ورود اسرائیل به معادلات امنیتی خلیج‌فارس و رویارویی احتمالی با نیروی دریایی جمهوری اسلامی ایران ازجمله در ورودی تنگه هرمز، بنادر فجیره، پایگاه هاوایی الظفره و پایگاه دریایی جبل علی، دربردارنده تهدیدی جدی علیه ایران خواهد بود. در این سناریو، آمریکا نیز در چارچوب پایگاه‌هایی نظامی خود در امارات، عربستان، قطر، بحرین و کویت، بیشترین تلاش را برای ادغام اسرائیل در ترتیبات امنیتی خلیج‌فارس به کار می‌گیرد. تل آویو در ادامه نفوذ ژئوپلیتیکی خود به اقلیم کردستان و آذربایجان از طریق پیشبرد روند عادی‌سازی و افزایش حضور در خلیج‌فارس، به دنبال آن است که جبهه جدیدی را در همسایگی ایران گشوده و خود را از تنگنای ژئوپلیتیکی سنتی خارج کند. اسرائیل در پی راهبرد مهار به دنبال حضور در کمربند جنوبی ایران و کشورهای حاشیه جنوبی خلیج‌فارس برای پرکردن خلاء ژئوپلیتیکی ناشی از عقب‌نشینی آمریکا در منطقه خاورمیانه است. گسترش احتمالی حوزه عادی‌سازی به سایر کشورهای حوزه ساحلی خلیج‌فارس ازجمله بحرین، عمان، قطر و کویت، به‌منزله ظهور چالشی جدید و ایجاد جبنه‌های جدید علیه ایران است. (Simon, 2021).

❖ بحث و نتیجه‌گیری

توافق ابراهیم میان بحرین و امارات، مراکش و سودان و اسرائیل با عنوان صلح ابراهیم مشهور شد اما درواقع تکمیل سیاست جنگ‌طلبانه ایالات‌متحده امریکا و اسرائیل یا ائتلافی علیه جبهه مقاومت با هدف نابودی آن است. در مقابل جمهوری اسلامی ایران به‌وسیله همکاری با فدراسیون روسیه در بحران به این کنش واکنش نشان داده است. احساس تهدید ایالات‌متحده آمریکا و اسرائیل از محور مقاومت موجب تشکیل این پیمان شده و تا زمان استمرار این تهدید ادامه خواهد داشت. عادی‌سازی روابط اسرائیل تبعات این پیمان بوده و تعداد بیشتری از کشورهای عربی به این جرگه خواهند پیوست. مجموعه کشورهای این دو گروه رقیب در حال توسعه و بسط نفوذ با هدف امتیاز گیری از رقیب هستند هر کدام از این بازیگران با هدف افزایش نفوذ خود دست به اقدامات تحول گرایانه خواهند زد.همان‌گونه که جمهوری اسلامی ایران وارد در خاک سوریه (قنیطره و قلمون) و در نزدیکی اسرائیل حضور نظامی دارد، اسرائیل نیز در خاک جمهوری آذربایجان و کردستان عراق حضور نظامی دارد. این رویارویی با هدف افزایش قدرت در میان هردو طرف ادامه خواهد داشت.

منابع و مأخذ

پیرمحمدی، سعید و طاهری طاهر و باباتبارسرخی ابوالقاسم (۱۴۰۱). «تأثیر طرح توافق آبراهام بر امنیت محور مقاومت در منطقه غرب آسیا در دوره ترامپ». **فصلنامه آفاق امنیت**. شماره ٥٤: ۹۲-٦۹.

قوام، سید عبدالعلی (۱۳۹٤). **اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل**. تهران: سمت.

دهقانی فیروزآبادی (۱۳۸٥). «تأثیر جنگ لبنان بر راهبرد امنیت ملی اسرائیل». **رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی**. شماره ۸: ۸۳-٦٥.

رسولی ثانی‌آبادی، الهام (۱۳۹۳). «ماهیت اتحادها در خاورمیانه؛ قدرت یا هویت؟». **فصلنامه مطالعات راهبردی**، شماره ۳: ۱۲-۲۹.

لطفیان، سعیده (۱۳۷۸). «سیاست امنیت ملی اسرائیل، فرضیه‌ها و تحلیل‌ها». **فصلنامه مطالعات خاورمیانه**. شماره ۱۷: ٦۲-۳۹.

دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸٥). «تأثیر جنگ لبنان بر راهبرد امنیت ملی اسرائیل». **فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی**. شماره ۸: ۸۹-٥۳.

قاسمی، حاکم (۱۳۸۰). **بحران امنیتی دائمی اسرائیل و پیامدهای آن. رساله دکتری** دانشگاه تهران، دانشکده. حقوق و علوم سیاسی. شماره ۸: ٦۰-۲۳.

حسن کلاته، مؤسسه تحقیقات و پژوهش‌های سیاسی علمی ندا، ۱۳۹۱/٤/٦. (www.nedains.com)

سعداله زارعی، پایگاه خبری کیهان‌نیوز، ۱۳۹۰/۱۰/۲۷.(www.KeyhanNews.ir)

پایگاه اطلاع‌رسانی فارس‌نیوز، ۹۰/۹/۱۸.(www.farsnews.com)

سلمان رضوی، مؤسسه تحقیقات و پژوهش‌های سیاسی علمی ندا، ۱۳۹۱/۱/۱.(www.nedains.com)

عبدالوهاب المسیری، آریه نائور و الی پوده (۱۳۷۹). «بحث امنیتی اسرائیل؛ مبانی نظری و ملاحظات عملی»، اصغر افتخاری. **نشریه علوم سیاسی**. شماره ٥: ۱٤۲ ـ ۱٤۱.

Akbari, Arash (2021), The Abraham Accord, Iran, and The Geopolitics of the Persian Gulf, Russian Council

Azodi, Sina (2020), Why is Iran concerned about the peace agreement between the UAE and Israel**? Atlantic Council**.

Caspit, Ben (2021), Bennett’s government at work to expand Abraham Accords,

https://www.al-monitor.com/originals/2021/10/bennetts-government-work-expandabraham-accords#ixzz7ICjRNLOH

Eliot Cohen, Michael Eisenstadt and Andrew Bacevich (1998),"Israel's Revolution in Security Affairs", **Survival**,0

Guzzini, Stefano. (1998), Realism in International Relations and International Political Economy, **The Continuing Story of a Death Foretold**, London and New York

Hinnebusch, Raymond (2003), The International Politics of the Middle East, Manchester, **Manchester University Press.**

Middle East Monitor, (2021), Red Sea drill by US, Israel, UAE, Bahrain a message to Iran, https://www.middleeastmonitor.com/20211113-red-sea-drill-by-us-israel-uae-bahrain-amessage-to-iran/

Simon, Steven (2021), Israel and the Persian Gulf: A Source of Security or Conflict? **The Quincy Institute for Responsible Statecraft.**

Waltz, Kenneth. (1979). Theory of International Politics, New York: **Random House**

Walt M. Stephan(1986) “Alliance: Balancing and Bandwagoning”, in Stephan M. Walt,(Eds). The Origins of Alliances, **Cornell University Press.**

English Abstracts

Theoretical Analysis on the Formation of the Ibrahim Agreement

***Hamidreza Tabashiri**, PhD in Political Science (Corresponding Author)*

Email: drhamidrezatabshiri@gmail.com

***Morteza Rafiei Basiri**, Graduated with a PhD in International Relations*

.Email: rafieibasiri@gmail.com

Abstract

The 74-year history of Palestine and the region after the establishment of the fake Israeli regime shows that it has always been associated with bloodshed and occupation, and even when it tried to make peace, it practiced war in secret politics. The question of this article is how to analyze the formation of the Ibrahim agreement by paying attention to the theories of international relations? Although this agreement was initially introduced as a political agreement to strengthen the relations between Bahrain and the UAE, Morocco and Sudan with the regime, today it pursues Israel's security interests. The findings of the research show that Israel never abandons the thinking (Nile to Euphrates) and does not give up the realist approach in security policyThis article, with a descriptive-analytical method, seeks a theoretical analysis of what and why the formation of this Ibrahim agreement.

Keywords

Ibrahim agreement, israel, foreign policy, security.

Analysis and Research on what and how to Realize the Revolutionary System

Zahra koohsari, *PhD in Women's Studies, Tarbiat Modares University (Corresponding Author) Email: masiha_485@yahoo.com*

Meysam Joker*, Master's Student of Political Science at Yasouj University.*
Email: meijok73@gmail.com

Abstract
Among the issues of concern to modern theorists of revolution and social movements is the fate of revolutions after victory and overthrowing the existing order and turning the revolution into a new political system. That a revolutionary movement, after winning over the rejected political system, creates a new system and puts an end to the revolutionary movements, and in fact, the transcendence of the revolution is over and becomes a system. Accordingly, the modern theories of revolution deny the coexistence of revolution and system; But the different understanding of the meaning of the revolution in the opinion of the leaders of the Islamic revolution has caused that in the thought based on the Islamic revolution, not only the mission of the revolution has not been completed, but the theory of "revolutionary system" has been defended. This article tries to use a qualitative method and using documentary sources, while critically examining the important theories of the revolution and social movements, and relying on the social movement theory and Imam Khomeini's innovative view of the Islamic revolution, rejecting the refusal of the coexistence of the revolution and the system as a general rule. Examine what and how the revolution and the system coexist in Iran and provide a model to explain how the revolutionary system can be realized.

Keywords
Revolution, social movements, theories of revolution, Islamic revolution, human revolution, revolutionary system.

Explaining the Pattern of Political ethics of Managers in the Islamic state in Nahj al-Balaghah

Rasoul Yousefi Ramandi, *Assistant Professor, Department of National Security Studies, Imam Hossein University (AS.)(Corresponding Author) Email: dr.yousefi@ihu.ac.ir*
Mohammad Beheshtinejad, *Researcher of Crisis Management Department of Imam Hossein University (AS). Email: s.mohamad.beheshti@gmail.com*

Abstract
The question of ethics in the field of politics is one of the most fundamental questions that has been raised in the political thought of Iran with the formation of the Islamic Revolution. The answer to this question are indicators that can be used to evaluate political managers in different periods. Therefore, we need a realistic understanding of the two concepts of ethics and politics, given the time, place and socio-political situation, so that these ethical concepts help to ensure that the necessity of values does not lead to coercive orders and is accepted by the people according to real needs. On the other hand, it leads to the government's adherence to ethical issues. Because a government that violates the rules of ethics will not follow the rules of law.Therefore, in this study, by carefully analyzing the relationship between ethics and politics in Islamic governance and also reviewing the requirements and necessities of this relationship in the life of Imams and religious leaders, the indicators of political ethics of managers in the life of Amir al-Mu'minin Ali (PBUH) based on analysis method The theme should be extracted from Nahj al-Balaghah. The results showed that these components can be examined in the form of two axes of vision (11 indicators) and behavioral (14 indicators).

Keywords
Ethics, Politics, Political Ethics, Political Management, Agent, Islamic State.

A Comparative Analysis of the Role Models Characteristics of Sardar Soleimani and Malik Ashtar, Based on the Messages of Effective Sources of Society

Ahmad Hedayatpanah Shaldehi, *University Lecturer, Country's top Researcher (Corresponding Author). Email: Ahmad.hedayatpanah@gmail.com*
Sayed Jalil Ghasemi, *Vice-Chancellor of Scientific Research and Technology of Gilan Quds Corps. Email: sj.ghasemi1359@gmail.com*
Javad Hatami, *Director of Scientific Research and Technology of Gilan Quds Corps. Email: jhatami2014@gmail.com*

Abstract
The main purpose of this article is a comparative analysis of the set of characteristics of Sardar Soleimani, extracted from the content of the written messages of effective sources of the society, with the set of characteristics of Malik Ashtar based on the set of messages of Imam Ali (AS) in Nahj al-Balaghah.
The research method was of a comparative type. The statistical sample consists of 433 effective people in the society in 4 groups; there were 102 Imitation references and Leading clergy, 61 armed forces, 150 officials and politicians, and 120 artists and athletes in various fields. The random sampling method was obtained from the messages received during one week, which were included in licensed news agencies and news sites from 13 to 20 January 2018.The research tool of the questionnaire was the matching criterion extracted from Nahj al-Balaghah, with 14 sentences (letters 13, 34, 38, 53 and Hekmat 443 and the word Malik Ashtar). From 14436 positive features extracted, Group (1) (with 4308), group (2) with 3229, group (3) with 4455 and group (4) with 4244 words. The analysis was done with descriptive statistics. “Findings showed" all 4 groups wrote the characteristic of "greatness of spirit and loftiness of thought" in the first place. Being a follower of the province was in the second place, which was written by authorities, students and armed forces. Imitation references and Leading clergy were similar in writing messages to the armed forces in 64%, with the officials of the time in 21%, and to artists and athletes in 42%.

Keywords
Condolence, messages, Sardar, Soleimani, Malik Ashtar, Nahj al-Balagheh, Comparative analysis.

Legitimate –Defense or Violation of International Rules in the Assassination of Sardar Soleimani

***Seyed Jafar Hosseini**, Ph.D. in Jurisprudence and Law, Faculty of Law Department, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran.* (*Corresponding Author*)

Email: sjhosseini48@gmail.com

***Behzad Mikaili**, Lecturer and Vice-Chancellor of Faculty of Law and Political Sciences, Islamic Azad University, Tabriz branch, Iran.* Email:*behzadmikaili@gmail.com*

Abstract

Until the early twentieth century, war and coercion were the most important governing principle on relations between countries, but occurrence two world wars with short interval led the charter setters of the United Nations to use force as a destructive factor in international relations, and make the prohibition on use of force as one of the fundamental principles of international law for the postwar period. Of course, the Charter, in some cases allows to exert the inherent right to a Self-defense and collective security system as an exception. Research method is Descriptive-analytical and for collecting information, fishing tool with library study have been used. We seek to answer these questions: First, where is the position of the use of force and legitimate defense in international law? Second: The US action, in the assassination of Sardar Soleimani, was legitimate or a behavior to justify the use of force in international relations? The findings show that the use of force is prohibited under international law, and the right of legitimate defense of states is recognized only when subjected to armed attacks. Therefore, the US action is clearly contrary to Article 51 of the Charter and has no congruence to other international principles.

Keywords

Legitimate –Defense, Assassination of Sardar Soleimani, Principle of prohibition of the use of force, Article 51 of the Charter of the United Nations.

The Effect of the Culture of Alturism and Witness on the Development of Development in Tehran city Professional Ethics in Education and

***Roghaye Mehri**, Master of Fiqh and Basics of Islamic Law (Corresponding Author).*

Email: rmehri110@gmail.com

***Ahmad Ali Ghane**, Associate Professor, Faculty of Theology, Islamic Studies and Guidance, Imam Sadiq University (AS). Email:4ghane@gmail.com*

Abstract

The purpose of this article is to know the impact of the culture of Alturism and Witness on the development of professional ethics in Education and Development of tehran city that 196 employees were selected using the simple random sampling method and morgan table. The research method is based on the purpose; applied and in terms of nature is descriptive-survey.Data ghathering metod is Field-library and and the tool for gathering information is the questionnaire of Alturism and martyrdom with 13 questions(with demensions God-centered, people-oriented, good action, not belonging to the world) and Kadiurz(2017) professional ethics questionnaire with 22 questions. The findings of the research using the correlation and the regression test showed that the culture of social Alturism and its dimensions have a significant effect on the development of professional ethics in the employees of the Ministry of Education and Development. In other words with reinforcement of the culture of Alturism and Witness with demensions for example God-centered, people-oriented, good action, not belonging to the worldcan be witnessed development of professional ethics in employee of Education and Development of tehran city.

Keywords

culture of Alturism and Witness, God-centered, people-oriented, good action, not belonging to the world, development of professional ethics.

The Structural Model of the Relationship between the Culture of Sacrifice and Martyrdom with Spiritual Connection and Psychological Capital in Administrative Staff

***khodadad Mirzaee**, Master's degree in Psychology, Islamic Azad University of Isfahan, Isfahan, Iran. (Corresponding Author). Email:m_mirzaee93@yahoo.com.*

***Faramarz Salary**. Associate Professor, Department of Psychology and Education of Children with Special Needs, Isfahan University, Isfahan, Iran. Email:salarfaramarzi@yahoo.com*

Abstract

This research was carried out with the aim of the structural model of the relationship between the culture of self-sacrifice and martyrdom with spiritual bond and psychological capital in administrative employees. Descriptive research method of correlational type and the statistical population of the research was made up of all the administrative employees of the west of Isfahan province in the summer of 1401 in the number of 800 people, from among them 250 people were selected in an accessible way. The research tools were Kinjerski and Scribeneck's Spiritual Connection Questionnaire (2006), Luthans' Psychological Capital Questionnaire (2007), the researcher-made questionnaire on the culture of self-sacrifice and martyrdom, Mirzaei and Soleimani (2022). The data were analyzed through Pearson's correlation coefficient and structural equation modeling and through AMOS version 24 and SPSS version 23. The findings showed that there is a relationship between the culture of sacrifice and martyrdom and spiritual connection ($p<0.01$) and between spiritual connection and psychological capital (<0.01). p) Also, there is a positive and meaningful relationship between the culture of sacrifice and martyrdom and psychological capital ($p<0.01$). The results of structural equation modeling and mediation analysis indicate that spiritual connection is a partial mediating variable, which means that the culture of sacrifice and martyrdom can strengthen psychological capital both indirectly (through strengthening spiritual connection) and directly. The culture of sacrifice and martyrdom (78%) explained the variance of spiritual connection and the culture of sacrifice and martyrdom and spiritual connection (91%) explained the variance of psychological capital. Results: It is necessary for administrative managers to promote the spiritual culture of self-sacrifice and martyrdom by strengthening social self-sacrifice, mental health, self-sacrifice, God-centeredness and seeking martyrdom and seeking justice for administrative staff in a more tangible way. Or to serve the employees in these matters in order to strengthen the spiritual culture of self-sacrifice and martyrdom, so that employees with higher spiritual and mental ability can obtain the components of self-efficacy, hope, resilience and optimism in their work environment (psychological capital).

Keywords

culture of sacrifice and martyrdom, spiritual bond, components of psychological capital, administrative staff.

The Analysis of Protection of Cultural and Spiritual Achievements of Holy Defence and Check The effects of soft war on its Structure

***Qudsiya Shahdad**, Master of Quranic Sciences, Zahedan University of Quranic Sciences. (Corresponding Author). Email:shahdad46@gmail.com*

***Mostafa Mahmoudi Sahibi**, Assistant Professor at the Faculty of Theology and Islamic Studies, University of Sistan and Baluchistan. Email:Mahmoodi@theo.usb.ac.ir*

Abstract

The values that are predominant in every society are under its national, cultural, mythical and religions believes. Holly defences periods are under religions doctorine, specially Quran.Religious culture and ask for martyrdom became as common aim of public and element of success in imposed war. Firm confidence to eligious believes was the most important element in sanity and self-regard of people.The basis of soft war and cultural spate is the element of altenuation of values and religious believes.Moreover main aims of this plan is cultural discharge and destroy the Islamic customs of society and the most important spate happen in cultural and political aspects.For access and absolute dominance accomplish from cognition of interlocutor with psychological and scientific method and without resistance and sensibility actualize this variations. The neccessity of protection the cultural and spiritual values of holy defence and cultural invasion necessitate until formulate and methodical programs design and run so propagation of moral excellence and spread spiritual culture of holy defence is essential in along the profits of country. Give identity and self regard was of the most important plans of this. Until the young find their position and location in society and participate in routine affair. The young are asset and manpower of country with filling the extant vacuum Prize to young and creation the motivation to them is blocking for permeation and intervention of foreigns in country.

Key words

Holly defence- cultural invasion-soft war.

Sacrifice in the Family and the role of Women in its Expansion (Relying on two works "Bagh Belor" and "Glob Khanum")

Faeze Hataminia, *Ph.D. Student of Persian Language and Literature at Qom University (Corresponding Author). Email: f.hataminia59@gmail.com.*

Mohammadreza Yousefi, *Associate Professor of Persian Language and Literature, University of Qom. Email: myousefi46@yahoo.com.*

Abstract

Sacrifice is one of the most sublime human actions, which we witnessed during the eight years of Iran-Iraq imposed war. The present research is based on a descriptive-analytical method, with the aim of investigating how self-sacrifice is reflected in the two works "Balour Bag" and "Glob Khanum", which are written with the focus of war and the theme of the families of martyrs and veterans. It is trying to achieve this important point that these works pay attention to which aspect of sacrifice and what is the position of women in promoting this category? The findings show that "sacrifice" and "sacrifice" are not limited to a certain stratum and class, or age and gender; Time and place conditions can overshadow the amount and manner of sacrifice and its formation in any society causes resistance and victory. Each of the novels in question have done well in reflecting the issue of sacrifice. Makhmalbaf created his work in the last years of the sixties and with a realistic view of the war, he focused more on the sacrifices of the martyrs and their families and the problems they face; But with a positive and value-oriented perspective, Frost has portrayed the sacrifice of women in contrast to the veteranism of men and has pointed out their role in promoting this culture. The achievement of studying these works is to spread the spirit of selflessness in the society.

Keywords

Sacrifice; Women; Literature of Holy Defense; Bagh Bolor; Gulab Khanum.

Investigating the Management of Human Resources with the Spirit of Jihad and self-Sacrifice in the Process of the Country's Growth and Development

***Mohammad Hasan Mehri**, PhD in Business Administration, Tehran, Iran.*
Email: mh.mehri40@gmail.com

Abstract

Growth and development is formed based on the governance vision document, including the formulation of strategies, policies, policies and long-term executive plans. Growth is the concept of quantitative transformation and development is the concept of qualitative and sustainable transformation, by creating all-round content change in economic, political, cultural, social and population (human) dimensions. In the country's development vision document, it is emphasized to achieve development, according to its cultural, geographical and historical requirements and relying on moral principles, Islamic, national and revolutionary values. To realize such a vision, special attention should be paid to the management of human resources as a generator of growth and development, which is the national capital and has the most important role and influence in the achievement of the society's strategic goals. The process of growth and development should be explained and modeled on the basis of religious, social, historical, national values, added value created with the spirit of jihad and self-sacrifice and the culture affected by it at the level of the country's national needs. In this research, the qualitative methodology of grounded theory is used, which is based on text, interviews and the use of the experiences of elite and reference groups in the research method. In this research, more than seventy influential components in the process of human resource management with the spirit of jihad and self-sacrifice of statistics and based on the meanings, concepts, components and structural processes of growth and development were classified into seven levels and the main influential factors were explained and using Cronbach's alpha test Their reliability or reliability was evaluated and confirmed, which include; Policy making, structure reform, knowledge enhancement, attitude change, behavior reform, culture reform, new management style. Using managerial concepts and the development process and benefiting from the perspective of the elites, the model and the process of the structural cycle, the main factors affecting the growth and development affected by the spirit of jihad and self-sacrifice were suggested.

Keywords

human resources, jihadi management, change of attitude, policy making, behavior, growth and development, spirit of sacrifice.

The Effect of Persian-Language Satellite Channel “MAN”O “TO” on the Culture of Self-Sacrifice and Resistance, Lifestyle and Iranian, Islamic Identity of the Young Generation

Hosein Hoseini Jirdehi, *Associate Professor of the Faculty of the Great Prophet (PBUH), Imam Hossein (AS) University of Tehran, Iran. Email:hoseinhoseini35@yahoo.com*

Jalal Riahi, *Doctoral Student of Cultural Management and Planning, Islamic Azad University, South Tehran Branch, Tehran, Iran. (Corresponding Author) Email:riahi.jalal@yahoo.com*

Abstract

The main purpose of this study is to investigate the effectiveness of Persian-language satellite networks, especially manoto network in weakening the spirit of self-sacrifice and resistance of young people in Iran. The method used in this research is a mixed method (quantitative-qualitative) which has been done by studying documents, library resources, content analysis and survey using a questionnaire, the questionnaires among 45 people (based on the full number model and in sufficient) was distributed from experts and professors in the field of media and cultural, social experts and experts, finally the collected data was put in spss software and with the help of one of the quantification tests called independent t test, conclusions were drawn. The number of 3 components (lifestyle, Islamic identity, and national identity) and each component with 18 indicators have proven how Man and To satellite network is related to the culture of sacrifice and resistance. Among them, the most effective indicators were consumerism. and luxuryism, promotion of secularism, promotion of western culture and change of national values.

Keywords

Culture, media, me and you network, sacrifice and resistance

Promulgating the Culture of Self-Sacrifice in the Realization of Cultural Development

Fatemeh Radan, *Assistant Professor, Department of Social Sciences, Payame Noor University, Tehran, Iran.* *Email: radan@pnu.ac.ir*

Abstract

Looking at the category of development, culture can be considered as an important environment for economical, political and social development that cultural values and norms by affecting other dimensions of development are able to go through the path of development better and with proper connection with the sectors that provide the possibility of achieving sustainable development in different parts of the society. All-round development is the result of the balanced growth of all the elements of the society, which with their proportional function and effective communication with each other towards the material and non-material goals of development cause the growth and excellence of the society. Cultural development is formed following changes in perceptual, cognitive, value and human tendency in personal and social affairs. Sacrifice in property and life is considered a significant value in cultures. Today, considering the fundamental role of culture in human social life in the field of development, the promulgating of the culture of self-sacrifice in cultural development seems to be considered. Based on the available sources, this research aims to explain the culture of self-sacrifice and its role in the realization of cultural development in a descriptive-analytical way, and the result shows that culture and its elements strongly influence the development process, and the realization of cultural development requires growth and promulgating the culture of self-sacrifice means sacrifice in property and life and thinking of the members of the society. Therefore, strengthening and promulgating the culture of self-sacrifice plays an important role in realizing the cultural development of the society. Emphasizing the growth of human values in parallel with the growth of managerial, financial, scientific and technological components in the society makes the path of cultural development smoother.

Key words

Culture, Cultural development, Promulgating, Self-sacrifice.

Editorial Office
Taleghani St., next to the Ministry of Agricultural Jihad, Ghaffarzadeh Alley, Cultural and Educational Vice-Chancellor, 6th Floor, General Directorate of Documents and Publications, Quarterly Office.
Tehran, Islamic Republic of Iran
Tel: (021) 83232649
Website: Http:// Http://Www.Shahedeandisheh.Ir

the purpose of the journal:

preparing scientific platform for maximizing the use of sacrifice and martyrdom in cultural, social, Political And Economic Development Of The Country.

In the Name of God

Journal of Shahede Andisheh

Martyrs and Victims Foundation of Cultural and Educational Deputy

Course 3, No 2, Series 6, Autumn & Winter 2022

Production Manager: Seyedeh Fatem Rezaei
Technical Supervisor: Parastoo Soleimani
Layout: Ali karami
Editor: Shahnaz Shafi Khani
Cover Designer: Seyyed Mohammad Amin Mousavi
Printing House: Kowsar